نخبگان سیاسی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

جلد چهارم

نمایندگان مجلس شورای ملی

تألیف

زهرا شجیعی

نخبگان سیاسی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

نمایندگان مجلس شورای ملّی

ویژگی‌های گروهی و منشأ اجتماعی نمایندگان

مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی

تألیف

زهرا شجیعی

انتشارات سخن، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۳۹۲، تلفن ۶۴۶۵۹۷۰

□ نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

□ تألیف: زهرا شجیعی

□ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

□ چاپ اول: بهار ۱۳۷۲

□ حروفچینی و صفحه‌آرائی: سینا (قانعی)

فهرست مطالب

بخش اول
مشروطیت ایران و علل و موجبات آن

بخش سوم

پیشگفتار

با درود به روان پاک بانی جامعه‌شناسی نوین ایران، استاد علم و فضیلت و تقوی. شادروان دکتر غلامحسین صدیقی. نگارنده که بشاگردی آن یکتا استاد والامقام مفتخرم در طول ۲۰ سال متوالی برای انجام کارهای پژوهشی، همواره مورد عنایت و تشویق و راهنمایی خاص ایشان بوده‌ام. سپاس بیکران خود را در قبال تعالیم و هدایتهای علمی آن رادمرد دانش و اندیشه، طبق خواست مقام والایش، کوشش در ادامهٔ راه پژوهش میدانم. و این مجموعه بیقدر را که با استناد به مدارک و اسناد معتبر و نایابی که در طول سالهای بیشمار اشتغال در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و با رنج فراوان گردآوری شده است. به روان آن پژوهشگر آزاده زمان تقدیم میدارد.

پس از انتشار اولین چاپ این مجموعه که نخستین گام در شناخت علمی و تجربی مربوط به گروه برگزیدگان سیاسی ایران (ELITE) و در مرداد ماه ۱۳۴۴ بود، تا زمان حاضر که یک ربع قرن از آن تاریخ میگذرد. اقدام مشابهی از طرف پژوهشگران و صاحب‌نظران در این زمینه برای رفع نواقص این تحقیق برداشته نشد.

نگارنده، از آن نظر که یک دوره متمایز حکومت سلطنتی ایران را با عمری متجاوز از هفتاد سال تاریخ کشور، که از بُعد قانونی تحت‌عنوان سلطنت مشروطه نامیده میشود. نباید و نمیتوان نادیده گرفت و از بررسی درباره نهادهای سیاسی و ویژگیهای گردانندگان آن صرف‌نظر کرد. بر خود فرض دانستم با اقرار به عدم توان علمی و بینش جامعه‌شناسی گزارش حاضر را که در تکمیل نخستین چاپ کتاب نمایندگان میباشد. و در واقع مجموعه‌ای از اطلاعات مستند گردآوری شده است. در دسترس پژوهشگران جامعه‌شناس و علاقمندان به این گونه سلسله تحقیقات تجربی درباره گردانندگان و

مسؤلین نهادهای سیاسی ایران عصر مشروطیت قرار گیرد.

در تجدید چاپ تغییراتی صورت گرفته است که یادآوری آن ضرورت دارد. در بخش دوم کتاب که موضوع اصلی تحقیق می‌باشد. نماینده‌گان ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی را به دو دلیل در فصل جداگانه‌ای مورد بحث قرار داده‌ایم.

نخست آنکه اطلاعات راجع‌به گروه مورد مطالعه این سه دوره غنی‌تر و علاوه بر بررسی اعتبارنامه‌ها و مصاحبه با مطلعین از احوال آنها. از پرسشنامه‌هایی که حاوی اطلاعات وسیعتر از اعتبارنامه می‌باشد و توسط شخص نماینده‌گان تنظیم شده است استفاده کرده‌ایم. و در نتیجه داده‌های آماری ما در سطحی غنی‌تر از بیست دوره گذشته و مقرون به صحت بیشتری است. دلیل عمده دیگر، هدف مهم، دریافت تأثیر قانون اصلاحات ارضی، در ترکیب گروه‌های اجتماعی نماینده‌گان بود. که بجای خود از آن سخن خواهیم گفت.

نکته درخور تذکر. در جداول آماری، تعداد نماینده‌گانی که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند قید شده است نه کل نماینده‌گان هر دوره قانونگذاری

در چاپ قبل موضوع مورد بحث بخش سوم مشخصات اجمالی نماینده‌گان در بیست و یکدوره قانونگذاری بود. حال آنکه این برنامه با مشخصات کامل و تفصیلی در مجلدات دیگر انتشار خواهد یافت. و در این مجموعه تنها به ذکر اسامی نماینده‌گان ۲۴ دوره قانونگذاری و ادوار نماینده‌گی آنها برحسب حوزه انتخابیه اکتفا شده است. ضمناً در چاپ جدید متن قانون اساسی دوره مشروطیت و متمم آن با تغییراتی که در طول زمان پیدا کرده است آورده میشود. تا به توضیحی که در بخش اول کتاب تحت‌عنوان تحلیلی از قانون اساسی آورده شده است، روشنی بیشتری به‌بخشد.

زهرا شجیعی ۱۳۷۰

منشاء و سیر مشروطیت در ایران

کتاب حاضر ثمرهٔ کوششهای ممتد و خستگی ناپذیر خانم زهرا شجیعی میباشد که با پشتکار توأم با صداقت و ایمان که شرط اساسی توفیق در هرگونه کار علمی است و همچنین بکار بردن روش تحقیق جامعه‌شناسی در شمار برنامهٔ تحقیقی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی تحت نظارت همکار دانشمند و محترم آقای دکترشاپور راسخ بانجام رسیده است.

شاید در وهلهٔ اول چنین بنظر رسد که موضوع این کتاب یعنی بررسی دربارهٔ منشاء اجتماعی نمایندگان ادوار مختلف مجلس شوارى ملی و تفحص دربارهٔ عواملی که منجر به اعلان مشروطیت شد در مقایسه با مسائل اجتماعی حاد و پیچیده و متعدد زندگی اجتماعی کنونی که بمثابه دریای متلاطمی دائماً در معرض دگرگونی میباشد و هیچگونه تصویر ثابتی نمیتوان از آن در ذهن ترسیم نمود چندان حائزاهمیت نمیباشد و حال آنکه برای درک و تفهیم و شناسائی مسائل اجتماعی کنونی کمال ضرورت را دارد. خاصه آنکه سایهٔ این گذشته بر اثر خصوصیات سیاسی و اجتماعی و روانی هنوز به محیط فعلی این مرز و بوم دامن کشیده است زیرا بعد زمانی در زندگی اجتماعی دارای مفهوم دیگری میباشد که در چهارچوب زندگی فردی قابل انطباق نیست بطوریکه میتوان گفت جامعه در نتیجه تطور و تحول و تأثیراتی که عوامل مختلف بر یکدیگر اعمال میکنند گذشته را با آینده مرتبط کرده و درهم می‌آمیزد خصوصاً گذشته‌ای که چندان دور نباشد و بالاخص چنانچه این گذشته را از نقطه‌نظر سیاسی و اجتماعی منظور مطالعه قرار دهیم.

* * *

مجموعهٔ حوادثی که منجر به ظهور و تکوین مشروطیت ایران گشت شاخص دوران نو در تاریخ ایران است همچنانکه (رنسانس) در جوامع غربی آغاز ایام جدید بشمار میرود بقسمی که پنج قرن پس از آن فلسفه و طرز زیستی که زاده «رنسانس» بود در اروپا و امریکا ضامن تعمیم عدالت اجتماعی و گسترش آزادی بنحو عمیق در سایه قوانینی که موجد مساوات حقوق کلیهٔ افراد جامعه است و بالاخره برخورداری از تنعمات مادی تمدن ماشینی گردید.

هدف انقلاب مشروطیت ایران نیز متوجه تحقیق همینگونه مسائل بود هدفهائی که پس از حدود شصت سال که از آغاز مشروطیت میگذرد جامعهٔ ایران هنوز به برخی نائل نگردیده و بعضی را در نتیجهٔ تحولات بصورت دیگری حائز شده است بدیهی است برخی از این منظورها نیز کاملاً حاصل گردیده و جنبشی که خود در نتیجهٔ حصول این هدفها بوجود آمده و هم خود بحصول آنها مدد میرساند در ایران کنونی مشهود است. دربارهٔ انقلاب مشروطیت ایران که میتوان گفت در قرون اخیر از مهمترین حوادث اجتماعی کشور ما است تألیفات و تتبعات زیادی توسط محققان و مورخان ایرانی و خارجی انجام یافته است با تمجید و تحسین این آثار که اغلب نوشتهٔ کسانیست که از روی اعتقاد و ایمان و در عین بی‌غرضی (خود) شاهد صدیق بوده‌اند معهذا گفتنیها بسیار است زیرا انقلابات اجتماعی بعلت پیچیدگی و تعدد عوامل و آثار نظیر دیگر حوادث تاریخی و اجتماعی که بسادگی قابل توصیف و تفسیر است نمیباشد.

انقلاب مشروطیت ایران نظیر دیگر انقلابات عمدهٔ سیاسی در نتیجه نوعی تغییر حالت و روحیه در افراد مملکت بوقوع پیوست بعبارت دیگر یک عمل دستجمعی بود که در آن تعداد زیادی از افراد بالا خص افراد طبقات مؤثر جامعه سهمی اساسی داشتند و این حرکت و جنبش عمومی ثمرهٔ سیر تکوینی بطی و طولانئی بود که باید ریشه آنرا از اواخر دوران صفویه جستجو کرد زیرا انقلاب مشروطیت ایران منتجه نهضت فکری و تحول اجتماعی ریشه داری که دارای دو قرن و نیم سابقه است میباشد یعنی از آنهنگام که رونق کار و صنعت و تجارت رو بکاهش نهاد و بتدریج قدرت صنعتی و نظامی و سیاسی ایرانیان در برابر اقتصاد و تمدن توانمند و شکوفان اروپائی بسوی انحطاط گرائید ایرانیان با اعجاب چشم امید بمغرب زمین دوختند از زمان جنگ با پرتقالیها که سردارانِ صفویه بقدرت نظامی اروپائیان پی بردند برتری صنعتی و فنی اروپائیان برای مردم متفکر

و صاحبنظر امری محرز گردید ولی سلطه و نفوذ سنن و عادات گذشته از موانع عمده تغییر مسیر بود هر چند تبدیل سلسله‌های سلاطین از صفویه بافشاریه و زندیه و قاجاریه فقط چهرهٔ حکام را تغییر میداد بدون اینکه نظام اقتصادی و فلسفهٔ زندگی اجتماعی دگرگون شود. ولی در عین‌حال نظیر هر تغییر آشکار سیاسی مبین یک سلسله تغییرات نامرئی اجتماعی بود یعنی حاکی از بروز یک تشنج عمیق در وضع زندگی جامعه بود که از اواخر دوران صفویه شروع شده‌بود زیرا بعلت درهم کوفته شدن زیربنای اقتصادی مملکت نه کشورگشائی و دلاوری نادرشاه و نه مملکت داری و تدبیر کریم‌خان و نه جلادت و شدت عمل آغا محمدخان قادر نبود تعادل اقتصادی و اجتماعی دوران صفویه را بازگرداند فقط تعادلی که بدست آمد پس از جنگهای فتحعلی‌شاه با روسیه بود که باید آنرا آخرین هیجان و تلاش دانست که بدل بیأسی عمیق گردید و از آن به بعد داعیه‌ها فروکش کرد و کشور ما از نظر اقتصادی بحالت وابسته تغییر وضع داد در این دوران (قاجاریه) تعادلی بوجود آمد ولی در سطحی پائین‌تر از گذشته و از طرف دیگر جنگهای فتحعلیشاه با روسیه و شکستهای پی در پی ضربه موثری به سیستم معتقدات و هیمنه قدرت واهی زد و از آن به بعد اذهان دور اندیشان واقع بین راه چاره را پی روی از طریق و تدابیر فنی و سیاسی و اقتصاد غربیان دانستند ـ ابتدا قائم‌مقام مشاور مدبر عباس میرزا با اعزام جوانان مستعد بفرنگستان و سپس میرزا تقی‌خان امیرکبیر با شروع اصلاحات عمیقی که همه شئون لشکری و کشوری را دربرگرفت خاصه با تأسیس دارالفنون سبب شدند علوم و فنون غربی اشاعه یافته و تماس بلاانقطاع با تمدن و زندگی ملل مترقی برقرار گردد.

انتشار روزنامه وقایع‌اتفاقیه بوسیله امیرکبیر و چاپ و انتشار کتب و جزواتی که ترجمهٔ آثار متفکران غربی بود بتدریج موجب آگاهی بیشتر افراد مملکت از کم و کیف پیشرفتهای ملل اروپائی گردید. نویسندگان متعددی از میان افراد دانشمند و حتی اشراف ناراضی برخاستند که در زمینهٔ آشناکردن ایرانیان بمبادی تمدن و نظام سیاسی اروپائیان بعمق تمدن و فرهنگ و پیشرفتهای علمی و صنعتی و نهضت‌های فکری پی برده بصورت نخستین مبشرین و منادیان تمدن اروپائی درآمدند و با نشر جزوات متعدد افکار و عقاید جدید را دربارهٔ شئون گوناگون زندگی اجتماعی اشاعه دادند و انتقادات طنزآمیز آنها در شکستن ساختمان فکری کهنه و درهم کوفتن معتقدات رجال و

درباریان پر ادعا و کم مایه اثری عمیق داشت و با الهام از افکار حکما و فلاسفه فرانسوی از قبیل ژان‌ژاک روسو و منتسکیو و ولتر عقاید مربوط به حاکمیت ملی و حکومت قانون و آزادی را تبلیغ کردند از آنجمله است ملکم‌خان که با شناسائی کامل به تمدن اروپائی افکار وی تحت‌تأثیر نهضت فکری سن سیمون که مبتنی بر توأم ساختن فن کشورداری نوین با پیشرفتهای علمی و صنعتی بود قرار گرفت.

از مطالعه مقالات و کتابچه‌هائی که در زمینهٔ مسائل گوناگون اجتماعی انتشار داده است خصوصاً نظریه‌هائی که دربارهٔ تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی کشور بیان داشته و اشاراتی که باهمیت کار علمای اقتصادی و «مدیران» و متخصصان کرده است و تذکر این مطلب که کشور ما برای تجدید عظمت گذشته به «کارخانه آدم‌سازی» صحیح احتیاج دارد بخوبی برمیآید که ملکم باصول و مبادی نهضت فکری سن سیمون آشنائی داشته است زیرا هنگامیکه ملکم‌خان دوران نوجوانی را در مدارس فرانسه میگذرانید مصادف با غلیان افکار سیاسی و اجتماعی سالهای قبل از انقلاب ۱۸۴۸ در کشورهای اروپائی بود و در این زمان افکار سن سیمون در میان روشنفکران فرانسه طرفداران بسیار داشت و همچنین حکیم فرانسوی اگوست کنت پایه‌گذار جامعه‌شناسی که مؤسس فلسفهٔ تحصلی (تحققی) و مبشر مذهب انسانیت بود تجدد خواهی و آزادی طلبی را ممزوج با عشق و اعتقاد بانسانیت ترویج میکرد اینگونه افکار افق وسیع و پهناوری در مقابل دنیای تنگ و بسته رجال خودخواه دربار قاجار و روحانیون که بر اثر عقب ماندن از پیشرفت علوم با تعصب فراوان در حفظ آن میکوشیدند میگشود.

بدین نحو مقالات و نوشتجات ملکم و سپس انتشار روزنامهٔ قانون که بهمت وی شانزده سال قبل از انقلاب مشروطیت در لندن تأسیس شد و همچنین قبلاً روزنامهٔ عروه‌الوثقی که بوسیلهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی با همکاری شیخ محمدعبده رجل انقلابی مصر در پاریس انتشار میافت و روزنامهٔ ثریا که با بیانی تند و مؤثر بوسیلهٔ محمدعلی‌خان شیبانی (معروف به پرورش) در قاهره مبلغ افکار جدید بود و حبل‌المتین کلکته و کتب تألیفات دیگر ایرانیان از قبیل عبدالرحیم طالب‌اف در قفقاز و میرزا آقاخان کرمانی در استانبول سبب شد که افکار جدید از هر سو بداخل ایران رسوخ یابد و بتمایلات و انگیزه‌های گروه‌ها و طبقاتیکه دارای زمینهٔ مستعد و مشتاق تغییر و

دگرگونی نظام اجتماعی و اداری کشور بودند قالب و شکل مناسب بخشد.

مسلم است برخی گروهها و طبقات اجتماعی برای پذیرفتن عقاید نوین انقلابی واجد زمینهٔ فکری آماده‌تری بوده‌اند.

هرچند انقلاب مشروطیت ایران را نمیتوان از جمیع جهات انقلابی بورژوازی دانست زیرا در آنزمان هنوز وضع اقتصادی ایران بپایه‌ای نرسیده بود تا طبقه‌ای نظیر بورژوازی کشورهای اروپائی که عامل و هادی انقلابات سیاسی قرون هیجده و نوزده بود بوجود آید ولی مداقه در تاریخ اقتصادی و اجتماعی قرن گذشته ایران وجود دستجات و گروه‌هائی را معلوم میدارد که از جهاتی دارای برخی خصوصیات اجتماعی هستند که تا حدی با بورژوازی اروپا در قرون بعد از رنسانس قابل قیاس می‌باشد.

مقدمتاً ذکر این نکته بجاست که در مقابل فئودالیته در اروپا که قرنها حاکمیت و قدرت خود را خاصه در روستاها مستقر ساخته بود طبقهٔ بورژوازی بتدریج از سوداگران و صنعت‌گران در شهرها بوجود آمد و این طبقه که اساس قدرتش برخلاف فئودالیته نه متکی بزمین بلکه بر علم و صنعت و تجارت مبتنی بود طالب اسلوب اقتصادی متحرک و لغو امتیازات فئودال‌ها و برقراری نظام اجتماعی که تأمین منافع گروه‌های وسیعتری را دربر گیرد بود. باینجهت هدف بورژوازی در جهت مخالف منافع فئودالیته که حفظ وضع موجود بود قرار داشت شهرها بصورت مراکز و سنگرگاه‌های قدرت بورژوازی درآمد بطوریکه قرنها قبل از انقلاب کبیر فرانسه و دیگر انقلابات سیاسی اروپا شهرها صحنهٔ ایجاد نظامات اداری و محلی بتوسط بورژوازی گردید بطوری که انجمن‌های شهری در اکثر کشورهای اروپائی دارای چندین قرن سابقه وجودی میباشند و این انجمن‌ها و نظامات شهری نخستین هسته‌های اعمال حاکمیت ملی و تمرین و مشق مملکت‌داری است که بعدها به بورژوازی فرصت تعمیم و بسط آنرا بسراسر شئون مملکتی داده است.

ولی در ایران مالکین بزرگ بعلت خشکی هوا و دور بودن دهات از یکدیگر بعکس فئودالهای اروپائی که حاصلخیز بودن زمین امکان استقرار در منطقهٔ محدودی را بآنها میداد ناگزیر به بسط قدرت خود در مناطق وسیعی بودند که دامنهٔ آن بشهرها کشیده میشد و اکثر مالکین بمنظور نظارت بر این مناطق وسیع خصوصاً راهها درآن واحد بصورت سران ایلات و عشایر درآمده در شهر و ده صاحب نفوذ اصلی بودند و در صورت ضعف دولت مرکزی این نفوذ بحکومت مطلقه بدل میگشت.

بروزگار صفویه که صنعت و تجارت رونق داشت و هنوز مصنوعات ایرانی مقهور کالاهای ماشینی اروپائی نشده بود سلاطین این سلسله بمنظور حصول منافعی که از راه صنعت و تجارت عاید دستگاه دولتی میشد در بسط تأمین راه‌ها میکوشیدند ولی از اواخر دوران صفویه بعلت فقر و انحطاط صنایع و در نتیجه تجارت بتدریج نفوذهای محلی قدرت خود را بازیافتند و تجار و صنعتگران در مقابل مالکین و حکام محلی به طبقه‌ای زیردست و منکوب مبدل شدند از اینرو این طبقه که همچنان رؤیای دوران طلائی صفویان را در سر میپروراند از اواسط دوران قاجاریه کوششی را از نو آغاز کرد لکن بدلائل اقتصادی (ضعف تکنولوژی) و سیاسی (امتیازات دول خارجی) و اجتماعی (نفوذ و قدرت مالکین) موفق به تجدید رونق و احیای صنعت و تجارت گذشته نگردید. عدم کامیابی این طبقه را ناراضی ساخت خصوصاً اینکه حکومت بخواسته‌هایش یعنی استقرار امنیت داخلی و حفظ منافع تجاری ایران در خارج بی‌اعتناء بود و در صورت تمایل نیز بعلت عدم توانائی از عهدهٔ انجام آنها برنمی‌آمد بنابراین ایجاد امنیت و عدالت و مقاومت در مقابل قدرت خارجی جزء شعار و هدفهای این طبقه درآمد و چون تجار ایرانی عادت داشتند بدنبال مال‌التجاره خویش حرکت کنند با احداث راه‌آهن و خطوط کشتی رانی در کشورهای خارج سهل‌تر و دورتر سفر کردند و در شهرهای مختلف اجتماعاتی از ایشان بوجود آمد و بالنتیجه ارتباط مستقیم و مستمری با زندگی و تمدن اروپائی برقرار شد این ارتباط با روسیه بیش از دیگر ممالک توسعه داشت بقسمی که در بعضی از شهرهای آن کشور خصوصاً قفقاز تعداد ایرانیان که به تجارت و کسب و کار در کارخانجات و چاههای نفت میپرداختند بچندین هزار بالغ گردید و از اینجا بود که از میان این توده انبوه که قویاً تحت‌تأثیر آرمانهای انقلابی روسیه قرار گرفته بودند مجاهدان قفقاز و فدائیان برخاستند و در سالهای اول مشروطیت بسرکردگی یپرم وحیدرعماوغلی بصورت پاسداران اسلحه بدست مشروطیت درآمدند. خلاصه آنکه تماس افراد طبقات متوسط با تمدن اروپائی و آشنائی بفعالیت و ترقیات دنیای جدید صنعت در مقابل تحجر و درجازدن سیستم حکومتی موجب افزایش حس عصیان و نارضائی این طبقات بود در حالیکه داد و ستد تجار در داخل و خارج کشور و مراودات آنها با یکدیگر شبکهٔ ارتباطی مؤثری بوجود آورده بود که در نشر و اشاعه افکار جدید سهم بسزائی داشت زیرا از سال ۱۲۸۰ هجری قمری تأسیس پست و چاپار اتحاد بین تجار را بوجود آورده بود و

بدین نحو تجار و بازاریان وسیلهٔ انتقال افکار آزادی خواهی و حکومت قانونی و اصلاحات اجتماعی و مبارزه با قدرت حکام بمنظور تأمین منافع خود که در لفظ حکومت مشروطه خلاصه میشد گشتند و باقسام مختلف بصفوف آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان پیوستند از آنجمله است حمایت مؤثر آنان در انتشار جراید و نشریات انقلابی در داخل و خارج کشور. ضمناً توضیح این نکته لازمست که از انعقاد معاهدهٔ ترکمنچای ببعد ورود آزادانه کالاهای روسی و سپس دیگر کشورهای اروپائی صرفنظر از تأثیر اقتصادی که بالمآل موجب تضعیف صنایع داخلی بود نتیجه دیگری دربرداشت و آن آشناکردن مردم بصنایع و فنون جدید بود مصرف و استعمال مصنوعات متنوع خارجی اهالی کشور را بماهیت علوم و فنون و ترقیات اروپائیان در زمینه‌های مختلف متوجه ساخت و چون تجار و بازاریان خود عامل اصلی ورود این مصنوعات بودند بیش از دیگران از نظر روحی تحت‌تأثیر قرار میگرفتند.

همراه و متفق عمده این طبقه روحانیون بودند زیرا حق مکتسب و اثبات حقوق این طبقه را شرح اسلام تأیید میکرد و روحانیون از دیرگاه سمت رهبری معنوی را بر آنها داشتند از حل مسائل خانوادگی و احوال شخصی گرفته تا امور مربوط بداد و ستد و بالاخره زندگی دینی آنان با روحانیت ارتباط داشت در حقیقت روحانیان و بازاریان دو دسته از مردمان مؤثر شهر بودند که مکمل و محتاج یکدیگر بودند.

روحانیت شیعه که از زمان صفویه قدرت و قوام بسیار یافته و در امور دینی و دنیوی حائز اختیارات بسیاری بود از زمان نادرشاه سلطه گذشته را از دست داده بود از یکطرف دولت قاجاریه روحانیت را قدرتی رقیب می‌پنداشت و با جداکردن امور شرعی از امور عرفی و اختصاص امور عرفی بدولت در صدد تضعیف قدرت روحانیت برآمد و از طرفی دیگر پیشرفت علوم و معارف اروپائی سبب شد که دستگاه روحانیت که در گذشته قلمرو آن بهمهٔ جنبه‌های معنوی و علمی جامعه کشیده میشد بصورت یکدستگاه مندرس و کهنه جلوه کند و بر اثر آن دو جریان مختلف در نزد روحانیون بوجود آمد یکی تعصب در قشری بودن و اکتفا بظواهر و تشریفات خارجی منهای روح خلاق و هدف غائی دین و دیگری کوشش در انطباق اصول و مبانی دین با پیشرفتهای جدید و جهاد در راه تعالی جامعه زیرا مبلغینی از قبیل سید جمال‌الدین اسدآبادی فلسفه و منطق این مبارزات را برای آنان روشن کرده بودند دستهٔ اول با بهره‌ایکه از قدرت و نفوذ دربار

و حکام برمیگرفتند طرفدار نظام موجود بودند و دستهٔ دوم که اغلب روشنفکرتر بودند همراه و هم رای مشروطه‌طلبان و متجددین گردیدند و با آگاهی کامل یا ضمنی تجدید قدرت خود را در رهبری مبارزات ملی می‌دانستند* واقعه رژی و منع استعمال تنباکو به جرئت و جسارت سیاسی آنها افزود زیرا در این واقعه روحانیون شیعه توانستند از دو سلاح اجتماعی دین یعنی تحریم در استعمال شئی و تکفیر افراد بغایت استفاده کنند و از آن پس در هدایت نهضتهای ملی مسئولیت بیشتری را برای خود قائل شدند و در صدد بودند که از اینراه اعتبار از دست رفته را باز یابند.

از عواملی که در سوق دادن روحانیت بسمت هدفهای مشروطیت تأثیر بسزا داشت علمای نجف یعنی دارالعلم شیعیان بودند زیرا علمای مذکور که از هرگونه اشرافیتی بدور بوده و بتعالیم اساسی شیعه نزدیک بودند و زندگی ساده و عاری از تجمل آنان موجب تقویت صفات حریت و آزادگی و احترام بشخصیت انسانی در آنان بود خصوصاً آنکه بعلت خارج بودن از حیطهٔ تسلط مستقیم حکومت وقت قدرت مستقلی در مقابل دربار قاجاریه تشکیل میدادند و از طرفی متأثر از بعضی از اقدامات و پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی عثمانی و تا حدودی دول دیگر بوده باین علل علمای نجف فرصت مناسبی یافتند تا احساسات باطنی و همیشگی ضد حکومتی خود را از قوه بفعل آورده و در برابر تجمل‌پرستی و سستی و اهمال حکومت قاجاریه قدعلم کرده شیعیان را بمبارزه با آن و همچنین با نفوذ روزافزون خارجی ترغیب کنند.

در باب تأثیر علوم و معارف غربی میتوان گفت دارالفنون و مدارسی که بعد از آن بتوسط بعضی از رجال اصلاح‌طلب ناصری و میسیون‌های مذهبی خارجی از اوائل دورهٔ ناصرالدین شاه به بعد در تهران و دیگر ولایات تأسیس شده بود موجب آشنائی طبقات مختلف شهری با علوم و معارف جدید بود ولی سیستم حکومتی و طرز اداره مملکت بموازات این رشد و نمو فکری پیشرفت نمیکرد و پیش از پیش بعنوان مانع و رادعی در انجام افکار و مقاصد اصلاح‌طلبانه بچشم میخورد.

بدین‌نحو بتدریج قسمتی از اعیان و اشراف که میتوان آنان را به یک نوع اشرافیت درجهٔ دوم تشبیه کرد و همچنین مستوفیان واداریانی که در اثر علم و آگاهی وارد دایرهٔ اعیان شده بودند بخصوص مأمورین وزارت امورخارجه که سالها در کشورهای خارج بسر برده و برمز موفقیت دیگر کشورها و فلسفه تشکیلات جدید پی برده بودند

دارای تمایلات مشروطه‌طلبی گردیدند. عدم موفقیت رجال روشنفکر و اصلاح‌طلب دوران ناصرالدین شاه از قبیل میرزا حسین‌خان سپهسالار و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله که با رویهٔ اعتدالی در صدد وضع قوانین و برقراری نظامات متناسب با روحیهٔ عصرجدید و احتیاجات مملکت بودند گذشته از آنکه تجربه‌آموز بود به رسوخ و ماهیت عقاید و افکار ایشان میافزود با پیشرفت این نوع افکار و خاصه با ظهور یک نوع اشرافیت درس خوانده یا ناراضی تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعیان و اشراف نیز بتدریج طرفدار حکومت مشروطه (مشروطه‌خواه) گردیدند.

افزایش تعداد افراد ایل قاجار پس از چندین سال سلطنت سبب شده‌بود که اکثر مقامات مهم به افراد این خاندان تفویض گردد همین امر موجبات عدم رضایت عشایر و ایلات دیگر را فراهم میکرد بطوریکه سران ایل بختیاری نیز بعلت صدماتی که از حکومت قاجاریه خورده بودند و همچنین بعلت آشنائی با افکار و عقاید جدید که از راه تحصیل در خارج برای عده‌ای از آنها حاصل شده‌بود متمایل بمشروطه گشتند و سهم موثری خصوصاً در مبارزه با دولت مستبد محمدعلی شاه و فتح تهران برعهده داشتند. خلاصه آنکه مجموعهٔ این عوامل و تأثیر نهضت‌های آزادیخواهی کشورهای همجوار از قبیل حزب سوسیال دموکرات در روسیه و حزب اتحاد و ترقی در عثمانی منجر به تکوین نهضتی شد که در آغاز شعار آن برقراری قانون و ایجاد عدالتخانه بود و سپس تعمیم بیشتری یافت و مبدل به جنبشی ملی گردید که هدف آن تنظیم و تفکیک قدرت و اختیارات دولت و ملت و نظارت نماینده‌گان ملت در امور عمومی بود.

شکست نیست که رقابت دو دولت نیرومند خارجی (خصوصاً سیاست دولت انگلیس که مادام که حکومت بصورت سابق باقی میماند همچنان سیاست دولت ایران را تحت‌تأثیر سیاست دولت روسیه میدانست) موثر در بیداری ایرانیان و پیشرفت کار مشروطه‌طلبان بود ولی جریان عمومی و هدف نهائی نهضت مخالف با نفوذ بی‌حد خارجیان بود کماآینکه از نخستین نتایج توافق میان این دو سیاست جلوگیری از گسترش فکر مشروطه و نتائج اصلی آن بود.

* * *

در دورهٔ اول مجلس که هنوز شعله‌های انقلاب فروزان بود و انتخابات جنبهٔ طبقاتی داشت نماینده‌گان این دو دوره اکثراً مظهر واقعی طبقات و گروه‌هائی بودند که در

ایجاد مشروطه سهم اساسی داشتند بطوریکه بررسی شغل نماینده‌گان نشان میدهد در دورهٔ اول بیش از چهل درصد نماینده‌گان از تجار و اصناف بودند دورهٔ بعد این نسبت به نه درصد تقلیل مییابد بالعکس نسبت ملاکان بدوا از ۲۱ درصد به سی درصد و سپس همچنان بافزایش میگراید بطوریکه از دورهٔ ششم تا دورهٔ بیستم حدود پنجاه درصد نماینده‌گان را ملاکان تشکیل میدهند. از مطالعهٔ وضع شخصی و اجتماعی و کلای دورهٔ دوم بخوبی برمیآید که مالکان بمحض اینکه از حالت غافلگیری دورهٔ اول مشروطیت خارج شدند در دورهٔ دوم کسان و عوامل خود را وارد مجلس کردند ولی از دورهٔ سوم بخوبی وضع خود را با وضع جدید منطبق کرده و از این به‌بعد مستقیماً و شخصاً وارد مجلس شدند چون در مجلس اول انتخابات جنبهٔ طبقاتی داشت باین جهت طبقات بازاری و شهری توانستند صاحب نفوذ عمده‌ای باشند ولی بعداً قانون انتخابات طوری تنظیم گردید که عملاً مالکین مقام اول را بدست آوردند. در حقیقت باید گفت دموکراسی که بعضی آنرا حکومت عدد خوانده‌اند وقتی بدون مفهوم و معنای واقعی که در جامعهٔ غربی وجود دارد به یک کشور غیرصنعتی وارد شد بصورت وسیله‌ای درمیآید که فقط کسانی که گروه متشکلی در اختیار دارند از آن بهره‌مند میگردند.

نتیجه آنکه تجار و اصناف که عوامل یکنوع بورژوازی میباشند و سهم اصلی را در مشروطیت داشتند بعلت ضعف بنیهٔ صنعت و تجارت مملکت نتوانستند مدت کوتاهی مقام اول را در سیاست دارا باشند و چون نظام اقتصادی و اجتماعی همچنان در دست مالکان بزرگ بود آنان بزودی دستگاه حکومتی جدید را دردست گرفتند. بدون شبهه یکی از دلائل شکست این طبقه این بود که در مقایسه با بورژوازی کشورهای اروپائی یک طبقه مولد و سازنده متاع ماشینی نبود بلکه فقط وارد کننده آن بود و علیهذا از خود نیروی مستقلی نداشت. ولی مطلب شایسته دقت اینست که مشروطیت ایران در شهرها نضج گرفت و مردم طبقات متوسط از مدافعین اولیه آن بودند و زمانیکه در دوران استبداد صغیر نهضت مشروطه‌طلبی جنبهٔ مبارزه مسلح بخود گرفت بتدریج بدست نیروهای غیرشهری یعنی ایلات و عشایر افتاد. چه شد که افراد یک ایل که طبق رسوم و سنن زنده‌گی کوچ‌نشینی بسر می‌بردند و تابع نظام نیمه فئودالی و نیمه عشیره‌ای بودند بصورت یکی از عوامل موثر مشروطیت درآمدند؟ در صورتیکه از جهت بحث نظری و ایده‌الوژی طبقاتی رابطه‌ای میان زنده‌گی عشیره‌ای و آرمان‌های انقلابی نظیر مشروطیت

ایران وجود نداشت بعبارت دیگر عشایر نمیتوانستند خواهان همان رژیم سیاسی باشند که بازاریان و تجار بدنبال آن بودند.

شاید بتوان مداخلهٔ ایلات را چنین تعبیر کرد که هنگامیکه بحران رژیم آغاز شده‌بود و مردم شهرنشین برای دردست گرفتن قدرت وارد صحنهٔ مبارزات سیاسی شده و در اینراه موفقیت بی‌سابقه‌ای بدست آورده بودند ولی بعلت عدم توانائی در نگه داشتن آن در برابر قدرت مالکین و عشایر آخرالامر بقسمتی از همین قدرت پناهنده شدند. کمک این قسمت از نیروهای مسلط گذشته که عشایر بختیاری بودند توانست مشروطه‌خواهان را به پیروزی برساند و ناگزیر کسانیکه در این پیروزی سهم موثر داشتند مشروطیت بازیافته را تحت‌تأثیر روحیه و افکار و منافع خود قرار دادند در حقیقت پس از چند سال کشمکش میان مردم شهرنشین و نیروی خارج از شهر مجدداً قدرت در دست نیروهای عشایری و مالکین افتاد.

بی‌شک جانبازی و دلاوری‌های مردم شهرهای ایران خصوصاً تبریز و رشت و اصفهان و مشهد از هنگام بستن مجلس بدست محمدعلی شاه تا فتح تهران و سپس در مقابله با التیماتوم دولت روسیه علیرغم ستمگریهای قوای آن دولت تا مبارزه با قیامهای همدستان محمدعلی شاه خصوصاً فداکاری و مجاهدت فدائیان از صحنه‌های افتخارآمیز تاریخ ایران بوده و دلیل براین است که جنبش مشروطیت ریشه‌هائی در میان توده مردم خصوصاً شهرهای بزرگ ایران داشته‌است.

ولی چه شد که نتیجه مطلوب حاصل نگشت؟ آیا ایده‌آل‌ها و شعائر انقلابیون بلندپرواز ایران منطبق با امکانات زندگی واقعی ایران نبود؟ یا اگر مشروطه‌خواهان با اعتدال بیشتری عمل میکردند از جانبازی‌های ایشان ثمرات و نتایج مفیدتری عاید میشد؟ آیا همچنانکه برخی از مورخین خارجی معتقدند محیط سیاسی و اجتماعی آن زمان ایران قابلیت جذب قانون‌اساسی و متمم آن را حائز نگردیده بود؟ آیا نگرانی بیگانگان و حتی آن دسته که در ابتدا از فکر مشروطیت حمایت میکردند از به ثمر رسیدن کامل یک انقلاب ملی که میتوانست اثرات عمیقی در آسیا از خود بجای گذارد موجب انحراف و تا حدی وقفه نهضت گردید؟ آیا اصولا مشروطیت با هیجان و شور و جنبشی که در میان عده‌ای افراد روشن‌فکر بوجود آورد بیشتر یک نهضت فکری و ادبی بود تا یک انقلاب عمیق اجتماعی؟ آیا علم و دانش طبقات حاکم در ایران طی شصت

سال گذشته رابطه با مقام و قدرت اجتماعی آنان داشته است؟ آیا روحانیت با همهٔ نفوذ عمیق خود در میان عامهٔ مردم از نظر سیاسی قدرت مستقلی بوده و یا تابع نوسانات قدرت طبقات دیگر بوده است؟ آیا افراد مؤثر طبقهٔ حاکمه تا قبل از اصلاحات ارضی که یک دگرگونی طبقاتی بهمراه دارد تعداد معدودی را تشکیل میداد و مقام و قدرت سیاسی در میان آنان موروثی بود؟ آیا عقب‌نشینی و شکست طبقهٔ تاجر و بازاری در صحنهٔ سیاست، یعنی کسانیکه میتوانستند نظیر بورژوازی مغرب‌زمین در صورت موفقیت سهم اساسی در تحولات اقتصادی و اجتماعی نیم قرن اخیر بعهده داشته باشند، باین نظریه منجر نمیشود که احتمالا چنین طبقه‌ای فرصت تاریخی و امکان رشد وسیع خود را برای همیشه از دست داده باشد؟ و آیا میتوان ادعا کرد که در ایران نیز نظیر سایر کشورهای جهان قدرت و مقام اجتماعی از آن کارشناسان و مدیرانی خواهدبود که روزبروز در حال کسب اهمیت بیشترند، آیا افزایش تدریجی نسبت اداریان در ادوار اخیر قانونگذاری نمیتواند مؤید این مطلب باشد و نباید آنرا نشانهٔ نضج و پیشرفت یک طبقهٔ جدید در کشور دانست؟. طبقه‌ای که در آینده بصورت مدیران و رهبران دستگاههای تولیدی و سازمانهای اجتماعی کشور درخواهد آمد و عملاً وظایف تاریخی بورژوازی کشورهای مغرب‌زمین را در یک اقتصاد جدید ارشادی ایفا خواهد کرد؟

اینها مسائلی است که مؤلف محترم کوشش کرده‌است در مقدمهٔ کتاب و بازحمت زیاد از راه گردآوری اطلاعات که در جداول مربوط به شغل نمایندگان و شغل پدران آنها و میزان تحصیلات و تکرار ادوار نمایندگی و شرح‌حال نمایندگان بیست و یکدوره قانونگذاری نمایان است تا حدامکان بآنها پاسخ گوید.

برای عده‌ای ممکن است این سئوال پیش آید که بعلل مداخلات گوناگون و وضع قانون انتخابات و طرز اجرای آن کلیهٔ ادوار قانون‌گذاری مظهر و نشانه تمایلات سیاسی و اجتماعی اهالی کشور نبوده و نمیتوان کیفیت آنرا ملاک و مبنای یک مطالعهٔ علمی قرار داد ولی آنچه از نظر چنین مطالعه‌ای قابل توجه است اینستکه در هرحال ساختمان طبقاتی مجلس در ادوار مختلف خود نشانه و مظهری از ساختمان قدرت‌های موجود بوده و معرف وضع طبقات اجتماعی و میزان تأثیر هر یک در زندگی سیاسی کشور بوده‌است.

بهرصورت مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی خوشوقت است در آستانه

شصتمین سال اعلان مشروطیت از راه یک پژوهش علمی در راه شناسائی کامل‌تر یکی از مهمترین و شورانگیزترین حوادث تاریخ معاصر ایران یعنی انقلاب مشروطیت و چگونگی ترکیب مجلس و منشاء اجتماعی نماینده‌گان ادوار قانون‌گذاری ایران در این مدت شصت سال بسهم خود قدمی بردارد.

دکتراحسان نراقی

۱۲ امرادماه ۱۳۴٤

سخنی مقدماتی در باب تحقیقات راجع به برگزیدگان سیاسی

تحقیق دربارهٔ نظام اجتماعی و ترکیب طبقاتی در هر جامعه‌ای یکی از مهمترین و اساسی‌ترین انواع پژوهش‌های جامعه‌شناسی است و فواید بسیار را متضمن است.

مطالعه در ساخت طبقاتی جامعه نه فقط از آن جهت سودمند است که کلید فهم و تبیین سازمان قدرت و حکومت را بدست می‌دهد بلکه از این جهت نیز فایده دارد که عامل «قشر یا طبقه» از موثرترین عوامل اجتماعی بشمار است و بسیاری از رفتارهای اجتماعی بهمین عامل بستگی دارد. شیوهٔ زندگی، نوع فکر و سلیقه در قشرها و طبقات مختلف هر جامعه متفاوت است و حتی در جوامعی که بر اصول دموکراسی مبتنی است این تفاوت‌ها بچشم می‌خورد چنانکه بآسانی از طرز آرایش، سخنگویی و سلوک هر فرد می‌توان حدس زد که بکدام قشر یا طبقهٔ اجتماعی تعلق دارد. اثر قشر و طبقه بهمین‌ها محدود نمی‌شود میزان تمتع و بهره‌مندی از زندگی و مزایای آن در طبقات و مراتب مختلف اجتماعی یکسان نیست و این تبعیض حتی در مورد مرگ و میر نیز دیده می‌شود چنانکه مثلا نسبت متوفیات نزد نوزادان و کودکان فقیر آشکارا بیش از فرزندان اغنیا است.

تحقیق در قشربندی اجتماعی کاری دشوار است و روش‌های گوناگونی که در این زمینه بکار می‌رود هیچ یک از نقص بدور نیست. جامعه‌شناسان غالباً از دو دسته روش در این گونه پژوهش‌ها نام می‌برند که عبارت از روش‌های عینی و ذهنی باشد در روش عینی Methode objective از نشانه‌های برونی طبقه بوجود آن پی می‌برند چنان که میزان ثروت یا درآمد، وضع فرد در سازمان تولید، شغل و حرفه، درجهٔ تعلیم و تربیت و اندازهٔ قدرت سیاسی یا حرمت اجتماعی شخص را علامت طبقهٔ او می‌شمرند و براین

نظریه تکیه می‌کنند که میان طبقهٔ فرد و مشخصاتی که نام بردیم همبستگی وجود دارد بعبارت دیگر طبقات برتر غالباً ثروت بیشتر دارند یا شغلی ممتاز را اشغال کرده‌اند و یا در دستگاه حکومت صاحب نفوذ و اقتدار هستند و یا از احترام اجتماعی خاصی برخوردارند. از جمله ایرادهایی که براین روش وارد است یکی آن است که در جامعهٔ دموکراتیک بسیاری از اعضای طبقات کهتر ارتقاء اجتماعی حاصل می‌کنند و بمدارج عالی تحصیل یا مشاغل بزرگ دست می‌یابند و دیگران که بگفتهٔ ماکس وبر Max Weber قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و قدرت اجتماعی همواره با یکدیگر جمع نمی‌آیند و در بسیاری از جوامع صاحبان هر یک از این سه قدرت، از قدرتهای دیگر بی‌بهره هستند و هر یک از آن سه جداگانه در شیوهٔ رفتار، سبک زندگی و میزان بهره‌مندی از امکانات و امتیازات اجتماعی مؤثر است.

روش ذهنی Methode. subjective براین اساس است که افراد جامعهٔ طبقهٔ اجتماعی را چگونه تعریف می‌کنند و خود را از کدام طبقه می‌دانند و دیگران را نیز بکدام طبقه متعلق می‌خوانند (خودسنجی و دیگرسنجی طبقاتی) این روش هم از خطا برکنار نیست زیرا اثبات این مطلب مشکل است که همیشه فکر و سنجش مردم با واقعیت منطبق باشد.

نگارندهٔ این سطور گرچه از نارسایی روش‌های تحقیق در طبقات اجتماعی غافل نبوده است اما نظر باهمیت چنین تحقیقی از سالی چند پیش از این با همکاری گروهی از پژوهندگان جوان باین کار خطیر دست زد و هنوز در این مسیر چندان پیش نرفته بود که توجه باین نکته حاصل کرد که شناسائی ساختمان جامعهٔ ایران، بدون آگاهی بر مشخصات و خصوصیات افراد برگزیده « Elite » که در زمینه‌های مختلف و از جمله در سیاست مراتب عالی را احراز کرده‌اند به نتیجه نمی‌رسد. حسن مطالعه شخصیت‌های نخبهٔ جامعه این است که از جهت شمارهٔ محدود هستند و دربارهٔ آنها تحقیقات دقیقتر مقدور است و حال آن که تعمق در نظام کلی جامعه کاری است که هم مستلزم فرصت طولانی است و هم در مراحل نخستین با روش‌های متعارف عینی و ذهنی بدقت صورت نمی‌پذیرد.

مطالعه در افراد نخبهٔ هر اجتماع فواید دیگری نیز دربردارد و از جمله این که ضمن آشنایی با تعادل نیروها در جامعهٔ کنونی، می‌توان پیش‌بینی نزدیک به حقیقتی

دربارهٔ تحولات آیندهٔ آن جامعه کرد و اگر نتوان در حال حاضر باضعف علوم اجتماعی از جهت آینده‌پژوهی، جزییات وقایع آتیه را معلوم داشت لااقل می‌توان مسیر کلی راکه نظام اجتماعی در آن سایر است بتقریبی پذیرفتنی روشن کرد.

چون بررسی نخبگان را مرحلهٔ اول در طریق تحقیقات مربوط به شناخت ترکیب و نظام اجتماع ایران منظور داشته‌ایم شایسته است که در این جا مجملاً از سوابق این گونه مطالعات یاد کنیم.

* * *

مطالعه و تحقیق دربارهٔ آن که برگزیدگان عالم سیاست کیستند و چه صفات و مشخصات دارند و از کدام قشر یا گروه اجتماعی بیرون آمده و چه اثری در تحول جامعه نهاده‌اند در تاریخ تفکرات و پژوهش‌های جامعه‌شناسان سابقه‌ای دراز و ممتد دارد. از جمله فلاسفهٔ یونان، یکی افلاطون بود که عقیده داشت در مدینهٔ فاضله باید حاکمان از حکمت برخوردار باشند و حکیمان بحکومت دست یابند. قول باین که زعمای جهان سیاست باید در عین‌حال نخبهٔ فکری و معنوی باشند نزد بسیاری از متفکران دیگر اجتماعی نیز مورد قبول بوده‌است. چنانکه پاره‌ای صاحبنظران اروپایی در قرون وسطی و کثیری از اندیشمندان مشرق‌زمین از دیرباز، معتقد بودند که رهبران سیاسی برگزیدگان و مبعوثان خدا هستند و نیز مذاهبی چون بودائی و برهمائی که نگهبان سلسله مراتب متحجر و غلیظ کاستی Systeme de caste بوده قدرت سیاسی و دیگر امتیازات اجتماعی را بگروهی محدود و مخصوص که قشر والای جامعه باشد اختصاص داده‌است.

تحقیق دربارهٔ صفات و مشخصات و منشأ اجتماعی کارگردانان سیاسی از هنگام ظهور جامعهٔشناسی جدید صورت علمی گرفت و از خیالپروری و آرزوپردازی دوری جست. در مقابل سن‌سیمون Saint _ Simon که خواستار حکومت علما و ارباب صنایع و بانکداران و بزرگ مالکان بود،"مارکس Marx دولت را در جوامع کنونی اعم از فئودالی و سرمایه‌داری محکوم کرد و زمامداران سیاسی را استثمارگران اقتصادی یا حافظ مصالح و منافع چنین گروه شمرد. بگمان مارکس در هر جامعه‌ای مردم بدو گروه مالک وسایل تولید و فاقد آن وسایل تقسیم می‌شود و همواره گروهٔ نخست بر گروهٔ ثانی حکم میراند و از او ظالمانه بهره می‌گیرد.

دانشمند دیگر که در این باب تحقیق کرده موسکای G. Mosca ایطالیایی

است که می گوید در هر جامعه‌ای دو طبقه یکی حاکم و دیگری محکوم در کارند و طبقهٔ اول گرچه بشماره قلیل است اما قدرت سیاسی را بدست دارد و از امتیازات ناشی از قدرت برخوردار است و طبقهٔ ثانی را که مرکب از اکثریت خلق است تحت فرمان می گیرد و بر او اعمال نظارت و مراقبت می کند. طبقهٔ حاکمه بصفاتی متصف است که در جامعه قدر و وزن داشته باشد چنان که اگر در جامعه‌ای زورمندی و جنگاوری مورد ستایش باشد برگزیدگان سیاسی از میان جنگجویان برمی‌خیزند و در آن جا که توانگری واجد اهمیت است اصحاب مال و نعمت بحکومت می‌رسند.

جامعه‌شناس ایطالیایی پارتو. Vilfredo. Pareto در بحث از مردم نخبه، عوامل غریزی را دخالت داده و مدعی شده‌است که گرداننده چرخهای زندگی فرد و اجتماع پاره‌ای غرایز یا «ثوابت عاطفی» و بقول او بقایا « Résidus » است و این غرایز در افراد و گروه‌های مختلف بدرجات متفاوت تجلی می کند چنان که در مردمان برگزیده‌ای که تازه بقدرت سیاسی رسیده‌اند غریزه‌ای خاص که «تمایل به ترکیب و نوآوری» باشد نیرومند است اما همین که زمانی برآمد و بقول ابن خلدون، صفات دلیری در آن گروه تباه شد و بناز و نعمت و تجمل خو گرفتند و تن آسان شدند غریزه‌ای دیگر که «حفظ تراکیب» باشد در آنان قوت می‌گیرد و بجای کوشش در ابداع و اصلاح جامعه، سعی در نگهداری و ادامه قدرتی می کنند که روزی بنیروی ابتکار و دلیری بدست آورده‌اند و ناچار به محافظه کاری و ارتجاع روی‌آور می‌شوند. روشن است که اگر جامعه‌ای با زور و جبر بدست سیاستمداران مقتدری که تنها در پی حفظ امتیازات خویشند اداره شود و از هوش خلاق «مبدعان و مصلحان»[۱] عاری باشد بزودی بفساد می گراید. از این رو ناچار باید خون تازه‌ای در هیکل اجتماع بجریان آید و «سیر نخبگان» نوآور از طبقات کهتر بطبقات برتر صورت گیرد. اگر این سیر و ارتقاء اجتماعی روی ندهد و قشرهای بالای جامعه از عناصر منحط و قشرهای پایین از افراد پرمایه ترقی طلب لبریز شود انقلاب درمی‌گیرد و نظام اجتماعی واژگون می‌شود.

دو محقق معاصر که نظری دربارهٔ برگزیدگان سیاست عرضه کرده‌اند هارولد لسول Harold Lasswell امریکایی و تیماشف انگلیسی N. S. Timasheff هستند. لسول

۱ـ ماکیاول دستهٔ اول را شیران و دستهٔ دوم را روباهان می‌خواند

بر آن است که در جامعه هر کسی را هوسی درسر و کاری در پیش است و سیاستمدار کسی است که هوای قدرت دارد و از میان ارزش‌های جامعه این یک را برمی‌گزیند. عشق بقدرت ممکن است ناشی از این باشد که فرد باقلیتی حاشیه‌نشین در جامعه تعلق دارد و از راه قدرت سیاسی می‌خواهد برای خود موقع و مقامی ممتاز در قلب اجتماع تحصیل کند. جستجوی قدرت ممکن است خود وسیلهٔ نیل بغایتی دیگر چون ثروت ـ شهرت ـ احترام اجتماعی و امنیت باشد حتی ممکن است عقدهٔ حقارت شخص او را بطلب قدرت برانگیزد. بدیهی است که محرکات درونی و روانی کافی نیست باید شخص بآداب سیاست مطلع باشد و نیز فرصت‌های مساعد فرا راه او گشوده شود. تیماشف معتقد است که هر گروهی طبعاً بدو دسته تقسیم می‌شود افراد فعال و افراد فعل پذیر، افراد فعال آنها را گویند که بقول برتراند راسل Bertrand Russell میل تسلط بر دیگران و ذوق فرمانروایی دارند و افراد منفعل به پیروی و فرمانبری راغب هستند. در جامعه‌های ساده و ابتدائی حکومت بدست گروهٔ اول و تبعیت کار گروهٔ دوم است اما در جوامع پیچیده ممکن است عوامل دیگری چون اصل و نسب ـ ثروت و مانند آن در کار آید و شخصیتهای فعال مستعد اعمال قدرت را بکنار گذارد. بدیهی است که اگر روش جامعه چنان باشد که پیوسته دارند گان ذوق و توانایی حاکمیت را از قدرت محروم کند خطراتی در پیش است و ممکن است روزی طبایع فعال بشورند و بزور، قدرت را بچنگ آورند.

* * *

تحقیقاتی که بدانها اشاره رفت گرچه بر مشاهدهٔ جوامع و مطالعهٔ تاریخ و روانشناسی مبتنی است اما جنبهٔ آماری و تجربی ندارد. در جامعهٔ امروزی که بیش از پیش از جهت گروها و طبقات، تنوع و پیچیدگی حاصل می‌کند قول باین که قدرت فقط در دست کسانی است که چنین یا چنان صفاتی دارند و فی‌المثل همگی از طبایع فعال، قدرت گرایان، نوآوران، متصفان به صفات عالی، مالکان وسایل تولید و سرمایه‌داران استثمارگر اقتصادی هستند نادرست است از همین رو باید در هر جامعه‌ای جداگانه مطالعه کرد و بروش‌های آماری و تجربی متوسل شد و معلوم داشت که هر یک از گروه‌ها یا طبقات اجتماع چه سهمی از قدرت دارند و مشخصات فردی و اجتماعی قدرتمندان در هر جامعهٔ خاص کدام است؟

این گونه مطالعه در سرزمین‌های دیگر بی‌سابقه نیست و از حدود بیست سی سال پیش آغاز شده‌است اما در کشور ما تازگی دارد و می‌توان گفت که کتاب حاضر نخستین تحقیق آماری و تجربی است که دربارهٔ قسمتی از برگزیدگان سیاسی ایران تدوین شده‌است. بر مقایسه نتایج این تحقیق با مطالعاتی که در ممالک دیگر صورت گرفته فواید بسیار مترتب است و ما را در شناخت بهتر و ژرفتر نظام سیاسی و اجتماعی ایران یاری می‌کند از این رو مجملا بپاره‌ای از مطالعات خارجی اشاره می‌کنیم.

تحقیقی دربارهٔ نمایندگان کنگرهٔ امریکا در ۳ - ۱۹٤۱ و سناتورهای همان کشور در ۵۱ - ۱۹٤۹ حاکی از آن است که وکلای مجالس امریکا بیش از همه فرزندان چهار گروهٔ اجتماعی مالکان ـ کارمندان دولت ـ مزرعه‌داران و صاحبان مشاغل آزاد بوده‌اند و شمارهٔ فرزندان کارگران صنعت ـ کارگران کشاورز ـ خدمتکاران و مزدوران دیگر در میان آنها بسیار قلیل بوده‌است.

اکثر نمایندگان مجالس از مشاغل آزاد تخصصی (٦۹ درصد) و خصوصاً حقوقدانی و وکالت دادگستری به سیاست پرداخته‌اند و در درجهٔ بعد صاحبان مشاغل اداری و مالکان (۲۲ - ۲٤ درصد) قرار گرفته‌اند قلیلی نیز قبلا مزرعه‌دار بوده‌اند (٤ - ۷ درصد) و کارگران و مزدوران تقریباً بمجالس راه نداشته‌اند. درجهٔ تحصیلات نمایندگان در ۸۷ درصد موارد دانشگاهی بوده و بیسواد هرگز و کم‌سواد جز در چند مورد ناچیز بمجالس پذیرفته نشده‌است.

تحقیق دیگر دربارهٔ مشخصات و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس عوام انگلستان در سال ۱۹٤۵ حاکی از آن است که فقط ۸ درصد از اشراف و بقیه از عامهٔ خلق بیرون آمده‌اند. ٤۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. ۵۳ درصد از مشاغل آزاد ۱۷ درصد از کارفرمایی و مدیریت ـ ۲۷ درصد از کارگری و ۲ درصد از کدبانوئی به وکالت مجلس گرائیده‌اند.

تحقیق تازه‌تری در ۹ - ۱۹۵۵ تفاوت‌های بارزی را که میان مشخصات نمایندگان محافظه‌کار و وکلای کارگر در انگلستان موجود است عرضه می‌دارد. اهم مشاغل نمایندگان حزب نمایندگان کارگر، از خود کارگران و بیش از سی درصد از روشنفکران و صاحبان مشاغل تخصصی آزاد و معلمین بوده‌اند. در مقابل نمایندگان محافظه‌کار که غالباً مدارس خصوصی اشرافی را طی کرده‌اند و در حدود ۷۰ درصد

دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند نسبت تحصیل کردگان مدارس خصوصی و دانشگاهی نزد کارگران کمتر بوده‌است. از جهت سن باید گفت که ٦٩ درصد نمایندگان محافظه کار بین ٤١ و ٦٠ سال داشته و حدود ١٦ درصد کمتر از ٤١ سال و ١٦ درصد بیش از ٦٠ سال دارا بوده‌اند اما نسبت جوانان کمتر از ٤١ ساله نزد کارگران فقط ٦ درصد و در عوض نسبت پیران بیش از ٦٠ ساله ٣٣ درصد بوده و بقیهٔ کارگران (٦٠ درصد) بین ٤١ و ٦٠ ساله داشته‌اند.

مطالعه دیگر مربوط به اعضای مجلس نمایندگان فرانسه بین سالهای ١٨٧١ و ١٩٥٨ و گواه آن است که بیش از نصف ٦ هزار وکیلی که در آن مدت انتخاب شده‌اند از «روشنفکران» بمعنای اعم (نویسندگان ـ اساتید دانشگاه ـ وکلای دادگستری ـ روزنامه‌نگاران ـ علماء ـ مهندسان و معلمان) بوده‌اند.

پژوهشی دربارهٔ اعضای «پلیت بورو» در اتحادجماهیرشوروی و تحول آن از ١٩١٧ تاکنون از این مطلب حکایت می‌کند که در آغاز آن مجمع در دست روشنفکران متعلق به طبقات متوسط و شهرنشین بود. ولی بمرور زمان و خصوصاً در دوران استالین سر کار بدست کسانی افتاد که منشایی حقیر داشتند و اکثراً روستازاده بودند و بهره از تحصیلات بسیار نداشتند اما دارای تجربه در کار اداری و رتق و فتق امور حزبی بوده‌اند. بعبارت دیگر انقلاب را روشنفکران پایه گذاشتند اما دیری نگذشت که قدرت در کف بورکراتها افتاد و روشنفکران حتی بدیدهٔ بدگمانی منظور گردیدند.

این مطلب که قدرت سیاسی بیش از پیش بدست اداریان می‌افتد در پاره‌ای از ممالک سوسیالیستی نیز صادق است چنانکه تحقیق جیلاس دربارهٔ یوگسلاوی براین معنی حاکی است و با نظریهٔ ماکس‌وبر موافقت دارد که پیش‌بینی می‌کرد جنبهٔ اداری بر همهٔ فعالیتهای عمومی از حکومت و اقتصاد گرفته تا امور علمی و خدمات نیکوکاری غلبه خواهد کرد و بخلاف مارکس که سرنوشت جوامع را در تمرکز وسایل تولید در دست عدهٔ قلیلی سرمایه‌دار می‌دید که خلع‌ید از ایشان باهتمام طبقات کارگری عصری تازه‌تر از آزادیهای فردی را بر انسانیت خواهد گشود ماکس‌وبر بر آن بود که بیش از پیش وسایل ادارهٔ امور تمرکز حاصل خواهد کرد و نهایت تمرکز در دولت سوسیالیستی روی خواهد داد و در آن جا آزادیهای فردی بکمال محدودیت خواهد رسید.

پیش از این اشاره کردیم که سن‌سیمون آرزومند حکومت علما و ارباب مال و صنعت بود پاره‌ای از جامعه‌شناسان معاصر نیز با مشاهده تحولی که در قرن حاضر در جوامع صنعتی روی کرده‌است عقیده دارند که بیش از پیش حکومت سرمایه‌داری به حکومت «مدیران» (مدیران صنعت و کارگردانان متخصص دیگر) سوق پیدا می‌کند. از جملهٔ این دانشمندان باید از جیمز برنهام J. Burnham نام برد که کتاب او «انقلاب مدیران» شوری در جهان انداخت و بعضی را حتی تصور آن دست داد که حکومت فاشیستی در ایطالیا و نازیسم در آلمان نشانه و نموداری از این غلبهٔ مدیران است.

نقادان برنهام چون رایت میلز C. Wright. Mills جدائی مالکیت صنایع و وسایل تولید را از مدیریت آن در جوامع جدید صنعتی تکذیب کردند و از جمله براساس آمارهای امریکائی ثابت نمودند که اکثر مدیران صنایع خود دست در دست مالکان دارند و با آنان همبسته هستند و اکثراً خود از خانواده‌های مالک و توانگر بیرون آمده‌اند[۱].

* * *

کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری، طلیعهٔ تحقیقاتی است که بروش جامعه‌شناسی جدید تجربی دربارهٔ «برگزیدگان ایران» صورت تحقق پذیرفته است و مطالعات دیگری را چون تحقیق دربارهٔ وزراء ـ سناتورها ـ صاحب‌منصبان دستگاه‌های اداری دولتی بدنبال دارد. خانم زهرا شجیعی دستیار مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی که این کار خطیر را بحسن ختام رسانده‌اند بگمان این جانب که سالی چند شاهد نزدیک همت بلیغ و سعی جمیل و پشتکار عظیم ایشان بوده‌ام از این جهت که راهی تازه گشوده و زمینه‌ای ناهموار را بسوی منزلگه مراد پیموده‌اند در خور کمال تحسین و شایسته آفرین هستند. شبهه نیست که این تألیف چون هر کار جدیدی عاری از عیب و نقص نیست و امید می‌رود که خوانندگان دانای نکته‌سنج بدیدهٔ

۱ـ جهت مزید اطلاع رجوع شود به:
The social back ground of Political decision - makers, D.R. Matthews. New - york, Ig62.
Elites and sodioty, T.B., Bottomore,London, Ig64

اغماض و تسامح ننگرند و مؤلف و مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی را از هر گونه زلتی که رفته و غفلتی که روی داده آگاه فرمایند.

از پیش سپاسگزار همه کسانی هستیم که ما را در این عرصهٔ پر شیب و فراز چراغ هدایت فراگام بدارند که «دراز است رهٔ مقصد و من نو سفرم»

دکترشاپور راسخ

پیشگفتار

با سازمان یافتن گروه‌های تحقیقی در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروهٔ بررسی طبقات و ساختمان اجتماع ایران زیرنظر آقای دکترشاپور راسخ، با پشتیبانی خاص استاد معظم جناب آقای دکترغلامحسین صدیقی و جناب آقای دکتراحسان نراقی تشکیل شد، مطالعه دربارهٔ نخبگان ایران را ضمن برنامه‌های تحقیقی خود منظور داشت، براین اساس و از چهار سال قبل وظیفهٔ پژوهش و بررسی دربارهٔ نخبگان سیاسی ایران را در گروهٔ مزبور باینجانب محول کرد.

مطالعه در مورد سوابق و مشخصات نمایندگان مجلس شورای ملی و نحوهٔ ترکیب طبقاتی مجلس مزبور قسمتی از تحقیقات مربوط به نخبگان سیاسی ایران است که طرح آن براهنمایی استاد عالیقدر و دانشمند جناب آقای دکترشاپور راسخ که در واقع این مجموعه بتشویق و هدایت مداوم ایشان در طول مدت صورت تحقق گرفته است تنظیم گردید و اولین قسمت از برنامهٔ کار این جانب را در مطالعه نخبگان سیاسی ایران تشکیل می‌دهد.

هدف از این تحقیق آن بود که دریابیم در روزگاران اخیر پس از تبدیل حکومت استبدادی بحکومت مشروطه سلطنتی و تدوین قانون‌اساسی که به تبع آن در نظام سیاسی ایران دگرگونی حاصل شد و حکومت مطلقهٔ فردی بموجب اصول قانون‌اساسی محدود گردید و اصل حاکمیت ملی حق شرکت همهٔ افراد ملت را از طریق مجالس شور در اتخاذ تصمیمات عمومی اعطاء کرد، چه کسان و کدام گروه‌های اجتماعی از قدرت سیاسی برخوردار بوده‌اند.

در قانون‌اساسی ایران، بموجب اصل تفکیک قوا، قدرت سیاسی به سه شعبهٔ

مستقل و منفصل (قوهٔ قانونگذاری، قوهٔ مجریه، قوهٔ قضائیه) تجزیه میشود بهمین سبب در این کتاب، در بیان مشخصات نخبگان سیاسی ایران و اصل منشأ و طبقهٔ اجتماعی ایشان، ابتدا از هیأت قانون گذاری آغاز سخن کردیم. از آن جاکه بموجب اصل ۴۳ قانوناساسی. قوهٔ قانونگذاری بر سیستم دو مجلسی مبتنی است قاعدهٔ لازم بود در تحقیق و بررسی خود از نمایندگان مجلس سنا نیز سخن گوئیم (اولین مجلس سنا در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۸ مقارن با افتتاح دورهٔ شانزدهم مجلس شورای ملی تشکیل شدهاست) برای تکمیل این مجموعه، بررسی دربارهٔ مشخصات سناتورها نیز مطمح‌نظر قرار گرفت و امید است در آینده نزدیک مطالعهٔ خود را در مورد نمایندگان مجلس سنا و دربارهٔ هیأت وزرای ایران از صدر مشروطیت تاکنون با مراجعه به منابع و مدارک و با معاضدت رجال سیاسی ایران (که با پر کردن پرسشنامهها بر ما منت خواهند گذاشت) توسعه داده و دید کلی‌تری دربارهٔ گروههای واجد قدرت سیاسی در ایران عرضه دارد.

در تعیین ترکیب طبقاتی هیأت قانونگذاری ایران علاوه بر این که هدف شناسایی قسمتی از نخبگان سیاسی ایران بود کوشش شده است تا از یک سوی ارتباط ترکیب طبقاتی جامعهٔ ایرانی با هیأت قانونگذاری روشن گردد و از سوی دیگر معلوم شود که با تحول نسبی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران که در هر یک از اعصار سه گانهٔ مشروطیت (عصر سلطنت قاجار، عصر رضاشاه پهلوی، عصر محمدرضاشاه پهلوی) رخ دادهاست آیا در هر یک از آن اعصار و یا در ادوار قانونگذاری هر عصر، ترکیب گروههای نمایندگان مجلس بصورتی خاص بوده است؟ و آیا گروههایی که بر سر کار آمدهاند نمایندهٔ تحولات اوضاع و احوال عصر خود بودهاند؟ آیا تقارن و توازنی بین ترقیات اجتماعی و اقتصادی جامعه با ترکیب طبقاتی مجلس بوده و اگر تباینی دیده شده چه علل و عواملی در آن مؤثر بوده است؟

آنچه در این تحقیق بعنوان مقدمه آورده شده اشارهٔ موجز باوضاع و احوال اجتماعی عصری است که مولد انقلاب و موجد حکومت مشروطه و حوادث بعدی آن گردیده است.

لازم است یادآور شود که هدف تدوین تاریخ مشروطیت ایران و وقایع‌نگاری آن نیست بنابراین ذکر جریان مفصل و مشروح حوادث تاریخی مشروطیت و کیفیت تأثیر شخصیتهای برگزیده در آن و کشف عوامل و نیروهای نهانی که احتمالا میتوان گفت

پاره‌ای از مورخان را نیز بدرک آن دسترسی نبوده است از وظیفهٔ نگارنده خارج است. چه این کار مهم و خطیر را از آغاز انقلاب مشروطیت تاکنون مؤلفان متعددی با توفیق بیش و کم بانجام رسانده‌اند. نگارنده در این مجموعه صرفاً بمنظور روشن شدن ذهن خوانندگان عزیز و بدست دادن دیدی کلی دربارهٔ علل و عوامل اساسی انقلاب و کیفیت دخالت گروه‌های اجتماعی در انقلاب و انعکاس آن در هیأت قانونگذاری تا آنجا که مربوط بموضوع تحقیق میشود با استفاده از یک رشته منابع که بی‌شبهه جملگی از لغزشها و خطاها عاری نبوده است در بخش نخست این کتاب به بیان اجمالی دربارهٔ وقایع عمدهٔ مشروطیت و وقایع اساسی هر دورهٔ قانونگذاری و قوانین مهمی که در آن ادوار بتصویب نمایندگان مجلس رسیده پرداخته است.

باید گفت که در آثار مربوط به نهضت مشروطیت ایران فقط چند کتاب می‌توان یافت که به بحث و تحلیل ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب روی نموده‌اند. در این مجموعه نیز در بخش نخست بیشتر با دید جامعه‌شناس به بیان نهضت مشروطیت پرداخته‌ام معهذا نباید مدعی بود که این تحقیق، حق مطلب را ادا کرده و علل و عوامل عمدهٔ این نهضت را بتمامه روشن نموده باشد. گمان میرود همین بیان موجز و بحث کلی از موجبات و علل مشروطیت از آن نظر که بتوان انعکاس آن علل و عوامل را در مجلس ایران و ترکیب طبقاتی و تمایلات آن مجلس دریافت کافی بنظر می‌آید. بدیهی است که چون اطلاعات مربوط بوقایع، متکی بر منابع تاریخی می‌باشد که کمابیش در ذکر جزئیات حوادث با وجود حسن‌نیت مؤلفان گاه با احساسات شخصی آمیخته است و عاری از خطا نیست، نمیتوان با قاطعیت بر صحت جزئیات وقایع مندرج در این مجموعه حکم کرد.

پس از بیان وقایع عمدهٔ مشروطیت و علل و اسباب این نهضت در بخش دوم این کتاب سخن از ترکیب گروه‌ها و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی که موضوع اصلی تحقیق می‌باشد بمیان آمده‌است. از جمله ملاک‌های اساسی جهت تعیین طبقهٔ اجتماعی شخص، شغل و تخصص او، درجهٔ تحصیلات ـ شغل و درآمد پدر و خانواده او است. از میان عوامل فوق آگاهی بر عامل درآمد با اینکه یکی از عوامل مؤثر در بررسی طبقات اجتماعی میتواند باشد، متأسفانه در مورد نمایندگان مجلس شورای ملی کاری بسیار دشوار بود. برای بررسی شغل، تحصیلات، سن و شغل پدر نمایندگان

مجلس منابع و مآخذ اصلی در درجهٔ اول اطلاعات ضبط نشده‌ای بود که از طریق مصاحبه با عدهٔ کثیری از افراد مطلع و موثق[۱] که اکثراً از نمایندگان با سابقهٔ مجلس

آقای محمدحسین استخر
آقای غلامرضا اسپهبدی
آقای مهدی ارباب
آقای جمال‌الدین اخوی
آقای دکتر محمدحسن اعتمادی
آقای ایرج امینی
آقای اسماعیل امیرخیزی
آقای ابراهیم امیرتیمور
آقای سلطان ابراهیم افخمی
آقای امان‌الله اردلان
آقای ناصرقلی اردلان
آقای دکترمصطفی الموتی
آقای دکترمظفر بقایی کرمانی
آقای مهدی بامداد
آقای حسن بیات
آقای سیدجعفر بهبهانی
آقای غلامرضا بنکدار
آقای محمدپروین گنابادی
آقای پورسرتیپ
آقای دکترآصف قلی‌تاجبخش
آقای منوچهر تیمورتاش
آقای سیدحسن تقی‌زاده
آقای باقر تحویلداری
آقای دکترعلی جلالی
آقای جلالی موسوی
آقای مهندس فضل‌الله جلالی‌نوری
آقای سیدابوالحسن حائری‌زاده
آقای حسنعلی راشد
آقای حبیب رضازاده قشقایی
آقای دکترتقی رضوی
آقای اسماعیل رحیمی
آقای آقاسواک ساگینیان
آقای عبدالله سعیدی
آقای سلطانعلی سلطانی «شیخ‌الاسلام»
آقای دکترکریم سنجابی
آقای دکترعیسی سنگ
آقای ابراهیم شریفی
آقای باقر شاهرودی
آقای جواد شجیعی
آقای دکترمحمود ضیایی
آقای مهدیقلی ضرغام
آقای حسین عاملی
آقای عباسقلی عرب‌شیبانی
آقای غفاری
آقای مهندس شمس‌الدین غروی
آقای احمد کدخدازده
آقای محمد کشاورزیان
آقای محسن گنابادی
آقای جواد گنجه‌ای
آقای دکترهادی مرتضوی
آقای حسن مخبرفرهمند
آقای محسن مهدوی
آقای دکترعلی‌اصغر مهدوی
آقای دکترعبدالله معظمی

بقیهٔ پاورقی در صفحه بعد

بوده‌اند و آشنایی کامل دربارهٔ سوابق و منشأ اجتماعی دوستان و همشهریان و نماینده‌گان حوزهٔ انتخابی خود و سایرین داشته‌اند بدست آمده‌است. در درجهٔ دوم مدارک و اسناد کتبی موجود در ادارهٔ بایگانی راکد مجلس شورای ملی و مربوط بمشخصات نماینده‌گان نیز از جمله منابعی بوده‌که مورد استفاده قرار گرفته است.

تحقیق و مطالعه در سوابق نماینده‌گان در بادی امر بعلت عدم آماده‌گی اشخاص مطلع و صاحب‌نظران برای مصاحبه و دادن اطلاعات لازم و دقیق، همچنین ناقص بودن مدارک و اسناد موجود در بایگانی مجلس امری بسیار دشوار بنظر می‌رسید. این موضوع بخصوص بر عده‌ای از نماینده‌گان محترم و رجال با سابقه‌ای که از پذیرفتن مصاحبه‌کننده و دادن اطلاعات مورد احتیاج ما خودداری می‌کردند پوشیده نیست. و اکثر خواننده‌گان عزیز بخوبی واقفند که سوابق نماینده‌گان تاکنون جز در اعتبارنامه‌ها در جای دیگر منعکس نشده‌است. دسترسی بپرونده‌های انتخاباتی و همچنین اعتبارنامه‌ها نیز پس از پشت سر گذاشتن مشکلات بسیار امکان‌پذیر گردید.

طبیعی است که اطلاعات مندرج در اعتبارنامه‌ها[2] نیز بسیار محدود بود و از نظر

۲ـ بعنوان نمونه دو برگ اعتبارنامه از دورهٔ دوم و چهارم مجلس در صفحه مقابل چاپ شده‌است.

→

آقای حمیدی
آقای خان‌ملک ساسانی
آقای امیرحسین خزیمه‌علم
آقای درخشان
آقای دیوسالار
آقای ابوالفتح دولتشاهی
آقای حسام‌الدین دولت‌آبادی
آقای رجایی
آقای ابوالحسن رضوی شیرازی
آقای دکتررضازاده شفق
آقای اسدالله مامقانی
آقای حسین معنوی
آقای مهندس محلاتی

آقای دکترمحمدحسین میمندی‌نژاد
آقای ممتاز
آقای میرممتاز
آقای معینی
آقای حسین محیط لاریجانی
آقای دکترناظرزاده کرمانی
آقای حسن نراقی
آقای نقشینه
آقای سیدمحمد هاشمی
آقای مهندس‌سعید هدایت
آقای پرویزیار افشار
آقای دکترحسین نصر

کلیهٔ ملاکهای مورد نظر این تحقیق کافی نبود و در مواردی بسیار نیز در پاره‌ای از اعتبارنامه‌ها بویژه اعتبارنامه‌های نمایندگان دوره‌های عصر اول مشروطیت کلیهٔ مشخصات لازم منعکس نبود نکتهٔ شایان ذکر آن‌که در مورد هر دورهٔ از مجلس باستثنای چند دورهٔ اخیر بطور متوسط حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد اعتبارنامه‌های نمایندگان در بایگانی راکد مجلس بدست نیامد.

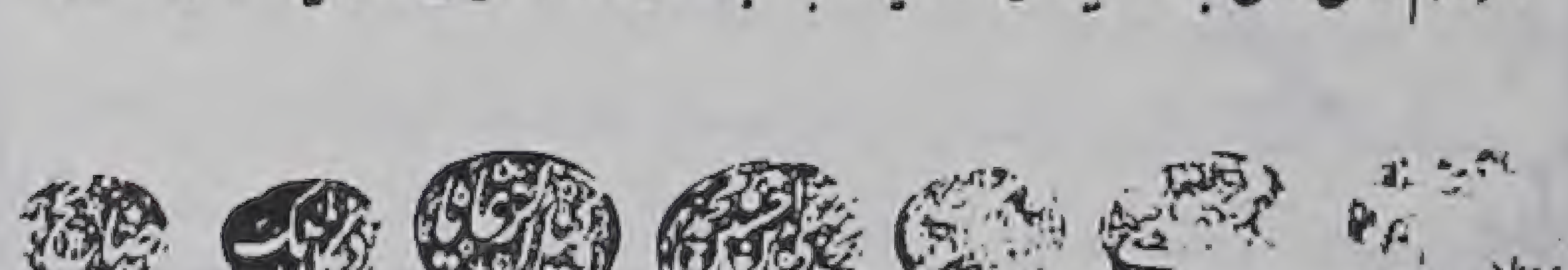
مجموعهٔ این مشکلات موجب شد که مدت بیش از دو سال صرفاً برای جمع‌آوری اطلاعات و مشخصات ۱۳۱۷ تن از بین مجموع حدود ۲۸۰۰ نمایندهٔ مجلس شورای ملی در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری ـ تهیهٔ و تنظیم فیشهای متعدد برای هر یک از آنها صرف وقت شود. مشخصات هر یک از نمایندگان اغلب از سه یا چهار منبع مختلف جمع‌آوری و تهیه شده است و اطلاعات بدست آمده بدقت با هم مقایسه و با منابع مکتوب مطابقه شده‌است. مشخصات مزبور که اکثر بطور مشروح بدست آمده و پس از تلخیص در فیش مخصوص نمایندگان هر دورهٔ قانونگذاری که از مجموعه‌های منتشر شدهٔ ادارهٔ قوانین مجلس شورای ملی و مذاکرات مشروح مجلس بدست آمده‌بود وارد گردید. روشن است که پس از این مقدمات، مرحلهٔ اساسی کار تحقیق که استخراج مشخصات نمایندگان در هر دوره و تهیهٔ آمار و تنظیم جداول مربوط بهریک از عوامل است آغاز گردید. توضیحاً باید افزود تفسیر محدود و مختصر جداول آماری در این مجموعه صرفاً در بیان گروه‌های ترکیبی مجلس شورای ملی است و عوامل روی کارآوردن این گروها و درجهٔ بستگی آنها با نیروهای متشکل جامعهٔ ایران و این‌که هر گروه در زمان تصدی قدرت منشأ چه اثرات اجتماعی بوده‌اند با این‌که خارج از دایرهٔ این تحقیق علمی نبوده‌است ولی در حال حاضر مورد بحث تفصیلی در این مجموعه قرار نخواهد گرفت.

در بخش سوم این کتاب، از آنجاکه منظور آن بود که نتایج بررسی‌ها در مورد فرد فرد نمایندگان مجلس عرضه شود و احیاناً اگر عامهٔ مردم اطلاعات دقیقتری دربارهٔ افراد داشته باشند گزارش کنند، اسامی نمایندگان بیست و چهار دورهٔ قانونگذاری درج شده‌است.

در تعیین مشاغل نمایندگان، از آنجاکه در همهٔ موارد فعالیت عمده و شغل اساسی آنان برای ما روشن نبود بناچار کلیه مشاغلی که قبل از وکالت داشته‌اند ذکر

اعتبارنامهٔ نمایندگی ملت در مجلس شورای ملی شیّد الله ارکانه

امضاکنندگان ذیل اعضاء انجمن نظارت مرکزی انتخابات دارالخلافه که بر طبق مواد نهم و یازدهم قانون
انتخابات مورخهٔ دوازدهم جمادی الآخره برحسب دعوت وزارت داخله در تاریخ چهارم شهر رجب ۱۳۲۷ تشکیل
یافت تصدیق می‌نمایند که جناب میرزا حسین خان مؤتمن الملک پسر مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله
بنابر آراء سیصد و هشتاد و دو نفر رای دهندگان دارالخلافه که مجموعاً پنجهزار و هشتصد و بیست و پنج نفر
بودند و آراء خود را در سه روز نوزدهم و بیستم و بیست و یکم شهر رجب در مدرسه دارالفنون تسلیم نمودند
در درجهٔ اول باکثریت نسبی منتخب و بر وفق مادهٔ هفدهم قانون سابق الذکر جزء چهل و پنج نفر منتخبین درجهٔ اول
دارالخلافه محسوب شدند و در تاریخ پنجشنبه دویم شعبان بموجب اکثریت نسبی که سه نوبت متوالی بواسطهٔ
آراء شانزده و چهارده و سیزده نفر از بیست و شش نفر رای دهندگان حاضر برای ایشان حاصل شد بر وفق
نوزدهم همان قانون بسمت نمایندگی ملت ایران از جانب اهالی دارالخلافه معین و مفتخر گردیدند. بتاریخ پنجشنبه نهم شعبان شهر ۱۳۲۷



اعتبار نامه

امضا کنندگان ذیل اعضاء انجمن نظارت حوزه [illegible] طهران [illegible]

تصدیق میکنیم که آقای مستوفی الممالک [illegible] شغلش [illegible] سن

و ساکن طهران است در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ [illegible] ۱۳۲۵ واقع شده

باکثریت ۷۷۴۲ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی دهندگان بنمایندگی برای مجلس شورای ملی

منتخب گردید و شهادت میدهیم که انتخاب معزی الیه موافق مواد قانون انتخابات

مورخ بتاریخ ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ واقع شده و تفصیل این انتخاب در صورت

مجلس انتخابات این حوزه مندرج است

بتاریخ ۲۹ [illegible] ۱۳۳۸

مهر و امضای اعضای انجمن نظارت

[illegible]

حسن الرزی

این اعتبار نامه صحیح است

مهر و امضای حاکم و مهر حکومت

شده‌است.

سن نماینده‌گان عموماً از روی اعتبارنامه‌ها نقل گردیده است، جز در مواردی که پاره‌ای از نماینده‌گان مشخصات خود را شخصاً گزارش داده‌اند در مورد سایر نماینده‌گان هنگامی‌که تنها سن نماینده معلوم بود سال تولد او محاسبه شده و با قید کلمه (حدود سال) در بخش سوم درج گردیده‌است.

در فهرست اسامی نماینده‌گان، نام کلیهٔ کسانی‌که انتخاب شده‌اند، خواه آنهاکه در مجلس حضور یافته و در جلسات شرکت کرده‌اند و خواه کسانی‌که وکالت را نپذیرفته و بمجلس حضور نیافته‌اند و یا اعتبارنامهٔ آنان رد شده و یا مسکوت مانده‌است و همچنین اشخاصی‌که در دوره‌های اول مجلس بعنوان نمایندهٔ طرازاول از طرف روحانیان (بموجب اصل ۲ متمم قانون‌اساسی) برای نظارت در قوانین بمجلس حضور می‌یافتند تحت عنوان نمایندهٔ مجلس آمده‌است.

با اینکه منبع اطلاعات در مورد هر نماینده فیشهای متعدد بوده‌است، معهذا نمیتوان با قاطعیت بصحت مشخصات آنان رأی داد و امید است پس از انتشار این کتاب مطالعه‌کننده‌گان محترم لطف فرمایند چنانچه اطلاعات دقیقتر و صحیحتری دارند برای نگارنده بفرستند تا در چاپهای بعدی از آنها استفاده شود.

کلمات و عبارات نمی‌توانند مبین سپاس و تشکری فراخور به پیشگاه استادان ارجمندی باشدکه بمن دید بررسی و قدرت اجرای این تحقیق علمی را ارزانی داشته‌اند. توفیق در اجرای این امر را مدیون عنایت خاص استاد راهنمای خود جناب آقای دکترشاپور راسخ میدانم. اختصاص وقت بسیار و بذل راهنمایی‌های سودمند ایشان در کلیهٔ مراحل پژوهش و نگارش این کتاب، دشواریها و مشکلات آن را بر نگارنده سهل و هموار ساخت.

در خاتمه باید اذعان کنم‌که موفقیت خود را در امر دشوار بدست آوردن مشخصات مربوط به نماینده‌گان مدیون بزرگواران دانش دوستی هستم‌که ساعتها وقت گرانبهای خود را صرف کار خسته‌کنندهٔ دادن اطلاعات باین جانب کرده‌اند. همچنین توجه خاص جناب آقای دکتراحسان نراقی مدیر مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی‌که دشواریهای موجود در این امر بهمت ایشان هموار گردیده‌است سپاس فراوان دارد. برخود فرض میدانم مراتب تشکرم را از مساعدت و همراهی اولیاء محترم مجلس

شواری ملی، بخصوص کارمندان محترم ادارهٔ قوانین که با در دسترس گذاشتن اطلاعات در مورد قوانین مصوب مجلس و واگذارکردن جزوه‌های منتشر شدهٔ آن اداره مربوط به اسامی نمایندگان هر دورهٔ قانونگذاری برنگارنده منت گذارده‌اند و همچنین کارمندان بایگانی مجلس تقدیم نمایم.

در اینجا بمورد است بعنوان تشکر از قبول زحمت تهیهٔ نمودارهای این مجموعه که توسط آقای بیژن افسرکشمیری صورت گرفته‌است یاد کنم و همچنین از آقای عیسی هیبتی که در چاپ کتاب یاور این جانب بوده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

زهرا شجیعی

مردادماه ۱۳٤٤

بخش اول

مشروطیت ایران و علل و موجبات آن

مقدمه

انقلاب مشروطیت و برچیده شدن بساط حکومت استبدادی در ایران معلول عوامل متعددی است که بحث کامل و جامع در آن از حدود این تحقیق که بیشتر مبتنی بر منشأ اجتماعی وکلای مجلس در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری میباشد خارج است. در اینجا ما بیادکردن مختصری از آن عوامل از نظر جامعه‌شناس می‌پردازیم نه از لحاظ وقایع‌نگار.

انقلاب کبیر فرانسه در آخر قرن هجدهم میلادی (آغاز قرن سیزدهم هـ . ق) و اشاعه نهضت فکری از آن کشور بدیگر کشورهای اروپایی از اوایل قرن نوزدهم میلادی موجبات برقراری حکومتهای دمکراسی و ملی را در آن ممالک فراهم ساخت. بدنبال آن اصول حکومت ملی و تساوی حقوق سیاسی و اقتصادی همراه با تمدن و ترقیات مادی بتدریج و اندک اندک از مغرب‌زمین به خاور دور (ژاپن) و کشورهای شرقی از جمله، عثمانی و مصر و ایران نفوذ و اشاعه یافت.

نهضت فکری ایرانیان و بدنبال آن پیدایش انقلاب مشروطیت در ایران، نتیجهٔ برقراری ارتباط اقتصادی و فکری و سیاسی بین ایران و دول اروپایی بود، گرچه از آغاز تاریخ، ایران همواره با مغرب‌زمین مربوط بوده ولی ارتباط وسیع این کشور با ممالک خارجی در واقع از اوایل قرن یازدهم هـ . ق و در دوران پادشاهان صفوی ببعد اهمیت خاصی پیدا کرده و بخصوص از زمان فرمانروایی قاجاریان و بوجه‌اخص در دوران سلطنت ناصرالدینشاه حاصل گشته‌است. برای توضیح باید افزود که پدیدآمدن ارتباط میان دولت ایران با مغرب‌زمین در دورهٔ صفویان از راه ورود هیأت‌های سیاسی و تجارتی و همچنین آمدن جهانگردان اروپایی رابطه‌ای مستمر و دائمی نبود و نتوانست تأثیر عمیق و قابل توجهی در افکار تودهٔ ملت داشته‌باشد.

پیشرفت تمدن و صنعت جدید و توسعهٔ سرمایه‌داری در کشورهای اروپایی و بدنبال آن رقابت بر سر بدست آوردن بازارهای جهان موضوع استعمار دول توسعه نیافته را مطرح کرد. نظربه موقع خاص جغرافیای کشور ایران در آغاز قرن سیزدهم ه . ق (قرن نوزدهم میلادی) بطور مستقیم زیر تأثیر این سیاست جهانی قرار گرفت، و چنین سیاستی برای کشور ما به تجاوز دولت روسیه تزاری به نواحی شمالی ایران و شکستهای متوالی سپاهیان ایران از آن دولت و استیلای روسها در ایالات نزدیک بحرخزر و قفقاز و تنظیم عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای منجر گردید.

از سوی دیگر استیلای امپراتوری انگلستان بر هندوستان (در اواخر قرن دوازدهم ه . ق) و تمایل دولت فرانسه به استیلا یافتن بر هند و بدست آوردن منابع حاصلخیز آن کشور و مخالفت انگلستان با فرانسه برای حفظ مستعمرات خود در آسیا، کشور ایران را معبر بین‌المللی و صحنهٔ کشمکشهای سیاسی دولتهای استعماری گردانید و زمینهٔ دخالت مستقیم آنها را در امور سیاسی و اقتصادی کشور ما آماده ساخت.

نتیجهٔ چنین ارتباط بویژه شکستهایی که بدولت ایران در جنگهای با روسیهٔ تزاری و پس از آن با انگلستان (در سالهای ۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ میلادی) وارد آمد، مقدمات نخستین مرحلهٔ بیداری ملت ایران و توجه مردم این سرزمین را به لزوم کسب دانشها و صنایع جدید از اروپا فراهم کرد.

همزمان و همراه با بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب در ایران باجبار خصوصیتهای فکری و اجتماعی غرب نیز کمابیش به این کشور راه یافت و منشأ تغییرات و تحولات عمیق در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم ه . ق و بخصوص در ربع اول قرن چهاردهم ه . ق گردید. علاوه بر تأثیرات روابط اقتصادی، سیاسی و فکری بین ایران و مغرب‌زمین، عوامل دیگر داخلی نیز در کار بوده‌است که باجمال اثر آنها را در انقلاب اجتماعی و سیاسی مشروطیت در طی فصلهای آینده بیان خواهیم کرد.

فصل نخست

تحولات اقتصادی ایران مقارن انقلاب مشروطیت

اقتصاد ایران در زمان صفویان بطور طبیعی و سریع راه تکامل خود را می‌پیمود، در این دوره صنایع دستی در ایران ترقی بسیار حاصل کرد و روابط تجارتی با کشورهای بیگانه برقرار شد. لیکن پس از صفویان این تکامل از لحاظ عوامل مختلفی همچون جنگها و کشمکشهای داخلی و خارجی و کسادی تجارت در نتیجهٔ هرج و مرج و ناامنی راه‌ها و نیز بعلت ظهور انقلاب صنعتی در اروپا در قرن نوزدهم میلادی متوقف ماند.

پدیدآمدن انقلاب صنعتی به مبارزه‌ها و رقابتهایی میان کشورهای بزرگ صنعتی برای بدست‌آوردن منابع موادخام و بازارهایی برای صدور کالاهای صنعتی منجر گردید و موجبات تحول اقتصادی ایران در زمینهٔ تجارت و بخصوص صنعت در قرن سیزدهم ه . ق فراهم شد. پیش از پیدایش صنعت جدید، توسعهٔ صنایع دستی در نتیجهٔ رونق تجارت ایران منبع درآمد سرشاری برای کشور بشمار میرفت و موجب ترقی اقتصادی مملکت بود، ولی دولت ایران بعلت قطع روابط خود با دولتهای غربی و اقتباس نکردن صنعت جدید رفته رفته موقع اقتصادی خود را از دست میداد. ولی خوشبختانه این انحطاط با اقدامات و کوششهای سودمندی که در دوران ناصرالدینشاه از نیم قرن پیش از مشروطیت بوسیله برخی از رجال روشنفکر و سرمایه‌داران داخلی بمنظور اقتباس تمدن جدید و صنعت ماشینی انجام گرفت، و همچنین بدنبال برقراری روابط تجارتی با دولتهای غربی

و تأثیرات اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس در ایران تا اندازه‌ای متوقف ماند و تا حدودی موجبات تجدید فعالیتهای اقتصادی فراهم گردید.

لیکن از ذکر این نکته نباید غفلت کرد که همهٔ اقدامات برخی از مقامات مخصوص در زمینهٔ صنعتی کردن ایران از نیم قرن پیش از مشروطیت بعللی همچون رقابت کشورهای صنعتی سرمایه‌دار بویژه روسیه تزاری و انگلیس و بکاربردن نفوذ سیاسی خود در راه بدست آوردن امتیازات زیانبار و تسلط بر اقتصادیات ایران و از سوی دیگر توجه نکردن زمامداران آن دوران کشور ما باتخاذ سیاست حفظ صنایع داخلی و حمایت از آنها، نتایج نامطلوب ببار آورد، و در ربع اول قرن چهاردهم هـ . ق وضع خاصی از لحاظ اقتصادی پدید آورد که منشأ جنبشهایی وسیع و سرانجام انقلاب ملت بر ضد استثمار و استعمار خارجیان گردید.

تجارت و صنعت

کشور ایران از نظر داشتن منابع ثروت طبیعی و موقع مهم جغرافیایی از دیرباز با بیشتر ملتهای اروپایی و آسیایی روابط تجارتی داشته است.

تجارت ایران بخصوص در زمان صفویان پس از برافتادن حکومت ملوک طوایفی و تمرکز یافتن قدرت در دست پادشاهان صفوی ترقی شایان توجهی حاصل کرد، عنایت خاصی که شاهان صفوی بامر راهسازی و توسعه و ترقی صنایع کشور مبذول میداشتند و بویژه تسهیلاتی که در پرتو تشکیلات منظم گمرک و تعرفه‌های مناسب آن فراهم کرده و همچنین امنیتی که در شهرها و راهها پدید آورده بودند موجبات جلب نظر تجار خارجی و تأسیس کمپانیهای آنها را فراهم ساخت و کشور ایران بار دیگر معبر تجارت هندوستان و کشورهای اروپایی قرار گرفت و قراردادهایی در زمینهٔ تجارت بین ایران و دولتهای خارجی تنظیم شد و بمرحله اجرا درآمد.

مهمترین اقلام صادراتی ایران در این دوران، ابریشم و منسوجات ابریشمی، قالی و تریاک بوده‌است و واردات ایران را منسوجات انگلیسی و مسکوکات طلا و نقره (در ازای صدور ابریشم) و کالاهای دیگری چون ابزارهای تجملی و ساخته‌های گوناگون بلور و جواهرات تشکیل میداده است.

در روزگار صفویان دولت تجارت ابریشم و صدور آن را بخارج از کشور کنترل

میکرد و تحت انحصار خود درآورد. تجارت داخلی ایران را تجار مسلمان و تجارت خارجی را بخصوص از زمان شاه‌عباس ارامنه در دست داشتند، در اواخر عهد صفویان گروهی دیگر نیز بر طبقهٔ بازرگانان افزوده شد و آنها هندوهایی بودند که علاوه بر معاملات صرافی تجارت هم میکردند.

شهرهای شمالی و جنوبی ایران بخصوص تبریز و ایروان و بندرعباس در این دوران از مراکز مهم تجارتی بشمار میرفت و عایدات گمرکی مهمترین رقم درآمد دولت را تشکیل میداد. در این عصر تنها از راه عایدات گمرک ایروان سالیانه معادل ۱۶۸ هزار تومان و از بندرعباس قریب ۲۱ تا ۲۲ هزار تومان عاید دولت میشد[1].

بطور کلی باید قرن هفدهم میلادی و اوایل قرن هجدهم میلادی را عصر ترقی تجارت ایران دانست. چه ارتباط ایران با خارج افزایش یافته بود و همه ساله گروه کثیری از بازرگانان بخارج کشور مسافرت میکردند و بدین وسیله موجبات رواج مصنوعات داخلی را فراهم می‌ساختند، صنایع دستی ایران در این عصر در اغلب بازارهای جهانی با صنایع کشورهای دیگر رقابت می‌کرد، ولی پس از پدید آمدن انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش تکنیک جدید، صنایع ایرانی که براساس تکنیک قدیم مبتنی بود نتوانست موقع خود را در بازارهای جهانی حفظ کند و رفته رفته پس از ورود کالاهای مشابه خارجی و رقابت آنها با کالاهای ایرانی حتی در بازارهای داخلی نیز اهمیت و موقع خود را از دست داد و بتدریج کارگاههایی که با شیوه‌های تولید قدیم اداره میشد و بر نیروی بازوی انسانی متکی بود تعطیل گردید.

در نتیجه پس از صفویان در خلال حملهٔ افغانها بایران و هنگام کشمکشها و جنگهای داخلی و خارجی نادرشاه تجارت ایران نیز از یک سوی بسبب هرج و مرج و ناامنی راهها و از سوی دیگر بعلت تعدیات حکام و مأموران گمرکی موقع مهم و رونق خود را از دست داد و تجارتخانه‌هایی که دولتهای خارجی از زمان صفویان در ایران دایر کرده‌بودند بسبب خسارت‌های عمده‌ای که متوجه آنها شد برچیده گشت و داد و ستد ایران با دولتهای خارجی دچار وقفه و سکون گردید.

تا اینکه در عصر قاجاریان بموجب معاهده‌هایی که میان ایران و دولتهای خارجی

۱ـ تاریخ اقتصادی ایران تألیف رحیم‌زاده صفوی، جلد دوم، صفحه ۷۵.

بار دیگر منعقد گشت تجارت ایران توسعه یافت و بخصوص از ربع آخر قرن سیزدهم ه . ق ببعد تجارت خارجی ایران بر اثر ساخته‌شدن راههای شوسه و برقراری خطوط تلگرافی و همچنین تأسیس شعبه‌های بانکی توسط دولتهای خارجی که برای حفظ نفوذ سیاسی و اقتصادی خود برقابت با یکدیگر پرداخته بودند رشد و اهمیت یافت و ایران با اغلب دولتهای غربی قراردادهای تجارتی منعقد کرد و در بیشتر شهرهای مهم ایران بخصوص در نواحی شمالی و جنوبی شرکتها و سازمانهای تجارتی بوسیله اتباع بیگانه و ایرانیان گشوده شد همچون:

تجارتخانه تومانیانس که از مهمترین بنگاههای اقتصادی ایران بود و در رشته‌های مختلف صادرات، واردات، ملکداری و بانکداری کشور تأثیر بسزایی داشت.

تجارتخانه جهانیان: که در سال ۱۲۷٤ ه . ش (مطابق ۱۸۹۵ م) تأسیس شد و در شهرهای یزد، تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، بندرعباس، رفسنجان دارای شعبه‌هایی بود و در شهر بمبئی و لندن نیز نمایندگی داشت.

تجارتخانهٔ جمشیدیان: که در سال ۱۲٦۵ ه . ش تأسیس شد و شعبه‌های آن در شهرهای یزد، کرمان و شیراز تأسیس گشت و نمایندگیهایی نیز در بغداد، بمبئی و کلکته و پاریس داشت.

کمپانی فارس: که در حدود سال ۱۲۷۵ ه . ش (۱۸۹٦ م) تأسیس یافت.

شرکت اتحادیه که در سال ۱۲۷٦ ه . ش (۱۸۹۷ م) در تبریز و تهران دایر شد.

علاوه بر تأسیسات تجارتی و بانکی فوق میتوان از چند شرکت تجارتی دیگر نیز در ایران نام برد. از قبیل:

۱- شرکت (کمپانی) امنیه در حدود سال ۱۲٦۲ ه. ش (۱۳۰۰ ه .ق) که بدستیاری مشهدی کاظم‌امنیه تشکیل شد.

شرکت منصوریه: که در حدود سال ۱۲۷۱ ه . ش (۱۳۱۰ ه . ق) در یزد تأسیس شد.

شرکت عمومی ایران: که در سال ۱۲۷۸ ه . ش (۱۳۱٦ ه . ق) (۱۸۹۹ م) بدستیاری و شرکت ۱۷ تن از بازرگانان معتبر با سرمایه یک میلیون تومان تأسیس گشت.

شرکت اسلامیه: که در حدود سال ۱۲۷۸ ه . ش ۱۳۱٦ ه . ق تأسیس گشت.

شرکت کشتیرانی ناصری: که در دورهٔ ناصرالدینشاه از طرف چند تن از بازرگانان معتبر فارس دایر گردید.

در زمینهٔ ترویج صنایع جدید نیز در زمان قاجاریان بامر عباس میرزا نایب‌السلطنه و بدنبال آن بدستور امیرکبیر در دوران سلطنت ناصرالدینشاه اقداماتی سودمند ولی غیرکافی انجام گرفت همچون: تأسیس چند کارخانه بسبک جدید. و نیز برای تربیت متخصص عده‌ای هنرآموز و صنعتگر بکشورهای اروپایی گسیل شدند و بدین وسیله زمینهٔ قبول و رسوخ صنعت جدید در ایران فراهم شد و همچنین بمنظور تشویق و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی باتباع ایرانی آزادی استخراج معادن و معاف بودن از پرداخت مالیات بمدت محدود داده شد. نتیجهٔ چنین اقداماتی آن شد که در اوایل قرن چهاردهم هـ . ق شماره کارخانه‌های ایرانی در تبریز[۱] و اصفهان و رشت و دیگر شهرهای مهم ایران فزونی یافت:

گنج شایگان از انواع کارخانه‌هایی‌که از ربع آخر قرن سیزدهم هـ . ق در ایران ایجاد گردیده است. بدین شرح یاد می‌کنند:

۱- کارخانهٔ ریسمان ریسی (۱۲۷۵ هـ . ق). ۱۲۳۸ هـ . ش.

۲- کارخانهٔ تفنگسازی در تهران (۱۲۷۶ هـ . ق). ۱۲۳۹ هـ . ش

۳- کارخانهٔ کاغذسازی در تهران.

۴- کارخانهٔ شکرریزی در مازندران.

۵- کارخانهٔ چلواربافی در نزدیکی تهران.

۶- کارخانهٔ بلورسازی (۱۲۸۵ هـ . ق) ۱۲۴۸ هـ . ش در تهران، در سال ۱۲۶۷ هـ . ش برابر ۱۳۰۵ هـ . ق حاج محمدحسن امین دارالضرب کارخانهٔ بلورسازی دیگری احداث کرد و در سال ۱۲۷۱ هـ . ش برابر ۱۳۰۹ هـ . ق کمپانی بلژیکی کارخانهٔ بلورسازی دیگری بنیان نهاد ولی تعطیل شد.

۷- کارخانهٔ چینی‌سازی حاج محمدحسن امین دارالضرب در تهران.

۱- پاولویچ تعداد کارگاههای بزرگ و کوچک راکه در اوایل قرن بیستم در شهرستان تبریز دایر بود در حدود ۱۰۰ تخمین زده است و عده کارگران شاغل در کارگاههای مزبور را بالغ‌بر ده هزار تن نوشته‌است.

۸- کارخانهٔ شمع‌ریزی در تهران.

۹- کاغذگری در اصفهان و تهران.

۱۰- کارخانهٔ جبه‌خانه در تهران و اصفهان.

۱۱- کارخانهٔ نساجی اقمشه کتانی در اصفهان.

۱۲- کارخانهٔ ابریشم‌تابی در گیلان بدست حاج محمدحسن امین دارالضرب.

۱۳- کارخانهٔ ابریشم‌تابی در نزدیکی رشت با سرمایه روسی، بدستیاری محمدحسن رشتی ساخته شد.

۱٤- کارخانهٔ باروت کوبی.

۱۵- کارخانهٔ چاشنی سازی (۱۲۷۸ ﻫ . ق). ۱۲٤۱ ﻫ . ش

۱٦- کارخانهٔ گاز در سال ۱۲۹۷ با ۳۰ هزار لیره مخارج در تهران تأسیس شد.

۱۷- کمپانی بلژیکی موسوم به کمپانی قندسازی در ایران که در سال ۱۳۱۳ بوجود آمد.

۱۸- کارخانهٔ کبریت سازی در نزدیکی تهران در سال ۱۳۰۸ (ﻫ . ق). ۱۲٦۹ ﻫ . ش

۱۹- کارخانهٔ ریسمان ریسی که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری برابر ۱۲۷٤ ﻫ. ش توسط مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله ایجاد شد.

۲۰- کارخانهٔ ریسمان ریسی در تبریز.

۲۱- دو کارخانهٔ پنبه‌کاری در نیشابور.

۲۲- کارخانهٔ چراغ برق در تهران متعلق بحاج حسین‌آقا امین‌الضرب ۱۲۸٤ ﻫ. ش (۱۳۲۳ ﻫ . ق)

۲۳- کارخانهٔ برق کوچک دیگر در تهران.

۲٤- کارخانهٔ چراغ برق در مشهد، در سال ۱۲۸۱ ﻫ. ش (۱۳۲۰ ﻫ . ق) از روسیه بقیمت ۸ هزار تومان برای حرم حضرت رضا خریداری شد.

۲۵- کارخانهٔ چراغ برق در رشت و تبریز.

۲٦- کارخانهٔ آجرپزی در نزدیکی تهران متعلق بحاج حسین‌آقا امین‌الضرب.

۲۷- کارخانهٔ چلوار بافی در نزدیکی تهران.

۲۸- کارخانهٔ آجرپزی در ارومیه.

۲۹ـ کارخانهٔ صابونپزی نظافت در تهران[۱].

و اما عقد قراردادهای تجارتی ایران با ممالک خارجی در زمان قاجاریان بدنبال جنگهای ایران و روسیه (جنگ اول از ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ هـ . ق (۱۸۰٤ - ۱۸۱۳ م) و جنگ دوم از سال ۱۲٤۱ تا ۱۲٤۳ هـ . ق که به شکست ایران از دولت مزبور و تنظیم عهدنامهٔ گلستان[۲] و ترکمانچای منجر گردید) صورت گرفت بموجب فصل پنجم و هفتم و هشتم و نهم و دهم عهدنامه گلستان و فصل اول و سوم عهدنامهٔ ترکمانچای[۳] در زمینهٔ تجارت: آزادی تجارت در خاک دو طرف «ایران و روسیه» و برقراری سفرا و نمایندگان تجارتی، تساوی حقوق گمرکی بر مبنای صدی پنج مقرر گردید.

بدنبال عقد پیمان ترکمانچای دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم روابط سیاسی و تجارتی خود را با کشور ایران بموجب اصل دول کاملةالوداد تنظیم کردند.[۴] و همان امتیازات و حقوقی راکه دولت روسیه بدست آورده بود از دولت

۱ـ نقل از کتاب گنج شایگان صفحه ۹۳ و ۹٤ و ۹۵.

۲ـ عهدنامهٔ گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در گلستان از محال قره‌باغ بین دولت ایران و روسیه بسته شد و بموجب این عهدنامه کشتی‌های تجارتی روس اجازه یافتند بآزادی در تمام سواحل و بنادر ایران آمد و رفت داشته باشند و دریای خزر تنها و بانحصار، بروی ناوهای جنگی دولت روس باز باشد و بموجب این عهدنامه مقرر شد هرگاه هر یک از شاهزادگان ایران که بولیعهدی انتخاب میشود اگر محتاج به کمک شد از طرف امپراتور روس بوی کمک شود بدون داشتن حق مداخله در موقع بروز اختلاف بین شاه‌زادگان «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا ج ۱ صفحه ۳٤٤».

۳ـ عهدنامه ترکمانچای در پنجشنبه ۵ شعبان ۱۲٤۳ هـ . ق (مطابق با ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ م) در قریهٔ ترکمانچای بامضای نمایندگان دولت روسیه و ایران رسید، بموجب این عهدنامه مساعدت باتجار جزو شرایط صلح قرار داشت و یک قرارداد تجارتی نیز که شامل کاپیتولاسیون بود در همان موقع بامضاء رسید و پیوست بعهدنامه گردید. «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۵۰».

۴ـ از جمله قراردادهای تجارتی ایران با ممالک دیگر اینها است: قرارداد تجارتی با اسپانیا در سال ۱۲٦٤ هـ . ق، قرارداد تجارتی بین ایران و فرانسه ۱۲۷۱ هـ . ق مطابق ۱۸۵۵ میلادی، ایران و آمریکا ۱۸۵٦ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و سوئد و نروژ ۱۲۷٤ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و اتریش ۱۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و دانمارک ۱۲۷۳ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و هلند ۱۲۷۳ هـ . ق←

ایران تحصیل کردند ولی باید دانست با اینکه دولت ایران با دولتهای متعدد مناسبات تجارتی داشته است با اینهمه میتوان گفت که در واقع تجارت ایران مورد استثمار دو دولت روسیه و انگلیس قرار گرفته بود، و این امر بخصوص در ضمن موافقتنامه‌ها و امتیازنامه‌هایی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی دو دولت مزبور برقابت یکدیگر در ایران بدست آوردند بیشتر تحقق یافت.

دولت روسیه تزاری بموجب امتیازنامهٔ شرکت حمل و نقل در نواحی شمالی ایران به یک رشته کارهای ساختمانی در زمینهٔ راههای شوسه و راه‌آهن دست زد و از این راه بمبادلهٔ مصنوعات کشور خود و فروش کالاهای زاید خود در ایران کمک مؤثری کرد و دامنه تجارت خود را در ایران روزبروز توسعه داد چنانکه از یک میلیارد ریال ارزش حمل و نقل ایران، ۶۲ درصد آن در دست روسها بوده است[۱]. از سوی دیگر راههای شوسه‌ای که توسط دولت مزبور در ایران ساخته شده بود برای مبادلات داخلی ایران نیز بهترین وسیله بشمار میرفت و شهرهای شمالی ایران و همچنین تهران و اصفهان را بمراکز مهم تجارتی تبدیل کرده بود و همه ساله مقادیر زیادی منسوجات نخی و قند و چای و نفت از این راه‌ها ببازارهای ایران عرضه میشد. گذشته از این مواد فلاحتی از قبیل برنج و خشکبار و پنبه اقلام مهمی از صادرات ایران را بروسیه تشکیل میداد.

→

مطابق ۱۸۵۷ میلادی، ایران و بلژیک ۱۲۷۳ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و انگلیس ۱۲۷۳ هـ . ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و ایتالیا ۱۸۶۲ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و سویس ۱۲۹۰ هـ . ق مطابق ۱۸۷۳ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و آلمان ۱۸۷۳ میلادی، بین دولت ایران و عثمانی بموجب عهدنامه ارز روم مورخ ۱۲۳۸ قرارداد تجارتی تنظیم و برقرار شد و بموجب آن مقرر گشت که دولت عثمانی از مال‌التجاره ایران فقط یکبار حقوق گمرکی بر ماخذ صدی چهار دریافت کند و ضمناً این مال‌التجاره از پرداخت هرگونه عوارض و تحمیلات دیگر معاف باشد. قرارداد تجارتی دیگری باردیگر بین ایران و عثمانی در سال ۱۲۶۳ هـ . ق براساس عهدنامه فوق (ارز رم) تنظیم گردید.

«نقل از کتاب تاریخ اقتصادی ج ۲ فصل دوم از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۱ ».

۱ـ تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

ترقی تجارت ایران و روسیه را از ارزش مبادله کالاهای بازرگانی که در سال ۱۸۸۶ میلادی بین ایران و روسیه از طریق خراسان صورت گرفته و مقایسه آن با ارزش مبادلهٔ سال ۱۸۸۹ بخوبی میتوان دریافت. میزان کالاهای بازرگانی که از ماه ژانویه تا اکتبر سال ۱۸۸۶ میلادی (پس از برقراری راه‌آهن ماوراء بحر خزر که در ماه دسامبر ۱۸۸۵ بعشق‌آباد رسیده است) از ایران بروسیه صادر شده معادل ۶۱،۰۰۰ لیره و آنچه از روسیه بایران وارد گردیده است معادل ۳۷،۰۰۰ لیره بوده است. در مقابل ارزش کالاهای بازرگانی صادر شده از ایران در سال ۱۸۸۹ در حدود ۱۱۱،۵۰۰ لیره و واردات روسیه معادل ۱۱۰،۴۰۰ لیره بوده است. با سنجش ارقام فوق میتوان دریافت که در طی چهار سال، میزان کالاهای بازرگانی ایران بروسیه دو برابر، و واردات از روسیه بایران سه برابر شده است.[۱]

دولت انگلستان نیز با دست داشتن بر خطوط تلگرافی ایران و تأسیس بانک شاهنشاهی، نفوذ بازرگانی و سیاسی خود را در این کشور استوار کرده و شعبه‌های مختلف بانک شاهنشاهی فعالیت خود را بیشتر به تجارت معطوف ساخته و قسمت عمده‌ای از اعتبارات خود را باین امر اختصاص داده بود. در نتیجه بانک مزبور که مرکز معاملات پولی و بازار سرمایه ایران شده بود قدرت و تسلط کاملی بر عملیات بازار پیدا کرد و قسمت عمدهٔ تجارت خارجی ایران، بوسیلهٔ این مؤسسه صورت گرفت.

بدین کیفیت دو دولت روسیه و انگلستان بازار تجارت ایران را در نواحی شمال و جنوب ایران در دست گرفتند، چنانکه هفت هشتم تجارت خارجی ایران با دو دولت مزبور و فقط یک هشتم آن با دیگر دولتها صورت میگرفته است[۲]. دولت روسیه تزاری نفوذ اقتصادی خود را با قبضه کردن بازارهای ایران در مقابل انگلستان افزونتر ساخت، چنانکه بیش از نصف تجارت خارجی ایران با روسیه بود و تنها ربع آن با انگلستان صورت میگرفت.

بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۲۷۴ هـ . ش (مطابق ۱۸۹۵ م) از میان تمام کالاهایی که بایران می‌آمده ۱۵ درصد از روسیه وارد میشده و ۷۰ درصد متعلق

۱ـ کتاب تاریخ ایران جلد اول. تألیف لرد کرزن

۲ـ گنج شایگان صفحه ۹.

بانگلستان بوده است. ولی پس از تنظیم عهدنامه‌های تجارتی که در خلال سالهای ۱۲۸۴ - ۱۲۸۰ هـ . ش برابر با ۱۹۰۲ - ۱۹۰۵ میلادی بنفع دولت روسیه تزاری و به زیان ایران بین دو دولت منعقد گشت نفوذ اقتصادی دولت روسیه در ایران افزایش بیشتری یافت چنانکه تجارت روسیه در ایران در ظرف ده سال از سال ۱۲۷۹ - ۱۲۶۹ هـ . ش برابر با ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ میلادی دو برابر شده بود، پس از برقراری تعرفه جدید در تاریخ آذرماه ۱۲۸۲ هـ . ش برابر ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ (از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ میلادی به سه برابر رسید)[۱] و نیز بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ میلادی میزان تجارت ایران و روسیه به ۱۷۰ میلیون فرانک و تجارت ایران و انگلیس تنها بحدود ۷۰ میلیون فرانک بالغ شده است، در آن زمان تجارت ایران با فرانسه برابر با ۱۶ میلیون فرانک و با دولت اتریش به ۶/۵ میلیون فرانک رسیده است.

بررسی آمار فوق تسلط اقتصادی دولت روسیهٔ تزاری را مقارن انقلاب مشروطیت و کاهش تجارت انگلیس را نسبت به آن دولت در ایران نشان میدهد، چه نسبت صادرات انگلیس بایران در سال ۱۲۸۴ هـ . ش برابر ۱۹۰۵ به ۲۷/۵ درصد تقلیل یافته و حال آنکه بر نسبت صادرات روسیه بایران ۳۹/۵ درصد افزوده گردیده بود.

علت ترقی و نفوذ اقتصادی دولت روسیه را در ایران همچنانکه بیان داشتیم باید در اخذ امتیازات جدید از دولت ایران و تغییر تعرفه گمرکی متحدالشکل معاهدهٔ ترکمانچای بدست مسیونوز بلژیکی و عوامل دیگری دانست که از آن جمله اینها است:

۱- هر جنسی که ایران عرضه میداشت روسها بصورت متقابل خریدار آن بودند.

۲- دولت روسیه تخفیف کلی برای حمل صادرات ایران منظور کرده بود.

۳- بانک استقراضی اعتبارات سرشاری برای بازرگانان وارد کننده تأمین کرده بود.

۴- اختصاص راههای تجارتی اروپا بدولت روسیه و منع ترانزیت کالا از خاک روسیه بی‌تأثیر در ترقی تجارت دولت مزبور نبوده است.[۲]

نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران و امتیازات و تسهیلاتی که بموجب قراردادهای

۱- تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

۲- تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا ج اول صفحه ۳۸۲.

تجارتی به دولتهای خارجی بخصوص دو دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان اعطا شد، بازار تجارت ایران را از دست تجار ایرانی که در مقابل بازرگانان خارجی در شرایط نامساعدی قرار داشتند خارج ساخت و موجبات انقلاب بورژوازی تاجر ایران را بر ضد سرمایه‌های خارجی و مبارزهٔ مشروطیت فراهم ساخت.

توضیح آنکه پس از تنظیم عهدنامهٔ ترکمانچای با اینکه مقررات تجارتی آن شامل حال تجار ایران و خارجی بود با اینهمه بازرگانان خارجی این امتیاز را دارا بودند که بموجب نظامنامهٔ گمرکی بمیزان نصف گمرک مأخوذ از اتباع ایرانی حقوق گمرکی میپرداختند.

از سوی دیگر در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه حقوق و عوارض جدید از آن جمله حقوق کود داری، دروازه داری و همچنین عوارض دیگری بنام قپانداری و میدانداری و خانات و جز اینها وضع گردید و از کالاهای بازرگانی گرفته میشد که بار سنگین آن تنها بر دوش اتباع ایرانی بود، چه اتباع خارجی بحمایت دولت متبوع خود از پرداخت حقوق گمرکی داخلی و عوارض شهری معاف بودند.

در چنین شرایطی طبیعی است که تجار خارجی کالاهای صادراتی و وارداتی را در بازارهای دنیا و ایران بمیزان بسیار نازلتری از اتباع داخلی میفروختند و چون شرایط رقابت در بازار برای بازرگانان ایرانی و خارجی چه در داخله و چه در خارجه مساوی نبوده است ناگزیر امر تجارت برای ایرانیان دشوار شد و در نتیجه ایشان بتدریج بازار تجارت را از دست دادند و از سوی دیگر در برابر سیل واردات کالاهای خارجی خود بخود صنایع دستی ایران و مؤسسات صنعتی معدودی که در ایران بتازگی تأسیس شده و هنوز نضجی نگرفته بود نمیتوانست رقابت کند. چون دولت تحت‌تأثیر عقاید آزادی تجارت، حمایت از صنایع داخلی را ضروری نمیدانست بازار صنایع ایران لطمهٔ فاحشی دید و در نتیجه چندین کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی و کبریت سازی و قندسازی و جز اینها که با سرمایه‌های خصوصی افراد تأسیس شده بود تعطیل گردید.

کشاورزی

بررسی تاریخ مالکیت اراضی مزروعی نشان میدهد که با وجود تحولات دامنه‌داری که در طول تاریخ در زمینهٔ ملکداری و ورود طبقات جدید در سلک مالکان

صورت گرفته است با اینهمه از نظر اصولی همان سیستم فئودالی و تمرکز املاک در دست اقلیتی محدود برقرار مانده است. بطور کلی ارتباط ایران با کشورهای بیگانه و آشناشدن با تکنیک جدید نتوانسته است تحولی عمیق در سیستم مالکیت و همچنین ماهیت روابط مالک و زارع و روش بهره‌برداری و مکانیزه شدن کشاورزی بوجود آورد.

اراضی زراعتی در ایران را در عمل بسه دسته میتوان تقسیم کرد:

۱ـ خالصه‌ها: خالصه‌ها املاک دیوانی است که اراضی وسیعی را در مملکت تشکیل میداده، این زمینها از طریق ضبط املاک عناصر متنفذ و گاهی هم مجرمان از طرف پادشاه در اختیار و تملک دولت درمی‌آمده است.

۲ـ املاک موقوفه: املاکی که مؤسسه‌های مذهبی آنها را در تصرف داشتند و عواید آنها اختصاص به مساجد و مدارس و دیگر امور خیریه بود و از پرداخت هرگونه عوارض مالیاتی معاف بودند.

۳ـ اراضی اربابی: املاکی که در مالکیت خصوصی افراد از قبیل حکام و خانها بود. ظهور سلسله‌های جدید و اختیاراتی که شاهان مستبد بر قسمت عظیمی از اراضی زراعتی و نسبت به تعیین بهرهٔ مالکانه داشتند و میتوانستند اراضی را باشخاص مختلف برای اداره کردن و استفاده از بهرهٔ مالکانه واگذار کنند، و نیز عوامل مختلف دیگر از آن جمله پیشرفت ترقی تجارت در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم (نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) و سوق سرمایه‌ها بسوی زمین‌داری سبب شد که تحولی در بین طبقه مالکان بوجود آید و بمقتضای وضع اجتماعی گروههای تازه‌ای در میان این طبقه وارد شوند. ناگفته نماند که این تغییر و ناپایداری در میان طبقه مالکان تغییری اساسی در ماهیت طبقه زمین‌دار نبوده است و همچنانکه میس‌لمتن گفته است:[1]

پس از ظهور اسلام و از بین رفتن اشراف فئودال و طبقه دهقان (مالکان و اشراف درجه دوم) که مسئول اداره امور محلی و جمع مالیاتها بودند موقع خود را در مالکیت حفظ کردند، علاوه بر این طبقه، مالکان جدیدی روی کار آمدند که املاک خود را بصورتهای مختلف از طریق عطیهٔ امام یا از راه فتح و غلبه در جنگها و یا بر اثر خرید و فروش بدست آورده بودند، این طبقه بعدها نمایندگی دولت را در نواحی سکونت خود

۱ـ مالک و زارع از فصل پنجم صفحه ۲۱۲ تا فصل هشتم صفحه ۳۲۸.

بر عهده گرفتند، در زمان حکومت ترکها، طبقه جدید دیگری بنام مقطع «تیولدار» روی کار آمدند، این طبقه ابتدا رابط بین دولت و رعیت و مأمور جمع‌آوری مالیات اراضی بودند و بعدها حق استفاده از املاک نیز بخود آنها واگذار شد و در مقابل متعهد بودند که در مواقع ضروری بتهیه سپاه و لشکر بپردازند و مستمری سپاهیان و همچنین اشخاص دیگری راکه از محل عواید مالیات دولتی حقوق دریافت میکردند پرداخت کنند. این املاک که بنام اقطاع «تیول» نامیده میشد کم کم بصورت ملک شخصی و موروثی درآمد. در نواحی غیر ایلی مالکان قدیم بتدریج با قبول مأموریت دولت در محل، در طبقه مقطع «تیولدار» مستحیل شدند، ولی در نواحی ایلی بعضی از نقاط دور دست ایران، بخصوص در نواحی بحر خزر، حکام محلی هم توانستند نفوذ و قدرت محلی خود را حفظ کنند و هم تسلط کامل بر املاکشان را از دست ندهند. در عصر قاجاریان طبقه مالک که شامل خان‌های ایلات نیز میگردید، متنفذیرین و مقتدرترین طبقات کشور را تشکیل میدادند. زمینداری برای مالک زمینهٔ مناسبی جهت حیثیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری بشمار میرفت. این امر سبب شد که اکثر طبقات سرمایهٔ خود را برای خرید اراضی مزروعی بکار بیندازند و بر عدهٔ زمینداران افزوده شود. علاوه بر خانها و حکام محلی که مایل بودند بر قلمرو مالکیت و نفوذ خود بیفزایند، مأموران دولت و همچنین تجار و صاحبان سرمایه‌های آزاد که نمیتوانستند منافع بدست آمده از تجارت را بسبب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران صرف کارهای تولیدی و مؤسسه‌های صنعتی کنند، اقدام بخرید زمینهای مزروعی از دربار کردند. بدین کیفیت طبقه جدیدی از ملاکان که در رأس آنها بورژوازی تجارتی و مستخدمان دولتی قرار داشتند جانشین اشراف فئودال گشتند و در تصاحب و تمرکز املاک مزروعی با خانها همگام شدند. با پیدایش مالکان جدید که بیشتر با بازارهای خارجی ارتباط داشتند و صاحب سرمایه‌های کلان بودند بتدریج املاک از دست خرده مالکان و کشاورزان خارج شد و بی‌ترتیب بودن اصول مالیاتی نیز کمک کرد تا مالکیت زمین‌های مزروعی در دست طبقات خاصی تمرکز یابد و بر تعداد عمده مالکان یا مالکان بزرگ افزوده گردد.

در سیستم بهره‌برداری مالکان جدید، همان شیوه فئودالیته را تعقیب می‌کردند بدین معنی که با تحمیل مالیاتهای جدید جنسی و نقدی بر دهقانان و افزودن مقدار آن موجبات استثمار بیشتر روستاییها را فراهم ساختند.

* * *

با روی کارآمدن سلسله صفویان و پیدایش قدرت مذهبی شیعه (قرن دهم ه ق مطابق قرن شانزدهم م) که منشأ تحولاتی عمیق در شئون اجتماعی و اقتصادی مملکت گردید مسأله زمین‌داری نیز تا حدی صورت جدیدی بخود گرفت. مالکیت مطلق شاه بر اراضی اگرچه جنبهٔ عملی آن بمقتضای اوضاع و احوال تعدیل یافت با اینهمه تا اندازه‌ای برای شاهان صفوی بقوت خود باقی بود. پادشاهان این سلسله به منظور ایجاد قدرت نظامی و گردآوری سپاه کافی احتیاج مبرمی بدر آمد نقدی برای پرداخت مزد لشکریان داشتند، برای این کار هیچ منبعی جز عواید خالصه وجود نداشت. از اینرو مقدار وسیعی از زمینها که در اختیار حکومت بود به این کار اختصاص داده شد. نخست برای سرکردگان سپاه برات نوشتند و بموجب آن مواجب سپاهیان را از محل عواید مالیاتی یعنی مالیات اراضی پرداختند. بعدها زمینهای املاک خالصه راکه براتها بر عهدهٔ آنها بود به تیول دادند و مقرر شد که در مورد این تیولها مانند «اقطاعات» پیشین لشکری اصل وراثت برسمیت شناخته شود و تیول بفرزندان ذکور در صورت ادامه بخدمت لشکری بارث منتقل شود. شاهان صفوی علاوه بر این تیولهای لشکری، بعضی از املاک خالصه را نیز بطور موقت و در مواردی بطور دائم بمأموران حکومت و دیگران به تیول میدادند، فرمانروایان صفویان پیش از رسیدن بسلطنت از روحانیان بزرگ و متنفذ بشمار می‌آمدند و املاک متعددی را بعنوان متولی در اختیار داشتند، چون بسلطنت رسیدند بسیاری از املاک را بر اماکن مقدس از جمله آستانه حضرت رضا (ع) در مشهد و خواهرش حضرت معصومه (ع) در قم وقف کردند.

علاوه بر خاندان سلطنتی عده‌ای از مالکان بزرگ نبز املاک خودشان را با حفظ حق تولیت برای خود و خانواده‌شان وقف میکردند، تعداد بسیاری از املاک موقوفه در دورهٔ صفویان بعنوان پاداش بخانواده‌های سرشناس مذهبی بصورت تیولهای موروثی واگذار شد، تیولها در پاره‌ای از موارد در این عصر از پرداخت مالیات بدولت معاف بودند و مالیاتهای گرفته شده متعلق بتیولدار بود و در مقابل بدولت اجاره بها میپرداخت، در پاره‌ای از موارد نیز تیولدار مالیات اراضی را بدولت میپرداخت. پس از صفویان بدنبال تصمیمی که نادرشاه افشار مبنی بر تضعیف روحانیان گرفت و برای کوتاه کردن دست آنها از اموال موقوفه اقدام کرد بسیاری از املاک موقوفه از دست متولیان خارج شد و نام

آنها در زمرهٔ املاک خالصه در رقبات نادری ثبت گردید.

در مقابل تصمیم فوق، پاره‌ای از متولیان از تسلیم املاک وقفی سر پیچیدند، عده‌ای از وقف کنندگان هم از تنظیم وقفنامه خودداری و در صورت تنظیم از ارائهٔ آن امتناع می‌کردند.

این امر سبب شد که عده‌ای از وضع موجود استفاده برند و با کمک مأموران دولتی برای بسیاری از این نوع موقوفات بنام خود قباله درست کنند و در نتیجه مقدار بسیاری از املاک موقوفه در زمان جانشینان نادرشاه باملاک شخصی و گاهی به املاک خالصه تبدیل شد.

سلسله قاجاریان که وارث دوران هرج و مرج ناشی از جنگهای متوالی زمان افشاریان و جانشینان آنان بود پس از روی کار آمدن، بخلاف شیوهٔ پادشاهان صفوی موجبات تمرکز نیافتن قدرت حکومت را فراهم کرد و با سپردن حکومت ولایات بافراد خانواده سلطنتی رسم حکومت سلجوقیان را دوباره برقرار ساخت. همچنین با تفویض حق رسیدگی بدعاوی بملاکان و تیولداران، موجبات قدرت حکام ایالات و تسلط بیش از حد مالکان را نسبت به کشاورزان فراهم کرد. در مورد زمینداری بیشتر پادشاهان قاجار پس از آغامحمدخان سعی خود را بر این مصروف میداشتند که قسمتهای وسیعی از املاک کشور را جزو تیولها قلمداد کنند و از نظارت مستقیم خود بر خالصه‌ها بکاهند، بدنبال این سیاست عدهٔ املاک خالصه‌ای که در این عصر تبدیل به تیول شد و بجای حقوق سالیانه باشخاص واگذار گردید بی‌اندازه افزایش یافت، تیولداران بیشتر میکوشیدند که تیولها را باملاک شخصی و قابل نقل و انتقال مبدل سازند، پس از آنکه بطور عملی این منظور برآورده شد تیول‌داران و مأموران سابق دولت در ردیف طبقه جدیدی از مالکان قرار گرفتند که مالیات دولت را تحت عنوان اجاره بها بحکومت مرکزی میپرداختند. چنانکه فریزر نوشته است «تیولداران در عمل هیچگونه مالیاتی بدولت نمیپرداختند و می‌کوشیدند املاک تیولی را در برابر عمال دولت خصوصی یا اربابی جلوه دهند و برعکس در برابر رعایا خود را وابسته بدولت قلمداد کنند و همان مالیاتی را که در سابق بنام دولت میگرفتند برای خود وصول کنند.»

نرخ مالیات املاک مزروعی در این عهد افزایش یافت و تحصیل آن از آنجهت که تحمیلی سخت بر طبقهٔ زارع بود موجبات تعدی و ظلم مأموران مالیاتی را

نسبت بخرده مالکان و کشاورزان فراهم کرد، چه مأموران مزبور علاوه بر مالیاتهای عادی برای مخارج خود وابوابجمعی که در نواحی تحت اختیار آنان بود و همچنین برای تأمین مخارج مختلف نظامی و غیرنظامی، مالیاتها و باجهای سنگینی تحت عناوین مختلف، چون تفاوت عمل و سیورسات از مالکان جزء و کشاورزان مطالبه میکردند، برزگران چون بیشتر از عهدهٔ پرداخت بار سنگین مالیاتها برنمی‌آمدند زمینهای آنها بتملک عمده مالکان و خانها درمی‌آمد. ناصرالدینشاه در اواخر سلطنت خود تصمیم گرفت بموجب فرمانهایی املاک خالصه را که رو بویرانی نهاده بودند در مقابل پرداخت مالیاتی سنگین باشخاص واگذار کند، این مالیات نخست جنسی گرفته میشد و سپس بماخذ معینی مبدل بنقد گردید «تسعیر».

صاحبان املاک خالصهٔ انتقالی میتوانستند املاک مزبور را بفرزندان خود انتقال دهند. بدنبال این اقدام چون دولت در این عهد بعلت اسراف و ولخرجی شاه و درباریان و مخارج هنگفت دستگاههای اداری مملکت دچار مضیقهٔ مالی شده بود، ناصرالدینشاه فرمانی مبنی بر فروش همهٔ املاک خالصه بجز خالصه‌های حومهٔ تهران صادر کرد.

در زمان مظفرالدینشاه احتیاج مبرم دربار بپول بقوت خود باقی بود و شاه فرمان فروش همه خالصه‌ها را صادر کرد، در ضمن فرمانی نوشت که صورتی از املاک خالصه را تهیه کنند تا مقدار و قیمت هر یک از آنها معین شود. این امر برای مأموران دولت فرصت مناسبی بود که مقداری از املاک خالصه را جزو املاک شخصی بحساب آورند.

بطور کلی در اواخر دورهٔ قاجاریان سیاست زمینداری برای روستاییان کیفیت طاقت فرسایی بوجود آورده بود، وضع مالیاتهای سنگین و رعایت نکردن قوانین شرعی در مورد مالکیت که حدود روابط مالک و کشاورز را مشخص کرده بود و کشاورزان در لوای آن مورد حمایت قرار میگرفتند، سبب شد که برزگران در مقابل استفاده از زمین تحت شرایط طاقت فرسایی انواع بیعدالتیها و تعدی و ستم از ارباب و مالک ده متحمل شوند، استثمار ملاکان و مباشران آنها و وخامت اوضاع اقتصادی حق هرگونه مالکیت را نسبت بزمین از برزگران سلب کرد و موجبات کینه و نفرت کشاورزان را نسبت به مالکان و استثمارگران خود فراهم ساخت و آنها را بفرار از ده و پناهنده شدن در شهرها برانگیخت. در بعضی از نواحی ایران دسته‌های بزرگی از روستاییان برای تهیه کار و فرار

از وضع وخیم خود بروسیه مهاجرت کردند.[۱]

عوامل فوق در ایران زمینهٔ انقلاب را برای کشاورزان از هر جهت فراهم ساخت، ولی ما در فصول آینده روشن خواهیم کرد که چگونه این طبقه محروم از حقوق انسانی که فقط با یک انقلاب اجتماعی میتوانستند وضع خود را اصلاح کنند بعللی نتوانستند در جنبش مشروطیت ایران سهمی داشته باشند.

مالیات

یکی از عواملی که در اسیر ساختن اقتصاد ایران در دست کشورهای خارجی و در نتیجه تهیهٔ مقدمهٔ اعطای امتیازاتی زیانبار بحال کشور مؤثر گردید مسأله تقلیل درآمد دولت و نابسامان بودن وضع مالی کشور بود. درآمد دولت را مالیاتهای مستقیم، عواید گمرکات، خالصه‌ها، و حق امتیاز اجاره بهای بنگاههای دولتی تشکیل میداد. با تأسیس پست و تلگراف «سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۷٤ هـ . ق» در زمان سلطنت ناصرالدینشاه راه دیگری برای تأمین منابع درآمد دولت بوجود آمد.

اساس مالیات ایران مبتنی بر مالیاتهای مستقیم بود، مالیات مزبور از زمینهای مزروعی، اغنام و احشام و مستغلات، قنوات چاههای آب و آسیاها اخذ میشد، در پاره‌ای از نقاط بخصوص در روستاها مالیاتی بنام مالیات سرانه بر اشخاص تعلق میگرفت و در برخی از نواحی نیز بجای مالیات سرانه نوعی مالیات بنام «مالیات در» میگرفتند که بهر خانواری تعلق میگرفت. مالیات اراضی بصورت نقدی و جنسی تأدیه میشد، میزان حق دولت تا پیش از سلطنت فتحعلیشاه ده درصد کل عایدات بوده است ولی از زمان فتحعلیشاه پایه مالیات در ایران بمیزان ۲۰ درصد عایدات اراضی افزایش یافت، و این رقم نیز نرخ ثابتی نبوده و در پاره‌ای از موارد و در بعضی از نقاط در عمل به ۳۰ تا ۳۵ درصد نیز میرسید.

ناگفته نماند که حکام شهرستان مأمور وصول مالیات بودند و اختیار داشتند از

۱ـ ایوانف تعداد مهاجران ایران اعم از کشاورزان و پیشوران را که برای تهیه کسب و کار بماوراء قفقاز و ماوراء خزر در اوایل قرن بیستم میلادی مهاجرت کردند تا دویست هزار تن تخمین زده است.
«تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. صفحه ۱۵»

محل مالیاتهایی که وصول میکنند مخارج ادارات هر محل را بپردازند و سالیانه مبلغ معینی بمرکز بفرستند. بنابراین حکام در عمل مجاز بودند بیش از اندازه مقرر مالیات وصول کنند و تفاوت عمل را بنفع خود ضبط نمایند. برحسب معمول مالیاتهای سنگین و غیر عادلانه از طرف حکام متوجه قشر وسیعی از تودهٔ ملت که خرده مالکان و روستاییان باشند تحمیل میگردید تیولها و موقوفات که بصورت عمده مالکی اداره میشد از پرداخت مالیات معاف بودند، ایلها نیز مالیات اراضی نمی‌پرداختند و در مقابل خدمات نظامی را بر عهده داشتند، و مالیاتی که از آنها دریافت میشد آن بود که بر اغنام و احشام آنها تعلق میگرفت.

از پیشه‌وران و بازرگانان نیز نوعی مالیات مستقیم که در حدود ۲۰ درصد عایدات آنها را تشکیل میداد وصول می‌گشت در نقاطی که مالیات سرانه دریافت میشد، از هر مرد بطور معمول چهار قران و از زنان و کودکان ۲/۲۵ قران میگرفته‌اند و مالیاتی هم که بر اغنام و احشام بسته میشد از قرار هر گوسفند و بز نزدیک بیک قران و از هر خر و گاو یک تومان بوده است[۱] علاوه بر مالیاتهای فوق که وسیلهٔ تحصیل درآمد برای دولت بود، امتیاز و اجاره بهای پستخانه و ضرابخانه و تلگرافخانه و عواید گمرکات نیز از طرف شاه باشخاص مختلف واگذار میشد، میزان درآمدی راکه از این راه در سال ۱۸۸۸ میلادی عاید دولت گردیده لرد کرزن به حدود صد و ده هزار تومان تخمین زده است.[۲]

بر این نوع مالیاتها باید مالیات سربازگیری را افزود که عبارت بود از دریافت وجوهی بعنوان مالیات و سرباز از هر روستا یا دهکده یا شهرستان‌ها بوسیله مأموران مالیاتی. بر منابع درآمد دولتها مالیاتهای اتفاقی تحت عنوان مصادره و سیورسات و پیشکشهای سالانه و فوق‌العاده را نیز میتوان افزود.

درآمد دولت ایران در قرن سیزدهم ه ق بخصوص در ربع آخر آن در اوایل قرن چهاردهم ه ق بعلت عوامل مختلفی از جمله بی‌ترتیبی دراخذ مالیات و تنزل قیمت نقره و ارزش پول ایران بتدریج کاهش میابد و از مبلغی معادل ۷۵ میلیون فرانک در سال

۱- امیرکبیر و ایران صفحه ۱۱۸.
۲- ایران تألیف لرد کرزن صفحه ۹۵.

۱۸۱۵ میلادی به مبلغی معادل ٤٠ میلیون فرانک در سال ۱۸۸۹ میلادی تنزل می‌کند. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه ۱۸۹۵ میلادی درآمد خزانه دولتی بین ۳۲ و ۳٦ بیلیون فرانک تخمین زده شده است.[۱] ولی باید دانست که با همهٔ اینها بودجهٔ دولت ایران تا پیش از لغو امتیازنامه رژی تا حدی متعادل بود و دولت هیچگونه وامی خواه خارجی و خواه داخلی بر عهده نداشت بخصوص در اوایل سلطنت ناصرالدینشاه با اقداماتی که در زمینهٔ اصلاحات مالی بدستور امیرکبیر صورت گرفت تا حدی مخارج دولتی که پیش از آن همواره افزونتر از عایدات بود تعدیل یافت و بتدریج یک میلیون تومان «معادل ـ ۵۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی» اضافه خرج بر دخل مملکت حاصل گردید.[۲]

ولی در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه پس از آنکه امتیازنامه رژی بر اثر مخالفت روحانیان و توده ملت در دیماه ۱۲۷۰ شمسی (مطابق ژانویه ۱۸۹۲ م) ملغی گردید، و دولت مجبور شد برای پرداخت خسارت شرکت تالبوت وامی بمبلغ پانصد هزار لیره انگلیسی بمدت چهل سال از بانک شاهنشاهی بگیرد،اردیبهشت ماه ۱۲۷۱ ش (مطابق آوریل ۱۸۹۲ م) و در مقابل عواید گمرکات جنوب را بعنوان وثیقه بدولت انگلستان واگذار کند این وضع دگرگون شد. از دست دادن عواید گمرکات که از مهمترین منابع درآمد دولت بود موجب اختلال وضع مالی دولت گردید و این نخستین وام خارجی بود که توسط ناصرالدینشاه «در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ هـ ق بر بودجهٔ دولت تحمیل شد و مقدمهٔ تحصیل وامهای پیاپی دیگری در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه برای جبران کسر مخارج دربار و تأمین هزینه و مسافرتهای متعدد شاه بخارج از کشور گردید.

از آنجمله وامی بمبلغ ۲۲،۵۰۰،۰۰۰ منات طلا بود که بمدت ۷۵ سال توسط بانک استقراضی از دولت روسیه تزاری در برابر واگذار کردن عایدات گمرکات ایران باستثنای گمرکات بندرهای جنوب و فارس گرفته شد[۳]. بموجب پیمان وام مقرر

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران پاولویچ صفحه ۹۰

۲ـ کتاب امیرکبیر و ایران صفحه ۱۰۹

۳ـ قرارداد این قرضه تحت ۱٦ فصل در ژانویه ۱۹۰۰ با تنزیل صدی پنج بین دولت ایران و بانک استقراض روس در ایران منعقد گردید رجوع به صفحه ٤۱۹ از کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا شود.

گشت که تا هنگامی که قرض مزبور از طرف دولت ایران پرداخت نشود دولت مزبور حق استقراض خارجی بدون رضامندی دولت روسیه نداشته باشد. در حدود سال ۱۳۲۰ هـ ق (۱۹۰۲ م) مظفرالدینشاه بار دیگر برای تأمین مخارج سفر دوم خویش بفرنگ مبلغ ده ملیون منات طلا بمدت ۷۵ سال با همان شرایط وام نخست از دولت روسیه تزاری وام گرفت. وی از دولت انگلستان نیز مقارن وام نخستین که از دولت روسیه گرفته بود (۱۳۱۸) وامی بمبلغ ۳۱٤،۲۸۱ لیره و ۱٦ شلینگ و ٤ پنس طلا بمدت ۱۵ سال با تنزیل ۵ % توسط بانک شاهنشاهی و بنام حکومت هند دریافت کرد. بدین‌سان دولت ایران یکی از منابع درآمد و عایدات خود را که حقوق گمرکی باشد در اختیار دولت‌های خارجی گذاشت و مضیقهٔ مالی روزبروز شدت یافت، چنانکه تخمین زده‌اند دولت ایران تنها بابت غرامت وامهای خارجی هر ساله از کلیه عایدات گمرکی خود بطور تقریب مبلغی معادل ۲،۵۰۰،۰۰۰ تومان بدولت روس و انگلستان میپرداخته است[۱]
تاریخ استعمار گمرک ایران را پس از شکست ایران از دولت روسیه و تنظیم عهدنامهٔ گلستان باید دانست، چه پیش از آن تاریخ بخصوص در زمان خاندان صفویان که در توسعهٔ تجارت و ترقی اقتصاد مملکت کوشش فراوان مبذول میشد ایران دارای تشکیلات منظم گمرکی و راهداری بود، و نخستین معاهده‌ای را هم که این سلسله با دولت عثمانی منعقد ساخت استقلال گمرکی ایران را حفظ میکرد و کلیه اجناس خارجی را که بایران وارد میشد تابع قوانین گمرکی قرار میداد و هر چند ترتیب اخذ عوارض گمرک در نواحی مختلف بطور متفاوت انجام میگرفت با اینهمه ادارهٔ تشکیلات مزبور بدست مأموران و عمال دولتی که از طرف شاه معین میشدند صورت میپذیرفت، ولی پس از مدتی دولت ایران بسبب تنزلی که در عایدات گمرک رخ داد و همچنین بتقلید از دولتهای اروپایی در سال ۱۰۸۵ هـ ق (مطابق ۱٦۷٤ م) عواید گمرکی را باشخاص اجاره داد و در نتیجه تسهیلاتی که برای تجارت در سابق منظور میشد از بین رفت. رسم اجاره گمرک تا زمان سلطنت مظفرالدینشاه ادامه داشت. در این هنگام نظر بمضیقه مالی دولت و تهی بودن خزانه شاه، عایدات گمرکی یعنی تنها منبعی که امکان داشت کسر درآمد دولت و احتیاجات روزافزون شاه را برای مخارج مسافرتهای خود بخارج تأمین

۱ـ گنج شایگان تألیف جمال‌زاده صفحه ٤۱.

کند مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۳۱۵ ه‍ ق میرزا علیخان امین‌الدوله صدراعظم وقت برای اصلاح گمرک و ضرابخانه سه تن مستشار بلژیکی «نوز، پریم، انگلس» را استخدام کرد، مأموران جدید بالغو اجاره گمرکات کلیه حقوق گمرک صادرات و واردات را بحساب دولت وارد کردند.[۱] نقشهٔ اصلاح گمرک بوسیلهٔ مسیو نوز بلژیکی با گرفتن وامهای متعددی که دولت ایران از دو دولت روسیه و انگلستان کرد عقیم ماند، چه در برابر وام مزبور دولت مجبور به عقد قراردادهای گمرکی و واگذار کردن عایدات گمرک کشور بدو دولت مزبور گردید و در همین جا زمینه برای اجرای استعمار اقتصادی ایران آماده شد.

مقدمات تسلط و بهره‌برداری از گمرکات ایران توسط دولتهای خارجی همچنانکه در بالا اشاره شد با عقد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای آغاز گشت. بموجب فصل نهم عهدنامهٔ گلستان مورخ ۲۸ شوال ۱۲۱۸ ه‍ ق (مطابق اکتبر ۱۸۱۳ م) و فصل سوم عهدنامهٔ ترکمانچای انعقاد یافته در ۵ شعبان ۱۲۴۳ ه‍ ق (۲۳ فوریه ۱۸۲۸ م) مقرر شده بود که از کالاهای بازرگانی اتباع روسیه خواه از صادرات و خواه از واردات بیش از ۵ درصد حق گمرکی گرفته نشود. بدنبال بستن این معاهدات دولت ایران کلیه عهدنامه‌های تجارتی خود را با دولتهای دیگر بموجب اصل حقوق دول کامله‌الوداد که مشمول همین مقررات گمرکی خاص میبود تنظیم کرد و در نتیجه تعیین حقوق گمرکی صادرات و واردات در عمل از اختیار دولت ایران خارج شد. پس از آنکه نوز بلژیکی سرپرستی گمرکات ایران را بر عهده گرفت در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۱۸ ه‍ . ق بدنبال الغای اجاره گمرکات مورخ ۱۳۱۷ ه‍ ق پرداخت عوارض داخلی که بموجب فصل هفتم بند چهارم و پنجم نظامنامه گمرک در زمان سلطنت ناصرالدینشاه برای اتباع ایرانی صدی بیست و برای اتباع خارجی صدی ده مقرر گردیده بود ملغی گشت. دولت ایران همچنانکه در گذشته یاد شد، در برابر دریافت وامهای متعدد از دولتهای خارجی که نقشهٔ تسخیر بازارهای ایران و تسلط بر اقتصاد مملکت را برقابت با یکدیگر طرح کرده

۱ـ برای دولت ایران میزان عایدات گمرک از بابت وجه اجاره سالیانه پیش از لغو این رسم در حدود ۱۲،۵۰۰،۰۰۰ قران تا ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ قران تخمین زده شده است. (سال ۷ ـ ۱۳۱۶ ه‍ ق).

بودند قرارداد گمرکی نوینی در تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۲۰ ه ق (مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ م) با دولت روسیه منعقد ساخت. مواد قرارداد تعرفه جدید موجب تقلیل عوارض کالاهای روسی و در نتیجه بنفع دولت روسیه تمام شد و سبب کسر درآمد گمرکات ایران گردید.

بدنبال عقد عهدنامه گمرکی تازه بین ایران و روسیه، دولت امپراتوری انگلستان که بر سر مسئله نفوذ اقتصادی و سیاسی در ایران با دولت روسیهٔ تزاری رقابت میکرد برای تصاحب منافع و عواید گمرکات جنوب در ذیقعده ۱۳۲۰ ه ق (مطابق با نهم فوریه ۱۹۰۳ م) قرارداد تازهٔ گمرکی مشتمل بر یک مقدمه و هفت فصل براساس عهدنامهٔ دسامبر ۱۹۰۲ میلادی با دولت ایران منعقد کرد. بموجب قراردادهای فوق دولت ایران کلیه حقوق خود را در مورد گمرکات ایران و همچنین حق تنظیم و تغییر تعرفه‌های آن بدولتهای خارجی واگذار کرد و بدین سان با تنظیم سند استعمار و استثمار اقتصادیات کشور، موجبات برانگیختن ملت بر ضد دولتهای اجنبی فراهم شد.

امتیازات

دوران آخر سلطنت ناصرالدینشاه را باید آغاز دورهٔ نوین اسارت کشور توسط سرمایه‌های خارجی از طریق اعطای امتیازات در زمینه‌های مختلف دانست. دولت انگلستان بمنظور حفظ ارتباط خود با هندوستان و تحکیم نفوذ سیاسی خود در ایران بتحصیل یک رشته امتیازات از جمله امتیاز خطوط تلگرافی توسط کمپانی انگلیس و هند مبادرت کرد. نخستین امتیاز مربوط بخطوط تلگراف بین خانقین و تهران و بوشهر، بین تهران و سرحد بلوچستان «رمضان ۱۲۸۰ ه ق» برای مخابرات داخل و خارج بود و در سوم رجب ۱۲۸۲ ه ق (مطابق ۳ نوامبر ۱۸۶۵ م) قرارداد تازه‌ای که ارتباط ایران را با خارج برقرار سازد، بین دولت ایران و انگلیس بسته شد. امتیاز دیگر راجع بخطوط تلگرافی بین دولت ایران و انگلیس امتیازنامه مورخ ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ ه ق (مطابق ۱۶ اوت ۱۹۰۱ م) بود، مدت امتیازنامه مز:ور تا ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ ه ق (دهم ژانویه ۱۹۲۵ میلادی) تعیین شده بود و در آن مقرر گشت که هرگاه دولت ایران قرض خود را تا مدت موعود بابت کشیدن این خط بدولت انگلیس نپردازد این امتیازنامه بقوت

خود باقی باشد[1].

در جمادی الاولی سال ۱۲۸۹ هـ ق (مطابق ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ م) امتیازنامه‌ای بین دولت انگلستان و ایران بمدت هفتاد سال تنظیم شد و بموجب آن مقرر گردید که دولت ایران حق انحصاری ساختمان راه‌آهن و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و امتیازات دیگری در زمینهٔ آبیاری به بارون رویتر تبعه انگلیس واگذار کند، و نیز بموجب این امتیاز دولت ایران اداره گمرکات کشور را بمدت ۲۰ سال در برابر هزار لیره استرلینگ در اختیار رویتر گذاشت و تعهدات دیگری را نیز در ضمن مواد امتیازنامهٔ فوق برای آینده پذیرفت که بموجب آنها کلیه ثروتهای طبیعی کشور برای مدت هفتاد سال در اختیار دولت انگلستان قرار میگرفت، این امتیازنامه با مخالفت ملت و دولت رقیب «روسیهٔ تزاری» مواجه و لغو گردید.

مدت ۱۶ سال بین دولت ایران و بارون ژولیوس تبعهٔ انگلیس بر سر خسارتهایی که از این امتیازنامه ناشی شده بود گفتگو بود تا سرانجام از طرف ناصرالدینشاه برای جبران خسارت ادعا شده امتیاز بانک شاهنشاهی در تاریخ ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۰۶ هـ ق بمدت ۶۰ سال بوی داده شد. اعطای این امتیازنامه از مهمترین خواسته‌های دولت انگلستان بود، چه محافل مالی انگلستان از اواسط قرن نوزدهم برای توسعهٔ تجارت و تأمین پیشرفت صنایع خود بتأسیس مراکز بانکی در کشورهای دیگر احتیاج داشتند و بدنبال همین مقصود بود که پیش از تأسیس بانک شاهنشاهی بعلت آزاد بودن فعالیت بازرگانی و اقتصادی برای خارجیان، ابتدا بانک جدید شرق در سال ۱۲۶۶ هـ ش (مطابق ۱۸۸۸ م) بدون بدست آوردن امتیازی خالص در ایران گشایش یافت. و بدنبال آن بانک شاهنشاهی فعالیت اقتصادی را آغاز کرد، این بانک می‌توانست علاوه بر کارهای بانکی و صرافی بکارهای عمرانی و صنعتی نیز بپردازد، چه بموجب فصل یازدهم امتیازنامه حق استخراج تمام معادن ایران (بجز معادن فلزات و انواع سنگهای قیمتی که از پیش به دیگری واگذار شده بود) و نیز ساختن راههای شوسه در سراسر کشور بمدت ۶۰ سال ببانک مذکور واگذار شد، علاوه بر امتیازات فوق بانک مزبور حق نشر اسکناس و معاف بودن از مالیات را نیز بدست آورد. بانک انگلیس را باید بهترین وسیلهٔ افزایش نفوذ اقتصادی انگلستان در ایران دانست.

۱ـ این امتیازنامه در زمان استبداد صغیر ۱۳۲۷ هـ ق تمدید شد.

دیگر از امتیازنامه‌هایی که در مسیر اسارت ملت ایران و تحکیم پایگاه سیاسی دولتهای بیگانه در زمان سلطنت مظفرالدینشاه داده شد، امتیاز استخراج معادن نفت ایران بیکی از سرمایه‌داران استرالیایی موسوم به ویلیام دارسی بود (در تاریخ ۹ صفر ۱۳۱۹ ه ق - ۱۹۰۱ م). بموجب این امتیازنامه دولت ایران بزرگترین منبع ثروت خود یا نفت را بمدت ۶۰ سال به دارسی واگذار کرد و بوی اجازهٔ تفتیش و استخراج و تجارت و حمل و نقل محصولات نفتی داد. دارسی نیز امتیاز خود را بشرکت «استخراجات اولی» که شرکتی انگلیسی بود تفویض کرد. دولت انگلستان در واقع با گرفتن این امتیازنامه ضربه‌ای سخت برقیب خود دولت روسیه تزاری فرود آورد دولت اخیر نیز در برابر هر یک از امتیازاتی که دولت انگلیس از ایران میگرفت بطور متقابل می‌کوشید تا امتیازات همانند سیاسی و اقتصادی از ایران بگیرد. از اینرو سرمایه‌داران دولت روسیه نمیتوانستند در برابر فعالیتهای دولت امپراتوری انگلستان بمنظور توسعه نفوذ خود در ایران آرام بنشینند و با داشتن زمینه مساعدی که بموجب عهدنامه ترکمانچای بخصوص در دربار ایران کسب کرده بودند، بمنظور جلوگیری از فرمانروایی سرمایه‌های اقتصادی رقیب و تسلط و تحکیم نفوذ خود در ایران بگرفتن امتیازاتی جدید در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز کردند. نفوذ روسیهٔ تزاری بدنبال اعطای امتیازات تلگرافی به دولت انگلستان پیش از همه در ارتش ایران پدید آمد. امتیاز تشکیل قزاقخانه در ایران در زمان ناصرالدینشاه «۱۲۹۷ ه ق» از طرف ایران بروسیه داده شد و مبلغ سی هزار تومان مخارج مربوط بدان از محل عایدات گمرکات ایران پرداخت گردید. فرماندهی بریگاد قزاق با افسران روسی بود.

و نیز در برابر بانک شاهنشاهی در ایران، دولت روسیه تزاری اقدام بتأسیس بانک استقراضی کرد. امتیاز این بانک نخست در سال ۱۲۶۹ ه ش (۱۸۹۵ میلادی) بموجب پیشنهادی مبنی بر اجازه تأسیس انجمن استقراضی از طرف یکی از اتباع دولت روسیه در ایران داده شد، و این پیشنهاد مورد موافقت ناصرالدینشاه واقع گشت و مواد نظامنامه آن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۲۷۰ ه ش (۲۱ ماه مه ۱۸۹۱ م) از طرف دولت ایران به تصدیق رسید.

هدف این بانک در واقع شعبه‌ای از مالیهٔ روسیه بشمار میرفت توسعهٔ نفوذ در ایران و بخصوص رقابت با دولت انگلستان بود و دایرهٔ فعالیت آن بیشتر محدود

بپرداخت قرضه‌های کلان بدربار و رجال درباری و اعیان و ارباب نفوذ و حتی علماء، در رهینه و گرو گرفتن اشیاء گرانبها و اوراق بهادار بود از امتیازات دیگری که در زمینهٔ راهسازی و ارتباطات به دولت روسیه تزاری داده شد باید امتیاز ساختن راه خلیج انزلی (بندر پهلوی) تا قزوین را نام برد که از طرف ناصرالدین شاه در دوم ذیحجه ۱۳۱۰ ه.ق بمدت ۹۹ سال بشرکت روسی «بیمه و حمل و نقل در ایران» داده شد و در طی این مدت مقرر گشت که دولت ایران از شرکت مزبور مالیاتی دریافت نکند. دایرهٔ امتیاز این شرکت پس از چهار سال وسعت یافت و امتیاز احداث راه شوسهٔ تهران بقزوین و قزوین بهمدان را نیز بدست آورد، همچنین امتیاز راه شوسه جلفا و تبریز را بوعده ۹۹ سال تحصیل کرد، در ضمن امتیاز ساختمان و بهره‌برداری از بندر انزلی (پهلوی) و خطوط کشتیرانی در دریای خزر را بدست آورد، امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران از راه تبریز بکمپانی انگلیسی «تلگرافات هند و اروپا» مقیم مسکو که تحت حمایت دولت روسیه بود واگذار گردید.

امتیاز استخراج معادن قراچه داغ آذربایجان در ۱۰ جمادی‌الاخر ۱۳۱۶ ه.ق بشرکت معادن روس بمدت هفتاد سال واگذار شد. در ضمن این امتیازنامه شرکت مزبور حق داشت در حوزه امتیاز راههایی را که برای پیشرفت کارش ضروری میدانست بسازد. اعطای امتیاز شیلات بحر خزر به لیانازوف در سال ۱۲۸۵ ه.ق نیز از جمله مواردی است که دولت روسیه از آن منتفع شد، امتیاز اخیر بارها تجدید گشت و آخرین بار آن در زمان صدارت عین‌الدوله بود که آن را بمدت ۲۰ سال در برابر ۶۰ هزار تومان در سال تمدید کردند و نیز از واگذاری نفت شمال در سال ۱۳۲۴ ه.ق بدولت روسیه تزاری باید یاد کرد.

در زمینهٔ امتیازات خارجی از اعطای امتیاز انحصار خرید و فروش و ساخت دخانیات ایران بیک شرکت انگلیسی موسوم به «هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران» که صاحب امتیاز تالبوت نام داشته باید ذکری بمیان آورد. گرچه این امتیاز از طرف ایران لغو گردید و بمرحلهٔ اجراء در نیامد ولی از آنجایی که تأثیر مستقیم در جنبش مشروطیت داشته است اشاره بآن لازم است.

توضیح اینکه ناصرالدینشاه در سومین سفر خود باروپا در سال ۱۳۰۷ ه.ق امتیاز مذکور را بیک شرکت انگلیسی وعده داد و در ۲۸ رجب ۱۳۰۸ ه.ق مطابق بیستم

مارس ۱۸۹۰ م امتیازنامه بمدت پنجاه سال تحت ۱۵ فصل تنظیم شد و بموجب فصل اول امتیازنامه مقرر گردید که شرکت مزبور سالی ۱۵ هزار لیره انگلیسی بعلاوه یک ربع منافع خالص بدولت ایران بپردازد و دولت ایران هم بموجب فصل هفتم امتیازنامه متعهد شد مالیات و عوارض و رسوم گمرک را که در آن تاریخ گرفته میشد در خلال مدت ۵۰ سال اضافه نکند.

این همان امتیازنامه‌ای است که ادوارد براون انگلیسی در تاریخ انقلاب ایران از آن بعنوان یکی از بدبختیهای دوره اخیر سلطنت ناصرالدینشاه یاد میکند، چه همین امتیاز است که موجب نارضایی مردم گردید و وحدت کلیهٔ طبقات کشور را چه روحانی و بازرگان و چه افراد عادی بر ضد حکومت و استعمار خارجی فراهم ساخت و عموم مردم از نظر امتثال فتوای دو تن از مجتهدین و اجرای احکام شرعی که بموجب رأی آنان استعمال دخانیات تحریم شده بود جمیع دکان‌های تنباکو و توتون فروشی را تعطیل کردند و در مدت کوتاهی استعمال دخانیات در ایران متروک شد. عاقبت شاه در برابر مخالفت مجتهدان و عالمان و ملت نتوانست ایستادگی کند و بناچار در تاریخ ١٤ جمادی‌الاخر ۱۳۰۹ ه.ق امتیاز را لغو کرد و در مقابل چنانکه گفتیم مجبور به پرداخت معادل ۵۰۰ هزار لیره انگلیسی از بابت خسارت به کمپانی مزبور گردید.

دولت ایران بجز امتیازاتیکه باتباع انگلیسی و روسی اعطا کرده است. بدیگر دولتهای خارجی نیز امتیازاتی بخشیده است. از جمله امتیاز بهره‌برداری از جنگلهای ایران که بیک مؤسسه «فرم» یونانی داده شد و امتیاز استخراج آثار عتیقه و حفریات تاریخی که در حدود سالهای ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ ه.ق از طرف ناصرالدینشاه بیک تن از اتباع فرانسوی بنام «مارسل اگوست دیولافوای M.A.Dieulafoy » اعطا گشت.

سیاست دروازه‌های باز، برداشتن مرزهای اقتصادی با وضع تعرفه‌های گمرکی که بخوبی بر اساس استیلا بر اقتصاد ایران بین دو دولت روسیه تزاری و انگلیس با دولت ایران تدوین شده بود، اعطای امتیازات، بخصوص تسلط مؤسسات بانکی خارجیان بر بازار سرمایه و پول ایران و همچنین گرفتن وامهای متعدد از دولتهای خارجی و بوثیقه رفتن مهمترین و پردرآمدترین منابع درآمد کشور در قبال آنها، تسلط خارجیان بر نیروی نظامی ایران، اداره دیویزیون قزاق بدست متخصصان و فرماندهان روسی، همهٔ اینها اساس استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را متزلزل ساخت و بخصوص اختلال سریعی که

در وضع مالی و اقتصادی کشور در اوایل قرن چهاردهم ه.ق پیش آمد تأثیر عمیقی در کلیه طبقات اجتماعی ایران بخشید.

امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران برای خارجیان، تنظیم معاهدات تجارتی زیان‌بخش بحال اتباع ایرانی، زیانهای آزادی واردات بخصوص وارداتی که از حقوق گمرکی معاف بودند، ضربت سختی بصنعت و کشاورزی کشور وارد میکرد، و این امر برای بورژوازی تاجر و سرمایه‌دار ایرانی بخصوص مسئله حیاتی را بوجود می‌آورد که خواه ناخواه واکنش نارضایی از آن به صورت انقلاب بر ضد وضع موجود بموجب سیرهٔ تاریخی بود.

مسئلهٔ پریشانی و ورشکستگی طبقات بزرگی از اجتماع را، فرار از ده بشهر و یا مهاجرت تولید کنندگان ثروت کشور چون روستائیان و کارگران بخارج از کشور، و یا ترک تابعیت گفتن و بحمایت دولتهای استعمارگر در آمدن، نمیتوانست درمان بخشد، محدود شدن منافع مادی مردم بوسیله شرکتهای خارجی و بخصوص تهدید هر یک از طبقات اجتماع، خودبخود موجبات وحدت و پیوستگی افراد را با یکدیگر بوجود می‌آورد و این نیرو و گاهی هم نیروهای متشکل همسود و همدرد برای دفاع از حقوق مسلم طبیعی خود بتدریج برای مبارزه بر ضد عوامل و عللی که منافع آنها را بمخاطره انداخته بود مجهز می‌شدند و در برابر فشار تراکم این نیروها هیچ عاملی جز از هم پاشیدن وضع موجود آن زمان و تأمین امنیت مالی و از بین رفتن علل اصلی نمیتوانست بمقاومت پردازد و آنرا در هم شکنند. خواسته‌های عناصر انقلابی ایران پس از بدست آوردن حکومت مشروطه، از مجلس اول اینها بود: اصلاح وضع اقتصادی ایران، از راه محدود ساختن مخارج زاید دستگاه حاکم یا طبقه فرمانروا، مخالفت با قرضهٔ خارجی، تأسیس بانک ملی با بکار انداختن سرمایه‌های داخلی، نسخ قاعده تیول و تسعیر. مخالفت با امتیازات خارجی که همهٔ آنها بهترین نشان و معرف عامل سازندهٔ انقلاب و محرک و انگیزهٔ واقعی تودهٔ ملت در جنبش مشروطیت بوده است و ما در فصول آینده این مجموعه بتفصیل دربارهٔ کیفیت دخالت و تأثیر هر یک از طبقات مختلف اجتماع در انقلاب مشروطه و هدف واقعی آنها در مبارزات ملی با جمال گفتگو خواهیم کرد.

در پایان این مقال باید بایجاز درباره تغییراتیکه در ترکیب جمعیت و طبقات ایران حاصل شد سخن گوئیم و تفصیل آن را بفصل دیگر این کتاب موکول کنیم.

با شروع مناسبات اقتصادی بین ایران و ممالک غربی و اقداماتیکه در زمینهٔ تسهیل روابط تجارتی در این کشور رخ داد و با توسعه تجارت و رشد اقتصادیات کشور در ربع اول قرن چهاردهم هجری، موجبات تحولات عمیقی در ساختمان طبقات اجتماعی ایران بوجود آمد.

جمعیت ایران که در دورهٔ صفوی در حدود ٤۰ میلیون تن تخمین زده شده است در دورهٔ پادشاهان قاجاری بموجب آمارهایی که سررالینسن و دکتر اف ـ ج ـ پولاک و دکتر شیندلر در حدود سالهای بین ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۸ میلادی داده‌اند به ٦ تا ۱۰ میلیون تن تقلیل یافت[1] بموجب آمار دکتر شیندلر از میان «هفت میلیون و نیم» جمعیت ایران نزدیک به دو میلیون تن جمعیت شهرنشین و در حدود پنج میلیون و نیم تن جمعیت روستانشین بوده است.

اختلاف فاحش بین جمعیت شهرنشین و روستانشین که بسبب نظام اجتماعی و وضع زندگی اقتصادی و عدم ارتباط نزدیک بین روستا و شهر پدید آمده بود در اواخر قرن سیزدهم هجری بحد اعلا رسیده بود. بخصوص که با پیشرفت تجارت و بازرگانی خارجی و در مواردی خاص و استثنائی بر اثر توسعهٔ صنعت جدید طبقات ثروتمند تازه‌ای در برخی از شهرهای ایران رشد کردند تبدیل اکثر شهرهای مهم ایران، بخصوص شهرهای شمالی و جنوبی کشور و همچنین اصفهان و تهران بمراکز مهم تجارتی و تأسیس کمپانیهای تجارتی و تعداد معدودی کارخانه‌های صنعتی در برخی از نواحی فوق، تعداد جمعیت این شهرها را بتدریج افزون ساخت، همچنانکه اشاره کردیم طبقه سرمایه‌دار و تاجر توسعه یافت و چون موانعی در راه رشد صنایع موجود بود بورژوازی ایران بجای سرمایه گذاری در زمینهٔ صنعت و تأسیس کارخانه‌های صنعتی سرمایه خود را صرف خرید زمینهای زراعتی کرد و بتدریج جای مالکان اشراف و فئودال را گرفت.

فزون شدن تعداد تحصیل کردگان دانشهای جدید در مغرب زمین یا در داخل ایران و بروی کار آمدن طبقات متوسط که در جریان تکون حکومتهای ملی از عوامل مفید و موثر بوده است و همچنین هوشیاری و بیداری نسبی تودهٔ مردم، بدنبال تحولاتیکه در نتیجهٔ اقتباس تمدن مادی و نشر فلسفه آزادی و تساوی حقوق ملل غرب در ایران

۱ـ لرد کرزن، ایران صفحه ۱۰۲ ـ ۱۰۳

پیش آمد و نیز نفرت از استعمار و گسترش نفوذ خارجی در ایران سبب شد که طبقات ممتاز و روشنفکر ایران بمعایب عصر خود پی ببرند و همراه با طبقهٔ بورژوازی تاجر و روحانیان که بعلل بسیار جانبدار بازاریان و پیشه‌وران و بازرگانان بودند، بر ضد مظالم حکومت استبداد و بخصوص استثمار انحصاری استعمارطلبان روس و انگلیس قیام کنند و دیری نگذشت که با شروع جنبشها و اعتصابات عمومی و ملی پایه تخت سلاطین مستبد قاجار را متزلزل ساختند.

فصل دوم

نهضت فکری

تماس و ارتباط ایران با دول غرب نه فقط موجب تحول عمیق در اوضاع اقتصادی ایران گردید ـ بشرحی که در فصل اول بتفصیل بیان شد ـ بلکه موجبات انتقال تمدن از غرب بشرق و انتشار فلسفه‌های آزادیخواهی و افکار جدید را نیز در ایران فراهم کرد.

مقدمات تدریجی تحول افکار و بوجود آمدن گروههای روشنفکر در ایران حتی قبل از سلطنت ناصرالدینشاه فراهم شده بود، و از جمله عباس میرزا «نایب‌السلطنه» همت بر اخذ بعضی از آداب و فنون غربی از طریق استخدام هیأتهای معلمان فرانسوی و انگلیسی مصروف داشت و اقداماتی که این هیأتها در زمینهٔ احداث کارخانه‌های اسلحه‌سازی و استخراج بعضی از معادن و همچنین سازمان دادن سپاه بسبک اروپایی نمودند، راه را بر نفوذ تمدن مادی غرب در ایران هموار کرد.

از طرف دیگر گسیل کردن دانشجو برای تخصص در رشته‌های مختلف فنی به لندن در زمان سلطنت محمدشاه و دایر کردن چاپخانه و مبادلهٔ سفرا بین ایران و دول اروپایی تا حدی در زمینهٔ نشر افکار اروپایی در ایران موثر بوده است. ولی پیشرفت شایان توجه در امر نفوذ افکار آزادیخواهی را باید از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم ه.ق دانست که دورهٔ اقتباس تمدن جدید توسط میرزا تقی‌خان امیر کبیر صدراعظم بود، و بدنبال مساعی آن وزیر با تدبیر و اقدامات اصلاح‌طلبانه وی همت بعضی از وزراء و رجال روشنفکر نیز از جمله عوامل موثر بشمار میرود.

در اینجا شایسته است قبل از بیان تحولات عمده اجتماعی و فرهنگی و فکری که در ایران حاصل شد از شخصیتهای برگزیده‌ای که در دگرگونی اوضاع قدیم و نفوذ

تمدن و اندیشه‌های تازه وظیفهٔ قابل ملاحظه‌ای برعهده داشتند با جمال یاد کنیم.

از جمله نخست باید میرزا تقی‌خان امیر کبیر را نام برد که خود مستقیم زیر تأثیر مکتب تمدن جدید و آزادیخواهی غرب قرار گرفت و در نمایندگیهای سیاسی خود بخارج از کشور (روسیه ۴۴ - ۱۲۴۵ ه.ق، و ایروان در رجب ۱۲۵۳ ه.ق، و ارزنه‌الروم در سال ۶۳ - ۱۲۵۹ ه.ق) و بازدید از مؤسسات مختلف صنعتی و نظامی و مشکلات اداری و بهداری کشور روسیه، شیفتهٔ ترقیات و تمدن جدید گردید. تماس با دنیای آزاد و بخصوص آگاهی از پیشرفتهای مادی و معنوی روسیه آن چنان تأثیری در روحیهٔ او باقی گذاشت که چون بمقام صدارت ایران رسید هیچ عاملی او را از اجرای نقشه‌هایی که از پیش برای چاره‌جویی عقب‌ماندگی کشور طرح کرده بود بازنداشت و بیک رشته اصلاحات در زمینه‌های مختلف از آنجمله: امور فرهنگی، قضایی و اقتصادی و بخصوص صنعت دست زد و با اینکه مدت صدارتش کوتاه بود ولی میتوان گفت نقشه‌های مترقیانهٔ وی مقدمهٔ تحولات بزرگ و اساسی در کشور ایران گردید.

مهمترین مؤسساتی که در روسیه مورد توجه امیر کبیر واقع گردید، مؤسسات فرهنگی آنکشور بودند که وی تحت تأثیر آن بتأسیس دارالفنون اقدام کرد و اینکار را میتوان از مهمترین و مفیدترین اقدامات امیر کبیر در ترویج علوم جدید و فرهنگ نو در ایران دانست.

بدنبال اولین کاروان معرفت که در نیمهٔ اول قرن سیزدهم ه.ق رهسپار مغرب زمین شد، امیر کبیر عده‌ای هنرآموز و صنعتگر روانه روسیه کرد تا صنایع جدید را در کارخانه‌های مسکو و پطرزبورگ یاد گیرند، هنرآموزان فوق پس از مراجعت بوطن بمشاغل مختلف گمارده شدند و افکار نو و ترقی‌خواهی را با خود بهمراه آوردند.

علاوه بر تأسیس مؤسسات فرهنگی مشابه مدارس غربی، گسیل کردن دانشجو بخارج از کشور و مسافرت نمایندگان سیاسی و رجال آزادیخواه و افرادی از طبقات سرمایه‌دار کشور بممالک غربی خود یکی از عوامل مؤثر نشر تمدن جدید و افکار آزادیخواهی بود.

فکر تأسیس اولین مطبعه چاپ کتابهای فارسی و همچنین ایجاد اولین روزنامه فارسی در ایران از میان گروه تحصیل کردگان مکتب غرب برخاست. میرزا صالح شیرازی که در سال ۱۲۳۰ ه.ق مطابق با ۱۸۱۵ میلادی از طرف دولت ایران بانگلستان

اعزام شده بود، در ضمن تحصیل در آن سرزمین تحت تأثیر محیط تعلیم خود قرار گرفت و در مراجعت بایران در ضمن اشتغال بکارهای سیاسی بتأسیس روزنامه‌ای در ایران پرداخت، تجلیات افکار تجددخواهانه او در سفرنامه‌اش بخوبی نمودار است که در آن ضمن از قوانین و مؤسسات اجتماعی و حکومت ملی انگلستان و مقایسه‌ای میان آن نوع حکومت با حکومتهای مطلق و مظالم ناشی از آنها بحث میکند.

توجه بلزوم تأسیس شورای دولتی را در ایران بشرحی که در ذیل خواهد آمد، می‌توان نتیجهٔ فکر و اقدام میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از پرورش یافتگان غرب است دانست[۱].

پس از امیر کبیر در زمان وزارت علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه در سال ۱۲۷۶ ه.ق گام دیگری در همین راه برداشته شد و از میان بهترین فارغ‌التحصیلان دارالفنون ۴۲ تن برای آموختن فنون و علوم مختلف بفرانسه گسیل شدند. همراه با اقداماتی که از طرف دولت در زمینهٔ تربیت متخصص چه در داخل کشور و چه در خارج صورت میگرفت جمعی از افراد دوراندیش و روشن‌بین نیز نظر بمقتضیات زمان فرزندان خود را برای اخذ تعلیم و تربیت جدید باروپا گسیل داشتند، از میان همین گروه اقلیت، رجال سیاسی و مردان بزرگی برخاستند که نقشهای مؤثری در ادارهٔ امور مملکت برعهده گرفتند.

میرزا حسینخان سپهسالار، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله رجال سیاسی مؤثر عصر ناصری را که هر یک به نحوی در اشاعهٔ تمدن جدید و اندیشه‌های آزادیخواهی سهمی بسزا داشته‌اند میتوان بعنوان نمونه و شاخص این گروه نام برد.

۱ـ میرزا سیدجعفرخان مشیرالدوله یکی از رجالی است که از اواسط عهد فتحعلیشاه تا اواسط سلطنت ناصرالدینشاه دارای مشاغل مهم دولتی بوده است. وی از اولین تحصیل‌کردگان اروپاست، در سال ۱۲۳۰ هـ . ق موقعی که عباس میرزا نایب‌السلطنه تصمیم گرفت عده‌ای را جهت فراگرفتن علوم جدید روانهٔ انگلستان کند میرزا جعفر نیز از جانب ایشان برای تحصیل علوم مهندسی عازم آن مملکت گردید، نامبرده قریب بسه سال و نیم بتحصیل فنون و هندسه و صنایع مربوط بنظام مشغول بود، و در سال ۱۲۵۲ هجری قمری بعنوان سفارت مأمور عثمانی شد. نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی. ج، ۲. صفحهٔ ۱۶٤

میرزا حسینخان سپهسالار، علاوه بر آنکه تحت تأثیر محیط تعلیم و تربیت فرانسه قرار گرفت، در دوران دوازده سالهٔ نمایند‌گی سیاسی خود در اسلامبول تحولات اجتماعی و سیاسی عثمانی که باعلان حکومت مشروطه در آن مملکت منجر گردید نیز در وی تأثیر بخشید، و چون بمقام صدارت عظمی در ایران رسید، بمنظور بیدار کردن مردم و نشر افکار صحیح بکارهای اصلاح‌طلبانه‌ای در امور حکومت و دستگاه قضا دست یازید.

منزلت و مقام میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، و اثر مثبتی که در بیداری ایرانیان داشته است مورد اتفاق اکثر مورخان میباشد: ناظم‌الاسلام کرمانی در مورد میرزا ملکم‌خان چنین می‌گوید:

«شرح خدمات لایقات آن مرحوم در جنبش خفتگان و بیداری ایرانیان دفتری علیحده را درخور است میتوان گفت اول کسی است که تخم قانون در این سرزمین کاشت و نیز یکی از نویسند‌گان در مورد او چنین نوشته است: مقام پرنس ملکم‌خان در ایران همانند مقام ولتر، ژان ژاک روسو، ویکتورهوگو است در ملت فرانسه. فضیلت ملکم‌خان در اینست که او وقتی ساز تمدن آغاز نمود که از هزار نفر یکنفر باین مراتب آشنا نبود و کلمات او اثری شایان در قلوب ایرانیان نمود[۱]».

میرزا یوسفخان مستشارالدوله را که از رجال و نمایند‌گان مهم سیاسی عصر ناصری است میتوان از جمله پیشروان فکر آزادی دانست وی از رجال آزادیخواهی بود که تحت تأثیر تمدن فرانسه و کارهای اصلاح‌طلبانه عثمانی قرار گرفت، وی از پیروان مسلک ملکم‌خان بود و در ضمن مسافرتهای متعدد خود بخارج با روش حکومت قانونی و افکار آزادیخواهی آشنا شد، لزوم اخذ تمدن جدید و برقراری حکومت قانون را در ایران در ضمن بیان اصول افکار سیاسی خود در چندین رساله مدون ساخت. کتاب «یک کلمه» او بهترین معرف افکار آزادیخواهانه‌اش میباشد و خود در معنی آن چنین میگوید «یک کلمه‌ای که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است کتاب قانون است که جمیع شرایط و انتظامات معمول بها که بامور دنیویه تعلق دارد در آن محرز و مسطور است و دولت و امت معاً کفیل بقای آن است، شاه و گدا و رعیت و لشکری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت با کتاب قانون ندارد[۲]».

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان صفحهٔ ۱۲۱

۲ـ فکر آزادی صفحهٔ ۱۸۷

علاوه بر گروه تحصیل کردگان مکتب غرب دسته دیگری که در اشاعهٔ تمدن تازه و فکر آزادیخواهی موثر بودند، طبقهٔ بازرگانان بودند که بسبب رونق تجارت خارجی ایران و افزایش سرمایه، بمنظور صدور کالاهای خود بتأسیس کمپانیهای تجارتی و ایجاد شعب آن در ممالک خارجی اقدام کردند.

این گروه اغلب از وطن خود دور شدند و با سیر و سیاحت در دنیای متمدن (بخصوص در روسیه و عثمانی و هندوستان و انگلیس) و برخورد با تمدن معاصر اندیشه‌های نو پیدا کردند و تأثیر این دگرگونی بصورت اموری از قبیل: میل بپرورش و تعلیم فرزندان بسبک جدید و فرستادن آنها بممالک اروپایی و کوشش در تغییر وضع موجود سیاسی مملکت در آن زمان بروز و خودنمایی کرد.

کمی دیرتر پس از نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران و تعطیل کارخانه‌های نوبنیاد ایرانی و بیرونق شدن کارگاههای صنایع دستی و همچنین بر اثر تعدیات حکام و ملاکان فئودال بطبقه روستاییان و پیشه‌وران، عده‌ای از کارگران و روستاییان ناراضی برای جستجوی امنیت و کار بقفقاز روی آوردند و از نزدیک ناظر و شاهد جنبشها و انقلابهای بلشویکی قفقاز شدند، و هم ایشان یک نیروی ملی مبلغ آزادی و جنبش بر ضد استعمار خارجی و طبقه فئودال داخلی را بوجود آوردند.

بطور کلی تماس و ارتباطی که در دورهٔ سلطنت پنجاه ساله ناصرالدینشاه و همچنین بروزگار مظفرالدینشاه بسعی و اهتمام بعضی از وزراء و رجال خوشفکر آزادیخواه میان ایران و اروپا برقرار گردید و مسافرتهای متعددی که هر دو پادشاه مذکور بممالک اروپایی کردند، ایرانیان را از نزدیک با تمدن غربی آشنا ساخت. از طرف دیگر مأموریتهای سیاسی بعضی از رجال و عناصر درباری در ممالک غربی و گزارشهایی که از تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اروپا و از جمله از تغییرات در اصول مملکتداری و برقراری حکومت قانون و حاکمیت ملی و تأمین آزادی و تساوی حقوق فردی در ممالک غرب بحکومتهای وقت میدادند، افکار بعضی از اولیای امور را آماده پذیرش تمدن غربی و اقتباس پاره‌ای از اصلاحات در دستگاه حکومت کرد.

مجموع عوامل فوق سبب شد تا ایرانیان خارج از کشور که از نزدیک ترقیات و تشکیلات جدید اروپایی را می‌دیدند و با قوانین تازه و فرهنگ و تمدن نو آشنا می‌شدند چون بمیهن بازمی‌گشتند افکار تازهٔ آنان موجب تغییرات اساسی و نوین در سازمانهای

مملکتی و سبب ایجاد تشکیلات تازه فرهنگی گردد از جمله این تأثیرات، انتظام دستگاه قضایی ایران بسبک جدید بود. میرزا حسینخان سپهسالار بموجب فرمان ناصرالدینشاه در ۱۲۷۹ ه.ق کتابچهٔ قانونی که شامل اصول ادارهٔ دیوان عدلیهٔ اعظم بود در دو فصل تنظیم کرد و بموجب آن دستور عمل اختیارات وزارت عدلیه که بصحه شاه هم رسیده بود صادر گردید این دستورعمل تا حدودی از اختیارات وزراء و حکام کاست و در پاره‌ای از موارد به نمایندگان عدلیه اجازه داد تا هرگاه از حکام امری خلاف قانون ببینند بوزارت عدلیه گزارش دهند تا مطلب بعرض شاه برسد و حاکم متخلف مجازات شود.[۱]

تحول مهم دیگر تشکیل شورای دولتی یا هیأت وزراء بود: شورای دولتی ابتدا در سال ۱۲۷۵ ه.ق توسط میرزا جعفرخان مشیرالدوله تأسیس شد و شش وزارت‌خانه که عبارت از: وزارت خارجه، وزارت مالیه، وزارت داخله، وزارت جنگ، وزارت وظایف، وزارت علوم باشند سازمان گرفت. بعضی از رجال کهنه‌پرست که مخالف تغییر اوضاع بودند بسعایت از میرزا جعفرخان نزد شاه پرداختند و در نتیجه شورای دولتی در عمل تعطیل گردید و آنگاه بار دیگر «اساسنامه تشکیل دربار اعظم» که توسط میرزا حسینخان سپهسالار تهیه شده بود بتصویب ناصرالدینشاه رسید.[۲]

درتاریخ‌دوم‌شوال ۱۲۸۹ ه.ق رسماً مجلس مشورت وزراء تشکیل و نه وزارتخانه

۱- تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه ج ۱ صفحه ۹۹.

۲- از این نظر که اساسنامه مزبور مقدمات اعطای اختیارات قانونگذاری بهیأت دولت «قوه مجریه» را فراهم میسازد در اینجا متن مقدمه آن را نقل مینمائیم.

«محسنات تشکیل درباراعظم را مکرر بندگان اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و دولته بیان و تصدیق فرموده‌اند باقتضای همان فرمایشات ملوکانه این دولت ابد مدت باید حکماً یک هیئت رسمی داشته باشد، فوائد چنان هیئت رسمی با منظورات جدید شاهانه از برای دولت علیهٔ ایران محسوس است. بخصوص از برای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند در غیاب همایون زیاده از حد لازم است که دولت ایران یک هیئت رسمی و یک صورت باعظم و شکوهی داشته باشد:

خلاصه اصول درباراعظم را عرض کرده‌ام و چون این معانی در این صفحات چندان بروز و ظهوری نداشته‌اند بنظر خیلی ساده و سهل و بی‌نتیجه خواهد آمد. همین قدر عرض میکنم که انتظام کل امور دولت بسته باین چند فقره مطلب ساده است: نتایج این مطالب را باید در امتحانات سایر ←

جدید که عبارت باشند از: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت فوائد، وزارت تجارت و زراعت، وزارت دربار و صدارت عظمی، افتتاح یافت.

دیگر از تشکیلات و سازمانهای نوین اداره پلیس و پستخانه و اداره پست و تلگراف و تلفون است که چنانکه در فصل آینده در ضمن بیان وقایع جنبش مشروطیت خواهیم دید اغلب پناهگاه آزادی‌خواهان و محل تحصن ایشان قرار گرفته است.

تحول بسیار مهم دیگر افتتاح مدارس بسبک جدید و مهمتر از آن پیشرفت مطبوعات و بدنبال آن تشکیل جمعیتها و احزاب پنهانی بود که با انتشار شبنامه‌ها و بیانیه‌ها مردم را بشور و هیجان آوردند، از موثرترین عوامل تکان دهنده ملت بود. شبهه‌ای نیست که هر یک از تحولات فوق بنوبه خود عامل مؤثری در بیداری افکار بوده و راه را بر پیشرفت بسوی هدف آزادیخواهان و پیشروان انقلاب هموار ساخته است.

تصویب لایحه شورای دولتی مقدمهٔ اصلاح تشکیلات اداری بود و توانست در عمل مقداری از قدرت مطلق سلطنت بکاهد، پدید آمدن وزارتخانه‌های جدید و تقسیم امور جاری مملکت در دست واحدهای متعدد، از تمرکز یافتن قدرت تام و تمام در دست صدراعظمهای خودمختار می‌کاست، و از طرف دیگر انجام گرفتن اصلاحاتی در امور قضایی و بتوسط وزارت عدلیه که اختیارات بیشتری یافته بود موجبات محدود شدن قدرت محاکم شرعی شد که در ضمن زمینهٔ نارضائی روحانیان را که جمعی از ایشان بعدها در صف انقلاب جانب مخالف دولت وقت را گرفتند فراهم نمود.

پیشرفت امور پست و تلگراف وتلفون و همچنین اقداماتی که در زمینه راهسازی انجام گرفته بود، از طرفی وسیله ارتباط نزدیک مردم با یکدیگر و از طرف دیگر عامل تمرکز حکومت و نفوذ او در سراسر مملکت گردید و این هر دو تحول در جریان

→

دول مشاهده کرد امیدوارم که از یمن تربیت و تقویت همت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنائی ساخته شود که نام نامی شاهنشاهی را تا انقراض تواریخ مایهٔ تشکرات ملت ایران و موجب تمجید کل آیندگان بسازد.» تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه ج ۱ صفحه ۱۲۰

قابل توجه است که در این مقدمه، برای بار اول در اسناد رسمی اهمیت رضا و «تشکر» ملت تذکر داده شده است.

مشروطیت ایران تأثیر آشکار دارد.

مؤسسات فرهنگی در دنبالهٔ تاسیس دارالفنون در ایران بوجود آمد: دارالفنون همچنانکه در صفحه‌های پیشین اشاره نمودیم از اقدامات امیرکبیر و در زمان ناصرالدینشاه بود، مقدمات ایجاد مؤسسه مزبور از سال ۱۲٦٦ ه.ق با استخدام معلمان خارجی «اتریشی» که تعداد آنها هفت تن بود و هر یک در رشته‌ای از علوم و فنون تخصص داشتند فراهم شد[۱] وافتتاح آن در پنجم ربیع‌الاول سال ۱۲٦۸ ه.ق با وجود مخالفت میرزا آقاخان نوری که پس از عزل امیرکبیر صدراعظم ایران شد از طرف ناصرالدینشاه‌صورت گرفت. تأسیس دارالفنون را باید مبدأ تحول فرهنگ ایران دانست، چه اولین مؤسسه فرهنگی بسبک جدید بود که بخرج دولت بوجود آمد و تحصیل در آن مجانی.

از نتایج مفید ایجاد این مؤسسه اشاعه آثار مختلف خارجی در زمینهٔ علوم و فنون جدید در ایران بود، ترجمه و نشر کتب خارجی توسط معلمان اتریشی و فرانسوی و دانشجویان فارغ‌التحصیل آن انجام میگرفت، تأثیر مستقیم افکار معلمان خارجی در بین دانشجویان دارالفنون که از میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه گرد آمده بودند عامل مهم دیگر تحول فکری بود... تعداد دانش‌آموزان دارالفنون در رشته‌های مختلف در نخستین سال تأسیس بشرح زیر بوده است:

۱- رشته توپخانه ۲٦ تن
۲- رشته طب ۲۰ تن
۳- رشته پیاده نظام ۳۰ تن
٤- رشته سواره نظام ۵ تن
۵- رشته مهندسی ۱۲ تن
٦- رشته معدن‌شناسی ۵ تن
۷- رشته داروسازی ۷ تن

۱- مترجمان معلمان مزبور از میان دانشجویان گسیل شده بفرانسه « ۱۲٦۰ هجری قمری » انتخاب شده بودند.

جمع ۱۰۵ تن

لرد کرزن که در سال ۱۳۰۷ ه.ق مطابق با ۱۸۸۰ میلادی بایران مسافرت کرده است، عدهٔ شاگردان دارالفنون را در آن سال حدود ۳۸۷ تن تخمین زده است بدین شرح:

۱ـ صنف مختلف نظام ۷۵ تن
۲ـ شعب مختلف علوم و صنایع ۱۴۰ تن
۳ـ شعبه زبان فرانسه ٤۵ تن
٤ـ شعبه زبان انگلیسی ۳۷ تن
۵ـ شعبه نقشه‌کشی ۸۰ تن
٦ـ شعبه زبان روسی ۱۰ تن

جمع ۳۸۷ تن[۱]

محمد حسنخان صنیع‌الدوله، عدهٔ شاگردان دارالفنون را در سال ۱۲۹٦ ه.ق مطابق ۱۸۷۹ میلادی بالغ بر ٤٦۵ تن و عده معلمان را جمعاً ۱۱ تن ذکر کرده است[۲].

تاریخ تأسیس اولین دبستان بسبک جدید را سال ۱۲۷۵ ش مطابق با ۱۳۱٤ ه.ق ذکر کرده‌اند. این دبستان توسط میرزا حسن رشدیه در تبریز بوجود آمد، و باید دانست که در زمان صدارت میرزا حسینخان سپهسالار (۱۲۹۰ ه.ق) مدرسه‌ای بسبک جدید بنام مدرسه مشیریه در تهران تأسیس یافت در سال ۱۲۹۳ ه.ق در تبریز مدرسه‌ای بسبک دارالفنون با معلمان ایرانی و اروپائی از طرف دولت تأسیس شد که میتوان گفت بعد از دارالفنون دومین مدرسهٔ عالی دولتی در ایران محسوب میشود.

علاوه بر مدارسی که از طرف ایرانیان در کشور بسبک تازه و نوین تأسیس شد از طرف اقلیت‌های مذهبی و خارجیان نیز مدارسی بوجود آمد که از آنجمله است:

مدرسهٔ پسرانه آمریکایی در ارومیه در سال ۱۲۵۲ ه.ق

نخستین مدرسهٔ دخترانهٔ آمریکایی در ارومیه سال ۱۲۵٤ ه.ق

مدرسهٔ سن‌لوئی بتوسط لازاریستها در تهران که در سال ۱۲۷۷ ه.ق افتتاح شد.

۱ـ امیرکبیر و ایران صفحه ۱۵۳
۲ـ مرآت‌البلدان ج ۳

مدارس دخترانه در تبریز و ارومیه و سلماس و اصفهان در سال ۱۲۸۲ هـ.ق از طرف خواهران سن ونسان دوپل برپا شد.

مدارس مشابه که در تبریز در سال ۱۲۹۰ هـ.ق و در همدان بسال ۱۲۹۸ هـ.ق و در رشت در سال ۱۳۰۰ هـ.ق بوجود آمد. در سال ۱۲۹۲ هـ.ق جمعیت خواهران سابق‌الذکر مدرسهٔ دخترانهٔ سن ژزف را در تهران باز کرد. جمعیت آلیانس فرانسه مدرسه‌ای بهمین نام در تهران در سال ۱۳۱۳ هـ.ق افتتاح کرد، و جمعیت مذهبی انگلیسی استوارت ممریال کالج را در اصفهان در سال ۱۳۲۲ هـ.ق و سپس مدارس دیگری در شیراز و کرمان و یزد تأسیس کرد[۱].

از جمله مدارسی مهمی که می‌توان آنها را پایگاه دانشگاه در ایران دانست مدرسه علوم سیاسی است که در سال ۱۳۱۷ هـ.ق از طرف وزارت امور خارجه تأسیس گشت[۲] و همچنین مدرسهٔ فلاحت که در سال ۱۳۱۸ هـ.ق پایه‌گذاری شد.

تأسیس مدارس بسبک جدید توسط اتباع خارجی و همچنین ایرانیان و استقبال بی‌نظیری که از طرف طبقات خاصی از آنها انجام گرفت در عین اینکه نشانهٔ هوشیاری و بیداری مردم ایران بود بنوبهٔ خود از عوامل موثر روشن شدن افکار عامهٔ ملت نیز گردید، تعداد این مدارس با وجود مخالفت بعضی از ملانمایان بر اثر پشتیبانی و حمایتی که برخی از روحانیان روشنفکر و بنام مانند: شیخ هادی نجم آبادی و سید محمد طباطبائی مینمودند روبفزونی گذاشت و این افزایش که با پشتیبانی توده‌های مردم صورت میگرفت بخصوص در زمان مظفرالدینشاه با توجه بشرایط زمان در خور ستایش میباشد.

آمار دقیق و صحیحی از مدارس قبل از مشروطیت در دست نداریم ولی ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد مدارسی را که در عهد مظفرالدینشاه فقط در تهران تأسیس شده است در حدود ٤۸ باب میداند در ضمن باید دانست که همزمان با افزایش مؤسسات فوق در تهران، در سایر شهرستانها از قبیل آذربایجان، اصفهان، یزد، کرمان، مشهد و

۱ـ تاریخ فرهنگ صفحه ۳٤٤

۲ـ مدرسه علوم سیاسی بهمت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله و همچنین میرزا حسن‌خان مشیرالدوله پسر میرزا نصرالله‌خان ایجاد شد.

همدان، کرمانشاهان، شیراز، بوشهر، رشت نیز مدارس جدید تأسیس یافته و تعداد آنها روبفزونی رفته است.

تأثیر مطبوعات مطلب دیگری است که شایان توجه میباشد: روزنامه‌ها و مطبوعات با اینکه در اواخر قرن سیزدهم و ربع اول قرن چهاردهم به تعداد کم و اغلب در خارج ایران انتشار میبافت باز هم از عوامل عمده انتشار نهضت تجددطلبی و حکومت ملی بود و در میان موجبات و علل بیشمار روشن شدن افکار و استقبال از حکومت قانون مشروطه، تأثیر بسزائی داشت. از جمله نخستین روزنامه‌های ایرانی که بسبک نوین در ایران منتشر شد، روزنامهٔ وقایع اتفاقیه است[1] که بفرمان و هدایت میرزا تقی‌خان امیرکبیر و مدیریت میرزا جبار تذکره‌چی در سال ۱۲۶۷ ه.ق انتشار یافت. مندرجات روزنامه مزبور در دو قسمت و بدون سرمقاله سیاسی و انتقادی و اجتماعی حاوی اخبار داخله و خارجه است، مضامین قسمت اول تحت عنوان (اخبار ممالک محروسه پادشاهی) بیشتر در زمینهٔ گزارش عملیات دولت و حوادث و وقایع شهری میباشد و قسمت دوم تحت عنوان اخبار دول خارجی با احوالات متفرقه است که اغلب از روزنامه‌های خارجی ترجمه و نقل شده است. مضامین قسمت دوم از آنجا که شمه‌ای از اوضاع سیاسی و اجتماعی همراه با سایر مطالب متنوع و مفید ممالک غربی و متمدن را بدست میداده است شایان توجه میباشد. انتشار روزنامه مزبور با اینکه جنبهٔ انقلابی نداشته است، با گزارش نحوهٔ حکومت ملی و پارلمانی و بخصوص قیام مبارزات آزادیخواهان و عناصر انقلابی بعضی از ممالک اروپایی و مهمتر از آن جریان پیشرفتها و ترقیات ممالک غربی در زمینهٔ صنعت جدید، بی تأثیر در هوشیاری ملت نسبت بعقب ماندگی خود از تمدن جدید و آگاهی از تحولات سیاسی و فکری دنیای آزاد و تأثیر صنعت جدید در بهبود اوضاع اجتماعی آن ممالک نبوده و در هشیار ساختن و بیداری افکار آنها سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است. و ما در اینجا بنقل بعضی از مندرجات

۱ـ اولین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۵۳ هجری قمری توسط میرزا صالح شیرازی در زمان سلطنت محمدشاه انتشار یافت و مندرجات آن در دو صفحه حاوی اخبار داخله و خارجه تحت عنوان (اخبار ممالک شرقیه) و اخبار ممالک غریبه بوده است.

روزنامهٔ فوق که جنبهٔ دولتی داشته و بموجب فرمان دولت خریداری آن برای پاره‌ای از طبقات اجباری بوده[1] ناچار خواننده بسیار داشته است میپردازیم:

از آنجمله در شماره ۲۴ پنجشنبه ۱۷ رمضان سنه ۱۲۶۷ ه.ق در اخبار دول خارجه خبری از پارلمان انگلیس در آن شماره بدین شرح دیده می‌شود. «چونکه اکثر اهل مشورتخانه در باب بعضی از امورات رأیشان مخالف رأی وزراء است مدتیست که راه بردن امورات دولتی برای وزراء مشکل شده است» و نیز در شماره ۲۶ پنجشنبه دوم شوال سنه ۱۲۶۷ ه.ق صفحه ٤ از پارلمان فرانسه چنین خبر میدهد «در مشورتخانه فرانسه گفتگو شده است در خصوص عوض کردن بعضی قانون گرفتن وکلای رعایا و راه بردن امورات دولتی و در این باب رأی اهل مشورتخانه بسیار مخالف یکدیگر است بعضی میخواهند که پادشاهی دوباره در فرانسه برقرار شود و بعضی رأیشان این است که زور راندن امورات دولتی در دست عامه مردم باشد.»

همانطور که در بالا اشاره شد مسئله مبارزاتی که ملت‌هایی چون ایتالیا و اسپانیا داشته‌اند در اکثر شماره‌های روزنامه مزبور منعکس است و ما برای نمونه خبری از شماره ۱۶۶ پنجشنبه هشتم رجب سال ۱۲۷۰ ه.ق و شماره ۲۰۰ پنجشنبه ۱۲۷۱ ه.ق از ستون اخبار خارجی نقل مینماییم:

«در اخبار ایتالیا: در زمستان گذشته معلوم شده است که بعضی از اهل آنجا باز بنای برهم زدن پاپا را داشتند بعضی‌شان خیال داشتند که پادشاه بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا در زیر حکومت یک پادشاه باشد و بعضی هم خیال اینرا داشتند که در آنجا جمهوریه برپا شود.»

«در مملکت اسپانیول، بنا داشتند در هر بلوکی و شهری چنانکه قاعده دارند وکیل معین کنند که بپایتخت برود و قرار درست در امورات آنولایت بگذارد ولکن

۱- از آنجا که منظور اعلیحضرت پادشاهی در راه انداختن این روزنامه ترتیب و استحضار و آگاهی عموم خلق این دولت علیه از احکام دیوانی و اخبار داخله و خارجه است، لهذا حکم و مقرر فرموده‌اند که امناء و اعیان و ارکان دولت و مقربان حضرت و حکام و عمال و مباشرین و خوانین، معاریف و تجار معتبر ولایات و خوانین و ایل بگیان ایلات و عموم صاحب منصبان نظام برسبیل حکم دیوانی از این روزنامه‌ها باید بگیرند و سایر خلق باختیار و میل خودشان هر کس طالب باشد از این روزنامه‌ها اخبار نماید و بگیرد...) روزنامه وقایع اتفاقیه صفحه ۲ شماره ٤۲ سال ۱۲۶۷ ـ ق

هنوز نظم نگرفته است و از طوریکه مردم در فرنگستان گمان میبرند بسیار مشکل است که این ولایت نظم درست بگیرد.»

ونیز در شماره ۳۶ مورخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۶۷ ه.ق در ضمن اخبار خارجه از فرانسه به آزادی مطبوعات و حدود آن اشاره کرده و بدینوسیله تصور آزادی قلم و مطبوعات را در اذهان بتدریج بوجود آورده است. (در ولایت فرانسه چونکه مانند ولایت انگلیس و اکثر ولایات فرنگستان قانون آزادی است روزنامه‌نویسان آنچه دلشان میخواهد در روزنامه مینویسند، مگر چیزی که ضرر بدولت داشته باشد نباید بنویسند. اما در این روزها بعضی از روزنامه‌نویسان که طالب فساد و بهم خوردگی دولت بودند زیاد از قانون خودشان بیرون رفته‌اند آنها را بعدالت‌خانه کشیده‌اند و تقصیرشان را ثابت کرده‌اند.»

باید دانست که مطبوعات بطور کلی در عهد ناصرالدینشاه آزادی نداشتند، و اداره‌ای جهت سانسور و تفتیش کتب و روزنامه‌ها بسرپرستی محمد حسنخان اعتمادالسلطنه تأسیس شده بود.[۱]

با اینکه هدف دولت از این اقدام کنترل مطبوعات و جرائد انتشار یافته در خارج از مملکت بود، باز هم نشریات روزنامه‌های متعددی بزبان فارسی قبل از اعلام مشروطیت از طرف آزادیخواهان در خارج از ایران انتشار یافت و ناشران آنها که اغلب در قفقاز، استانبول، بمبئی، کلکته، مصر و لندن بسر میبردند با تحمل سختیهای فراوان بتوزیع روزنامه و نشریات خود بوسایل پنهانی پرداختند و این جرائد را توسط بازرگانان و جهانگردان و همچنین زوار روانه ایران میکردند و از این راه در ترویج افکار تازه و علاقه‌مند کردن مردم بحکومت قانون در کشور میکوشیدند.

در میان روزنامه‌های ملی که در خارج از کشور منتشر میشده و بطورمخفی بایران میرسید و تأثیر بسزایی در بیداری افکار و نهضت مشروطیت داشته است روزنامه‌های، قانون، حبل‌المتین، پرورش، ثریا، اختر، چهره‌نما، حکمت و ارشاد قابل ذکر است.

روزنامهٔ قانون بمدیریت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در هشت صفحه بقطع وزیری

۱ـ المآثرالآثار صفحهٔ ۱۱۷ و ۱۱۸.

بزرگ بود و اولین شماره آن در ۳۰ رجب سال ۱۳۰۷ ه.ق در لندن منتشر شد[1].

مندرجات روزنامه مزبور در دو قسمت زیر عنوان شعارهای «اتفاق و عدالت، ترقی» بعد از عنوان قانون، بتشریح فساد هیأت حاکمه ایران می‌پردازد و بلزوم تغییر حکومت و ضرورت برقراری حکومت دمکراسی و تشکیل پارلمان در ایران اشاره می‌کند و خود این مطلب را در اولین شماره روزنامه مورخ ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه.ق چنین توضیح میدهد «ما چند نفر که بسعادت بخت و بتقدیر الهی مؤسس این جریده قانون شده‌ایم، برذمت دولت‌پرستی خود حتم کرده‌ایم که از روی علم و سرمشقهای دنیا بقدری که در قوه ما باشد بخلق ایران یاد و نشان بدهیم که از برای اجرای قوانین چه نوع همت و چه قسم مساعی بکار برند.» «و از این ناله ما مقصود بهیچوجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است، کتب ما و سینه علمای ما پر است از قوانین خوب حرف در اجرای آنها است...»

روزنامه قانون در میان روزنامه‌های ملی جنبه انقلابی برگزیده و سهم بیشتری نسبت به دیگر جراید در بیداری و تحول افکار توده مردم داشته است و در این مورد ادوارد براون بحق میگوید «این روزنامه در عقاید و افکار مردم انقلاب عظیمی بوجود آورد، مقام و موقعیت تاریخی این روزنامه و بطور کلی آثار نویسندهٔ آن از لحاظ سیاسی مأخذ عمدهٔ بانیان انقلاب و تجدد ایران و پدید آورندگان نهضت آزادی بشمار میرود.»

و ما در اینجا بنقل پاره‌ای از مندرجات شماره‌های مختلف روزنامه مزبور که مربوط بمجلس و لزوم اجرای قوانین در ایران است اشاره می‌کنیم:

در ذم از سیاست اداری مملکت در اولین شمارهٔ روزنامه ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه.ق، چنین می‌نویسد: «ایران مملو از نعمات خداداد است، چیزی که همهٔ این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست، زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین میکنیم بدون قانون، سرتیپ معزول میکنیم بدون قانون، حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس میکنیم بدون قانون، شکم پاره میکنیم بدون قانون، در ملکی که هیچکس مأذوق نباشد لفظ قانون و اسم حقوق بزبان بیاورد... در ملکی که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب کل ملت قرار بدهد در آن مملکت همت ملوکانه و عدالت ظل الهی چه معنی خواهد

۱- در روزنامه مزبور بغیر از چند شماره اول تاریخ انتشار آنها دیده نمی‌شود.

داشت...»

در صفحهٔ سوم از شمارهٔ دوم مورخ ۳۰ شعبان ۱۳۰۷ هـ.ق در باب دستگاه اجرای قانون (مجلس وزراء) در ضمن انتقاد از دستگاه شورای دولتی نظریات اصلاحی خود را با این بیان باولیای امور تذکر می‌دهد: «اینقدر که از قانون میگوییم، قانون را در کجا و چه نوع اشخاص باید ترتیب بدهند، ترتیب قانون در ایران باید کار مخصوص مجلس شورای دولت باشد، و از برای اینکه شورای دولت ایران معنی پیدا کند دو شرط لازم است: ۱- حقوق و قدرتی که لازمهٔ این مجلس است باید باین مجلس داده شود، مجلس شورای دولت باید اختیار کامل داشته باشد که بر جمیع مصالح بزرگ دولت بآزادی مذاکره کند و بر هر یک از مواد لازمه باکثریت آراء و بتصدیق پادشاه قوانین وضع کند.» عدد مشیران شورای دولتی خیلی کم است، باید دایرهٔ این مجلس را بقدر امکان وسعت داد، باید مجتهدین بزرگ و دانشمندان نامی و ملاهای قابل و اعیان هر ولایت، حتی جوانان با علم از اعضای این شورای کبرا باشند، باید بزرگان دین و دولت و عموم ارباب شعور باقتضای بیداری این عهد باتفاق همدیگر دور این مجلس را بگیرند و بهر نوع تدبیر بخلق ایران حالی نمایند که احیای ایران بسته باجرای قانون و اجرای قانون بسته باعتبار و کفایت این مجلس است...»

ملکم‌خان در شمارهٔ چهارم روزنامهٔ قانون مورخ ۳۰ شوال ۱۳۰۷ هـ.ق نظریات خود را دربارهٔ تفکیک قوای مملکت براساس حکومت مشروطه و لزوم مجلس شورای ملی بیان داشته است و این معنی را در مضمون نامه‌ای که قبل از انتشار جریدهٔ قانون بعرض اعلیحضرت ناصرالدینشاه پادشاه وقت ایران رسانده است با این عبارت نقل مینماید. «سوء حرکات وزراء ایران بهیچوچه از سوء خلقت ایشان نبوده است، عیب اصلی در اینست که هنوز به ذهن طوایف آسیا نرسیده است که در مقابل قدرت وزراء چه نوع سد اعتدال میتوان برقرار کرد. در سایر دول بجهت تحدید حرکات حکمرانی، قوانین متین و مجالس معتبر برپا نموده‌اند. شخص یکنفر پادشاه هر قدر هم جامع فضائل باشد چگونه ممکنست به تنهائی بتواند اقتدار عمال یک دولت بزرگ را در هر نقطهٔ امور بر سر اعتدال نگاه بدارد...»

و نیز در شمارهٔ مورخ ۳۰ ذیحجه سال ۱۳۰۷ هـ.ق. در باب لزوم تأسیس مجلس شورای ملی چنین اشاره مینماید «بعضیها چنین تصور میکنند که ما میخواهیم بواسطهٔ

این جریده در ایران قانون تازه نشر بدهیم، این تصور بکلی غلط است ما اصلاً حرف و منظوری نداریم که یک مسلمان با شعور فی‌الفور تصدیق نکند؛ مثلا ما میگوئیم از برای اینکه دولت و خلق ایران بتوانند بعد از این در دنیا زندگانی بکنند لامحاله باید جان و مال و ناموس و حقوق آنها در پناه عدالتخانه‌هائی از شر تعدی کاملا ایمن و محفوظ باشند. میپرسید راه کدام و چاره چیست؟

جواب ما و جواب دنیا منحصر است باین دو کلمه: قانون. بسیار خوب آقا حرف در اینست که ما این قانون را از کجا تحصیل بکنیم و چطور مجرا بداریم... و در صفحهٔ دوم ستون اول همین شماره: در مورد حصول قانون با این بیان متذکر میشود: باید اقلا صد نفر از مجتهدین بزرگ و فضلای نامی و عقلای معروف ایران را در پایتخت دولت در یک مجلس شورای ملی جمع کرد و بآنها مأموریت و قدرت کامل داد که اولاً آن قوانین و آن اصولی که برای تنظیم ایران لازم است تعیین و تدوین و رسماً اعلام نمایند. ثانیاً موافق یک قرار مضبوط خود را یعنی آن مجلس شورای ملی را مواظب و مراقب و موکل اجرای قانون قرار بدهند. بدون این شرط آخری یعنی بدون وجود یک مجلس ملی که دائم مراقب اجرای قوانین باشد، بهترین قوانین دنیا بی‌اثر و بی‌معنی خواهند ماند.» و نیز در شمارهٔ ۱۸ از روزنامه مزبور ملکم‌خان لزوم مسئولیت هیأت وزراء را در مقابل مجلس شورای ملی با این بیان توضیح میدهد: «همه وزراء باید در حضور مجلس شما مسئول باشند یعنی مجلس شما حق خواهد داشت که هر وزیری که در ادارهٔ امور دولت برخلاف قانون حرکتی کرده باشد او را بمقام محاکمه بیاورد و پس از اثبات تقصیر او را موافق قانون تنبیه نماید.» دربارهٔ وظایف مجلس در همین شماره چنین اشاره مینماید. جمع و خرج دولت باید تماماً باطلاع و باجازه مجلس شما باشد باین معنی که هر سال قبل از وقت باید بحکم یک قانون صریح نقطه به نقطه مقرر بدارید که وزراء دولت باید چقدر مالیات بگیرند و بچه تفصیل خرج بکنند. باید نصب شما در این مجلس مشیران بحکم قانون، و انفصال شما از این مجلس بحکم قانون باشد در اکثر شماره‌های روزنامهٔ قانون، علاوه بر سرمقاله‌های انتقادی، صفحات روزنامه بنقل نظریات و عقاید آزادیخواهان و پیروان مکتب آدمیت، بصورت نامه‌های رسیده بدفتر روزنامه و گاهی جوابهائی که بآنها داده میشود اختصاص دارد. و ما بنقل از شمارهٔ ۶ روزنامهٔ مزبور بنامهٔ یکنفر از تجار قزوین که بروزنامهٔ مزبور فرستاده است اشاره می‌کنیم.

در شماره ششم مورخ ذیحجه سال ۱۳۰۷ ه.ق. صفحه ۳ تحت عنوان مضامین و مطالبی که از ایران رسیده، چنین آورده است: «یکی از تجار قزوین مینویسد، کسی نیست از این جوان نجیب بپرسد ؛ این حقوق و این امتیازات دولت ما را بچه قانون باوباش خارجه میفروشد، این معاملات تجارتی موافق شرع اسلام و موافق قانون هر دولت، حق و مال خلق این ملک است، این معاملات وسائل و سرمایه گذاران ما هستند. شما این وسائل گذران مسلمین را بچه جسارت بکفار میفروشید مگر خلق ایران واقعاً مرده‌اند که ترکهٔ آنها را اینطور حراج میکنید...»

جواب: سر کار تاجر، اینها حق دارند که ما را بکلی مرده بدانند. در ملکی که یک شعاع حیات دیده میشود و در گروهی که یک رگ حس باقی مانده باشد کدام وزیر نجیب میتواند اینهمه حقارت و پریشانی را بر آن ملک بار نماید...»

چون ناصرالدینشاه از ورود روزنامهٔ «قانون» بایران ممانعت کرد، شماره‌های روزنامهٔ مزبور بوسائل پنهائی بایران میرسید و در مجامع نهانی که از پیروان مسلک و مکتب ملکم تشکیل می‌شد قرائت میگردید.

دیگر از روزنامه‌های معروف که تأثیر مهمی در انقلاب ایران برعهده داشته است روزنامهٔ «حبل‌المتین» است که در کلکته از سال ۱۳۱۱ ه.ق. مطابق با ۱۸۹۲ میلادی بمدیریت سید جمال‌الدین‌الحسینی ملقب بمؤیدالاسلام انتشار یافت. با اینکه توزیع این روزنامه در ایران از طرف دولت بمدت چهار سال ممنوع گردیده بود، باز هم آن روزنامه بوسائل مختلف بایران می‌رسید و خوانندگان بسیاری داشت. حبل‌المتین قبل از مشروطیت با تیراژ پنجهزار نسخه در هفته منتشر میشد، ولی پس از اعلان مشروطیت و آزادی مطبوعات روزنامهٔ حبل‌المتین بصورت روزانه و در خود ایران انتشار یافت[۱] روزنامهٔ مزبور در میان روزنامه‌هایی که در خارج انتشار پیدا میکرد، در بیداری افکار ایرانیان تأثیر بسزایی داشت و حاوی اخبار داخله ایران و اخبار سیاسی و اقتصادی ممالک غربی بود و بطریق مختلف اوضاع اجتماعی ایران را انتقاد میکرد و با نشان دادن پیشرفت‌های ممالک غربی و متمدن اثبات می‌کرد که پیشرفت ایران در استقرار حکومت قانونی و اخذ تمدن غرب میباشد. و برای مثال نمونه یکی از سرمقاله‌های آنرا تحت عنوان

۱ـ روزنامه مزبور بمدیریت میرزا سیدحسن کاشانی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری انتشار مییافت

«اصطلاحات جدید یا خیالات عالیه وزیر اعظم» نقل می‌کنیم.

در شماره ۳۷ - ۱۳ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۲ هـ.ق. در اثبات حکومت قانون بمنظور اصلاح اوضاع ایران چنین می‌نویسد: «فعلاً اموریکه محتاج باصلاح و قوام ملک و ملت منوط بوجود آنها میباشد، امریست چند که بترتیب ذکر نموده صورت اصلاح هر یک از آنها را مینماییم. اول آنها که عمده و مهم از همه و دوام سلطنت و ترقی و پیشرفت کار در جمیع امم منوط بوجود او شناخته شده وضع قوانین اساسی است مملکتی که دارای قانون نباشد، امید ترقی و فلاح از آن مقطوع است»... و در جای دیگر از این مقاله گوید: «بالجمله بجهت جعل قانون لازم است جمعی از مردمان بااطلاع از قوانین دول و هم از قانون اسلام گرد شوند تا آنچه را مناسب ملک و دولت و ملت و موافق شریعت اسلام یافته است انتخاب نمایند، اول باید ترجمهٔ قوانین دول متمدنه را نموده بعد از آن میزان هر یک را با علت بطریق تناسب موازنه کرد تا هر کدام مناسب حال امروزی مملکت است انتخاب شود و نیز باید دانست که در این کار شخص واحد هر چند با علم و اطلاع باشد نمیتواند قانونی برای یک مملکت وضع نماید، پس ناچار محتاج بوضع انعقاد مجلس است.

بعضی مردمان ناقص‌العقل بی‌اطلاع را عقیده بر این است که جعل قانون و وضع نظام و ترتیب صحیح منافی با استقلال سلطنت و مانع از اختیارات کاملهٔ ذات اقدس همایونی است و حال آنکه این خبطی است بزرگ و خطائی فاحش. زوال سلطنت و انهدام در مملکتی ممکن نیست مگر در بی قانونی و ظلم شدید که خلق از شدت ظلم و اعتساف بستوه آمده اقدام بحرکات ناشایسته نمایند. و بالعکس عدل موجب تعمیر بلاد و رفاه عباد و امتنان از ذات اقدس همایونی و تشکر و دعاگوئی در حق دولت است و عمدهٔ فایده آن راجع بشخص سلطان است... آقا میرزا علی اصغرخان صدراعظم سابق ایران دید اجرای قانون منافی با خیالات او است چرا که در ظل قانون حیله و تقلب و دسیسه کمتر ممکن شود و سد مداخل و هواجس نفسانی و خیالات شیطانی عام و خاص خواهد شد، و نیز مملکت ایران ترقی فوق‌العاده حاصل نموده تالی ژاپون شده که امروز با یکی از قویترین دول اروپ دعوی تقابل بلکه تقدم و تفوق مینماید (راستی خوبست در اینجا شمه‌ای از وضع مجلس شورای دولتی ژاپون ذکر شود و معلوم گردد که در سایه نظام صحیح چه کارها، میتوان کرد) پس از توصیف از سازمان دو مجلس

در مملکت ژاپون چنین نتیجه میگیرد... «حالا باید تصور نمود که آیا بواسطه افتتاح این دو مجلس و وضع قانون در این مملکت هیچ صدمه‌ای بعزت و سلطه و نام میکادو وارد شده؟... همه کس میداند که هیچیک از اینها نشده و بالعکس ملت او را پرستش مینماید و پدر بلکه خدای خود میشناسند نام نامیش عالم را فرا گرفته، در پرتو همین دو مجلس و قانونست که این همه ترقیات محیرالعقول حاصل نموده و بر چین مسلط شده، کوبا را تصاحب کرده و امروز دولت روس را متزلزل نموده است.

در بارهٔ روزنامهٔ حبل‌المتین در تاریخ جرائد و مجلات چنین آمده است: «این روزنامه بزرگترین خدمت را ببرقراری اساس مشروطیت و آزادی ایران نمود، مدیر این روزنامه از پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی است و در سال ۱۳۱۱ هـ.ق. که در هندوستان بود و سید جمال‌الدین هم در انگلستان و پرنس ملکم‌خان وزیر مختار ایران در لندن بود، در نتیجه مکاتبات بین سه آزادیخواه نامبرده چنین اتفاق نظر حاصل شد که ایرانیان احتیاج بانقلاب و رفرم فکری دارند و این انقلاب جز از راه جراید آزاد طریق دیگر ندارد، این هم آهنگی بین سه نفر فوق باعث انتشار روزنامهٔ قانون در لندن و حبل‌المتین در کلکته گردید[1].

روزنامهٔ پرورش و ثریا را بعد از روزنامهٔ قانون میتوان از مهمترین روزنامه‌های انقلابی دانست ادوارد برون برای روزنامه‌های فوق سهم عظیمی در تهییج و بیداری افکار عامه قایل است و ایندو روزنامه را منادی شکایات و مظهر عدم رضایت و نفرت عامه از اصول ادارهٔ موجود و هیأت حاکمه میداند[2].

روزنامهٔ پرورش در قاهره بسر دبیری و مدیری میرزا علی محمد پرورش بطور هفتگی در سال ۱۳۱۸ هـ.ق. مطابق با ۱۹۰۰ میلادی و روزنامهٔ ثریا در قاهره بمدیریت میرزا علی محمدخان کاشی بطور هفتگی بسال ۱۳۱۶ هـ.ق. مطابق ۱۸۹۸ میلادی منتشر شده است.

روزنامهٔ اختر را باید از زمرهٔ نخستین روزنامه‌های فارسی که در خارج از ایران انتشار پیدا کرده دانست، روزنامهٔ مزبور در اسلامبول بمدیریت محمد طاهر تبریزی در

۱ـ تاریخ جرائد و مجلات تألیف محمد صدرهاشمی ج ۲

۲ـ تاریخ مطبوعات ادوارد برون: ج ۱

سال ۱۲۹۲ ه.ق. منتشر شده و مطالب آن تأثیری عمیق در افکار باقی گذاشت.

بطور کلی سهم روزنامه‌هایی که در خارج از ایران انتشار مییافت بسبب آزادی قلم در شکل دادن بافکار عمومی و باز کردن راه انقلاب مشروطیت قابل ملاحظه بوده است.

پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات تعداد و تیراژ روزنامه‌ها افزایش کلی یافت چنانکه از مجموع ۲۱۰ روزنامه‌ای که از سال ۱۲۵۳ ه.ق. چه در ایران و چه در خارج از ایران و بزبان فارسی از طرف ایرانیان تا تاریخ ۲۵ - ۱۳۲۶ ه.ق. انتشار یافت، بیش از ۵۰ در صد آنها در خلال سالهای ۲۵ و ۱۳۲۶ ه.ق. و بعد از مشروطیت بوده است. بموجب آماری که ادوارد برون میدهد، تیراژ روزنامه‌ها پس از انقلاب افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد چنانکه تیراژ روزنامهٔ مساوات که از جراید مهم و موثر انقلاب شمرده میشد به ۳ هزار و از آن روزنامهٔ صور اسرافیل به ۵ هزار و تعداد نسخ روزنامهٔ مجلس بتدریج از ۷ هزار به ۱۰ هزار و از آن روزنامهٔ انجمن ملی تبریز به ۵ هزار نسخه میرسیده است. روزنامهٔ صور اسرافیل در تهران بمدیری میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم‌خان تبریزی در سال ۱۳۲۵ ه.ق. منتشر شد و بسبب تفسیر و نشر اخبار سیاسی روز تحت عنوان چرند و پرند بقلم علی اکبرخان دهخدا محبوبیت بی‌اندازه‌ای پیدا کرد و مورد پسند کلیه طبقات ملت قرار گرفت و ما در اینجا بعنوان نمونه بنقل یکی از سرمقاله‌های روزنامهٔ فوق تحت عنوان چرند و پرند که با سبک و شیوه خاصی به تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی روز پرداخته است میپردازیم.

دهخدا در شماره ۲۹ روزنامه صور اسرافیل با قلمی شیرین و ساده مسئله نفوذ و مداخله خارجیان را در امور داخلی ایران و مخالفت آنها با هر گونه اجرای نقشه‌های مترقیانه بیان داشته است: «همهٔ ملل دنیا چه بواسطه اخبار انبیاء و چه بواسطهٔ پیش‌بینی حکمای خود منتظرند که یکروز دنیا نمونهٔ بهشت عدن بشود، ما ایرانی‌ها هم در قدیم می‌گفتیم که نور بر ظلمت غلبه کند و حالا میگوئیم زمین پر از عدل و داد شود پس از آنکه پر از ظلم و جور بود.

من هرچه که ایرانی و مسلمان بودم اما بازگاهی که محمد اوف‌ها در آذربایجان و مرتضویها را در «زنوز» و صدرالعلماها را در یزد و شریعتمدارها را در رشت و اقبال‌الدوله‌ها را در محمد آباد، و حاجی ملک‌التجارها را در گودزورخانه، و مجدالاسلام‌ها

را در سفارتخانه‌ها میدیدم یک چیزی مثل بال بعوضه برخلاف عقیدهٔ مذهبی خودم بذهنم خطور میکرد و میگفتم بلکه استغفرالله استغفرالله این اخبار راجعهٔ باصلاح دنیا مثل خیلی از مطالب دیگر برای ارشاد عوام و محمول بر حکمتی باشد، اما بعد زود ملتفت میشدم که این وسواس شیطان است که میخواهد عقاید مرا سست کند آنوقت زود دو دفعه استغفار میکردم و یکدفعه میان انگشت شست و سبابه‌ام را گاز میگرفتم و دو سه دفعه تف تف میکردم و از گیر شیطان لعنتی خلاص میشدم. اما حالا دیگر بدون یک ذره تردید می فهمم که راستی راستی دنیا رو بترقی میرود و بنی نوع انسان روزبروز بمحبت و مودت نوعی و انتشار عدالت مطلقه در دنیا میل میکنند و ازین معلوم میشود که واقعاً یکروز دنیا پر از عشق و محبت و تسویه و عدالت کلی شده «دورهٔ طلائی» شعرا برمیگردد. برای اثبات این مدعا مجبورم که مثالی برای شما بیاورم که قدری مطلب واضحتر بشود.

در زمان طفولیت در «برلن» یک روز تعطیل صنیع‌الدوله از مدرسه بیرون آمده بحوالی شهر بگردش رفت هوا خیلی سرد و بقدر یکوجب هم برف روی زمین نشسته بود خود صنیع‌الدوله هر چند لباسهایش کوک بود اما باز احساس سرما را بخوبی میکرد. یکدفعه دید که صدای سوت «ماشینی» بلند شد و پشت سرش سروکلهٔ «لوکوموتیف» با دویست و پنجاه و پنج اطاق و هفت هزار و پانصد و نود و یک مسافر نمودار گردید. صنیع‌الدوله گذشته از اینکه از تماشای این منظرهٔ غریب خیلی خوشش آمد بفکر عمیقی هم فرو رفت، در آن عوالم بچگی بخودش میگفت که ببین این مسافرها از کجا میآیند؟ از چین؟ از جابلقا جابلسا؟ نزدیکیهای کوه قاف خدا میداند، اما ببینید که چطور درین هوای سرد اطاقهاشان گرم، ناهار و شامشان حاضر. اسباب شست و شوشان مهیا و کتاب و روزنامه‌شان آماده مثل اینکه درست توی خانه‌های شخصی خودشان هستند! بعداز این فکرها گفت: خدایا من نذر کردم که اگر این هفته یک کاغذ خوبی از تهران رسید همانطور که استدعا کردم هفته‌ای «دو مارک» بخرج جیبی من افزودند منهم وقتی بزرگ شدم و به تهران برگشتم در ایران ازین راه‌آهن‌ها درست کنم.

او این خیالها را در خاطر جولان میداد و قطار راه‌آهن هم کم کم ازو دور میشد تا وقتی که بکلی از نظرش ناپدید شد و او هم برای پختن این فکر تازهٔ خودش بمدرسه برگشت. این خیال عهد کودکی عادةً بایستی چند دقیقه، چند ساعت یا منتها دو سه

روز دوام کرده و بعد فراموش شود، اما بعکس هرچه صنیع‌الدوله بزرگتر شد این خیال هم با او بزرگ شد. کم کم دیگر شبها نخوابید روزها آرام نگرفت هی نوشت و نوشت حساب کرد نقشه کشید تا وقتی که بعد از سی چهل سال وزیر مالیهٔ ایران شد. حالا دیگر وقتی بود که خیالات چهل ساله خودش را بمحل اجرا بگذارد. حالا موقعی بود که تمام شهرهای ایران را بواسطه راه‌آهن بهم متصل نماید، اما اینکار پول لازم داشت، بخزانهٔ دولت نگاه کرد دید مثل مغز منکرین استقراض خالی است، بدهنهٔ جیب تجار و شاهزادگان ایران تماشا کرد دید با قاطمه بخیهٔ دورو زده‌اند عاقبت عقلش باینجا قد داد که یک مالیات غیر مستقیم ببعضی از واردات ببندد و بوسیلهٔ این مالیات کار خیال یک عمر خود را محکم کند و راستی هم نزدیک بود کار تمام بشود که یکدفعه برادرهای روز بد ندیده، در تمام انگلستان، در تمام روسیه یک شور و غوغائی برپا یک قیامت والم سرائی راه افتاد که نگو نپرس، داد، فریاد، بگوواگو، قشقرق همهٔ دنیا را پر کرد. این شور و غوغا از کجا بود؟ از طرف انجمنهای حامیان حیوانات «سوسیته پروتکتوردانیمو» شاید بعضی هموطنان ما اسم این جمعیت را نشنیده و از مقصود آنها اطلاعی نداشته باشند، بله، اروپائی‌ها عموماً و همسایه‌های ما خصوصاً همانطور که انبیاء خبر داده‌اند و حکما پیش‌بینی کرده‌اند کار عدل و انصاف و مروت را بجایی رسانده‌اند که گذشته از اینکه هوادار تمام ملل مشرق زمین میباشند، گذشته از اینکه میلیاردها برای آزاد کردن سیاه‌پوستها خرج میکنند حالا میگویند که ما حیوانات را هم نمی‌گذاریم بعد از این اذیت کنند، بحشرات و سباع هم مانع میشویم که آزاری وارد بیارند، ازین جهت انجمن‌ها مجمعها، جمعیت‌ها و هیئت‌های بزرگ برای اینکار تشکیل کرده‌اند. حالا لابد خواهید پرسید که این انجمنها چه ربطی براه‌آهن ایران دارد ـ هان! همین جاهاست که من میگویم شما از مرحله پرتید!! درست گوش بدهید ببینید اگر ایندو مطلب من بهم ربط نداشت من هم اسم خودم را برمیگردانم و بجای دخو بعد از این بخودم وکیل خطاب میکنم. خوب ما گفتیم که انجمن‌های زیاد در اروپا تأسیس شده که مقصودش حمایت حیوانات است، بله! جناب صنیع‌الدوله هم میخواهد در ایران راه‌آهن بکشد همچو نیست؟ خیلی خوب، نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این نخواهد شد که چل صد هزار رأس الاغ، شتر و قاطر دستشان را بگذارند رو هم بنشینند و مثل انجمن شصت نفری بعد از تشریف فرمائی احتشام‌السطنه و میرزا آقای اصفهانی بربر بروی هم نگاه کنند؟.

خوب، اینها زبان ندارند که مثل جناب سعدالدوله بردارند روزنامه چاپ کنند و بگویند بی‌انصافها چرا کار ما را از دست ما میگیرید؟ چرا ما را خانه‌نشین میکنید؟ اما انصاف و مروت اروپائیها که جائی نرفته، فطرت پاک آن آسایش خواه‌های عمومی که سرجای خودش است. این بود که آنها هم برداشتند تلگراف کردند بسفارت‌خانه‌های خودشان که باین ایرانی‌های وحشی بگوئید که اگر شما راه‌آهن کشیدید و حیوانات بارکش را بیکار و سلندر گذاشتید ما هم از روی قوانین حقوق بین‌الملل حقاً میائیم و شما را مثل «کپسول سانتال» و «کوپاهو» دانه دانه قورت میدهیم.

حالا راستی راستی که نمیآمدند ما را قورت بدهند. اما از همین اقدامات بما ایرانیها بلکه تمام ملل مشرق زمین فهماندند که «عصر طلائی» برگشته، زمان ظهور اخبار انبیاء و حکماء نزدیک شده و آسایش مطلقه تمام دنیا را از ماهی‌های دریا تا مرغهای هوا فرا گرفته است. منتهی همسایه‌های نوع پرست ما درین راه پیش قدم شده‌اند. باری مطلب خیلی داشتم و میخواستم بیش ازین دردسر بدهم. اما نمیدانم چطور شد که حواسم رفت پیش عهدنامه‌های منعقدهٔ مابین دولت علیهٔ ایران و دول متحابه و بعد هم این شعر عربی امرؤالقیس یادم آمد که میگوید:

«از چشم خود بپرس که ما را که میکشد   جانا گناه طالع و جرم ستاره چیست؟»

بی‌مناسبت نیست در میان روزنامه‌هائی که پس از پیروزی نهضت مشروطیت در ایران انتشار پیدا کرد از روزنامهٔ مجلس بمدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی نام برد. روزنامهٔ مزبور در سال ۱۳۲٤ هـ.ق مطابق با ۲۵ نوامبر ۱۹۰۵ میلادی بطور روزانه در تهران انتشار یافت و اخبار مجلس اول را منتشر کرد.

از روزنامه‌های معروف و انقلابی دیگر که بعد از نهضت مشروطیت انتشار پیدا کرد روزنامه ایران نو «ارگان حزب دموکرات ایران» است که اولین روزنامهٔ بسبک اروپائی بود، مطالب و مندرجات آن با اینکه مورد اعتراض روحانیان نجف واقع شد و بیانیه‌ای نیز مبنی بر منع مسلمانان از مطالعهٔ آن صادر گردید باز هم ناشر آن با پشتکاری خستگی‌ناپذیر علی‌رغم توقیفهای متعدد بکار خود ادامه داد. روزنامهٔ مزبور بمدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالضیاء و نویسندگی محمد امین رسول‌زاده در سال ۱۳۲۷ هـ.ق در تهران انتشار یافته است از جمله انتشارات و مطبوعات دیگری که کمک شایان توجهی به بیداری ایرانیان کرد، کتابهای حاج میرزا عبدالرحیم

نجارزاده طالبوف تبریزی (احمد، مسالک‌المحسنین، مسائل‌الحیات) و همچنین سیاحتنامهٔ ابراهیم بیک است که انتشار آن با دوران طغیان و نارضایی مردم مقارن بوده و مطالب و مندرجاتش موجبات تحریک حس نفرت و انزجار آنها را نسبت باصول حکومت وقت برمیانگیخته است، دیگر از کتابهای معروف در این زمینه کتاب حاجی بابا تألیف سرجان موریه منشی اول سفارت انگلیس در ایران معاصر فتحعلیشاه است که توسط شیخ احمد روحی کرمانی از انگلیسی بفارسی ترجمه شده است.

شبنامه‌ها نیز از جمله انتشاراتی است که در تهییج افکار مردم بی‌تأثیر نبوده، تاریخ انتشار شبنامه را باید در حدود سالهای ۲۰ - ۱۳۱۹ ه.ق دانست و اولین مرتبه در تبریز از طرف علیقی‌خان صفراف مدیر روزنامهٔ هفتگی احتیاج و پس از آن از طرف اعضاء انجمن مخفی شبنامه‌هائی ژلاتینی که مضمون اکثر آنها انتقاد از هیئت حاکمه وقت و مخالفت با اتابک اعظم «امین‌السلطان» بود منتشر شد. ادوارد برون از شبنامه‌ای بنام شاهسون که در اسلامبول انتشار یافته و مندرجات آن در ذم از روش دیرین و اصول ادارهٔ حکومت بوده است و همچنین از نشریات مخفی دیگری تحت عنوان لسان‌الغیب و غیرت و شبنامهٔ ژلاتینی بنام نشریهٔ حمام ذکری بمیان میاورد.

* * *

پس از جراید و مطبوعات باید در بارهٔ تأثیر انجمن‌ها و احزاب سیاسی سخن گفت، گرچه آغاز تشکیل گروههای متشکل ملی و سیاسی بصورت انجمن و حزب باید بعد از اعلام مشروطیت دانست ولی ناگفته نماند که قبل از فرمان مشروطیت با وجود فشار استبداد جمعی از آزاد مردان و روشنفکران بمنظور ترویج افکار نوین و فلسفهٔ آزادیخواهی مجامعی سری و پنهانی بطور نامنظم تأسیس کردند اعضای انجمنهای مزبور در ضمن فعالیتهای مختلف از جمله تهیهٔ مقالات سودمند و درج آن در روزنامه‌های فارسی که در خارج از مملکت انتشار مییافت و همچنین پخش و توزیع شبنامه‌ها و بیانیه‌ها و رساله‌های مختلف در زمینهٔ حکومت قانون و با توزیع روزنامه‌هاییکه در خارج انتشار می‌یافت و حاوی مطالب مفید و متنوع تمدن و علم جدید و اصول حکومتهای آزاد بود به بیداری افکار عامه کمکهای شایان و ثمربخشی کردند.

نخستین مجمعی که تحت عنوان جمعیت سیاسی و گروه متشکل ملی که قبل از اعلام مشروطیت در ایران تشکیل یافت. جمعیت فراماسون بنام انجمن فراموشخانه بود

که بعدها بنام انجمن آدمیت معروف شد. انجمن مزبور بهمت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در حدود سال ۱۲۷٦ ه.ق در ایران تأسیس شد هدف اصلی ملکم‌خان در این انجمن آشنا ساختن ملت بنظام و تمدن جدید دول اروپایی و تبلیغ آزادی و حمایت از برقراری حکومت مشروطه و دفاع از حقوق فردی تغییر اساس رژیم حکومت وقت ایران بود. عده زیادی از اعیان و شاهزادگان و روحانیان و همچنین جوانان روشنفکر فارغ‌التحصیل دارالفنون ازین مجمع و افکار و مرام ملکم استقبال کردند و بدان پیوستند، تبلیغات اعضای آن ابتدا بطور محرمانه صورت میگرفت، انجمن مزبور نظر بمخالفت درباریان و بخصوص شخص ناصرالدینشاه بصورت ظاهر برچیده شد و از طرف شاه اعلامیه‌ای مبنی بر تعطیل انجمن مزبور در روزنامهٔ دولتی منتشر شد و عده بسیاری از رجال و طرفداران این مرام تبعید شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند[۱].

ناظم‌الاسلام کرمانی درباره مجمع فراموشخانه و تأثیر مرام آن در افکار مردم چنین یاد میکند: میرزا ملکم‌خان برای اتحاد کامل بین ارباب حل و عقد و از بین بردن نفاق ملت و دولت و دربار مجلسی در تهران تشکیل داد. ولی منافقین درباری و دشمنان ترقی ایران او را بدخواه دولت قلم دادند و موجبات تعطیل فراموشخانه را فراهم نمودند[۲].

ولی باید دانست که پس از بقتل رسیدن ناصرالدینشاه و آزادی نسبی که در زمان سلطنت مظفرالدینشاه برای فعالیت روشنفکران و اصلاح طلبان بوجود آمد، زمینهٔ

۱ـ متن اعلامیهٔ دولت که در تاریخ پنجشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ هجری قمری در روزنامهٔ دولتی منتشر شده است «در اینروزها بعرض رسید که بعضی از اجامر و اوباش شهر گفتگو از وضع و ترتیب فراموشخانه‌های (یوروپ) میکنند و بترتیب آن اظهار میل مینمایند. لهذا حکم صریح همایون شد که اگر بعد از این عبارت و لفظ فراموشخانه از دهن کسی بیرون آید، تا چه رسد بترتیب آن مورد کمال سیاست و عقوبت دولت خواهد شد البته این لفظ را ترک کرده و پیرامون این خرافات نروند که یقیناً مواخذهٔ کلی خواهند دید»
اقتباس از کتاب فکر آزادی تألیف دکتر فریدون آدمیت و جزوه دوم رهبران مشروطه (تألیف ابراهیم صفائی)

۲ـ تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۱۸ ـ ناگفته نماند که دولت روسیه نیز با انتشار افکار فراماسونی در ایران موفق نبود و با تلقینات و تحریکات دائمی خود بناصرالدینشاه ذهن ویرا متوجه خطر مرام انجمن مزبور می‌کرد و بدین وسیله از انتشار افکار و فعالیت آشکار آنها جلوگیری می‌شد.

تشکیل مجامع و انجمنهای ملی که فعالیت پنهانی داشته‌اند و جلسات آنها بطور سری تشکیل میشده در تهران و در بعضی از شهرستانها از جمله کرمان و اصفهان و تبریز فراهم شد، از جمله روشنفکرانی که شیفتهٔ آزادی و از پیروان مکتب ملکم بودند و با تبعید وی بخارج از ایران، از فعالیت خود در راه نشر افکار نوین و دنبال کردن مرام او دست برنداشتند، اعضای انجمن، جامع آدمیت را برهبری میرزا عباسقلیخان آدمیت که از پرورش یافتگان مکتب ملکم و پیرو افکار وی بود، تأسیس کردند، انجمن مزبور مروج افکار آزادیخواهی و طرفدار آثار و عقاید ملکم‌خان بود که خود او در آن زمان در خارج از ایران بسر میبرد، و توان گفت انجمن مزبور شاید تنها گروه متشکل سیاسی بود که در مسیر انقلاب مشروطیت و تعطیل بعدی آن توسط محمدعلیشاه بر اساس نوین منظم حزبی فعالیتهای پنهانی داشته است[1] قبل از آغاز انقلاب و جنبشهای عمومی و ملی ایران «۲۳-۱۳۲٤ ه.ق» جمعی از آزادمردان که در دورهٔ استبداد ناصری نیز جلساتی با گروههای کوچک و پراکنده بدون فعالیت مداوم داشتند در تاریخ ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ه.ق مجمعی عمومی بنام انجمن مخفی با عضویت قریب ٦۰ تن از سران آزادیخواهان در تهران تشکیل دادند، هدف اعضای انجمن برقراری آزادی و مخالفت با حکومت استبداد بود و قطعنامه‌ای تحت ۱۸ ماده تنظیم کردند، بموجب ماده نهم و دهم و یازدهم قطعنامهٔ مزبور اعضاء انجمن موظف بودند با وسایل مختلف در بیداری افکار و توسعهٔ فرهنگ بکوشند و با تهیهٔ مقالاتی در ذم حکومت استبداد و درج آن در جراید و همچنین با انتشار شبنامه‌هایی مردم را بحکومت قانون و آسایشی که از راه حکومت ملی حاصل میشود آشنا سازند، ناگفته نماند که در مورد تشکیل انجمنهای مخفی در تهران محمد ناظم‌الاسلام کرمانی مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان، نخستین مجمع عمومی آن را بتاریخ ۱۸ ذیحجهٔ سال ۱۳۲۲ ه.ق یاد می‌کند و در ضمن توضیح می‌دهد که انجمن مزبور برهبری سید محمد طباطبائی و بنیانگذاری مؤلف تاریخ مذکور تشکیل یافته است[2].

۱ـ اقتباس از کتاب فکر آزادی. صفحه ۲۰٦

۲ـ تاریخ بیداری ایرانیان. همچنین محمد صدرهاشمی در تاریخ جرائد و مجلات اشاره بانجمنی به نام آزادمردان مینماید که در آغاز انقلاب و قبل از اعلام مشروطیت یعنی در تاریخ ۲۱ ←

بطور کلی هدف اعضاء انجمن مخفی بموجب ماده اول نظامنامهٔ انجمن مخفی، بیداری ملت و آگاهی او بحقوق حقهٔ خود و اجرای قانون اسلام و قوانین عرفی بوده است تا بتواند سلطنت را مشروط کند و حدود تکالیف وزراء و حکام را معین نماید، دیگر از خواسته‌های مجمع مخفی که در نظامنامهٔ آنها مندرج بود، مسئله محدود ساختن قدرت و نفوذ اتباع خارجه در ایران باید ذکر شود.

انجمنهای مخفی چه در تهران و چه در شهرستانها از آن نظر که دولتهای وقت با آن مخالف بودند همانطور که اشاره شد بطور سری در منازل اعضای انجمن و یا در بعضی از مدارس از آنجمله «مدرسه ناصریه» تشکیل میشد، و نیز بموجب نظامنامه، پیروان مذاهب مختلف نیز در صورت ایرانی بودن حق عضویت انجمن را داشتند و از لحاظ مذهبی محدودیتی در پذیرفتن اعضا در این انجمن وجود نداشت. انجمن مخفی تهران ضمن توزیع شبنامه‌ها که مفاد آن انتقاد از مداخلات بیگانگان و شکایت از مسئله قرضهٔ روس و مظالم عین‌الدوله بود نه فقط در میان تودهٔ مردم بلکه در دربار سلطنتی نیز به پیشرفت فکر آزادیخواهی کمک کردند[۱].

از شعبه‌های وابسته بمجمع عمومی مخفی، کمیتهٔ انقلاب است ملکزاده تشکیل آنرا قبل از مشروطیت و پس از آغاز تشکیل اولین مجمع عمومی مخفی مورخ ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ه.ق یاد می‌کند، ولی محمدصدر هاشمی[۲] تاریخ تشکیل کمیتهٔ

←

ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱ هجری قمری و با عضویت چهل نفر از آزادیخواهان تشکیل شده است و در معرفی از اعضاء انجمن مزبور که اکثریت آنها از صاحبان جرائد و مطبوعات بودند بذکر اسامی چند تن از آنها از جمله: ملک‌المتکلمین، سیدجمال‌الدین واعظ، حاج میرزایحیی دولت‌آبادی، میرزا سلیمان‌خان میکده، مجدالاسلام کرمانی، معین‌العلمای اصفهانی، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و محمدرضا مساوات میپردازد. (تاریخ جراید و مجلات ایران جلد ٤ صفحه ۲۰۹)

احمد پژوه تاریخ تشکیل انجمن سری تهران را در اواخر سال ۱۳۲۲ هجری قمری و اوائل سال ۱۳۲۳ هجری قمری ذکر نموده و آنها را از علقات فراموشخانه میداند.

تاریخ انقلاب ایران صفحه ۱۱۱

۱ـ موقرالسلطنه که خود از درباریان آزادیخواه و از بانیان و هممسلکان انجمن مخفی بود و کمکهای شایانی در ابتدا بمشروطه‌خواهان کرد مأمور توزیع شبنامه در دربار بود و فاش شدن این امر بچوب خوردن وی بدستور مظفرالدینشاه منجر گردید:

۲ـ تاریخ جرائد و مجلات ج چهارم صفحه ۲۱۰

مزبور را در تهران بعد از فوت مظفرالدینشاه و بتخت نشستن محمد علیشاه و مخالفت او با مشروطه‌خواهان ذکر میکند. اعضاء کمیته مزبور ۹ تن و عبارت بودند از «ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ، میرزا جهانگیرخان، سید محمدرضا مساوات، ابراهیم حکیم‌الملک، سید حسن تقی‌زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی، و نیز سه نفر بنام میرزا محمد نجات، حسین آقا پرویز، میرزا محسن نجم آبادی رابط کمیته با خارج بودند، کمیتهٔ مزبور هر روز جلسات خود را تشکیل می‌داد ولی بعد از نیمه شب، و با رهبری و اداره کردن نهضت سهم موثر و شایان توجهی در انقلابات مشروطیت و اعاده آن داشته است.

دیگر از انجمنهایی که میتوان گفت در ابتدای تأسیس کمتر جنبهٔ سیاسی داشته ولی فعالیت اعضای آن در جنبش ملی تا اندازه‌ای مؤثر بوده انجمن اخوت بوده است که ابتدا در سال ۱۳۱۷ هـ.ق بوجود آمد و در دورهٔ تاریک استبداد بصورت مجمعی از روشنفکران در تهران در آمد، مؤسس آن حاج میرزا حسن صفی‌علیشاه بوده است، وقتی عضویت انجمن مورد قبول ظهیرالدوله صفی علیشاه قرار گرفت نام آن بانجمن اخوت تبدیل شد و اعضای این انجمن برای مبارزه با خرافات و استبداد خدمات گرانبهایی انجام دادند.

این مجامع و محافل که جنبهٔ ملی و غیر رسمی داشتند پس از اعلام مشروطیت و طرح قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی که بموجب آن اجتماعات قانونی شد، فعالیت خود را بدو صورت و تحت عنوان انجمنهای رسمی و غیر رسمی بطور آشکار و علنی شروع کردند.

پس از اعلام مشروطه و بخصوص دورهٔ اول مجلس «مشروطهٔ اول» تعداد مجامع عمومی و انجمنها افزایش یافت و نظر بشرایط زمان عده‌ای از روشنفکران بر آن شدند که بمنظور مبارزه و مقاومت در برابر مخالفان رژیم مشروطه مراکز ثقلی که مرجع عموم باشد و موجبات حفظ اتحاد و اتفاق فکری مشروطه‌خواهان را فراهم سازد تأسیس کنند، از اینرو به تشکیل جمعیتهای سیاسی و انجمنهایی که بر اساس اصول حزبی و تشکیلات منظم متکی بود مبادرت ورزیدند.

پاره‌ای از انجمنهای مزبور با حمایت و پشتیبانی از نمایندگان منتخب خود در تدوین نظامنامهٔ انتخابات و قانون اساسی سهم و حصهٔ بزرگی در استقرار مشروطیت

داشتند و پس از آن نیز در انقلابات ناشی از استبداد صغیر برای اعاده مشروطیت می‌کوشیدند. در شهرستانهایی که بسبب موقع جغرافیایی خود با مراکز سازمانهای انقلابی و تمدن جدید نزدیکتر بودند و افراد آنها افکار نوین و پیشرفته داشتند اینگونه انجمنها نضج بیشتر یافته و فعالیتهای مثبتی داشته‌اند از جمله: در تبریز. انجمنی بنام مراکز غیبی با عضویت عدهٔ بیشماری از طبقات مختلف، کسبه و پیشه‌وران برهبری عده‌ای از آزادیخواهان تشکیل گردید. کمیتهٔ مزبور از طریق سازمان هومت با فرقه سوسیال دموکرات قفقاز ارتباط داشت و براهنمایی و هدایت آنها بایجاد تشکیلات منظم حزبی گردید و پس از مدتی نیز بمنظور تجهیز قوای جنگی بتشکیل گارد محافظ ملی بنام فدائیان پرداخت[1]:

این کمیته در ضمن دارای شعبه‌هایی بود که تحت ریاست عده‌ای از اشخاص مطلع و روشنفکر اداره میشد، مرکز فعالیت کمیته ابتدا محرمانه و سری بود و کلیه دستورات کمیتهٔ مرکزی بدون تخلف توسط فداییان که بعدها بنام مجاهدین معروف شدند اجرا میشد، سازمان مجاهدین تبریز و همچنین انقلابیون فرقهٔ سوسیال دموکرات قفقاز نقش بزرگی در استقرار مشروطیت و دفاع تبریز و فتح تهران برعهده داشتند، کمیتهٔ انقلاب ولایت قفقاز از طریق فرستادن افراد و وسایل جنگی و همچنین از طریق تأسیس مؤسسات برای تهیهٔ بمب و سازمانهایی جهت متشکل ساختن توده‌های عوام در تمام نقاط آذربایجان کمک شایانی بسوسیال دموکرات‌های تبریز کردند، این آزادی خواهان در جنگ با استبداد صغیر تعداد زیادی کشته دادند، بطور کلی باید تصدیق کرد که حزب سوسیالیست روسیه از بدو ظهور انقلاب مشروطیت ایران مشوق ایرانیان بوده و با کمک به نهضت و بیداری افکار ایرانیان مقیم قفقاز و تبریز سهم و حصه‌ای داشته است.

۱ـ مقارن اعتصابات و انقلابات مشروطیت در ایران، ایرانیان مقیم باکو، جمعیتی بنام «اجتماعیون عامیون» برهبری نریمان نریمانوف تشکیل دادند که مرامنامهٔ آنها از روی مرامنامهٔ «سوسیال دموکرات» روس نوشته شده بود، پس از اعلام مشروطیت و جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، چند تن از آزادیخواهان بنام تبریز چون علی مسیو، و حاجی علی دوافروش، حاج رسول صدقیانی، کمیته‌ای تشکیل دادند و مرامنامه فرقه سوسیال دموکراتهای قفقاز را ترجمه کردند و مواد و اصول آن را اساس برنامهٔ خود قرار دادند.

انجمنهای رسمی در تهران و سایر شهرستانها مقارن انقلاب و بخصوص هنگام مشروطهٔ اول تشکیل یافت، انجمنهای مزبور ابتدا بدنبال طرحی که در مجلس در مورد قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی در دست تهیه بود ولی هنوز صورت قانونی پیدا نکرده بود تأسیس شد و در اکثر شهرستانها انجمنهای مزبور که بنام انجمن ایالتی و ولایتی معروف بودند چون هنوز بموجب قانون حدود نظارت و مداخلهٔ آنها در امور مملکتی معین نشده بود در کارهای عمومی مداخلات فراوان و گاهی هم تندرویهایی در مقابل عمال حکومتی می‌کردند و طبقات مختلف اجتماع نیز بحمایت از اعضای انجمن بنا بر خصیصه روحی مخالفت با حکومت، دستورهای انجمن را اجرا مینمودند و هر روز با مجتمع شدن در محیط انجمنها بتقویت نمایندگان خود کمک بیشتر میکردند.

ادوارد برون انگلیسی از انجمنهایی که بعد از انقلاب مشروطیت تشکیل شد و جنبهٔ انقلابی و سیاسی داشت چنین یاد میکند «اینها رلی در ایندوره تاریخی بعهده گرفتند خصوصاً در واقعهٔ کودتا پشتیبانی توده را بعهده گرفتند، و دوباره پس از بمباران ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ که دیگر پای مجلس در میان نبود هم اینها بودند که مقاومت ملی را اداره کرده و تا سر حد امکان کوشیدند تا سرانجام به برانداختن محمد علیشاه موفق شدند. با کمک انجمنهای بیمانندی در خارجه بویژه انجمن سعادت استانبول، انجمنهای مذکور تماس خود را با کشورهای بیگانه حفظ کردند و همه جا را از پیشرفت‌های خود آگاه ساختند و توانستند که اراجیف و بیهوده گوییهایی را که بتوسط منابع و اشخاص دینفع ساخته و اشاعه میشد باطل و عاطل سازند[1].

ایوانف، از انجمنهایی یاد می‌کند که در آغاز مشروطیت بوجود آمد و هدف آنها نظارت بر صحت انتخابات مجلس شورای ملی بود و اولین انجمن ملی ایران را بنام انجمن ملی تبریز در سال ۱۹۰۵ میلادی میداند که با پشتیبانی گروه‌های بزرگ مردم از طرف حکومت آذربایجان شناخته شد. این انجمن بی‌اندازه قدرت یافت و با کمک نمایندگان منتخب آذربایجان مجلس را برای اجرای مقاصد و نیات خود تحت فشار قرار داد، بدنبال انجمن تبریز در سایر شهرستانهای ایران تعداد کثیری انجمنها و کلوبهای سیاسی و اتحادیه‌های صنفی و کشاورزی ایجاد گردید، در شهر تهران به تنهایی بیش از

۱ـ انقلاب ایران تألیف ادوارد برون صفحه ۲۵۴

۱۳۰ انجمن وجود داشت[۱] تقی‌زاده تعداد انجمنهای ملی را در شهر تهران بعد از انقلاب مشروطیت در حدود ۱۴۴ تخمین زده است.

بطور خلاصه انجمنها و گروههای متشکل که مقارن انقلاب و یا قبل و یا بعد از آن در ایران پیدا شدند. بطرق مختلف تأثیر عمیق در بیداری و هوشیاری تودهٔ خلق داشته‌اند و فعالیت و گاهی هم فداکاری بعضی از اعضای آنها بخصوص اعضای برخی از انجمنهایی که بعد از انقلاب نضجی گرفت و یا تازه سازمان یافت، از قبیل انجمن ملی تبریز در استقرار حکومت مشروطه تأثیری نمایان داشته است.

ناگفته نگذاریم که مقارن اعلام مشروطیت و بخصوص در زمان استبداد صغیر، ایرانیان مقیم ممالک خارجی و مهاجران مشروطه‌خواه، بخصوص تجاری که در عثمانی و قفقاز و باکو بودند، هیجان وصف‌ناپذیری در برقراری حکومت مشروطه و آزادی ابراز کردند.

تجار روشنفکر و آزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول با وجود محدودیتی که در قلمرو حکومت استبداد عثمانی داشتند بتأسیس انجمن سعادت پرداختند«۱۳۲۶ هـ.ق» اعضای این انجمن همراه با ایرانیان مقیم اسلامبول پس از اقداماتی که محمد علیمیرزا بمنظور از بین بردن مشروطیت کرد و انقلاباتی که در اکثر نواحی ایران بخصوص برای اعاده مشروطیت روی داد، با پیوستن نمایندگان مجلس و مهاجران آزادیخواه ایرانی بمملکت عثمانی، دامنهٔ فعالیت سیاسی خود را وسیعتر کردند، اعضای انجمن مزبور در مواقع حساس بآزادیخواهان هموطن خود چه در داخل ایران و چه در خارج خدمات شایان توجهی کردند و با وسائل مختلف از جمله تشکیل جلسات سخنرانی و انتشار روزنامه موجبات جلب عواطف دیگران را بنفع مشروطیت و مشروطه‌خواهان فراهم آوردند، و با انجمنها و کمیته‌هائی که در ایران و سایر ممالک وجود داشت و بخصوص حوزهٔ علمی نجف نیز ارتباط برقرار کردند، و در اعادهٔ مشروطیت سهم قابل توجهی بدست آوردند.

دیگر از انجمنهائی که در خارج از مملکت بوجود آمده بود، کمیته‌ای بوده است برهبری سید حسن تقی‌زاده و همکاری معاضدالسلطنه که در اکتبر ۱۹۰۸ در لندن

۱ـ تاریخ مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحه ۳۴

تشکیل یافت، و نیز انجمن بزرگی در پاریس بنام فرانکو پرسان توسط ایرانیان مقیم آن شهر با ریاست افتخاری آقای دیولافوا M.Dieulafoy در ژوئیه ۱۹۰۸ تأسیس شد[۱].

کمیتهٔ آزادیخواهان لندن با همراه ساختن عده‌ای از نمایندگان آزادیخواه مجلس عوام انگلیس و همچنین عده‌ای از طرفداران آزادی ایران بفعالیت پرداخت و با انتشار مقالات و اعلامیه‌های متعددی بنفع مشروطیت ایران با استبداد حکومت در افتاد. در فرانسه نیز مهاجران مشروطه‌خواه که در حدود پنجاه تن بودند همراه با چند تن از شاهزادگان و اعیان که از مخالفان محمد علیشاه بشمار میرفتند بمبارزه با دستگاه استبداد ایران برخاستند و بدین ترتیب مقدمات قیام سردار اسعد بختیاری که در آنزمان در پاریس می‌زیست و خود از رنجیدگان هیأت حاکمهٔ ایران بود فراهم شد و در اثر تماس با مهاجران و آزادیخواهان ایرانی آمادهٔ مبارزه بر ضد دستگاه استبداد گردید. ارتباط انجمنهای ملی خارج از ایران با یکدیگر و تماسهای تلگرافی که بین آنها از طرفی، و حوزهٔ علمی نجف از طرف دیگر وجود داشت نوعی اتحاد و اتفاق نظر بین آزادیخواهان ایرانی و مراکز ملی آنها بوجود آورد و این امر اثرات و نتایج مفیدی در برچیدن استبداد صغیر و اعادهٔ مشروطیت ایران داشت.

دیگر از مراکزی که بنفع مشروطه‌خواهان در خارج از کشور بفعالیت پرداخت کمیتهٔ اختلاط در کشور عثمانی بود، کمیتهٔ مزبور پس از ظهور مشروطیت در آنکشور بمساعی عده‌ای از بازرگانان آزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول و مهاجران ایرانی با پیوستن سید محمد صادق طباطبائی بآنان و عضویت عده‌ای از اعضای حزب اتحاد و ترقی که در آنموقع نفوذ فوق‌العاده‌ای در عثمانی داشت تأسیس شد، رهبران جزب اتحاد و ترقی کشور عثمانی در پیشرفت مشروطیت ایران همکاری موثر و نزدیکی با کمیتهٔ مختلط داشتند.

رهبری انجمنهای سیاسی را بیشتر طبقات روشنفکر بعهده داشتند ولی اعضاء از قشرها و طبقات مختلف بودند. مرامنامهٔ آنها بر اصول آزادی و مساوات و مخالفت با حکومت استبداد و ستمگری خانهای فئودال و همچنین دشمنی با استعمار و تسلط بیگانگان پی‌ریزی شده بود.

ناگفته نماند که همزمان و همراه با تشکیل جمعیتهای سیاسی بموافقت

۱ـ انقلاب ایران تألیف ادوارد برون، صفحه ۲۷۵.

مشروطیت، سازمانهای دیگری از طرف عناصر ارتجاعی نیز بر ضد مشروطیت و مشروطه‌خواهان بوجود آمد. از آنجمله است انجمن اسلامیه در تبریز که از طرف عده‌ای از روحانیان مرتجع و طرفداران محمد علیشاه اداره میشد و روزنامه‌ای تحت عنوان «ملا عمو» منتشر می‌کردند.

همچنین انجمن قاجاریه که از طرف شاهزادگان و عناصر ارتجاعی تحت عنوان «انجمن وداد و اتحاد قاجاریه» در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ه.ق در تهران تأسیس یافت و روزنامه‌ای بنام قاجاریه برای انتشار خواسته‌ها و افکار خود منتشر ساخت و بموجب نخستین مقاله طلیعه روزنامه قاجاریه، انجمن مذکور بمنظور حمایت از خواسته‌های محمد علیشاه در مقابل مجامع مشروطه‌خواهان بوده است «مقصود انجمن ترتیب و رعایت از اقوام ذوی‌الاحترام خودمان است و خدمت بوجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام که شرف قومیت ما مربوط بآن وجود مبارک است[۱]»

و نیز انجمنی بنام انجمن آل محمد، از طرف روحانیان مخالف مشروطه و برهبری حاج شیخ فضل‌الله نوری تأسیس شد، همچنین برای خنثی کردن فعالیتهای انجمن محلی آذربایجان در تهران، انجمنی از طرف آذربایجانیان مخالف مشروطه بنام انجمن فتوت تشکیل شد. این انجمن بظاهر از طرفداران حکومت مشروطه بود ولی در عمل بنفع حکومت وقت و برچیدن اساس مشروطیت فعالیت می‌کرد.

کلیهٔ انجمنهای مزبور مخالفت خود را با سازمانهای مشروطه‌خواهان و طرفداران خود را از محمد علیشاه آشکارا اظهار می‌داشتند و صدمات بسیاری بمشروطه‌خواهان و انجمنهای ملی وارد آوردند.

در میان عوامل بیشمار بیداری افکار و جنبش ملی، عامل مهم و مؤثری که در هشیاری و تهییج افکار توده مؤثر بوده و در واقع جنبش ایران بر ضد استعمار خارجی و استبداد را باید تا حدودی معلول آن محسوب داشت، انتشار افکار و مرام جمعیت مذهبی خاصی را باید در نظر گرفت که تحت عنوان «نهضت اتحاد اسلامی» تشکیل شد، این نهضت توسط مبلغ بزرگ نظریه اتحاد ملل مسلمان جهان سید جمال‌الدین اسدآبادی در زمان سلطنت ناصرالدینشاه در ایران طرفدار پیدا کرد و هدف آن اتحاد و قیام کلیهٔ مسلمانان جهان بر ضد استثمار دولتهای مسیحی و دفع صدماتی بوده که از ناحیه آن

۱ـ تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ٤، صفحه ۰۹۵.

دولت‌ها بر ممالک اسلامی وارد میآمده است.

سید جمال‌الدین از مردان بزرگ انقلابی مشرق زمین بشمار میرود که با تقویت فکر اتحاد اسلام در بیداری ملل مسلمان شرق «افغانستان، مصر، ترکیه، ایران» تأثیر قابل توجهی داشته است سید با انتشار روزنامه و مجله و تشکیل جلسات و حوزه‌های درسی بنشر افکار خود پرداخت. و از آنجا که مبارزات قلمی و زبانی وی همه جا بر ضد استبداد و مظالم و بیدادگری حکومتها و بخصوص استعمار و استثمار ممالک ضعیف از طرف کشورهای سرمایه‌دار بوده است فلسفهٔ او طرفداران بیشماری پیدا کرد و در ایران بخصوص عدهٔ بسیاری از رجال و روحانیان به پیروان سید پیوستند.

تحریکات و تبلیغات سید جمال‌الدین در ایران، بر ضد شاه و صدراعظم وی در مجلهٔ ماهیانه «ضیاءالخافقین» آغاز شد که در لندن بزبان عربی و انگلیسی نوشته میشد و با همکاری میرزا ملکم‌خان انتشار می‌یافت[۱]. و پس از وی در استانبول نیز پیروانش با درج مقالات تند و انقلابی در روزنامه اختر افکار مردم ایران را بر ضد اقدامات هیأت حاکمه و مبارزه با آنها برمیانگیختند و آنها را بواژگون ساختن اساس رژیم استبداد تشجیع و تحریض میکردند.

در تأثیر و نفوذ رهبری فکری و حتی تحریکات سیاسی سید جمال‌الدین در پیدایش انقلاب ایران شبهه‌ای نیست، از جمله موفقیت علماء و روحانیان در مسئله تحریم دخانیات و قیامی که ملت بفتوای پیشوایان روحانی خود بر ضد اعطای امتیاز تنباکو بدولت خارجی و جلوگیری از مداخلات بیگانگان در ایران کرد، و همچنین نقشهٔ بقتل رساندن ناصرالدینشاه بدست میرزا رضای کرمانی از فدائیان و پیروان نهضت را در سال ۱۳۱۳ ه.ق میتوان در نتیجهٔ تبلیغات دائمی سید دانست مدارک و اسنادی چند در تأئید نظریه فوق در دست میباشد و ما در اینجا بنقل قسمتی از مفاد نامهٔ سید که در موقع قیام مردم ایران علیه قرارداد انحصار توتون و تنباکو بعنوان حجه‌الاسلام میرزا محمد حسن

۱- سید جمال‌الدین عقاید انقلابی خود را براساس اتحاد جامعه اسلامی و بر ضد دولتهای استعمارگر و زیان حکومت استبداد در روزنامهٔ سیاسی دیگری بنام عروه‌الوثقی بزبان عربی و فرانسه در پاریس منتشر میساخت. در انتشار این روزنامه شیخ محمد عبده مفتی بزرگ مصر که از طرفداران مسلک اتحاد اسلامی و از هواخواهان سید بود همکاری نزدیک داشت:

شیرازی نوشته و بانتقاد از شاه وقت و اوضاع داخلی ایران و تشجیع پیشوای روحانی مذکور بمداخله در امور رهبری سیاسی جامعهٔ ایران پرداخته است اشاره مینمائیم، متن نامه فوق بعربی بوده است و ما ترجمه نامه مزبور را از کتاب انقلاب ایران نقل می‌کنیم:

«حق سبحانه و تعالی بشما مقام ارجمندی کرامت فرموده که بزرگترین حجت بالغهٔ خود را بظهور رساند...» و پس از ادای عباراتی در همین زمینه چنین ادامه می‌دهد: «مردم از کهتر و مهتر ساکن و سیار، وضیع و شریف خود را تسلیم بمقام عالی روحانی شما نموده و با تعظیم و تکریم در هر پیش‌آمدی چشم امید را بسوی شما داشته است و در هر بلیه‌ای انظارشان بطرف شما دوخته است... آنها خیال میکنند (و حقیقت هم همین امر است) که یک کلمه از شما آنها را متحد و یک برهان از طرف شما آنانرا مصمم تواند ساخت چه امر شما موثر است و کسی نمیتواند از آن تخلف نماید و اگر شما بخواهید میتوانید با یک کلمه از طرف خود پراکندگان را بهم پیوسته و از آن ترسی که از دشمن خدا و خلق در دلها جای گرفته، بوسیلهٔ اتحاد مصون از کینه و عناد کفار گردیده، آن رنج و تنگدستی که آنانرا احاطه کرده از میان رفته، و از این شدت و دشواری که رفع آن بسی آسان است رها میگردند، بدینطریق میتوان از ایمان دفاع نمود و حدود و ثغور اسلامی را محروس و مصون داشت» و در جای دیگر از همین نامه پس از نکوهش از رفتار خصوصی شاه و امین‌السلطان بانتقاد از اقدامات آنها در ادارهٔ امور کشور و بخصوص مسئلهٔ مداخلات و نفوذ اجانب می‌پردازد و چنین متذکر میگردد: «لیکن از آنها گذشته قسمت اعظم سرزمین ایران را با استثمار از معادن طرق مربوطه، و راههای اتصالی با مرزهای کشور، بدشمنان دین فروخته است که مهمان خانه‌هائی در حدود کنار طرق مواصله در قلمرو سلطنت از طرف آنها ساخته شود. بالاتر از همه بانک است که اقتضا دارد مفهوم آنرا که چه عواقبی در بر دارد معروض داشت. یعنی زمام کامل امور اقتصادی دولت را دو دستی تقدیم دشمن اسلام کردن، مردم را بنده و زر خرید آن دشمن ساختن، تسلیم آنان با کلیهٔ جنبهٔ سیادت و اختیار حیاتشان بدست دشمن. از آن پس آن خاین نادان متوقع است مردم را با دلایل بیهوده آرام نموده و وانمود کند که این قراردادها موقتی و محدود است بدوره‌ایکه از یکصد سال تجاوز نخواهد کرد. خداوندا! چه دلیل سستی که حتی خائنین را از آن متعجب ساخته است!»

و در اینجا بیمورد نمیدانیم، اشاره‌ای نیز بمضمون یکی از شماره‌های مجله

ضیاءالخافقین (شماره دوم مجله که در اول مارس ۱۸۸۲ انتشار یافته) بشود. در انتقاد از تشکیل نیروی قزاق و سیاست ناصرالدینشاه در ادارهٔ حکومت چنین بیان مینماید: «چون این افسران ایرانی و مسلمانند، از احکام علما تخلف نورزیده و راضی به مبارزه و صدمه زدن بآنها نخواهند شد. بنابراین برای اجرای ارادهٔ حکومت باید آنها به افسران اروپائی تبدیل گردند. بآن احمق خاین برای انجام منظور خود جهت فرماندهی گارد همایونی، و کنترل بریگاد قزاق فهرستی نشان داده‌اند.

اکنون این مشرک [کذا] و رأی زنان بیدینش برای روی کار آوردن افسران بیگانه جدیت مینمایند شاه با فکر دیوانه‌وارش این نقشه را تصویب کرده و سرشار از خشنودی است. «بجان جهان آفرین سوگند، که دیوانگی و کفر با هم همعنان و حرص و حماقت در برانداختن دین و فنای آئین مقدس و تقدیم اسلام به بیگانگان (بدون دفاع یا مقاومتی) همداستان گشته» سید در آخرین مقالهٔ مجلهٔ خود (مورخ فوریه سال ۱۸۹۲) بذکر پریشانی اوضاع داخلی ایران و مظالم و فشار هیأت حاکمه بر طبقات مختلف مردم چنین اشاره می‌کند «حکومت بر قانون مقدس مستولی، و آنرا نابود ساخته، و اتخاذ جنبهٔ تمدن و تجدد را بیمورد میداند. قوانین اسلامی را از استدلال به نفع عام خلع و بکلی آنها را انکار نموده است. فقط شکنجه و آزار سلطنت میکند. تنها حرص قیادت دارد. نیروی جور و غرور فرمانرواست. شمشیر، تازیانه و داغ و درفش حاکم است. او از خون ریزی شادان است. افتخار بهتک احترام، و غارت دارائی بیوه زنان و یتیمان میکند. امنیت از آن دیار رخت بربسته، باشندگان آن کشور هیچگونه راهی را برای نجات جانشان از زندان آن ستمگر نمی‌بینند مگر فرار. یک پنجم از ایرانیان بسرزمین ترکی یا روسیه فرار کرده‌اند، که میتوان آنانرا در کوچه و بازار سرگردان دید... حکمرانان بحکم جبران آنچه را ابتدا برسم رشوه بدربار سر کیسه شده ـ و آنچه تعهد پرداخت به مرکز (در دوره حکمرانی) خود نموده‌اند از هیچگونه اعمال پستی فروگذار نمیکنند...[۱]»

همچنانکه در گذشته اشاره کردیم اطلاع ایرانیان بر قیام‌های ملل اروپائی برای بدست آوردن حکومت ملی و حقوق تضییع شده خود تأثیر مهم و اساسی در بیداری

۱ـ انقلاب ایران، صفحه ۱۷ تا ۲۹.

افکار داشته است. در ایران علاوه بر عواملی که در فوق اشاره شد، نهضت اصلاح طلبانهٔ جوانان ترک که به برقراری حکومت مشروطه در سال ۱۸۷۶ میلادی برهبری شناس افندی و ضیاء پاشا و کمال بک در کشور عثمانی منجر گردید در هوشیاری ملی و سیر تعقل اجتماعی ایران تأثیر داشته است[۱].

رژیم مشروطه و تدوین قانون اساسی و انقلاباتی که برای بدست آوردن آن در کشور عثمانی روی داد، در ایران بی‌تأثیر نیست و بخصوص برخی از جلوه‌های آن را در اصلاحاتی که از طرف وزرایی چون میرزا حسینخان سپهسالار در مورد سازمانها و تشکیلات اجتماعی ایران صورت گرفت میتوان باز یافت.

از طرف دیگر ارتباط ایران با همسایهٔ شمالی خود دولت روسیه تزاری از عوامل تکان دهنده و موثر برای سرایت افکار انقلابی بایران و تغییر حکومت استبداد بمشروطه بوده است، رفت و آمد نمایندگیهای تجارتی و سیاسی این دولت بایران و بطور متقابل سفرهای ایرانیان بروسیه و تأثیر انقلاب ضد تزاریسم در افکار مهاجران ایرانی مقیم نواحی قفقاز بخصوص کارگران و روستائیانی که برای جستجوی کار و یا بازرگانی که برای کسب و تجارت بصفحات قفقاز مهاجرت میکردند از جمله راههای موثری بود که ایرانیان را با دنیای تازه‌ای از تمدن جدید آشنا کرد و همراه آن افکار انقلابی بایران ارمغان آورده شد.

شگفت نیست اگر، شکست دولت روسیه تزاری را که در آن زمان از بزرگترین دولتهای نظامی اروپا بود، در جنگ با دولت ژاپون و از آن مهمتر انقلاب و جنبش ۱۹۰۵ میلادی ملت روسیه را یکی از عوامل تحریک و تسریع نهضت مشروطیت در ایران محسوب میداریم.

۱ـ مشروطیت عثمانی با شروع جنگ بین آندولت و دولت روسیه و برقراری حکومت استبداد بصورت شدید با شروع حکومت سلطان عبدالحمید در آن کشور تعطیل گردید ولی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی همزمان با تعطیل مشروطه اول در ایران (بتوپ بسته شدن مجلس اول بدست قزاقان روسی) بار دیگر حکومت مشروطه در آن کشور برقرار گردید.

فصل سوم

مختصر وقایع انقلاب مشروطیت

امروزامید همه‌زی‌مجلس شوری‌است
سر باید کاسوده نگه دارد تن را
ملک‌الشعراء بهار

نخستین قیامی که مقدمهٔ انقلاب ایران گردید، در زمان سلطنت ناصرالدینشاه بود که بصورت مبارزهٔ با امتیازات اقتصادی خارجی خودنمایی کرد. پیش از این در فصل اول این مجموعه سخن رفت که در سال ۱۳۰۸ ه.ق (مطابق با ۱۸۹۰ میلادی) ناصرالدینشاه چون احتیاج مبرمی بپول داشت، امتیاز انحصار دخانیات ایران را بیکی از اتباع دولت انگلیس واگذار کرد، بموجب این امتیازنامه تولید کنندگان ناگریز بودند محصول خود را بقیمت غیر عادلانه نازلی بفروشند و منافع حاصل از تجارت توتون که در واقع نوعی تجارت داخلی محسوب میشد در انحصار کمپانی تالبوت در آمد. این امر نه تنها بستگی تام با منافع تجار داشت بلکه بصورت مسقیم در زندگی مردم مؤثر بود زیرا که در آن هنگام استعمال توتون و تنباکو جنبهٔ تفننی خود را از دست داده و بر اثر رواج و شیوع این اعتیاد از ضروریات زندگی مردم شده بود. از سوی دیگر پس از تنظیم قرارداد و شروع کار کمپانی، چون عدهٔ بسیاری از اتباع انگلیس خواه زن و خواه مرد بعنوان کارکنان و مأموران کمپانی بایران آمده و در ضمن فعالیت اقتصادی به تبلیغ

مذهبی پرداخته بودند اقدامات کمپانی مزبور تأثیر نامطلوب در مردم گذاشت[1] بنابراین کلیهٔ طبقات که از این امتیاز ناراضی بودند آن را مقدمهٔ استعمار اقتصادی و نفوذ در شؤن میدانستند زمزمهٔ مخالفت را در کلیهٔ شهرستانها و تهران آغاز کردند، از آنجمله در شهر شیراز چون مأموران کمپانی مزبور در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ ه.ق بمنظور تهیهٔ مقدمات و دایر کردن شعبهٔ خود میخواستند وارد شهر شوند، کلیهٔ کسبه و مردم شهر بتحریک تجار عمده فروش تنباکو بازار را تعطیل کردند و برهبری یک تن از علما و وعاظ معروف (علی اکبر فال اسیزی شیرازی) در مسجد وکیل اجتماع کردند و بتظاهرات پرداختند، این شورش توسط مأموران دولتی بطور موقت آرام شد و با تبعید علی اکبر فال اسیری بعراق و متفرق ساختن مردم بکمک اسلحه موضوع چندی مسکوت ماند. در شهرستان تبریز با انتشار خبر مخالفت آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی با انحصار دخانیات، کلیهٔ طبقات شهر بخصوص کسبه تعطیل عمومی کردند، پس از بستن بازارها و مسلح شدن در حدود بیست هزار تن، آماده قیام شدند و توسط نمایندگان خود از ناصرالدینشاه تلگرافی تقاضا کردند که امتیازنامه لغو شود و با پافشاری تمام از دایر شدن کمپانی مزبور در آنجا جلوگیری کردند.

امتیاز تنباکو در شهر اصفهان با مخالفت حاج شیخ محمد تقی معروف باقا نجفی که نفوذ بی‌اندازه‌ای در میان مردم داشت روبرو شد بدستور وی مردم بمقاومت منفی پرداختند و در دیگر شهرستانها و تهران نیز برهبری و حمایت دو تن از بزرگترین مجتهدان و پیشوایان مذهبی، حاج میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی مقیم سامره و حاج میرزا حسن آشتیانی گروهها و طبقات ناراضی خواه روحانی و بازرگانان و خواه افراد

۱- شیخ ذبیح‌الله محلاتی در کتاب مآثر الکبراء فی تاریخ سامرا در این باره چنین اشاره می‌کند: «در این موقع از طرف فرنگیان عدهٔ زیادی مبلغ که در حدود صد هزار زن و مرد بود بایران آمدند و مرکز تبلیغ خود را در تهران قرار دادند، طولی نکشید که این عده بین شهرستانها پخش گشتند و در هر نقطه مشغول تبلیغ مردم بدیانت مسیح شدند، کلیساها ساختند و برای پیشرفت خود مریضخانه‌هایی بنا کردند و دختران مسلمان را که تا آن روز زیر پردهٔ عصمت بودند برای پرستاری استخدام کردند و آنان را بی‌حجاب بامور پرستاری واداشتند، مردم که آن روز تا اندازه‌ای پایبند بامور شرعی بودند و این کارها را مخالف شرع میدیدند در صدد مخالفت برآمدند».

نقل از کتاب تحریم تنباکو صفحهٔ ٤٢ با اندکی تصرف لفظی که در کروشه نموده شده است).

عامی جناح متحدی در برابر حکومت و سیاست استثماری دولتهای اجنبی تشکیل دادند. بموجب فتوای مجتهد سامره مبنی بر تحریم استعمال دخانیات تظاهرات دامنه‌داری صورت گرفت، بازارها بسته شد و در مدت کوتاهی استعمال دخانیات بکلی متروک گردید.

دکتر فوریه طبیب دربار میگوید که: «همه بازرگانان و خرده‌فروشان تنباکو دکانهای خود را تخته کردند و غلیانها را بدور افکندند و هیچ کس چه در شهر و چه در خانه‌ها و حتی در اندرون و منازل زنان شاه، لب به غلیان نمیزد.[۱]

در طول مدت دو ماه تحریم، تظاهرات بصورت جدی و واقعی با پشتیبانی کلیهٔ طبقات بصورت اجتماعات منظم، کندن اعلامیه‌های کمپانی و انتشار و نصب اعلامیه‌های مخالفت آمیز بجای آن علی‌رغم تضییقاتی که از طرف دستگاههای دولتی فراهم میشد ادامه داشت. از طرف ناصرالدینشاه حاج میرزا حسن آشتیانی را تهدید به تبعید کردند. ولی عامهٔ مردم مانع خروج مجتهد مزبور از تهران گردیدند و قریب چهار هزار تن از طبقات مختلف مردم در حالی که پارچه سفیدی کفن‌وار بگردن انداخته بودند با چوب و چماق، بهمراهی عدهٔ بسیاری از زنان که با روبنده سفید و پیچه و چاخچور بروی سر لجن مالیده و ناله و زاری میکردند بطرف قصر سلطنتی رهسپار شدند و وقتی به میدان ارک رسیدند بتظاهرات شدیدی پرداختند. قوای دولتی با اسلحه بمبارزه انقلابیها پرداخت ولی با اینکه در این ماجرا عده‌ای از تظاهر کنندگان کشته و مجروح شدند. و عده‌ای از رجال مخالف و تجار و افراد دیگر نیز توقیف و تبعید گردیدند باز هم انقلابیها دست از مقاومت منفی خود بر نداشتند.

تحریم تنباکو خسارات جبران ناپذیری بکمپانی خارجی وارد آورد و سهام آن شرکت در سال ۱۸۹۱ میلادی در بورس لندن معادل ۵۰ در صد تنزل کرد.

مبارزهٔ هماهنگ و یک شکل طبقه‌های مختلف ایران دولت را وادار ساخت که امتیاز مذکور را لغو سازد، هر چند که پس از آن دولت ناچار شد بمنظور پرداخت خسارت به کمپانی بقرضه‌های کلانی از بانک شاهنشاهی متوسل گردد و مشکلات تازه‌ای بوجود آورد.

لغو امتیاز نامه رژی و موفقیت ملت در نخستین جنبش خود لطمهٔ بزرگ و

۱ـ نقل از کتاب انقلاب ایران، تألیف ادوارد برون، صفحه ۵۰.

جبران ناپذیری بقدرت مطلق حکومت وارد آورد و مفتاح انقلابات و حوادث تاریخی بعدی گردید. که از آنجمله بقتل رسیدن ناصرالدینشاه در سال ۱۳۱۳ ه.ق بدست میرزا رضای کرمانی یعنی شخصی که در واقعهٔ رژی جزء توقیف شدگان و از طرفداران سید جمال‌الدین اسد آبادی بود. با کشته شدن ناصرالدینشاه آتش نارضایی خاموش نشد، بلکه دامنهٔ مبارزهٔ ملت بر ضد توسعهٔ روزافزون تسلط سرمایه‌های خارجی بر ایران صورت جدی‌تری بخود گرفت.

توضیح آنکه پس از بقتل رسیدن ناصرالدینشاه و روی کار آمدن مظفرالدینشاه و پیدا شدن زمینه‌های مساعدی برای فعالیت آزادیخواهان و روشنفکران، عواملی مانند اعطای امیتازات تازه، تهی شدن خزانهٔ مملکت بر اثر اسراف و ولخرجیهای درباریان و دولتیان و اخذ وامهای متعدد از دولتهای خارجی و مهمتر از آن هم وضع مالیاتهای سنگین نوین و تعرفه‌های جدید گمرکی که اثر مستقیم در زندگی عامه و بخصوص سرمایه‌داری و خرده بورژوازی بازار داشت و نیز بروز قحطی در تهران و شهرستانها همه موجبات خشم و نارضایی عمومی را فراهم ساخت.

از سوی دیگر ظلم و تعدی که از طرف عمال دولتی بخصوص صدراعظم وقت (عین‌الدوله) نسبت بافراد ملت میشد آتش خشم و هیجان مردم را شعله‌ور میساخت، واکنش این ناخشنودیهای پنهانی، بصورت شورشهایی در نواحی مختلف ایران تجلی کرد از جمله در سال ۱۲۸۲ شمسی (مطابق با ۱۳۲۱ ه.ق و ۱۹۰۳ م) نارضایی از تعرفه‌های گمرکی جدید و نابسامانی اوضاع وقت سبب بروز طغیان و شورشهایی در تهران و شهرستانها گردید. در شهرستان یزد و اصفهان نارضایی اجتماعی بصورت کشتار دسته جمعی فجیع و ظالمانه با بیان خودنمایی کرد.

در تبریز بازرگانان ناراضی همراه با قیامی که از طرف روحانیان بر ضد مدارس جدید، میخانه‌ها و مهمانخانه‌های بسبک اروپائی برهبری یکی از مجتهدان معروف بنام حاج میرزا حسن شده بود. دست بتظاهراتی زدند و بازارها را بستند و در مسجد شاهزاده تحصن گزیدند و از محمد علیمیرزا ولیعهد بر کناری مسیو پریم بلژیکی سرپرست گمرک و تعطیل دبستانها و همچنین میخانه‌ها و مهمانخانه‌های جدید را خواستار شدند. موافقت محمد علیمیرزا با بست نشینان بختم تحصن دو روزه و غارت و تخریب مدارس و میخانه‌ها و اخراج موقتی مسیو پریم منجر گردید. ولی از این انقلاب نتیجه‌ای که

منظور بازرگانان بود حاصل نشد و تعرفه‌های جدید بقوت خود باقی و سرپرست بلژیکی نیز بدستور محمد علی میرزا دوباره بکار خود در گمرک بازگشت.

مقارن این ایام در تهران و شهرستانها تظاهراتی بر ضد اتابک اعظم (امین‌السلطان) که او را عامل نفوذ اجنبی میدانستند صورت گرفت و مخالفت و ضدیت بعضی از روحانیان مؤثر سبب شد که شاه، امین‌السلطان را از صدارت عزل کند و عین‌الدوله را که از شاهزادگان و درباریان مستبد بود بصدارت برگزیند. نخستین اقدام عین‌الدوله که با نارضایی بیش از پیش روحانیان مواجه شد دستگیر ساختن و کتک زدن چند تن از علما و طلاب معروف و بنام و تبعید آنها به اردبیل بود (رجب ۱۳۲۱ ه.ق)، توضیح آنکه طلاب مدرسه محمدیه و مدرسه صدریه که هر یک از این مدارس دارای موقوفات بسیار بود، بر سر موقوفات با هم اختلاف پیدا کردند و دامنهٔ این اختلاف بجدال و زد و خورد کشید و دسته‌ای از طلاب بآقای سید عبدالله بهبهانی و جمعی دیگر بعلمای دیگر متوسل گشتند و اختلاف مزبور بصورت دو دستگی بین دو گروه روحانیان در آمد. عین‌الدوله صدراعظم که میانهٔ خوبی با آقای بهبهانی نداشت از این موقع برای سرکوب ساختن مخالفان خود استفاده کرد و دستور توقیف چهارده تن از طلاب را صادر نمود. دستگیرکنندگان را پس از توقیف و مؤاخذه در گاری نشاندند و در حالی که پانصد سوار اطراف گاری را گرفته بودند با وضعی اهانت بار در خیابانهای شهر بگردش در آوردند، سپس بلشگرگاه بردند و آنها را چوب زدند. پس از دو روز در حالی که هر هفت تن را با هم بزنجیری محکم بسته بودند آنها را باردبیل روانه ساختند[۱].

واکنش این اقدام مستبدانهٔ عین‌الدوله در شهرستان زنجان بصورت خشم و هیجان عمومی خودنمایی کرد دکانها و تجارتخانه‌ها تعطیل گردید، عامهٔ مردم زنجان بر آن شدند که از ادامهٔ حرکت زندانیان و تبعید شدگان بطرف اردبیل جلوگیری کنند و در نتیجه مأمورین دولت مجبور میشوند دستگیر شدگان را از بیرون شهر بطرف اردبیل حرکت دهند. سرانجام در نتیجهٔ فعالیت و پافشاری زنجانیان، طلاب مزبور پس از دو ماه توقیف در اردبیل با موافقت شاه و بدستور عین‌الدوله بزنجان منتقل و مدت پنج ماه در همان زنجان تحت نظر قرار گرفتند.

۱ـ از کتاب عین‌الدوله و رژیم مشروطه، بقلم مهدی داودی، صفحه ۶۴.

واقعهٔ مزبور در تهران نیز سبب شد که بین علما و روحانیان که از زمان امین‌السلطان بدو دسته متمایز تقسیم شده بودند از طرف دستهٔ مخالف دولت وقت صدای اعتراض دربارهٔ عمل صدراعظم و توهینی که نسبت بطبقهٔ روحانی شده بود بلند شود و مخالفت هر دو دسته آغاز گردد رهبران این دو گروه عبارت بودند از «حاج شیخ فضل‌الله نوری» مجتهد زیرک و متعین و دارای مریدان بسیار و «حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه» یکی از روحانیان ثروتمند و مالک عمده که دارای موقوفات فراوان بود، و گروه دیگر مرکب بودند از «آقای سید عبدالله بهبهانی» مردی که صاحب نفوذ کلام بسیار و از روحانیان فهمیده بود و «آقای سید محمد طباطبائی» یکی از پیشوایان روحانی آزایخواه و دشمن سر سخت ظلم و اجحافات و آشنا بسیاست روز و اوضاع جهان، در جریانات بعدی و مبارزاتی که از طرف ملت بهمراهی روحانیان برای کسب آزادی و بدست آوردن حکومت مشروطه و قیام ملی بر ضد استبداد صورت گرفت خواهیم دید که رهبران دو دسته چه وظایف مهمی در انقلاب و تغیر مسیر تاریخ بعهده داشته‌اند.

نارضایی طبقهٔ بازرگان و کوشش آنان برای اعادهٔ منافع مادی خود بصورت اعتصابات عمومی در تاریخ نمودار گشت. در تهران بسیاری از بازرگانان دکانها و بازارها را تعطیل کردند و در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند و شرایط خروج خود را از تحصن، بر کناری «مسیو نوز» و سایر کارمندان بلژیکی اداره گمرک و لغو تعرفه‌های جدید گمرکی اعلام داشتند در این ایام که مظفرالدینشاه عازم سفر اروپا بود محمد علیمیرزا بعنوان نایب‌السلطنه انتخاب گردید وی اجابت تقاضاهای بست‌نشینان را ببازگشت شاه از اروپا موکول کرد، در نتیجه پس از پنج روز که بازارها بسته و فعالیت اقتصادی بازار متوقف مانده بود غایله بدون نتیجهٔ آنی بطور موقت خاتمه یافت، بدنبال آن دیری نگذشت که در بوشهر نیز پس از روی کار آمدن مدیر جدید بلژیکی و اجرای شدید مقررات جدید گمرک، بازرگانان بمخالفت برخاستند و در ضمن تلگراف بشاه شرط ادامهٔ فعالیت بازرگانی و وارد کردن کالاهای خارجی را بایران لغو مقررات جدید اعلام داشتند و از ترخیص کالاهای تجارتی خود از گمرک خودداری کردند.

در شهرستان کرمان (آبان ماه سال ۱۲۸٤ شمسی) طغیان عمومی بصورت انقلابی آغاز گردید که منشأ و بهانهٔ مستقیم آن را باید در اختلاف مذهبی دایم بین دو طایفه شیخیه و متشرعه و نیز نارضایی عمومی از مظالم و بدرفتاری رکن‌الدوله حاکم

کرمان جستجو کرد. توضیح آنکه دو طایفه مذهبی مزبور بر سر امامت مسجد بازار شاه که دارای موقوفات بیشماری بود با یکدیگر اختلاف و کشمکش داشتند و در این واقعه چند تن از مجتهدان معروف و طلاب وقت بدستور حاکم توقیف شدند و مورد اهانت قرار گرفتند، کتک خوردن چند تن از علمای، بنام از جمله حاج میرزا محمد رضا مجتهد که تازه از نجف آمده و اندیشهٔ پیشوایی در سر داشت و سه تن دیگر از ملایان و تبعید آنها برفسنجان سبب خشم و هیجان عمومی مردم کرمان گردید، از اینرو بسیاری از علما و پیشنمازان بعنوان تعرض باهانتی که نسبت بروحانیان وارد شده بود از رفتن بمسجد و ادای نماز جماعت خودداری کردند. انتشار این خبر در تهران و نیز اشاعهٔ بدرفتاری دیگر حکمرانان از جمله در قزوین و سبزوار نسبت بملایان که بصورت شدیدتری عملی گردیده بود در کلیهٔ محافل روحانیان و عوام تأثیری نامطلوب بخشید و سبب شد که رؤسای روحانیان مخالف دولت دور هم گرد آیند و طرحی اساسی برای مبارزه با عین‌الدوله بریزند. مقارن این ایام (سال ۱۲۸٤ شمسی مطابق با ۱۳۲۲ ه.ق) در تهران نیز اقدام بانک استقراضی دایر بخرید زمین موقوفه مدرسه و گورستانی در مرکز شهر و بنای ساختمان جدید برای بانک مزبور با مخالفت علما که در دل از مظالم عین‌الدوله و واقعهٔ کرمان ناراضی بودند روبرو شد و علما اعتراض خود را از این عمل دولت آشکارا اعلام داشتند و چون عامهٔ مردم نیز خراب کردن قبرستان و غصب اراضی موقوفه را امری نامشروع میدانستند، مخالفت علنی و آشکار روحانیان بصورت وعظ در مساجد بر هیجان و نارضایی آنها افزود و هنگامی که در تاریخ چهارم آذر ماه ۱۲۸٤ شمسی مطابق با ۲۷ رمضان ۱۳۲۲ ه.ق شیخ محمد واعظ اصفهانی در ضمن وعظ بکیفیت خلاف شرع بودن ساختمان بانک در اراضی موقوفه و توجه نکردن دولت باین امر اشاره کرد و با تمهید مقدماتی خاص و ادای عبارتی بدین مضمون به سخن خود خاتمه داد:

«اکنون کاری که از ما ساخته است اینست که زحمت دو قدم راه بخود دهید و از اموات و اجداد خود زیارتی بکنید، بلکه یک وداع آخرین از قبور و استخوانهای آنها بنمایید و فاتحه بر آنها بخوانید و ارواح آنها را شاد کنید[۱]» و بیان عبارت مزبور خشم و

۱ـ از تاریخ بیداری ایرانیان، صفحهٔ ۲٦۳.

هیجان عمومی را برانگیخت و در ظرف مدت خیلی کوتاهی که بیش از دو ساعت طول نکشید، بنیاد ساختمان بانک ویران شد و این عمل مورد اعتراض مقامات بانک استقراضی روس قرار گرفت و دولت با پرداخت بیست هزار تومان بدولت روسیه جبران خسارت کرد.

جنگ روس و ژاپون (در سال ۱۹۰۵ میلادی) در وضع بازار ایران تأثیر کرد قیمت اجناس از جمله قند که از کالاهای وارداتی دولت روسیه بود بالا رفت و در اواخر ماه رمضان سال ۱۳۲۲ ه.ق قند در تهران کمیاب شد. علاءالدوله حاکم تهران که مردی سختگیر بود و خود را نمایندهٔ قدرت صدراعظم میدانست در روز چهاردهم شوال هفده تن از تجار را که معاملهٔ قند و شکر بازار در انحصار آنها بود بدارالحکومه احضار کرد. دعوت وی بظاهر برای پایین آوردن قیمتها بود ولی در باطن بقصد تنبیه و گوشمالی تجاری که بمخالفت با مسیونوز در حضرت عبدالعظیم متحصن شده بودند، سیاست جابرانه‌ای پیش گرفت و چون از آنها التزام کتبی خواست که قند و شکر را بقیمت پیشین بفروشند و ارزان کنند و تجار نپذیرفتند، دستور داد چند تن از بازرگانان معمر و نیکوکار از جمله سید هاشم قندی و حاجی سید اسماعیل را بفلک بستند و چوب زدند، نتیجهٔ چنین سیاستی که با تصویب عین‌الدوله بود خشم همگانی را برانگیخت و بدنبال آن اعتصابات و مبارزات عمومی و خونینی در تهران و شهرستانها آغاز گردید، بازرگانان و کسبه دکانهای خود را بستند و تعطیل عمومی و خونینی در تهران و شهرستانها آغاز گردید، و در مسجد شاه تحصن گزیدند.

فعالیتهای اقتصادی راکد ماند و تظاهرات دامنه‌دار ادامه داشت، دولت بمدد نیروی پلیس و قشون با بست‌نشینان بمقابله پرداخت. پس از این تحصن که از طرف تجار و رؤسای اصناف در ایران (در تاریخ ۱٤ شوال ۱۳۲۳ ه.ق و مطابق با ۲۲ آذرماه ۱۲۸۵ شمسی و ۱۳ دسامبر ۱۹۰۵ میلادی) شروع شد، روحانیان طراز اول تهران نیز بمنظور پشتیبانی از بازاریان در مسجد شاه اجتماع کردند و در جریان این اجتماع بعلت مخالفت شخصی بعضی از روحانیان که از ایادی حکومت وقت و مخالف انقلاب بودند پس از آغاز وعظ توسط سید جمال‌الدین اصفهانی و نکوهش وی از مظالم عین‌الدوله و گفتن جملهٔ تاریخی «اعلیحضرت شاه اگر مسلمان است با علمای اعلام همراهی خواهد فرمود و عرایض بیغرضانه آنها را خواهد شنید والا اگر برخلاف مصالح ملت کار کند

ملت او را...» بدستور امام جمعه تهران جمعی از پیروان او بهمراهی فراشان حکومتی بطرف منبر هجوم بردند و بزدوخورد با روحانیان آزادیخواه پرداختند و بدین وسیله جمعیت و اجتماع مسجد را متفرق ساختند.

بدنبال این حادثه سید محمد طباطبائی که میتوان وی را از پیشروان انقلاب ایران و از طرفداران جدی مشروطیت دانست تصمیم گرفت به حضرت عبدالعظیم عزیمت کند و همراه با آقای سید عبدالله بهبهانی و چند تن از علمای معروف و گروه کثیری در حدود دو هزار تن از طلاب و چند تن از بازرگانان در تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۲۳ ه.ق در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.[۱]

در این بست‌نشینی نکتهٔ شایان تذکر پیوستن شیخ مهدی پسر شیخ فضل‌الله نوری از موافقان دولت، همراه با شصت تن دیگر از طلبه‌ها بروحانیان آزادیخواه و متحصنان بود (وی عضو مجمع آزادیخواهان بود و در تمام مبارزاتی که بخاطر مشروطیت و برقراری حکومت ملی صورت گرفت با دیگر مشروطه خواهان همراه بود تا در انقلابات دورهٔ استبداد صغیر بقتل رسید.)

شماره بست‌نشینان با وجود مخالفت عین‌الدوله که توسط سپاهیان مانع از پیوستن توده‌های مردم بمتحصنان میشد بتدریج روی بافزایش میگذاشت و بااینکه عین‌الدوله بطور رسمی اعلانی منتشر ساخت و از رؤسای اصناف و کسبه التزام گرفت که در صورت تعطیل بازار باشد مجازات محکوم خواهند شد باز هم تجار معتبر از ادامه کار خودداری می‌کردند و در عمل اغلب دکانها و تجارتخانه‌ها بسته و تعطیل شد. سران بست‌نشینان در طی اعلامیه‌ای در خواستهای خود را در تحت چند ماده که کمتر جنبهٔ عمومی و ملی داشت پس از تشکیل جلسه‌ای در ۹ ذیقعده سال ۱۳۲۳ ه.ق و تصویب اکثریت بدین شرح بدولت اعلام داشتند:

۱ـ بر کناری مسیونوز بلژیکی از گمرک و مالیه ایران.

۲ـ بر کناری علاءالدوله حاکم تهران.

۱ـ از روحانیان و مجتهدان بنام که با منظور دو سید همراه بودند باید از آقایان، حاج شیخ‌مرتضی آشتیانی صدرالعماء، سیدجمال‌الدین افجه‌ای، میرزا مصطفی آشتیانی، شیخ محمدصادق کاشانی و شیخ محمدرضا قمی نام برد، از میان طلابی که با آقایان همراه شدند طلاب مدرسه صدر و دارالشفا نیز با اینکه تولیت آن با امام جمعه تهران بود شرکت داشتند.

۳ـ باز گردانیدن حاجی میرزا محمد رضا مجتهد از رفسنجان بکرمان.

و چند ماده دیگر که بیشتر دربارهٔ حفظ منافع صنفی روحانیان بود، آخرین ماده‌ای که علما پیشنهاد کرده بودند یعنی ماده هفتم، اصلاح در کلیهٔ امور با رعایت نظر علما بود. در باره مادهٔ اخیر توضیحی به پیشنهاد چند تن از آزادیخواهان و توصیهٔ سفیر عثمانی از آن نظر که جنبهٔ عمومی و ملی داشته باشد بدین شرح اضافه شد: «توضیح ماده هفتم ـ مراد از قرارداد در اصلاح کلیهٔ امور تأسیس دیوان عدالت است بر طبق شرع مقدس اسلام از روی کتاب و تشکیل یک مجلس مشورتخانهٔ ملی برای اجرای قانون مساوات در تمام نقاط ایران که فرق میان وضیع و شریف گذارده نشود و هر ذیحقی بحق خود برسد.» این تقاضانامه با وساطت ابراهیم بیک عثمانی بوسیله میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه در حضور خود عین‌الدوله بعرض شاه رسانده شد شاه در مقابل تقاضاهای گروههای متشکل ملی بظاهر تسلیم شد و در ضمن دستخطی بتاریخ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق اجرای در خواستهای آنها را وعده داد و ما در اینجا متن دستخط شاه را که بعنوان عین‌الدوله نوشته شده است نقل میکنیم:

«جناب اشرف اتابک اعظم، چنانکه مکرر این نیت خودمان را اظهار فرموده‌ایم ترتیب و تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی واجبتر است و اینست بالصراحه مقرر میفرماییم برای اجرای این نیت مقدس قانون معدلت اسلامیه که عبارت از تعیین حدود و اجرای احکام شریعت مطهره است باید در تمام ممالک محروسهٔ ایران عاجلا دایر شود بروجهی که میان هیچ یک از طبقات رعیت فرقی گذاشته نشود و در اجرای عدل و سیاسات بطوریکه در نظامنامهٔ این قانون اشاره خواهیم کرد ملاحظهٔ اشخاص و طرفداریهای بیوجه قطعاً و جداً ممنوع باشد. البته بهمین ترتیب کتابچهٔ نوشته مطابق قوانین شرع مطاع فصول آن را ترتیب دهید و بعرض برسانید تا در تمام ولایات دایر و ترتیبات مجلس آنهم بروجه صحیح داده شود و البته این قبیل مستدعیات علمای اعلام که باعث مزید دعاگویی است همه وقت مقبول خواهد بود. همین دستخط ما را هم بعموم ولایت ابلاغ کنید. شهر ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق.»

دستخط مذکور دایر بافتتاح عدالتخانه و اجرای مستدعیات دیگر در مجمع بست‌نشینان در حضرت عبدالعظیم قرائت گردید و از طرف بست‌نشینان فریاد زنده باد پادشاه اسلام. زنده باد ملت ایران بلند شد، جالب توجه این است که برای نخستین بار در تاریخ

اجتماعات ملت ایران صدای تکان دهنده و هیجان‌انگیز، زنده باد ملت بلند شد.

مهاجران پس از این پیروزی بتحصن خود در تاریخ ۲۲ دی ماه شمسی و جمعه ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق (مطابق با ۱۲ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی) خاتمه دادند، و از این پس پیشوایان روحانی و بطور کلی علما نفوذ بیشتری حاصل کردند و توانستند با اعتباری تمام در امور سیاسی و دولتی مداخله کنند.

از طرف دولت بمنظور اجرای در خواستهای انقلابیها کمیسیونی مرکب از هیأت دولت و مجتهدان تشکیل شد و مأمور تهیهٔ نظامنامه (مجمع مشاورهٔ قانونی) و سایر اصلاحات کشوری گردیدند. ولی نتیجهٔ کار این کمیسیون بعلت مخالفت و کارشکنی عین‌الدوله و سران ارتجاع از پیش نرفت و منظور ملیون برآورده نگردید.

مردم هوشیار و بیداردل که از تعقیب منظور خود دست برنمیداشتند بار دیگر بتظاهرات شدیدتری چه در تهران و چه در شهرستانها بصورت بست نشینی در اماکن زیارتی و سفارتخانه و قنسولگریهای انگلیس روی آوردند از آن جمله:

در شهرستان شیراز اغتشاشات و شورشهایی که ناشی از نارضایی مردم از حکومت شعاع‌السلطنه[۱] و نایب‌الحکومه بود بار دیگر بروز کرد و مردم شیراز برای چاره‌جویی و رهایی از شدت ظلم و فشار تعدیات کارمندان حکومتی بشاه چراغ که یکی از اماکن زیارتی است شتافتند و متحصن گردیدند. این تحصن بدستور سردار مکرم بکشتار سی تن و مجروح شدن صدها تن از متحصنان و سرانجام به بست‌نشینی در قنسولگری انگلیس و تلگرافخانه منجر گردید، و علمای شیراز تلگرافی بشاه و محمد علیمیرزا ولیعهد بامضای آقای میرزا ابراهیم محلاتی که از علمای معروف زمان بود مخابره کردند و بدین وسیله از شاه و صدراعظم تقاضای دادخواهی نمودند. نکتهٔ شایان توجه و تذکر در تلگراف علمای شیراز جملهٔ معروفی است که در آن از حکومت اسلامی بمعنی حکومت جمهوری و ملی یاد میکنند: «دولت اسلامی دولت جمهوریست

۱ـ ملک منصور شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدینشاه در فارس تحت عنوان خرید دههای خالصه از شاه، املاک مردم را هم بزور متصرف شد و ظلم و تعدی فراوانی بمالکان و روستائیان آنجا میکرد و پس از آنکه تصمیم بمسافرت اروپا گرفت سردار مکرم را که مردی ظالم و مستبد بود به نیابت حکومت انتخاب کرد وی نیز همان رفتار شاهزاده شعاع‌السلطنه را پیش گرفت و از ظلم و تعدی نسبت برعایا کوتاهی نکرد.

و باید در دست مردمان کاردان و شریف و خداپرست و عدالتخواه باشد نه مردمان پست و مستبد[۱]»

در شهرستان مشهد در فروردین ماه ۱۲۸۵ شمسی،بالا رفتن قیمت ارزاق بخصوص نان و گوشت بهانهٔ مستقیمی برای جنبش و اعتراض بر ضد حکومت جابرانهٔ آصف‌الدوله حاکم خراسان بدست مردم داد و دسته‌های منظم و متشکلی از مردم و افراد گرسنه در صحن حرم حضرت رضا(ع) متحصن شدند، حکومت وقت بجای تلاش در بهبود وضعت بسربازان دستور داد که بطرف بست‌نشینان گلوله شلیک کنند و در نتیجه چهل تن کشته و عدهٔ کثیری مجروح گشتند، واکنش شدید مأموران دولت در مقابل بست‌نشینان موجبات خشم عمومی را در تهران و سایر شهرستانها فراهم ساخت.

در تهران روحانیان و آزادیخواهان پس از مذاکرات طولانی و ممتد که با مظفرالدینشاه و هیأت دولت وقت کردند، چون برخلاف اصلاحات معهود از طرف مظفرالدینشاه و وعده‌های بهبود اوضاع، دریافتند که دولت بتأسیس عدالتخانه و اجرای دیگر خواسته‌های آنها حاضر نیست بلکه برعکس با استبداد شدیدتر عین‌الدوله مواجه هستند دوباره بمبارزهٔ آشکار با عین‌الدوله پرداختند.

مقدمات مبارزه در ضمن انتشار بیانیه‌ها و شبنامه‌ها و تبلیغ وعاظ در مساجد و منابر آغاز گردید بخصوص که شرایط زمانی از نظر تصادف وقایع مزبور با ایام محرم و عزاداری موجود بود و از اینرو تشکیل اجتماعات در اماکن مقدس بیشتر شد مساجد و منابر صحنهٔ مبارزهٔ سیاسی شد، وعاظ معروف و بنام از قبیل سید جمال‌الدین اصفهانی - که نفوذ بسیاری در میان طبقات بازاری و تودهٔ عوام داشت - مظالم و خلافکاریهای عین‌الدوله و مفاسد اوضاع را با زبان عوام فهم تشریح میکردند و تودهٔ ملت را در ضمن نکوهش و بد گویی از حکومت ظلم در نهان برای انقلاب آماده میساختند و آنها را بمخالفت با اعمال دستگاه ارتجاع تشویق و تحریض می‌کردند. دو سید پیشوای روحانیان آزادیخواه نیز در بالای منبر در مساجد (سرپولک) و (چاله حصار) از اوضاع آشفته و پریشان ایران و اعمال دولت انتقاد می‌کردند و مردم را برای مبارزه آماده می‌ساختند. آقای سید محمد طباطبایی خطاب بمردم بالای منبر بصراحت گفت «ای

۱- از کتاب مشروطیت ملکزاده جلد دوم.

مردم بیدار شوید درد خود را بدانید و دوای آنرا پیدا کنید. درد استبداد ـ و درمان شور و مشورت است اگر ده سال طول بکشد ما عدالتخانه و مجلس میخواهیم که شاه و گدا در برابر قانون مساوی باشند» آقای سید عبدالله بهبهانی در ضمن ارسال نامه‌ای بسفارت انگلیس از سفیر آن دولت در خواست کرد که با خواسته‌های ملت ایران و کوشش آنها در رفع ظلم و استبداد کمک کند.

عین‌الدوله از فعالیت و اقدامات آزادیخواهان ناراحت و متغیر گشت و برای جلوگیری از آن بتفرقه انداختن بین انقلابیها و ترساندن مردم بوسایل مختلف شروع کرد و بحبس و تبعید و توقیف پاره‌ای از اشخاص پرداخت از آنجمله در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ه.ق (۱۷ ژوئن ۱۹۰۶ میلادی) حاج میرزا حسن رشدیه، مجدالاسلام کرمانی و میرزا آقا اصفهانی را بکلات نادری تبعید کرد. همچنین پس از تبعید سید جمال‌الدین واعظ مشهور در روز ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ه.ق دستور توقیف حاجی محمد واعظ معروف به «سلطان‌الواعظین» را صادر ساخت، اقدام اخیر عین‌الدوله بهانه‌ای بدست مردم ناراضی داد و در موقعی که بدستور مأمور بازداشت (یاور احمدخان) میخواستند واعظ را از جلو مدرسهٔ «حاجی ابوالحسن معمارباشی» عبور بدهند طلاب و مردم بهواخواهی شیخ بتظاهرات پرداختند و برای نجات وی بطرف قراولخانه که سید را در آن زندانی ساخته بودند هجوم آوردند، حملهٔ مهاجمان از طرف سربازان بی واکنش نماند، فرمانده از آزاد شدن سید برآشفته شد و بعدهٔ خود دستور داد تا بطرف جمعیت شلیک کنند. در این حادثه پانزده تن کشته شدند و از جمله کشته‌شدگان طلبه‌ای موسوم به «سید عبدالحمید» بود که از حوزه درس مراجعت میکرد چون صحنهٔ مبارزه را دید بفرمانده پرخاش کرد و فرمانده نیز سینه سید را هدف تیر قرار داد، با کشته شدن طلبهٔ مذکور هیجان عمومی و مقاومت و پافشاری مردم در مقابل دولت شدیدتر و افزون‌تر گردید عدهٔ کثیری از طبقات مختلف از جمله بازرگانان و پیشه‌وران و کارگران در مسجد جامع اجتماع کردند، شهر تهران را شور و غوغایی فرا گرفت و مردم بعنوان اقامهٔ مجلس عزاداری جهت طلبهٔ مزبور موقع را برای رسیدن بمقصود و دفع ظلم و فساد هیأت حاکمه مناسب دانستند و بتظاهرات دامنه‌داری دست زدند.

عین‌الدوله برای متفرق ساختن اجتماع عظیم روحانیان و بازاریان در مسجد

جامع دستوری صادر کرد و با اینکه از طرف مجریان دستور تصمیمات شدید مخالفی دایر بر اخراج آنها از مسجد گرفته شد و مانع رساندن آذوقه به بست‌نشینان گردیدند، باز هم پیشوایان مذهبی با عدهٔ دیگری از علما بتحصن خود ادامه دادند. چون از طرف دولت پیوسته وضع تحصن را طاقت فرسا می‌کردند متحصنان بدولت اعلام کردند یا عدالتخانه تأسیس بشود یا اجازهٔ خروج و مهاجرت بعتبات بآنها بدهند و یا اینکه بزندگی آنها خاتمه دهند.

مظفرالدینشاه در ضمن دستخطی اجازه خروج آنها را از شهر با حفظ تأمین صادر ساخت متحصنان در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲٤ ه.ق برابر با تیر ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۲۱ ژوییه ۱۹۰۶ میلادی) به پیشوایی و رهبری آقایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی با افراد خانواده خود و چند تن از علمای معروف از جمله شیخ فضل‌الله نوری که از مجتهدان متنفذ و از یاران و همدستان عین‌الدوله بود از آنجا که در مقابل هیجان عمومی مصلحت خود را در همراهی با روحانیان آزادیخواه میدید در تحصن مسجد جامع و مهاجرت با ملیون همراهی کرد و همراه با روحانیان طراز اول و قریب هزار تن از طلاب نیز بطرف قم حرکت کردند.

مهاجران در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۲۸۵ شمسی بقم وارد شدند. آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی در موقع حرکت از تهران بار دیگر نامه‌ای بسفارت انگلیس نوشت و از دولت مزبور برای مبارزه با بیدادگری و مظالم هیأت حاکمه استمداد طلبید، و بدینوسیله مقدمات و زمینهٔ بست‌نشینی در سفارت را که از پیش نیز با کمک چند تن از تجار معتبر آزادیخواه و رؤسای اصناف و دیگر آزادیخواهان مهیا شده بود فراهم ساخت. و با اینکه کاردار سفارت انگلیس بظاهر بنامهٔ آقای بهبهانی جواب مخالف داده بود باز هم بدنبال مهاجرت علما بقم که معروف بهجرت کبری است در تهران بازارها تعطیل و در حدود پنجاه تن از بازرگانان و طلبه‌ها در تاریخ پنجشنبه ۲۷ تیرماه۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۲٤ ه.ق در سفارت انگلیس متحصن شدند[۱] و روزبروز بر

۱ـ در مورد تعداد اولین دسته متحصنان بسفارت انگلیس اختلاف نظر است، ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد نخستین دسته متحصنان را در حدود ۹ تن و تاریخ آن را در دوشنبه ۲٤ جمادی‌الاول سال ۱۳۲٤ ه . ق ذکر کرده است

تعداد بست‌نشینان افزوده میشد تا آنجا که بقول مورخان تعداد آنان در ظرف پنج روز در حدود ۱۲ تا ۱٤ هزار تن بالغ گشت.

بست‌نشینان بمنظور برقراری حکومت مشروطه و تشکیل مجلس با وجود کوششهای فراوانی که از طرف دولت و درباریان برای در هم شکستن اتحاد ملت انجام می‌گرفت بتحصن خود ادامه دادند.

ادوارد برون در این باره چنین متذکر شده است که در حدود ۱۲ هزار تن در هر نقطه از سفارت چادری برپا کرده و از هر نقطه بازرگانان و پیشه‌وران در هم فشرده شده‌اند، روزان و شبان با گردنهای کشیده و با بردباری گرد هم نشسته پافشاری میکنند که تا بمراد مطلوب خود نرسند پای از سایهٔ بیرق انگلیس فراتر نخواهند گذاشت. آنها با متانت و انضباط شایستهٔ تحسینی موقع گرفته‌اند و با وجود شماره قابل ملاحظه‌شان کمتر مزاحمتی دارند[1].

بست‌نشینان در قریب پانصد چادر بسر میبردند و هر صنف از اجتماع کنندگان چادری مخصوص بخود داشت. این بست‌نشینی دارای تشکیلات منظم و دستگاه‌های انتظامات، تهیهٔ اطلاعات و نشر عقاید و تبلیغ بود، دستگاه نشر عقاید و تبلیغ هر شب بوسیلهٔ وعاظ و مبلغان مشهور مجالس وعظ سیاسی تشکیل میداد و در ضمن تشریح مظالم دستگاههای حکومتی از حکومت قانون و عدالت سخن میراند و بتدریج مردم را با معنی مشروطیت و حکومت قانون آشنا می‌کرد. اعتصابات عمومی مردم تهران و مهاجرت علماء و گروههای ملی بقم، در شهرستانها نیز موجبات هیجانات عمومی و طرفداری از مشروطه‌خواهان را فراهم ساخت و نمایندگانی از طرف خود بقم که یکی از مراکز فعالیت مشروطه‌خواهان شده بود گسیل داشتند و با تشکیل اجتماعات و تحصن در تلگرافخانه‌ها و مخابرهٔ تلگراف بشاه و ولیعهد مبنی بر درخواست گشایش مجلس و اعطای مشروطیت پشتیبانی خود را با گروههای ملی تهران اعلام داشتند.

تصمیم خلل ناپذیر قاطبهٔ ملت ایران بتغییر رژیم حکومت و کشمکش بین ملیون و مستبدان درباری سرانجام بغلبه و پیروزی آزادیخواهان و انقلابیها منتهی گشت، و مظفرالدینشاه وادار شد که اساسی‌ترین و آخرین درخواستهای بست‌نشینان سفارت را که

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران تألیف برون

مورد تأیید و تقویب همه گروههای ملی خارج از تحصن قرار گرفته بود در تحت ۵ ماده زیر بپذیرد.

۱ـ علمای اعلام بشهر و خانه‌های خود بر گردند.
۲ـ شاهزاده اتابک اعظم از صدارت عزل شود.
۳ـ مجلس شورای ملی افتتاح یابد.
٤ـ قصاص قاتلان شهدای وطن عملی شود.
۵ـ تبعید شدگان از جمله میرزا حسن رشدیه و دیگران بشهر خود بر گردند.

عین‌الدوله روز یکشنبه هفتم جمادی‌الاول ۱۳۲٤ ه.ق از صدارت ایران عزل شد و میرزا نصرالله مشیرالدوله که تا حدودی با نیات گروه‌های ملی همراه بود بجای وی انتخاب گردید و عضدالملک رئیس ایل قاجار و حاجی نظام‌الدوله برای بر گرداندن علما بتهران رهسپار قم شدند.

فرمان اعطای مشروطیت در روز یکشنبه ١٤ جمادی‌الثانی ۱۳۲٤ ه.ق برابر با ۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۵ اوت ۱۹۰٦ میلادی) از طرف مظفرالدینشاه بدین شرح صادر شد:

«جناب اشرف صدراعظم: از آنجا که حضرت باریتعالی جل شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسهٔ ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبهٔ اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در اینموقع که رأی و ارادهٔ همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبهٔ اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه بمرور در دوایر دولتی و مملکتی بموقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین و شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافهٔ تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مداقه لازم را بعمل آورده و بهیئت وزرای دولتخواه مادر اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبهٔ اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که لصبحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود. بدیهی است که بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این

مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که بصحهٔ ملوکانه رسیده و بعون‌الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است افتتاح و باصلاحات لازمهٔ امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت و ملت ایران است کماینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند.

«قصر صاحبقرانیه بتاریخ ١٤ جمادی‌الثانی ١٣٢٤ هـ.ق» «در سال یازدهم سلطنت ما»

مشیرالدوله دستخط فرمان افتتاح مجلس‌راتوسط فرزند خود میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک بسفارت انگلیس فرستاد[1] مؤتمن‌الملک متن فرمان را برای متحصنان قرائت کرد و چون بیان داشت که مجلس از نمایندگان انتخابی تهران تشکیل خواهد شد، بست‌نشینان که در طی مدت تحصن با تعلیماتی آشنا شده و جز مشروطیت و حاکمیت ملی هدف و منظوری نداشتند از این اعلام برآشفتند و متفقاً با اعتراض اعلام داشتند ما خواهان «مجلس ملی» هستیم که حاکم مطلق باشد و عموم افراد ملت از هر شهرستان و هر نقطه در آن شرکت داشته باشند با این کیفیت ملت فرمان مشروطیت را که دایر بر تشکیل مجلس مشورتی بود کافی ندانست و بست‌نشینان سفارت انگلیس از تحصن خارج نشدند و مهاجران نیز در مقابل و عدهٔ نمایندهٔ دولت (نظربعدم‌اعتمادتسلیم‌نشدند و بتهران بازنگشتند. ناچار پس از جلسه‌ای که سران متحصنان با حضور صدراعظم تشکیل دادند (١٧ جمادی‌الاخر ١٣٢٤ هـ.ق) و مذاکرات مفصلی که در مورد مجلس اسلامی پیشنهاد دولت و مجلس ملی پیشنهادی گروههای ملی و خواسته‌های دیگر در همین زمینه، فرمان مشروطیت را مطابق خواستهٔ انقلابیها با صدور دستخط مجددی بدین شرح از طرف مظفرالدینشاه کامل کردند.

«جناب اشرف صدراعظم: در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه ١٤ جمادی‌الثانی ١٣٢٤ که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده

۱ـ دوشنبه ١٣ جمادی‌الثانی سال ١٣٢٤ هـ . ق

بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کاملهٔ همایون ما واقف باشند امر و مقرر میداریم که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق صریحاً دایر نموده بعد از انتخاب اجزای مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که بشرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامهٔ مزبور این مقصود صورت و انجام پذیرد.»

بدین طریق فرمان مشروطیت بنا باراده ملت مبنی بر انتخابات کلیهٔ نقاط ایران و بنام شورای ملی باصدورفرمان مجددی که مکمل فرمان مورخ ١٤ جمادی‌الثانی ١٣٢٤ ه.ق بود در روز پنجشنبه ١٨ جمادی‌الثانی بامضاء مظفرالدینشاه رسید، اعتصابات ملی و مبارزات عمومی با موفقیت و پیروزی ملت پایان یافت و باب نوی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوجود آمد.

آزادیخواهان پس از این موفقیت، برای انتخاب نماینده‌گان و تهیهٔ مقدمات افتتاح مجلس و تسلط حکومت ملی بر اوضاع آشفتهٔ ایران در صدد تهیهٔ نظامنامهٔ انتخابات برآمدند، و برای این منظور در تاریخ ٢٦ مرداد ماه ١٢٨٥ شمسی مطابق با ٢٧ جمادی‌الاخر سال ١٣٢٤ ه.ق اولین «مجلس شورای ملی» بطور موقت که در واقع میتوان از آن بعنوان اولین مجلس مؤسسان یاد کرد در مدرسهٔ نظام با حضور بیش از دو هزار تن از علماء و بازرگانان و اصناف و همچنین اعیان و وزراء و رجال درباری بمنظور تمهید مقدمات گشایش اولین دورهٔ مجلس شورای ملی و تهیهٔ قانون انتخابات تشکیل شد.

در اولین جلسهٔ این مجلس مشیرالدوله صدراعظم نطقی از طرف هیأت دولت ایراد کرد و سپس با خطابهٔ ملک‌المتکلمین مبنی بر سپاسگزاری از طرف ملت در جواب صدراعظم، مجلس خاتمه یافت و پس از آن جلسات عمومی مرکب از آزادیخواهان و علما برای تنظیم نظامنامهٔ انتخابات مرتباً در هر هفته‌ای دو روز تشکیل می‌شد و بشور و مذاکره در بارهٔ مواد قانون انتخابات مجلس می‌پرداخت از طرف مشیرالدوله کمیته‌ای مرکب از روشنفکران بعضویت مخبرالسلطنه هدایت، مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، میرزا حسنخان مشیرالملک، میرزا حسن‌خان مؤتمن‌الملک مأمور تهیه و تنظیم نظامنامهٔ انتخابات شد.

تنظیم نظامنامهٔ انتخابات نظر باختلاف منافع طبقات مختلف و بخصوص کارشکنی درباریان و شاهزادگان امر مشکل و دشواری را پیش آورده بود. خواست اشراف درباری خواهی نخواهی در تساوی حقوق با اصناف و طبقات متوسط بر طبق پیشنهاد روشنفکران نبود، تمایل باطنی آنها حفظ تسلط و قدرت خود بر اساس حکومت سلطنتی مطلق بود و بآسانی نمیتوانستند از حکومت خودمختاری و منافع حاصل از آن چشم بپوشند. روحانیان و علما که از پیشروان انقلاب بودند و برای خود سهمی عظیم قائل بودند و بخصوص در جریان وقایع اخیر قدرت و نفوذ بیشتری یافته بودند در تنظیم مواد قانون انتخابات با روشنفکران که خواهان مجلس بمعنی و مفهوم واقعی ملی و رعایت تساوی حقوق و امتیازات برای همهٔ طبقات بود توافق نداشتند از اینجهت پس از آنکه نظامنامهٔ انتخابات از طرف هیأت مذکور در فوق تهیه و تنظیم گشت و در جلسات عمومی که مرکب از: رجال و اعیان و روحانیان و تجار و رؤسای اصناف بود قرائت گردید مورد موافقت همگان قرار نگرفت و نسبت به بعضی از مواد آن بخصوص از طرف روحانیان اعتراض شد، مشیرالدوله صدراعظم بمنظور اجرای خواست ملت اختیار تغییر مفاد نظامنامه پیشنهادی هیأت را بخود آنها واگذار کرد و در نتیجه در جلسهٔ عمومی روز دوشنبه سیزدهم رجب نظامنامه‌ای که روشنفکران تهیه دیده بودند با تغییراتی اندک که بیشتر در آن خواست تجار و اصناف رعایت گشته و با جدیت و پشتکار خود آنها آماده شده بود قرائت گردید و مورد موافقت و قبول همه نمایندگان طبقات مختلف قرار گرفت و برای توشیح پادشاه توسط میرزا شفیع‌خان مستشارالملک گرکانی که نمایندهٔ دولت در جلسات مجلس بود فرستاده شد ولی همچنانکه بیان داشتیم مخالفت با مفاد نظامنامهٔ انتخابات از طرف رجال درباری بمنظور حفظ قدرت و منافع گروهی خودخواه و همچنین حفظ قدرت مطلق سلطنت، عامل و مانع بزرگی را در راه اجرای خواست روشنفکران و آزادیخواهان بوجود آورد و مدتی امر امضای نظامنامه را بتأخیر انداخت. تعویق توشیح قانون انتخابات مورد اعتراض و شورش طبقات مختلف قرار گرفت و بار دیگر عده‌ای بسفارت انگلیس پناهنده شدند، تجار و اصناف بازار را تعطیل کردند و دوباره اعتصابات عمومی شروع گردید.

مخالفان مشروطیت و شاهزادگان و درباریان استبداد پرست در مقابل هیجان عمومی ملت و از بیم شورشها و هیاهوی بیشتر حاصل از آن تسلیم شدند و نظامنامهٔ

انتخابات در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲٤ ه.ق ۱۷ شهریور ماه ۱۲۸۵ شمسی بامضای مظفرالدینشاه رسید و در جلسهٔ مورخ دوشنبه ۲۰ رجب ۱۳۲٤ ه.ق مجلس شورای موقت (مجلس مؤسسان) میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله با جمعی از رجال دولت حضور یافتند و از طرف دولت قانون انتخابات را که در تحت دو فصل و سی و سه ماده تنظیم شده و بتوشیح شاه رسیده بود قرائت کردند.

بموجب نظامنامهٔ فوق، انتخابات در سراسر کشور طبقاتی تعیین شد و مطابق ماده اول از فصل اول نظامنامه[۱] طبقات زیر در انتخابات نماینده مجلس توفیق یافتند شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، مالکان، فلاحان و اصناف. در مادهٔ هشتم از نظامنامه برای طبقات فوق محدودیتی از لحاظ تعیین نماینده برای مجلس پذیرفته نشده بود و انتخاب کنندگان آزاد بودند از هر طبقهٔ اجتماعی که مورد اعتماد آنها باشد نمایندهٔ خود را انتخاب کنند و الزامی در اینکه از طبقه و صنف خودشان باشد در بین نبوده است[۲].

۱ـ **ماده اول**: انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند:

شاهزادگان و قاجاریه: علما و طلاب: اعیان و اشراف: تجار و ملاکین: فلاحین و اصناف:

تنبیه اول: ایلات هر ایالت جزو سکنهٔ آن ایالت محسوب و با شرایط مقرره حق انتخاب دارند.

تنبیه دوم: ملاک عبارت از ارباب ملک: فلاح عبارت از زارع

۲ـ ماده هشتم: عدهٔ انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسهٔ ایران بیش از ۲۰۰ نفر نمیتواند باشد، در شهرهای جزء ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یکنفر را انتخاب نموده بکرسی ایالت میفرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب میشوند و یا در محال شهر سکنی داشته باشند. انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالت در کرسی ایالت جمع شده بعده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب میکنند تا در مجلس شوارئ ملی حضور بهمرسانیده در مدت مأموریت بوظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند، انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.

نکته شایان توجه در مورد نظامنامهٔ انتخابات این است که در مورد ماده دوم[۱] از شرایط انتخاب کنندگان مسئله مالکیت و اعتبار مادی افراد از هر طبقه و صنف میباشد در بند چهارم از مادهٔ فوق، مالک و فلاحی میتواند در انتخابات شرکت جوید و نمایندهٔ خود را انتخاب کند که صاحب ملکی باشد و حداقل ملک وی هزار تومان قیمت داشته باشد، بنابراین اصل کشاورزان و روستاییانی که صاحب زمین و ملک شخصی نبودند و یا اگر بودند زمین و ملک آنها از قیمت مقرر کمتر بود از حق انتخاب کردن محروم گردیدند.

و نیز در بند پنجم و ششم از همین ماده در شرایط تجار و اصناف برای تعیین نماینده، داشتن تجارت معین و تجارتخانه برای تاجر و کار معین صنفی و داشتن دکانی که کرایه آن مطابق با کرایه‌های حد وسط محلی باشد برای اصناف قید شد.

در بند اول و پنجم از ماده سوم[۲] در محروم بودن اشخاص از انتخاب وکیل و بعبارت دیگر محرومیت از حقوق اجتماعی «طایفه نسوان و اشخاصی که بفساد عقیده معروف هستند» ذکر شده‌اند و از اینجا بخوبی میتوان تأثیر عامل مذهب و سنت و عقاید

۱- ماده دوم: انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند:
۱- سن آنها کمتر از ۲۵ سال نباشد: ۲- رعیت ایران باشند ۳- معروفیت محلی داشته باشند: ٤- ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد ۵- تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند ٦- اصناف آنها باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایهٔ آن دکان مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.

۲- ماده سیم: اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار تفصیلند:
۱- طایفه نسوان ۲- اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج بقیم شرعی میباشند ۳- تبعهٔ خارجه ٤- اشخاصی که سنشان کمتر از ۲۵ سال باشد ۵- اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند ٦- ورشکستهٔ که بی‌تقصیری خود را ثابت نکرده باشد ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات اسلامی قانونی دیده‌اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ۸- اهل نظام‌بری که مشغول خدمتند

زمان را در تدوین نظامنامهٔ انتخابات دریافت و این خصوصیت را در ماده پنجم[1] بند اول و هفتم آن در مورد اشخاصی که از انتخاب شدن بوکالت مجلس نیز محروم هستند باز می‌بینیم.

عدهٔ نماینده‌گان مجلس بموجب مادهٔ هشتم از نظامنامه(از دویست تن نباید تجاوز کند و این عده باید بموجب مادهٔ ششم[2] نظامنامه نماینده‌گان منتخب هر حوزه در کلیهٔ نقاط کشور متناسب با سکنه و جمعیت هر ایالت باشند و از هر ایالت بین شش تا دوازده نفر انتخاب بشوند.

در تنظیم و تدوین مواد نظامنامهٔ انتخابات تأثیر نابسامانی اوضاع و عدم امکانات از هر حیث بخوبی دیده میشود. بیم از استبداد و کارشکنی حکام ولایات و عدم ارتباط نزدیک بین شهرستانها با مرکز، تنظیم کننده‌گان نظامنامه را بر آن داشت که به پیش‌بینی موارد احتمالی و جلوگیری از کارشکنی و مخالفت دشمنان رژیم جدید بپردازند و برای اینکه زودتر مجلس را تشکیل دهند و حکومت قانون را بر اوضاع آشفتهٔ مملکت مسلط سازند با گنجاندن ماده ۱۹ در نظامنامه در تسریع گشایش مجلس شورای ملی بکوشند.

بموجب این ماده مقرر گشت که هر گاه انتخابات تهران که حد نصاب

۱- **ماده پنجم**: اشخاصی که از انتخاب شدن محروم هستند:

۱- طایفه نسوان ۲- تبعهٔ خارجه ۳- اهل نظام‌بری و بحری که مشغول خدمتند ٤- ورشکسته بتقصیر ٥- مرتکبین بقتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات قانونی اسلامی دیده‌اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ٦- آنهایی که سنشان از ۳۰ سال کمتر باشد ۷- اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند و متجاهر بفسق

۲- **ماده ششم**: عدهٔ انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنهٔ آن بلاد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عدهٔ انتخاب شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است.

۱- شاهزادگان و قاجاریه ٤ نفر ۳- تجار ۱۰ نفر

۲- علما و طلاب ٤ نفر ٤- ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر

اصناف از هر صنفی یکنفر که جمعاً ۳۲ نفر میشود.

«در سایر ایالات و ولایت از قرار تفصیل است،...»

نماینده‌گان را تشکیل میدهد خاتمه یافت و نماینده‌گان منتخب در مجلس حضور بهم رساندند، مجلس جلسات خود را تشکیل دهد و نماینده‌گان وظایف قانونی خود را شروع کنند و تأخیر ورود و حضور وکلای شهرستانها بمرکز و بمجلس شورای ملی مانع از گشایش مجلس و تعطیل آن نخواهد بود. و نیز برای حصول منظور فوق در نظامنامه بموجب ماده ششم: تعداد نماینده‌گان منتخب شهرستان تهران بطور استثنایی ۶۰ تن بشرح زیر تعیین شد.

۱ـ شاهزادگان و قاجاریه ٤ نفر

۲ـ علما و طلاب ٤ نفر

۳ـ ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر

٤ـ تجار ۱۰ نفر

۵ـ اصناف از هر صنف یکنفر که جمعاً ۳۲ نفر میشوند.

و حال آنکه از مجموع ۱۵۶ تن وکلای مجلس اول ۹۶ تن سهم استانها و شهرستانهای تابع آنها بوده است.

نکتهٔ شایان توجه در بررسی مادهٔ فوق، سهم و حصه‌ای است که برای اصناف و تجار در تدوین نظامنامه در نظر گرفته شده است. و این خود تأثیر نفوذ و قدرتی را که اصناف و بازاریان در جریان وقایع مشروطیت و سهم عظیمی را که در انتخابات و مبارزات ملی داشته‌اند نشان میدهد، و ما در فصول آیندهٔ این مجموعه در ضمن گفتگو از تأثیر طبقات و تحقیق در منشأ اجتماعی نماینده‌گان مجلس شورای ملی بتفصیل درباره آن بحث خواهیم کرد و نیز نشان خواهیم داد که با تغییر نظامنامهٔ انتخابات در نتیجه جریاناتی که پس از مشروطه اول و استبداد صغیر پیش آمد و مسیر انقلاب را بخاطر کسب حکومت ملی عوض کرد این سنت در ادوار بعدی مجلس شورای ملی حفظ نشد و طبقهٔ بازاری و اصناف سهم گذشتهٔ خود را از دست دادند.

ماده نهم[1] از فصل اول نظامنامه، درباره تشکیل انجمنهای رسمی تحت عنوان

۱ـ **ماده نهم**: در هر محلی که انتخابات بعمل میآید، انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل مرکب از شش نفر در تحت نظارت موقتی حاکم یا نایب‌الحکومه همان محل تشکیل خواهد شد از اینقرار: دو انجمن تشکیل میشود، انجمن محلی و ایالتی، انجمن محلی در شهرهای جزء ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت.

انجمن ایالتی و محلی یکی از قدمهای موثر و مفیدی بود که تدوین کنندگان قانون انتخابات برای برقراری مداخلهٔ مستقیم ملت در حسن جریان انتخابات و تعیین نمایندهٔ واقعی و برگزیدهٔ ملت (بخصوص در استانها و شهرستانها که هنوز در تحت تسلط و نفوذ صاحبان و حکام و فرمانروایان مستبد بود) برداشتند و همین امر مقدمهٔ تشکیل مجامع سیاسی و ایجاد نیروهای مقاومت ملی در مقابل حکومت استبداد صغیر گردید.

انجمن ایالتی در مراکز استانها و انجمنهای محلی در شهرستانهای تابع هر استان بمنظور نظارت در انتخابات و با عضویت معاریف و معتمدان طبقات ششگانه تأسیس شد و بموجب ماده دهم[1] حق رسیدگی بشکایات مربوط بامر انتخابات از جمله وظایف انجمنهای فوق تعیین شد.

بموجب ماده ۲۳ نظامنامه[2] نمایندگان ملت مصونیت پارلمانی پیدا کردند و در صورت ارتکاب عملی خلاف قانون، با اجازه مجلس و سلب مصونیت از آنها محاکم دادگستری حق تعقیب قانونی و رسیدگی بجرم آنها را خواهند داشت. بدین وسیله تنظیم کنندگان قانون انتخابات قبل از تدوین و تنظیم قانون اساسی و تفکیک قوای سه گانه مملکت و تعیین حدود وظایف هر یک، حیثیت و منزلت اجتماعی هیأت قانونگذاری را محفوظ داشتند و از تسلط قدرت هیأت حاکمهٔ دولت بر نمایندگان ملت جلوگیری کردند.

بموجب ماده ۲۱ نظامنامه «عمر مجلس ملی دو سال تمام مقرر گشت[3]»
پس از مشروطیت اول و قیامها و مبارزات ملی که در زمان استبداد صغیر برای

۱- **ماده دهم:** شکایات راجعه بانتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمنهای مذکور در مادهٔ نهم رسیدگی خواهند کرد بدون اینکه انتخابات توقیف شود.

۲- **ماده بیست و سوم:** بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمیتوان بهیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود مگر مرتکب بجنحه یا جنایتی باشند بطور علنی و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچکس حق مزاحمت آنها را ندارد مگر در صورتیکه تحریرات و تقریرات عضوی بر خلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد در اینصورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص بمحکمه عدلیه جلب خواهند شد.

۳ - **ماده بیست و یک:** مدت مأموریت نمایندگان ملت دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد

برقراری مجدد مشروطیت از طرف گروههای ملی انجام گرفت نظامنامهٔ انتخابات در تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق توسط هیأتی مرکب از ۱٦ تن که از طرف دولت مرکزی و با موافقت انجمنهای ایالتی تعیین شده بودند تغییراتی حاصل کرد، و قانون انتخابات دو درجه و غیر مستقیم در تحت نه فصل و ٦۳ ماده تهیه و تنظیم گردید.

بموجب مادهٔ اول عدهٔ وکلای مجلس شورای ملی از ۱۵٦ تن به ۱۲۰ تن تقلیل پیدا کرد و مقرر شد که انتخاب کنندگان بموجب بند چهارم دارای علاقه ملکی باشند یا در سال، مالیاتی بمبلغ ۱۰ تومان پرداخت کنند و یا داشتن سالیانه پنجاه تومان عایدی شرط شد افراد انتخاب کننده در صورت داشتن تحصیلات از قید شروط فوق معاف بودند[۲].

نظامنامهٔ انتخابات دو درجه در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ هـ.ق بار دیگر تغییر یافت و در مجلس دوم بموجب تصویب نامهٔ هیأت دولت مبنی بر اعطای حق تغییر نظامنامه انتخابات به نمایندگان مجلس شورای ملی اصلاحاتی پیدا کرد. بموجب نظامنامهٔ جدید مأخذ تمول ملغی شد و انتخابات در تمام کشور بصورت یکدرجه و عمومی و مستقیم در آمد. عدهٔ وکلا از ۱۲۰ تن به ۱۳٦ تن افزایش یافت و بموجب بند ۳ از مادهٔ ۹ انتخاب کنندگان میباید در حوزهٔ خود متوطن و یا لااقل شش ماه قبل از تاریخ انتخابات در آن حوزه ساکن باشند. انتخابات دورهٔ سوم قانونگذاری و ادوار بعدی مجلس شورای ملی تا این تاریخ بر اساس قانون انتخابات جدید صورت گرفته است جز اینکه بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه ۱۳۰٤ شمسی و ۲۸ خرداد و ۲۲ تیر ماه ۱۳۰٦ و دهم مهر ماه ۱۳۱۳ و ۲۷ مرداد ماه ۱۳۳۲ اصلاح و به تصویب نمایندگان رسیده است و بموجب اصلاح و تغییری که در مواد ٤ و ۵ و ٦ قانون اساسی در مجلس واحد «کنگره» که مرکب از نمایندگان دو مجلس و بر طبق رأی مجلس مؤسسان در سال ۱۳۲۸ و در اردیبهشت ماه ۱۳۳٦ تشکیل شد به تبعیت از آن مفاد مواد

۲ـ ماده چهارم: انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:
۱ـ تبعهٔ ایران باشند ۲ـ لااقل بیست سال داشته باشند ۳ـ معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لااقل شش ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند ٤ـ لااقل دارای دویست و پنجاه تومان علاقهٔ ملکی یاد تومان مالیات بده باشند یا پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.

۱ و ۴۸ و ۵۰ قانون انتخابات نیز تغییر یافت و بموجب آن عدهٔ نمایندگان بر طبق آمار رسمی کشور به نسبت هر یکصد هزار تن جمعیت یک تن اضافه شد و در نتیجه عده نمایندگان مجلس از ۱۳۶ تن به ۲۰۰ تن افزایش یافت، و بموجب اصل ششم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی مربوط بماده ۴۸ قانون انتخابات در مورد اکثریت حاصل کردن نمایندگان برای افتتاح مجلس «نصف بعلاوه یک تن از نمایندگان ملت در تهران» به دو ثلث نمایندگان افزایش یافت.

و نیز بموجب اصل پنجم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ مدت دورهٔ نمایندگی مجلس شورای ملی از ۲ سال به ۴ سال تمام افزایش پیدا کرد و بموجب همین اصل ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف نمایندگان تعیین گردید.

آخرین نظامنامهٔ انتخابات آن است که بموجب لایحه اصلاحی قانون انتخابات که در چهار ماده تنظیم شد و در تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ بتصویب کنگرهٔ ملی رسید. بر اساس این لایحه تغییراتی در نظامنامهٔ انتخابات بشرح زیر صورت گرفت:

۱- بموجب مادهٔ چهار لایحهٔ قانونی اصلاحی قانون انتخابات که در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی بتصویب کنگرهٔ ملی رسید. ماده چهاردهم[1] از فصل چهارم قانون انتخابات در مورد تعیین اعضای انجمن نظار تغییر یافت و ترکیب طبقات ششگانه که اعضای انجمن مزبور می‌باید از میان آنها انتخاب شوند دگرگون شد، بدین‌معنی که طبقات کارگران و دهقانان (کشاورزان که مالک زمین زراعتی خود میباشد) جایگزین طبقات اعیان و مالکان گردیدند باید دانست که این تغییر بجای خود در تاریخ انتخابات

۱- ماده چهاردهم: در مرکز هر حوزهٔ انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت محل بمحض وصول دستور وزارت داخله برای تعیین انجمن نظارت مرکزی بیست و چهار نفر از طبقات ششگانه: (علماء. اعیان، مالکین ـ تجار ـ اصناف و زارعین). و دوازده نفر معتمدین اهل محل که معروف بامانت و با سواد و دارای شرایط انتخاب نمودن باشند دعوت میکند مدعوین در همان مجلس از میان خود یا خارج برأی مخفی و اکثریت نسبی نه نفر را برای عضویت انجمن تعیین نموده و نه نفر دیگر را نیز بعنوان عضو علی‌البدل از همان مدعوین انتخاب مینمایند. در انتخاب مزبور حضور دو ثلث مدعوین کافی خواهد بود در نقاطی که یک یا چند طبقه از طبقات ششگانه وجود نداشته باشند از طبقهٔ دیگر عدهٔ منظور تکمیل خواهد شد.

ایران بی‌سابقه بوده است.

۲ـ و نیز بر اساس مادهٔ سوم لایحهٔ مصوب ملی و بر طبق مادهٔ ۱۴ آیین نامهٔ اجرایی قانون انتخابات دو مجلس مصوب تیرماه ۱۳۴۲، بند (۳)[1] از ماده بیست و یکم از فصل پنجم قانون انتخابات در مورد کیفیت دادن تعرفه و گرفتن رأی، بدین ترتیب اصلاح شد که رأی دهندگان بجای استفاده از کاغذهای بی‌نشان برای ثبت اسامی کاندیداهای انتخاباتی خود از کارتهای مخصوص چاپی استفاده نمایند.

و نیز بموجب آیین نامهٔ فوق ماده (۲۳)[2] و ماده واحدهٔ ذیل آن و همچنین ماده (۲۴)[3] در خصوص تعرفه و ترتیب ثبت آنها حذف شده است.

ماده (۲۸)[4] از همین فصل بموجب ماده ۲ قانون اصلاح انتخابات مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ بدین کیفیت اصلاح و مقرر شد که انتخابات در سراسر کشور در یک روز انجام گیرد.

دیگر از تغییراتی که در قانون انتخابات ایران ابتدا با تصویب‌نامهٔ قانونی بشماره

۱ـ **بند ۳ از ماده بیست و یکم:** ترتیب گرفتن تعرفه و دادن رای با توضیح این نکته که (گرفتن تعرفه و دادن رای در یک مجلس به عمل می‌آید و رای دهندگان باید قبل از ورود به انجمن رای خود را روی کاغذ بی‌نشان نوشته حاضر داشته باشند).

۲ـ **ماده بیست و سوم:** تعرفه که بانتخاب کنندگان داده می‌شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود

۱ـ نمره و تاریخ

۲ـ اسم دارندهٔ تعرفه و اسم پدر او و شغل و منزل او

۳ـ مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده واحده ـ انجمنهای نظارت در موقع دادن تعرفه اخذ رای مکلفند ورقه شناسنامه رای دهنده را نیز ملاحظه کنند و شماره آن را در دفاتر ثبت و شناسنامه را بمهر انجمن برسانند

۴ـ انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه‌هایی را که میدهد بترتیب نمره در کتابچهٔ مخصوص ثبت میکنند.

۵ـ ماده بیست و هشتم: در محل‌هایی که انتخاب در یک روز تمام نمیشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضا با احتیاطات لازمه جعبه و دفاتر راجع به انتخاب را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روز بعد همان اعضا آن را باز می‌کنند.

۵۱۱۸٤ مورخ ٤١/٢/١٦ هیأت وزیران و سپس با تصویب نهایی نمایندگان حاصل شد در جلسهٔ مورخ دهم اردیبهشت ماه ٤٣ مجلس شورای ملی اعطای حق شرکت بانوان در انتخابات مجلس شورای ملی است.

بموجب این تصویب نامه در فصل دوم و سوم نظامنامه اصلاحات زیر انجام گرفت بند ۱ از ماده دهم[۵] در مورد کسانی که از حق انتخاب کردن محروم‌اند و بند ۲ از ماده سیزدهم[۶] در مورد اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند حذف شد و با حذف این دو بند از نظامنامهٔ انتخابات، زنان ایران حق شرکت در انتخابات چه در رأی دادن و چه در انتخاب شدن را بدست آوردند.

۵ـ **ماده دهم**: کسانی که از حق انتخاب کردن محروم‌اند:

۱ـ طایفه نسوان ۲ـ کسانیکه خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومیت شرعی هستند ۳ـ تبعه خارجه ٤ـ اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد ۵ـ اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ٦ـ ورشکستگان بتقصیر ۷ـ متکدیان و اشخاصی که بوسایل بیشرفانه تحصیل معاش مینمایند ۸ـ مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند ۹ـ مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند

٦ـ **ماده سیزدهم**: اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند

۱ـ شاهزادگان بلافصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه) ۲ـ نسوان ۳ـ تبعه خارجه ٤ـ مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام‌بری و بحری باستثنای صاحب منصبان افتخاری ۵ـ حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود ٦ـ مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود ۷ـ کلیه رؤسای محاکم و مدعی‌العموم‌ها و وکلای عمومی در حوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محروم‌اند. ۸ـ رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزهٔ مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین در موقع انتخابات از تمام مملکت

تبصره ـ سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند.

تحلیلی از قانون اساسی

مبارزه و کشمکش بین دو نیروی استبدادی و ملی با صدور فرمان مشروطیت و رفع اختلاف نظر در مورد تنظیم مواد نظامنامهٔ انتخابات خاتمه نیافت، بلکه تصادم این دو نیروی آشتی‌ناپذیر بصورت شدیدتر نهانی ادامه داشت و دامنهٔ آن بصحنهٔ فعالیت‌های پارلمانی و بخصوص به مسئلهٔ مهم پی‌ریزی بنای حکومت ملی و برقراری حاکمیت قانون بر مملکت، یعنی تدوین و تنظیم قانون اساسی کشیده شد. رجال درباری و اشراف فئودال و در رأس آنها محمد علیمیرزا که بظاهر بخاطر جلب گروههای ملی خود را همرنگ «محیط مشروطه» ساخته بودند، در نهان نقشهٔ بر هم زدن مشروطه و حکومت چند ماههٔ ملی را طرح می‌کردند. سعی محمد علیمیرزا که بسبب کسالت مظفرالدینشاه امور مملکت را اداره می‌کرد بر آن بود که بانحاء مختلف حقوقی را که بموجب فرمان مشروطیت بملت داده شده بود محدود کند و چه بسا که آن را از بین ببرد و در این راه اشراف درباری نیز با وی هماهنگی داشتند و می‌کوشیدند در موقع تنظیم و تدوین قانون اساسی که شالودهٔ حکومت قانونی آیندهٔ کشور بود، حقوق و امتیازات سابق خود را محفوظ و مستحکم سازند. چون قانون اساسی از طرف هیأتی آماده و برای امضای مظفرالدینشاه فرستاده شد، رجال درباری که بنابخصیصهٔ ذاتی با حکومت مشروطه و آزادی و تساوی ملت در حقوق اجتماعی مخالف بودند دربارهٔ حفظ قدرت سلطنت و حفظ اختیارات، امتیازات بیشتری برای مجلس سنا، با برخی از مواد قانون مزبور که موجب محدودیت قدرت خود آنها نیز بود مخالفت کردند و مانع امضای قانون اساسی و برگرداندن آن بمجلس گشتند.

کشاکش نمایندگان مجلس و آزادیخواهان با درباریان بر سر این مسئله با تقویت نیروهای ملی خارج از مجلس بخصوص گروههای ملی شهرستانها که با تحصن

در تلگرافخانه و مخابرهٔ تلگرافات متعدد بنمایندگان و علما تسریع در تنظیم و توشیح قانون اساسی را خواستار بودند باینجا منتهی شد که در جلسهٔ روز ۵ شنبه ۱۱ ذیقعده ۱۳۲٤ ه.ق مشیرالملک و حاج محتشم‌السلطنه و مؤیدالسلطنه بوکالت از جانب دولت برای مباحثه و مذاکره در فصول قانون اساسی و موارد اختلاف دولت و نمایندگان بمجلس شورای ملی حاضر شدند، مذاکرات جلسه مزبور تنها دربارهٔ رد یا ایراد و طرد و قبول و توضیح اصول ۸- ۱۱- ۱۲- ۱۵- ۲۰- ۲۱- ۲۸- ٤۰- ٤۱- ٤۲- ٤۷- قانون اساسی بود در خاتمهٔ آن جلسه که مدت هفت ساعت طول کشید قانون مزبور تنقیح شد و باتمام رسید و رأی بر آن قرار گرفت که پس از مذاکره در دو فقره استدعاییه با محمد علیمیرزا (اصول ٤۱ و ٤۲) آن را برای امضای مظفرالدینشاه حاضر کنند.[۱]

بدین کیفیت تدوین و تنظیم قانون اساسی در تحت ۵۱ اصل در شرایط سخت مبارزهٔ شدید بین آزادیخواهان و دولتیان انجام گرفت و در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۱٤ ذیقعدهٔ سال ۱۳۲٤ ه.ق بتوشیح مظفرالدین شاه رسید و محمد علیمیرزا نیز بظاهر امر با وساطت بین نمایندگان مجلس شورای ملی و دولتیان برخلاف میل باطنی بخاطر جلب نظر گروههای ملی در اختلاف فیمابین میکوشید، قانون اساسی را امضا و دستور ابلاغ آنرا صادر کرد با امضای قانون اساسی و رسمیت یافتن آن اختیارات مطلق سلطنت و هیأت حاکمه مشروط و محدود شد و حکومت قانون برای نخستین بار در تاریخ ایران برقرار گشت و بموجب آن تمام قدرت ناشی از ملت و وضع قوانین و تصویب بودجهٔ مملکت و همچنین نظارت بر اجرای قوانین و بعبارت دیگر نظارت بر اعمال هیأت دولت از وظایف و اختیارات مجلس شورای ملی گردید، و بموجب قانون اساسی، آزادی مطبوعات و جراید و سانسور نکردن مکاتبات خصوصی، آزادی تشکیل اجتماعات، احترام مالکیت افراد و مصونیت افراد در پناه قانون اعلام شد.

۱- اصل ٤۱ مربوط بمجلس سنا و عدهٔ اعضا و طریقهٔ انتخابات اعضای آن بود و اختلاف نظر نمایندگان ملت با نمایندگان دولت در پیرامون فزونی نمایندگان منتخب از طرف ملت دور میزد و پیشنهاد آنها بر دو ثلث از طرف ملت و یک ثلث از طرف دولت بود، مسئله دیگر بر سر اصل ٤۲ بود نمایندگان مجلس خواستار شدند که امور مربوط بمالیه مملکت از وظایف مختص مجلس شورای ملی مقرر شود.

تنظیم قانون اساسی از آنجا که در فرصتی کوتاه و بدون دقت لازم انجام پذیرفت ملت و بخصوص اعضای انجمن‌های متشکل از آزادیخواهان و روشنفکران آن را کافی بمقصود ندیدند و از مجلس شورای ملی تکمیل آن را تقاضا کردند.

محمد علیشاه با آنکه پس از بسلطنت رسیدن نیز با اساس حکومت مشروطه مخالف بود و در نهان نقشهٔ بر هم زدن آن را طرح می‌کرد بظاهر در مقابل خواسته‌های ملت برای اصلاح قانون اساسی دستخطی بدین شرح صادر ساخت.

«جناب اشرف صدراعظم: سابق هم دستخط فرموده بودیم که نیات مقدسهٔ ما در توجه باجرای اصول قوانین اساسی که امضای آن راخودمان از شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه گرفتیم بیش از آن است که ملت بتواند تصور کند و این بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرورانارالله برهانه شرف صدور یافت و تأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنس تی توسیون (Constitution) بشمار میاید منتهی ملاحظه‌ای که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمهٔ برای انتظام وزارت‌خانه‌ها و دوایر حکومتی و مجالس بلدی مطابق شرع محمدی (ص) نوشته آنوقت بموقع اجراء گذارده شود. عین این دستخط ما را برای جنابان حجج‌اسلام سلمهم‌الله تعالی و منتخبین شورای ملی ابلاغ نمایید ۲۷ ذیحجه سال ۱۳۲۴ ه.ق» مجلس شورای ملی نیز در جلسهٔ ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۴ ه.ق هیأتی مرکب از آقایان سعدالدوله، سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمودخان مشاورالملک، حاج حسین آقا مهدوی (امین‌الضرب)، حاجی سید نصرالله سادات اخوی و مستشارالدوله (صادق ـ صادق) را مأمور اصلاح قانون اساسی کرد[۱] هیأت مذکور متمم قانون اساسی را در شرایط سخت‌تر و محیطی متشنج بعلت دو دستگی و اختلافی که بتدریج بین مشروطه‌خواهان پیش آمد و بتحریک درباریان و شخص محمد علیشاه بداستان «مشروطه» و «مشروعه» منجر گردید، آماده ساختند. ولی مجلس از آن نظر که با مخالفت علما و روحانیان مواجه نگردد ناگزیر شد قانون را از نظر رهبران روحانی مشروطیت و سایر علما بگذراند، برای این منظور کمیسیونی مرکب از آقایان سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و حاجی شیخ فضل‌الله نوری و عدهٔ دیگری از نمایندگان روحانی مجلس تشکیل گردید و دربارهٔ مواد

۱ـ نقل از شماره ۴۱ روزنامه مجلس مورخ ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۴ ه. ق مطابق با ۲۴ دلو ۱۲۸۵ شمسی ـ و فوق‌العاده روزنامهٔ مزبور (ضمیمه همین شماره)

جدید قانون اساسی و تطبیق آن با موازین شرعی بمطالعه و مذاکره پرداختند.

اختلاف نظر و سلیقهٔ روحانیان و روشنفکران از یک سو و دو دستگی رهبران روحانی مشروطیت بر سر مسائل خصوصی و منافع شخصی از سوی دیگر و تحریکات و دسایس درباریان نیز بجای خود از عواملی بودند که موجبات تأخیر در تدوین متمم قانون اساسی و تصویب آن در مجلس و در مواردی اعمال نفوذ روحانیان را در برخی از مواد آن پیش آورد و ما در جای دیگر این مجموعه بتفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

عوامل فوق سبب شد که عده‌ای بعنوان اعتراض باعمال نفوذ روحانیان مشروعه خواه مخالف با مشروطیت و اعتراض به تأخیر در تصویب مواد متمم قانون اساسی که از طرف روشنفکران تنظیم شده بود بتظاهراتی بپردازند. این امر بخصوص در استانهای مهم از جمله استان آذربایجان و بویژه تبریز گروههای ملی را بهیجان آورد و اینان با جوش و خروشی خاص در ضمن تحصن در تلگرافخانه و مخابرات تلگرافی با نمایندگان خود در مجلس شورای ملی و تعطیل بازار و اعتصابات عمومی خواستار تصویب متمم قانون اساسی بر اساس مشروطه ملی نه شریعت خواهی شدند. حاصل مبارزات گروههای ملی در خارج از مجلس و نمایندگان آنها در داخل آن بدانجا رسید که متمم قانون اساسی بر اثر نفوذ و قدرت روحانیان در تاریخ ۱۵ مهر ماه ۱۲۸۶ شمسی بامضای محمد علیشاه رسید.

* * *

در پایان این مقال ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که قول باینکه همهٔ قانون اساسی ایران و مواد و اصول آن در معنی اقتباس از قانون اساسی ممالک اروپایی است خالی از گزافه گویی نیست. چه با توجه بوقایع و حوادثی که در طول نیم قرن قبل از مشروطیت در ایران رخ داده و بررسی علل و اسباب آن وقایع و تطبیق آنها با مضامین مواد قانون اساسی این نکته بر ما آشکار میشود که تنظیم کنندگان قانون اساسی ایران بخوبی تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زمان خود قرار گرفته‌اند و هر یک از مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن در عین اینکه نمودار طرز فکر روشنفکران اروپا دیده یا متأثر از افکار اروپایی است، در عین حال منعکس کنندهٔ نارضاییهای طبقات مختلف ملت از اوضاع آشفته و نابسامان عصر و پاسخگوی احتیاجات آنها نیز میباشد و شاید بتوان گفت قانون اساسی ممالک بلژیک و فرانسه و بالکان عنوان راهنما

و هادی قانونگذاران و نقطهٔ الهام آنان را داشته است و بس.

در جریان وقایع و حوادث مشروح این فصل و معرفی ضمنی نیروها و طبقات عامل سازندهٔ مبارزات ملی و بررسی علل و موجباتی که منشأ بروز انقلاب عمومی در ایران گردید بی‌شبهه نارضایی طبقات جامعه از غیر عادلانه بودن مالیاتهای سنگین و عوارض مختلف و ناخشنودی از نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران، سپرده شدن منابع ثروت کشور به بیگانگان، تقلیل درآمد دولت و استقراضهای پی در پی از دولتهای خارجی، تعدیات و مظالم شاهزادگان و حکام و خانها، ناامنی مالی و حقوقی و جانی افراد ملت از جمله مهمترین علل و اسبابی بوده است که طبقات مختلف جامعه را بطرف انقلاب و جنبش آزادی خواهی سوق داده است.

انعکاس اوضاع عصر و خواسته‌ها و تمنیات ملتی که برای نخستین بار در طول تاریخ قدرت مداخلهٔ مستقیم در وضع قوانین و سرنوشت کشور پیدا میکند از مهمترین نکاتی است که شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

متن قانون اساسی و متمم آن با صراحت کامل معرف سنتها و عقاید و تمایلات طبقات مختلف افراد جامعه و نیروها و قدرتهای آشکار و پنهان مسلط بر اوضاع میباشد و در بررسی از مواد و اصول آن بخوبی در مییابیم که چگونه هر یک از آنها نمایندهٔ انعکاس علل فوق و تأثیر قدرت و نفوذ عامل سازندهٔ انقلاب است.

معتقدات و سنتهای مذهبی رایج زمان و نظارت روحانیان، بموجب چندین ماده و اصل از قانون اساسی و متمم آن در کلیهٔ شؤن اجتماعی بصورت قانونی پذیرفته میشود.

در اصل ۳۵ متمم قانون اساسی، اساس حکومت و سلطنت در ایران جنبهٔ الهی خود را حفظ میکند و بر طبق سنت قدیم و بخصوص مطابق نظر پیروان مذهب شیعه و همچنین نظریهٔ بعضی از آباء مسیحی چون سن اگوستن (قرن پنجم میلادی) و سن توماس (قرن سیزدهم میلادی) سلطنت ودیعه‌ای الهی شناخته میشود. و شرط حاکمیت بر ملت برای مقام سلطنت و هیأت دولت و همچنین نمایندگان بموجب اصل اول و اصل ۵۸ متمم قانون اساسی و اصل ۴۵ قانون اساسی داشتن مذهب اسلام و متدین بودن قید میشود.

تسلط مذهب بر حاکمیت و قدرت دنیوی بموجب اصل ۲ و ۲۷ متمم قانون اساسی در قوهٔ قانونگذاری که نظارت مجتهدان طراز اول را بر وضع قوانین و تطبیق آن

با موازین شرعی تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه مقرر داشته تضمین گردیده است.

و اصل ۲۷ با صراحت کاملی استقرار قوانین را موقوف به مخالف نبودن با موازین شرعی منظور کرده است و بموجب همین اصل و اصول ۷۱ و ۸۳ متمم قانون اساسی حق مداخلهٔ مستقیم در قوهٔ قضایی را برای روحانیان باقی گذاشته است، از جمله حق قضاوت برای محاکم شرع را در کنار محاکم عرفی صورت قانونی بخشیده است، و نیز اصل ۸۳ در تعیین مدعی‌العموم که از طرف پادشاه بموجب قانون انتخاب میشود اعمال نظر و رضایت حاکم شرع را مداخله داده است.

باید دانست که دامنهٔ توسعه و نفوذ عامل مذهب بآزادیهای طبیعی نیز کشانده شده است و این آزادی بقید موازین شرعی و دین مقید میگردد.

در اصول ۲۰ و ۲۱ متمم قانون اساسی، آزادی مطبوعات و جراید و تشکیل اجتماعات و بعبارت، دیگر احترام آزادی فکر و عقیده که از حقوق مسلم هر فردی است بشروطی محدود میشود که از آنجمله موافقت آنها با موازین شرعی است.

نکتهٔ شایان توجه در مسئلهٔ فرهنگ و تعلیم و تربیت افراد کشور است. بموجب اصل ۱۸ متمم قانون اساسی فقط تحصیل علوم و صنایعی آزاد است که در شرع ممنوع نباشد.

در ضمن فصول گذشته بطور مشروع بیان داشتیم که عوامل اقتصادی و نارضایی طبقاتی خاص از آنجمله بورژوازی تاجر و کسبه و اصناف از جمله عوامل و عللی بودند که در تسریع انقلاب و سوق بطرف حکومت مشروطه مؤثر بودند، و ما انعکاس عوامل و موجبات نارضایی این طبقات ملت را در بررسی مواد و اصولی از قانون اساسی بخوبی و روشنی باز می‌یابیم. از آن جمله اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲٤ و ۲۵ و ۲٦ قانون اساسی میرساند که ملت و بویژه بورژوازی ایران از اعطای امتیازات مختلف بخارجیان و استقراض از دولتهای خارجی که استقلال مملکت را بمخاطره انداخته و موجبات استثمار منابع ثروت و استعمار کشور را فراهم ساخته ناراحت است و میل دارد در پناه قانون از رکود اقتصادیات مملکت بخصوص در زمینهٔ صنعت و تجارت جلوگیری کند و خود را از قید استثمار خارجی و تسلطی که در طی نیم قرن در کلیهٔ شؤن اجتماعی و شریانهای حیاتی کشور پیدا شده بود رهایی بخشد. از اینجهت اعطای هرگونه امتیازات

تجارتی و صنعتی و فلاحتی و تشکیل کمپانیها و شرکتهای عمومی را بدون تصویب مجلس منع میکند.

انعکاس نارضایی ملت از استقراض خارجی و مسئلهٔ راهسازی بدست دولتهای خارجی را اصول ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی صریحتر تکرار میکند و انتقال و فروش قسمتی از عایدات و یا دارایی دولت را اصل ۲۲ قانون اساسی بتصویب مجلس موکول می‌سازد.

اصل ۱۰۶ متمم قانون اساسی از نگرانی و بیزاری ملت در امر سپردن نیروی نظامی، بمستشاران اجنبی و فرماندهی و سرپرستی قزاقان روسی حکایت میکند و بمدد قانون میل دارد از رسوخ و تسلط خارجی در حیاتی‌ترین امور کشور جلوگیری کند.

انقلاب اجتماعی ایران با شرکت طبقات متوسط تنها بقصد بدست آوردن حقوق سیاسی و آزادیهای عرفی نبود، بلکه مبارزات آنها بمنظور از بین بردن نظام اجتماعی اشرافی و از بین بردن اختلافات فاحش اقتصادی و خارج ساختن کشور از قید استثمار عناصر متنفذ و خانها نیز بوده است و برای در هم شکستن اختلافات طبقاتی و عدم تساوی حقوقی لازم بود اسباب و علل ابتدایی عدم تساویهای اجتماعی که مبنای اقتصادی داشت تغییر داده شود و بطریقی از تمرکز ثروت که بدنبال آن قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی نیز بوجود میآید جلوگیری شود.

همچنانکه در گذشته اشاره کردیم، وضع آشفتهٔ مقررات مالیاتی و وجود عوارض و تعرفه‌های گمرکی غیر عادلانه از عوامل مهمی بودند که زندگی اقتصادی ملت را دچار آشفتگی کرده و بخصوص بازار را از دست بورژوازی تاجر و خرده بورژوازی ایرانی (کسبه و اصناف) خارج ساخته بود و بطور کلی هر روز بطریقی طبقات مختلف اجتماع را از هستی ساقط و مجبور بمهاجرت و ترک تابعیت می‌کرد.

مجموعهٔ علل فوق سبب شد که پس از پیروزی در انقلاب و بدست آمدن حکومت قانون. نگرانی و تشویش طبقات مذکور در چندین ماده از مواد قانون اساسی منعکس شود و اینان باصلاح قانون و بمدد آن در لغو اجحافها و استثمارها بکوشند. وضع مالیاتها و عوارض بموجب اصل ۱۸ قانون اساسی و اصول ۹۴- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- متمم قانون اساسی بنظر وکلای مجلس موکول میشود و از هوسرانی و اجحاف‌های حکام جابر بیرون میآید. دو اصل ۹۹ و ۱۰۰ متمم قانون اساسی با صراحت کاملتری عنوان می‌کند که غیر از مواقعی که قانون بصراحت معلوم بدارد بهیچ عنوان نباید از

ملت چیزی مطالبه شود، دریافت انعام و مرسومات و پیشکشیها از طرف دولت بموجب قانون منسوخ میگردد.

واکنش نارضایی از اختلاف طبقاتی فاحش و مبارزهٔ طبقات متوسط را با نظام اشرافی عصر در اصل ۸ و اصل ۹۷ متمم قانون اساسی میتوان دید که با صراحت کاملی عموم ملت را در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق قرار میدهد.

واکنش نارضایی ملت، در برابر تعدیات مستبدان زمانه و فقدان تأمین جانی و مالی که در سه اصل ۱۵ و ۱٦ و ۱۷ متمم قانون اساسی منعکس شده است، نشان میدهد که چگونه ملت خواستار بوده است ملک و اموال خود را از تصرف غاصبانه حکام و خانها و هیأت حاکمه مصون دارد. و نیز میتوان با توجه باصول ۲٦ و ۲۷ متمم قانون اساسی و مواد و اصول دیگر آن دریافت که چگونه ملت از تمرکز قدرت در دست فردی واحد و سپردن امور دولت بافراد معین و مظالم و بیدادگری ناشی از این نوع حاکمیت بجان آمده و در پرتو قانون قوای مملکت را ناشی از ملت دانسته و با تفکیک آن بسه قوه مجریه، قضاییه، مقننه، سلطنت را مقید و محدود بشروطی میسازد و بمدد اصل ۵۹ متمم قانون اساسی از مداخلهٔ شاهزادگان بلافصل در امور حساس مملکتی چون وزارت و وکالت و جز اینها جلوگیری میکند.

اصل ۵٦ قانون اساسی با وضوح بیشتری نارضایی طبقات متوسط را از مخارج سنگین و کمرشکن دستگاه سلطنت وقت و اسراف و زیاده‌رویهای هیأت حاکمه در آن زمان منعکس میسازد.

باید دانست که متمم قانون اساسی بنابمقتضیات زمان در دو نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان تغییراتی حاصل کرد. از آن جمله:

مجلس مؤسسان مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰٤ هنگام انتقال سلطنت از خاندان قاجاریه بخاندان پهلوی، اصول ۳٦ و ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی را بموجب مادهٔ واحده ملغی ساخت، همچنین در مجلس مؤسسان دیگری که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت اصل ٤۸ قانون اساسی تغییر یافت و بموجب آن حق انحلال مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه یا هر دو را در آن واحد باعلیحضرت پادشاه وقت تفویض کرد و اصل ٤۸ و هر یک از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱٤ ذیقعدهٔ ۱۳۲٤ ه.ق و متمم آن که مخالف‌مقررات‌اصل ٤۸ قانون‌اساسی شده‌باشد نسخ گردید.

فصل چهارم

تأثیر و اهمیت گروهها و طبقات اجتماعی ایران درانقلاب مشروطیت

منشأ انقلاب و جنبش ملتها برای کسب آزادی و برقراری حکومت ملی و آزاد را باید در نارضایی مردم از مظالم حاکمیتهای مطلق و قدرتهای متعدی سیاسی و نبودن مساوات اجتماعی و اقتصادی جستجو کرد. در پاره‌ای از موارد نیز انقلاب و مبارزه بمنظور تأمین استقلال و بر ضد قدرت و حاکمیت اجنبی صورت پذیرفته است.

در پیدایش انقلاب مشروطهٔ ایران و تبدیل حکومت از استبداد بمشروطیت هم عوامل فوق و هم عوامل دیگری مؤثر بوده است. مقام سلطنت در ایران قبل از مشروطیت تنها قدرت سیاسی محسوب میشد و قوای مختلف مملکتی، «قوه مجریه» و «قوهٔ مقننه» و «قوهٔ قضائیه» از یکدیگر منفک نبوده و این هر سه قوهٔ در شخص سلطان وقت جمع بود. با اینکه در اواخر نیمهٔ دوم قرن سیزدهم تأسیس مجلس شورای دولتی بسبک دول غربی در ایران معمول گردید ولی از آن نظر که وزیران و هیئت دولت در عمل مغلوب ارادهٔ سلاطین بودند قدرتی که بتواند موجبات محدودیت و تعدیل قدرت مطلق سلطنت را فراهم سازد وجود نداشت.

حکومت استبداد و مالکیت تاج و تخت در تحت عنوان ظل‌الله امکان اعمال هر نوع قدرت را بسلاطین می‌بخشد، از سوی دیگر فرمانروایان استانها و شهرستانها که از شاهزادگان، پسران و برادران شاه تشکیل میشد، در اغلب موارد سدی در راه برقراری حکومت قانون بود در انتخاب هیأت وزراء و حکام موضوع اطلاع و تخصص و صلاحیت در میان نبود، بلکه بموجب یک قاعدهٔ کلی مقامات کشوری و لشکری مورد معامله قرار میگرفت. از میان شاهزادگان و خانها و بزرگان و گاهی طبقات دیگر هر

فردی که میزان پیشکشی‌های تقدیمی را بالاتر میبرد، و یا برای اجرای نقشه‌های قوهٔ مرکزی قابل اعتمادتر بود بحکومت نواحی مختلف مملکت و حتی بمقام وزارت و صدارت عظمی میرسید. حاکم هر ایالت با پرداخت مالیات بدهی آن شهر که برحسب معمول در کتابچه‌های مخصوصی ثبت میشد میتوانست فرمان حکومت را دریافت دارد و بموجب آن در محل مأموریت خود چون شاه کوچکی حاکم مطلق باشد، و با افزودن میزان هدایا و پیشکشی‌های سالانه بشاه و وزراء و سایر رجال نیرومند مرکز از عزل خود جلوگیری کند و با استبدادی مطلق بفرمانروایی بپردازد حکام مزبور هزینهٔ تحصیل مقام و قدرت خود را برحسب معمول ضمن وصول مالیات و از طرق مختلف دیگر که تحمیل آن منحصراً بر گردهٔ کارگران و روستائیان و طبقات پائین بود تأمین می‌کردند.

فقدان ترتیبات و اصول قانونی و اخذ مالیات، بحکام محل آن قدرت را می‌بخشید که علاوه بر میزان مالیات ممیزی شده در دفاتر مستوفیان با اعمال جابرانه وجوهی تحت عناوین مختلف بنفع خود دریافت دارند و از این راه هزینهٔ هدایا و پیشکشی‌های موظفی خود را از ملاکان و سرمایه‌داران محل مأموریت خود مطالبه نمایند، در این سلسله مراتب قدرت، طبیعی است که ملاکان و سرمایه‌داران نیز فشار افزایش مالیات و عوارض را بر طبقات ضعیف‌تر تحمیل خواهند کرد و این طبقات بودند که می‌بایست سنگینی و فشار کسر در آمد و ریخت و پاش خزانهٔ مملکت را تحمل می‌کردند، بعبارت دیگر اصناف و پیشه‌وران و روستائیان قربانی این گونه نظام بودند.[1]

۱ـ بعنوان نمونه آن چه سرپرسی سایکس در مورد استان خراسان گفته است نقل میشود: جمع مالیات و عواید در این ایالت در سال ۱۹۰۵ میلادی بالغ بر ۱۳۷۷۱۳ لیره و ۳۱۷۷۸ تن غلات بوده است، و از این مقدار مالیات جنسی مقداری صرف جیرهٔ قشون میشده است و فقط ۱۱۶۰ تن برای فروش باقیمانده است، والی خراسان مبلغی در حدود سی هزار لیرهٔ انگلیسی بیش از حد نصاب مالیات خراسان جمع میکرده است و از این مبلغ ۱۴ هزار لیره سهم شاه و ۶ هزار لیره بعنوان پیشکش بصدراعظم میپرداخته است بدینطریق ده هزار لیره باقی میماند که بین وزیر و والی تقسیم میگردد ولی باید دانست که این مبلغ فقط چند صدم منافع والی بوده است و برآن منافع دیگری از جمله ارقام زیر باید افزوده شود

الف ـ چند درصد از حقوق کلیهٔ مستمریات نقدی بعلاوه ۲۰ درصد از وظایف و انعامات جنسی

←

بدیهی است حرص جمع در آمد و اندوختهٔ بیشتر در نزد حکامی که وضع اجتماعی و مقام آنها متکی بر اصل دریافت و پرداخت رشوه و اخاذی و بعبارت دیگر خرید و فروش مقام با منافع سرشار اتکا داشت، مسئله تضاد و اصطکاک منافع آنها را با طبقات مردم بوجود میاورد و چون مرجع صالح و دادگاهی برای رسیدگی بشکایات وجود نداشت، برحسب معمول خلافکاریها و ظلم و تعدی حکام مأمورین مالیاتی نسبت بمظلومین و ستمدیدگان مورد باز خواست قرار نمیگرفت.

نتیجهٔ این سیستم غارت و زورگویی بخصوص در اوایل قرن چهاردهم هجری که دوران تهی بودن خزانهٔ مملکت و افزایش مخارج فوق‌العاده دستگاه حکومت بود سبب ازدیاد روزافزون میزان مالیاتها و وضع عوارض مختلف و حقوق گمرکی جدید شد و آن هم بنوبهٔ خود موجب آن گردید که در انقلاب مشروطیت ایران چون انقلاب کبیر سیاسی و اجتماعی فرانسه پریشانی وضع مالی حکومت و نحوهٔ وصول مالیاتها و تحمیلاتی که از طرف حکام و مأمورین مالیاتی بمردم میشد نقش و اثر مهمی داشته باشد. محرومیت طبقات پائین اجتماع از حقوق انسانی همراه با بیم متفکران از خطر زوال استقلال مملکت بسبب نفوذ اجنبی رفته رفته موجب اتحاد و بستگی طبقات مختلف شهرنشین بر ضد حکومت زور و نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران گردید.

شبهه‌ای نیست که نارضایی از حکومت و بجان آمدن از نابسامانی اوضاع در

→

ب ـ منافعی از محل دادگستری

ج ـ منافعی از حکومتهای کوچک و بخشداریها و دیگر مشاغل، چنانکه شخصی مبلغی میپرداخت تا به شغلی منصوب گردد، چند ماه بعد او را از آن کار منفصل مینمودند و جانشین او مبلغی برای همان شغل می‌پرداخت و امید داشت که آن پست را مدتی کوتاه نگاهدارد.

د ـ مزدهای حاصل از طریق گسیل کردن مأموران مخصوص برای تحقیق و بازجویی در مورد شکایات واقعی یا ساختگی. حکام محلی از ترس مبالغ زیادی باین مأموران می‌پرداختند و آنها هم بنوبهٔ خود میبایست آن پول را بارباب‌های خود می‌پرداختند فقط صدی چند آنرا برای خود نگاه میداشتند

هـ ـ تمول‌های بادآور همچون بهنگام مرگ ثروتمندان، استانداران یا فرمانداران بزور مبالغ زیادی از وراث میگرفتند.

میان همهٔ طبقات محروم از حقوق اجتماعی پدیدار بود، ولی در کشوری که اطاعت افراد از حکومت وقت براساس اعتقاد بمنزلت ظل اللهی مقام سلطنت استوار بوده است، تمایل بتغییر رژیم و قبول مشروطه مخصوص طبقاتی بود که باصول حکومت دمکراسی و آزادیخواهی آشنایی داشتند و با علم به چنین اصولی در نهضت مشروطیت و انقلاب آزادیخواهان شرکت جستند و چنانچه شرح آن خواهد آمد با سمت رهبری گروههای ناراضی ملت، ایران را از حکومت استبدادی بسوی سلطنت مشروطه سوق دادند.

بشهادت تاریخ رهبری انقلاب را اقلیت روشنفکر که سالها شیفتهٔ تمدن غرب و از تربیت یافتگان معارف و مکاتب آزادیخواهی باختر زمین بودند بهمراهی و کمک دو طبقهٔ موثر اجتماع یعنی روحانیان و بازرگانان بعهده گرفت و با مساعی و از خود گذشتگی طبقات متوسط و تودهٔ مردمی عامی که بدرستی معنی و مفهوم حکومت مشروطه درک نمیکردند ولی از اوضاع آشفتهٔ زمان و مظالم طبقهٔ حاکمه بجان آمده بودند نهضت مشروطیت برقرار شد. و ما در این فصل بذکر مختصری از نحوهٔ فعالیت و تأثیر هر یک از طبقات و گروههای اجتماعی و سهمی که در جنبش مشروطه در ایران داشته است میپردازیم:

تأثیر روشنفکران

گسیل داشتن دانشجو بخارج از کشور بر اثر احتیاج به متخصصان و آشنایی با مدنیت غربی و تأسیس سازمانهای فرهنگی بسبک جدید در ایران، گروه خاصی را در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ه.ق در ایران بوجود آورد که روشنفکران باشند.

پیش از تأسیس دارالفنون، بهره‌مندی از تمدن غرب آغاز گشت، علوم جدید هم مانند علوم قدیم تا پیش از تأسیس دارالفنون،خاص اشراف درباری و سرمایه‌دارانی بود که توانایی و امکان تحصیل در خارج از کشور را داشتند ولی پس از پدید آمدن دارالفنون و امکان ورود دانشجویان با استعداد از هر طبقه بآن موسسه و بدنبال آن تأسیس مدارس جدید دیگری که از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه از طرف ایرانیان و بعضی اقلیتهای مذهبی ایجاد گشت، نه تنها قسمت مهمی از حوزهٔ تعلیم از مساجد و مدارس قدیم و در نتیجه از نفوذ روحانیان قشری خارج گشت و مقدمات تحول تمدن روحانی و درهم

شکسته شدن تسلط عقاید و سنتهای مذهبی بر کلیهٔ شؤن علمی و قضایی تهیه شد، بلکه تشکیل نیروی فعال جدیدی در صحنهٔ سیاست مقدور شد و گروه روشنفکران به گردانندگان چرخ مشروطیت پیوستند.

در ایران پیش از مشروطیت روشنفکران (صاحبان مشاغل تخصصی عالی چه از طبیب چه مهندس و حقوق‌دان و خواه نویسندگان و دانشمندان) که تحت تأثیر تمدن و فرهنگ جدید تعلیم یافته باشند بشماره قلیل بودند و قسمت ناچیزی از طبقهٔ متوسط را تشکیل میدادند، با اینهمه باید اذعان کرد که بیداری و آگاهی ملی در آغاز بصورت فعالیت گروه روشنفکران چه در ایران و چه از خارج از ایران ظاهر شد، این گروه گرچه از لحاظ کمیت قلیل بودند ولی از نظر کیفیت مؤثرترین و مهمترین نیروی موافق و عامل سازندهٔ جنبش و انقلاب مشروطیت بشمار رفتند.

سهم مؤثر و مهم اقلیت روشنفکران را در زمینهٔ تحولات اجتماعی و سیاسی که از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و بخصوص در اوائل قرن چهاردهم هجری در ایران پدید آمده است باید عامل اساسی بشمار آورد و ما در فصل دوم از این بخش بطور اختصار بعواملی که موجبات بیداری و نهضت فکری ایرانیان را بدست اینگروه فراهم ساخت اشاره کرده‌ایم. بنابراین تاریخ فعالیت روشنفکران و مبارزهٔ دامنه‌دار آنها با عناصر ارتجاعی و استبداد بخاطر کسب حکومت مشروطه و تحول بیسابقه و عمیقی که در نتیجهٔ فعالیت این گروه در نحوهٔ حکومت مطلق ایران بوجود آمد سابقه‌ای طولانی‌تر از سایر طبقات اجتماعی ایران دارد و بحق باید گفت که سهم و ارزش واقعی این نیرو با توجه به فعالیت آنها برای در هم شکستن سنن و آداب کهن و مقابلهٔ آنان با دشواریها و موانعی که بقیمت از دست دادن جان و مقام و وضع احتماعی آنها تمام میشده است عظیمتر و مؤثرتر از عوامل دیگر سازندهٔ نهضت چون روحانیان و بازرگانان بوده است.

در تاریخ تحول حکومت و رژیم جدید ایران بحق باید گفت فشاندن بذر آزادیخواهی و هوشیاری ملی و تهیهٔ زمینهٔ مساعد انقلاب در عصری که استبداد بحد شدت خود بود و هر گونه فعالیت بمنظور رشد فکری و آگاهی تودهٔ مردم در خفا و نهان صورت میگرفت خاص گروه روشنفکران بوده است، تشکیل انجمنها، انتشار روزنامه‌ها که از ارکان مهم مشروطیت گردید و مندرجات آن از اخبار سیاسی دولتهای متمدن و انتقاد و استهزای اوضاع وقت ایران بود بیشتر بقیمت تبعید و حبس و شکنجه و در

پاره‌ای موارد بقیمت جان اقدام کننده تمام میشد.

از بررسی وقایع اجتماعی ایران‌ازسال« ۱۲۶۵هـ.ق» ببعد که نشان دهندهٔ بیداری ایرانیان و شروع باخذ تمدن و علوم جدید است معلوم میشود که مسبب پیدایش آن رجال روشنفکر بودند، روشنفکرانی که پاره‌ای از آنها با تصدی مقامات مهم صدارت و وزارت و نمایندگیهای سیاسی در زمان کوتاه زمامداری خود بر رغم محدودیت وسایل و کارشکنی دولتهای خارجی که برای هر نقشهٔ اصلاحی در ایران بمخالفت برمیخاستند توفیق حاصل کردند.

خدمات میرزا تقی‌خان امیر کبیر و میرزا حسینخان سپهسالار و همچنین میرزا علیخان امین‌الدوله و دیگر وزیران آزادیخواه در زمان تصدی مقامات دولتی و صدارت عظمی، در زمینهٔ اصلاحات فرهنگی با تأسیس مدارس و انجمن معارف و سعی در تربیت عامهٔ مردم و هوشیار ساختن آنها با ترویج جرائد و تأمین آزادی نسبی مطبوعات، همچنین اصلاحات اداری مخصوص در زمینهٔ تشکیلات قضایی و دارائی مملکت و ترویج صنایع جدید و اصلاحات مختلف دیگر که برنامهٔ آن بر اساس محکمی تدوین و آغاز شده بود در عین آنکه نور ضعیفی از علم و آزادیخواهی در بین طبقات مردم و حتی دربار پرتو افکن ساخت موجبات مخالفت معاندان و رجال کهنه‌پرست سودجو را فراهم کرد. و دسته‌های مختلفی از مردم بخصوص مذهبیان قشری که تجدد در شؤن و رسوم مملکت را مغایر استقلال ملک و مخالف شریعت تلقی کردند با اقدامات مختلفه مانع از اجرای نقشه‌های اصلاح طلبانهٔ رجال ـ روشنفکر گردیدند و با مخالفت خود موجبات برکناری و احیاناً تبعید و قتل آنها را از کار فراهم ساختند.

نکتهٔ شایان توجه در تأثیر فعالیت آزادیخواهان آن است که اینگروه با قدرت روحی فوق‌العاده و با علم و ایمان باصول آزادیخواهی و حکومت ملی بمبارزه پرداختند. استبداد مطلق زمان مانع از اجرای نقشه‌های آنها نگردید. انگیزهٔ آنها در این مبارزات تبدیل حکومت ایران بسلطنت مشروطه مطابق حکومتهای ملی دولتهای غربی و نشر آزادی و تساوی حقوق بود و در این راه استبداد زمان و یا بیم از دست دادن مقام و منزلت اجتماعی در دستگاههای حکومتی مانع از آن نبود که در ضمن تشریح مفاسد زمان و حکومت دربار ذهن اولیای امور را از خلال گزارشهای سیاسی و نامه‌های خصوصی باصول آزادیخواهی و تغییر روش مملکتداری آشنا سازند. مطالعهٔ دقیق این

گزارشها و نامه‌ها که در عین حال از روح شهامت و شجاعت نویسندگان آنها نیز حکایت میکند خالی از لطف نیست و ما در اینجا بنقل مفاد برخی از آن نامه‌ها میپردازیم:

روح آزادیخواهی و قدرت فکری میرزا تقی‌خان امیر کبیر صدراعظم سلطان مستبد زمان، ناصرالدینشاه و میل مفرط او به برقراری انتظامات و اصلاحات اجتماعی بحدی بود که هیبت و عظمت مقام سلطنت مانع از آن نشد که وی در نامهٔ خود بناصرالدین‌شاه او را با این بیان بتکالیف حکومتی متذکر سازد:

«ثانیاً در باب سان سوارهٔ نانکلی، مقرر فرموده بودید که در میدان نمیشود بیرون بروید، اگر آجودان باشی عرض کرده یا خود اختیار فرموده‌اید امر با قبلهٔ عالم است ولیکن باین طفره‌ها و امروز و فردا کردن و از کار گریختن در ایران باین هرزگی حکماً نمیتوان سلطنت کرد... شما باید سلطنت بکنید یا نه؟ اگر شما باید سلطنت بکنید چرا طفره میزنید، هر روز از حال شهر چرا خبردار نمیشوید؟ که چه واقع میشود و بعد از استحضار چه حکم میفرمایید.[۱]

میرزا حسینخان مشیرالدوله که از رجال روشنفکر ایران بود در طی اقامتهای طولانی خود در ممالک خارج بخصوص در زمان تصدی سفارت ایران در عثمانی، تحت تأثیر تحولات تجدد خواهی و حکومت ملی قرار گرفته و اصول افکار سیاسی و نتیجهٔ تجربیات خود را بصورت گزارش‌هایی بدربار ناصرالدین‌شاه و همچنین امنای دربار و دولت ارسال میداشت، این گزارش‌ها در بیداری و تنویر افکار هیأت حاکمه بی‌تأثیر نبوده است. بیشتر گزارش‌های وی مربوط به تحول حکومت و نهضت آزادی افکار و

۱ـ بی‌مناسبت نیست اگر از نظر مقایسه بذکر قسمتی از مفاد نامهٔ جانشین چنین شخصیتی، که بتحریک دولتهای خارجی بر علیه اصلاحات تجدد خواهانه امیرکبیر قدم برداشته و موجبات اختلال امور ایران را فراهم ساخته اشاره کنیم:

میرزا آقاخان نوری «اعتمادالدوله» صدراعظم و جانشین امیرکبیر در تاریخی که شاه برای سان قشون میبایست بمیدان مشق می‌رفت، در عریضه‌ای بحضور شاه معروض داشت «هوا سرد است ممکنست بوجود مبارک صدمه‌ای برسد...» و با این عبارت او را از رسیدگی بأمور کشور بازداشته و باستراحت و تفریح دعوت نمود. نقل از متن نامهٔ میرزا تقی‌خان و میرزا آقاخان نوری ناصرالدینشاه، از کتاب سیاستگران دورهٔ قاجار، صفحات ۱۷ و ۱۸

تمایلات مشروطه‌طلبی در کشور عثمانی است: از آنجمله در گزارش مورخ ۱۹ ذیعقدهٔ سال ۱۲۸۳ قمری، مبانی حکومت ملی و نهضت مشروطیت و خواست ملت عثمانی را دربارهٔ انعقاد مجلس شورای ملی بدینطریق تشریح می‌کند.

«سلاطین عثمانی در هیج عصر و ایام مردمان عاقل مدبر که از عهدهٔ مملکت‌داری توانند بر آیند نبوده‌اند، ولکن وکلای مدبر و عاقل همیشه وجود داشته‌اند و ادارهٔ مملکت در عهدهٔ آنها بوده است، و سلاطین را از اسراف منع نموده و خزانهٔ دولت را معمور نگاه میداشته‌اند، وکلای حاضر چنانکه باید در مقابل اوامر و خواهشهای سلطان مقاومت نمتوانند، و روزبروز کار ملت عثمانی عقب افتاده عوض اینکه اداره شصت کرور عبادالله و سرنوشت همهٔ آنها درید قدرت چهار، پنج نفر وکلا است، بهتر نمیشود که در دست سیصد یا چهارصد نفر مبعوثان ملت بیفتد، وکلای دولت در نزد مجلس «پارلمنت» مسئول و مؤاخذ باشند و افعال ایشان محل ایراد و تحسین عمومی واقع شود و اگر خطایی کردند، این دسته معزول و دستهٔ دیگری روی کار آمده، مشغول خدمت دولت و ملت گردند، اگر قرار بشود که اشخاص معدود همیشه تا زنده‌اند در سر کار باشند و دولت را بقول خود قرار بدهند، سایر مردم بچه امید خدمت خواهند نمود، و این بلیه بطور عمومی شده است، که در مجلس و محفل جمیع طبقات تبعهٔ عثمانی بجز ذکر این فقرات حرفی گفته و شنیده نمیشود.[۱]» و نیز مطالعهٔ مفادنامهٔ[۲] میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله که یکی از روشنفکران و رهبران نشر فکر آزادی است و در تاریخ ۱۳۰۶ هـ.ق در عین شدت حکومت استبداد، بمظفرالدین میرزا ولیعهد، معروض داشته است شایان تأمل است و ما در اینجا به برخی از مطالب آن اشاره میکنیم میرزا یوسف‌خان ضمن انتقاد از اوضاع وقت در نامه‌ای بحضور مظفرالدین میرزا، افکار خود را دربارهٔ اصلاح مملکت و لزوم حکومت قانون چنین توضیح میدهد:

«رفع خطرات و چارهٔ اشکالات ایران را بهمین دو کلمه میتوان اصلاح نمود: باید از اعمال گذشته چشم پوشید و شروع بتأسیس قوانین تازه نمود.» برای متذکر ساختن اشتباه درباریان و وزراء که مورد طرفداری آنها از وضع موجود و استبداد و

۱ـ از کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، صفحه ٦٤

۲ـ از کتاب بیداری ایرانیان، تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی، صفحات ۱۷٦ تا ۲۰٤

مخالفت با اصلاحاتی که متقدمان روشن فکر در اتخاذ اصول جدید مملکتداری و حکومت قانون کردند چنین بیان می‌کند «والا باین حال باشتباه وزراء و درباریان دولت از حیز امکان و قدرت انسان بطور یقین خارج است که بتوان عظمت و اقتدار سلطنت قدیمهٔ ایران را در این دو روزمان مجدداً بوسایل نیاکان خود در خارجه و داخله مملکت نگاهداری و حفظ نمود» در جای دیگر از همین نامه لزوم وضع قانون و اجرای آن را در مملکت با این عبارات متذکر میگردد: «پس بعهدهٔ مأمورین سیاسی و ملکی است، همیشه بر وفق مقتضای عصر و احتیاج زمان رفتار نموده، هفته‌ای یکروز بمفاد آیه کریمه «وشاورهم فی‌الامر» با توافق یکدیگر از روی حقیقت در تصفیهٔ امور دولت و ملت شور نمایند، زیرا از بدیهیات است، احکام خداوندی در هر دین واضح و آشکار است و حق آفتابی است علی‌السویه عالم را روشن و نورانی میکند و پوشیدن آن در میان هیچ ملت ممکن نیست، پیر غلام شاید بقدر کفایت از احکام قرآن مجید و احادیث نبوی «ص» اطلاع داشته باشد. شریعت مطهرهٔ اسلام ابداً منافی قوانین عادلانه نیست خاطر مقدس بندگان اقدس امجداسعدوالا، روحنافداه را از پیش آمد امور روزگار مطلع مینمایم که با این ترقیات فوق‌العاده اروپائیان چندی نخواهد گذشت، موقع حال اهالی ایران مقتضی آن خواهد شد که لابد و لاعلاج دولت ایران در سخت‌ترین روزگار در عداد دول Costitution برمیآید و باقتضای ملک و مملکت مناسب وضع و طبایع مواد قانون را مجری مینماید و نتیجه معتنابه حاصل میکند، این ممالک وسیعه و اهالی و ملل متبوعه در اجرای قانون بیک اسم و بیک چشم در تحت بیرق وطن پرستی میآورد و احکام عادلانه حریت افکار و مساوات حقوقیه را جاری نموده، دیگر گوش بسخنهای واهی نمیدهد، چون پیش آمد کار از آینده خبر میدهد، لهذا بشخص حضرت اعظم والاروحنافداه، واجب و متحتم است که قلب مبارک شاهنشاه اسلام را بعرایض صادقانه از استنباطات مزورانه درباریان آگاه نمایند که جد و جهدایشان برای منافع دو روزه خودشان است، نه از برای قوام سلطنت ایران» و نیز در خاتمهٔ نامه درباره لزوم مساوات و برابری سیاسی چنین متذکر میشود: «عموم طبقات باید در امور خیر و شر مملکت سهیم و شریک باشند» از جملهٔ حقوق بشری آزادی قلم و بهره‌مندی از معارف را توصیه مینماید: «باید آزادی قلم داده شود و در نشر معارف و تأسیس مدارس جدید جد بلیغ نمایند، و برای بار آوری درخت مساوات بیشتر از همه واجب است، بدیوانخانه‌های عدلیه

و ملکیه و محکمه نظم درست داده شود که بر طبق آن قوانین عادلانه، مال و مکنت جمیع تبعه، بلاتفاوت و بدون توفیر و ملاحظه مصون از تعرض داخله و خارجه باشد، آنوقت خود دولت در دایر نمودن بانک، ایجاد کارخانجات، کشیدن خطوط راههای آهن ؛ از مکنت و ثروت اهالی وطن محتاج بدیگران نخواهد شد.»[1]

آثار قلمی و نوشته‌ها و رساله‌های آزادیخواه معروف، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و تعالیم وی اثری عمیق در افکار دیگر روشنفکران، خواه رجال سیاسی دربار، خواه روحانیان و تحصیل کردگان آن عصر داشته است، نامبرده بحق مکتبی بوجود آورد که اکثر آزادیخواهان آنعصر از پرورش یافتگان آن بشمار می‌آمدند. تشکیل اولین مرکز تجمع سیاسی «فراموشخانه» و وحدت و توافق فکری روشنفکران بمنظور طرح مشترک و منظم برنامهٔ اصولی حکومت قانون در ایران بتوسط میرزا ملکم‌خان و پس از آن از طرف پیروانش بنام «جامع آدمیت» و تأثیر مهمی را که این مجامع در بیداری طبقات خاصی از مردم داشته است، بجای خود از مهمترین و شایسته‌ترین خدمات گروه روشنفکران به برقراری حکومت مشروطه باید دانست. تجمع اقلیت روشنفکران فوق، مقدمهٔ تأسیس مجامع و انجمنهای سیاسی دیگری در آغاز انقلاب و پس از اعلام مشروطیت گردید که فعالیت اعضاء آن برهبری تحصیل کردگان آزادیخواه در قیامهای ملی تأثیر بی‌اندازه داشته است.

در سلسله عوامل و موجبات انقلاب در فصل دوم، از همین بخش بمقام مطبوعات و انتشاراتی که موجب هوشیاری و نهضت فکری عمومی شده است اشاره کردیم و بیان داشتیم که ناشران روشنفکر با قلم سحرآسای خود بتهیهٔ مندرجات تند و انتقادی روزنامه‌ها و سایر انتشارات انقلابی پرداختند و بدین وسیله نهال انقلاب را مدتی پس از انقلاب تاریخی ۱۳۲٤ هـ.ق« ۱۹۰٦ میلادی»نشاندند، انتشار اصول افکار سیاسی پیشروان نهضت آزادی خواهی که بصورت رساله‌هایی مدون شده بود[2] در مجامع و

۱ـ برای اطلاع از متن کامل نامه، بکتاب بیداری ایرانیان، صفحات ۱۷٦ تا ۲۰٤ رجوع شود.

۲ـ مانند رسالهٔ یک کلمه، تألیف میرزا یوسف‌خان ستشارالدوله، سیاحتنامه ابراهیم بیک و رساله‌های میرزا ملکم‌خان:

انجمنهای مخفی که مقارن انقلاب بوجود آمده بود بهترین وسیلهٔ راهنمایی و بیداری و تحریک توده‌های مختلف مردم واقع میشد و با نشان دادن راه و اسلوب صحیح حکومت بافکار و خواسته‌های انقلابیها وحدت و هماهنگی می‌بخشد.

اقلیت محدود تحصیل کردگان در انقلاب مشروطیت از آن جهت که مظهر اصلاحات اروپایی و علوم جدید بودند از حمایت طبقات عامی و تودهٔ ملت برخوردار نبودند، و با اینکه مخالفان انقلاب برای خنثی کردن فعالیت این اقلیت با نسبت بیدینی و طبیعی‌گری و بابیگری بمبارزه برخاستند و بدینوسیله از وجههٔ ملی آنها میکاستند باز هم قدرت معنوی و حسن تدبیر آنها در مبارزهٔ مشروطیت اثری غیر مستقیم ولی عمیق در میان طبقات مختلف داشته است و علاوه بر اینکه در «نهضت فکری نیم قرن پیش از مشروطیت» بحق این گروه عامل اصلی بوده‌اند در قیامهای ملی سالهای ۲۳ و ۲٤ ه.ق با نقش رهبری و مدیریت پنهانی و علنی اثر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

پاولویچ در بیان شرکت طبقات مختلف ملت در جنبش ملی، بسهم قابل توجه دانش‌جویان ایرانی نیز اشاره نموده و معتقد است: صفوف مقدم تظاهرات خونین سال ۱۹۰۶ میلادی را جوانان و دانشجویان مدرسهٔ پلی تکنیک و دانشکدهٔ فلاحت و مدرسهٔ علوم سیاسی تشکیل میداد، شور و هیجان ملی برای کسب آزادی در میان نسل جوان بپایه‌ای بود که توان گفت گروه بسیاری از دانشجویان ایرانی مقیم ممالک فرانسه و انگلستان و بلژیک تحصیل خود را ترک کردند و برای شرکت بر ضد اصول ادارهٔ مدرس قدیمی مملکت بایران بازگشتند.[1]

سهم تحصیل کردگان را در تدارک نظامنامهٔ انتخابات و مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن نادیده نمیتوان گرفت.

افراد کمیتهٔ وضع قانون انتخابات بوظیفهٔ خطیر خود در برابر مساعی و جانبازی انقلابیها در سالهای پر تشنج انقلاب، با احاطه و اطلاع کاملی که در علم حقوق و مسائل حکومت ملی داشتند، آگاه بوده و با گنجاندن لفظ Constitution در فرمان و دستخط مظفرالدین شاه قدرت را از دست درباریان خارج ساختند.

سازش و اتحاد دو نیروی مؤثر روحانیان و روشنفکران در انقلاب ملی ایران با سابقهٔ مخالفت اصولی که در اجرای برنامهٔ واحد تمدن و علم جدید از ابتدای شروع آن

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران تألیف پاولویچ

در عهد ناصرالدین شاه با یکدیگر داشتند، در تاریخ تحول حکومتهای ملی از لحاظ شرکت طبقات اجتماعی با تضاد هدفها شایان توجه است و وجه تمایز انقلاب ایران از جنبشهای تاریخی آزادیخواه دنیا در قرن نوزدهم میباشد. روشنفکران که بمنظور حفظ حقوق اساسی و آزادی فرد با حکومت استبداد بمبارزه برخاستند حصول منظور خود را در تقسیم قدرت دولت و تفکیک و انفصال قوا در لوای حکومت مشروطه بسبک دولتهای غربی میدانستند و یکی از شرایط پایداری و استقرار حکومت ملی را در محدود ساختن قدرت روحانی و تفکیک آن از قدرت دولت می‌شمردند و این منظور در تنظیم و اجرای برنامه‌های اصلاحی بدست بعضی از رجال روشنفکر دوراندیش هشیارانه پیش‌بینی شده بود، و حال آنکه روحانیان بخاطر کسب قدرت بیشتر و مداخلهٔ روزافزون در امور سیاسی مملکت در انقلاب شرکت کردند و ما در تأثیر روحانیان روشن خواهیم ساخت که یکی از علل شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت تمایل ضد اجنبی بوده است، باید متوجه بود که تنها محدود ساختن نفوذ اقتصادی دولتهای خارجی منظور نظر نبوده است، بلکه بیم روحانیان بیشتر از بسط نفوذ تمدن غربی در شؤن معنوی و فرهنگی و اجتماعی مملکت بوده است ؛ و حال آنکه اهتمام روشنفکران در انقلاب مصروف و معطوف این بود که جنبش را بمسیر طبیعی هدایت کنند و اصول حکومت دمکراسی را که موافق اخذ فرهنگ و تمدن جدید اروپایی و برانداختن عوامل پذیرش حکومت مطلقه و استبداد بوده است جاری گردانند.

عدم تجانس فکری و مغایرت هدفهای انقلاب کنندگان، بخصوص روحانیان و روشنفکران سبب شد که دوران اتحاد و بستگی ایندو گروه دیری نپاید و پس از تحصیل فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول دوام نیاورد، چنانکه تباین خواسته‌ها و تضاد افکار و سلیقه‌ها در مرحلهٔ تنظیم نظامنامهٔ انتخابات و تدوین متمم قانون اساسی آغاز گشت.

بقول یکی از مؤلفین[۱] «جمعی از آزادیخواهان و اشخاص مطلع مانند صنیع‌الدوله، مخبرالسلطنهٔ، مشیرالملک، محتشم‌السلطنهٔ، بعضی از نظامنامه‌های انتخابات ملل دیگر را ترجمه و تعدیل کردند و نظامنامهٔ انتخابات را ترتیب دادند و حال آنکه دو اشکال برخورد کردند و این اشکال از طرف دو گروه روحانیان و رجال مستبد درباری بود که ولیعهد در باطن در رأس آنها قرار گرفته بود، روحانیان چنین نظر داشتند

۱ـ از تاریخ معاصر دولت‌آبادی صفحه ۸٦

که از بابیهای ناصرالدینشاهی یعنی منورالفکران و بی‌اعتقادان بروحانی نمایان کسی داخل مجلس نشود و منظور رجال مستبد این بود که قوای مملکت فقط در تحت ارادهٔ شاه باشد و تجزیه نگردد.» و نیز در تأیید اختلاف سلیقهٔ اصولی روحانیان و روشنفکران در مورد تدوین متمم قانون اساسی چند نمونه میتوان آورد.

آزادیخواهان شریعت خواه با اصل هشتم متمم قانون اساسی «اهالی مملکت در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود.» بمخالفت برخاستند و مسئله عدم تساوی مسلمان و کافر ذمی را در مورد حدود ودیه عنوان نمودند و در مورد اصل نوزدهم متمم قانون اساسی «تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.» از آن نظر که تحصیلات اجباری مخالف شرع تلقی شده بود مورد اعتراض روحانیان قرار گرفت و همین گروه در مورد اصل بیستم «عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن ممنوع است.» بمخالفت برخاستند.

مسئلهٔ حاکمیت ملی و شرعی علاوه بر اینکه موجبات تغییر جهت رهبران روحانی و سایر علما و روحانیان را بعد از فرمان مشروطیت فراهم ساخت، در مشروطهٔ اول در درون مجلس نیز بین رهبران جنبش ملی اختلافاتی ایجاد کرد و به تشکیل دو جبهه یکی اقلیت تندرو متشکل از روشنفکران و آزادیخواهان با حمایت انجمنهای ملی و مطبوعات برهبری «سید حسن تقی‌زاده» و دیگری اکثریت برهبری و پیشوایی رؤسای روحانی انقلاب «سید عبدالله بهبهانی» و سایر متنفذان مجلس که از تجار و سرمایه‌داران بزرگ بودند منجر شد و بدین ترتیب اتحاد روشنفکران و روحانیان را بر هم زد و این جدائی در مراحل بعدی و انقلاباتی که منجر باستبداد صغیر و حوادث دیگر گردید مؤثر افتاد.

تأثیر روحانیان

قبل از انقلاب مشروطیت در تاریخ حکومت‌های ایران، مسئلهٔ حاکمیت ملت هرگز در میان نبود، برای قدرت شاهان و سلاطین مبداء «الهی» قائل بودند و در واقع

حکومت را نماینده‌ای از مشیت الهی میدانستند. این اعتقاد موجب نوعی سازش میان دو قدرت مذهبی و سیاسی گردید و این امر بخصوص با ظهور دین اسلام و تمرکز هر دو قدرت دینی و دنیوی در وجود خلفا تقویت شد.

رسوخ احکام و قوانین این شریعت که بجنبهٔ دینی و غیر دینی تقسیم نشده و بر اساس عدالت اجتماعی و مساوات و برابری افراد است و استقرار مقررات آن، با اینکه موجب از بین رفتن اختلاف طبقاتی فاحش رژیم مبنی بر امتیازات نسبی زمان ساسانیان گردید ولی بالمآل نتوانست منشأ تحولی عمیق در نظام سیاسی و اجتماعی ایران گردد. در طول تاریخ ایران با روی کار آمدن تدریجی سلسلهٔ سلاطین بعد از اسلام با اینکه بموجب موازین شرعی بطور کلی رابطهٔ شاه و رعیت باید مبنی بر اساس عدالت و حقوق متقابل باشد، باز هم استبداد شاهان و حکومت اشرافی حکام و ظلم و تعدی مأموران نسبت بطبقات پائین اجتماع تا ظهور مشروطیت ادامه یافت.

طبقهٔ روحانیان ایران که پیرو مذهب شیعه میباشند اعتقاد باین اصل دارند که پیغمبر اسلام «ص» جنبهٔ روحانیت را با رهبری سیاسی و حکومت دینی توأم ساخته و برای رهبری جامعهٔ مسلمانان بامر حق حکومت را پس از خود بحضرت علی (ع) که جانشین منصوص است تفویض کرده است و در تفسیر آیهٔ معروف «اطیعوالله و اطیعواالرسول و اولی الامرمنکم. آیه ٦٢ از سوره نساء» میگویند که اولی‌الامر، امامان و پس از آنها جانشینان ائمه هستند. بنابراین اصل پس از حضرت محمد «ص» حکومت جامعهٔ اسلامی باید بدست حضرت علی (ع) و جانشینان آنحضرت که ائمه اطهار باشند بطور موروثی اداره شود و پس از غیبت آخرین امام در اواخر قرن سوم هجری (نهم میلادی)، در غیاب آن حضرت مجتهدان و فقهای دین سمت رهبری جامعهٔ مسلمانان را بامر خداوند خواهند داشت.

تفسیر اصل امامت مذهب شیعه موجب آن گردید که طبقهٔ روحانی در ایران بسلاطین بچشم غاصب مقام خلافت و حکومت بنگرد و دعوی قدرت و حکومت دنیوی را داشته باشد و خود را حافظ نظم و عدالت اجتماع و حاکم حقیقی بداند. و نیز همین عامل خود سبب شده است که بین روحانیان و تودهٔ ملت که بمعتقدات دینی خود پایبند میباشند یک نوع عاطفهٔ حمایت و طرفداری از یکدیگر در مقابل دولتهای غاصب بوجود آید. قبول اصل اتحاد دو قدرت دینی و دنیوی از طرف روحانیان شیعه و وحدتی که بین

این طبقه با عامهٔ ملت وجود داشت ایجاد یک نیروی مقتدر در برابر نیروی دولتی کرد و در پرتو آن روحانیان موفق شدند که قدرت خود را در امورات سیاسی نیز اعمال نمایند و در جریان وقایع و حوادث تاریخی بنام دین و قوانین شرعی سهمی موثر داشته باشند. حکومتهای وقت نیز از این نیروی مذهبی که اعتماد قسمتی از عامهٔ ملت را پشت سر داشت و در واقع با داشتن حق اختیار و تصرف در حصهٔ بزرگی از مالیات اسلامی که از منابع مهم در آمد ملی میتوانست محسوب شود برحسب معمول عموم مردم با میل و رغبت بروحانیان میپرداختند در باطن ناراضی بودند و دخالت روحانیان را در امور مملکت سدی در برابر نقشه‌های اصلاحی خود می‌دانستند. در بررسی وقایع تاریخی در پاره‌ای از موارد بطور استثناء بر میخوریم باین که دولتهای وقت بنا بمقتضیات زمان و عواملی چند از برای پیشرفت مقاصد خویش از این نیروی متشکل مذهبی استفاده نموده و ببرزگداشت و حمایت آنها مبادرت ورزیده در نتیجه موجبات اقتدار زیاد آنها را در جریان سیاست مملکت فراهم ساخته‌اند، از موارد استثنائی که بگذریم سلاطین بنا بمصالح وقت و در پرتو تمرکز قدرت کوشیده‌اند از اعمال قدرت و مداخلهٔ بیش از حد این طبقه در صحنهٔ سیاست و امور دیگر جلوگیری نمایند، در اینجال و در چنین موارد آن تضاد باطنی بصورت تصادم آشکار و علنی بین دو قدرت دولتی و دینی خودنمایی و جلوه‌گری نموده است، نمونهٔ این تصادمات و مبارزات بین دو نیروی دولتی و روحانی را می‌توانیم در حوادث مهم تاریخی ایران از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ه.ق و طی تحولاتی که در شؤن سیاسی و اجتماعی ایران مقارن انقلاب مشروطیت روی نموده است بآسانی باز یابیم:

از جمله علل مهم این تضاد و مقابله آشکار در انقلابات اخیر ایران با وجود معتقدات قوی که ظاهراً شاهان و پاره‌ای از درباریان نسبت بمسایل دینی و اصول مذهبی خود داشتند و احترام بشعایر مذهبی را رعایت میکردند. اختلاف و دودستگی جامعهٔ روحانیت آن زمان بر سر مسایلی چون ریاست جامعهٔ روحانیت و منافع مادی حاصل از تولیت موقوفات معتبر بوده است. بعبارت دیگر تضاد و اختلاف داخلی طبقهٔ روحانیان و جانبداری و حمایت پاره‌ای از آنها از اعمال و نیات هیأت حاکمه وقت، موجبات وارد ساختن اهانت و تضییقاتی از طرف هیأتهای حاکمه نسبت بعده‌ای از روحانیان را فراهم

ساخت[1] و سبب شد که در بحرانهای تاریخی و انقلاب مشروطیت ایران این دو نیرو در صف برابر یکدیگر قرار گیرند.

روحانیان، همچنانکه اشاره شد نفوذ شدید در میان عوام داشتند، قدرت و اعتبار آنها پس از روی کار آمدن سلسلهٔ صفویان که سلاطین آن خود از میان این طبقه برخاسته بودند، افزایش یافت و پاره‌ای از آنها در نتیجهٔ تصدی موقوفات و منافع حاصل از تیولداری در صف متعینین و مالکان بزرگ در آمدند و این وضع را کمابیش در دوره قاجاریان نیز حفظ نمودند.

باید دانست همکاری دو قدرت دینی و دنیوی که در زمان سلطنت صفویان بحد شدت خود رسید پس‌از روی کار آمدن جانشینان صفویان بتدریج کیفیت خود را از دست داد، چنانکه در انقلاب مشروطیت، روحانیان بعللی چند بر ضد سلاطین وقت و استبداد زمان و مفاسد درباریان و مهمتر از آن در مقابل نفوذ اجنبی در شؤن مملکت قیام کردند. با اینکه برخی از روحانیان متعین بخاطر تنعم و بهره‌مندی از دستگاه حکومت وقت در باطن با انقلاب مخالف بودند و در حفظ سنن پافشاری میکردند، و عده‌ای دیگر نیز بسبب محافظه‌کاری جنبه بیطرفی را برگزیده بودند. باز هم اکثریت پیشوایان و علماء با توجه به بیداری طبقات مختلف مردم و نارضایی از اجحافات دستگاه حاکمه، بخصوص نفوذ بیگانگان مداخله خود را بطور مؤثر و قاطعی در جریانات وقایع سیاسی و جنبشهایی که بمنظور برقراری عدالت و قطع دست اجنبی از شؤن مملکت روی داد آغاز کردند و وظیفهٔ خود را با حصول موفقیت و گرفتن فرمان مشروطیت انجام دادند.

حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی، با حکم بحرمت استعمال دخانیات اولین قدم را از طرف روحانیان بر ضد تسلط و استثمار خارجی برداشت و چون باو تکلیف شد که بمنظور رفع حرمت استعمال دخانیات یا در ملاء عام غلیان بکشد یا از ایران خارج شود، وی با قبول شق دوم شور و هیجان خاصی در مردم بوجود آورد، و موجبات وحدت طبقات ملت را فراهم کرد. روحانیان بحمایت از منافع صنفی تجار در ضمن ارسال تلگرافاتی چند بتوسط پیشوایان خود بشاه وقت و متذکر ساختن زیانهای ملی ناشی از اعطای امتیازات خارجی، همچنین با تشکیل دسته‌هایی منظم از علماء و طلاب، با

۱- رجوع شود بفصل سوم این مجموعه

تظاهرات دامنه‌دار و وسیع و شعارهای مذهبی قوه و قدرت ملی را در مقابل قدرت دولتی که تا این تاریخ مطلق العنان بوده و تالی نداشت نمودار کرده و با وحدت و هماهنگی ملی موفقیت خود را تضمین کردند.

پس از موفقیت ملت در واقعهٔ رژی قدرت روحانیان در امور سیاسی و اجتماعی افزون شد ظلم و اجحافات که از طرف حکام ولایات نسبت بعموم و بخصوص اهانتی که از طرف آنها در بعضی از نقاط ایران نسبت بطبقهٔ علماء و طلاب صورت میگرفت از جمله عواملی بودند که موجبات مخالفت این طبقه و نفوذ آنها را در امور جاری شدیدتر کرد. پیوستن دو تن از مجتهدان بنام تهران آقایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی که از بزرگترین و موثرترین مقامات روحانی در انقلاب مشروطیت بودند، بمنظور حفظ موقع و منافع صنفی پس از توهینی که بامرعین‌الدوله بمنظور خائف ساختن طبقه روحانی نسبت بیک تن از مجتهدان بنام کرمان و چند تن دیگر از علماء انجام گرفت موجبات تقویت و وحدت بیش از پیش این طبقه را فراهم کرد و از این پس بطور آشکارا در مقام مخالفت و ضدیت با حکومت وقت برآمدند.

وعاظ ضمن بیانات مذهبی بذکر مظالم مأموران دولت و اقدامات مظفرالدین شاه می‌پرداختند و مذمت از نفوذ خارجی و بخصوص مسئلهٔ گمرک احساسات مردم و بخصوص طلاب و سادات و دیگر گروههای ملی را که خود زمینهٔ مساعد و آماده‌ای داشتند برمیانگیختند. در برانگیختن مردم و بیدار ساختن آنها مساعی وعاظ بنام و مشهور تأثیر مهمی داشته است، شیخ محمد واعظ اصفهانی «سلطان‌المحققین» با سحر بیان خود واقعهٔ انهدام ساختمان نیمهٔ تمام بانک استقراضی روس را بوجود آورد، و همچنین شهامت و صراحت لهجهٔ واعظ مشهور دیگر سید جمال‌الدین اصفهانی که در غالب مواعظش با تشریح مفاسد زمان توده‌های عوام را بحقوق خود آشنا میکرد وظیفهٔ مهمی را در پیدایش هیجان ملی ایفا کرد. مواعظ و مطالب مؤثر علماء و واعظان معروف زمینهٔ تمایل توده‌های عوام را بهمراهی و پشتیبانی از مقاصد علماء و تجار در وقایع و حوادث تاریخی که بصورت اعتصابات عمومی و ملی جلوه‌گری کرد فراهم ساخت و موجب بیداری و قیام آنها بر ضد مظالم استبدادی گردید. دامنهٔ فعالیت روحانیان بصورت مهاجرت باماکن زیارتی و بست نشینهای متعدد همراه با تبلیغات گوناگون تا صدور فرمان مشروطیت بصورت شدید ادامه داشت.

بطور کلی باید دانست که فعالیتهای مداوم این گروه و بخصوص پشتیبانی که علماء و مجتهدین نجف در ضمن انتشار بیانیه‌ها و فتاوی خود کردند تأثیر فوق‌العاده عمیقی در بین طبقات متوسط «کسبه و پیشه‌وران» بخشید و تکان محکمی بتوسعهٔ نهضت انقلابی ایران داد.

موافقت و همراهی آیه‌الله میرزا حسن شیرازی، مقیم سامره در مورد مسئلهٔ تحریم تنباکو با آیه‌الله میرزا حسن آشتیانی و تلگرافاتی که وی بمنظور پشتیبانی از علماء ایران بناصرالدین شاه مخابره کرد و بدنبال آن فتاوی نجف و تلگرافهای آنها مبنی بر تأیید خواسته‌های علماء ایران، در تأسیس مجلس شورای ملی و حکومت مشروطهٔ همانطور که فوقاً اشاره شد در تقویت مشروطه‌طلبان تأثیر مهمی داشت.[۱]

۱ـ متن تلگراف ثانی حضرت آیه‌الله میرزای شیرازی بحضور ناصرالدین شاه چنین بود «بشرف عرض حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه میرساند: سابقاً دعاگو عریضه‌ای تلگرافاً در باب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران بحضور مبارک عرض نموده بود. جوابی از جانب اولیاء دولت قویشوکت نقل نمودند که کاشف بود از آنکه بمفاسد اجرای این امور حق‌التفات نفرمودند و چون اغماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود. لهذا ثانیاً بعرض مبارک می‌رساند که مفاسد انفاذا ن امور بمراتب اعظم تر (کذا) از مفاسد صرف‌نظر از آنهاست. کدام مفسده با اختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت و یأس آنها از مراحم ملوکانه برابری میکند. چگونه میشود که با وجود اینکه در قرون متداوله اولیاء دین مبین و سلاطین مسلمین شکرالله مساعیهم آنهمه اتلاف نفوس و بذل اموال خطیره در اعلای کلمه اسلام بفرمایند. امروز باندک فایده با ترتیب مفسده از تمام اغماض نموده و کفره را بر وجوه معایش و تجارات آنها مسلط کرد تا بالاخره اضطرار با آنها مخالطه و مواده کنند و بخوف و با رغبت ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم‌کم بیشتر منکرات شایع و متظاهر شود و رفته‌رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل‌النظام گشته و خلق ایران بکفر قدیم خود برگردند. البته شدت و اضطراب و وحشت رعیت و استنکاف علماء اعلام را در انفاذ این امور بعرض مبارک نرسانیدند و بر دولت اغفال نمودند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد. هر چند منجر باتلاف نفوس شود والا از حزم خسروانه مأمول نبود رضا دهند رعیت که فی‌الحقیقه خزانهٔ عامره دولتند بالمره از وجوهٔ تجارت و مکاسب خود مسلوب‌الاختیار و مقهور کفار باشند بدیهی است اولیاء دولت قویشوکت را از اجرای این امور جز ترقی مقصدی در نظر نیست. بهتر آن بود که این رنج را در ترتیب اتباع دولت قویشوکت متحمل

←

از بررسی تاریخ انقلاب ملتها برای بدست آوردن حکومت ملی و دمکراسی از آنجمله: انقلاب کبیر فرانسه بدست میآید که مبارزهٔ ملت بر ضد قدرت مطلق دولت و هم بر ضد روحانیت و کلیسا صورت گرفته است. زیرا روحانیان در شمار طبقات ممتازه و حامی و حافظ امتیازات حکومت وقت بودند و حال آنکه در ایران روحانیان برای نیل بمشروطیت در صف اول مبارزه در میان بازاریان و روشنفکران و آزادیخواهان قرار داشتند.

شایان توجه در این جنبش آن است که حربهٔ آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان از طرفی و مستبدین و مخالفان از طرف دیگر مسئلهٔ شریعت و دین بود. هر یک از دو طرف با سلاح دین و مطرح نمودن قوانین شرعی بمبارزه میپرداختند، مستبدان برای بر گرداندن مردم از آزادیخواهان نسبت بیدینی و بابی بودن را بمجاهدین راه مشروطیت میدادند و اساس حکومت مشروطه و عدالتخانه را خلاف موازین و احکام شرعی قلمداد

→ شوند که هم سبب جمعیت قلوب رعیت و امیدواری آنها گردد و هم منافعی با قوانین ملت و استقلال دولت نباشد. مأمول از عنایات ملوکانه چنانست که عرایض صادقانهٔ دعاگو را با تأمل ملحوظ نظر انور و در جمع قلوب رعیت بذل مرحمت فرمائید تا بکمال امیدواری و شکرگزاری مشغول دعاگوئی دوام ذوات جاوید مدت باشند الامرالاقدس الاعلی مطاع محمدحسن‌الحسینی»

تاریخ وصول این تلگراف چهارم رجب ۱۳۰۹ هجری قمری بوده است: بنقل از کتاب بیداری ایرانیان تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی.

و نیز متن بیانیه مجتهدان مقیم نجف را در جواب سؤال روحانیان تهران در مورد تأسیس مجلس شورای ملی نقل مینمائیم:

بسمه‌تعالی و به نستعین: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم: صلی‌الله علی محمد و آله‌الطاهرین و لعنه‌الله علی‌القوم‌الظالمین الی‌الیوم‌القیامه:

«اما بعد. با تائیدات الهی و مراحم سماوی و زیر توجهات هادی عالی شأن حضرت صاحب‌الزمان «روحنافداه» قوانین مجلس مذکوره همانطور که بیان کرده‌اید مقدس و محترم بوده و بر جمیع مسلمانان فرض است که قوانین مجلس مزبور را قبول و بموقع اجراء بگذارند. اقدام بر علیه مجلس بمنزلهٔ مقاومت در برابر احکام دین حنیف میباشد بناء علیه تکرار نموده میگوئیم: وظیفهٔ مسلمین است که در هر جنبش علیه مجلس جلوگیری نمایند:

امضاء محمدکاظم خراسانی

نقل از کتاب مشروطیت تألیف پاولوبج صفحه ۳۵

میکردند، آزادیخواهان نیز در اعلامیه‌ها و نشریات و موعظه‌های خود بااستناد بایات عدیدهٔ قرآن و احادیث و اخبار در مذمت سلطنت مطلق و ظلم و استبداد، توجهٔ طبقات مختلف ملت را بسوی خود جلب و آمادهٔ انقلاب بر ضد حکومت ستمگر میکردند.

شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت و اینکه بدنبال روشنفکران و تحصیل کردگان مکتب تمدن غرب در صف اول مبارزه قرار گرفتند، این مسئله را برای ما پیش میآورد که هدف واقعی و انگیزهٔ آنها از مبارزه برای انقلاب و حکومت مشروطه چه بوده است؟ باحتمال علل متعددی در کار بوده و ما اهم آنها را بعنوان فرضیاتی مطرح می‌کنیم:

در درجهٔ اول شاید بتوان گفت تمایل ضد اجنبی در روحانیان اسلام سبب شد در مقابل امتیازاتی که بخارجیان داده میشد و همچنین نفوذ بیحد و حصر آنها در شؤنات اجتماعی، سر مخالفت بردارند. شرکت روحانیان در شورش بر ضد امتیاز تنباکو «۱۳۰۹ ه.ق» که در حقیقت باید آن را مبدأ نهضت مشروطیت نامید، به پشتیبانی از منافع صنفی تجار، همچنین در قیامهای دیگری که از طرف بورژوازی تاجر ایران بر ضد نفوذ سرمایه‌های خارجی و امتیازات اعطائی صورت میگرفت، علاوه بر تأئید مطلب فوق نکتهٔ دیگری را نیز بر ما آشکار میدارد که عامل وحدت بیشتر ایندو طبقه (روحانیان و بازاریان) وابستگی اقتصادی روحانیان بتجار و کسبه است و نشان میدهد که بازاریان بعلت اعتقادات مذهبی بیش از همهٔ طبقات دیگر فرایض مذهبی را اجرا میکردند و در پرداخت واجبات مالی «خمس، زکات، و سهم امام و جز اینها» به روحانیان ساعی‌تر بوده و اهمال و سستی در آن را جایز نمیدانستند.

این اتحاد و بستگی با مجاورت مرکز فعالیت آنها «بازار و مسجد» و اینکه مسجد مرکز تجمع تجار و بخصوص کسبه و پیشه‌وران بوده تقویت می‌شد. در حوادث و وقایع تاریخی که بمنظور برقراری مشروطیت روی داده است، بازاریان و روحانیان هستهٔ مرکزی انقلاب را در بازار و مسجد تشکیل داده‌اند. «س. ایرانسکی، مخالفت با استعمار ایران را توسط بیگانگان انگیزهٔ مبارزه روحانیان در انقلاب ندانسته بلکه معتقد است از اولین روزی که سرمایهٔ خارجی بآرامی در ایران نفوذ کرد روحانیان از اینکه شاهان و درباریان عایدات حاصلهٔ از امتیازات و دریافت وامهای متعدد و غیره را بخود تخصیص میدادند و ضمن معامله سهم و حصه‌ای از این منافع بروحانیان تعلق نمیگرفته است

دلتنگ بوده‌اند.[۱]

بررسی عمیق وقایع تاریخی نیم قرن پیش از انقلاب این فرض را پیش میآورد که روحانیان علاوه بر آنکه بعلت تمایل ضد اجنبی در پاره‌ای از اصلاحات بسبک اروپایی: همچون موضوع فرهنگ و دستگاههای اداری و قضایی در زمان ناصرالدینشاه و اقدامات صدراعظم او امیر کبیر و سایر وزیران آزادیخواه بعمل میآمد ناراضی بودند، از نظر آنکه این کیفیت بیشتر وضع اقتصادی و سیاسی آنها را نیز بمخاطره میانداخت و بمنافع ایشان لطمه وارد میآورد دلخور بوده‌اند: از آنجمله امیر کبیر با تنظیم دادگاههای عرفی و توسعهٔ دامنهٔ فعالیت و اختیارات مأموران آنها، بقدرت و صلاحیت دادگاههای مزبور افزود و حق رسیدگی بدعاوی حقوقی اقلیتهای مذهبی را از محاضر شرع سلب کرد و در صلاحیت دادگاههای عرفی قرار داد. پس از امیر کبیر وزیران دیگر از جمله میرزا حسینخان مشیرالدوله «در سال ۱۲۸۷ ه.ق آغاز تصدی وزارت عدلیه و پس از آن در زمان صدارت عظمی و سپهسالاری» اقدامات وی را دنبال کرد، و بتدریج متصدیان دیوان عالیه با سلب حق قضاوت در امور جنایی و حقوقی از روحانیان، همچنین اعزام مأموران دیوان عالیه بعنوان ناظر در ادارهٔ دستگاههای مذهبی و نظارت بر املاک موقوفه دایرهٔ نفوذ و منافع روحانیان را محدودتر کردند. همهٔ این‌ها سبب شد که نقشه‌های اصلاح‌طلبانه و اقدامات مترقیانه‌ای که در ادارهٔ امور اجتماعی و فرهنگی مملکت اجرا میشد با مخالفت دسته‌های مختلفی از مردم از آنجمله روحانیان روبرو گردد بویژه که روحانیان ترویج آداب و رسوم غربی را مخالف شریعت اسلام تلقی می‌کردند و تجدد در شؤن مملکت را اعلام خطری میدانستند.[۲]

بنابراین احتمالاً میتوان گفت یکی از علل شرکت این طبقه در انقلاب مشروطیت، حفظ وضع اجتماعی و تقویت و تحکیم حقوق و امتیازاتی بوده که بتدریج بیم از دست دادن آنها میرفته است ولی باید دانست که روحانیان در عین اینکه بخاطر تحکیم و حفظ منافع مادی خود از جریان روز و عدم رضایت تجار استفاده کردند و

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران: ترجمه باقر هوشیار صفحه ۱۳۹

۲ـ مخالفت حاج ملاعلی کنی، مجتهد متنفذ تهران با اقدامات میرزا حسینخان مشیرالدوله در زمان صدارت از عوامل مؤثر و مهم سقوط و معوق ماندن نقشه‌های اصلاحی او گردید. در بر کناری میرزا علیخان امین‌الدوله و بعضی دیگر نیز مخالفت علماء بی‌تأثیر نبوده است.

بمبارزه با دستگاه حاکمه برخاستند به مسئله جلب تمایل عموم ملت نیز متوجه بوده‌اند.

تودهٔ ملت را فشار استبداد و فساد دربار و تضییقات و تعدیات حکام و عمال دولتی همچنان که در صفحه‌های پیش اشاره شد بجان آورده بود، پاره‌ای از افراد ملت بسبب عوامل متعددی که در فصول گذشته از آن‌ها سخن رفت صاحب افکار نوی گشتند و تشنهٔ اصلاحات و اجراء عدالت و احقاق حق خود بودند. هیچ چیز جز اجرای خواسته‌ها و تمایلات آنها را قانع و راضی نمیکرد، گروههای عظیمی از انقلابیان در ابتدای مبارزه اگر چه مفهوم مشروطیت را درک نمیکردند ولی خواهان تحولاتی مبنی بر اجرای قانون شرع بمنظور رفع ظلم و احجافات بودند، از طرف دیگر برای توده‌های عوام نیز که عاجز از درک روح زمان بودند زمینهٔ پذیرش تبلیغات علما و روشنفکران، نظر بسختی معیشت و نابسامانی و ناایمنی وضع آنها در نتیجهٔ تعدی و ظلم مأموران دیوان از هر حیث آماده بود و خواه ناخواه بصف انقلاب طلبان کشانده میشدند.

مجتهدان بزرگ و دیگر روحانیان به پیروی از خواسته‌های اکثریت ملت بمنظور رفع ظلم و بیعدالتی با سلاح دین از آن نظر که مبانی و اصول حکومت مشروطیت را با اصل عدالت و مساوات در مذهب اسلام منطبق میدانستند بمبارزه برخاستند. شبهه‌ای نیست که با قبول این فرض مبارزهٔ مجتهدان طراز اول و سایر علماء و طلاب بصورت تبلیغ در اماکن زیارتی و حوزه‌های درس و همچنین بست‌نشینی‌های متعدد، در درجه اول به سبب مفاسد دستگاه فرمانروایی و مظالم حکام و بمنظور برقراری حکومت قانونی بر اصل موازین شرع مبتنی بوده است، ولی این مسئله با عوامل احتمالی که قبلاً توضیح داده شد نمیتواند مانعةالجمع باشد. هدف کسب قدرت بیشتر و نفوذ در امور سیاسی مملکت که روحانیان اسلام آنرا از جملهٔ حقوق مسلم خود میدانسته‌اند نیز در دل و اندیشه آنها مؤثر بوده و همچنین تمایل ضد اجنبی و مخالفت با نفوذ سرمایه‌های خارجی و همچنین عدم موافقت با اصلاحات مترقیانه مبنی بر تمدن اروپایی محرک آنان گردید و آنان را بمنظور مبارزه با استبداد و ظلم در صف انقلاب وارد ساخت.

توجه بامار نماینده‌گان روحانی در عصر اول مشروطیت این نکته را بر ما آشکار میدارد که این گروه بمقاصد اصلی خود که کسب قدرت سیاسی بیشتر و نفوذ در شؤن اجتماعی مملکت باشد بطور محسوسی توفیق یافتند. در مجلس اول رهبران روحانی انقلاب در صف نماینده‌گان جای داشتند قدرت آنها در صحنهٔ سیاست پارلمانی در مورد

تدوین و تنظیم قانون اساسی و متمم آن نافذ و عملی گشت. این طبقه بموجب اصل دوم متمم قانون اساسی حقوق و امتیازات از دست رفتهٔ خود را تأمین کردند و با تعیین ۵ نفر از علمای طراز اول بنمایندگی از طرف طبقهٔ روحانیان بمنظور نظارت در وضع قوانین مجلس و تطبیق لوایح و طرحها با موازین و احکام شرعی موجبات بسط نفوذ خود در قوهٔ قانونگذاری کشور فراهم ساختند.

ولی باید توجه داشت که چنانکه یادآور شدیم حمایت و پشتیبانی روحانیان و اتحاد آنها با روشنفکران که بقول ادوارد برون انگلیسی بجنبش ملی ایران سیمای خوش آیندی داده بود دیری نپایید و پس از اعلام مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی روحانیان با اتکاء بحقی که قانون اساسی بآنها اعطا نموده بود با پاره‌ای قوانین اصلاحی و آزادی مطبوعات و جراید مخالفت کردند. عدهٔ زیادی از روحانیان با پشتیبانی گروهی از علمای نجف که خود از آغاز انقلاب با علماء و مجتهدان مجاهد ایران برای گرفتن مشروطیت در باطن هماهنگی نداشتند و پیشروی و توسعهٔ جنبش ملی را مغایر و مخالف شرع قلمداد کردند. برخی از علماء نجف ضمن ارسال پیامها و تلگرافات عدیده طبقات مختلف مردم و انجمنها و اتحادیه‌های اصناف را از مداخلهٔ در امور سیاسی کشور منع می‌کردند و با ارباب جراید بسبب انتشار مقالاتی که از نظر آنها مخالف مصالح دین بود باب مخالفت باز کردند.

شک نیست که مسئلهٔ تفاوت و اختلاف هدف مبارزان در انقلاب مشروطیت سبب شد که پس از افتتاح مجلس شورای ملی و برقراری حکومت مشروطهٔ جناح متحد آزادیخواهان در هم شکسته شود و بخصوص نفاق و اختلاف سلیقهٔ روحانیان بزرگ شیعه و پیوستن بعضی از آنها بطرفداران محمد علیشاه و درباریان وی و حمایت از خواسته‌های مرتجعان در ایام فترت، همچنین تبلیغات سوئی که بر ضد آزادیخواهان میکردند به پیدایش دو جبهه با افکار متضاد یکی «شریعت طلب» و دیگری «مشروطه‌خواه» منجر شد، و بدینوسیله موجبات تضعیف جبههٔ آزادیخواهان و تقویت و تشجیع مرتجعان فراهم گردید. و نیز باید دانست که در این مورد بخصوص، حمایت روحانیان عتبات تأثیر مهم و شایان توجه داشته است.

رهبری روحانیان مخالف مشروطیت با شیخ فضل‌الله نوری بود، و علت مخالفت نامبرده ظاهراً بر سر مسئله ریاست روحانی و حسادت و رقابت وی با پیشوایان روحانی

مشروطیت بوده است، چون شیخ فضل‌الله نوری در باطن با مشروطه موافقت نداشته و از طرفی احتمال می‌رود که از ایادی دربار و موافقین عین‌الدوله بوده و در نهان بنفع مستبدین فعالیت می‌کرده است. چه وی در جریان مشروطیت و برقراری مجلس در صف رؤسای آزادیخواه پذیرفته نمیشود و مورد اعتماد ملیون واقع نمیگردد، نامبرده برای راه یافتن بمجلس و داشتن سهم و حصه‌ای در نظام جدید، در موقع تنظیم و تدوین قانون اساسی در میان روحانیان و تجار و کسبه متدین که با اصول حکومت مشروطه چندان آشنایی کامل نداشتند به تبلیغ پرداخته و مسئلهٔ مغایرت بعضی از اصول قانون اساسی را با قوانین شرع عنوان مینماید و بتدریج زمینهٔ شریعت خواهی را بوجود میاورد، و نیز برای اینکه بتواند راهی بمجلس شورای ملی بیابد، اصلی مبنی بر لزوم هیأتی مرکب از پنج تن از علماء طراز اول را بامید آن که شامل حال خودش هم بشود عنوان میکند و برای قبولاندن آن بوسیلهٔ بعضی از طرفداران و هواخواهان خودش تلگرافی حمایت و پشتیبانی علماء نجف را در اینمورد خاص جلب مینماید، ولی چون از اینراه هم برای سیادت و ریاست خود نمیتواند طرفی ببندد، با کمک درباریان و چند تن از مجتهدان و علماء معروف دیگر: مانند حاجی میرزا حسن مجتهد تبریزی، حاجی خمامی و سید احمد طباطبائی، حاج شیخ عبدالنبی، ملا محمد آملی، و حاجی میرزالطف‌الله را با خود همراه میسازد. ابتدا بطور نهانی بمبارزه شروع میکند و گروه کثیری از علماء و طلاب را با خود همداستان می‌سازد. این عده پس از چندی آشکارا با وسایل مختلف به بدگوئی از مشروطیت پرداختند و در زمان بست‌نشینی در حضرت عبدالعظیم برای نشر عقاید مشروعه خواهی و مخالفت با مشروطیت بانتشار روزنامه‌ای بنام شیخ فضل‌الله مبادرت ورزیدند. مقالات روزنامهٔ مزبور مردم را بر ضد مشروطیت تحریک می‌کرد.[۱] از سوی

۱- در اینجا بی‌مناسبت نیست که بذکر قسمتی از مفاد مندرجات یکی از شماره‌های این روزنامه بپردازیم «جماعت آزادی طلب بتوسط دو لفظ دلربای عدالت و شوری برادران ما را فریفته و بجانب بی‌دینی میرانند و گمان میرود که عصر ریاست روحانی شما تاریخ انقراض دولت اسلام و انقلاب شریعت خیرالانام واقع بشود و چیزی نگذرد که حریت مطلقه رواج و منکرات مجاز و مسکرات مباح و مخدرات مکشوف و شریعت منسوخ و قرآن مهجور بشود و این سوء ذکر و عوار عظیم در شرح احوال شماها ابدالدهر باقی بماند، شماها که بهتر میدانید که دین اسلام اکمل ادیان و

←

دیگر گروه مزبور با تأسیس انجمنی بنام انجمن آل محمد مرکزی برای تجمع ملاهای مستبد و مردم عوام تشکیل دادند و با ایراد نطقهایی بر ضد مشروطیت و بدگویی از اساس آن جمعی از اشرار را گرد خود جمع کردند و بآزار آزادیخواهان و مخالفت با مشروطه خواهان پرداختند، و در حوزهٔ علمی نجف نیز که مخالفت و موافقت آنها در انقلاب مشروطیت بیش از هر عاملی مؤثر بوده است روحانیان سهم و حصه‌ای مهم در اختلافات بین مشروعه و مشروطه داشته و بتشکیل دو جبهه موافق و مخالف مشروطه پرداخته‌اند. عده‌ای برهبری از سید کاظم یزدی که دارای مقلدان بسیار در ایران و همچنین عراق عرب بوده و بخصوص عشایر شیعه از او تقلید میکردند و او را پیشوای مطلق میدانستند نسبت بمشروطه‌خواهان اظهار بدبینی کردند و آنها را بیدین شناختند و دسته‌ای دیگر از طلاب روشنفکر برهبری آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آخوند مازندرانی و حاجی میرزا حسین و حاجی میرزا خلیل که از علماء معروف شیعه بودند از انقلاب ایران حمایت کردند و در تقویت حکومت ملی و مخالفت با حکومت وقت مساعی بسیار مبذول داشتند.[1]

→ اتم شرایع است و این دین دنیا را بعدل و شوری گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخهٔ شوری ما از انگلیس بیاید نقل از تاریخ جراید و مجلات ج دوم

۱ـ و ما در اینجا بی‌مناسبت نمیدانیم بنقل تلگرافی مبنی بر حمایت از مجلس و مشروطه که از طرف روحانیون مشروطه خواه نجف بمجلس شورای ملی مخابره شده است بپردازیم:

مجلس محترم شورای ملی رفع‌الله قواعده

تلگراف موحش انجمن شریف و اصل و از مخالفت مخالفین با مجلس محترم اسلامی خاطر قاطبهٔ اهل اسلام ملول گشته، عموم اهل علم و کافهٔ ممتخبین شریعت مطهرهٔ حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله علیه و آله وسلم را اعلام میدارد که خداوند متعال گواه است که ما غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، علیهذا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر بمعروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضهٔ اسلام است قطعاً و عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح و بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است، رجاء واثق که تاکنون انشاالله تعالی کسی مخالفت نکرده و نخواهد کرد و هرگاه بر خلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً نسبتی بما داده شود کذب محض است. احضار را صلاح ندیدیم، مهات را اطلاع دهید.

الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل ـ الاحقر محمدکاظم خراسانی ـ الاحقر عبدالله مازندرانی.

نقل از تاریخ مشروطیت ایران صفحه ۷۱

تاثیر بازاریان

بازرگانان و بطور کلی بازاریان که نیروی عظیم متشکلی را تشکیل می‌دهند در میان طبقات مختلف اجتماع ایران قبل از انقلاب تنها طبقه‌ای بودند که منافع اقتصادی و شغلی موجبات وحدت و اتفاق آنها را فراهم کرده بود و با داشتن تشکیلات و سازمانهای صنفی با حقوق مستقل، منزلت اجتماعی و اهمیت اقتصادی خاصی را که از دیر باز داشتند حفظ کرده بودند، این موقع بخصوص با بسط روابط بازرگانی ایران با دولتهای خارجی و توسعهٔ اقتصاد تجارتی و افزایش تعداد تجار در اواخر قرن سیزدهم تحکیم شد. در عمل طبقه بورژوازی قبل از برقراری نظام جدید در ایران تنها از کسبه و بازرگانان تشکیل میشد.

بازار که حکم مرکز فعالیت اقتصادی و سرمایه‌داری را دارد مانند شهر کوچک و واحد بسته‌ای است در این واحد بازرگانان بزرگ، صرافان، و بانکداران همراه با کسبه جزء و پیشه‌وران مرکز اساس فعالیت شهری را تشکیل میدهند.

تمرکز واحدهای اقتصادی و برقراری مؤسسات مذهبی «مسجد» و تفریحی «چون قهوه‌خانه‌ها» و سایر سازمانهای مورد احتیاج در یک جایگاه «بازار» ببازار جنبهٔ مرکزیت قدرت اجتماعی خاصی را در انقلابات و جنبشهای اوایل قرن چهاردهم ه.ق ببعد بخشیده است. پاره‌ای از بازرگانان عمده، سرمایه گذاران بزرگ و نمایندگان کمپانیهای تجارتی و واسطه‌های آنها، گروه خاصی را در این تجمع تشکیل میدادند که بسبب ارتباط تجارتی با دول غربی و اقامتهای متوالی و طولانی در ممالک متمدن همجوار و تماس و آشنایی نزدیک باتمدن جدید و احیاناً مشاهده انقلابات ملل دیگر بخاطر بدست آوردن حکومت ملی، همچنانکه خود صاحب افکار تازه و نوینی شده بودند بطور غیر مستقیم در بیداری اجتماعی و هوشیاری دیگر بازاریان عامل موثر گردیدند. این گروه قلیل همراه با توزیع کالاهای تجارتی، اخبار دست اول از دنیای آزادی را نیز توزیع میکردند روحیهٔ کنجکاوانه و تمایل سودجویانهٔ طبقات بازاری با دریافت نسیم تمدن و ایده‌های آزادیخواهی از دنیای غرب موجبات تشکل افکار آنها را فراهم ساخت. در برابر اقداماتی که از طرف دولت در بازگذاشتن سرحدات ایران در برابر سیل کالاهای خارجی بعمل آمده بود روحیهٔ محافظ کاری طبقهٔ بازاری را از میان برد و بیش از پیش بایجاد اتحاد و هم بستگی دسته‌های مختلف شاغل در بازار «اعم از تجار ثروتمند

و مغازه‌داران و صاحبان حرف» و نیز بر قدرت آنهاافزود و سبب شد که این نیروی متشکل در مواقع حساس تاریخی، بخصوص پس از ظهور انقلاب، گاه برای حفظ منافع صنفی خود و زمانی در ظاهر بمنظور پشتیبانی از نیروی مذهبی با جریانات سیاست روز بمخالفت برخیزد و باشیوه اعتصاب و تحصن چرخ اقتصاد مملکت و زندگی روزمره اکثریت مردم را از کار بیندازد. در حوادث مشروطیت و همچنین انقلابهای بعدی که در طی بیش از نیم قرن پس از برقراری حکومت مشروطه بخصوص در عصر اول و سوم مشروطیت رخ داده است. اینگروه همیشه سهم موثر و مهمی را بهمراهی روحانیان و به پیروی اصلاح طلبان آزادیخواه در صفوف مقدم صحنهٔ مبارزه بر ضد ارادهٔ حکام مستبد و عمال آنها برعهده داشته است.

در انقلاب مشروطیت در درجهٔ اول منافع اقتصادی انگیزهٔ بازرگانان بمخالفت با حکومت استبداد بود. همچنانکه در فصل اول در ضمن بحث از عوامل اقتصادی انقلاب اشاره کردیم، مسئله اعطای امتیازات اقتصادی بدولتهای روسیه و انگلستان و توسعهٔ نفوذ سرمایه‌های خارِجی در ایران ایجاد یک نوع اسارت اقتصادی را در مملکت پدید آورد، و طبعاً سبب دشواری فعالیت تجارتی اتباع ایرانی در بازارهای داخلی و خارجی گردیده بود، و نیز روشن کردیم که چگونه مأموران گمرک و مالیاتی با وضع حقوق و عوارض جدید بعنوان خدمت بخزانهٔ دولت بر تعدیات خود نسبت به تجار و اصناف ایرانی میافزودند و نیز چگونگی اثر اقتصادی گمرکهای داخلی و معاف کردن اتباع خارجی را از ادای تعرفه‌های گمرکی و فشار و تحمیلی که از این راه بر تجار ایرانی وارد میشده است و شرایط رقابت را در بازار تجارت سخت میکرده است بیان داشتیم.

باید دانست که علاوه بر علل سابق‌الذکر، مسئله هرج و مرج و ناامنی راهها بسبب راهزنیهای منظم وجود داشته است که غالباً قبیله‌های راهزن با حمایت دولت کاروانهای تجارتی را غارت میکردند، و این خود یکی از عوامل موجد وخامت اوضاع بازرگانان داخلی بوده است. همراه با عوامل فوق، تعدیاتیکه بخصوص از طرف حکام بر این طبقه چون سایر طبقات وارد میآید سبب شد که گروه کثیری از تجار و اصناف بستوه آیند و برای کسب و تجارت بخارج از کشور «بخصوص روسیه» مهاجرت کننده و عده‌ای نیز از تجار بزرگ برای حفظ موقع خود در بازار تجارت، بتابعیت و در مواردی هم تحت حمایت دولت روسیهٔ تزاری در آیند. و چون زمینهٔ مساعد برای اعتراض و

شکایت از نابسامانی اوضاع از هر حیث فراهم گردید، عکس‌العمل نارضایی این طبقه نیز بصورت انقلابات و جنبشهای عمومی بروز و خودنمائی کرد و در نخستین جنبش اعتراضی ملت بعملیات خودسرانهٔ حکومت و درباریان، بازرگانان عامل سازندهٔ شورش بودند.

انحصار دخانیات ایران و اعطای آن بکمپانی خارجی، زیانهای فاحشی ببازرگانان تنباکو فروش که در بین آنها تجار بزرگ نیز بودند میزد و از هنگامی که کمپانی رژی مشغول تهیهٔ مقدمات کار خود بود، تجار بیکار ننشستند و مخالفت خود را بر ضد انحصار اظهار میداشتند. در آغاز کار و فعالیت کمپانی مزبور، تجار عمده فروش تنباکو با همراه ساختن کسبه و دیگر بازاریان در اغلب شهرستانها از جمله: شیراز، تبریز، اصفهان، مشهد، کرمان و در تهران برای لغو امتیاز شروع بفعالیت کردند و از پذیرفتن نمایندگان کمپانی در بعضی نواحی جلوگیری نمودند.

شورش و مخالفت آنها بصورت اعتصابات عمومی و بستن دکانها و تجارتخانه‌ها انقلاب را که ابتدا جنبهٔ صنفی داشت با مداخلهٔ علماء و تحریم پیشوایان روحانی جنبهٔ شرعی و عمومی بخشید. تجار در این مبارزه که با اسلحهٔ موثر تحریم تقویت شده، و موجبات هیجان عمومی، و همراه ساختن قاطبه ملت را فراهم ساخته بودند، پیروزی یافتند و مقاومت منفی عمومی از ادامهٔ فعالیت خارجیان جلوگیری کرد.

پیروزی در نخستین مبارزه منشأ مبارزات و جنبشهای دیگری از طرف بازاریان گردید و ما نمونه‌های متعدد آنها را در بررسی وقایع تاریخی و انقلابات سالهای ۲۳ و ۲٤ هـ.ق، «۱۹۰۵-۱۹۰٦ میلادی» بر ضد قدرت مرکزی که اقتصاد مملکت را در استعمار خارجی قرار داده بود، و همراه با نارضایی از معاهدات تجارتی دولت و تعرفه‌های جدید گمرکی تحمیلی، بصورت فعالانه می‌بینیم:

نمونهٔ بارز مخالفت بازار با اقدامات خودخواهانهٔ شاه، بصورت تحصن عده بسیاری در حدود ۱٤ هزار نفر بسفارت انگلیس شایان توجه بوده و سهمی بزرگ در پیروزی نهضت مشروطیت داشته است. باید دانست که در این مبارزات همراه با بازرگانان و صاحبان سرمایه‌های آزاد، دسته‌ای از طبقات متوسط رو بپائین که مرکب از اصناف و پیشه‌وران بودند نیز در جریان جنبش‌های آزادیخواهی شرکت فعالانه داشتند. اصناف و پیشه‌وران نیز که مانند تجار مورد تضیقات و فشارهای شدید داخلی و خارجی

قرار گرفته بودند مانند ایشان در مقابل ظلم قیام کردند. باید اذعان کرد سهم و اثر اصناف و پیشه‌وران که حدود سه میلیون و پانصدهزار نفر از جمعیت ایران را تشکیل میدادند،[۱] بیگمان قابل ملاحظه بوده است و حتی تأثیر آنها در آغاز بیش ازتجار بود، و نیروی عظیمی از انقلابیان را تشکیل میداده‌اند.

اثر فعالیت این گروه در مجلس اول بیش از همهٔ ادوار قانونگذاری نمودار است چه ایشان اکثریت مجلس را داشته‌اند. اشتراک منافع گروههای بازاری، موجبات پایداری وحدت آنها در اتخاذ خط مشی سیاسی ثابت در تمام جریانات تاریخی بعد از مشروطیت فراهم ساخته است. لیکن باید دانست که در نهضت مشروطیت، گرچه محرک عمومی این طبقه یک انگیزهٔ منفی بود که خاتمه دادن بتسلط نفوذ خارجی باشد، ولی همچنانکه در گذشته اشاره نمودیم در میان آنها اقلیت قابل ملاحظه‌ای نیز بودند که چون روشنفکران با آشنایی باصول حکومت ملی و آگاهی بنواقص و عقب‌افتادگی کشور نسبت به تمدن جدید و توجه به زبان حکومت سلطنتی غیر مشروط، هم در قیام ملی و هم در نهضت فکری بخاطر کسب آزادی شرکت جستند.

شهامت و پشتکار بازاریان و تاکتیک آنها در مبارزات چنانکه در تواریخ مشروطیت مصنبوط است. انقلاب ایران را بحق صورت انقلاب بورژوازی تاجر داده است. با اینهمه بدلایلی که بجای خود بیان خواهد شد تجار ایران بهره‌ای را که طبقات ممتاز فئودال و کارمندان عالی فئودال مشرب در انقلاب گرفتند نتوانستند بدست بیاورند.

تأثیر کارگران

همچنانکه در فصل تحولات اقتصادی اشاره شد، ایران موقع صنعتی خود را با پیشرفت صنایع جدید در غرب از دست داده و بخصوص صنایع دستی ایران چه در داخل و چه در خارج از مملکت تنزل فاحشی کرده بود، در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بدنبال سیاست اقتصادی نادرست و بر اثر ورود انبوه کالاهای خارجی در بازارهای اینکشور کارخانه‌های نوبنیادی که بسبک نو و بهمت سرمایه‌داران ایرانی از زمان ناصرالدین شاه ببعد تأسیس یافته بود بتدریج تعطیل گردید. چنین اوضاع خواه‌ناخواه نارضایی طبقهٔ سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها و همچنین کارگران بیکار

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران، تألیف پاولویچ، تألیف صفحه ۲۰

ایرانی را سبب گردید. صاحبان صنایع ملی بمنظور حفظ و توسعهٔ صنایع خود در برابر تجاوزات خارجی بمبارزه پرداختند، در پاره‌ای از نقاط ایران بدنبال این نارضایی تعداد کثیری از کارگران برای تهیهٔ کار عازم ترکستان و قفقاز و کشورهای همجوار شدند.[۱]

در داخل مملکت با اینکه آمار صحیح و دقیقی از کلیهٔ کارگران در دست نداریم با این همه میدانیم که در برخی از نواحی ایران از آن جمله: در شهرستانهای شمالی و تهران و اصفهان تعداد معدودی کارخانه که با اصول تولیدی جدید تأسیس شده بودند با شرایط رقابت سخت اجناس خارجی بکار خود ادامه میدادند[۲] در این کارخانه‌های نوبنیاد اتحادیه‌هایی از کارگران در رشته‌های مختلف صنایع با تشکیلات منظم که البته تعداد آنها خیلی اندک بوده در اوایل انقلاب بتدریج بوجود آمد.

بطور کلی باید دانست که در کلیهٔ نقاط ایران کارگاههای صنایع دستی کوچک با کارگرانی که در شرایط سخت و بدون تشکیلات گروهی تحت نظر کارفرمایان بکارهای صنعتی مشغول بودند وجود داشته است. این کارگاهها با اصول قدیمهٔ تولید بدون رعایت قوانین کار و اتحادیه‌های کارگری موقع خود را با وضع دشوار بازار تا حدی حفظ کردند و بکار ادامه میدادند.

جنبش و انقلاب مشروطیت همچنانکه بر روی اکثریت طبقات شهرنشین تأثیر گذاشت و هیجان ملی بیسابقه‌ای در تاریخ بوجود آورد، و صفوفی از طبقات مختلف ناراضی از حکومت مطلق و استعمار خارجی را متحداً بمبارزه برانگیخت، بر روی کارگران شهری نیز موثر گردید. کارگران کارگاهها به تبعیت از کارفرمایان و استادکاران خود بمنظور حفظ صنایع ملی و منافع صنفی خود در مقابل بیگانگان در

۱ـ ایوانف در تاریخ مشروطیت ایران تعداد مهاجران کارگر ایرانی را در باکو بسال ۱۹۰۴ میلادی قریب بهفت هزار نفر که ۲۲ درصد مجموع کارگران باکو را تشکیل میدادند یاد میکند، احمد کسروی تعداد کارگران ایرانی که در کانهای نفت قفقاز «صابونچی و بالاخانی» کار میکردند قریب ده هزار تن تخمین زده است

۲ـ از آنجمله پاولویچ تعداد کارخانه‌ها و کارگاههای کوچک را در اوایل قرن بیستم فقط در تبریز در حدود صد و کارگرانی را که در آن کارخانه‌ها کار میکردند متجاوز از ده هزار تن تخمین زده است

« ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب ایران، صفحه ۵۰ »

صفوف انقلابیان وارد شدند.

ناگفته نماند، سهم کارگران بصورت مبارزهٔ طبقاتی و منظم در جنبش ملی پس از صدور فرمان مشروطیت و بصورت اعتصابات متعدد آنهم خیلی محدود بروز کرده و کارگران در نواحی مختلف بخصوص در صفحات شمالی ایران که افکار ساکنان آنها تحت تأثیر نهضت انقلابی ۱۹۰۵ روسیه قرار گرفته بود تأثیر بیشتری داشته‌اند. کارگران مهاجر ایرانی مقیم باکو چون بازرگانان و اصناف ایرانی مقیم آن نواحی، پیش از مشروطیت نیز با انقلابیان تبریز ارتباط داشتند و پس از اطلاع از جنبش آزادی و افتتاح مجلس شورای ملی، بمنظور شرکت در بدست آوردن حکومت ملی و بهبود وضع زندگی بخیال مراجعت بوطن افتادند. و چون سایر مهاجران توسط نمایندگانی از طرف خود از مجلس شورای ملی خواستار شدند که آنان نیز نمایندگانی انتخاب کنند و بمجلس بفرستند، مراجعت مهاجران اعم از کارگران و بازرگانان از ماوراء قفقاز بایران با افکار آزادیخواهی و روح مبارزه بر ضد دستگاه حاکمه و استعمارگران، و شرکت آنها در مبارزات تاریخی آزادیخواهان تبریز نیز برای حفظ مشروطیت شایانً توجه بوده است، و شرکت آنها در انجمنهای انقلابی مجاهدان بخصوص موجبات تقویت انقلابیان را در ضمن انجام خدمات مختلف دیگر فراهم می‌ساخت. ایوانف در مورد جنبش کارگران در انقلابهای مشروطیت چنین اشاره مینماید «در اعتصابات عمومی تابستان سال ۱۹۰۶ میلادی کارگران ایرانی چاپخانه‌های تهران اولین اتحادیهٔ کارگری را در ایران تشکیل دادند» در سال ۱۹۰۷ میلادی جنبش انقلابی کارگران و کارمندان ایران آغاز گردید. از آنجمله: در ماه مارس ۱۹۰۷ میلادی اعتصابات عمومی تلگرافچیها که در خواست اضافه دستمزد و مطالبات دیگری داشتند در گرفت، در سال ۱۹۰۸ میلادی چندین بار در مؤسسات ماهیگری لیانازوف در بحر خزر عصیان و اعتصابات کارگری بوقوع پیوست که برای سرکوب آنها مقامات دولتی مجبور شدند دسته‌های قزاقان ایرانی را گسیل دارند و در طی سالهای ۱۹۰۸ - ۱۹۱۰ میلادی کارگران بندر انزلی باربران و قایقرانان اعتصاب کردند، در تهران درشکه‌چیها، کارگران چاپخانه‌ها، کارکنان تراموا‌ها، کارمندان وزارتخانه‌ها در اعتصابات شرکت جستند.[۱]

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحهٔ ۳۲

تأثیر روستائیان

استقرار اصول عمده مالکی با شدت کامل خود در ایران و بستگی زارع بزمین، عدم ارتباط نزدیک روستاها با شهر، جهل و بیخبری روستائیان از جریان و کیفیت زمان، حس اطاعت و انقیاد بیحد و حصر نسبت باربابان که خاص طبقهٔ کشاورزان ایرانی است، و عوامل بیشمار دیگر موجب شد که روستائیان در انقلاب مشروطیت سهم مهمی نداشته باشند. هر چند که شرایط سخت زندگی و نارضایی عمومی زارعین می‌بایست آنان را آمادهٔ انقلاب کند با اینهمه قشر بزرگ از ملت ایران تحت بردگی و استثمار طبقه عمدهٔ مالکان و اربابان باقی ماند. در انقلابی که بخاطر بدست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی بوجود آمده بود کشاورزان با وجود کینه و نفرت شدیدی که نسبت باربابان و مالکان داشتند سهمی ثمربخش بدست نیاوردند.

قبل از فرمان مشروطیت در پاره‌ای از نقاط ایران که روستائیان با مراکز انقلابی ارتباط نزدیکتر داشتند واکنشهای محدودی از طرف این طبقه بصورت فرار از ده و پناهنده شدن بشهرها و گاهی هم مهاجرت دسته‌های قلیلی از آنها بممالک همجوار برای نجات از چنگال فقر دیده شده است.

روستائیان مهاجر چون دیگر مهاجران ایرانی مقیم ماوراء قفقاز و ماوراء بحر خزر تحت تأثیر محیط تازه، و جنبشهای آزادیخواهی بر ضد تزاریان قرار گرفتند، آشنائی با اصول آزادی‌خواهی آنها را نیز صاحب افکار نوینی ساخت، آنها که ارتباط خود را با وطنشان قطع نکرده بودند، در انقلابهای دوران اول مشروطیت با علم بمفاسد حکومت استبدادی و اصول ادارهٔ قدیم شرکت کردند، و بصورت جمعیتی قلیل با ناراضیان شهری دست اتحاد دادند، و بخاطر بهبود وضع زندگی خود بمبارزه پرداختند. صفحات تواریخ مشروطیت ایران که منعکس کنندهٔ فعالیت گروههای مختلف اجتماع است، اشارهٔ مختصری به جنبش روستائیان در پاره‌ای از نواحی ایران در سالهای ۲۳ - ۱۳۲٤ هـ.ق. بصورت مقاومت منفی در مقابل مالکان و خانها و مأموران دولت و امتناع از پرداخت مالیات و عوارض میکند. از آنجمله: ایوانف با استناد بگزارشهای نمایندگان سیاسی روس در مورد شرکت روستائیان و تأثیر آنها در انقلاب مشروطیت چنین مینویسد «در سال ۱۹۰۶ نهضت خود بخودی دهقانان رو بتوسعه گذاشت، نخست این نهضت در ایالات شرقی ایران که همجوار روسیه بود (آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد،

خراسان،) بوجود آمد. پس از آن بجنوب ایران (کرمان، بلوچستان، اصفهان و ایالات دیگر) سرایت کرد. نهضت دهقانان اشکال گوناگون بخود گرفت، امتناع دهقانان از پرداخت مالیاتها و سهم مالکانه، خودداری از اجرای وظایف گوناگون که بآنها محول میشد، نافرمانی نسبت به مأموران شاه. تعداد وقایعی که در آن دهقانان بر خانه‌های خانها و مالکان حمله میبردند، روزبروز بیشتر میشد دهقانان انبار آذوقهٔ خانها را تصرف میکردند و بین فقرا قسمت میکردند.[۱]

تأثیر اشراف و عمده مالکان

تا اینجا سخن از گروه‌ها و طبقاتی بود که نهضت را بوجود آوردند و برای برقراری و ثبات آن وظیفهٔ موثر و مثبتی برعهده داشته‌اند.

در مقابل این طبقات، عوامل منفی چون مالکان بزرگ و اشراف قرار گرفته بودند که با تمام وسایل ممکنه با حمایت بعضی از دولتهای خارجی بر ضد جنبش ملی قیام نموده و مانع نضج مشروطیت و حکومت ملی میگردیدند. اشراف و نجبای ایران در عهد قاجاریان را شاهزادگان و گروههائی که مقام و منزلت بلند اجتماعی در دستگاههای دولتی و دربار داشتند تشکیل میدادند. این طبقه با اینکه قدرتشان متکی بر مالکیت اراضی مزروعی وسیعی در کشور بود و در اجتماع مقام اول را داشتند ولی بجهاتی چند بصورت طبقهٔ خاص که دارای قدرت سیاسی مداوم باشد گروه متشکلی تشکیل نمیدادند.

مالکان بزرگ ایران را اغلب همین طبقهٔ اشراف و شاهزادگان تشکیل میدادند که اکثر آنها با در دست داشتن مقامات عالی دولتی از جمله: وزارت و صدارت و حکمرانی ولایات در سیاست و ادارهٔ امور مملکتی دخالت موثر داشتند. همراه با این گروه خانها و ایلخانیان بزرگ نیز با حکمرانی نواحی مختلف مملکت و فرماندهی ارتش که بصورت بنیچه و چریک بود جبههٔ واحدی از عمال حکومت استبدادی را تشکیل میدادند.

بر این طبقه چنانکه در فصل اول سخن رفت از اواخر قرن سیزدهم ه.ق «قرن

۱ـ انقلاب مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحه ۳۱

نوزدهم میلادی» گروه جدیدی از بورژوازی تاجر افزوده شد. گروه مالکان جدید با استفاده از سرمایه‌های روزافزون حاصله از سود تجارت توانسته بودند بزرگترین و آبادترین اراضی مزروعی را از چنگ مالکان جزء و روستاییان که دچار فقر و افلاس شده بودند خارج سازند، و با تصرف آنها بر قلمرو وسیع قدرت و نفوذ سیاسی خود بیفزایند، اشراف و مالکان بزرگ که در رأس آنها شاهزادگان قاجار قرار گرفته بودند، صنف مرتجعی را تشکیل میدادند، شروع هرگونه اصلاحات جدید از طرف روشنفکران از آن جهت که با منافع آنها اصطکاک داشت با مخالفت روبرو می‌شد، و با تحریک شاه باتخاذ تصمیمات ارتجاعی از طرف این گروه متوقف میماند.

در جریان وقایع و حوادث مشروطیت، طبقات مختلف مردم بصورت قشر بزرگی در مقابل عمال حکومت و ایادی وی در آمده بودند. جنبش انقلاب مشروطیت پدیده‌ای نبود که مالکان و اشراف از آن طرفی ببندند و برله آن قیام کنند، جز اینکه بسیستم مالکیت و بهره‌برداری از آنها از املاک مزروعی که بر اساس فئودالیته و استثمار طبقهٔ روستاییان بود و همچنین قدرت آنان را محدود می‌کرد لطمه وارد میساخت.

پس از تشکیل مجلس اول و نضج جنبش آزادیخواهی، و تأسیس انجمنها ایالتی و ولایتی توسعهٔ مبارزه‌ای که روشنفکران و طبقات متوسط یعنی تجار و کسبه و اصناف در راه از بین بردن حاکمیت فئودالها و عناصر ارتجاعی و بخصوص استعمارگران فعالیت میکردند، سبب شد سران فئودال و تیولداران و خانها بحمایت از شاه و اشراف درباری که در جریان نهضت با دولتهای خارجی و استعمارگران ساخته بودند برخاستند، و جبهه واحد مرتجعی را تشکیل دهند. در دنبالهٔ تصمیمی که از طرف محمد علیشاه به از بین بردن مجلس و تعطیل مشروطیت بتحریک همین گروه گرفته شده بود، گروه اجتماعی با ایجاد ناامنی در نواحی حکومت، و تبعیت نکردن از احکام مجلس به مبارزهٔ مستقیم با انقلابیان روی آوردند و برای سرکوب ساختن عناصر آزادیخواه کمکهای موثر و مفیدی بکودتای ضد انقلابی کردند. بعدها نیز در جریان حوادث و وقایعی که بر ضد حکومت مشروطه و ناامنی و هرج و مرج مملکت پیش آمد، تأثیر این گروه را آشکارا از خلال صفحات تاریخ میتوان دریافت. پس از جنگ جهانی اول و آرامش نسبی اوضاع داخلی ایران و از بین رفتن ایام فترتهای مجلس بخصوص از دورهٔ چهارم قانونگذاری ببعد اشراف فئودال با استفاده از ضعف طبقهٔ متوسط و با کمک عوامل

دینفوذ داخلی و خارجی موقع از دست رفتهٔ خود را در مجلس اول و دوم بتدریج باز یافتند و در صحنهٔ سیاست پارلمانی با قبول رنگ مشروطه خواهی مبارزان و مخالفان خود را که مشروطیت بمساعی آنها بوجود آمده بود، کنار زدند و موقع خود را دیگر باره مستحکم کردند. در پایان این مقال ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که تعمیم یک مورد جزئی و خاص مبنی بر شرکت خانهای ایل بختیاری و بزرگترین ملاکان فئودال گیلان بر ضد کودتای محمد علیشاه نمیتواند ملاک موافقت طبقهٔ فئودال با مشروطیت باشد بخصوص همانطور که قبلاً یاد شد، جنبش مشروطه‌خواهی ایران بر ضد استبداد و مظالم شاهزادگان و حکام که در رأس آنها فئودالها و ملاکان قرار داشتند صورت گرفته است.[1]

دولتهای خارجی و انقلاب مشروطیت

در پایان این فصل بی‌مناسبت نمیدانیم به مداخلهٔ مستقیم یا غیر مستقیم دولتهای خارجی در مبارزات ملی ایران که‌منجربه تغییر رژیم حکومت، و انقلابات بعدی تا تثبیت اوضاع داخلی ایران گردید بایجاز اشاره‌ای بشود. مسئلهٔ رقابت بین دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان بر سر منافع اقتصادی خود در ایران، و تحولی که بدنبال آن در اقتصاد مملکت بوجود آورد، اساس و پایهٔ مادی نفوذ دولتهای خارجی در سیاست و امور اجتماعی کشور ایران در اوایل قرن چهاردهم ه.ق، گردید. این عوامل همراه با علل و اسباب مختلف دیگری که بتفصیل در فصول گذشته بیان گردید، به پیدایش مشروطیت ایران منجر شد.

این انقلابات و مبارزات ملی مزبور مسئله‌ای نبود که نتایج آن در نقشهٔ دول

۱ـ انگیزه قیام و جنبش گروه‌های مزبور در درجهٔ اول جلوگیری از تحدید منافع اقتصادی خود بوده است. در ثانی مسئلهٔ رقابت ایلات و عشایر بر سر مسئلهٔ توسعهٔ منطقه قدرت و حفظ موقع خود، و احیاناً بدست آوردن ریاست و حکومت بر ایلات و عشایر دیگر میتواند محرک سران ایل بختیاری شده باشد. توضیح آنکه سلطنت خاندانی از ایل قاجار بر ایران، محدود شدن منافع اقتصادی ایل بختیاری بمناسبت موقع اقتصادی زمان و نفوذ و توسعهٔ تجارت روسیه در ایران و از طرفی لطمه‌ایکه با انتصاب حکام غیرمحلی باستقلال آنها در حوزهٔ حکومتشان وارد شده بود ممکن است انگیزهٔ جنبش و قیام آنها شده باشد.

استعمارگر در ایران بی‌تأثیر باشد و در مقابل آن بعناوین مختلف بنفع سیاست واحد خود عکس‌العمل نشان ندهند و از مداخلهٔ مستقیم له و علیه چشم بپوشند.

دولت روسیهٔ تزاری، خواه ناخواه بحمایت و جانبداری حکومت وقت و حفظ رژیم استبداد از آنجا که منافع و خواسته‌های دولت مزبور بسبب نفوذ فوق‌العاده در دربار و اوضاع داخلی ایران از هر جهت تأمین بود علاقه داشت، و با انقلاب مشروطیت و جنبشهای ملی خوش‌بین نبود، و با تمهید مقدمات و وسایل مختلف، بخصوص پس از بسلطنت نشستن محمد علیشاه و شناخت طبیعت و خوی مستبد وی موجبات تقویت مرتجعان و تضعیف نیروی ملی را فراهم ساخت و با ایجاد اشکالاتی چند از داخل و خارج ایران، از پیشرفت حکومت مشروطه جلوگیری کرد. علاوه بر دولت فوق همسایهٔ دیگر ایران دولت عثمانی با حکومت مطلقی که سلطان عبدالحمید تشکیل داده بود، طبعاً با جنبش آزادیخواهی ایران بهیچ عنوان موافقت نداشت، و از بیم سرایت آن بعثمانی، و تحریک و برانگیختن افکار و اندیشه‌های آزادیخواهی در ملت عثمانی که در آن زمان در زیر یوغ و سلطه استبداد سلطان عبدالحمید مجال بروز و خودنمائی نداشت بعناوین مختلف و وسایل امکان‌پذیر بمخالفت با مشروطه برمیخاست. گرچه این حکومت در آن سرزمین دیری نپایید، و همزمان با تعطیل مشروطهٔ اول و بمباران مجلس، حکومت استبدادی برچیده شد و حکومت ملی و آزاد عثمانی اعاده یافت. همانطور که جنبش جوانان ترک برای بدست آوردن حکومت ملی در بیداری و تنویر افکار ملت و آمادگی آنها بمبارزهٔ ضد استبداد تأثیر غیر مستقیم ولی مهمی داشته، هماهنگی و همراهی آزادیخواهان ملت عثمانی و دولت جدید آن کشور با ملیون ایران بروزگار استبداد صغیر در برقراری مجدد مشروطیت و مبارزات و جنبشهائی که جهت برکناری محمد علیشاه از سلطنت روی داد مؤثر بوده است.

دولت امپراطوری انگلستان بسبب موقع از دست رفتهٔ خود در مقابل حریف و رقیب سرسختش دولت روسیهٔ تزاری، در ابتدا نسبت به انقلابات و اعتصابات عمومی بظاهر خوشبین بوده و برای پیشروی و اجرای نقشهٔ استعماری خود در ممالک آسیایی و بویژه و بمنظور تأمین تسلط کامل خود بر هندوستان و اجتناب از بسط نفوذ دولت روسیهٔ تزاری در مناطق مستعمراتی مورد نظر، جانب مخالفان رژیم تزاری را گرفت. دولت انگلستان بمنظور جبران شکست خود در مورد از دست دادن بازار تجارت ایران و

برای بدست آوردن موقع اقتصادی دیرین و بویژه نفوذ در هیأت حاکمه، از نهضت و جنبش آزادیخواهان در ایران جانبداری کرد و بدینوسیله با روی کار آوردن رژیم جدید، از نفوذ توسعهٔ روسیهٔ تزاری در دربار ایران و تضعیف موقع اقتصادی و سیاسی خود در ایران کاست و بر رقیب خود غالب آمد.

روی اصل مزبور دولت انگلیس از مشروطه‌طلبان بصورت پناه دادن آزادیخواهان در سفارتخانه و قونسولگریهای خود در شهرستانها و ایفای نقش واسطه بین آزادیخواهان و شاه و تدبیر وسایل مختلف دیگر تأثیر مهمی در انقلابات ایران داشت.

ولی مسئله رقابت و تضاد بین دو دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان در مورد انقلاب مشروطیت ایران دیری نپائید و عوامل مختلف سبب شد که این دو نیروی آشتی‌ناپذیر بظاهر سیاست واحد و هماهنگی را در مقابل رژیم جدید ایران پیش گیرند از آنجمله:

ترس دولت انگلستان از سرایت جنبش ملی ایران بمنطقهٔ نفوذ و مستعمره‌اش «هندوستان» و مهمتر از آن تغییر سیاست بین‌المللی دول غربی بود که مسئلهٔ سازش دولت انگلستان را با دولت روسیهٔ تزاری بوساطت دولت فرانسه پیش آورد و در این امر پیدایش نیروی ثالثی در عرصهٔ سیاست خارجی ایران چون دولت آلمان که از رقبای دولت انگلستان بود، عامل مؤثر و مهمی محسوب میشد. سیاست استعمار دولتهای آسیایی توجهٔ دولت آلمان را بایران جلب کرد و نتیجه آن شد که دولت مزبور با توسعهٔ سیاسی و بخصوص اقتصادی خود در ایران بطور غیر مستقیم در سیاست بین‌المللی دو دولت روسیه و انگلیس در مورد نظام جدید و حکومت ایران تأثیر قابل ملاحظه و عمیقی پیدا کرد.

دولت آلمان با دولت انگلستان از راه اجرای سیاست تعرفه‌های ارزانقیمت، و پیشنهادهایی در زمینهٔ تأسیس بانک، و امتیاز راه‌آهن و بخصوص پیشنهاد قرضه بایران رقابت میکرد. و از طرف دیگر جانبداری و حمایتی که این دولت از ملیون و مشروطه‌خواهان کرد، موجب شد که در صحنهٔ سیاست استعماری کشورهای اروپایی در آسیا و بخصوص ایران رقیب تازه‌ای که نقش موافق انقلاب را برعهده داشت، و نظر گروههای ملی و آزادیخواهان را بطرف خود جلب کرده بود وارد شود.

مجموعهٔ عوامل فوق، و بخصوص عدم تمایل واقعی دولت انگلستان به پیشرفت حکومت ملی و ترقی وضع سیاسی و اقتصادی ایران سبب شد که این دولت از رقابت و

مبارزهٔ ظاهری خود با دولت روسیهٔ تزاری بطور موقت در مورد جنبش ملی ایران دست بردارد، و امر تسریع در اجرای نقشهٔ تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت انگلیس و روسیهٔ تزاری با تشکیل کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتهای انگلیس و روس و عثمانی فراهم شود. نزدیکی دو دولت رقیب بمنظور اجرای هدف واحد، و حفظ پایگاههای خود در آسیا، نتیجه‌اش تنظیم و تصویب و اجرای موافقتنامه و قرارداد ننگین معروف ۱۹۰۷ میلادی گردید.

مسلم است که پس از تنظیم چنین موافقتنامه‌ای، هیچیک از دول مزبور با حکومت ملی ایران همراه و موافق نبودند، و بخصوص پس از آنکه نمایندگان مجلس با تنظیم و تدوین قانون اساسی و متمم آن به محدود ساختن نفوذ اجنبی در امور داخلی ایران، و تجدید اعطای امتیازات و پایگاههای اقتصادی خارجی در ایران اهتمام کردند، این عدم موافقت شدیدتر شد و نیز پس از آنکه نمایندگان با پیشنهاد دولت وقت، مبنی بر استقراض تازه‌ای از دولت روسیهٔ تزاری و انگلیس مخالفت ورزیدند، دولتهای اخیر باب مخالفت و کارشکنی را با دلایل پوچ و واهی باز نمودند، و با کمک ایادی خود در دربار، و همچنین بیاری پاره‌ای از خانها و حکام در شهرستانها، با ایجاد اغتشاشها و هرج و مرج داخلی، محیط متشنج و ناامنی در ایران بوجود آوردند، و با اتخاذ روشهای خاصی وضع مالی ایران را در چنان موقعیت بحرانی، سختتر ساختند، و با این کیفیت ببرآوردن خواسته و تمایل باطنی محمد علیشاه که برقراری مجدد حکومت مطلق باشد کمک شایان توجه کردند. بخصوص دولت روسیهٔ تزاری، با در دست داشتن نیروی نظامی ایران، و نفوذ و تسلط بر مقام سلطنت هدف خود را بطور مؤثرتری اجرا کرد، و با اینکه ظاهراً عوامل داخلی از جمله روحانیان مشروعه خواه و خانها و حکام محلی ببرانداختن مجلس برچیدن اساس مشروطیت اقدام و محمد علیشاه را یاری کردند، و استبداد صغیر را بوجود آوردند. ولی بموجب مدارک و اسناد موجود دولتهای خارجی و بخصوص دولت روسیهٔ تزاری عامل عمده در این قیام ضد ملی بوده است.

تأثیر عامل مداخلهٔ دولتهای خارجی در تحولات عمیقی که در عصر اول مشروطیت در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی روی داده است شایان توجه و بررسی عمیق میباشد. و میتوان در واقع ناپایداری و بی‌ثباتی عصر اول مشروطیت و فترتهای طولانی و انقلاباتی را که به تغییر سلطنت منجر گردید مولود آن دانست. دو

دولت «روسیه و انگلیس» بعناوین مختلف با وارد ساختن قشون در مناطق نفوذ خود، مداخله بیش از حد در امور داخلی ایران میکردند، و سد بزرگی در راه پیشرفت گروههای ملی گردیده بودند. دولت انگلستان با اینکه در باطن از نفوذ روزافزون روسها پس از تعطیل مشروطهٔ اول و فرمانروایی مطلق آنها بمدد نیروی قزاق و تسلیم دستگاه حکومتی ایران در مقابل تمایلات روسها ناراضی و نگران بود، باز هم از تعقیب سیاست سازش خود دست برنداشت، و این امر حتی پس از اعادهٔ مشروطیت و تشکیل مجلس دوم، و وقایع پس از آن کما بیش همچنان ادامه داشت، و موقعی که مبارزات ملی و مساعی آزادی خواهان در برچیدن بساط استبدادی محمد علیشاه و اعاده مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی در شرف نتیجه گیری بود، و حکومت ملی برای اجرای اصلاحات و قوانین بمحیط آرام و بدون تشنج احتیاج داشت، دولت مزبور در مقابل هر نقشهٔ اصلاحی و اقدامی که دولتها و مجلس بمنظور تقویت بنیهٔ مالی و اقتصادی کشور و دیگر اصلاحات داخلی در نظر میگرفتند، با وسایل وحیل مختلف و بمدد ایادی پنهانی خود رادع و مانعی میگذاشتند. از آنجمله:

دولت و مجلس ایران بمنظور اصلاح امور اقتصادی کشور از دولتهای خارجی که جنبهٔ بیطرفی را در ایران داشتند استمداد کرد و برای جلب مستشاران اقتصادی و استخدام آنها با دولت امریکا وارد بحث و مذاکره شد، بموجب قرار دادی که دولت ایران با وزارت امور خارجهٔ امریکا تنظیم کرد، موقعیکه میسیون امریکایی بریاست مستر مورگان شوستر امریکایی بنام خزانه‌داری کل ایران مأمور اجرای طرح اقتصادی مبنی بر تجدید سازمان مالیهٔ ایران گردید.

دول استعمارگر روسیه و انگلیس با عملیات هیأت گسیل شده از امریکا مخالفت کردند، در این مورد خاص دولت روسیهٔ تزاری از بیم بمخاطره افتادن منافع اقتصادیش در ایران ضمن اولتیماتومی چند که بدولت ایران داد، هم از اجرای نقشهٔ اصلاحی شوستر امریکائی در ایران جلوگیری نمود، و هم بدین وسیله بار دیگر در مقابل عدم تمکین نمایندگان مجلس از خواسته‌های آنها موجبات انحلال مجلس دوم و دوران فترت طولانی را فراهم ساخت.

نظیر این گونه مداخلات در امور داخلی مملکتی که با تغییر دادن نحوهٔ حکومت چند هزار ساله و بر سر کار آوردن رژیم و نظام جدید خواه ناخواه گرفتار مشکلاتی داخلی شده بود فراوان است:

فصل پنجم

تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری

توضیحات مقدماتی ـ ذکر جریان مفصل و مشروح وقایع و حوادث تاریخی و تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران از آغاز مشروطیت تا زمان حاضر از موضوع این تحقیق و بررسی خارج و مستلزم مطالعات و بررسیهای عمیق‌تری است که باید مورخان با نکته سنجی خاص خود برشته تحریر در آورند. ما در این فصل بذکر تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری و اشارهٔ اجمالی به وقایع مهم هر دوره با ذکر قوانین موضوعه بدون توضیح و تفسیر آن‌ها می‌پردازیم.

برای این منظور تاریخ ایران را از آغاز مشروطیت تا زمان حال بر اساس خصوصیات سیاسی بسه عصر متمایز تقسیم میکنیم:

الف ـ عصر اول مشروطیت: که ازمهرماه ۱۲۸۵.ش. و پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدینشاه قاجار با افتتاح نخستین مجلس شورای ملی شروع شده و تا آذر ماه ۱۳۰۴ ش. ادامه یافته و شامل پنج دورهٔ قانونگذاری است. این عصر مقارن با دورهٔ آخر سلطنت خاندان قاجار و بروز جنگ جهانی اول میباشد.

ب ـ عصر دوم مشروطیت: آغاز آن با تفویض مقام سلطنت بموجب رأی مجلس مؤسسان بتاریخ آذر ماه ۱۳۰۴ ش. به سر سلسله خاندان پهلوی بوده است و ۷ دورهٔ قانونگذاری از دورهٔ ششم تا سیزدهم میباشد.

ج ـ عصر سوم مشروطیت: شروع این عصر مصادف با جنگ جهانی دوم و استعفای رضا شاه پهلوی و تفویض مقام سلطنت بجانشین قانونی ایشان محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. میباشد.

الف ـ عصر اول مشروطیت

دورهٔ اول قانونگذاری

نخستین جلسهٔ رسمی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۲۸۵ ش. مطابق با ۱۷ شعبان ۱۳۲٤ ه.ق (۷ اکتبر ۱۹۰٦ م.) با نطق افتتاحی مظفرالدینشاه قاجار که با وجود شدت بیماری بمجلس آمده بود بی‌حضور نماینده‌گان شهرستانها گشایش یافت. مظفرالدینشاه قبل از ایراد نطق افتتاحی خود که متن آن در صفحهٔ مقابل گراور شده است چنین آغاز سخن کرد:

«سالها در آرزوی چنین روزی بودم و خدا را شکر که بآرزوی خود رسیدم.» و بعد خطابه مذکور را ایراد نمود. نماینده‌گان این دورهٔ مجلس را بموجب مادهٔ شش نظامنامهٔ انتخابات از بین طبقهٔ اشراف و شاهزاده‌گان و تجار و مالکان و روحانیان و اصناف تشکیل میدادند و با اینکه کار نخستین مجلس ملی ایران و طرح مسائل مورد بحث بر اساس نظام و برنامه خاصی صورت نمیگرفت، با اینهمه باید مجلس اول را هم از جهت ترکیب طبقات مختلف نماینده‌گان و هم از نظر وظیفهٔ خطیر از مهمترین ادوار قانونگذاری ایران دانست. در واقع مجلس اول از لحاظ برنامهٔ کار و نحوهٔ فعالیت خالق و بنیانگزار مشروطیت ایران است چه این مجلس توانست با مخالفت اصولی درباریان مستبد و بررغم و قدرت شاهزاده‌گان و خانهای مرتجع و گاهی هم اعمال نفوذ عمال خارجی قانون اساسی ایران را که مشتمل بر ۵۱ اصل بود در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ ش. (مطابق با ۳۰ دسامبر ۱۹۰٦ م) بتوشیح مظفرالدینشاه و پس از فوت وی متمم قانون اساسی را در ۱۵ مهرماه ۱۲۸٦ ش. (مطابق با اکتبر ۱۹۰۷ م) در شرایط بسیار سخت و مبارزات آزادیخواهان با مخالفان بامضای جانشین مستبد او محمد علیشاه برساند.

جنبش ملی ایران بر ضد اعطای امتیازات بخارجیان نماینده‌گان ملت را در مجلس اول تحت تأثیر قرار داد و برای نخستین بار مخالفت خود را در مورد امتیازاتی که در زمان حکومت استبدادی تحمیل شده بود آشکار ساختند. از آنجمله دادن امتیاز نفت بشرکت دارسی در زمان مظفرالدینشاه (۱۹۰۱ ـ م) که عامه مردم از مفاد مواد آن اطلاعی نداشتند، نماینده‌گان را بر آن داشت که از وزیر معدن وقت راجع بامتیازنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون الله تعالی از قوه بفعل آمد و بانجام آن مقصود مهم بعنایات الهیه موفق شدیم این روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است

مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را بهم مربوط و متصل میدارد و علایق مابین دولت و ملت را متین و محکم میسازد مجلسی که منظور کارخانه احتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که

نگهبان عدل و داد و شخص همایون ماست در حفظ ودایعی که ذات واجب الوجود بکف کفایت ما سپرده امروز روزیست که بر وداد و اتحاد مابین دولت و ملت افزوده میشود و اساس دولت و ملت

بر شالوده محکم گذارده میشود و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای نیکخواه دولت و امنا و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور

و ترتیب و تنظیم ادارات دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن ما کوشش خواهند نمود و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع

اهالی و مملکت و البته میدانید که نمیبایستی اساس معدلتی که به تبلیغات شخصی مشوب و مختل شود و باغراض نفسانی فاسد گردد حالا بر منتخبین مجلس است که تکالیف خود را چنانچه منظور دولت

و ملت است انجام بدهند بدیهی است که هیچکدام از شما منتخبین انتخاب نشده‌اید مگر بواسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مردم داشته‌اید و وجود این تفوق

باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ماست و چاره واثق داریم که با کمال دانش و بینش بمعرضی این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد

ولی با وجود این چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خود میدانیم و در خوشنودی و مسرت و غم و الم آنها سهیم و شریکیم باز لازم است

خاطر شما را باین نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شما فقط عاید بخود تان بود و بس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شما را انتخاب کرده‌اند و نزد ما

مستنظرند که شما با خلوص نیت و پاکی عقیدت دولت و ملت خود را خدمت نمائید از اموریکه باعث فساد است احتراز نمائید پس باید کاری بکنید که در پیشگاه خدا مسئول و در نزد ما

شرمنده و خجل نباشید این پند و نصیحت ما را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ما

و حافظ حق و حقانیت است خدا همراه شما و دیده بینای ماست که بر عهده گرفته‌اید با صداقت و درستی انجام بدهید و بفضل قادر متعال در وجه مستظهر باشید و دارا باشید بیوم هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴

دارسی توضیحاتی بخواهند، و در جلسه پنجم ذیحجه ۱۳۲٤ ه.ق مطابق با ۱۲ دی ماه ۱۲۸۵ ش. با حضور وزیر معادن و کمیسر نفت مذاکراتی در این باره در مجلس بمیان آمد.

واکنش نمایندگان مجلس در برابر مخالفت متنفذان و خانهای مستبد با حکومت مشروطه بصورت اخراج آنها از حوزهٔ حکمرانی و سلب مقام و اختیارات چندین ساله از آنها در امور اداری پدید آمد، همچون بر کناری شاهزاده ظل‌السلطان فرمانروای مقتدر و متنفذ اصفهان و عزل کامران میرزا عمو و پدر زن شاه از وزارت جنگ و آصف‌الدوله حکمران خراسان. در اینجا بجاست یادآوری شود، که یکی از اقدامات سود بخش مجلس اول که با مخالفت شدید دربار و عمال دولتی روبرو شد و قدرت مستبدانه هیأت دولت را در هم شکست مسئول شناختن هیأت وزیران در برابر دو مجلس بود که قانون آن در تاریخ ذیحجه ۱۳۲٤ ه.ق بتصویب مجلس رسید.

رد لایحه چهار صد هزار لیره قرضه از دولت روسیه و انگلستان که پروژه آن در روسیه و لایحهٔ آن در انگلستان بتصویب رسیده بود از جمله خدمات مفید و مهم مجلس اول بوده و این لایحه در موقع طرح در مجلس با مخالفت ٦۰ تن از نمایندگان که بکار انداختن سرمایه‌های ملی را ترجیح میدادند روبرو شد (بتاریخ رمضان ۱۳۲٤ ه.ق «مطابق ۱۹۰٦ میلادی.»)

نمایندگان دورهٔ اول بامستشاران بلژیکی که در آن تاریخ اقتدار بسیار بدست آورده بودند و در امور داخلی ایران مداخله می‌کردند و در نتیجه نارضایی عموم طبقات را برانگیخته بودند مخالفت کردند و شاه را ببر کناری مسیونوز و همکارانش از گمرکات ایران مجبور ساختند و باین ترتیب مجلس در مهمترین و حیاتی‌ترین مسئله روز که ممنوعیت اخذ هرگونه وامی از دو دولت روسیه و انگلیس و کوتاه کردن دست بلژیکیها از امور داخلی ایران بود توفیق حاصل کرد.

از اهم مسائلی که مجلس اول برای جلوگیری از قرض روزافزون و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانکهای خارجی و ترمیم وضع مالی خزانه که استقلال مملکت را بمخاطره میانداخت مورد توجه قرار داد، اصلاح بودجه و تعدیل آن و محدود ساختن مخارج شاه و دربار بود. همچنین برای بکار انداختن سرمایه‌های داخلی در ضمن تقدیم طرحی مبنی بر تأسیس بانک ملی در مقابل بانک شاهنشاهی قدم موثری برداشت. در

تاریخ ۵ آذرماه ۱۲۸۵ ش. و ۹ ذیعقده ۱۳۲٤ هـ.ق (مطابق اول فوریه ۱۹۰۷ م) اساسنامهٔ بانک ملی ایران بتصویب رسید و اعلان آن در تاریخ ۹ آذر ماه ۱۲۸۵ ش. منتشر گردید، با اینکه عموم طبقات مردم از جمله زنان و کودکان و مردمان فقیر با جزیی پس انداز و طلاب با فروش کتاب خود به پشتیبانی نمایندگان برای رفع نیازمندی کشور پیشقدم شدند باز هم تأسیس بانک ملی بسبب اشکالات و موانع بیشمار عملی نگردید.

مجلس اول در جلسهٔ ۲۲ رجب ۱۳۲۵ هـ.ق خود با موافقتنامهٔ ۱۹۰۷ تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت روسیه و انگلستان مخالفت کرد و با تصویب تشکیل محاکمات عرفی متمرکز ساختن محاکمات در دادگاههای دادگستری که تا آن تاریخ در محاضر روحانیان انجام میگرفت باصلاح دستگاه قضایی پرداخت.

برقراری تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و نسخ قاعده تیول که از زمانهای دراز در ایران معمول بوده و باعث بی‌نظمی در امور مالی کشور و همچنین موجب تسلط ارباب تیول و استثمار رعایا گشته بود و همچنین نسخ قاعده تسعیر که بموجب آن بر عایدات دولت افزوده میشد از جمله خدمات شایان توجه مجلس اول بود.

مهمترین قوانینی که در این دوره وضع شد عبارت‌اند از.

۱ـ قانون آزادی مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده که در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۲۸٦ ش. مطابق با ۵ محرم ۱۳۲٦ هـ.ق بتصویب رسید، و بموجب این قانون انتشار مجله و روزنامه‌های ملی در ایران روبفزونی گذاشت و تعداد آن در طی دو سال عمر مجلس اول در حدود ۵۰ در صد افزایش یافت.

۲ـ قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور کار حکام مشتمل بر ٤۳۳ ماده و ۲٦ ماده ضمیمه که در تاریخ ۱۷ آذر ماه ۱۲۸٦ ش. مطابق با ٤ ذیعقده ۱۳۲۵ هـ.ق بتصویب نمایندگان مجلس رسید.

۳ـ قانون انجمن ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۱۲۲ ماده که در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۲۸٦ ش. (مطابق با ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق) بتصویت نمایندگان رسید، انجمنهای فوق مطابق قانون شروع بکار کرد و فعالیت بعضی از انجمنها در پاره‌ای از شهرستانها تا اندازه‌ای از تمرکز قدرت در دست هیأت حاکمه کاست و زمینهٔ مداخله مردم را در ادارهٔ امور اجتماعی و بهبود بخشیدن به اوضاع شهر خودشان را فراهم ساخت.

۴ـ قانون بلدیه که در تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۲۸۶ ش. بتصویب رسید.
۵ـ قانون وظایف که در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ ش. بتصویب رسید.

مجلس اول پیش از پایان دو سال دورهٔ قانونی خود بعلت مخالفت محمد علیشاه با مشروطه‌خواهان و تحریکات دولتهای خارجی از طریق عناصر ارتجاعی، توسط کلنل لیاخوف رئیس قزاقهای ایران و چند افسر روسی دیگر در ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ ش. و ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ه.ق (مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م) بتوپ بسته شد و چند تن از نماینده‌گان و روزنامه‌نگاران و مشروطه‌طلبان در باغشاه زندانی شدند و پاره‌ای از آنها بقتل رسیدند و عدهٔ بسیاری از نماینده‌گان نیز بسفارتخانه‌ها پناهنده شدند و با این کیفیت دورهٔ اول مجلس شوری منحل و حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام شد.

استبداد صغیر
(فترت بینی مجلس اول و دوم)

پس از کودتای سه‌شنبه دوم تیرماه و تعطیل مشروطهٔ اول و برقراری حکومت استبدادی توسط محمد علیشاه و عناصر مرتجع طرفدار وی بحمایت دولتهای خارجی و با متواری شدن آزادیخواهان سکوت و آرامش موقتی که برخلاف میل طرفداران حکومت قانون و روشنفکران و روحانیان آزادیخواه بود برقرار شد ولی در زیر سکوت و آرامش، نطفهٔ انقلاب و جنبش آزادیخواهی برشد خود ادامه می‌داد و عملیات جابرانهٔ شاه مستبد و عناصر طرفدار سلطنت مطلق نتوانست آتشی را که در زیر خاکستر استبداد نهان بود خفه کند و ملت ایران بگفتهٔ حافظ شیرین سخن «آتشی» را که هرگز «نمیرد همیشه در دل» خود داشت.

رهبران و سران آزادیخواه، در شهرستانها آرام ننشستند و برای برقراری مجدد حکومت ملی و برانداختن سلطنت محمد علیشاه قیام کردند و این جنبش از نواحی مختلف مانند آذربایجان و گیلان و اصفهان و دیگر نقاط چون فارس و کرمان و جز اینها آغاز شد.

در آذربایجان پس از بتوپ بستن مجلس اول آزادیخواهان آرام ننشستند و با تشکیل قوای مجاهد ملی بسرداری ستارخان و باقرخان قیام کردند. دولت مرکزی با فرستادن چند هزار تن سرباز و قشون شهر تبریز را محاصره کرد و با ممانعت از ورود

آذوقه و جز آن بر آزادیخواهان سخت گرفت.

این وضع بهانه و فرصت مناسبی برای دولت روسیهٔ تزاری بود که بعنوان حمایت از اتباع خارجی در آوریل ۱۹۰۹ قشون خود را از سرحدات ایران بگذراند و شهر تبریز را اشغال کند. مبارزات دلیرانه آزادیخواهان تبریز، انقلابیان سایر شهرستانها را نیز بجنبش و قیامهای ملی دامنه‌داری وادار کرد از آنجمله: در هنگامی که تبریز در محاصره و فشار قشون دولتی و سربازان روسی بود نیروهای نجات ملی و گروههای آزادیخواه و بختیاریها با تشکیل دسته‌های منظم و حفظ ارتباط با یکدیگر در تاریخ ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه‍.ق از رشت و اصفهان بطرف تهران حرکت کردند و پایتخت در محاصرهٔ انقلابیان قرار گرفت، اکثریت مردم تهران هم بکمک مهاجمان برخاستند و در نتیجه پس از ورود قوای مجاهد و بختیاری بتهران و تصرف مسجد سپهسالار و بهارستان جنگ بین دو نیروی آزادیخواه مشروطه‌طلب و قوای دولتی که تحت فرمان لیاخوف روسی بود در گرفت. و با اینکه قریب بدو هزار تن از قشون روس در قزوین تمرکز یافته بودند و دولت روسیه نیروهای مهاجمان را تهدید بورود در صحنهٔ نبرد کرد باز هم این تهدیدها نتیجه نبخشید و نیروهای نجات بخش ملی از شمال وجنوب به‌نبرد دلاورانهٔ خود که آغاز آن از تاریخ ٤ تیر ماه ۱۲۸۷ ش. (مطابق با ژوئیه ۱۹۰۹ م) بود ادامه دادند و پس از چهار روز زد و خورد توانستند تهران را بتصرف خود در آورند. محمد علیشاه با ۵۰۰ تن از بستگان خود و سران مرتجعان و سربازان محافظش بمحل ییلاقی سفارت روس پناهنده گشت و بیرق روس و انگلیس بعنوان حمایت مشترک از شاه فراری بر سر در عمارت سفارت افراشته شد و مبارزات ملت ایران و سران آزادیخواه با دولت محمد علیشاه خاتمه یافت.

برای برقراری و رفع بلاتکلیفی و حفظ امنیت، جلسهٔ خاصی از نمایندگان مجلس اول و پیشوایان عامهٔ مردم و مجتهدان و رجال آزادیخواه در مجلس شورای ملی منعقد شد و پس از مذاکره و مشاوره بسیار مسئله برکناری محمد علیشاه از تخت و تاج و انتخاب فرزند او احمد میرزا ولیعهد که شاهزاده خردسالی بود بجای پدر با نیابت سلطنت عضدالملک مطرح شد و بتصویب رسید.

شاه مخلوع «محمد علیشاه» از ایران خارج شد و دولت انقلابی جدید با وساطت سفرای روس و انگلیس یک میلیون ریال مستمری برای محمد علیشاه معین

کردند مشروط بر اینکه شاه مخلوع در امور داخلی ایران مداخله نکند.

مجلس شورای ملی که مرکب از ۲۵ تن از مشروطه‌طلبان بود بتعیین هیأت دولت جدید و نظارت بر اعمال آنها پرداخت و مقدمات انتخابات مجلس دوم را فراهم کرد و بار دیگر حکومت ملی آغاز شد و آزادی مطبوعات تأمین گشت و روزنامه‌هایی که با پیدایش مشروطیت افزایش یافته و با تعطیل آن ناپدید شده بود از نو زندگی تازه‌ای یافتند و مبارزهٔ قلمی خود را برای ثبات حکومت ملی آغاز کردند، سازمانهای سیاسی تجدید شد، و قانون جدید انتخابات از طرف دولت تصویب و منتشر گردید و انتخابات مجلس دوم آغاز گردید.

دورهٔ دوم قانونگذاری

دومین دورهٔ قانونگذاری پس از یک سال و ٤ ماه و ۲۱ روز فترت در تاریخ ۲٤ فروردین ماه ۱۲۸۸ ش. و دوم ذیعقده ۱۳۲۷ هـ.ق (مطابق با ۱۹ نوامبر ۱۹۰۹ م) افتتاح یافت و نخستین جلسهٔ رسمی آن در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۲۸۸ و ٦ ذیعقده ۱۳۲۷ هـ.ق تشکیل گردید.[1]

انتخابات این دوره از مجلس بموجب نظامنامهٔ انتخابات مورخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق بطریق غیر مستقیم و دو درجه‌ای صورت گرفت و در برابر دورهٔ اول مجلس که انتخابات در انحصار طبقاتی از اجتماع بود در این دوره سیستم صنفی ملغی گردید.

مجلس دوم با بحرانهای سخت و مشکلات ناشی از قوای خارجی، و بسی دشواریهای دیگر داخلی روبرو شد و در طی دوران کوتاه عمر خود با موانع بسیار گامهای بلندی در راه حفظ مشروطیت و اصلاحات داخلی برداشت.

از جمله اقدامات اساسی مجلس دوم استخدام مستشارانی که از امریکا و سوئد و فرانسه بمنظور اصلاح امور دارایی و دستگاههای اداری چون ژاندارمری و شهربانی و وزارت کشور بود در زمینهٔ فرهنگ با فرستادن دانشجوی ایرانی باروپا و امریکا خدمتی انجام داد.

۱ـ مراد از رسمیت موقعی است که اعتبارنامهٔ سه ربع از نمایندگان حاضر در مرکز بتصویب رسیده باشد.

یکی از کارهای سودمند مجلس دوم مقاومت شدید آن در برابر تحمیلات دولتهای خارجی (روسیه و انگلیس) بود. توضیح آنکه دولت روسیهٔ تزاری که راضی باصلاحات اساسی در ایران نبود با اقداماتی که توسط خزانه‌دار کل ایران مستر مورگان شوستر امریکایی برای اصلاح امور دارایی انجام می‌گرفت مخالفت کرد و با موافقت و تبانی دولت انگلیس که در باطن با اقدامات اصلاحی شوستر، و نفوذ دولت امریکا در ایران راضی نبود در دو نوبت بایران اولتیماتوم داد تا شوستر و اتباع وی از ایران خارج شود، نوبت نخست در تاریخ ١٤ آبان ماه ۱۲۸۹ ش. و نوبت دوم در ۱۸ آذرماه ۱۲۸۹ ش. (مطابق ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ م) بود.دولت مزبور ایران را تهدید کرد که هرگاه با خواسته‌های آنها موافقت نکند قشون بایران خواهد کشید.

پذیرفتن اولتیماتوم دولت روس از طرف مجلس و دولت ایران گذشته از اینکه نقشهٔ اصلاح امور اقتصادی کشور را که شوستر با جدیت و سرعت کاملی بدان شروع کرده بود دچار وقفه و تعطیل می‌کرد اساس استقلال کشور را نیز متزلزل می‌ساخت و بدان آسیب فراوان می‌رسانید، از اینرو انتشار خبر مزبور خشم و نارضایی میهن‌پرستان را سخت برانگیخت و ملت ایران در برابر آن از راه اعتصابات عمومی نفرت خود را نشان داد و روش مقاومت منفی در پیش گرفت و استعمال کالاهای روس را تحریم کرد از اینرو نمایندگان مجلس هم در برابر خواست مردم و بمنظور حفظ استقلال و حاکمیت ملی با اولتیماتوم دولت روسیهٔ تزاری بشدت مخالفت کردند.

ولی مخالفت ملت و نمایندگان مجلس مانع از اجرای خواسته دولت روس نگردید، ناصرالملک نایب‌السلطنه ایران بتحریک و تهدید دولت مزبور و دیگر بیگانگان از مجلس تقاضا کرد کمیسیونی برای رسیدگی باین امر تشکیل یابد. کمیسیون مزبور که مرکب از پنج تن از نمایندگان معمر بود در دومین جلسهٔ مشورتی خود بامر ناصرالملک و تهدید روسیهٔ تزاری بانحلال مجلس رأی داد و در نتیجه مجلس دوم در تاریخ ۳ دیماه ۱۲۹۰ ش. مطابق با ۳ محرم ۱۳۳۰ ه.ق (٢٤ دسامبر ۱۹۱۱ م) منحل شد و گروههای بسیاری از نمایندگان و هیأت دولت بفرمان نایب‌السلطنه بقم تبعید شدند و جراید و مطبوعات توقیف گردید.

از وقایع مهم مقارن مجلس دوم قیام فئودالها و برادران شاه مخلوع «محمد علیشاه» در آذربایجان و کردستان و سایر نقاط ایران بر ضد حکومت ملی بود که بطور

علنی آمادهٔ حمله بآن شده بودند،از سوی دیگر شاه مخلوع نیز که از طریق ایادی خود از اوضاع داخلی ایران با خبر بود بکمک نیروهای روسیهٔ تزاری که بایران وارد شده بودند بفعالیت پرداخت و با مساعدت و حمایت دولت مزبور رؤسای قبایل ترکمن را برانگیخت، و از عناصر دیگر ارتجاعی نیز یاری طلبید و قشونی فراهم آورد و بسوی تهران رهسپار شد.

نیروی نجات بخش مشروطه‌طلبان و سوارهای بختیاری و قشون دولتی بمبارزه با کردها و ترکمانان که لشکریان شاه مخلوع را تشکیل میدادند برخاستند، و جنگ بین گروههای ملی و نیروی محمد علیشاه و برادرانش با فتح آزادیخواهان خاتمه یافت و آخرین ضربت و لطمه شدید بامیدواری شاه مخلوع وارد آمد و با این کیفیت بار دیگر وی باروپا گریخت.

نمایندگان مجلس در این واقعه در تاریخ ۷ مرداد ماه ۱۲۹۰ ش. مطابق دوم شعبان ۱۳۲۹ هـ.ق (۲۹ ژوئیه ۱۹۱۱ م.) قانونی تصویب کردند که بموجب آن یکصدهزار تومان جایزه برای اعدام محمد علیمیرزا و بیست و پنج هزار تومان برای قتل برادرانش تعیین گشت با تصمیم هیأت دولت در ۱۰ شوال ۱۳۲۹ ه.ق (مطابق ۱٤ اکتبر ۱۹۱۱ م) مبنی بر ضبط اموال و املاک شاهزاده شعاع‌السلطنه و سالارالدوله بنفع خزانهٔ دولت موافقت کرد و اجرای حکم مزبور بر عهدهٔ مستر شوستر امریکایی بود ولی موضوع مزبور نیز مانند هرگونه اقدام دیگری که از طرف مستشار مزبور انجام میگرفت با اعتراض دولت روسیهٔ تزاری روبرو شد و بمرحله اجرا در نیامد.

قوانین مهمی که در این دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است از این قرار است:

۱ـ قانون اساسی معارف در ۹ آبان ماه ۱۲۹۰ ش. مطابق ۱۰ ذیعقده ۱۳۲۹ ه.ق بموجب این قانون کلیهٔ دستگاههای تعلیم و تربیت «دولتی و ملی» در تحت نظارت وزارت فرهنگ در آمد و نیز در ضمن این قانون؛ تعلیمات ابتدایی در سراسر کشور برای کودکان از هفت سالگی مجانی گردید.

۲ـ قانون جدید انتخابات مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۹ مهر ماه ۱۲۹۰ ش. بتصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید و بموجب نظامنامهٔ آن، انتخابات بصورت مخفی و مستقیم و یکدرجه شد.

۳ـ قانون دیوان محاسبات عمومی مورخ ٤ اسفند ماه ۱۲۸۹ ش.

٤ـ قانون محاسبات عمومی مورخ ۲ اسفند ماه ۱۲۸۹ ش.

۵ـ قانون ثبت اسناد مورخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۲۹۰ ش.

٦ـ قانون موقتی اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه که با سعی و کوشش مرحوم حسن پیرنیا «مشیرالدوله» وزیر عدلیه وقت تهیه شده بود در تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۲۹۰ م ش بتصویب رسید.

برای نخستین بار در تاریخ مجلس شورای ملی تشکیلات حزبی و گروههای سیاسی که مولود حکومت دمکراسی بود در صحنهٔ سیاست پدید آمد و بموجب قانون اساسی دولت حق استفاده از آزادی تشکیل انجمنها را بملت اعطا کرد و احزاب سیاسی فعالیت خود را در کشمکشهای پارلمانی آغاز کردند، از آنجمله: دو حزب نیرومند یکی بنام حزب دمکرات عامیون دارای ۲۸ نماینده، و دیگری اجتماعیون اعتدالیون دارای ۳٦ نماینده در مجلس بود و نمایندگان مزبور با خط مشی ثابت و سازمان حزبی منظم و مرامنامهٔ خاص گروه متشکل حزبی خود را در مجلس دوم تشکیل دادند.

اعضای حزب اعتدال نظر بمرام و مسلک خاصی که داشتند مورد حمایت روحانیان و همچنین اعیان بودند و این گروه با نمایندگان حزب دیگری بنام اتفاق و ترقی که شمارهٔ نمایندگان آن اندک بود، و همچنین با عده‌ای از علمای طراز اول و چند تن از منفردان ائتلاف کردند و اکثریت مجلس را تشکیل دادند. حزب مزبور با رهبری میرزا محمد صادق طباطبایی و میرزا علی اکبرخان دهخدا و علیمحمد دولت آبادی اداره میشد.

حزب دمکرات در خارج از مجلس با عقاید انقلابی و مرام انتقادی مورد استقبال و پشتیبانی گروههای جوان و روشنفکر قرار گرفته بود، و نمایندگان آن در مجلس به رهبری سید حسن تقی‌زاده و حسینقلی‌خان نواب و سید محمد رضا مساوات فراکسیون اقلیت مجلس را تشکیل میدادند.

وجود این دو جزب از نظر اختلاف خط مشی سیاسی موجب تفرقه بین نمایندگان شد و اینان بدشمنی و ضدیت با یکدیگر پرداختند و کار این نفاق در مجلس بمنازعه و کشتار در خارج مجلس کشید.

فترت
(بین مجلس دوم و سوم)

پس از تعطیل مجلس دوم که بزور و تعدی عمال خارجی صورت گرفت و نمایندگان مجلس تبعید و متواری شدند، آزادیخواهان و اکثریت مردم که از اوضاع مغشوش و در هم مملکت و از دست دادن حکومت مشروطه ناراضی بودند بهیجان آمدند و در نقاط مختلف مملکت از آنجمله: در نواحی شمالی چون آذربایجان، گیلان، و خراسان و شهرهای جنوبی بمقاومت بر ضد قشون روسیهٔ تزاری و همچنین قوای دولت انگلیس و حکومت مطلق ناصرالملک قیام کردند. در این مبارزات و قیامهای ملی با همهٔ مقاومت و سرسختی بسیاری که گروههای ملی از خود نشان دادند باز هم شکست خوردند، روسها با دستیاری شجاع‌الدوله در تبریز آزادیخواهان را تحت فشار سخت قرار داده و بقتل و عام پرداختند، از آنجمله در ایام عاشورا ثقه‌الاسلام را که از روحانیان معروف بود بدار آویختند و در این کشتار عدهٔ بسیاری از روزنامه‌نگاران و واعظان مشروطه‌خواه و دیگر عناصر ملی نیز بقتل رسیدند.

در مشهد فجایع روسها بشکل دیگری خودنمایی کرد، و آن بتوپ بستن حرم حضرت رضا «ع» و کشتار دسته جمعی زایران بود. عوامل فوق و حمایت کردن دولتهای خارجی از دوران فترت با ایجاد ناامنی زمینه را برای حکومت مطلق ناصرالملک برای مدت درازتری تحکیم کرد. در خلال فترت مجلس دو دولت روسیه و انگلیس در ضمن بدست آوردن امتیازاتی از ایران و دادن قرضه‌ای رویهمرفته بمیزان ۶۸۰۰ لیرهٔ انگلیسی بیش از پیش زنجیرهای اسارت اقتصادی و سیاسی را بر گردن ملت ایران بیشتر فشرده و استقلال اقتصادی و سیاسی میهن ما را دستخوش مطامع خویش کردند.

پس از آنکه احمدشاه بسن بلوغ رسید زمامداری ناصرالملک نایب‌السلطنه در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۲۹۳ ش. مطابق با ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ ه.ق سپری شد در حالی که پیش از سقوط فرمان انتخابات دورهٔ سوم قانونگذاری را صادر کرده بود، پس از رفتن ناصرالملک انتخابات دورهٔ سوم مجلس مطابق قانون جدید انتخابات مورخ مهر ماه ۱۲۹۰ ش. آغاز گشت.

دورهٔ سوم قانونگذاری

بسعی و اهتمام آزادیخواهان سومین دورهٔ قانونگذاری پس از سه سال فترت در تاریخ ۱٤ آذر ماه ۱۲۹۳ ش. (مطابق ۱۷ محرم ۱۳۳۳ هـ.ق و ٦ دسامبر ۱۹۱٤ م) توسط احمدشاه قاجار افتتاح یافت و تاریخ رسمیت این دوره از مجلس در روز ۱۹ دیماه ۱۲۹۳ ش. (مطابق با ۲۳ صفر ۱۳۳۳ هـ.ق) بود دورهٔ سوم مجلس شورای ملی بیش از یک سال دوام نیافت زیرا مواجه با جنگ جهانی اول شد و با اینکه نمایندگان مجلس بیطرفی ایران را در جنگ اعلام داشتند (دوم نوامبر ۱۹۱٤) باز هم بزودی اثرات شوم جنگ جهانی در ایران پدید آمد، انزجار و تنفر از تجاوزات و مداخلات فزون از حد دو دولت روسیه و انگلیس در ایران و تمایل افکار عمومی نسبت بدولت آلمان و متحدان او سبب شد که دو دولت روس و انگلیس بعنوان اعتراض و بمنظور جلوگیری از نفوذ بیش از حد دولت آلمان و تحریکاتی که این دولت بر ضد دو دولت مزبور می‌کرد بر تعداد قوای خود در ایران بیفزایند و مناطق این کشور را اشغال کنند.

حرکت قشون روسیهٔ تزاری از قزوین بطرف پایتخت و سیاست دولت وقت ایران بمنظور جلوگیری از این تهاجم و حوادث بعدی آن، موجب آن شد که عده‌ای از نمایندگان فراکسیونهای حزب دمکرات و اعتدالی و منفردان باتفاق جمعی از رجال دولت و آزادیخواهان از تهران بقم مهاجرت کنند (اول محرم ۱۳۳٤ هـ.ق) رؤسای کمیتهٔ حزب دمکرات برای ایجاد و تمرکز دادن یک نیروی ملی در مقابل تهاجم قوای دولت روسیهٔ تزاری در قم بتشکیل کمیتهٔ دفاع ملی پرداختند.

پس از تصمیم دولت دایر بتغییر پایتخت از تهران باصفهان و اعلام آن از طرف شاه بدربار لندن و پترگراد در روز هفتم محرم ۱۳۳٤ هـ.ق، انقلاب و شورشی شدید در تهران و نگرانی و اضطراب در دیگر شهرستانها بوجود آمد، گروه بسیاری از تجار و کسبه و طبقات مختلف دیگر از تهران عازم قم شدند.

نمایندگان فراکسیونهای مختلف مجلس بتدریج از قم بکرمانشاه مهاجرت کردند و پس از اشغال قم توسط سربازان روسی کمیتهٔ دفاع ملی و عده‌ای از نمایندگان مجلس که هنوز بعنوان حفظ مرکز ستاد ملی و مقابله با مهاجمان در قم باقی مانده بودند بناچار از قم بکرمانشاه و سپس بخاک عثمانی مهاجرت کردند.

با مهاجرت نمایندگان از تهران بقم که عدهٔ آنها بیش از نصف کلیهٔ نمایندگان

مجلس بود ناگزیر بموجب مادهٔ ٤٩ قانون انتخابات که باید نصف عدهٔ وکلای مجلس در مرکز حاضر باشند تا جلسات مجلس تشکیل و رسمیت یابد، مجلس شورای ملی پیش از پایان دوران رسمی خود در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۱۲۹٤ ش. (مطابق با ۷ محرم ۱۳۳٤ هـ.ق و ١٤ نوامبر ۱۹۱۵ م) تعطیل شد.

مجلس سوم علی‌رغم گرفتاریهای خود طی یکسال عمر پر اضطراب و تلاطم و با وجود جنگ جهانی اول و فشارهای دولتهای متفق و مشغله‌های دیگر موفق شد تعدادی قوانین مهم را از تصویب بگذراند.

۱ـ قانون تشکیلات وزارت مالیه مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۲۹٤ ش.

۲ـ قانون مالیات مستغلات مورخ ۹ شهریور ماه ۱۲۹٤ ش.

۳ـ قانون سربازگیری مصوب ۹ آبان ماه ۱۲۹٤ ش.

٤ـ قانون منع خروج طلا و نقره مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۲۹٤ ش.

از اقدامات سودمند و مهم مجلس سوم اخراج مرنارد و دیگر مستخدمان بلژیکی از مالیه ایران بود مرنارد و همکارانش پس از برکناری شوستر از مالیه ایران از آنجا که مرعوب دو دولت روس و انگلیس بودند از قانون اختیارات ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ بنفع دو دولت مزبور استفاده کردند و در نتیجه با افتادن اختیار امور مالی ایران بدست بلژیکیها که در واقع مخلوق روسها بودند نقشه‌های اصلاحی شوستر در گمرکات و امور دارایی مملکت عقیم ماند و هر گونه اقدامی در این زمینه موکول به رضامندی دو دولت مزبور گردید. مجلس سوم با لغو قانون ۲۳ جوزا در تاریخ ۲٦ اسفند ماه ۱۲۹۳ ش. دست خارجیان را از گمرکات ایران کوتاه کرد.

فترت بین مجلس سوم و چهارم

اثرات شوم جنگ جهانی اول و تعطیل مشروطیت و تضعیف قدرت مرکزی و تحریکات و نفوذ فزون از حد دولتهای خارجی همه اینها موجب ناامنی داخلی، اختلال امر حکومت و نضج حکومت خانخانی و رقابت ایلات در نواحی مختلف کشور بتحریک و حمایت دولتهای خارجی و برخاستن زمزمهٔ حکومتهای خودمختاری در صفحات خراسان و آذربایجان و خوزستان و گیلان گردید.

جنگ داخلی روسیه و غلبه دمکراتها و نمایندگان کارگر و تغییر سلطنت روسیهٔ

تزاری بحکومت کمونیستی در سیاست جهانی و بخصوص در اوضاع داخلی ایران و مناسبات آن با دولتهای خارجی بی‌تأثیر نبود. تخلیه ایران از قوای روس بدستور حکومت شوروی و رکود و وقفه مناسبات اقتصادی آن دولت بایران، دولت انگلیس رقیب دیرینه روسیه را بر آن داشت که به بهانه‌های مختلف از قبیل مبارزه با یکی از دولتهای متحدین (دولت ترکیه) و همچنین بمنظور جلوگیری از نفوذ مرام بلشویک و تجاوز کمونیستها بایران، قشون خود را در قسمتهایی از خاک ایران متمرکز سازد، برای قبضه کردن ایران و بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این کشور، دولت را تحت فشار قرار دهد و وادار به قبول قراردادی کند که بموجب آن ایران از هر جهت جزو منطقهٔ نفوذ انگلیس و تحت تسلط و تفوق سیاست آن دولت در می‌آمد.

اعلامیه قرارداد از طرف دولت وقت (وثوق‌الدوله) در روز ۱۸ مرداد ۱۲۹۸ ش. و مطابق با ۱۳ ذیعقدهٔ ۱۳۳۷ هـ.ق و (اوت ۱۹۱۹ م) بضمیمه متن قرار داد در تحت ۶ ماده بوسیله جراید در تهران منتشر شد.

بموجب این قرار داد امتیاز راه‌آهن و راههای شوسه در سراسر کشور بدولت مزبور واگذار می‌گردید و با پرداخت وامی از طرف آن دولت مالیه و قشون ایران زیر نظر مستقیم مستشاران و فرماندهان انگلیسی اداره میشد اما انتشار مواد قرارداد با مخالفت شدید ملت ایران مواجه شد.

وثوق‌الدوله رئیس دولت وقت برای ارعاب و سرکوب کردن مخالفان قرار داد بدستگیری و زندانی کردن ۱۷ تن از معاریف مخالفان پرداخت و عده‌ای از رجال متنفذ را نیز از جمله حاج میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه، مستشارالدوله (صادق صادق) میرزا اسماعیل‌خان ممتازالدوله و مختارالملک تبریزی و حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری را بکاشان تبعید کرد.

احمد شاه که در این موقع خارج از کشور بسر میبرد در لندن از قبول این قرارداد و امضای آن خودداری کرد و تصدیق و قبول آن را بتصویب مجلس شورای ملی موکول کرد.

کابینهٔ وثوق‌الدوله عاقد این قرارداد بر اثر هیجان مردم و مخالفتهای بسیار پس از مراجعت احمد شاه بایران سقوط کرد در حالی که قسمتی از انتخابات دورهٔ چهارم مجلس را که نمایندگان آن میبایست قرار داد را امضا کنند انجام داده بود.

از وقایع مهم دوران فترت قیام اصلاح‌طلبان تبریز برهبری شیخ محمد خیابانی بر ضد قرارداد تحمیلی ۱۹۱۹ م. و قطع رابطهٔ تهران با آذربایجان بود، و این غایله با شهید شدن مرحوم خیابانی توسط مأموران مهدیقلی‌خان مخبرالسلطنه هدایت والی آذربایجان در تابستان ۱۲۹۹ ش. خاتمه یافت.

دیگر از وقایع مهم دوران فترت، کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ ش. (مطابق با ۱۱ جمادی‌الاخر ۱۳۳۹ ه.ق و ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ م) بود که مقدمات تغییر سلطنت و شروع فصل جدیدی را در تاریخ ایران فراهم ساخت. این کودتا به دست عده‌ای قزاق بسرپرستی مردی دلیر بنام رضاخان میر پنج صورت گرفت. پس از تصرف شهر تهران و تعطیل ادارات و توقیف عده‌ای از شاهزادگان و رجال معروف کودتا کنندگان بر اوضاع مسلط شدند و روز ۶ اسفند ماه ۱۲۹۹ ش. فرمان نخست وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد که از عاملهای کودتا بود از طرف احمد شاه صادر شد، و در اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ با استعفای مسعود کیهان وزیر جنگ، رضاخان سردار سپه بسمت وزیر جنگ کابینه سید ضیاءالدین معرفی گردید. این کابینه تا چهارم خرداد ماه ۱۳۰۰ ش. طول کشید و در این تاریخ پس از انفصال سید ضیاءالدین از طرف احمد شاه سقوط کرد و سید ضیاءالدین از طریق قزوین ببغداد رفت و از آنجا باروپا مسافرت کرد.

دورهٔ چهارم قانونگذاری

چهارمین دورهٔ قانونگذاری پس از ۵ سال و هفت ماه و هشت روز فترت در اول تیر ماه ۱۳۰۰ ش. (مطابق با ۱۵ شوال ۱۳۳۹ ه.ق و ۲۱ ژوین ۱۹۲۱ م) توسط احمد شاه قاجار گشایش یافت و تاریخ رسمیت آن در ۲۱ مرداد ماه ۱۳۰۰ ش. (مطابق ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۹ ه.ق) بود.

انتخابات این دوره از مجلس بنابمقتضیاتی در موعد قانونی خود و بطور منظم صورت نگرفت و با اینکه انتخابات تهران در زمان نخست وزیری وثوق‌الدوله خاتمه یافته بود باز هم انتخابات در شهرستانها بتأخیر افتاد، از سوی دیگر چون انتخاب نمایندگان برخی از نواحی تحت تأثیر و نفوذ مسئولان قرار داد ۱۹۱۹ م. صورت پذیرفته بود مورد اعتماد ملت نبود و مخالفتهایی صورت گرفت مشیرالدوله نخست وزیر با اتخاذ سیاسی خاص زمینهٔ بر هم زدن قرار داد ۱۹۱۹ م. را در مجلس آینده فراهم کرد و در تاریخ ۶

مرداد ماه ۱۲۹۹ ش. بیانیه‌ای مبنی بر تجدید انتخابات و مراجعه باراء عمومی در مورد وکلای انتخاب شده در صورت نارضامندی مردم از انتخابات گذشته صادر کرد. نتیجه صدور این بیانیه آن شد که وکلای منتخب زمان وثوق‌الدوله اعلامیه‌ای منتشر کردند و در ضمن آن مخالفت خود را با قرارداد ۱۹۱۹ م. اعلام داشتند.

مجلس چهارم که وارث یک دوران فترت طولانی و پر اضطراب و اغتشاشات داخلی و خارجی بود بیشتر عمر خود را در تشنج و کشمکش گذرانید.

از جمله نابسامانیهای دوران عمر مجلس چهارم، قیامها و شورشهایی بود که در بعضی از نواحی ایران بمنظور استقلال و تشکیل حکومت خودمختاری صورت گرفت چنانکه در مناطق آذربایجان (غربی) با قیام کردها (بسرکردگی اسمعیل آقای سمیتگو فرمانده اکراد بمنظور استقلال کردستان) و در گیلان بوسیلهٔ مجاهدان بریاست میرزا کوچک‌خان جنگلی و در خراسان با قیام کلنل محمد تقی‌خان برای برقراری حکومت جمهوری در خراسان وضع آشفته‌ای پدید آمد و دولت در هر سه مورد پس از جنگها و تحمل خساراتی موفق شد شورشهای سه‌گانه را سرکوب کند و پیروزی دولت مرکزی بتدریج موجبات تمرکز دولت و اقتدار حکومت مرکزی را فراهم ساخت.

در داخل مجلس نمایندگان با تشکیل فراکسیونهای مختلف و تشکیل دو گروه اقلیت و اکثریت وضع خاصی در صحنهٔ پارلمانی بوجود آوردند و بر سر مسئلهٔ وضع قوانین و اتخاذ آراء و روی کار آوردن دولتها بصف آرایی پرداختند.

اقلیت مجلس چهارم را نمایندگان وابسته بحزب سوسیالیستها تشکیل میدادند. حزب سوسیالیستها ترکیبی از لیدرهای حزب دمکرات و اعتدالی قدیم بود و مرام و مسلک این گروه جدید حزبی از نظر سیاسی متمایل بسیاست دولت شوروی بود و عقاید تند انقلابی آنها سبب شد که روحانیان و همچنین بازاریان و بطور کلی طبقات متوسط و عامی نسبت بآنها خوش‌بین نباشند و اغلب در صحنهٔ سیاست پارلمانی نیز طرفداران اقلیت و اکثریت مجلس به پشتیبانی نیروهای خارج از مجلس با سلاح تکفیر مذهبی و سیاسی بمبارزه با یکدیگر برمیخاستند.

اکثریت مجلس برهبری سید حسن مدرس لیدر حزب اصلاح‌طلبان فعالیت پارلمانی خود را با اتخاذ خط مشی سیاسی خاصی با جنبهٔ احتیاط و بی‌طرفی خاص در مسئلهٔ جانبداری از دولتهای خارجی شروع کرد. اصلاح‌طلبان با اینکه در خارج از

مجلس دارای تشکیلات و سازمان منظم حزبی با مرامنامه و اساسنامهٔ خاصی نبودند با اینهمه وجههٔ ملی داشته و طرفدارانی بسیار گرد خود آورده بودند.

اختلاف نظر و کشمکشهای داخلی بین نماینده‌گان اقلیت و اکثریت مجلس شورای ملی موجب تضعیف نیروی حاکم ملی گردید و بتدریج زمینهٔ اعمال قدرت و نفوذ دولتها را بیش از حدود اختیارات قانونی آنها فراهم ساخت و سیستم حکومت مشروطه را در ایران تحت‌الشعاع قدرت ارشادی دولت در آورد.

باید دانست که عوامل خارجی و مرتجعان داخلی مانع از انجام گرفتن اقدامات اصلاحی و سودمند از طرف نماینده‌گان مجلس چهارم نگردید. نخستین اقدام پر ارزش مجلس چهارم تنظیم طرحی از طرف فراکسیون اکثریت مجلس برهبری سید حسن مدرس بود که بموجب آن قرارداد ۱۹۱۹ م. ملغی گشت و اعلامیه الغای آن نیز در تهران بصورت رسمی بدولت انگلستان تسلیم شد.

از طرف دولت نیز اقدامی مفید انجام گرفت و آن تشکیل کنفرانسی در بوشهر بمنظور انحلال دفاتر پستی خارجه (انگلستان) در تاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۰۱ ش. (مطابق ۵ دسامبر ۱۹۲۲ م) بود بموجب قرارداد تنظیم شده بین نماینده‌گان ایران و انگلیس مقرر شد که از تاریخ آذر ماه ۱۳۰۱ ش. (۹ دسامبر ۱۹۲۲ م.) کلیهٔ دفاتر پستی دولتهای خارجی در ظرف دو ماه از خاک ایران برچیده شود و دولت ایران نیز بطور رسمی در تاریخ فروردین ماه ۱۳۰۲ ش. بتأسیس دوایر پست و تلگراف در بندرهای جنوب و دیگر نقاطی که از پیش منطقهٔ نفوذ دولتهای خارجی بود اقدام کرد.

دیگر از جملهٔ اقدامات اصلاحی مجلس چهارم استخدام مستشاران امریکایی برای اصلاح امور مالیه (بموجب قانون مصوب ٤ مرداد ماه ۱۳۰۱ ش.) بود.

در پاسخ تقاضای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء وقت در مورد لایحهٔ تنظیمی نفت شمال از مجلس چهارم و در خواست جلسهٔ سری برای رسیده‌گی بمواد قرارداد، مجلس شورای ملی در دو جلسهٔ علنی قانون واگذاری نفت شمال را بکمپانی (استاندارد اویل) امریکایی با اکثریت قریب باتفاق در تحت ۵ ماده تصویب کرد (۳۰ آبان ۱۳۰۰ ش.). ولی پس از دو روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف دو دولت روسیه و انگلستان اعطای این امتیاز مورد اعتراض واقع و مقدمات بی‌اثر گذاشتن لایحهٔ مزبور فراهم گردید.

قانون مذکور پس از مدتی در عمر همین مجلس و از طرف کابینهٔ دوم قوام‌السلطنه بار دیگر در مجلس مطرح شد و بموجب مادهٔ واحده‌ای در تفسیر مادهٔ اول قرارداد تخصیص (استاندارد اویل) به تعمیم (هر کمپانی امریکایی دیگر) تغییر و اصلاح گردید (۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۲ ش.) ولی با وجود همهٔ این مقدمات دولت ایران موفق بختم معاملهٔ نفت شمال و اخذ نتیجهٔ نهایی از این قرارداد نشد.

از جمله قوانین مهمی که در این دوره وضع شد قوانین ذیل را باید نام برد:

۱- تصویب قانون فرستادن ۶۰ تن دانشجو بخارج از کشور مورخ ۱۸ خرداد ماه ۱۳۰۱ ش.

۲- تصویب قانون ثبت اسناد و املاک مورخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۰۲ ش. (مصوب کمسیون قوانین)

۳- عقد عهدنامهٔ مودت بین دولت جدید بلشویکی روسیه مصوب ۲۲ آذر ماه ۱۳۰۰ ش.

۴- الغای کنترات مستشاران انگلیس در وزارت دارایی که بموجب قرارداد ۱۹۱۹ م. انجام وظیفه میکردند.

۵- تقاضای عضویت ایران بجامعهٔ ملل که در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۰۰ بتصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید.

از لوایح مفید دیگر این دوره که در کابینهٔ دوم قوام‌السلطنه تنظیم گردید و بمجلس داده شد، لایحهٔ قانونی محاکمهٔ وزراء مشتمل بر ۱۳۱ ماده میباشد که از طرف دولت در تاریخ ۷ آبان ماه ۱۳۰۱ ش. برئیس مجلس تقدیم شد.

مجلس چهارم در تاریخ ۳۰ خرداد ماه ۱۳۰۲ ش. مطابق ۷ ذیقعدهٔ ۱۳۴۱ هـ.ق پایان یافت.

دورهٔ پنجم قانونگذاری

پنجمین دورهٔ قانونگذاری درتاریخ ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۰۲ ش . (مطابق با ۵ رجب ۱۳۴۲ هـ.ق و ۱۱ فوریه ۱۹۲۴ م.) افتتاح شد. تاریخ رسمیت این دوره در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۰۳ ش. برابر با ۹ شعبان ۱۳۴۲ هـ.ق بود.

فرمان انتخابات دوره پنجم پیش از انقضای مجلس چهارم صادر و انتخابات

تهران با رسمیت داشتن مجلس چهارم شروع گشت و خاتمه یافت. ولی انتخابات دیگر نقاط کشور پس از مدت قانونی و پایان یافتن مجلس چهارم بدست امرای لشکر و وزارت جنگ و گروههای متنفذ دیگر انجام پذیرفت.

دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی و تأثیری که نحوهٔ فعالیت نمایندگان این دوره از مجلس در تاریخ ایران باقی گذاشت شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

فعالیت نمایندگان اقلیت و اکثریت این دوره و واکنش آن در برابر حوادث و وقایعی که بر طبق طرح و نقشهٔ اساسی رخ میداد تاثیر قابل ملاحظه‌ای در تغییر مسیر حکومت ایران و جریانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آینده گذاشت. اکثریت مجلس را در این دوره نمایندگان ائتلافی فراکسیون تجدد (حدود ٤٠ تن) برهبری سید محمد تدین و فراکسیون سوسیالیستها (حدود ١٤ تن) برهبری سلیمان میرزا تشکیل میداد و در برابر این اکثریت فراکسیون اقلیت قرار داشت که با لیدری سید حسن مدرس اداره میشد. اقلیت و اکثریت بموجب سنت پارلمانی در برابر یکدیگر بفعالیت پرداختند و جریانات و حوادث سیاسی روز بیش از پیش مسئلهٔ ناهماهنگی نمایندگان را مطرح کرد و بحران و تشنج پدید آمده در صحنهٔ پارلمان که تحت تأثیر اوضاع خارج از مجلس بود در جلسهٔ پنجم مورخ ۷ اسفند ماه ۱۳۰۲ (مطابق ۱۱ شعبان ۱۳٤۲ ه.ق) بنزاع و مناقشه بین نمایندگان اقلیت و اکثریت منجر گردید و با سیلی‌ای که از طرف یکی از نمایندگان اکثریت به لیدر اقلیت سید حسن مدرس نواخته شد، زمینهٔ تظاهراتی از طرف مردم در خارج از مجلس مهیا شد.

منشأ این تظاهرات را در نهضت جمهوریخواهی برهبری سردار سپه باید جستجو کرد که در تاریخ اسفند ماه ۱۳۰۲ ش. با پشتیبانی فراکسیون اکثریت دست بکار شد. توهین به لیدر اقلیت که بسبب شخصیت بارز سیاسی و خصوصیات و امتیازات اخلاقی دارای وجههٔ ملی خاصی بود سبب شد که طبقات مختلف مردم و بازاریان با حمایت و پشتیبانی از علما تهران در صدد مخالفت با رژیم جمهوری بر آمدند و با تشکیل اجتماعات در مسجد شاه زمینهٔ انقلاب را فراهم کردند.

در داخل مجلس نیز واکنش کتک خوردن لیدر اقلیت بصورت امتناع عده‌ای از نمایندگان مجلس از همکاری با اکثریت پدید آمد. پاره‌ای از آنها بگروه اقلیت پیوستند و عده‌ای دیگر نیز در شمار منفردان مجلس در آمدند. بدین کیفیت جنبش

جمهوریخواهی بعلت مخالفت فراکسیون اقلیت و منفردان در داخل مجلس و مخالفت علما و روحانیان و رؤسای محلی و اصناف که در تاریخ ۲ فروردین ماه ۱۳۰۳ ش. در محوطهٔ عمارت مجلس و میدان بهارستان اجتماع بزرگی تشکیل‌دادند و بتظاهرات پرداختند عقیم و خنثی ماند.

ولی نغمهٔ مخالفت با خاندان قاجاریه با بر هم خوردن نقشهٔ جمهوریخواهی خاموش نگردید زمینهٔ برچیده شدن بساط این خاندان را عوامل مختلف بسیاری از هر حیث فراهم ساخت انعکاس مطلب در مجلس شورای ملی بصورت آشکار و علنی نخست از طرف یکی از نمایندگان مجلس در جلسهٔ ۲۹ خرداد ماه ۱۳۰۳ ش. هنگام ادای مراسم سوگند که در متن قسم‌نامه تحریف کرد پدیدار شد. سرانجام در جلسهٔ ۹ آبان ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ م) با خلع احمد شاه قاجار بر طبق مادهٔ واحده[1] با اکثریت ۸۰ رأی موافق در مقابل ۵ رأی مخالف سلطنت قاجاریه انقراض پیدا کرد و حکومت موقتی بسردار سپه واگذار شد.

مجلس برای تعیین پادشاه و ولیعهد، تأسیس مجلس مؤسسان را ضروری دانست و پیش از اختتام مجلس پنجم انتخابات مجلس مؤسسان شروع شد و این مجلس نخستین جلسهٔ خود را در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰٤ ش. تشکیل داد و در ۲۱ آذر ماه همین سال (مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ م.) در طی چهارمین جلسهٔ خود در ضمن تفسیر مواد ۳۶ و ۳۷ و ٤۰ متمم قانون اساسی سلطنت را به رضاخان پهلوی و اعقاب ذکورایشان واگذاشت.

مجلس پنجم در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۲۷ رجب ۱۳٤٤ هـ.ق) خاتمه یافت. رضاخان پهلوی در تاریخ ۱٤ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق با ۲۵ آوریل ۱۹۲۶ م) بطور رسمی تاجگذاری کرد.

قوانین مهمی که در دورهٔ پنجم وضع شده عبارت از اینها است:

۱ـ مادهٔ واحده (مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند: تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.)

تهران با رسمیت داشتن مجلس چهارم شروع گشت و خاتمه یافت. ولی انتخابات دیگر نقاط کشور پس از مدت قانونی و پایان یافتن مجلس چهارم بدست امرای لشکر و وزارت جنگ و گروههای متنفذ دیگر انجام پذیرفت.

دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی و تأثیری که نحوهٔ فعالیت نمایندگان این دوره از مجلس در تاریخ ایران باقی گذاشت شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

فعالیت نمایندگان اقلیت و اکثریت این دوره و واکنش آن در برابر حوادث و وقایعی که بر طبق طرح و نقشهٔ اساسی رخ میداد تاثیر قابل ملاحظه‌ای در تغییر مسیر حکومت ایران و جریانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آینده گذاشت. اکثریت مجلس را در این دوره نمایندگان ائتلافی فراکسیون تجدد (حدود ٤٠ تن) برهبری سید محمد تدین و فراکسیون سوسیالیستها (حدود ١٤ تن) برهبری سلیمان میرزا تشکیل میداد و در برابر این اکثریت فراکسیون اقلیت قرار داشت که با لیدری سید حسن مدرس اداره میشد. اقلیت و اکثریت بموجب سنت پارلمانی در برابر یکدیگر بفعالیت پرداختند و جریانات و حوادث سیاسی روز بیش از پیش مسئلهٔ ناهماهنگی نمایندگان را مطرح کرد و بحران و تشنج پدید آمده در صحنهٔ پارلمان که تحت تأثیر اوضاع خارج از مجلس بود در جلسهٔ پنجم مورخ ۷ اسفند ماه ۱۳۰۲ (مطابق ۱۱ شعبان ۱۳٤۲ ه.ق) بنزاع و مناقشه بین نمایندگان اقلیت و اکثریت منجر گردید و با سیلی‌ای که از طرف یکی از نمایندگان اکثریت به لیدر اقلیت سید حسن مدرس نواخته شد، زمینهٔ تظاهراتی از طرف مردم در خارج از مجلس مهیا شد.

منشأ این تظاهرات را در نهضت جمهوریخواهی برهبری سردار سپه باید جستجو کرد که در تاریخ اسفند ماه ۱۳۰۲ ش. با پشتیبانی فراکسیون اکثریت دست بکار شد. توهین به لیدر اقلیت که بسبب شخصیت بارز سیاسی و خصوصیات و امتیازات اخلاقی دارای وجههٔ ملی خاصی بود سبب شد که طبقات مختلف مردم و بازاریان با حمایت و پشتیبانی از علما تهران در صدد مخالفت با رژیم جمهوری بر آمدند و با تشکیل اجتماعات در مسجد شاه زمینهٔ انقلاب را فراهم کردند.

در داخل مجلس نیز واکنش کتک خوردن لیدر اقلیت بصورت امتناع عده‌ای از نمایندگان مجلس از همکاری با اکثریت پدید آمد. پاره‌ای از آنها بگروه اقلیت پیوستند و عده‌ای دیگر نیز در شمار منفردان مجلس در آمدند. بدین کیفیت جنبش

جمهوریخواهی بعلت مخالفت فراکسیون اقلیت و منفردان در داخل مجلس و مخالفت علما و روحانیان و رؤسای محلی و اصناف که در تاریخ ۲ فروردین ماه ۱۳۰۳ ش. در محوطهٔ عمارت مجلس و میدان بهارستان اجتماع بزرگی تشکیل‌دادند و بتظاهرات پرداختند عقیم و خنثی ماند.

ولی نغمهٔ مخالفت با خاندان قاجاریه با بر هم خوردن نقشهٔ جمهوریخواهی خاموش نگردید زمینهٔ برچیده شدن بساط این خاندان را عوامل مختلف بسیاری از هر حیث فراهم ساخت انعکاس مطلب در مجلس شورای ملی بصورت آشکار و علنی نخست از طرف یکی از نمایندگان مجلس در جلسهٔ ۲۹ خرداد ماه ۱۳۰۳ ش. هنگام ادای مراسم سوگند که در متن قسم‌نامه تحریف کرد پدیدار شد. سرانجام در جلسهٔ ۹ آبان ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ م) با خلع احمد شاه قاجار بر طبق مادهٔ واحده[1] با اکثریت ۸۰ رأی موافق در مقابل ۵ رأی مخالف سلطنت قاجاریه انقراض پیدا کرد و حکومت موقتی بسردار سپه واگذار شد.

مجلس برای تعیین پادشاه و ولیعهد، تأسیس مجلس مؤسسان را ضروری دانست و پیش از اختتام مجلس پنجم انتخابات مجلس مؤسسان شروع شد و این مجلس نخستین جلسهٔ خود را در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰٤ ش. تشکیل داد و در ۲۱ آذر ماه همین سال (مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ م.) در طی چهارمین جلسهٔ خود در ضمن تفسیر مواد ۳۶ و ۳۷ و ٤۰ متمم قانون اساسی سلطنت را به رضاخان پهلوی و اعقاب ذکورایشان واگذاشت.

مجلس پنجم در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۲۷ رجب ۱۳٤٤ ه.ق) خاتمه یافت. رضاخان پهلوی در تاریخ ١٤ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق با ۲۵ آوریل ۱۹۲۶ م) بطور رسمی تاجگذاری کرد.

قوانین مهمی که در دورهٔ پنجم وضع شده عبارت از اینها است:

۱ـ مادهٔ واحده (مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند: تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.)

۱ ـ قانون معافیت ماشینهای صنعتی و فلاحتی از تأدیه حقوق گمرکی تا ده سال مورخ ۷ بهمن ماه ۱۳۰۳.

۲ـ قانون تجارت مورخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۳ ش.

۳ـ قانون خدمت نظام اجباری مورخ ۱٦ خرداد ماه ۱۳۰٤ ش.

٤ـ قانون اعطای نود هزار تومان اعتبار جهت مخارج مجلس مؤسسان مورخ ٦ بهمن ماه ۱۳۰٤ ش.

۵ـ قانون اعطای صد هزار تومان اعتبار برای مخارج جشن جلوس و تاجگذاری مورخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰٤ ش.

٦ـ قانون سجل احوال مورخ ١٤ خرداد ماه ۱۳۰٤ ش.

۷ـ قانون مالیات اربابی و دواب مشتمل بر ۱۸ ماده مورخ ۲۰ دی ماه ۱۳۰٤ ش از جملهٔ قوانین مهمی بود که جهت اصلاح امور مملکت وضع شد و بموجب این قانون مالیات اراضی بطور یکسان در سراسر کشور برقرار شد و مبنای آن جمع کل محصولی بود که میباید بوسیلهٔ ممیزی جدید تعیین گردد.

۸ـ قانون اجارهٔ انحصار دولتی قند و چای مصوب ۹ خرداد ماه ۱۳۰٤، بموجب این قانون خرید و فروش و صدور کلیهٔ چای و قند و شکر مملکت بانحصار دولت در آمد و بموجب همین قانون یک ملیون تومان اعتبار سرمایه برای مؤسسه «انحصار دولتی قند و چای» تعیین شد.

۹ـ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰٤ ش (مصوب کمیسیون عدلیه).

ب: عصر دوم مشروطیت

عصر دوم مشروطیت از سال ۱۳۰۵ ش. آغاز شده و تا ۱۳۲۰ ش. دوام یافته (مطابق با ۱۳٤۲ تا ۱۳٦۰ ه.ق و ۱۹۲٦ تا ۱۹٤۱ م.) آغاز سلطنت رضا شاه پهلوی و ۷ دورهٔ قانونگذاری از دورهٔ ششم تا دورهٔ سیزدهم مجلس شورای ملی مقارن این عصر است. در این عصر نظر به ثبات سیاسی عمر مجلسها بآرامش گذشت و انتخابات هر

دوره بدون فترت آغاز و در موعد قانونی خود مجلسها افتتاح میشد.[۱]

دورهٔ ششم قانونگذاری

دورهٔ ششم قانونگذاری در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳٤٤ هـ. ق و ۱۰ ژوئیه ۱۹۲٦ م) توسط رضا شاه پهلوی افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۵ ش برابر ۵ صفر ۱۳٤۵ هـ.ق بود.

این مجلس قدمهای مفیدی در وضع قوانین اقتصادی و مالی و عقد قراردادهای سیاسی و اقتصادی برداشته است از جمله اقداماتی که در زمینهٔ تشکیلات اداری و عمرانی مملکت انجام گرفته است می‌توان اینها را نام برد:

۱ـ آغاز ساختمان راه‌آهن سرتاسری ایران.

۲ـ وزیر دادگستری وقت در ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۵ ش. بموجب قانونی که در مجلس تصویب شد اجازه و اختیارات تام گرفت تا چگونگی محاکمات و استخدام اعضای عدلیه را تغییر دهد و تشکیلات پیشین وزارت دادگستری را تعطیل کند و دادگستری را از نو بنیاد نهد.

گذشته از اینها دراین دوره ادارهٔ ثبت اسناد و املاک تأسیس یافت و قوانینی برای اصلاح آن وضع شد که از جمله اقدامات سودمند اداری و اجتماعی است، همچنین تأسیس ادارهٔ آمار و وضع قوانین اصلاحی یکی دیگر از کارهای پر ارزش دورهٔ مزبور است.

از جملهٔ اقدامات مهم دیگر تهیه زمینهٔ الغای کاپیتولاسیون بود که از اهم مسایل سیاسی و قضایی کشور بشمار میرفت ولی باید دانست حق قضاوت قونسولها در ایران که زائیدهٔ عهده‌نامهٔ ترکمانچای بین دولت ایران و روسیهٔ تزاری بود پس از انقلاب روسیه و برچیده شدن دولت استبدادی روس ابتدا در سال ۱۲۹۷ ش. در زمان نخست وزیری صمصام‌السلطنه بموجب تصمیم هیأت دولت در جلسهٔ مورخ شنبه چهارم اسد ۱۲۹۷

۱ـ در ادوار عصر اول مشروطیت: تاریخ افتتاح شروع دورهٔ قانونی مجلس محسوب میشده است ولی از عصر دوم مشروطیت ابتدای دورهٔ قانونگذاری از تاریخ رسمیت یافتن بوده (یعنی تصویب اعتبارنامه سه ربع نمایندگان حاضر در مرکز) است.

ه.ق مطابق شوال ۱۳۳٦ ه.ق طی اعلامیه‌ای که مبنی بر الغای کلیهٔ عهدنامه‌ها و مقاولات و امتیازات ایران با دولت روسیهٔ تزاری بود سلب شد ولی از آنجا که موجبات الغای کاپیتولاسیون از هر جهت فراهم نبود اجرای آن بتعویق افتاد تا اینکه مجدداً دولت ایران در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰٦ ش. (مطابق با دهم مه ۱۹۲۷ م) بوسیله سفارتخانه‌های خود درکشورهای آلمان و ایتالیا و بلژیک و هلند و سویس و اسپانی فسخ عهود خود را در مورد قضاوت قونسولها و مزایای اتباع خارجه در ایران اعلام داشت و مدت یک سال از تاریخ فوق یعنی تا ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق دهم مه ۱۹۲۸ م) را مدت لازم برای بلااثر گذاشتن عهود مزبور تعیین کرد و نظیر چنین اخطاری را نیز بدولتهایی که حق قضاوت قونسولها برای آن‌ها تصریح نشده بود ولی بعنوان دول کامله‌الوداد از مزایای مزبور استفاده میکردند ارسال داشت.

مهمترین قوانین که در این دوره وضع شده عبارت از اینها است:

۱ـ قانون اجازهٔ تأسیس بانک ملی برای پیشرفت تجارت و کشاورزی و صنعت در ١٤ اردیبهشت ماه ۱۳۰٦ ش.[1]

۲ـ قانون اعزام محصل بخارج در ۷ خرداد ماه ۱۳۰۷ ش.

۳ـ قانون محرومیت کارمندان دولت از انتخاب شدن بنماینده گی مجلس در جلسهٔ پنجشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۰٦ ش. تحت دو ماده.

مادهٔ اول: محرومیت کلیه رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بوکالت مجلس شوری در حوزهٔ مأموریت خود.

مادهٔ دوم: نماینده گان مجلس تا انقضای هر دورهٔ قانونگذاری از خدمات دولتی بطور موظف محروم و کارمندان دولت در صورتی میتوانند بوکالت انتخاب شوند که سه ماه قبل از انتخاب شدن بوکالت استعفا داده باشند.

٤ـ عقد پیمان دوستی و امنیت متقابل بین ایران و دو همسایهٔ غربی و شرقی

۱ـ پس از تصویب لایحهٔ (قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران) و تصویب قانونی (استخدام متخصص بانکی از اتباع سویس یا آلمان (مورخ ١٤ آبان ماه ۱۳۰٦ ش) و همچنین تصویب اساسنامهٔ بانک مورخ ١٤ تیرماه ۱۳۰۷ ش در کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی: بانک ملی در تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۷ ش (مطابق با ۸ سپتامبر ۱۹۲۸ م) با سرمایهٔ بیست میلیون ریال شروع بکار کرد.

(ترکیه و افغانستان) در ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ م).

۵ـ قانون محاکمهٔ وزراء و هیأت منصفه مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۰۷ ش. (مصوب کمسیون عدلیه)

۶ـ قانون انحصار دولتی تریاک مشتمل بر ۱۶ ماده مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ ش.

مجلس ششم در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق ۲۶ صفر ۱۳۴۷ هـ.ق و ۱۳ اوت ۱۹۲۸ م) پایان یافت.

دورهٔ هفتم قانونگذاری

هفتمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق با ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۷ هـ.ق و ۶ اکتبر ۱۹۲۸ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۷ ش، (برابر ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۴۹ هـ.ق) بود.

مهمترین قوانینی که در این دوره وضع شده عبارت از اینها است:

۱ـ قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود بمملکت مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ ش.

۲ـ قانون اتحاد شکل لباس مورخ ۶ دی ماه ۱۳۰۷ ش.

۳ـ قانون اجازهٔ تأسیس بانک فلاحتی مشتمل بر ۱۶ ماده مصوب ۹ شهریور ماه ۱۳۰۹ ش از اقدامات مفید این دوره در تعقیب گشایش بانک ملی ایران اعطای اجازه نشر اسکناس ببانک مزبور بود که بموجب قانون اجازهٔ مبادله ضمیمه نمرهٔ ۵ امتیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران (لغو اسکناس بانک شاهنشاهی) نشر اسکناس از بانک مزبور پس گرفته شد (مورخ خرداد ماه ۱۳۰۹ ش.) و بموجب این قانون حق نشر اسکناس که از مهمترین وسایل هدایت اقتصادی بود پس از ۴۳ سال که در اختیار بیگانان قرار داشت بملت ایران باز داده شد.

هفتمین دورهٔ مجلس شورای ملی در تاریخ اول آبان ماه ۱۳۰۹ ش. (مطابق ۳۰ جمادی‌الاول ۱۳۴۹ هـ.ق و برابر با ۲۳ اکتبر ۱۹۳۰ م) پایان یافت.

دورهٔ هشتم قانونگذاری

هشتمین دورهٔ قانونگذاری درتاریخ ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۹ ش. (مطابق ۵ رجب ۱۳۴۹ هـ.ق و ۱۵ دسامبر ۱۹۳۰ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۵ دی ماه ۱۳۰۹ ش. برابر ۲۵ شعبان ۱۳۴۹ هـ.ق) بود.

مهمترین قوانین این دوره که بتصویب مجلس رسیده بدین شرح بوده است:

۱ـ قانون مربوط بتصرف عدوانی و استرداد املاک مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ ش.

۲ـ قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت بدولت و متمم آن مصوب ۶ و ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۹ ش.

۳ـ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰

٤ـ قانون ممنوعیت مالکیت ارضی برای بیگانگان مصوب ۱۶ خردادماه ۱۳۱۰ ـ ش.

۵ـ در تاریخ ٦ آذر ماه ۱۳۱۱ ش. (برابر با ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ م.) وزیر دارایی وقت لغو امتیازنامهٔ دارسی و حاضر بودن دولت را برای پذیرفتن قرار داد جدید اعلام کرد و مجلس شورای ملی در تاریخ پنجشنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۱۱ ش (مطابق با ۱ دسامبر ۱۹۳۲ م) نظریهٔ دولت را تأیید کرد و لغو آن را بتصویب رسانید.

از اقدامات مفید این دوره می‌توان اینها را یادآوری کرد:

تحویل گرفتن خطوط تلگرافی از شرکت هند و اروپا و گشایش تلگراف بیسیم:

دورهٔ هشتم مجلس شورای ملی در تاریخ ٢٤ دی ماه ۱۳۱۱ ش. (برابر با ۱۷ رمضان ۱۳۵۱ هـ.ق و ١٤ ژانویه ۱۹۳۳ م) پایان یافت.

دورهٔ نهم قانونگذاری

نهمین دورهٔ قانونگذاری در ٢٤ اسفند ماه ۱۳۱۱ ش (برابر با ۱۸ ذیعقده ۱۳۵۱ هـ.ق و ۱۹ مارس ۱۹۳۳ م) افتتاح یافت و تاریخ رسمیت آن در ٢٤ فروردین ماه ۱۳۱۲ برابر ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۱ هـ.ق بود.

از جمله اقدامات اساسی و مفیدی که در این دوره انجام گرفت: افتتاح دانشگاه

تهران بود که در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۱۳ قانون آن بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ ش. بطور رسمی گشایش یافت.

در این دورهٔ مجلس در دنبالهٔ لغو امتیازنامه دارسی و شکایت دولت انگلستان بشورای جامعهٔ ملل مذاکراتی میان دولت ایران و انگلستان دربارهٔ امتیاز شرکت نفت ایران و انگلیس انجام یافت و امتیازنامهٔ جدید شرکت بر حسب تمایل دولت انگلستان از طرف وزیر دارایی وقت برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم شد و مجلس نیز در تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۱۲ ش. (برابر ۱۹۳۳ م) مفاد آن امتیازنامه را بتصویب نمایندگان رسانید.

قوانین مهمی که در این دوره از مجلس گذشت بدین شرح بوده است:

۱ـ قانون فروش خالصه‌ها و قرضه‌های فلاحتی و صنعتی مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۱۲ ش.

۲ـ قانون الغای مالیات ارضی و دواب مورخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۳ ش.

و نیز بموجب قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۲ ش. تعلیمات ابتدایی از اول فروردین ماه ۱۳۱۲ در سراسر کشور مجانی گردید.

دورهٔ نهم مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۱۴ ش. (مطابق با ۷ محرم ۱۳۵۴ ه.ق و ۱۱ مارس ۱۹۳۵ م) پایان یافت:

دورهٔ دهم قانونگذاری

دهمین دورهٔ قانونگذاری روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۴ ش. (برابر با ٤ ربیع‌الاول ۱۳۵٤ ه.ق و ٦ ژوین ۱۹۳۵ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱٤ ش برابر ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۵٤ ه.ق بود.

آغاز مذاکرات عقد پیمان سعد آباد میان چهار دولت (ایران، ترکیه، افغانستان و عراق) در این دورهٔ مجلس صورت گرفت و در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱٦ ش. (مطابق با ۹ ژوئیه ۱۹۳٦ م) پیمان بسته شد و مذاکرات خاتمه یافت.

آزادی بانوان (کشف حجاب) در این دوره از مجلس بتاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۱٤ ش. روی داد. در پانزدهم بهمن ماه ۱۳۱۵ ش. (مطابق با ژانویه ۱۹۳۷ م) قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسید که بموجب آن حق انحصار و تفتیش و استخراج

نفت در قسمتی از شرق و شمال شرق ایران برای مدت شصت سال بشرکت نفت ایران و آمریک «امیرانین» واگذار میگردید و در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۵ ش. قانون اجازهٔ ساختن و نگاهداری لولهٔ حمل نفت بشرکت لولهٔ نفت ایران بتصویب مجلس رسید. مقصود از این قرار داد اعطای اجازه بشرکت امیرانین برای حمل نفت افغانستان در لوله‌های خود و پرداخت سه پنس «ربع شلینگ» برای هر تن نفت بدولت ایران بود. شرکت امیرانین پس از دو سال کاوش از ادامهٔ عملیات خود صرف‌نظر کرد.

از جمله قوانین مهمی که در این دورهٔ مجلس وضع شده است عبارتند از:

قانون کدخدایی مورخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۱٤ ش. بود که بموجب آن کدخدا در حوزهٔ مأموریت خود نمایندهٔ مالک و مسئول اجرای قوانین و نظامنامه‌های دولت گردید.

دهمین دورهٔ مجلس شورای ملی در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱٦ ش (مطابق با ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۵٦ ه.ق و ۱۹۳۸ م) پایان یافت.

دورهٔ یازدهم قانونگذاری

یازدهمین دورهٔ قانونگذاری در ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱٦ ش. (مطابق با ۵ رجب ۱۳۵٦ و ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۸ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱٦ ش. برابر ۱۲ رجب ۱۳۵٦ ه.ق بود.

از جملهٔ وقایع این دوره: وقوع جنگ جهانی دوم، و اعلام بیطرفی دولت ایران بود مهمترین قوانینی که در این دوره از مجلس گذشت:

قانون روابط مالک و زارع است که از قوانین عمده و اساسی است و در جلسهٔ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ ش. تحت عنوان (تعیین سهم مالک و زارع نسبت بمحصول زمینهای زراعتی) بتصویب نمایندگان مجلس رسید.

۲ـ قانون آئین دادرسی مدنی (اصول محاکمات مدنی) مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ ش. در این دورهٔ مجلس در تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی «موضوع کلمه ایرانی الاصل) مادهٔ واحده‌ای در جلسهٔ ۱٤ آبان ماه ۱۳۱۷ ش. بتصویب مجلس ایران رسید و بموجب آن در جلسه ۸ آذر ماه قانونی متشکل بر یک ماده از تصویب مجلس گذشت دایر بر اینکه بوالاحضرت فوزیه دختر ملک فؤاد و خواهر پادشاه مصر صفت «ایرانی‌الاصل» اعطا کرد و والا حضرت مذکور بهمسری ولیعهد وقت «محمد رضا

پهلوی» در آمد.

قانون عمران مصوب ۲۵ آبان ۱۳۱۶ ش.

قانون خدمت نظام وظیفهٔ عمومی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ ش.

قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران مصوب ۱۶ آبان ۱۳۱۶ ش. قانون سرشماری مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۸ ش.

قانون اجازهٔ فروش خالصجات اطراف تهران مصوب ۲۰ آبان ماه ۱۳۱۶ ش.

دورهٔ یازدهم قانون‌گذاری در تاریخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۸ ش. (برابر با ٤ شعبان ۱۳۵۸ ه.ق و ۱۹۳۹ م) پایان یافت.

دورهٔ دوازدهم قانونگذاری

دوازدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۳ آبان ۱۳۱۸ ش. (مطابق با ۲۱ رمضان ۱۳۵۸ ه.ق و ۳۱ اکتبر ۱۹۳۹ م) افتتاح و تاریخ رسمیت آن در ۹ آبان ماه ۱۳۱۸ ش. (برابر ۱۹ رمضان ۱۳۵۸ ه.ق) بود.

در این دورهٔ مجلس بعلت بروز جنگ جهانی دوم تحولات گوناگونی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و امور سیاسی کشور پدید آمد هزینهٔ زندگی بیش از حد ترقی کرد و مشکلات اقتصادی بیشماری پیش آمد.

در تاریخ سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. وزیر مختار دولت انگلیس و سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی بملاقات نخست وزیر وقت رفتند و ببهانهٔ مداخلات دولت آلمان در امور ایران و وجود اتباع آلمانی در این کشور و ناامنی حاصل از آن، ورود ارتشهای خود را بخاک ایران باطلاع دولت وقت رساندند، نواحی شمالی و شمال شرق و غرب و جنوب غربی با اعلام بیطرفی ایران از طرف لشکریان دولتهای متفق اشغال گردید.

در تاریخ ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. حکومت نظامی اعلام شد، پس از اشغال خاک ایران از طرف ارتشهای خارجی و دگرگونی اوضاع، هیجان و انقلابی در افکار عمومی طبقات مختلف مردم پدید آمد و طبقهٔ ناراضی از حکومت وقت را بر آن داشت که از عملیات و اقدامات گذشته انتقاد کنند، این انتقادات نخست از طرف نمایندگان ناراضی مجلس شورای ملی شروع گشت و رفته رفته بسایر طبقات ملت سرایت کرد از

قبیل مدیران جراید و روشنفکرانی که در گذشته تحت فشار سخت قرار گرفته بودند و همچنین رؤسای طوایف و عشایر و ایلات، و صاحبان قدرت و نفوذ محلی که بسبب قدرت مرکزی از آنها سلب خودمختاری شده بود جرأت بخشید که آزادانه خرده گیریهای خود را بزبان آورند.

در جلسهٔ فوق‌العادهٔ سه شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ه.ق مجلس شورای ملی، هیأت دولت جدید در مجلس حضور یافت و نخست وزیر وقت استعفای رضا شاه پهلوی را از مقام سلطنت قرائت و سلطنت محمد رضا پهلوی را اعلام داشت و محمدرضا شاه پهلوی در جلسهٔ چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. سوگندنامهٔ خود را در مجلس شورای ملی «مبنی بر حفظ استقلال ایران و رعایت اصول قوانین مشروطیت» قرائت فرمودند.

پادشاه سابق پس از بیست سال زمامداری که چهار سال آن در پستهای وزارت جنگ و نخست وزیری و فرماندهی کل قوا و ریاست موقت دولت بود و ۱۶ سال آن مقام سلطنت را برعهده داشت در روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. با عده‌ای از افراد خاندان سلطنت ایران را ترک کردند.

پنجشنبهٔ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۰ فرمان عفو عمومی بموجب مادهٔ ۵۵ قانون کیفر عمومی صادر گردید، و بموجب این فرمان بدولت اجازه داده شد نسبت بکسانی که بخشودگی آنها طبق مادهٔ ۵٤ قانون کیفر عمومی نیاز به تصویب قانون خاصی دارد، وزارت دادگستری لایحهٔ آن را تهیه و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند تا پس از تصویب آن را بمرحلهٔ اجرا بگذارد.

در جلسهٔ سه‌شنبه اول مهر ماه لایحهٔ الغای قانون ریاست عالیه کل قوا مصوب ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۳ که از امتیازات پادشاه سابق بود از طرف وزیر دادگستری بمجلس تقدیم شد و بتصویب نماینده‌گان رسید.

مجلس دوازدهم بتاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۲۰ ش. (مطابق ۹ شوال ۱۳۶۰ ه.ق و ۱۹٤۱ م) پایان یافت.

ج ـ عصر سوم مشروطیت

دورهٔ سیزدهم قانونگذاری

سیزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۱۳۲۰ ش. (مطابق ۲۳ شوال ۱۳۶۰ ه.ق و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۱ م) توسط اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن اول آذر ماه ۱۳۲۰ ش. برابر ۲ ذیعقده ۱۳۶۰ ه.ق بود.

انتخابات این دورهٔ مجلس در اواخر عمر دورهٔ دوازدهم قانونگذاری و در زمان سلطنت رضا شاه پهلوی صورت گرفت. از این نظر پس از استعفای پادشاه سابق برخی از نمایندگان مجلس و گروههایی از مردم از مقامات رسمی تقاضا کردند که انتخابات دورهٔ سیزدهم تجدید شود، ولی بنابمقتضیات زمان مجلس سیزدهم با نمایندگان منتخب پیشین افتتاح شد.

یکی از اقدامات اساسی و مهم این دورهٔ مجلس این بود که برای تنظیم امور مالی و در آمد دولت اختیارات نامحدودی به میلسپو مستشار امریکایی اعطا کرد، وی در گذشته نیز مدت شش سال بهمین سمت در ایران مشغول کار بوده است.

اقدام دیگر بموجب قانون مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳۲۰ ش. پیمان دوستی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پادشاهی انگلستان منعقد گردید.

اعلام جنگ دولت ایران بدولت آلمان از طرف نخست‌وزیر وقت در جلسهٔ پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ ش. (مطابق با ۸ رمضان ۱۳۶۲ ه.ق و ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۳ م) بمجلس شورای ملی تسلیم گردید و بتصویب نمایندگان رسید.

در دنبالهٔ عقد قرارداد مودت بین دولت ایران و دولتهای متفق، کنفرانس سران سه دولت متفق، امریکا و انگلیس و روسیه از روز ۵ آذر ماه ۱۳۲۲ ش. (مطابق با ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ م) در تهران تشکیل شد و پس از خاتمه کنفرانس که مدت پنج روز بطول انجامید، از سه دولت متفق طرح متن قرارداد سه جانبه مبنی بر تضمین کمک اقتصادی بایران و شناسایی تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و حاکمیت ایران امضا شد و اعلامیهٔ آن بوزیرامور خارجهٔ وقت ایران تسلیم گشت.

قوانین مهمی که در این دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است:

۱- تصویب قانون تعلیمات اجباری عمومی مورخ ۶ مرداد ماه ۱۳۲۲ ش

۲- اجازه صدور تزاید اسکناس بموجب قانون چاپ و نشر هشتصد ملیون ریال اسکناس.

۳- اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۳ دی ماه ۱۳۲۱ ش.

۴- قانون دعاوی اشخاص نسبت باملاک واگذاری مصوب ۱۲ خرداد ماه ۱۳۲۱ ش.

۵- قانون بیمه کارگران دولتی و غیر دولتی مصوب ۲۹ آبان ماه ۱۳۲۲

در این دورهٔ مجلس احزاب و دسته‌های سیاسی به پشتیبانی و تقویت برخی از نمایندگان مجلس بوجود آمد، روزنامه‌ها و مطبوعات آزاد و بر تعداد آنها افزوده گردید:

مجلس سیزدهم در تاریخ اول آذر ماه ۱۳۲۲ ش (برابر با ۲۴ ذیعقده ۱۳۶۲ ه.ق ۲۳ نوامبر ۱۹۴۳ م) پایان یافت.

دورهٔ چهاردهم قانونگذاری

چهاردهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۶ اسفند ماه ۱۳۲۲ ش (مطابق با اول ربیع‌الاول ۱۳۶۳ ه.ق و ۲۶ فوریه ۱۹۴۴ م) افتتاح یافت و تاریخ رسمیت آن ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۲ ش برابر ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۶۳ هق بود.

انتخابات دورهٔ چهاردهم مجلس هنگامی صورت گرفت که نیروهای نظامی کشورهای متفق در ایران بودند و احزاب و دسته‌های سیاسی که پس از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. با مرامهای مختلف سیاسی متأثر از اوضاع روز بوجود آمده بودند بفعالیت سیاسی پرداختند و در انتخابات نیز مجدانه فعالیت میکردند. از سوی دیگر عوامل متنفذ داخلی نیز خواه ناخواه چون دورهٔ سیزدهم انتخابات را تحت سلطه و قدرت خود داشتند.

نمایندگان دورهٔ چهاردهم تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی روز در ضمن تشکیل گروهها و فراکسیونهای مختلفی با خط مشی سیاسی خاص و گاه با روشها و عقاید افراطی، فعالیت پارلمانی خود را آغاز کردند. در این دورهٔ مجلس حزب متشکل سیاسی توده (حزب کمونیست) توانست در انتخابات پارلمانی شرکت کند و ۸ تن کاندیداهای خود را بمجلس شورای ملی بفرستد.

نکتهٔ شایان توجه در این دوره شرکت رجال و عناصری بود که در تمام دوران عصر دوم مشروطیت از صحنهٔ سیاست رانده شده بودند، از قبیل سید ضیاءالدین طباطبائی عامل کودتای ۱۲۹۹ ش و نخست وزیر کابینهٔ مزبور که مدت ۲۲ سال دور از وطن بسر میبرد. وی با کمک دولت وقت بعنوان نمایندهٔ مردم شهرستان یزد انتخاب گردید. همچنین دکتر محمد مصدق نیز که با اقامت در ایران، در عصر دوم مشروطیت از صحنهٔ سیاست خارج بود در این دوره بعنوان نمایندهٔ اول از طرف مردم تهران انتخاب گردید.

حوادث سیاسی و عوامل مختلف دیگر بتدریج در داخل مجلس تفکیک دو گروه اکثریت و اقلیت را موجب گردید، اقلیت مجلس برهبری دکتر محمد مصدق و همراه با فراکسیون حزب توده و عناصر افراطی دیگر برهبری کمیتهٔ مرکزب حزب توده (از میان ۱۱ نفر عضو کمیتهٔ مرکزی حزب توده ٦ نفر آنها بنمایندگی مجلس برگزیده شده بودند) در مقابل اکثریت مجلس برهبری کسانی همچون سید ضیاءالدین طباطبایی و دکتر طاهری و جلیلی قرار گرفت.

مجلس چهاردهم بیشتر عمر خود را با تشنجات داخلی ناشی از اختلاف عقیده و عدم تجانس و سلیقهٔ گروههای فوق و همچنین تحریکات دولتهای خارجی گذرانید. ولی باید دانست که با وجود کیفیات فوق توانست تا حدی قدمهای مؤثر و مفیدی بردارد.

از جمله قوانین مهم دورهٔ چهاردهم باید از قوانین زیر نام برد:

۱ـ لغو اختیارات دکتر میلسپور رئیس کل دارایی مورخ ۱۸ دی ماه ۱۳۲۳ ش.

۲ـ طرح پیشنهاد دولت شوروی برای اعطای امتیاز نفت شمال بآن کشور از طرف هیأت دولت در جلسهٔ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۳ ش. مطرح شد و با وجود کوششهایی که از طرف موافقان به موجب طرحی که از طرف دکتر محمد مصدق رهبر اقلیت تهیه شده بود ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ ش. قانون ممنوعیت دولت را از مذاکره و عقد قرارداد راجع‌بامتیاز نفت با خارجیها بتصویب رساندند.

۳ـ در جلسهٔ ۱۹ مهر ماه ۱۳۲٤ ش. طرح تحریم انتخابات دورهٔ پانزدهم تا زمانی که کشور از نیروی دولتهای متفق تخلیه نشده است، با توافق نمایندگان اکثریت تقدیم مجلس شد و بتصویب رسید، بموجب این طرح انتخابات دورهٔ پانزدهم بتعویق

افتاد و نخستین فترت درعصرسوم‌مشروطیت بمدت یک سال و چهار ماه و یک روز پیش آمد.

از جمله وقایع مهمی که در این دورهٔ مجلس روی داد و اقداماتی که مجلس و دولت در برابر آن انجام دادند غایله آذربایجان و قیام سید جعفر پیشه‌وری از نماینده‌گان آذبایجان بود که پس از رد شدن اعتبارنامه‌اش در مجلس شورای ملی به آذربایجان رفت و در آنجا فرقهٔ دموکرات را تشکیل داد و در آذر ماه ۱۳۲٤ ش. حکومت خودمختاری را با پشتیبانی دولت اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد. در کردستان نیز کردها بسرکرده‌گی قاضی محمد اعلام استقلال کردند. پیشه‌وری با تشکیل کنگره‌ای ملی بنام مجلس مؤسسان و تنظیم نظامنامهٔ خاص که بتصدیق اعضای کنگرهٔ ملی رسیده بود برای تشکیل حکومت خودمختاری بر اساس دمکراسی بتشکیل مجلس ملی آذربایجان پرداخت. دولت عده‌ای از نیروهای نظامی را برای برقراری امنیت در نواحی آذربایجان تجهیز کرد ولی ارتش شوروی مانع شد که قوای مزبور از شریف آباد قزوین جلوتر بروند.

بموجب تقاضای دولت ایران مبنی بر خارج شدن ارتش خارجی از ایران (۲۱ شهریور ماه ۱۳۲٤ ش. مطابق با ۱۱ سپتامبر ۱۹٤٦ م) دولت امریکا در آبان ماه ۱۳۲٤ ش. و دولت انگلیس در اسفند ماه ۱۳۲٤ ش. نیروهای خود را از ایران خارج کردند. ولی نیروهای دولت روسیهٔ شوروی برخلاف قرارداد سه‌جانبهٔ کنفرانس تهران، ایران را ترک نگفتند. نمایندهٔ ایران در سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۲٤ (۱۹ ژانویه ۱۹٤٦ میلادی) بموجب اصل ۳۵ منشور ملل متحد از سازمان ملل تقاضا کرد که شورای امنیت بقضیهٔ ایران و شوروی رسیده‌گی کند. شورای امنیت نیز در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲٤ (۳۰ ژانویهٔ ۱۹٤٦ م.) قطعنامه‌ای صادر و به ایران و شوروی توصیه کرد که برای رفع اختلاف مذاکرات مستقیم را با یکدیگر شروع کنند و شورای امنیت را در جریان بگذارد.

قوام‌السلطنه نخست وزیر وقت برای انجام گرفتن مذاکرات مستقیم با دولت شوروی بآن کشور مسافرت کرد و چون با پیشنهاد شش ماده‌ای آن دولت مبنی برسمیت شناختن خودمختاری آذربایجان از طرف دولت ایران و امتیاز تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای استخراج نفت شمال و جز اینها موافقت حاصل نشد

هیأت نماینده‌گی ایران پس از تسلیم اعتراضنامه بدولت شوروی بایران بازگشت.

پس از بازگشت هیأت نماینده‌گی ایران، حزب توده و جراید طرفدار آن در ضمن تبلیغات دامنه‌دار خود دولت را بقبول پیشنهادهای دولت اتحاد جماهیر شوروی ترغیب و مردم را مرعوب می‌ساخت. دولت ایران شکایت مجدد خود را در مورد مداخلهٔ اجانب در امور داخلی ایران در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹٤٦ بشورای امنیت با اکثریت نه رأی در مقابل دو رأی ممتنع تصمیم گرفت قضیهٔ ایران در دستور شوری باقی بماند.

در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۵ ش. (برابر با ٤ آوریل ۱۹٤٦) در ایام فترت موافقت‌نامه‌ای بین قوام‌السلطنه نخست وزیر وقت و سادچیکف سفیر شوروی در سه بند زیر امضا شد.

۱- تخلیه ایران از قوای شوروی، ۲- قرارداد ایجاد یک شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که شرایط مندرج آن از تاریخ ۲٤ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب بمجلس پانزدهم پیشنهاد شد، ۳- در این موافقتمانه مسألهٔ آذربایجان بصورت اتخاذ رویهٔ مسالمت آمیز از طرف دولت ایران نسبت باهالی آذربایجان و مداخله نکردن دولت اتحاد جماهیر شوروی در سرکوب حکومت خودمختاری پیشه‌وری پیش‌بینی شده بود.

با این کیفیت دولت ایران در ایام فترت از راه مذاکرات سیاسی و تعقیب آن در سازمان ملل متحد موفق شد که دولت اتحاد جماهیر شوروی را وادار سازد تا در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۲۵ ه.ق نیروهای خود را احضار کند و در آذرماه ۱۳۲۵ گسیل کردن سپاه بآذربایجان برای سرکوب متجاسران حکومت خودمختاری آذربایجان خاتمه پذیرفت. پیشه‌وری با سران حکومت خود بروسیه گریخت و غایله کردستان نیز با اعدام قاضی محمد و برادران وی پایان یافت. و زمینه برای انتخابات دورهٔ پانزدهم مجلس شورای ملی آماده گردید.

دورهٔ پانزدهم قانونگذاری

پانزدهمین دورهٔ قانونگذاری پس از یک فترت طولانی در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۲٦ ش. (مطابق با ۲۸ شعبان ۱۳٦٦ ه.ق و ۱۷ ژوین ۱۹٤۷ م) افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن ٦ مرداد ماه ۱۳۲٦ ش. برابر ۱۱ رمضان ۱۳٦٦ ه.ق بود.

قوانین مهمی که در این دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است عبارت‌اند از:

۱ـ در جلسهٔ ۲۹ مهر ماه ۱۳۲۶ ش. طرحی ازطرف جمعی از نماینده‌گان تحت عنوان مادهٔ واحده بقید دو فوریت بمجلس تقدیم شده و بموجب آن بند ۲ و ۳ موافقتنامهٔ سادچیکف و قوام مورخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۵ ش. در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی با اکثریت قریب باتفاق نماینده‌گانی که انتخابشان تحت تأثیر چنین موافقتنامه‌ای صورت گرفته بود رد شد (در جلسه ۳۰ مهر ماه ۱۳۲۶ ش.) و نیز بموجب همین قانون مجلس شورای ملی استیفای حقوق ملت را دربارهٔ منابع ثروت کشور از آن جمله نفت جنوب بعهدهٔ دولت محول ساخت و در واقع مجلس با تصویب این قانون اعلام کرد که قرارداد ۱۹۳۳ برخلاف مصالح کشور و تضییع حقوق ملی ایران بوده است و دولت باید در صدد اصلاح و رفع این تضییع برآید.

۲ـ مطرح شدن قرارداد الحاقی «گس و گلشاییان» توسط گلشاییان نمایندهٔ تام‌الاختیار دولت در تاریخ ۲۸ تیرماه و ارجاع آن بکمیسیونهای دارایی و پیشه و هنر و تصویب آن در کمیسیونهای مربوط بدان، ولی این لایحه در موقع مطرح شدن گزارش کمیسیونهای ارجاعی در جلسهٔ عمومی مجلس شورای ملی با مخالفت نماینده‌گان اقلیت مجلس روبرو شد و نماینده‌گان مزبور در ضمن مذاکرات مخالفت‌آمیز خود در اطراف نفت جنوب از طریق دفع‌الوقت کردن مانع بتصویب رسیدن لایحه قرارداد جدید «گس و گلشاییان» گردیدند.

۳ـ نظر بسوء قصدی که در واقعهٔ پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ نسبت به محمدرضا شاه پهلوی در محیط دانشگاه انجام گرفت لایحهٔ غیر قانونی بودن حزب توده با استناد باصل ۲۱ متمم قانون اساسی در مجلس مطرح و بتصویب نماینده‌گان مجلس شورای ملی رسید. و دنبالهٔ این سوء قصد تشنجات سیاسی عظیمی بوجود آورد که موجب برقراری حکومت نظامی و تشکیل مجلس مؤسسان شد.

مجلس مؤسسان در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ افتتاح گردید و از اهم اقدامات آن تجدید نظر در مواد ٤۸ قانون اساسی و تأسیس مجلس سنا بود.

دیگر از قوانین مهم موضوعه ایندورهٔ مجلس قانون بازگشت املاک رضاشاه فقید به مالکیت محمدرضا شاه پهلوی مورخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۸ ش.

قانون اجازهٔ اجرای موقت برنامهٔ هفت ساله مصوب ۱۳ تیر ماه ۱۳۲۸ ش.

قانون تأسیس دانشگاههای شهرستانها مصوب ۳ خرداد ماه ۱۳۲۸ ش.

مجلس پانزدهم در تاریخ ۶ مرداد ماه ۱۳۲۸ ش. (مطابق با دوم شوال ۱۳۶۸ ه.ق) پایان یافت.

دورهٔ شانزدهم قانونگذاری

شانزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۸ ش (مطابق با ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ ه.ق و دهم فوریه ۱۹۵۰ م) با نخستین دورهٔ مجلس سنا توسط پادشاه وقت محمدرضا پهلوی پس از شش ماه و سیزده روز فترت افتتاح گردید. و تاریخ رسمیت آن ۲۹ بهمن ماه ۱۳۲۸ ش. برابر با ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ ه.ق بود.

انتخابات این دوره از مجلس نیز خالی از تشنج نبود و جمعی بعنوان اعتراض بسوء جریان انتخابات در تاریخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۲۸ ش. برهبری دکتر محمد مصدق در دربار تحصن اختیار کردند. قرائت آراء انتخابات تهران از. تاریخ ۱۹ آبان موقوف شد تا اینکه در تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۹ انتخابات با موفقیت اعضای جبههٔ ملی و بدست آوردن کرسیهای نمایندگی تهران خاتمه یافت.

مسألهٔ نفت از جملهٔ مسایلی بود که بیشتر فعالیت و اوقات مجلس را مانند دورهٔ پانزدهم بخود مشغول داشته و محیط متشنجی را بوجود آورده بود. در تاریخ ۲۰ مهرماه رهبر اقلیت ملی مجلس دولت را در مورد نفت استیضاح کرد و در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت قرارداد الحاقی «ساعد و گس» را بنفع دولت ایران ندانست و مخالفت خود را با آن اظهار داشت و پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران در روز سوم اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. بمجلس داده شد و در تاریخ ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۹ نخست وزیروقت که مشغول مذاکرات دربارهٔ حل مسئلهٔ نفت بود در مسجد شاه ترور گردید.

کمیسیون مخصوص نفت تصمیم خود را تحت یک مادهٔ واحده و دو تبصره در مورد ملی شدن صنعت نفت برای تصویب بمجلس تقدیم کرد و مجلس نیز در جلسهٔ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. بتصویب رسانید و عین مادهٔ واحده در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ بتصویب مجلس سنا رسید.

طرح خلع ید و ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش. (مطابق با اول مه ۱۹۵۱ م) به تصویب دو مجلس و توشیح شاه رسید و در نتیجه

شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلستان دولت ایران را مورد اعتراضات شدیدی قرار دادند و قانون ملی شدن نفت را نقض یک جانبه قرارداد ۱۹۳۳ قلمداد کردند و نمایندهٔ شرکت نفت در تهران بر طبق مواد قرارداد ۱۹۳۳ تقاضا کرد اختلافات به دیوان داوری ارجاع گردد.

دولت انگلستان در تاریخ ٤ خرداد ماه ۱۳۳۰ دادخواستی بر ضد ایران تقدیم دادگاه لاهه کرد و دیوان مزبور در تاریخ ۱۵ خرداد ماه قراری بعنوان اقدامات تأمینی برای جلوگیری از اجرای خلع ید که دولت ایران شروع کرده بود صادر کرد و دولت ایران نیز آنرا بعلت عدم صلاحیت دیوان بی‌اعتبار شناخت. و نیز در تاریخ ۱۷ مهر ماه ۱۳۳۰ لایحهٔ اولیهٔ دولت انگلستان راجع به صلاحیت دعوای آن دولت بر علیه ایران به دیوان تسلیم شد و باطلاع دولت ایران نیز رسید، جواب لایحهٔ مزبور پس از آنکه مورد بررسی و مشاورهٔ متخصصین حقوقی قرار گرفت در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۰ ش. مبنی بر رد صلاحیت دیوان از طرف دولت ایران تسلیم دیوان گردید.

در تاریخ دی ماه ۱۳۳۰ ش. تمام کنسولگریهای دولت انگلستان در ایران بسته شد.

مجلس شانزدهم در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۳۰ ش. (مطابق با ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۷۱ ه.ق و ۱۹۵۲ م) پایان یافت.

دورهٔ هفدهم قانونگذاری

هفدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ ش. (مطابق با ۲ شعبان ۱۳۷۱ ه.ق و ۱۷ آوریل ۱۹۵۲ م) افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن ۸ خرداد ماه ۱۳۳۱ برابر ٤ رمضان ۱۳۷۱ ه.ق بود. انتخابات این دوره از مجلس مانند دورهٔ شانزدهم خالی از جنجال نبود و مسألهٔ نفت موضوع اصلی تبلیغات در انتخابات بوده‌انتخابات اکثر حوزه‌ها بعلت تشنجات سیاسی و مخالفت گروههای متنفذ تا پایان عمر غیر طبیعی خود معوق ماند و از ۱۳۶ کرسی نمایندگی فقط ۷۹ کرسی آن دارای نماینده بود. حزب زیرزمینی توده در انتخابات این دوره بار دیگر فعالیت خود را آغاز کرد ولی موفق نشد کاندیداهای خود را بمجلس بفرستد، با اینهمه در جریان سیاست روز و بخصوص دربارهٔ مسئلهٔ نفت تظاهرات دامنه‌داری بظاهر بنفع دولت وقت انجام میداد و همین امر

موجب نگرانی دولتهای غربی گشت.

وقایع مهم این دورهٔ:

در دنبالهٔ لایحهٔ مجددی که دولت انگلستان در تاریخ ٤ فروردین ماه ۱۳۳۱ تسلیم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه کرد دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت روز هفتم خرداد ماه با موافقت مجلس شورای ملی باتفاق هیأتی بلاهه رهسپار شد. دادگاه مزبور نخستین جلسهٔ خود را در روز ۱۹ خرداد ماه تشکیل داد، در جلسهٔ ۳۱ تیر ماه دیوان بین‌المللی با اکثریت ۹ رأی در برابر پنج رأی صلاحیت نداشتن خود را نسبت بادعای انگلستان در قضیهٔ نفت اعلام داشت. نکته جالب توجه در این مورد خاص رأی قاضی انگلستان بود که در زمرهٔ اکثریت قرار گرفت و صلاحیت نداشتن دادگاه را نسبت بادعای انگلستان در قضیهٔ نفت اعلام داشت.

دیگر از وقایع مهم این دوره تظاهرات طرفداران دربار در تعقیب تصمیم محمدرضا شاه دایر بخروج از کشور در روز ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱ ش. و انصراف شاه از اجرای این تصمیم بود.

از فروردین ماه ۱۳۳۲ تا اواخر خرداد ماه، کشمکشهای فراوانی بین نمایندگان طرفدار دولت و مخالفان در مجلس شورای ملی ادامه داشت، در ٢٤ تیر ماه ۱۳۳۲ شمسی (مطابق با ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۳ م) ۲۵ تن از نمایندگان فراکسیون جبههٔ ملی باضافه ۲۵ تن دیگر از نمایندگان به پشتیبانی از رئیس دولت وقت از نمایندگی‌مجلس شورای ملی استعفا دادند و بدین‌ترتیب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی بواسطهٔ فقدان حد نصاب ممکن نشد.

در تاریخ ۱۲ و ۱۹ مرداد ماه دکتر محمد مصدق در مورد انحلال مجلس شورای ملی در تهران و شهرستانها رفراندم (مراجعه بآراء عمومی) کرد و روز ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲ انحلال مجلس را اعلام و شروع انتخابات دورهٔ هجدهم را موکول باصلاح قانون انتخاب کرد.

بدنبال محاصره اقتصادی و طرح تنظیمی از طرف دولتین انگلیس و امریکا مبنی بر سرنگونی دولت ملی وقت از طرف محمدرضا شاه که فرمان رفراندم مورد موافقت او قرار نگرفته بود، ابلاغ عزل دکتر محمد مصدق و انتصاب سرلشکر فضل‌اله زاهدی

بسمت نخست وزیری صادر شد[1].

دکتر محمد مصدق که خود را نخست وزیر قانونی میدانست فرمان عزل را نپذیرفت. بدنبال این امر تظاهرات و تشنجاتی در تهران رخ داد که در قبال آن محمدرضا شاه و ملکه ثریا مجبور به ترک ایران شدند.

عوامل فوق منجربه کودتای موفقیت‌آمیز طرفداران محمدرضا شاه که از جانب دولتهای خارجی (امریکا و انگلیس) حمایت می‌شد در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ گردید و سرلشگر زاهدی که قبلاً از طرف شاه مأمور تشکیل کابینه شده بود زمام امور را بدست گرفت. و دکتر محمد مصدق و همکاران نزدیکش توقیف گردیدند.

در تاریخ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۳۲ محمدرضا شاه و ملکه بایران بازگشتند و در ۲۸ آبانماه ۱۳۳۲ (مطابق با ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۷۳ ه.ق و ۱۹ دسامبر ۱۹۵۳ م) شاه فرمان انحلال دو مجلس را صادر کرد و محاکمهٔ دکتر محمد مصدق در آبان ماه ۱۳۳۲ در دادگاه نظامی شروع شد.

قوانین مهمی که در این دوره بتصویب رسید اینها است:

۱- تصویب قانون اعطای اختیارات تام از طرف مجلس شورای ملی بنخست وزیر وقت دکتر محمد مصدق، مبنی بر وضع قوانین که بصلاح مملکت باشد و اجرای آن بعنوان آزمایش و طرح قانون مزبور پس از شش ماه از اجرای آن در مجلس بمنظور تصویب نهایی (مرداد ماه ۱۳۳۱ س. مطابق با اوت ۱۹۵۲ م.)

۲- قطع روابط سیاسی ایران با دولت انگلستان در مهر ماه ۱۳۳۱ ش. (مطابق اکتبر ۱۹۵۲ م).

۳- رد پیشنهاد سران کشور انگلستان و امریکا دربارهٔ نفت ایران.

۴- پایان قرارداد ۱۳۰۶ دولت ایران و شوروی دربارهٔ شیلات و ملی شدن تأسیسات آن در بهمن ماه ۱۳۳۱ (مطابق با فوریه ۱۹۵۳ م).

۵- قانون ملی شدن ارتباط تلفنی در سراسر کشور مصوب ۲۵ آذر ماه ۱۳۳۱ ش.

۶- تمدید مدت اختیارات دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت در ۲۹ دی ماه ۱۳۳۱ ش. بمدت یک سال.

۱- ر.ک - کتاب هیأت وزیران عصرمشروطیت - تألیف زهرا شجیعی.

۷- قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاک و مشتقات آن مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۳۱ ش.

دورهٔ هجدهم قانونگذاری

هجدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۳۲ ش. (مطابق با ۱۲ رجب ۱۳۷۳ هـ.ق و ۱۸ مارس ۱۹۵٤ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن ۲٦ فروردین ماه ۱۳۳۳ ش. (برابر ۱۰ شعبان ۱۳۷۳ هـ.ق) بود.

از وقایع مهم این دوره مسئلهٔ نفت بود که از جمله مسایل مهم مورد بحث سه دورهٔ پیشین مجلس شورای ملی بشمار می‌رفت. موافقتنامهٔ نفت و واگذاری استخراج و حمل و فروش آن بکنسرسیوم بین‌المللی در تاریخ ٦ آبان ماه ۱۳۳۳ ش. (مطابق با ۲۸ اکتبر ۱۹۵٤ م) بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد مورخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۳٤ شمسی. دومین شورای پیمان بغداد در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۵ ش. با حضور نخست وزیران ترکیه، عراق، ایران، پاکستان و امریکا و همچنین نمایندگان انگلیس در تهران تشکیل یافت.

قوانین مهمی که در این دورهٔ در مجلس بتصویب رسید عبارت است از:

۱- قانون برنامهٔ عمرانی هفت سالهٔ کشور مصوب ۸ اسفند ماه ۱۳۳٤ ش.

۲- قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مشتمل بر ٦ ماده و یک تبصره. مصوب ۱۱ مهرماه ۱۳۳٤.

۳- بموجب قانون تمدید مدت رسیدگی کمیسیونهای مشترک به لوایح تصویبی زمان دکتر محمد مصدق، قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان (که بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب مرداد ماه ۱۳۳۱ شمسی مشتمل بر ٤۰ ماده و ۱۵ تبصره در تاریخ ۱٤ مهر ماه ۱۳۳۱ ش. در دولت دکتر مصدق بتصویب رسیده بود) در تاریخ ۵ مرداد ماه ۱۳۳٤ بتصویب کمیسیون مشترک دو مجلس (شوری و سنا) رسید.

طرح الغای کلیهٔ لوایح مصوب دکتر محمد مصدق ناشی از اختیارات بتاریخ مرداد ماه ۱۳۳۱ ش. و تمدید آن مصوب بهمن ماه ۱۳۳۱، مشتمل بر یک ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۳۱ ش.

بموجب مادهٔ واحده این طرح، چون لوایح دکتر محمد مصدق برخلاف قانون اساسی تشخیص داده شده بود ملغی گردید و بموجب تبصرهٔ طرح مزبور دولت مکلف شد از میان لوایح مذکور آنهائی را که ادامه اجرای آن را ضروری میداند ظرف پانزده روز بهر یک از دو مجلس تقدیم کند و کمیسیونهای مربوطهٔ هر دو مجلس مکلف شدند ظرف مدت سه ماه لوایح مزبور را رسیدگی کنند.

از میان نزدیک به ۲۱۳ لایحهٔ مصوب دکتر محمد مصدق ناشی از اختیارات حدود ۵۹ فقرهٔ آن در کمیسیونهای مشترک مجلسین بتصویب رسید و ۲۱ فقرهٔ آن در جلسه ۵ دیماه ۱۳۳٤ مجلس شورای ملی بتصویب نمایندگان رسید.

هجدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲٦ فروردین ماه ۱۳۳۵ مطابق با ۳ رمضان ۱۳۷۵ ه.ق پایان یافت.

دورهٔ نوزدهم قانونگذاری

نوزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۳۵ ش. (مطابق با ۲۰ شوال ۱۳۷۵ ه.ق و ۳۱ ماه مه ۱۹۵٦ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۵ ش. برابر با اول ذیعقدهٔ ۱۳۷۵ ه.ق بود.

از جملهٔ اقدامات مفیدی که در زمینهٔ عمرانی کشور انجام گرفت، گشایش راه‌آهن تهران و مشهد و تبریز، ساختمان سد دز و آبیاری خوزستان، سرشماری عمومی کشور و تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران و عقد پیمان سنتو بود.

قوانین مهمی که در این دورهٔ مجلس بتصویب رسید عبارت است از:

۱- قانون اصلاحات ارضی مصوب ۲٤ اسفند ۱۳۳۹ ش.

۲- قانون منع شرکت کارمندان دولت، وکلای دو مجلس «شورا و سنا» در معاملات دولتی مصوب ۲ دی ماه ۱۳۳۷ ش.

۳- قانون از کجا آورده‌ای تحت عنوان (قانون مربوط برسیدگی بدارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداریها و مؤسسات وابسته) بآنها مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۷ ش. بموجب این قانون از کارمندان لشگری و کشوری خواسته شد تا منبع ثروت و در آمد خود را نشان دهند.

٤- قانون مربوط بموافقتنامهٔ نفت ایران و ایتالیا به نسبت ۷۵ در صد برای ایران و

۲۵ درصد برای ایتالیا مصوب ۲٤ مرداد ماه ۱۳۳٦ ش.

۵- قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات مشتمل بر ۳۳ ماده مصوب ۲٦ تیر ماه ۱۳۳۵ ش.

در این دوره از مجلس قانونی بتصویب رسید که بموجب آن دورهٔ اجلاسیهٔ شورای ملی از ۲ سال به ٤ سال افزایش یافت و همچنین تعداد نمایندگان مجلس از ۱۳٦ تن به ۲۰۰ تن افزایش یافت.

دوران چهار سالهٔ مجلس نوزدهم در تاریخ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۹ ش. (مطابق با ١٤ ذیحجهٔ ۱۳۷۹ ه.ق و چهارم ژوین ۱۹٦۰ م) بپایان رسید.

دورهٔ بیستم قانونگذاری

در خلال فترت بین مجلس نوزدهم و بیستم که قریب ۹ ماه بطول انجامید مبارزات انتخاباتی بین سه گروه شروع شد و منجربه تشنجات و نارضایی مردم از بدی جریان انتخابات گردید. سه گروهی که در انتخابات تابستانی دورهٔ بیستم فعالیت داشتند عبارت بودند از:

۱- حزب ملیون برهبری نخست وزیر وقت دکتر منوچهر اقبال با دویست داوطلب (کاندیدا).

۲- حزب مردم برهبری اسداله علم با دویست داوطلب (کاندیدا).

۳- منفردان برهبری چند تن از قبیل دکتر علی امینی، سید جعفر بهبهانی، ارسلان خلعتبری و فتح‌الله فرود.

در جریان انتخابات، حزب مردم و منفردان، دولت وقت را بمداخله در امر انتخابات متهم کردند و این امر مقدمهٔ تشنجات و نارضاییهایی گردید که تا تاریخ ۵ شهریور ماه ۱۳۳۹ و ابطال انتخابات همچنان ادامه داشت، پس از آنکه محمدرضا شاه در مصاحبهٔ مطبوعاتی بعلت بدی جریان انتخابات به استعفای دسته‌جمعی نمایندگان منتخب فرمان داد، در نتیجه کابینهٔ دکتر منوچهر اقبال رهبر حزب ملیون و همچنین نمایندگان منتخب استعفای خود را تسلیم کردند و مهندس شریف امامی مأمور تشکیل کابینهٔ جدید گردید و تجدید انتخابات موکول بانجام یافتن انتخابات انجمن شهر و مجلس سنا گردید. باید افزود علاوه بر احزاب نوبنیاد ملیون و مردم، سایر دسته‌ها و

احزاب با سابقه نیز دوباره فعالیت سیاسی خود را آغاز کردند. پس از آنکه مجلس سنا در ١٤ مهر ماه ١٣٣٩ ش. (مطابق با ٦ اکتبر ١٩٦٠ م) گشایش یافت انتخابات مجدد دورهٔ بیستم مجلس شورای ملی نیز تحت نظارت دولت مهندس شریف امامی آغاز گردید.

از جمله احزاب و دسته‌های سیاسی که در مبارزات انتخاباتی شرکت کردند حزب زحمتکشان ملت ایران بود که از احزاب با سابقه بشمار میرفت و برهبری دکتر مظفر بقایی کرمانی اداره میشد. این حزب گروهی از عناصر ملی را که دارای مسلکهای سیاسی متفاوت بودند زیر عنوان جبههٔ (نگهبانان آزادی انتخابات) گرد هم آورد و جبههٔ مزبور با کمک حزب زحمتکشان بفعالیت انتخاباتی پرداخت و در امر آزادی انتخابات دورهٔ بیستم نظارت و مبارزه میکرد و بدینسان حزب زحمتکشان بار دیگر در صحنهٔ سیاست پدید آمد و موجودیت خود را نشان داد ولی در جریان مبارزات بعدی فعالیت این جبهه و حزب مزبور متوقف ماند.

علاوه بر حزب ملیون و حزب مردم، جبههٔ ملی نیز که پس از مدتها سکوت و تعطیل، فعالیت سیاسی خود را آغاز کرده بود در این موقع بمبارزهٔ انتخاباتی پرداخت و موفق شد از حوزهٔ کاشان نمایندهٔ خود را بمجلس بیستم بفرستد.

دورهٔ بیستم قانونگذاری در روز دوم اسفند ماه ١٣٣٩ ش. مطابق با ٥ رمضان ١٣٨٠ هـ.ق و ١٩٦١ م افتتاح شد و در تاریخ ١١ اسفند ماه ١٣٣٩ ش. برابر ١٤ رمضان ١٣٨٠ هـ.ق رسمیت یافت.

عمر این مجلس بجهات سیاسی دیری نپایید و در تاریخ ١٩ اردیبهشت ماه ١٣٤٠ ش. (مطابق با ٢٣ ذیعقدهٔ ١٣٨٠ و ٩ ماه مه ١٩٦١ م) با استعفای کابینهٔ مهندس شریف امامی و آغاز حکومت دکتر علی امینی بفرمان محمدرضا شاه منحل و تجدید انتخابات موکول باصلاح قانون انتخابات گردید.

دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری

مجلس بیست و یکم پس از دو سال و ٣ ماه و بیست و پنج روز فترت، در تاریخ ١٤ مهر ماه ١٣٤٢ شمسی برابر با ١٧ جمادی‌الاولی ١٣٨٣ هجری قمری و ١٦ اکتبر ١٩٦٣ میلادی افتتاح شد، و در تاریخ ٢٣ مهرماه ١٣٤٢ رسمیت یافت.

امیراسداله علم، نخست وزیر دوران فترت بنابه سنت پارلمانی، در روز ۲۹ مهرماه ۱۳۴۲ استعفای خود را به اعلیحضرت تقدیم داشت، ولی مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید.

مجلس در تاریخ ۵ آبان ماه ۱۳۴۲ شمسی به دولت علم رأی اعتماد داد. این دولت دیری نپایید و در روز ۱۷ اسفند ماه ۱۳۴۲ استعفا داد. حسنعلی منصور مأمور تشکیل کابینه گردید. دولت جدید حزبی (حزب ایران نوین) در ۱۹ اسفند ماه ۱۳۴۲ موفق به جلب آراء اکثریت نمایندگان گردید.

دوره بیست و یک قانونگذاری، پس از بررسی و تنقیح لوایح دولت دوران فترت، به تصویب قوانین دیگری مبادرت ورزید که اهم آن به شرح زیر می‌باشد.

در تکمیل لوایح شش گانه[1] مصوب کنگره کارگران و دهقانان مصوب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی سه اصل دیگر در تاریخ‌های زیر به تصویب رسید.

۱- تشکیل سپاه بهداشت مصوب ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ شمسی.

۲- تشکیل سپاه ترویج و آبادانی مصوب ۲۲ آذرماه ۱۳۴۳ شمسی.

۳- لایحه شرکت بانوان در انتخابات مصوب ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ از دیگر اهم قوانین مصوبه این دوره میتوان بدین شرح نامبرد.

لایحه مصونیت قضایی کارکنان مستشاری امریکا مورخ خرداد ماه ۱۳۴۳

تشکیل خانه‌های اصناف مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴

تشکیل شورای داوری مصوب ۹ تیرماه ۱۳۴۵

قانون اجازهٔ اجرای آیین‌نامه قانون اصلاحات ارضی پس از تصویب کمیسیون

۱- لوایح ششگانه

۲- الغاء رژیم ارباب رعیتی از نظر اصلاحات ارضی در جهت صاحب زمین کردن ۷۵ درصد مردم ایران.

۳- ملی کردن جنگلها

۴- سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات

۵- فروش سهام کارخانجات دولتی

۶- اصلاح قانون انتخابات

۷- ایجاد سپاه دانش.

مشترک مجلس مورخ ۱۳ خرداد ماه ۱۳۴۳ شمسی.

قانون اجازه مبادله پنج قرارداد نفت مورخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۳ شمسی

قانون اجازه مبادله قرارداد الحاقی به قرارداد فروش نفت و گاز مصوب ۳۰ دی ماه ۱۳۴۳ شمسی

قانون تفکیک وزارت فرهنگ به: وزارت فرهنگ و هنر، و آموزش و پرورش مصوب ۱۸ آذرماه ۱۳۴۳ شمسی

قانون تأسیس مرکز آمار ایران مورخ تیرماه ۱۳۴۴ شمسی

تصمیم قانونی دایر بر توسعه صنایع پتروشیمی مصوب ۱۴ تیرماه ۱۳۴۴ شمسی

قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی مصوب اول خرداد ماه ۱۳۴۵ شمسی

قانون توسعه مرکز صادرات ایران مصوب ۲۹ آذر ماه ۱۳۴۵

از وقایع مهم این دوره، سوء قصد بجان حسنعلی منصور نخست وزیر وقت در برابر درب بزرگ مجلس شورای ملی و فوت نامبرده بود، و تفویض مقام نخست وزیری به امیر عباس هویدا وزیر دارایی کابینهٔ منصور.

هویدا هیأت دولت خود را روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۴۳ برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۸۴ هجری قمری و ۳۱ ژانویه ۱۹۶۵ به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

با تشکیل سومین مجلس مؤسسان بتاریخ ۲۸ مردادماه ۱۳۴۶ - اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی تغییراتی یافت و به موجب این دگرگونی، هنگام انتقال مقام سلطنت چنانچه ولیعهد به سن ۲۰ سال تمام خورشیدی نرسیده باشد. شهبانو مادر ولیعهد نیابت سلطنت را بعهده خواهد گرفت (اصل ۳۸ متمم)

تاریخ رسمی انقضاء دورهٔ بیست و یکم باید روز ۲۳ مهر ماه ۱۳۴۶ شمسی باشد. ولی به استناد اصل چهل و هشتم قانون اساسی و بموجب فرمان پادشاه وقت محمدرضا پهلوی زودتر از موعد مقرر در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۶ منحل گردید.

دورهٔ بیست و دوم قانونگذاری

بیست و دومین دورهٔ قانونگذاری، بدون فترت انتخاباتش انجام پذیرفت و روز جمعه ۱۴ مهر ماه ۱۳۴۶ شمسی، برابر با اول رجب ۱۳۸۷ هجری قمری و ۶ اکتبر

۱۹۶۷ میلادی افتتاح گردید. تاریخ رسمیت ایندوره از مجلس شورای ملی روز ۲۳ مهرماه ۱۳۴۶ شمسی برابر با ۱۰ رجب ۱۳۸۷ هجری قمری باید ذکر کرد.

پس از افتتاح مجلس، نخست وزیر وقت امیر عباس هویدا استعفای هیأت دولت را اعلام داشت و دولت جدید را در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۴۶ برابر با ۱۴ رجب ۱۳۸۷ هجری قمری و ۱۹ اکتبر ۱۹۶۷ میلادی به مجلس شورای ملی معرفی کرد. هیأت دولت روز ۳۰ مهرماه ۱۳۴۶ موفق به جلب رأی اعتماد از مجلس گردید.

مجلس بیست و دوم، در دو دورهٔ اجلاسیه خود موفق به تصویب قوانین گردید که از اهم آن با عناوین زیر میتوان نام برد.

۱ـ تشکیل وزارت اصلاحات ارضی مورخ ۲۹ آبان ۱۳۴۶ شمسی

۲ـ تصویب لایحه اساسنامه بانک ملی ایران به تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۶ شمسی

۳ـ لایحهٔ تشکیل وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی مصوب ۱۸ دی ماه ۱۳۴۶ شمسی

۴ـ لایحه تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی بتاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۴۶ شمسی

۵ـ لایحه قانونی تشکیل شرکتهای سهامی زراعی مصوب ۲۷ دی ماه ۱۳۴۶ شمسی

۶ـ لایحه تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مورخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ شمسی

۷ـ تصویب لایحه آب و نحوه ملی شدن آن مورخ ۲۷ تیر ماه ۱۳۴۷ شمسی

قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای مشتمل بر ۸ ماده و ۴ تبصره در جلسهٔ چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۴۸ بتصویب مجلس سنا رسید. و در جلسهٔ یکشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی مورد تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت.

قانون خدمات اجتماعی زنان مصوب تیر ماه ۱۳۴۷ مجلس شورای ملی.

دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری

مجلس بیست و سوم، روز سه‌شنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۵۰ شمسی برابر با ۹ رجب

۱۳۹۱ هجری قمری و ۳۱ اوت ۱۹۷۱ میلادی افتتاح شد. و در روز سه‌شنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۵۰ شمسی رسمیت یافت.

طبق سنن پارلمانی، هیأت دولت مستعفی و امیر عباس هویدا نخست وزیر وقت مأمور تشکیل هیأت دولت گردید. نامبرده سومین هیأت وزیران خود را روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۰ شمسی به مجلس شورای ملی معرفی کرد. مجلس در جلسه مورخ اول مهر ماه ۱۳۵۰ شمسی به دولت جدید رأی اعتماد داد.

از اهم قوانین این دورهٔ مجلس بدین شرح میتوان یاد کرد.

قانون استقرار نیروهای مسلح شاهنشاهی در جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و نقاط مورد نظر جزیره ابوموسی مصوب ۹ آبان ماه ۱۳۵۰ شمسی

قانون موافقتنامه اصلاحی مربوط به تأسیس مؤسسه بین‌المللی روشهای سوادآموزی بزرگسالان بین دولت شاهنشاهی ایران و یونسکو مصوب پنجشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۱ شمسی مجلس شورای ملی.

قانون تأمین آموزش فرزندان کارگران مصوب جلسهٔ یکشنبه یازده خرداد ماه ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی.

قانون منشور کنفرانس اسلامی مصوب ۱۷ دی ماه ۱۳۵۱ شمسی

قانون مجازات اخلال کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب جلسهٔ سه‌شنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۵۱ شمسی

قانون الغای قرارداد نفت با کنسرسیوم مصوب سال ۱۳۳۳ شمسی و اجازه قرارداد فروش و خرید نفت بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکتهای خارجی مصوب جلسه فوق‌العاده سه‌شنبه دوم مرداد ماه ۱۳۵۲ شمسی مجلس شورای ملی

قانون تشکیل صندوق رفاه دانشجویان مصوب پنجشنبه ٤ مرداد ماه ۱۳۵۲ شمسی

قانون اجرای قرار داد مورخ اول ژوین ۱۹۷۳ میلادی الحاقی بقرارداد مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۷۲ ژنو مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۲ شمسی

قانون تشکیل صنایع الکترونیک ایران مصوب ۲٤ بهمن ماه ۱۳۵۲ شمسی

قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳

قانون موافقتنامه همکاری بلند مدت اقتصادی، فنی و علمی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری مردم بلغارستان مصوب ۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۳ شمسی

قانون تأسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی مصوب ۲۶ تیر ماه ۱۳۵۳ شمسی

قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی مصوب اول مرداد ماه ۱۳۵۳ شمسی

قانون اجازه اعطای وام و اعتبار بدولتها و مؤسسات خارجی و بین‌المللی که در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۵۳ بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی.

قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی، مورخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۵۳

قانون تشکیل وزارت صنایع و معادن مصوب اول مرداد ماه ۱۳۵۳ شمسی

قانون نفت (جایگزین قانون مصوب ۷ مرداد ماه ۱۳۳٦ (شمسی) مشتمل بر ۳۰ ماده مصوب جلسهٔ فوق‌العاده دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۵۳ شمسی مجلس سنا و مصوب جلسهٔ فوق‌العاده مورخ سه‌شنبه ۸ مرداد ماه ۱۳۵۳ شمسی مجلس شورای ملی.

قانون اوقاف مصوب یکشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۵٤

قانون تأمین اجتماعی در جلسه روز سه‌شنبه سوم تیر ماه ۱۳۵٤ بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون تشکیل سازمان آموزش کشاورزی مصوب ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵٤ شمسی

قانون گسترش کشاورزی در قطبهای کشاورزی که در جلسهٔ مورخ سه‌شنبه ۱٦ اردیبهشت ماه ۱۳۵٤ بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون اجازه عضویت دارند گان پایه قضایی در حزب رستاخیز ملت ایران مصوب ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵٤ شمسی

قانون گسترش واحدهای تولیدی مصوب ۲٦ خرداد ماه ۱۳۵٤

دورهٔ بیست و چهارم قانونگذاری

بیست وچهارمین دورهٔ قانونگذاری درتاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵٤ شمسی برابر با ۲ رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری و سپتامبر ۱۹۷۵ میلادی افتتاح و در روز ۲۵ شهریور

ماه ۱۳۵٤ شمسی رسمیت یافت.

امیرعباس هویدا برای چهارمین دفعه بمناسبت افتتاح چهاردورهٔ قانونگذاری بعد از اجرای اصلاحات ارضی استعفاء دولت را تقدیم داشت و پس از انتصاب مجدد به نخست وزیری، هیأت وزیران را در تاریخ اول مهر ماه ۱۳۵٤ به مجلس معرفی کرد. مجلس در جلسهٔ مورخ سوم مهر ماه ۱۳۵۷ تصمیم قانونی خود مبنی بر رأی اعتماد به دولت جدید هویدا را ابراز کرد.

مهمترین قوانین مصوب دورهٔ بیست و چهارم قانونگذاری را بدین شرح میتوان یاد کرد موافقتنامه قانونی اعطای وام بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری مردم بنگلادش مصوب کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس شورای ملی مصوب سوم دی ماه ۱۳۵٤ شمسی.

اعتبار طرحهای عمرانی (سرمایه‌گذاری ثابت) در سال ۱۳۵۵، مصوب کمیسیونهای برنامه مجلسین مصوب ۲٤ فروردین ماه ۱۳۵۵ شمسی.

قانون کنوانسیون مربوط به پناهنده‌گان و پروتکل آن که در جلسهٔ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۵ شمسی مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

موافقتنامه‌های بین ایران و عراق راجع به مقررات مربوط به: کشتیرانی، کلانتران مرزی استفاده از آب رودخانه‌های مرزی، و قانون حل و فصل جامع و قطعی کلیهٔ مسایل دعاوی در حال تعلیق بین ایران و عراق مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۵

قانون موافقتنامه اجازه اجرای قرارداد اعطای وام به دولت جمهوری پاکستان مصوب کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس شورای ملی مصوب سوم تیر ماه ۱۳۵۵ شمسی

قانون اجازه اجرای وام به دولت جمهوری تونس مصوب کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مصوب چهارشنبه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۵ شمسی

قانون شورای داوری مصوب جلسهٔ یکشنبه ۸ خرداد ماه ۱۳۵٦ شمسی

قانون تأسیس خانه الصناف مصوب سه‌شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵٦

قانون تأسیس سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب جلسهٔ سه‌شنبه هفتم تیرماه ۱۳۵٦ شمسی

قانون تأسیس سازمان حمایت تولیدکننده‌گان و مصرف کننده‌گان مصوب ۲۲

تیر ماه ۱۳۵۶ شمسی.

قانون روابط مالک و مستأجر در مصوب دوم مرداد ماه ۱۳۵۶ شمسی

قانون خدمت غیر تمام وقت بانوان مصوب یازده مرداد ماه ۱۳۵۶ شمسی

مجلس شورای ملی در جلسهٔ فوق‌العاده روز پنجشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۵۶ شمسی پس از استماع بیانات جمشید آموزگار نخست وزیر جدید و بحث و تبادل نظر در برنامه دولت، با اکثریت ۱۸۸ رأی بدولت جدید ابراز اعتماد کرد.

قانون موافقتنامه تأسیس مرکز بین‌المللی تحقیقات کشاورزی در مناطق خشک بین دولت شاهنشاهی ایران و مرکز بین‌المللی تحقیقات برای توسعه، که در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۵ شمسی برابر با ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۶ میلادی در تهران بامضای نمایندگان دولت ایران و گروه مشورتی برای تحقیقات بین‌المللی کشاورزی رسیده است. در جلسهٔ فوق‌العاده روز یکشنبه ششم شهریور ماه ۱۳۵۶ شمسی، مجلس شورای ملی بتصویب رسید.

قانون موافقتنامه تأسیس صندوق بین‌المللی توسعهٔ کشاورزی (مورخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۵ شمسی) که در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ از طرف نماینده ایران تصویب و بامضاء رسیده بود، در جلسهٔ روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۶ شمسی به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید.

قانون تأسیس دانشگاه علوم و فنون ارتش شاهنشاهی مصوب ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۶ شمسی.

تصویب اساسنامه سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ شمسی (مصوب کمیسیونهای پارلمانی).

قانون تثبیت بهای زمین و جلوگیری از افزایش نامتناسب آن مصوب جلسه چهارم خرداد ماه ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی.

قانون برقراری حکومت نظامی در شهرستان اصفهان، با ۱۷۵ رأی موافق در جلسهٔ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۵۷ شمسی

تصمیم قانونی دایر به ابراز اعتماد به دولت جعفر شریف امامی با اکثریت ۱۷۷ رأی از ۲۰۰ نفر عده حاضر نمایندگان، در جلسهٔ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۷ شمسی.

قانون برقراری حکومت نظامی در تهران و یازده شهر دیگر مصوب ۲۶ شهریور

ماه ۱۳۵۷ شمسی که از تاریخ جمعه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ شمسی به مدت شش ماه در شهرهای: کرج، قزوین، قم، مشهد، تبریز، اهواز، آبادان، اصفهان، شیراز، کازرون، جهرم، برقرار شد.

تصمیم قانونی دایر به سلب مصونیت پارلمانی از آقای منصور یاسینی نماینده مجلس شورای ملی که در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۵۷ بتصویب رسید.

پس از طرح استیضاح عباس اخباری از دولت، و تقاضا رأی اعتماد از طرف دولت از مجلس شورای ملی، در جلسهٔ روز سه‌شنبه ۹ آبان ۱۳۵۷ شمسی، مجلس با اکثریت ۱۷۳ رأی از ۲۱۸ نفر عده حاضر نماینده گان، ابراز اعتماد نمود.

پس از استعفای دولت شریف امامی، و روی کار آمدن دولت جدید، مجلس تصمیم قانونی دایر بر ابراز رأی اعتماد به دولت ارتشبد غلامرضا ازهاری را در جلسهٔ روز چهارشنبه اول آذر ماه ۱۳۵۷ پس از طرح برنامه دولت و معرفی هیأت وزیران، با اکثریت ۱۹۰ رأی از ۲۰۵ تن نماینده حاضر در جلسه، به دولت رأی اعتماد داد.

مجلس شورای ملی، در جلسهٔ روز شنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ شمسی، تصمیم قانونی دایر بر ابراز رأی اعتماد به دولت دکتر شاهپور بختیار را پس از طرح برنامه دولت و موافقت با اجرای متن برنامه با اکثریت ۱۴۸ رأی از ۲۰۵ تن نماینده حاضر در جلسه اتخاذ گردید.

قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور که در تاریخ اسفند ماه ۱۳۳۵ و قانون اصلاحی آن در دی ماه ۱۳۳۷ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود در تاریخ هفده بهمن ماه ۱۳۵۷ به موجب تصمیم قانونی مجلس شورای ملی منحل اعلام شد.

قانون مربوط به تعقیب نخست وزیران و وزیران و طرز تشکیل هیأت منصفه بشرح زیر در جلسهٔ مورخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ بتصویب رسید.

مادهٔ واحده نظر به اینکه سیاست اداری و اعمال و رفتار دولتهایی که از سال ۱۳۴۲ شمسی تا اول شهریور ماه ۱۳۵۷ مصدر کار بوده‌اند و موجبات عدم رضایت و عصیان ملت ایران را فراهم نموده بنحوی که افکار عمومی خواهان تعقیب و مجازات سریع آنها است اجازه داده می‌شود که جرایم و تقصیرات نخست وزیران و وزیران تا تاریخ تصویب این قانون در دیوانعالی کشور عنوان و با حضور هیأت منصفین طبق

مقررات و قوانین کیفری رسیدگی شود، دادستان دیوانعالی کشور اتهامات مزبور را تعقیب مینماید.

بدنبال مبارزات قهرمانانه ملت ایران، و سقوط رژیم سلطنتی، عمر مجلس بیست و چهارم قانونگذاری و نیز عصر حکومت مشروطه در ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی پایان یافت.

بخش دوم

مشخصات و منشا اجتماعی نمایندگان

در بیست و سه دوره قانونگذاری

توضیحات مقدماتی

چنانکه در مقدمه بیان داشتیم تعیین نحوه ترکیب طبقاتی مجلس شورای ملی و منشأ اجتماعی نماینده‌گان و بحث در اینکه چه گروهای اجتماعی در ایران قوهٔ قانونگذاری را در ادارهٔ امور حکومت مشروطه داشته‌اند هدف اصلی این تحقیق و تهیه این مجموعه بوده است.

اطلاعات محدودی که میتوانست در تشخیص طبقهٔ نماینده‌گان بما کمک کند، تعیین شغل و میزان تحصیلات و سن نماینده‌گان و شغل پدر آنان بود و ما هر یک از این مشخصات را در بیست دورهٔ مجلس شورای ملی و در سه عصر مختلف مورد بررسی قرار میدهیم.

ادوار قانونگذاری را بر اساس تقسیم‌بندی سیاسی تاریخ مشروطیت ایران بسه عصر مختلف: **عصر اول** (دورهٔ قاجاریه) **عصر دوم** (سلطنت رضاشاه پهلوی) **عصر سوم** (دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی) تقسیم میکنیم.

پنج دورهٔ اول مجلس شورای ملی را تحت عنوان عصر اول مشروطیت و دورهٔ ششم تا چهاردهم مجلس شورای ملی را بنام عصر دوم مشروطیت مینامیم، هرچند که مجلس سیزدهم را از نظر تقارن زمانی بطور اصولی میباید در عصر سوم مشروطیت بحساب آوریم ولی از آنجا که انتخابات آن دورهٔ مجلس در زمان رضا شاه و پیش از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ صورت گرفته و ترکیب گروههای اجتماعی

نمایندگان متشکل در این دوره نمودار تمایلات و خواست گروه‌های ذینفوذ عصر دوم میباشد ما آن را در زمرهٔ ادوار قانونگذاری همان عصر بشمار آوردیم.

عصر سوم مشروطیت نمودار تحول دمکراسی جدید و آغاز تمایل به گروهای تازه است و شامل ۸ دوره قانونگذاری از دورهٔ چهاردهم ببعد میباشد. از میان یازده دوره عصر سوم چهار دوره آخرین یعنی دوران بعد از اجرای اصلاحات ارضی که مورخین از آن با عنوان انقلاب شاه یاد میکنند در ذیل فصل جداگانه‌ای مورد تفسیر و گفتگو قرار میدهیم.

فصل اول

تحول شغل نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری

توضیحات مقدماتی

بیشتر ملاک تشخیص طبقه را وضع فرد در نظام اقتصادی و نحوهٔ معیشت و میزان تقریبی در آمد یا ثروت او دانسته‌اند. برای بررسی و تحقیق در این باب ما ناگزیر بودیم بملاک‌های دیگری توسل جوئیم و از جمله اطلاع از فعالیت عمدهٔ نمایندگان و همچنین شغل پدر آنان که معیار اساسی برای سنجش منشأ اجتماعی آنها از نظر ما میباشد. ولی تحقیق در این مورد خاص بجهت فقدان مدارک و اسناد کافی و موثق مشکل و دشوار بود. ما در تعیین شغل نمایندگان بذکر فعالیت عمدهٔ آنان اکتفاء نکردیم و به بیان کلیهٔ مشاغل هروکیل پیش از وکالت و تا آنجا که امکان داشت سیر تحولی مشاغل را که بیشتر از راه مصاحبه با افراد مطلع و بررسی اسناد مکتوب از جمله اعتبارنامه‌ها بدست آمده بود منظور داشتیم.

بموجب جدول شماره ۱ از آنجا که بسیاری از نمایندگان مشاغل متعدد داشته‌اند و بدرستی روشن نبود که شغل اصلی و مهمتر آنان چیست، ناچار شدیم برای تعیین گروه شغلی نمایندگان کلیهٔ مشاغل آنان را چنانکه مذکور افتاد بحساب آوریم برای این منظور بر اساس جدول شماره ۲ که نسبت نمایندگان را براساس شغل یا مشاغل متعدد آنان در بیست دورهٔ قانونگذاری بدست می‌دهد و جدول اصلی و بنام چند شغلی خوانده میشود، به تنظیم جدول مجددی در هفت گروه شغلی خاص پرداختیم با توجه باین اصل که یک فرد بیشتر در یک یا دو و یا حتی سه گروه از مشاغل مختلف

جدول شماره ۱ وضع نمایندگان صاحب یک شغل و چندشغلی

(بحسب درصد)

ادوار قانونگذاری	یک شغلی	چند شغلی	جمع
دوره اول	۸٤	۱٦	۱۰۰
« دوم	٦۸	۳۲	۱۰۰
« سوم	٤۹	٥۱	۱۰۰
« چهارم	٥۸	٤۲	۱۰۰
« پنجم	٥٥	٤٥	۱۰۰
« ششم	٥٤	٤٦	۱۰۰
« هفتم	٥۷	٤۳	۱۰۰
« هشتم	٥۸	٤۲	۱۰۰
« نهم	٥۳	٤۷	۱۰۰
« دهم	٥۸	٤۲	۱۰۰
« یازدهم	٥۷	٤۳	۱۰۰
« دوازدهم	٦۱	۳۹	۱۰۰
« سیزدهم	٦۰	٤۰	۱۰۰
« چهاردهم	٦۲	۳۸	۱۰۰
« پانزدهم	٥٦	٤٤	۱۰٥
« شانزدهم	٥٦	٤٤	۱۰۰
« هفدهم	٦٤	۳٦	۱۰۰
« هجدهم	٦۱	۳۹	۱۰۰
« نوزدهم	٥٥	٤٥	۱۰۰
« بیستم	٦۳	۳۷	۱۰۰

جدول شماره ۲ - وضع مشاغل نمایندگان در بیست دوره قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شماره ترتیب	ادوار قانونگذاری	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
	مشاغل وکلاء: عده معلوم وکلاء	۱۳۳	۱۰۵	۱۰۳	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۵	۱۳۱	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۵	۱۳۱	۷۸	۱۳۴	۱۳۲	۱۷۴
	مشاغل وکلاء: عده کل وکلاء	۱۵۳	۱۱۱	۱۰۴	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۶	۱۳۲	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۱	۷۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۷۶
۱	ملاک	۸	۶	۶	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۲۲	۱۹	۲۴	۲۴	۲۶	۲۴	۲۵	۱۸	۱۸	۱۷	۲۶	۲۳	۲۹
۲	ملاک و تاجر	۴	۳	۱	۱	۳	۲	۵	۴	۵	۴	۶	۶	۶	۲	۴	۷	۹	۸	۵	۳
۳	ملاک و کارمند دولت	۴	۱۴	۲۸	۲۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۳	۲۰	۱۴	۱۶	۱۴	۱۶	۱۶	۲۵	۲۳	۱۸	۲۲	۲۴	۱۶
۴	ملاک و کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی	۱	۱	۲	—	—	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۵	۷	۶	۶	۴	۴	۲	۴	۵
۵	ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	۱	—	۳	—	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۲
۶	ملاک و روحانی	۳	۶	۹	۶	۸	۱۰	۸	۵	۶	۶	۵	۵	۴	۶	۲	۲	۱	۱	—	—
۷	بازاری: تاجر	۱۰	۵	۲	۶	—	۴	۸	۱۰	۱۳	۱۴	۱۱	۱۱	۱۲	۱۰	۱۰	۵	۳	۱۰	۶	۴
۸	بازاری: تاجر و کارمند دولت	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	—	۱	۱	۱	۱	—	۱	۱	۱	—	—	—	۱
۹	بازاری: اصناف	۲۶	—	۲	۱	—	—	۲	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—		
۱۰	روحانی	۱۴	۱۴	۱۸	۱۴	۱۰	۱۲	۹	۴	۲	۱	—	—	۱	—	—	—	۱۰	۱	—	۱
۱۱	روحانی و کارمند دولت	۲	۵	۳	۳	۶	۱	—	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	—	—	—	—	—
۱۲	روحانی و مشاغل آزاد تخصصی	۱	—	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۳	کارمند دولت	۱۶	۲۴	۱۳	۲۱	۱۸	۲۰	۱۶	۱۳	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۰	۱۴	۱۸	۲۲	۲۳	۱۴	۲۰	۲۱
۱۴	کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی	—	۲	۲	۴	۲	۳	۲	۳	۷	۶	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۸	۷
۱۵	کارمند دولت و ملاک و مشاغل آزاد تخصصی	—	—	—	—	—	۲	۱	۱	—	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	۳
۱۶	کارمند مؤسسات ملی	۴	۲	۱	—	—	—	—	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۷	کارمند مؤسسات ملی و مشاغل آزاد تخصصی	—	—	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۱	—
۱۸	مشاغل آزاد تخصصی	۵	۱۶	۶	۴	۱۲	۴	۴	۶	۶	۸	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۷	۷
۱۹	طبقه پائین	—	—	—	—	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

میتواند قرار گیرد. جدول مزبور (جدول شماره ٤) که‌ازآن‌بنام یک شغلی یاد کرده‌ایم نسبت هر یک از مشاغل متعدد مندرج در جدول شماره ۲ را از مجموعهٔ مشاغل مجلسیان کسر کردیم تا معلوم شد کدام گروه شغلی در هر دوره از ادوار قانونگذاری در مجلس اکثریت را داشته است. از آنجا که یک فرد گاهی همچنانکه اشاره شد در چند گروه شغلی بحساب آمده است مجموع نسبتهای جدول یک شغلی ما از صد متجاوز خواهد بود.

چنانکه از نمایش جداول شغلی ما مستفاد میشود، نماینده‌گان مجلس را با توجه بمنابع درآمد و اشتغالات مختلف آنها میتوان در هفت گروه شغلی ذیل مورد بررسی و بحث قرار داد.

۱- نماینده‌گان مالک
۲- نماینده‌گان کارمند دولت.
۳- نماینده‌گان بازاری (بازرگانان و اصناف).
٤- نماینده‌گان دارای شغل آزاد تخصصی (پزشکان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، صاحبان دفاتر اسناد رسمی).
۵- نماینده‌گان کارمند بنگاههای ملی و غیر دولتی.
٦- نماینده‌گان روحانی (مجتهدان، علمای دینی، وعاظ و طلاب).
۷- طبقهٔ پائین (زارع - خدمتگزاران خصوصی و جز اینها).

در تحقیق از گروهها و طبقات متشکل نماینده‌گان مجلس شورای ملی، برای هر یک از هفت گروه مذکور در فوق دو نوع جدول باعتبار یک شغلی و چند شغلی تهیه کردیم.

نماینده‌گان مالک

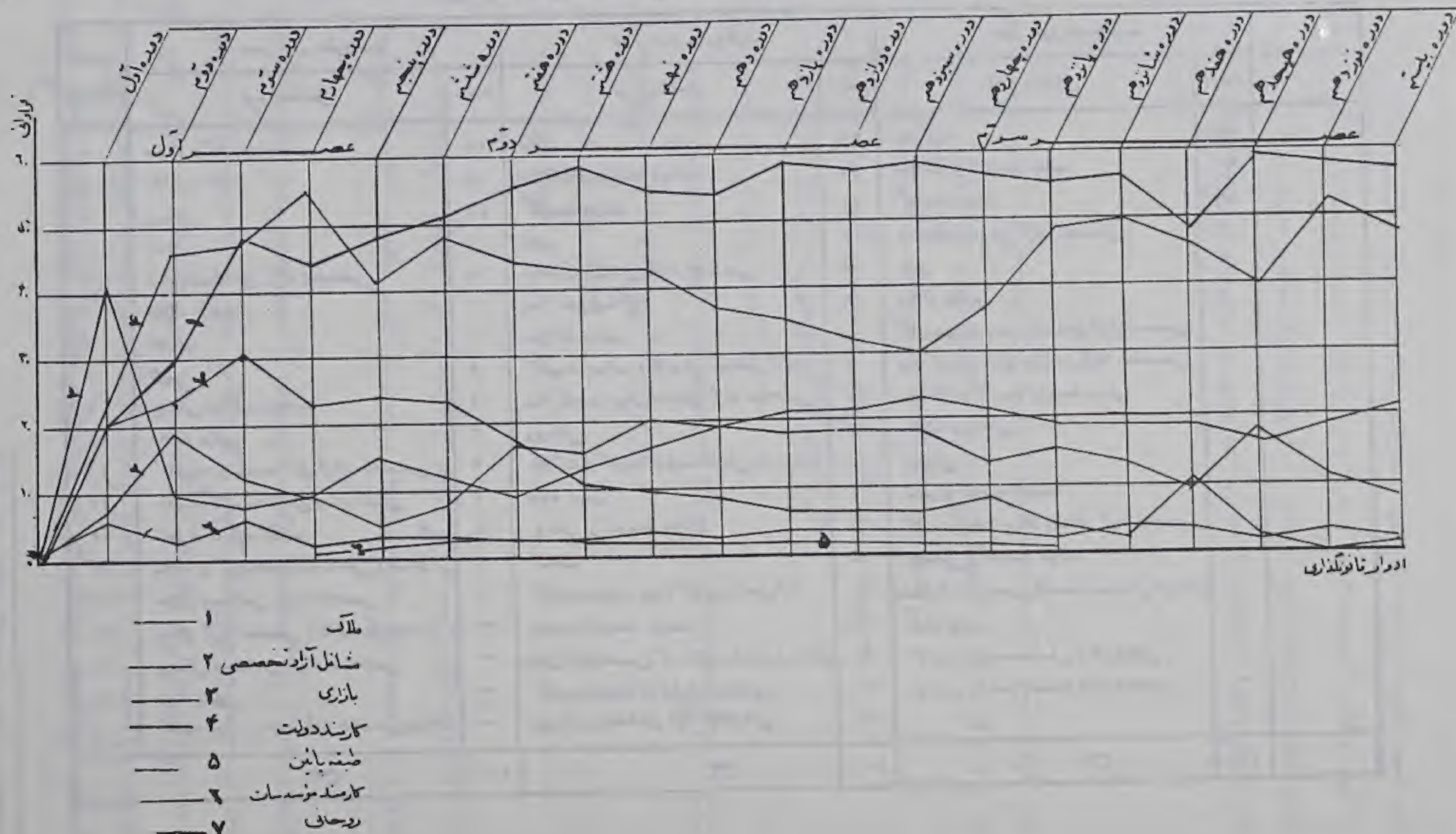
شماره نماینده‌گان مالک که بموجب جدول شمارهٔ ۷ دورهٔ اول و دوم قانونگذاری ۲۱ و ۳۰ درصد کرسیهای مجلس را اشغال کرده بودند از دورهٔ سوم قانونگذاری روبافزایش میگذارد و بین ۵۰ تا ٦۰ درصد وکلای مجلس شورای ملی را تشکیل میدهد و این وضع از دورهٔ سوم و بخصوص از دورهٔ ششم (که آغاز عصر دوم مشروطیت است) ببعد منظم میباشد.

جدول شماره ۳ـ وضع مشاغل نمایندگان درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شماره ترتیب	عصر اول مشروطیت — نوع مشاغل	درصد	عصر دوم مشروطیت — نوع مشاغل	درصد	عصر سوم مشروطیت — نوع مشاغل	درصد	ملاحظات
۱	ملاک وکارمند دولت	۱۹	ملاک	۲۱	ملاک	۲۳	
۲	کارمند دولت	۱۸	ملاک وکارمند دولت	۱۹	ملاک وکارمند دولت	۲۰	
۳	روحانی	۱۴	کارمند دولت	۱۴	کارمند دولت	۱۹	
۴	ملاک	۹	تاجر	۱۰	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۹	
۵	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۹	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۸	تاجر	۷	
۶	ملاک وروحانی	۶	ملاک وروحانی	۶	ملاک وتاجر	۵	
۷	اصناف	۶	ملاک وتاجر	۵	کارمنددولت وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۵	
۸	تاجر	۵	کارمند دولت وصاحبان مشاغل آزاد	۴	ملاک وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۴	
۹	روحانی وکارمند دولت	۴	ملاک وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۴	ملاک وکارمند مؤسسات ملی	۲	
۱۰	ملاک وتاجر	۳	روحانی	۴	ملاک وروحانی	۲	
۱۱	کارمند دولت ومشاغل آزاد تخصصی	۲	ملاک وکارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۲	روحانی	۲	
۱۲	کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	۲	طبقه پائین	۱	تاجر وکارمند دولت	۱	
۱۳	تاجر وکارمند دولت	۱	روحانی وکارمند دولت	۱	کارمند دولت وملاک ومشاغل آزاد تخصصی	۱	
۱۴	ملاک وکارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۱	اصناف	۱	روحانی وکارمند دولت	—	
۱۵	ملاک ومشاغل آزاد تخصصی	۱	کارمنددولت وملاک ومشاغل آزاد	—	مشاغل آزادتخصصی وکارمندمؤسسات ملی غیردولتی	—	
۱۶	مشاغل آزاد تخصصی وکارمند مؤسسات ملی	—	تاجر وکارمند دولت	—	طبقه پائین	—	
۱۷	روحانی ومشاغل آزاد تخصصی	—	مشاغل آزادتخصصی وکارمندمؤسسات ملی غیردولتی	—	کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	—	
۱۸	طبقه پائین	—	کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی	—	روحانی وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی	—	
۱۹	کارمند دولت ومشاغل آزاد تخصصی وملاک	—	روحانی ومشاغل آزاد تخصصی	—			
	جمع	۱۰۰	جمع	۱۰۰	جمع	۱۰۰	

نمودار

مشاغل نمایندگان و تغییرات آن در بیست دوره قانونگذاری



جدول شماره ٤ـ وضع شغل نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

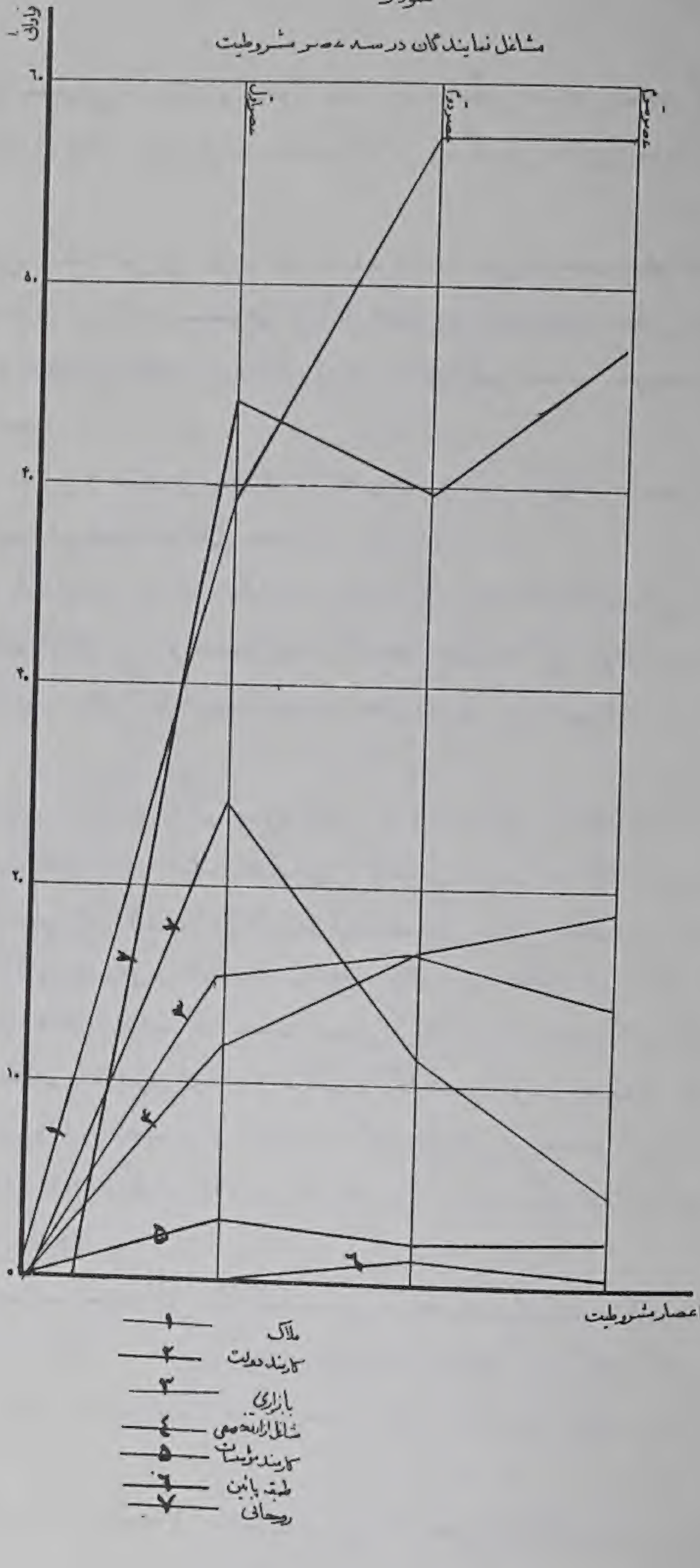
شماره ترتیب	ادوار قانونگذاری	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
مشاغل وکلاء	عده معلوم وکلاء	۱۳۳	۱۰۵	۱۰۳	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۵	۱۳۱	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۵	۱۳۱	۷۸	۱۳۴	۱۳۲	۱۷۴
	عده کل وکلاء	۱۵۳	۱۱۱	۱۰۴	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۶	۱۳۲	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۱	۷۹	۱۳۴	۱۳۲	۱۷۶
۱	ملاک	۲۱	۳۰	۴۹	۴۵	۴۹	۵۰	۵۵	۵۸	۵۵	۵۳	۵۸	۵۸	۵۹	۵۷	۵۶	۵۷	۴۹	۶۰	۵۹	۵۵
۲	بازاری ـ تاجر، اصناف	۴۱	۱۰	۶	۹	۴	۷	۱۶	۱۵	۲۰	۱۹	۱۸	۱۸	۱۸	۱۳	۱۵	۱۳	۹	۱۸	۱۱	۸
۳	کارمند دولت	۲۴	۴۸	۴۹	۵۵	۵۱	۴۸	۴۵	۴۴	۴۵	۴۰	۳۹	۳۷	۳۸	۴۳	۵۵	۵۴	۵۰	۴۳	۵۶	۵۰
۴	روحانی	۲۰	۲۵	۳۱	۲۳	۲۴	۲۳	۱۷	۱۱	۹	۸	۶	۶	۶	۸	۴	۲	۱۱	۲	—	۱
۵	صاحب مشاغل آزاد تخصصی	۷	۱۹	۱۲	۹	۱۵	۱۲	۹	۱۳	۱۶	۱۹	۲۱	۲۱	۲۳	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۷	۱۹	۲۲
۶	کارمند مؤسسات ملی	۵	۲	۵	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۲
۷	طبقهٔ پائین	—	—	—	—	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	۱

جدول شمارهٔ ۵ وضع شغل نمایندگان در سه‌عصر مشروطیت (باعتبار یک شغلی)

شمارهٔ ترتیب	عصر اول مشروطیت		عصر دوم مشروطیت		عصر سوم مشروطیت		ملاحظات
	نوع مشاغل	درصد	نوع مشاغل	درصد	نوع مشاغل	درصد	
۱	کارمند دولت	٤٤	ملاك	٥٧	ملاك	٥٧	
۲	ملاك	۳۹	کارمند دولت	۳۹	کارمند دولت	٤٦	
۳	روحانی	۲٤	صاحبان‌مشاغل آزادتخصصی	۱۷	صاحبان‌مشاغل آزادتخصصی	۱۹	
٤	بازاری «تاجر،اصناف»	۱۵	بازاری «تاجر، اصناف»	۱٦	بازاری «تاجر، اصناف»	۱۳	
٥	مشاغل آزاد تخصصی	۱۲	روحانی	۱۱	روحانی	٤	
٦	کارمند مؤسسات ملی	۳	کارمند مؤسسات ملی	۲	کارمند مؤسسات‌ملی	۲	
۷	طبقهٔ پائین	—	طبقهٔ پائین	۱	طبقهٔ پائین	—	

نمودار

مشاغل نمایندگان در سه عصر مشروطیت



جدول تفصیلی شمارهٔ ٤ و جدول شمارهٔ ۵ میانگین مشاغل نماینده‌گان در سه عصر مشروطیت در ضمن تعیین ترتیب تقدم براساس بزرگترین فراوانی نمودار این تحول میباشد.

بنابراین، گفته گروهی که برآنند مجلس ایران همواره تحت تسلط طبقهٔ مالک بوده و عمدهٔ مالکان و فئودالها بخصوص از آغاز عصر دوم مشروطیت مجلس را وسیله‌ای برای سیادت و حکومت خود بر توده‌های ملت و بخصوص طبقات متوسط قرار دادند سخن گزافی نیست.

جدول شمارهٔ ٦ نشان میدهد که در عصر دوم و سوم مشروطیت بطور محسوس بیش از عصر اول مشروطیت ملاکان بمجلس راه داشته‌اند.

جدول شمارهٔ ۸ ـ از آن حکایت میکند که آنچه دربارهٔ تمایل سه عصر مشروطیت گفتیم صادق است و نسبت افرادی که فقط بعنوان ملاک خوانده شده‌اند و در عصر اول مشروطیت بیش از ۹ درصد است در عصر دوم و سوم مشروطیت از ۲۱ و ۲۳ درصد میگذرد.

نکته بسیار جالب توجه در جدول شمارهٔ ۸ نسبت قابل ملاحظه ملاکانی است که کارمند دولت هستند. در کتاب مالک و زارع میس لمتون این نکته را بدرستی یاد کرده است که تجار برای کسب احترام و منزلت اجتماعی بطریق ملکداران نیمه اشرافی قدیم بتحصیل اراضی مزروعی و دهکده‌ها پرداختند و در زمرهٔ مالکان در آمدند. ازتحقیق ما این فکر نیز بخاطر میرسد که نسبت مهمی از مالکان در صف کارمندان دولت بوده‌اند اما این مطلب که چنین افرادی از مالکیت بکارمندی دولت رسیده‌اند یا از طریق کارمندی دولت توانایی تحصیل و تملک املاک مزروعی را بدست آورده‌اند بدقت روشن نیست و در فصل دیگری که دربارهٔ مشاغل پدران نماینده‌گان ملاک است از آن باز سخن خواهیم گفت.

در هر صورت نسبت قابل ملاحظه‌ای یعنی در حدود $\frac{1}{5}$ نماینده‌گان مجلس در سه عصر مشروطیت ملاک و کارمند دولت بوده‌اند و در حقیقت باید گفت که این دسته مهمترین گروه مجلسیان بوده‌اند و ما این مطلب را در جای خود بتفصیل یاد خواهیم کرد.

جدول شمارهٔ ۹ با تفصیل بیشتری در مورد هر دورهٔ قانونگذاری نسبت مالکان

جدول شمارهٔ ۶. وضع نمایندگان مالک در سه عصر مشروطیت

(باعتبار یک شغل) برحسب درصد

شماره	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر دوم مشروطیت
۱	ملاک	۳۹	۵۷	۵۷

جدول شمارهٔ ۷ - وضع نمایندگان مالک دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغل) برحسب درصد

نوع شغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
ملاک	۲۱	۳۰	۴۹	۴۵	۴۹	۵۳	۵۶	۵۹	۵۵	۵۴	۵۹	۵۸	۵۹	۵۷	۵۶	۵۷	۴۹	۶۰	۵۹	۵۸

جدول شمارهٔ ۸ - وضع نمایندگان مالک درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغل)

برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	ملاک	۹	۲۱	۲۳
۲	ملاک و تاجر	۳	۵	۵
۳	ملاک و کارمند دولت	۱۹	۱۹	۲۰
٤	ملاك وصاحب مشاغل آزاد تخصصی	۱	٤	٤
٥	ملاک و کارمند مؤسسات ملی	۱	۲	۲
٦	ملاک و روحانی	٦	٦	۲
۷	ملاک وصاحب مشاغل آزاد تخصصی و کارمند دولت	—	—	۱
	جمع	۳۹	۵۷	۵۷

جدول شمارهٔ ۹- وضع نمایندگان مالک در بیست دوره قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
		۲۱	۳۰	۴۹	۴۵	۴۹	۵۲	۵۶	۵۹	۵۵	۵۴	۵۹	۵۸	۵۹	۵۷	۵۶	۵۷	۴۹	۶۰	۵۹	۵۸
۱	ملاک	۸	۶	۶	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۲۲	۱۹	۲۴	۲۴	۲۶	۲۴	۲۵	۱۸	۱۸	۱۷	۲۶	۲۳	۲۹
۲	ملاک و تاجر	۴	۳	۱	۱	۳	۲	۵	۴	۵	۴	۶	۶	۶	۲	۴	۷	۶	۸	۵	۳
۳	ملاک و کارمند دولت	۴	۱۴	۲۸	۲۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۳	۲۰	۱۴	۱۶	۱۴	۱۶	۱۶	۲۵	۲۳	۱۸	۲۲	۲۴	۱۶
۴	ملاک و مشاغل آزاد تخصصی	۱	۱	۲	—	—	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۵	۷	۶	۶	۴	۴	۲	۴	۵
۵	ملاک و کارمند مؤسسات ملی	۱	—	۳	—	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۲
۶	ملاک و روحانی	۳	۶	۹	۶	۸	۱۰	۸	۵	۶	۶	۵	۵	۴	۶	۲	۲	۱	۱	—	—
۷	ملاک و مشاغل آزاد تخصصی و کارمند دولت	—	—	—	—	—	۲	۱	۱	—	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	۳
	جمع	۲۱	۳۰	۴۹	۴۵	۴۹	۵۲	۵۶	۵۹	۵۵	۵۴	۵۹	۵۸	۵۹	۵۷	۵۶	۵۷	۴۹	۶۰	۵۹	۵۸

جدول شمارهٔ ۱۲ ـ وضع نمایندگان بازاری (بازرگانان و اصناف)
درسه‌عصر مشروطیت (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع شغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر دوم مشروطیت
۱	تاجر	٥	۱۰	۷
۲	« وکارمنددولت	۱	—	۱
۳	« وملاك	۳	٥	٥
٤	اصناف	٦	۱	—
	جمع	۱٥	۱٦	۱۳

که ۱٦ درصد نمایندگان عصر دوم مشروطیت را تشکیل میدهند اکثریت از آن دو طبقهٔ ملاک و کارمند دولت بوده است.

در مجموع سه عصر مشروطیت از نظر شمارهٔ نمایندگان مشاغل مختلف به ترتیب تقدم چنین بوده است.

نخست گروه مالکان، دوم کارمند دولت و سوم صاحبان مشاغل آزاد تخصصی، بازاریان «بازرگانان و اصناف» در مرتبهٔ چهارم قرار داشته‌اند (بموجب جدول شمارهٔ ٥).

جدول شمارهٔ ۱۱ کاهش تدریجی گروه تاجر و بازاری را در عصر اول مشروطیت تا پیش از آغاز عصر دوم مشروطیت نمودار میسازد چرا که نسبت گروه مذکور از ٤۱ درصد در دورهٔ اول قانونگذاری به ٤ درصد در دورهٔ پنجم که سرآغاز عصر دوم مشروطیت و مقارن فرمانروایی رضاشاه بوده است میرسد.

جدول شمارهٔ ۱۲ که بر اساس تفکیک مشاغل هر فرد تنظیم شده است همان نمودار جدول شمارهٔ ۱۰ را در مورد افزایش نسبت بازرگانان در ادوار قانونگذاری عصر دوم مشروطیت نسبت بعصر اول و سوم نشان میدهد.

با اینهمه در این مورد تفاوتی میان دو جدول وجود دارد که در عصر اول مشروطیت قسمت مهمی از بازاریان در شمار اصناف نیز هستند و بعبارت دیگر از کسبه‌اند و در طی سه عصر مشروطیت بتدریج نسبت بیشتری از بازرگانان در عین اشتغال به تجارت شاغل مالکیت نیز هستند واین موافق با نظریهٔ میس لمتون است که در گذشته بان اشاره کرده‌ایم.

جدول شمارهٔ ۱۳ با تفصیل بیشتری نسبت تجاری را که در ضمن صاحب مشاغل دیگر هستند نشان میدهد و روشن میسازد که نسبت افراد تاجر از عصر دوم مشروطیت بطور منظم روبافزایش میباشد و این نسبت در ادوار عصر سوم مشروطیت گرچه بطور قابل ملاحظه‌ای روبه کاهش می‌گذارد ولی نسبت بعصر اول (بجز دورهٔ اول قانونگذاری) بیشتر است، نسبت بازرگانانی که بمشاغل دیگری از قبیل کارمندی دولت و شغل آزاد تخصصی و جز اینها می‌پرداخته‌اند ناچیز است.

بررسی جدول شمارهٔ ۲ و ٤ نشان می‌دهد که طبقهٔ بازرگانان نتوانسته‌اند بیش از $\frac{1}{6}$ کرسیهای مجلس را در ادوار مختلف قانونگذاری اشغال کنند.

نکتهٔ شایان توجه اینست که از هنگامی که نظامنامهٔ انتخابات شیوهٔ صنفی را فرو می‌گذارد نسبت اصناف و پیشه‌وران در مجلس کاهش می‌یابد چنانکه بگواهی جدول شمارهٔ ۲ در دورهٔ اول ۲٦ درصد مجلسیان از اصناف بودند در حالی که در ادوار بعد،از جمله اواخر عصر دوم مشروطیت فردی بعنوان پیشه‌ور و کاسب نتوانسته است به مجلس راه یابد.

بررسی جدولهای فوق بخوبی نظریهٔ انحراف مسیر انقلاب ملی ایران را از جنبش بورژوازی ضد فئودالی نشان میدهد و همچنین با صراحت کامل نظریهٔ قبلی ما را تأیید میکند که در جریان مبارزه چگونه طبقهٔ بورژوا تحت تأثیر عوامل مختلفی از نظر سیاسی ضعیف گردید و این ضعف موجبات تقویت طبقهٔ مالک و عناصر وابسته بآن را بیش از پیش فراهم کرد و دست طبقات متوسط بخصوص بورژوازی تاجر و خرده بورژوازی (اصناف و پیشه‌وران) را از عرصهٔ سیاست و ادارهٔ حکومت ملی کوتاه ساخت.

جدول شماره ۱۳ - وضع نمایندگان‌بازاری (بازرگانان واصناف) دربیست‌دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
		۴۱	۱۰	۷	۹	[illegible]	۷	۱۶	۱۵	۲۰	۱۹	۱۸	۱۸	۱۸	۱۳	۱۵	۱۳	۹	۱۸	۱۱	۸
۱	تاجر	۱۰	۵	۳	۶	—	۴	۸	۱۰	۱۳	۱۴	۱۱	۱۱	۱۲	۱۰	۱۰	۵	۳	۱۰	۶	۴
۲	تاجر و کارمند دولت	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	—	۱	۱	۱	۱	—	۱	۱	۱	—	—	—	۱
۳	اصناف	۲۶	—	۲	۱	—	—	۲	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۴	تاجر و ملاک	۴	۳	۱	۱	۳	۲	۵	۴	۵	۴	۶	۶	۶	۲	۴	۷	۶	۸	۵	۳
	جمع	۴۱	۱۰	۷	۹	۴	۷	۱۶	۱۵	۲۰	۱۹	۱۸	۱۸	۱۸	۱۳	۱۵	۱۳	۹	۱۸	۱۱	۸

نمایندگان کارمند دولت

در عصر اول مشروطیت (جز دورهٔ اول قانونگذاری که غلبه با اصناف میباشد) مجلس تابع کارمندان دولت است و اینان ٤٤ درصد نمایندگان مجلس شورای ملی را تشکیل میدهند (جدول شمارهٔ ۵).

جدول شمارهٔ ١٤ در ضمن تأیید مطلب فوق این نکته را آشکار میسازد که نسبت کارمندان دولت درعصر دوم مشروطیت که مصادف با سلطنت رضاشاه است نسبت بدو عصر اول و سوم مشروطیت کمتر و درحدود ۳۹ درصد است و حال آنکه درعصر اول و سوم مشروطیت این نسبت بر ٤٤ و ٤٦ درصد است.

در مورد عصر اول مشروطیت، همچنانکه در بخش اول این مجموعه اشاره کردیم نهضت مشروطیت برهبری و پشتیبانی طبقاتی خاص از آنجمله اقلیت تحصیل کرده و آشنا بمدنیت غربی و گاه باصول حکومت مشروطه بوجود آمد در اینجا اگر این نکته را بپذیریم که کارمندان دولت و اغلب مستوفیان در آن روزگاران اکثریت طبقهٔ باسواد را تشکیل میدادهاند سخن گزافی نخواهد بود. پس باید افزونی نسبت کارمندان دولت را در عصر اول مشروطیت بعلت دانایی و رشد سیاسی این طبقه بدانیم. و اما در مورد عصر سوم مشروطیت که نسبت کارمندان دولت به وجه قابل ملاحظهای افزایش یافته است جای تعجب نیست زیرا سازمانهای اداری که در زمان رضا شاه بوجود آمد بتدریج توسعه یافت و رفته رفته گروه اداری به عنوان قدرت قابل ملاحظه و گروه ذینفوذ در صحنهٔ سیاست پدید آمد. گذشته از این کارمندان دولت با نزدیکی بمنبع قدرت در پارهای از دورههای مختلف انتخابات میتوانستند باسانی خود را بنمایندگی مجلس برسانند.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۱۵ تحول و اختلاف نسبتها را در ادوار بیستگانهٔ مجلس شورای ملی نشان میدهد. جدول شمارهٔ ١٦ مربوط به کارمندانی است که در حین کارمندی دولت به مشاغل دیگر هم اشتغال داشتهاند و یا از منابع مختلف دیگری امرار معاش میکردهاند. این جدول نشان میدهد که نسبت کارمندان دولت که در عین حال ملاک هم بودهاند در سه عصر مشروطیت در حدود ۱۹ تا ۲۰ درصد و نسبت کارمندان دولتبدونشغلدیگردرحدود ۱۸ درصد است و حال آن که نسبت کارمندانی که دارای مشاغل دیگر بودهاند ناچیز است.

جدول شمارهٔ ۱۴ - وضع نمایندگان کارمند دولت
درسه عصر مشروطیت (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمند دولت	٤٤	۳۹	٤٦

جدول شمارهٔ ۱۵ - وضع نمایندگان کارمند دولت دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
کارمند دولت	۲٤	٤۸	٤۹	۵۵	۵۱	٤۸	٤۵	٤٤	٤۵	٤۳	۳۹	۳۷	۳۸	٤۳	۵۵	۵٤	۵۲	٤۲	۵٦	۵۰

جدول شمارهٔ ۱۶- وضع نمایندگان کارمند دولت در سه عصر مشروطیت

(باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمند دولت	۱۸	۱۴	۱۹
۲	« وصاحب مشاغل آزادتخصصی	۲	٤	۵
۳	« و « و ملاک	—	۱	۱
٤	« و ملاك	۱۹	۱۹	۲۰
۵	» و تاجر	۱	—	۱
٦	« و روحانی	٤	۱	—
	جمع	٤٤	۳۹	٤٦

افرادی که علاوه بر کارمندی دولت بشغل آزاد تخصصی از قبیل پزشکی و روزنامه‌نگاری و جز اینها پرداخته‌اند اگر چه نسبتشان در سه عصر مشروطیت بتدریج افزایش یافته و از ۲ درصد به ۵ درصد رسیده است با اینهمه رقم ناچیزی را تشکیل میدهند.

جدول شمارهٔ ۱۷ مربوط به کارمندان دولت در بیست دورهٔ قانونگذاری حاکی از آن است که نسبت کارمندان دولت و ملاک از دورهٔ سوم قانونگذاری بر کارمند دولت بطور مطلق فزونی میگیرد.

رقم جالب توجه در این جدول مربوط به دسته‌ای از کارمندان دولت است که در ضمن شغل روحانیت برای آنها ذکر شده است. گویا این گروه نخست روحانی بوده و بعد بکارمندی دولت روی آورده‌اند و چون ما درباره همهٔ مشاغل نمایندگان مجلس پیش از وکالت بپرسش و تحقیق پرداختیم چنین نتیجه بدست آمده است.

جدول شماره ۱۷- وضع شغل نمایندگان کارمند دولت در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
		۲۴	۴۸	۴۹	۵۵	۵۱	۴۸	۴۵	۴۴	۴۵	۴۰	۳۹	۳۷	۳۸	۴۳	۵۵	۵۴	۵۰	۴۲	۵۶	۵۰
۱	کارمند دولت	۱۶	۲۴	۱۳	۲۱	۱۸	۲۰	۱۶	۱۳	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۰	۱۴	۱۸	۲۲	۲۳	۱۴	۲۰	۲۱
۲	« ومشاغل آزاد تخصصی	—	۲	۲	۴	۲	۳	۲	۳	۷	۶	۵	۴	۷	۴	۳	۴	۵	۴	۸	۷
۳	« مشاغل آزاد وملاک	۱	۱	۲	—	—	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۰٫۵	۰٫۷	۶	۶	۴	۴	۲	۴	۵
۴	« وتاجر	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	—	۱	۱	۱	—	—	۱	۱	۱	—	—	—	۱
۵	« و روحانی	۲	۵	۳	۳	۶	۱	—	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	—	—	—	—	—
۶	« و ملاک	۴	۱۴	۲۸	۲۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۳	۲۰	۱۴	۱۶	۱۵	۱۶	۱۶	۲۵	۲۳	۱۸	۲۲	۲۴	۱۶
	جمع	۲۴	۴۸	۴۹	۵۵	۵۱	۴۸	۴۵	۴۴	۴۵	۴۰	۳۹	۳۷	۳۸	۳۳	۵۵	۵۴	۵۰	۴۲	۵۶	۵۰

در مورد کارمندانی که صاحب شغل آزاد و ملاک قلمداد شده‌اند عدد آنها بسیار اندک و بی‌اهمیت است چنانکه میتوان از احتساب آن صرف نظر کرد.

ناگفته نماند که بیش از ۱۰ درصد مجموع نمایندگان مجلس به مقام وزارت نیز رسیده‌اند. اما این مطلب در خور تفصیل بیشتر است و ما در تحقیق دیگری که دربارهٔ کابینه‌های ایران از صدر مشروطیت تا عصر حاضر آغاز کرده‌ایم بدان خواهیم پرداخت.[۱]

نمایندگان روحانی

در فصل چهارم از بخش اول این مجموعه بیان داشتیم که روحانیان و بازاریان دو عامل موثر انقلاب و در واقع گردانندگان جنبش مشروطیت بوده‌اند. با اینهمه همچنانکه طبقهٔ بورژوازی تاجر و اصناف در صحنهٔ پارلمان سهم بسزایی بدست نیاوردند، روحانیان نیز جز در عصر اول مشروطیت که در حدود $\frac{۱}{۴}$ کرسیهای مجلس را بدست آوردند در دو عصر بعدی مشروطیت بخصوص در دورهٔ دمکراسی جدید بطور محسوس کاهش عددی پیدا کردند.

جدول شمارهٔ ۱۸ نشان میدهد که این نسبت از ۲۴ درصد در عصر اول مشروطیت به ۱۱ درصد درعصردوم و ۳ درصد در عصر سوم مشروطیت میرسد. کاهش نسبت روحانیان بموجب جدول شمارهٔ ۱۹ از دورهٔ چهارم قانونگذاری شروع میشود و سپس بطور منظم ادامه می‌یابد در حالی که در دورهٔ سوم قانونگذاری نزدیک به یک سوم نمایندگان از زمرهٔ روحانیان هستند، این نسبت در پایان عصر دوم مشروطیت به یک ششم و در دورهٔ نوزدهم و بیستم به کمتر از یک صدم تنزل می‌یابد.

دورهٔ استثنایی در ادوار اخیر قانونگذاری دورهٔ هفدهم است که نظر به وضع خاص سیاسی کمک به افزایش نسبت روحانیان به بیش از ۱۱ درصد کرده است. در مورد افزایش گروه روحانیان در عصر اول مشروطیت باید در نظر داشت که این گروه در آن زمان از مقبولیت و محبوبیت بسیار در نزد عامهٔ مردم بهره‌مند بوده. بطور کلی هرگاه انتخاب تحت رهبری گروههای مختلف صاحب وجههٔ ملی اداره میشد، ترکیب طبقاتی

۱ـ رجوع به کتاب نخست‌وزیران و وزیران عهد مشروطیت

جدول شماره ۱۸ـ وضع نمایندگان روحانی در سه عصر مشروطیت
(باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ	نوع شغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	روحانی	۲۴	۱۱	۳

جدول شماره ۱۹ـ وضع نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

نوع شغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
روحانی	۲۰	۲۵	۳۱	۲۳	۲۴	۲۳	۱۷	۱۴	۹	۸	۶	۶	۶	۸	۴	۲	۱۱	۲	—	۱

نمایندگان متمایز از زمانی بوده است که دارای ثبات سیاسی و تمرکز قدرت هیأت حاکمه بوده است.

و اما در مورد افزایش قابل ملاحظه نسبت روحانی در مجلس سوم و اینکه دورهٔ اول و دوم قانونگذاری از لحاظ نسبت روحانی کمتر از دورهٔ سوم است میتوان چنین تفسیر کرد که دورهٔ اول قانونگذاری نظامنامهٔ انتخابات به موجب مادهٔ ٦، انتخابات را در طبقات خاصی محدود ساخته و سهم طبقهٔ روحانی را در مرکز به $\frac{۱}{۱۵}$ معین کرده است و در دورهٔ دوم قانونگذاری نیز به موجب اصل دوم متمم قانون اساسی، روحانیان بعنوان نظارت در وضع قوانین مصوب مجلس، و نه بعنوان وکیل منتخب - در جلسات حاضر میشدند و بدین وسیله تسلط خود را بر قوهٔ قانونگذاری تحمیل می‌کردند. ولی در دورهٔ سوم نظر برفع محدودیت و لغو سهم‌بندی طبقاتی و بر اثر شرکت آزادانهٔ تودهٔ مردم در انتخابات و شرایط زمان، نسبت روحانی بطور فاحش مساعدتر گردید و در حدود ۳۱ درصد نمایندگان مجلس از روحانیان تشکیل شد چنانکه جدول شمارهٔ ۱۹ نشان میدهد هیچیک از ادوار قانونگذاری از لحاظ نسبت روحانی به پایهٔ دورهٔ سوم نمیرسد.

جدول شمارهٔ ۲۰ - وضع نمایندگان روحانی درسه عصر مشروطیت

(باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع شغل	عصراول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	روحانی	١٤	٤	۲
۲	« وکارمند دولت	٤	۱	—
۳	« وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی	—	—	—
٤	« وملاك	٦	٦	۲
	جمع	۲٤	۱۱	٤

جدول شمارهٔ ۲۱-وضع نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
		۲۰	۲۵	۳۱	۲۳	۲۴	۲۳	۱۷	۱۱	۹	۸	۶	۶	۶	۸	۴	۲	۱۱	۲	—	۱
۱	روحانی	۱۴	۱۴	۱۸	۱۴	۱۰	۱۲	۹	۴	۲	۱	—	-	۱	—	—	—	۱۰	۱	—	۱
۲	« و کارمند دولت	۲	۵	۳	۳	۶	۱	—	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	—	—	—	—	—
۳	« و صاحبان مشاغل آزاد و تخصصی	۱	—	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۴	« و ملاک	۳	۹	۹	۶	۸	۱۰	۸	۵	۶	۶	۵	۵	۴	۶	۲	۲	۱	۱	—	—
	جمع	۲۰	۲۵	۳۱	۲۳	۲۴	۲۳	۱۷	۱۱	۹	۸	۶	۶	۶	۸	۴	۲	۱۱	۲	—	۱

و اما در مورد جمع چند شغل چنانکه در جدول شمارهٔ ۲۰ و ۲۱ دیده میشود روحانیان اغلب بمشاغل دیگری نپرداخته و اگر هم پرداخته‌اند در درجهٔ اول ملکداری بوده است و چون این دو امر مانعةالجمع نیست. در درجهٔ بعد روحانیان کارمند دولت هستند که بظاهر همچنانکه در بحث از کارمند دولت سخن رفت. ظاهراً از روحانیت بکارمندی دولت روی آورده‌اند.

نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

سهم این گروه در عصر اول مشروطیت نسبت بعصر دوم و سوم اندک میباشد. جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۳ نشان میدهد که بخصوص در دورهٔ اول قانونگذاری این افراد در مقابل بازرگانان و اصناف و کارمندان دولت نسبت ناچیزی دارند و بیش از ۷ درصد مجموع نمایندگان را تشکیل نمیدهند ولی از دورهٔ دوم ببعد با جزئی نوسانهایی نسبت آنان روبافزایش میگذارد. چنانکه در دورهٔ اخیر به بیش از ۲۰ درصد میرسد و در دورهٔ بیستم در حدود $\frac{1}{8}$ کرسیهای مجلس را بدست می‌آورند.

جدول شمارهٔ ۲۲ این تحول را در سه عصر مشروطیت نمودار میسازد و میتوان گفت که عصر سوم مشروطیت بیش از دو عصر دیگر برای این گروه مساعد بوده است. با اینهمه جدول شمارهٔ ۲ نمودار آن است که این گروه در دورهٔ دوم قانونگذاری نسبت بمقام ادوار بیستگانهٔ مجلس وضع بهتری داشته‌اند، و پس از طبقهٔ کارمند دولت که اکثریت مجلس را داشتند این گروه قرار گرفته بود و ۱۶ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند.

جدول شمارهٔ ۲٤ حاکی از آن است که نسبت دارندگان شغل آزاد تخصصی در عصر دوم مشروطیت کمتر از دو عصر اول و سوم میباشد و نسبت صاحبان مشاغل آزادی که بملکداری و کارمندی دولت هر سه می‌پرداخته‌اند در عصر دوم و سوم مشروطیت نسبت بعصر اول افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۵ تحول هر یک از این نسبتها را در ادوار مختلف مجلس آشکار می‌سازد. بطور کلی در حدود ۷۵ درصد صاحبان مشاغل آزاد تخصصی در عصر اول مشروطیت مشاغل دیگری نداشته و تنها از یک منبع امرار معاش می‌کرده‌اند و در عصر دوم و سوم است که قسمت مهمی از نمایندگان صاحب شغل

آزاد تخصصی در عین حال دارای مشاغل دیگری از جمله مالک و کارمند دولت بوده‌اند. در مورد مالکیت بدیهی است که با مشاغل آزاد تخصصی مانعةالجمع نیست و در مورد کارمندی دولت در موارد استثنایی مانند روزنامه‌نگاری و طبابت هر دو شغل با هم جمع بوده است.

جدول شمارهٔ ۲۲ ـ وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی در سه عصر مشروطیت (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

شماره	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر دوم مشروطیت
۱	مشاغل آزاد تخصصی	۱۲	۱۷	۱۹

نمایندگان کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی

جدول شمارهٔ ۲۶ نسبت کارمندان مؤسسات ملی را در سه عصر مشروطیت نشان میدهد و جدول شمارهٔ ۲۷ مربوط به نسبت این گروه در بیست دورهٔ قانونگذاری چنین نمودار می‌سازد که کارمندان بنگاههای ملی در تمام ادوار مجلس جز دورهٔ اول و دوم که در حدود ۵ درصد نمایندگان را تشکیل می‌دادند، در مقابل طبقهٔ کارمندان دولت که سهم ممتازی را در احراز کرسیهای مجلس داشته‌اند نسبت ناچیزی دارند.

چنانکه جدول شمارهٔ ۲۸ آشکار میدارد در میان این افراد نسبت کسانی که بملکداری نیز اشتغال داشته‌اند بیش از کارمندان مؤسسات ملی بدون شغل دیگر و همچنین بیش از آنهایی است که بمشاغل آزاد تخصصی می‌پرداخته‌اند.

جدول شمارهٔ ۲۳ - وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

نوع شغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
مشاغل آزاد تخصصی	۷	۱۹	۱۲	۹	۱۵	۱۲	۹	۱۳	۱۶	۱۹	۲۲	۲۱	۲۳	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	۲۰	۲۲

جدول شمارهٔ ۲۴ - وضع مشاغل گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی
درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	صاحب مشاغل آزاد تخصصی	۹	۸	۹
۲	« « وملاک	۱	٤	٤
۳	« « وکارمند دولت	۲	٤	٥
٤	« « « مؤسسات ملی	—	—	—
٥	« « و روحانی	—	—	—
٦	« « وملاک و کارمند دولت	—	۱	۱
	جمع	۱۲	۱۷	۱۹

جدول شمارهٔ ۲۵ - وضع مشاغل گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
		۷	۱۹	۱۲	۹	۱۵	۱۲	۹	۱۳	۱۶	۱۹	۲۲	۲۱	۲۳	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۷	۲۰	۲۲
۱	مشاغل آزاد تخصصی	۵	۱۶	۶	۴	۱۲	۴	۴	۶	۶	۸	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۷	۷
۲	• و کارمند مؤسسات ملی	—	—	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۱	—
۳	• و کارمند دولت	—	۲	۲	۴	۲	۳	۲	۳	۷	۶	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۸	۷
۴	• وملاک و کارمند دولت	—	—	—	—	—	۲	۱	۱	—	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	۳
۵	• وملاک	۱	۱	۲	—	—	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۵	۷	۶	۶	۴	۴	۲	۴	۵
۶	• و روحانی	۱	—	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	جمع	۷	۱۹	۱۲	۹	۱۵	۱۲	۹	۱۳	۱۶	۱۹,	۲۲	۲۱	۲۳	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۷	۲۰	۲۲

جدول شمارهٔ ۲۶ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی (باعتبار یک شغلی) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شمارهٔ	نوع شغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمندان مؤسسات ملی وغیر دولتی	۳	۲	۲

جدول شمارهٔ ۲۷ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

نوع شغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
کارمندان مؤسسات ملی وغیر دولتی	۰	۲	۰	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۲

جدول شمارهٔ ۲۸ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمندمؤسسات‌ملی‌وغیردولتی	۲	—	—
۲	« ومشاغل آزاد تخصصی	—	—	—
۳	« وملاک	۱	۲	۲
	جمع	۳	۲	۲

جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۹ مربوط به نماینده گان کارمند بنگاههای ملی و غیر دولتی بطور محسوسی این مطلب را در هر یک از ادوار بیستگانهٔ مجلس معلوم میدارد.

طبقهٔ پائین

این افراد جز در ادوار عصر دوم مشروطیت آنهم با اقلیت اندکی نتوانستند کرسیهای مجلس را اشغال کنند.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۳۰ و جدول شمارهٔ ۳۱ نمودار نماینده گانی است که از طبقهٔ پائین به وکالت رسیده‌اند و معلوم میدارد که در عصر اول و سوم مشروطیت جز دورهٔ اول قانونگذاری و دورهٔ چهاردهم و بیستم این طبقه در مجلس جا و منزلتی نداشته‌اند بطور کلی اگر شغل را نمایندهٔ طبقهٔ اجتماعی فرد تلقی کنیم و در نظر آریم که همهٔ مالکان و قسمتی از کارمندان و بازرگانان و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی بطور مسلم در زمرهٔ طبقات ممتاز و متوسط بوده‌اند باید بپذیریم که نسبت کمی از نماینده گان مجلس از طبقهٔ پایین اجتماع برخاسته‌اند و این مطلب با تحقیقی که دربارهٔ شغل پدران نماینده گان شده است تأیید می گردد. (رجوع شود به فصل چهارم) از همین بخش.

جدول شمارهٔ ۲۹- وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول ۵	دورهٔ دوم ۲	دورهٔ سوم ۵	دورهٔ چهارم ۱	دورهٔ پنجم ۲	دورهٔ ششم ۲	دورهٔ هفتم ۱	دورهٔ هشتم ۲	دورهٔ نهم ۲	دورهٔ دهم ۱	دورهٔ یازدهم ۲	دورهٔ دوازدهم ۲	دورهٔ سیزدهم ۲	دورهٔ چهاردهم ۲	دورهٔ پانزدهم ۱	دورهٔ شانزدهم ۳	دورهٔ هفدهم ۳	دورهٔ هجدهم ۲	دورهٔ نوزدهم ۳	دورهٔ بیستم ۲
۱	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	٤	۲	۱	—	—	—	—	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۲	» و مشاغل آزاد تخصصی	—	—	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	—	—
۳	کارمندان مؤسسات ملی وغیردولتی و ملاک	۱	—	۳	—	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۲
	جمع	۵	۲	۵	۱	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۲

جدول شماره ۳۰- وضع نمایندگان از طبقهٔ پایین در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع شغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
طبقهٔ پائین	—	—	—	—	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	۱

جدول شمارهٔ ۳۱- وضع نمایندگان از طبقهٔ پایین

درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شمارهٔ	نوع شغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	طبقهٔ پائین	—	۱	—

فصل دوم

تحصیلات نمایندگان و تحول آن در بیست دورهٔ قانونگذاری

توضیحات مقدماتی

تعیین دقیق نوع و میزان تحصیلات نمایندگان از آنجا که مدارک و اسنادی در دست نبود و اطلاعات در این زمینهٔ بخصوص، تنها از راه مصاحبه و کسب اطلاع از مطلعین و در پاره‌ای موارد از طریق ملاحظهٔ بیوگرافی نمایندگان در چند کتاب معدود بدست آمد، طبعاً امری دشوار بود و بویژه در مورد نمایندگان دوره‌های اول و تحصیل کردگان مدارس قدیم این مشکل بیشتر دیده میشد.

برای تعیین و ارزش‌یابی سطح تحصیلات نمایندگانی که دارای تحصیلات کلاسیک نبوده و معلومات قدیمه داشتند بنکات زیر توجه شد.

۱ـ تحصیل در مکتبخانه‌ها را در این تحقیق معادل دورهٔ دبستانی امروز بحساب آوردیم (تحت عنوان معلومات متعارف).

۲ـ تحصیل در مدارس قدیم: گروهی در رشته‌های فقه و حکمت قدیم و ادبیات و جز اینها بتحصیل می‌پرداخته‌اند و مراحل مختلفی را در هر یک از رشته‌های مزبور طی نموده‌اند که اگر آن را با مراحل تحصیلات کلاسیک جدید بسنجیم نتیجهٔ زیر بدست خواهد آمد.

الف ـ تحصیل کردگانی که علاوه بر ادبیات عرب در فقه و اصول و کلام و حدیث و رجال متون را میدیدند و از سطح میگذشتند و درس خارج (اصول) را نیز در نزد مجتهدان فرا میگرفتند و بدرجهٔ اجتهاد میرسیدند ما این پایه را معادل دکترا

(حقوق) منظور داشتیم.

ب ـ آن دسته از طالبان علم را که پس از فرا گرفتن زبان و ادبیات عرب در رشته حکمت قدیم و عرفان بمرحلهٔ نهایی میرسیدند، پایهٔ تحصیلات آنان را معادل دکترا (فلسفه) بشمار آوردیم.

ج ـ آن دسته که پس از فرا گرفتن مقدمات زبان عربی و فارسی، ادبیات عرب و فارسی را بکمال فرا میگرفتند و ادیب خوانده می‌شدند، درجهٔ تحصیلات آنان را معادل دکترای دانشگاهی (دررشتهٔ ادبیات) بحساب آوردیم.

د ـ آن دسته از طالبان علم که در مدارس قدیم در رشته‌های مذکور در فوق معلوماتی در حدود دانشکدهٔ معقول و منقول بدست می‌آوردند و یا کسانی که در رشتهٔ ریاضیات و نجوم و هیئت و یا طب قدیم مطالعات خود را بدرجه‌ای از نهایت میرساندند تحصیلات آنان را معادل درجهٔ لیسانس امروز بحساب آوردیم.

هـ ـ آن گروهی که پس از فرا گرفتن مقدمات ادبیات عرب در رشته‌های وعظ و مذکری (حدیث و تاریخ انبیاء و ادیان) تخصص می‌یافتند و بوعظ می‌پرداختند، ما میزان تحصیلات این گروه و آن دسته‌ای که تنها مقدماتی از ادبیات عرب و اندکی فارسی را تحصیل می‌کردند معادل دورهٔ کامل متوسطه منظور کردیم.

با توجه بمقدمات مذکور ما از اصطلاح و عرف اساتید دانشکدهٔ معقول و منقول که درجهٔ اجتهاد را معادل دکترا می‌دانند و یکدرجه پایین‌تر از آن را درجهٔ مدرسی (معادل حدود لیسانس می‌خوانند) و سطح را معادل با دیپلمهٔ کامل امروز محسوب می‌دارند استفاده کرده‌ایم.

تحصیلات عالی دکترا ـ اجتهاد ـ
لیسانسیه و مدرسی

پیش از دوره‌ای که آن را بنام عصر دوم مشروطیت خوانده‌ایم (پیش از دوران سلطنت رضاشاه) تحصیلات عالی در ایران بصورت قدیم صورت می‌گرفت، تنها دارالفنون بود که از سال ۱۲٦۸ هـ.ق. بجدیت میرزا تقی‌خان امیر کبیر تأسیس شد و در رشته‌های مختلف، فنون نظامی، مهندسی، پزشکی، داروسازی، کان‌شناسی، تحصیلات عالی جدید را بجوانان می‌آموخت.

دانشگاه تهران بموجب قانون تأسیس دانشگاه در عصر دوم مشروطیت بتاریخ ۸ خرداد ۱۳۱۳ بتصویب نمایندگان دورهٔ نهم مجلس شورای ملی رسید و در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی افتتاح گردید.

بنابراین بآسانی میتوان حدس زد که چرا نسبت تحصیل کردگان عالی جدید که دارای درجهٔ دکترا یا لیسانسیه باشند در ادوار عصر سوم مشروطیت پیوسته روبافزایش بوده است.

جدول شمارهٔ ۱ نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی جدید دانشگاهی در بیست دورهٔ قانونگذاری را نشان میدهد. ۴۷ و ۴۸ درصد نمایندگان دوره‌های نوزدهم و بیستم دارندهٔ تحصیلات عالی جدید بوده‌اند و حال آن که در ادوار دوازدهم و سیزدهم مثلاً به نسبت ۱۳ و ۱۴ برخورد می‌کنیم و این گواه افزایش روزافزون تحصیل کردگان عالی در مجلس است.

جدول شمارهٔ ۲ آشکارا اختلاف نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی جدید را در سه عصر مشروطیت نشان میدهد و بموجب این جدول نسبت تحصیل کردگان عالی جدید در عصر سوم مشروطیت نزدیک بسه برابر عصر دوم و دو برابر عصر اول مشروطیت میرسد و بعکس نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم اعم از درجهٔ اجتهاد و درجه‌های دیگر (مدرسی) بموجب جدول ۳ و ۴ بتدریج روبکاهش میرود چنانکه از ۳۰ درصد عصر اول مشروطیت به ۲۰ درصد در عصر دوم و ۱۲ درصد در عصر سوم میرسد.

الف: تحصیلات عالی (اجتهاد و دکترا)

جدول شمارهٔ ۶ حاکی از آن است که در عصر اول مشروطیت ۱۱ درصد و در عصر سوم مشروطیت ۱۴ درصد نمایندگان مجلس بدرجهٔ دکترا و اجتهاد نایل شده‌اند. اما نسبت تحصیل کردگان درجهٔ عالی اجتهاد در علوم قدیم و معادل آن یعنی دکترا در رشته‌های مختلف علوم جدید در عصر دوم مشروطیت کمتر از هر دو عصر مشروطیت اول و سوم بوده است.

جدول شمارهٔ ۵ مربوط به نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم و جدید (دکترا و اجتهاد) است و این اختلاف و تحول را در هر دورهٔ قانونگذاری بخوبی نمایان میسازد.

جدول شمارهٔ ۱- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا ولیسانس) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات عالی جدید (لیسانس و دکترا)	۱۹	۲۵	۱۷	۱۲	۱۶	۱۲	۱۲	۱۵	۱۶	۱۳	۱۳	۱۳	۱۴	۲۶	۳۱	۲۸	۳۸	۴۳	۴۷	۴۸

جدول شمارهٔ ۲ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید

(حدود دکترا و لیسانس) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی جدید (دکترا ولیسانس)	۱۸	۱۳	۳۶	

جدول شمارهٔ ۳ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهاد و مدرسی) **در بیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهاد و مدرسی)	۲۰	۳۳	۳۴	۲۵	۳۰	۳۱	۲۴	۱۹	۱۹	۲۲	۱۷	۱۷	۱۷	۱۵	۱۴	۱۲	۱۵	۱۴	۸	۰

جدول شمارهٔ ٤ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم

(حدود اجتهاد و مدرسی) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی قدیم (اجتهاد و مدرسی)	۳۰	۲۰	۱۲	

جدول شمارهٔ ۵ - وضع نمایندگان صاحب‌تحصیلات‌عالی قدیم‌وجدید (دکترا واجتهاد) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات‌عالی (حدود دکترا و اجتهاد)	۹	۱۳	۱۷	۸	۸	۱۰	۸	۹	۷	۹	۹	۸	۹	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۱	۲۰	۲۰

جدول‌شمارهٔ ۶ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی‌قدیم وجدید (حدود دکترا واجتهاد) درسه‌عصرمشروطیت برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان‌تحصیلات‌عالی (حدود دکترااواجتهاد)	۱۱	۸	۱٤	

در ضمن بررسی جداول شمارهٔ ۷ و ۸ مربوط به نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی قدیم ملاحظه می‌شود که حدود ۷ درصد نمایندگان دارای تحصیلات عالی اجتهاد در عصر اول مشروطیت بوده‌اند و ۲ درصد در عصر دوم.

علت تقلیل نسبت تحصیل کردگان عالی در حدود دکترا را در عصر دوم مشروطیت میتوان چنین تفسیر کرد که در زمان شاه فقید نسبت بعصر اول مشروطیت امکان ورود عدهٔ کمتری از روحانیان مجتهد وجود داشته و از سوی دیگر چنانکه در گذشته اشاره کردیم دانشگاه تهران در دورهٔ نهم مجلس شورای ملی و نهمین سال سلطنت رضاشاه تأسیس شد و قانون فرستادن محصل بخارج نیز در اول خرداد ماه ۱۳۰۷ بتصویب نمایندگان دورهٔ ششم قانونگذاری رسید. از اینرو نباید انتظار داشت که در دورهٔ آن شاه نسبت نمایندگان دکترا قابل ملاحظه باشد.

در تأیید مطلب اخیر جدول تفصیلی شمارهٔ ۹ نسبت دارندگان تحصیلات جدید دکترا و همچنین جدول شمارهٔ ۱۰ میانگین آن نسبت را در سه عصر مشروطیت معلوم می‌دارد و روشن می‌کند که از اواخر عصر دوم مشروطیت بتدریج پس از بمورد اجرا گذاشتن قانون تأسیس دانشگاه و همچنین قانون فرستادن محصل بخارج بر شمارهٔ وکلای دکترا افزوده میشود تا بجایی که بیش از $\frac{۱}{۵}$ نمایندگان دورهٔ بیستم قانونگذاری درجهٔ دکترا در یکی از علوم و فنون را دارا بوده‌اند.

با اینهمه باید چند مطلب در اینجا مورد توجه قرار گیرد: نخست آنکه دورهٔ سوم در عصر اول مشروطیت نسبت دارندگان درجهٔ حدود دکترا (اعم از دکترا در علوم جدید و معادل آن اجتهاد در علوم قدیم) بموجب جدول شمارهٔ ۵ بالا است و معادل ۱۷ درصد می‌باشد و از لحاظ نسبت تحصیل کردگان عالی حدود دکترا در تمام ادوار قانونگذاری بجز دو دورهٔ اخیر (نوزدهم و بیستم) دورهٔ مزبور مشخص است و حتی میتوان گفت با توجه بسطح پایین تحصیلات متعارف (خواندن و نوشتن) در این دوره که بموجب جدول شمارهٔ ۲۵ در حدود ۱۲ درصد بوده است و نسبت همین گروه در دورهٔ نوزدهم و بیستم که ۲۰ و ۱۶ درصد می‌باشد اکثریت نمایندگان دورهٔ سوم مجلس شورای ملی از لحاظ سطح تحصیلات عالی از دو دورهٔ مزبور جلوتر بوده است.

نکتهٔ دوم آن است که در عصر سوم مشروطیت جز دورهٔ هفدهم تحصیل کردگان عالی قدیمی و مجتهدان بمجلس راه نداشتند و این مطلب بجای خود در هنگام

جدول شمارهٔ ۷ - وضع نماینده‌گان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهاد) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود اجتهاد)	۵	۵	۱۳	۶	۴	۷	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۱	—	—	—	۱	—	—	-

جدول شمارهٔ ۸ - وضع نماینده‌گان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهاد) در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود اجتهاد)	۷	۲	—	

جدول شمارهٔ ۹- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم
دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا)	٤	۸	٤	۲	٤	۳	۳	٦	٦	۸

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا)	۸	۷	۸	۹	۱۱	۱۳	۱٤	۱۱	۲۰	۲۰

جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا) در سه‌عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا)	٤	٦	۱٤	

بحث از مشاغل نماینده‌گان روشن شد که نسبت نماینده‌گان روحانی مجتهد از دورهٔ ششم و هفتم قانونگذاری بان سوی کاهش بسیار یافت چنانکه در عمل مجتهدان در هفت دورهٔ اخیر عصر سوم مشروطیت جز دورهٔ هفدهم سهمی از نماینده‌گی مجلس شورای ملی بدست نیاوردند. مقایسهٔ نسبت دارنده‌گان تحصیلات قدیم اجتهاد در جدول شمارهٔ ۸ در سه عصر مشروطیت این گفته را تأیید می‌کند و جدول تفصیلی شمارهٔ ۷ با وضوح بیشتری کاهش تدریجی این گروه را تا عصر سوم مشروطیت و قطع ناگهانی آن جز در دورهٔ هفدهم قانونگذاری نشان میدهد.

مطلب سوم آن است که اگر دو دورهٔ اخیر قانونگذاری را مبنا قرار دهیم باید بگوئیم که شانس روشنفکران و دارنده‌گان تحصیلات عالی در ورود بعرصهٔ سیاست بیش از پیش فزونی می‌یابد.

ب ـ تحصیلات عالی در حدود لیسانس

در تحقیق سطح تحصیلات نمایندگان همچنانکه بیان داشتیم، ما آنچه را که قدما در حدود مدرسی میگفتند معادل تحصیلات دانشگاهی حدود لیسانس تصور کرده‌ایم و چون تحصیلات قدیمی با تجدید نظام فرهنگ در زمان پهلوی اول اهمیت خود را بتدریج از دست میدهد جای تعجب نیست اگر نسبت تحصیل کردگان دانشگاهی قدیم (در حدود مدرسی) بموجب جدول شمارهٔ ۱۲ (میانگین نسبت دارندگان تحصیلات قدیم در حدود لیسانس در سه عصر مشروطیت) کم می‌شود و از عصر اول مشروطیت که نسبت آن ۲۳ است در عصر سوم مشروطیت به نزدیک ۵ درصد تنزل می‌یابد.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۱۱ کاهش تدریجی نسبت همین گروه را در بیست دورهٔ قانونگذاری روشن می‌سازد.

آنچه بیشتر در جدول شمارهٔ ۱۴ قابل توجه می‌باشد نسبت تحصیل کردگان جدید در حدود درجهٔ لیسانس است که نسبت آن در عصر سوم مشروطیت آشکارا بیش از عصر دوم مشروطیت می‌باشد.

در صورتی که نسبت دارندگان تحصیلات عالی جدید در حدود لیسانس را بموجب جدول شمارهٔ ۱۳ در حدود ۲۸ درصد نمایندگان دورهٔ بیستم بدانیم و نسبت دارندگان تحصیلات قدیمی معادل دانشگاهی را بر آن بیفزاییم بموجب جدول شمارهٔ ۱۵ باید بگوییم که ۵۳ درصد نمایندگان درآخرین‌دوره‌های‌قانونگذاری‌از تحصیلات عالی برخوردار بوده‌اند و اینکه گفتیم روشنفکران بیش از پیش بر سر کار می‌آیند و در سیاست مداخله و نفوذ پیدا می‌کنند با همین توضیح تأیید میشود.

در جدول تفصیلی شمارهٔ ۱۵ و جدول شمارهٔ ۱٦ که در آن نسبت کلیهٔ تحصیل کردگان عالی قدیم و جدید در بیست دورهٔ قانونگذاری را بر یکدیگر افزوده‌ایم ممکن است نتیجه مایهٔ حیرت شود، زیرا از جهت نسبت تحصیل کردگان عالی (دکترا و لیسانسیه و معادل آن اجتهاد و مدرسی در علوم قدیم) عصر اول مشروطیت با عصر سوم رقابت می‌کند، بهرحال در این جا نیز عصر دوم مشروطیت از نظر تحصیلات عالی عقبتر است.

جدول شمارهٔ ۱۱ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم حدود مدرسی (معادل درجهٔ لیسانس دانشگاهی) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود مدرسی)	۲۰	۲۸	۲۱	۱۹	۲۶	۲۴	۱۹	۱۶	۱۸	۲۱	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۱۴	۱۲	۱۴	۱۴	۸	۵

جدول شمارهٔ ۱۲ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم حدود مدرسی
در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود مدرسی)	۲۳	۱۸	۱۲	

جدول شمارهٔ ۱۳ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس)	۱۵	۱۷	۱۳	۱۰	۱۲	۹	۹	۹	۱۰	۵	۵	۶	۶	۱۷	۲۰	۱۵	۲۴	۲۲	۲۷	۲۸

جدول شمارهٔ ۱۴ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس)	۱٤	۷	۲۲	

نکتهٔ شایان توجه در جدول شمارهٔ ۱۵ (نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم و جدید در بیست دورهٔ قانونگذاری) است. بموجب نمایش این جدول درخشانترین ادوار قانونگذاری از لحاظ سطح تحصیلات عالی دورهٔ دوم مجلس شورای ملی و با نسبت ۵۸ درصد می‌باشد. با توجه بجدول تفصیلی شمارهٔ ۲۵ و نسبت قلیل نمایندگان دارای تحصیلات متعارف در ادوار عصر اول مشروطیت و بخصوص دورهٔ دوم و سوم مجلس شورای ملی این نکته آشکارا تأیید می‌شود که در عصر سوم مشروطیت با وجود افزایش سازمانهای عالی آموزشی و تحولاتی که در زمینهٔ فرهنگ مملکت بعمل آمده با اینهمه روشنفکران و دارندگان تحصیلات عالی در هیچیک از ادوار عصر سوم نتوانستند اکثریت دوره‌های دوم و سوم قانونگذاری را در مجلس شورای ملی بدست آورند.

نکتهٔ جالبتر این جدول نسبت ٤٤ درصد همین گروه در دورهٔ اول مجلس شورای ملی است که موجب شگفتی می‌تواند باشد. شاید بتوان علت این کثرت تحصیل کردگان عالی را این امر دانست که در دورهٔ مذکور انتخابات بموجب نظامنامهٔ طبقاتی انجام گرفته بود و سهم خاصی از کرسیهای مجلس از آن طلاب و علما بود و همچنین تعداد بیشتری از اعیان و شاهزادگان که دارای تحصیلات عالی بودند در این مجلس شرکت داشتند، در نتیجه نسبت تحصیل کردگان عالی بالا بوده است (تنها از میان ده تن نمایندگان اعیان و مالکان منتخب از تهران ۶ تن آنها دارای تحصیلات عالی جدید از دانشگاههای خارج از کشور بودند و دو تن دیگر آنان نیز از تحصیل کردگان دارالفنون و دارندگان معلومات قدیم در حدود عالی بوده‌اند).

با اینهمه ناگفته نماند که نظامنامهٔ انتخابات در این دوره و دوره‌های بعدی هرگز تحصیلات عالی را شرط وکالت قرار نداده و سواد خواندن و نوشتن را کافی میداند (رجوع شود به نظامنامهٔ انتخابات دورهٔ اول، فصل اول مادهٔ دوم و اصلاح نظامنامهٔ انتخابات دو درجه مورخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری و فصل ۲۳ مادهٔ ۷، و همچنین نظامنامهٔ انتخابات مصوب مجلس دوم بتاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ قمری).

بالا بودن نسبت دارندگان تحصیلات عالی در سه دورهٔ اول مجلس شورای ملی خود پدیده‌ای است که می‌تواند نحوهٔ تأثیر رهبری اقلیت روشنفکران و فعالیت عمدهٔ آنها را در انقلاب ملی و استقرار حکومت مشروطه آشکار سازد. از سوی دیگر راه یافتن روشنفکران بعرصهٔ سیاست پارلمانی در حالی که گروه اقلیتی را در جامعهٔ ایرانی در

جدول شمارهٔ ۱۵ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم و جدید (حدود دکترا و لیسانس، اجتهاد و مدرسی) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید
دورهٔ اول	۴۴
دورهٔ دوم	۵۸
دورهٔ سوم	۵۱
دورهٔ چهارم	۳۷
دورهٔ پنجم	۴۶
دورهٔ ششم	۴۳
دورهٔ هفتم	۳۶
دورهٔ هشتم	۳۴
دورهٔ نهم	۳۵
دورهٔ دهم	۳۵
دورهٔ یازدهم	۳۰
دورهٔ دوازدهم	۳۰
دورهٔ سیزدهم	۳۱
دورهٔ چهاردهم	۴۱
دورهٔ پانزدهم	۴۵
دورهٔ شانزدهم	۴۰
دورهٔ هفدهم	۵۳
دورهٔ هجدهم	۴۷
دورهٔ نوزدهم	۵۵
دورهٔ بیستم	۵۲

جدول شمارهٔ ۱۶ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم و جدید
در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید	۴۸	۳۳	۴۸	

جدول شمارهٔ ۱۷- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح)	۲۱	۱۷	۲۵	۳۲	۲۴	۳۱	۳۴	۲۵	۲۶	۲۶	۳۰	۳۲	۲۴	۲۲	۱۶	۲۰	۲۵	۱۴	۹	۶

جدول شمارهٔ ۱۸ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم

(حدود سطح) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح)	۲۵	۲۹	۱۵	

عصر اول مشروطیت تشکیل می‌دادند و بدست آوردن اکثریت کرسیهای نمایندگی بخصوص در سه دورهٔ اول مجلس شورای ملی را در واقع می‌توان نشانهٔ استقبال طبیعی تودهٔ ملت از پیشوایان و رهبران اصلی قیام ملی دانست، جریانات و حوادث سیاسی جهان و به تبع آن کشور ایران، انتخاب کنندگان را بر آن داشت که باقتضای زمان کسانی را بعنوان نمایندهٔ ملت انتخاب کنند که رشد فکری و سیاسی بیشتری داشته باشند و بتوانند در مسائل سیاسی و مملکتداری با طرز فکر نوی وارد شده و با دیدهٔ روشن‌بین‌تری بامور نگریسته و از عهدهٔ رهبری و حل مشکلات حکومت نوزاد ملی بر آیند.

تحصیلات متوسطه

چنانکه جدول شمارهٔ ۲۲ حکایت میکند نسبت تحصیل کردگان حدود متوسطه چه قدیم و چه جدید در سه عصر مشروطیت تغییر مهمی نکرده است و اگر این نسبت در عصر سوم مشروطیت نسبت بدو عصر اول و دوم اندکی پایین‌تر است بیشتر بعلت کاهش یافتن رونق تحصیلات قدیم حدود سطح است که ما آن را معادل با حدود متوسطهٔ جدید گرفته‌ایم.

جدول شمارهٔ ۱۸ نشان میدهد که عصر سوم مشروطیت نسبت بعصر دوم از جهت سطح تحصیلات قدیم حدود متوسطه در حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است ولی از جهت نسبت تحصیلات متوسطهٔ جدید عصر سوم مشروطیت آشکارا بر دو مشروطیت گذشته رجحان دارد.

تأیید این مطلب را در جداول شمارهٔ ۲۰ و ۱۹ می‌توان یافت جدول نخستین مربوط است به میانگین نسبت تحصیلات متوسطه جدید در سه عصر مشروطیت و جدول دوم همین گروه را در بیست دورهٔ قانونگذاری نشان می‌دهد.

جدول شمارهٔ ۱۹ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات جدید (حدود متوسطه) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات جدید (حدود متوسطه)	۱۲	۱۰	۲	۶	۱۳	۴	۴	۹	۹	۶	۶	۶	۹	۱۳	۱۵	۱۵	۱۲	۱۳	۱۶	۲۵

جدول شمارهٔ ۲۰ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات جدید

(حدود متوسطه) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات جدید (حدود متوسطه)	۹	۷	۱۶	

جدول شمارهٔ ۲۱ ـ وضع نماینده‌گان صاحب تحصیلات قدیم وجدید (حدود متوسطه وسطح) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات حدود متوسطه	۳۳	۲۷	۳۷	۳۸	۳۷	۳۰	۳۸	۳۴	۳۰	۳۲	۳۶	۳۸	۳۳	۳۰	۳۱	۳۰	۳۷	۲۷	۲۵	۳۱

جدول شمارهٔ ۲۲ - وضع نماینده‌گان صاحب تحصیلات قدیم وجدید

(حدود متوسطه وسطح) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع ومیزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات حدود متوسطه	۳۴	۳۶	۳۱	

تحصیلات متعارف

چنانکه از جداول ما بدست میاید عصر دوم مشروطیت در مقام مقایسه با دو عصر دیگر نسبت بیشتری افراد کم سواد و نسبت کمتری افراد دارای تحصیلات بالا داشته است.

جدول شمارهٔ ٢٤ میانگین نسبت افراد واجد تحصیلات ابتدایی را نشان می‌دهد که در پنج دورهٔ قانونگذاری عصر اول مشروطیت ۱۸ درصد بوده و در عصر دوم مشروطیت ۳۱ درصد و پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ و شروع عصر سوم مشروطیت معادل ۲۱ درصد بوده است.

از این مطلب که سخن پیشین ما را تأیید می‌کند معلوم میشود که روشنفکران خواه پیش از عصر دوم مشروطیت و خواه پس از آن سهم و نفوذ بیشتری در صحنهٔ سیاست پارلمانی داشته‌اند.

جدول شمارهٔ ۲۳ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات متعارف در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع و میزان تحصیلات	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
دارندگان تحصیلات متعارف (ابتدائی)	۲۳	۱۵	۱۲	۲۵	۱۷	۲۲	۲۶	۳۲	۳۰	۲۳	۳۴	۳۲	۳۶	۲۴	۲۴	۲۵	۱۰	۲۶	۲۰	۱۶

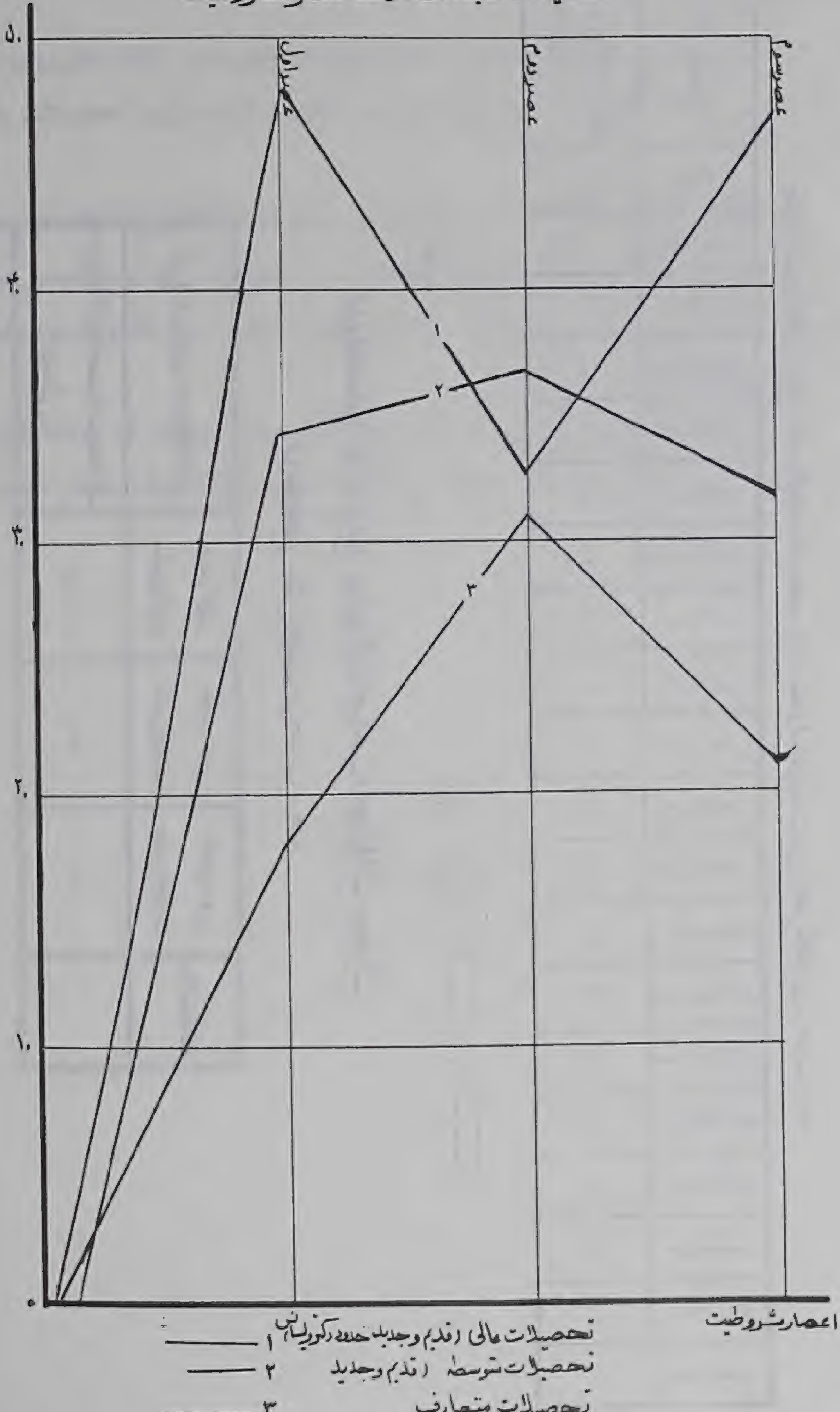
مشخصات و منشا اجتماعی نمایندگان مجلس

۲۰۸ ـ

جدول شمارهٔ ۲۴ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات متعارف درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

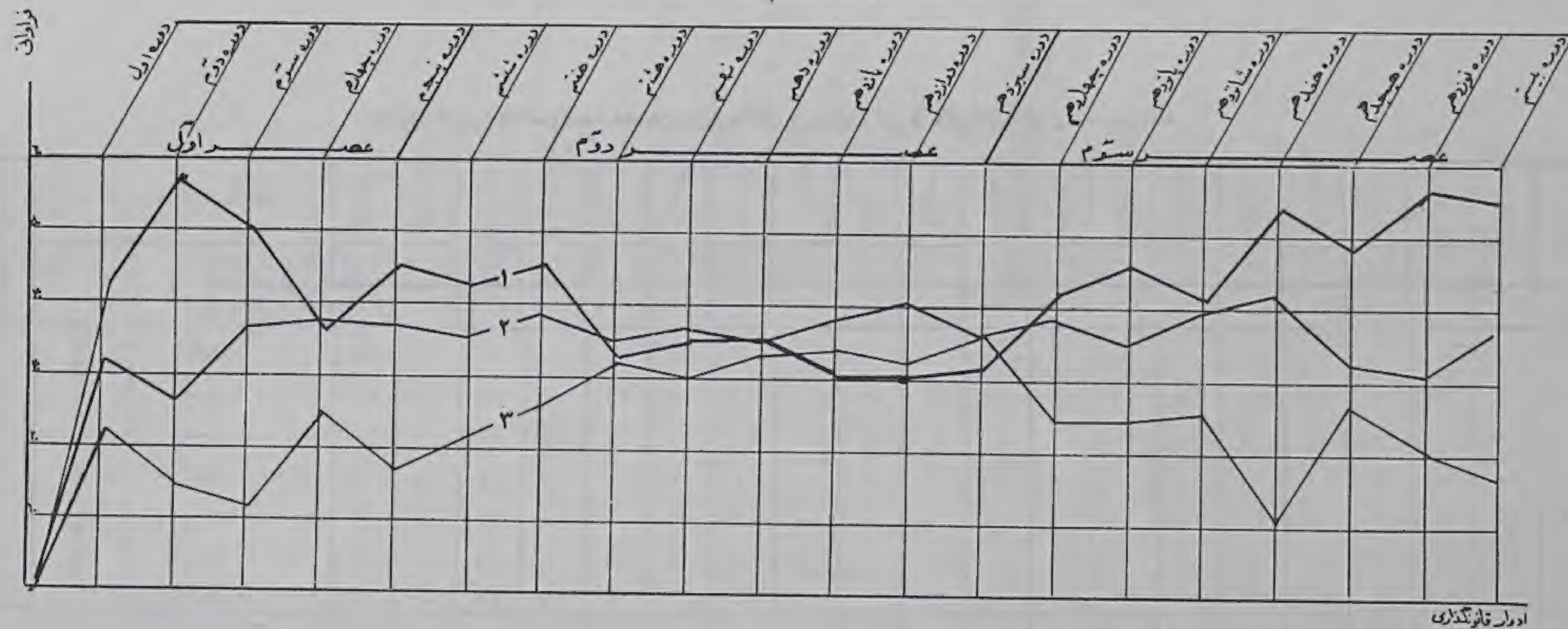
نوع و میزان تحصیلات	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت	ملاحظات
دارندگان تحصیلات متعارف (ابتدائی)	۱۸	۳۱	۲۱	

نمودار
تحصیلات نمایندگان در سه عصر مشروطیت



نمودار

تحصیلات نمایندگان و تغییرات آن در بیست دوره قانونگذاری



۱ ---- تحصیلات عالی (قدیم و جدید حدود لیسانس و فوق آن)

۲ —— تحصیلات متوسطه (قدیم و جدید)

۳ تحصیلات متعارف

جدول شمارهٔ ۲۵ - وضع تحصیلات نمایندگان دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع و میزان تحصیلات		دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هیجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
		عده معلوم وکلاء	۱۰۶	۱۰۳	۹۷	۹۸	۱۳۵	۱۲۰	۱۲۸	۱۱۹	۱۲۹	۱۲۸	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۲	۱۲۸	۱۳۱	۱۲۶	۷۷	۱۲۵	۱۲۸	۱۴۲
		عده کل وکلاء	۱۵۳	۱۱۱	۱۰۴	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۶	۱۳۲	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۵	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۱	۷۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۷۶
۱	تحصیلات قدیم	اجتهاد	۵	۵	۱۳	۶	۴	۷	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۱	—	—	—	۱	—	—	—
۲		مدرسی	۳۰	۲۸	۲۱	۱۹	۲۶	۲۴	۱۹	۱۶	۱۸	۲۱	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۱۴	۱۲	۱۴	۱۴	۸	۵
۳		سطح	۲۱	۱۷	۳۵	۳۲	۲۴	۳۱	۳۴	۲۵	۲۶	۲۶	۳۰	۳۲	۲۴	۲۲	۱۶	۲۰	۳۵	۱۴	۹	۶
۴	تحصیلات جدید	دکترا	۴	۸	۴	۲	۴	۳	۳	۶	۶	۸	۸	۷	۸	۹	۱۱	۱۳	۱۴	۱۱	۲۰	۲۰
۵		لیسانسیه	۱۵	۱۷	۱۳	۱۰	۱۲	۹	۹	۹	۱۰	۵	۵	۶	۶	۱۷	۲۰	۱۵	۲۴	۲۲	۲۷	۲۸
۶		متوسطه	۱۲	۱۰	۲	۶	۱۳	۴	۴	۹	۹	۶	۶	۶	۹	۱۳	۱۵	۱۵	۱۲	۱۳	۱۶	۲۵
۷		متعارف	۲۳	۱۵	۱۲	۲۵	۱۷	۲۲	۲۶	۳۲	۳۰	۳۳	۳۴	۳۲	۳۶	۲۲	۲۴	۲۵	۱۰	۲۶	۲۰	۱۶
	جمع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

فصل سوم

گروه‌های سنی و تحول آن در بیست دورهٔ قانونگذاری

در مورد سن نمایندگان مجلس تحقیق ما از جهات متعدد دشوار بود.

نخست آنکه ثبت احوال در ایران امری بالنسبه تازه است و دیگر آنکه در اعتبارنامه‌ها در همهٔ موارد بجز چند دورهٔ اخیر تنها حدود سن مشخص گردیده است و ذکری از سال تولد بمیان نیامده است (و در پاره‌ای از موارد نیز سن نمایندگان در دوره‌های مختلف بنابمقتضیاتی اغلب قوس نزولی را طی میکند).

از ملاحظهٔ جدول شمارهٔ ۲ میانگین نسبت سن نمایندگان مجلس در سه عصر مشروطیت برمیآید که در عصر اول ۸۲ درصد نمایندگان کمتر از ۵۰ سال داشته‌اند در حالی که این نسبت برای دو عصر دیگر مشروطیت بین ۵۷ و ۶۰ درصد است.

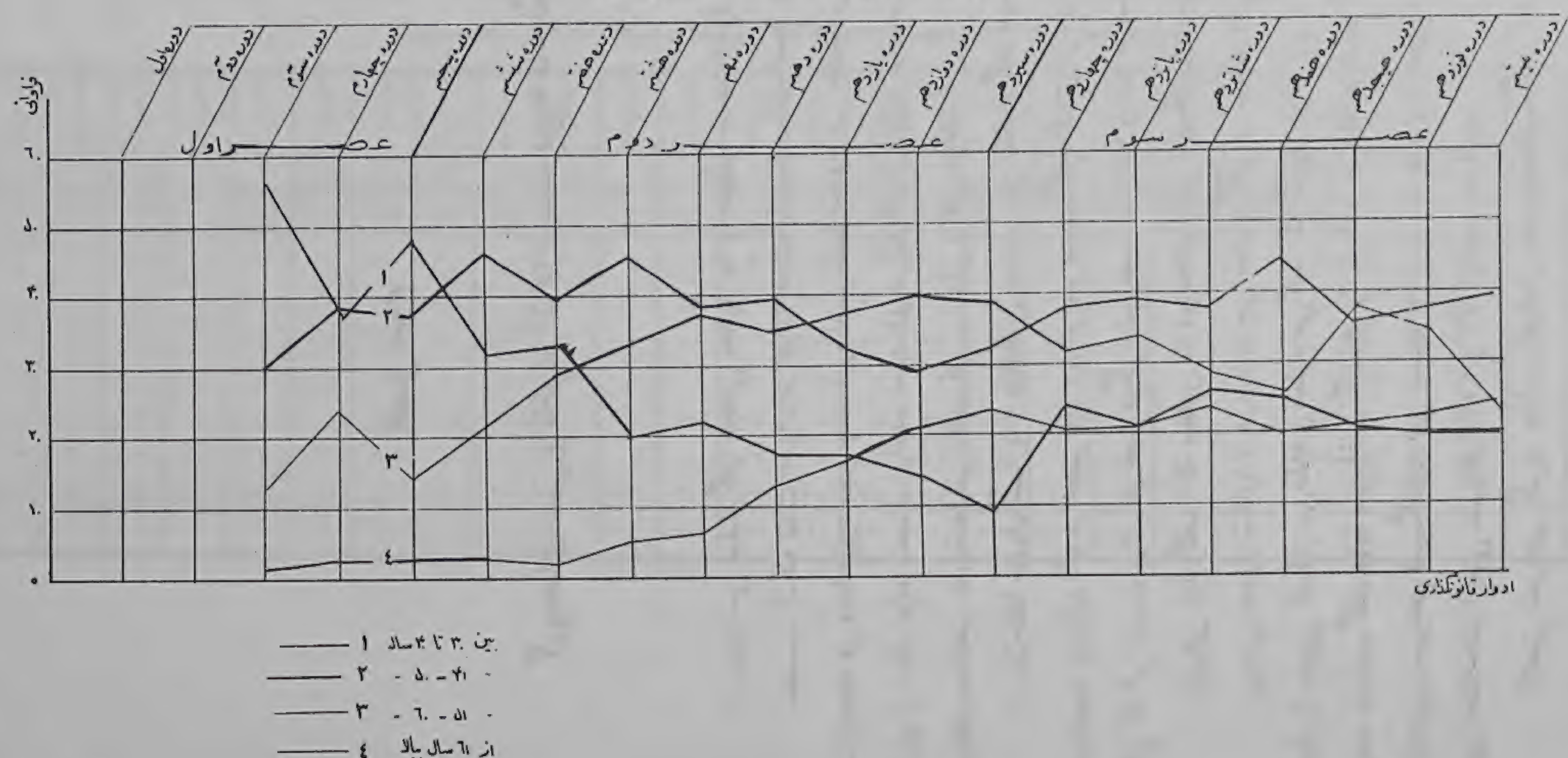
بنابراین باید گفت که مجلس در دوره‌های اخیر قانونگذاری پیرتر شده است.

بررسی جدول شمارهٔ ۱ مربوط به سن نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری این تحول را بخوبی آشکار می‌سازد و معلوم می‌کند که گروه جوان بین ۳۰ تا ۴۰ سال ۵۶ درصد نمایندگان دورهٔ سوم قانونگذاری را تشکیل میداده و حال آنکه در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم قانونگذاری این نسبت ۱۳ و ۱۸ درصد و سه‌دورهٔ اخیر قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی مشروطیت ۱۹ و ۲۰ درصد بوده است.

کاهش تدریجی گروه جوان و افزایش نسبت نمایندگان ۵۰ ساله ببالا در این جدول بخوبی نمایان است. نسبت افزایش در بعضی از ادوار عصر سوم مشروطیت در

نمودار

وضع گروههای سنی نمایندگان در بیست دوره قانونگذاری



جدول شمارهٔ ۱ - وضع گروههای سنی نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	گروه سنی	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
	عدهٔ معلوم وکلاء	—	—	۸۷	۹۴	۱۳۲	۱۱۰	۱۲۲	۱۱۵	۱۲۴	۱۳۰	۱۳۲	۱۳۰	۱۲۹	۱۲۲	۱۲۷	۱۲۲	۶۷	۱۳۳	۱۳۲	۱۷۳
	عدهٔ کل وکلاء	—	—	۱۰۴	۱۰۵	۱۳۹	۱۲۶	۱۳۲	۱۲۵	۱۳۰	۱۳۵	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۱	۷۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۷۶
۱	بین ۳۰ سال تا ۴۰ سال	--	—	۵۶	۳۶	۴۷	۳۱	۳۲	۱۹	۲۱	۱۶	۱۶	۱۳	۸	۲۳	۲۰	۲۵	۲۴	۲۰	۱۹	۱۹
۲	« ۴۱ « ۵۰ «	—	—	۳۰	۳۸	۳۷	۴۶	۳۹	۴۵	۳۸	۳۹	۳۲	۲۹	۳۲	۳۸	۳۹	۳۸	۴۵	۳۶	۳۸	۴۰
۳	« ۵۱ « ۶۰ «	—	—	۱۲	۲۳	۱۳	۲۰	۲۷	۳۱	۳۵	۳۲	۳۵	۳۷	۳۶	۲۹	۳۱	۲۵	۲۲	۳۴	۳۱	۲۸
۴	از سال ۶۱ ببالا	—	—	۳	۳	۳	۳	۲	۵	۶	۱۳	۱۷	۲۱	۲۴	۱۰	۱۰	۱۲	۹	۱۰	۱۲	۱۳
	جمع	—	—	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

توضیح : چون تعیین حدود سن اکثریت نمایندگان در دو دورهٔ اول مجلس شورای ملی بعلت دردست نبودن مدارک واسناد معتبر بخصوص اعتبارنامه‌ها برای ما مقدور نبود ازاین جهت از احتساب اقلیت معلوم نیز صرف نظر شد.

مقام مقایسه با ادوار عصر اول بحدود سه برابر میرسد موجبات این اختلاف محسوس را شاید بتوان در عوامل زیر جستجو کرد.

نخست آنکه در ادوار عصر اول مشروطیت شناسنامه رایج نبوده و قانون ثبت احوال چهارگانه در تاریخ ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۴ و در دورهٔ پنجم قانونگذاری بتصویب رسیده و پس از آن تاریخ بتدریج معمول گردیده است.

دوم آنکه بسیاری از نمایندگان در عصر دوم و سوم مشروطیت بیش از یک دوره وکیل بوده‌اند و جدول شمارهٔ ۲ در فصل پنجم مربوط به تکرار دوره‌های نمایندگی مؤید این مطلب خواهد بود.

جدول شمارهٔ ۲ ـ وضع گروههای سنی نمایندگان درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

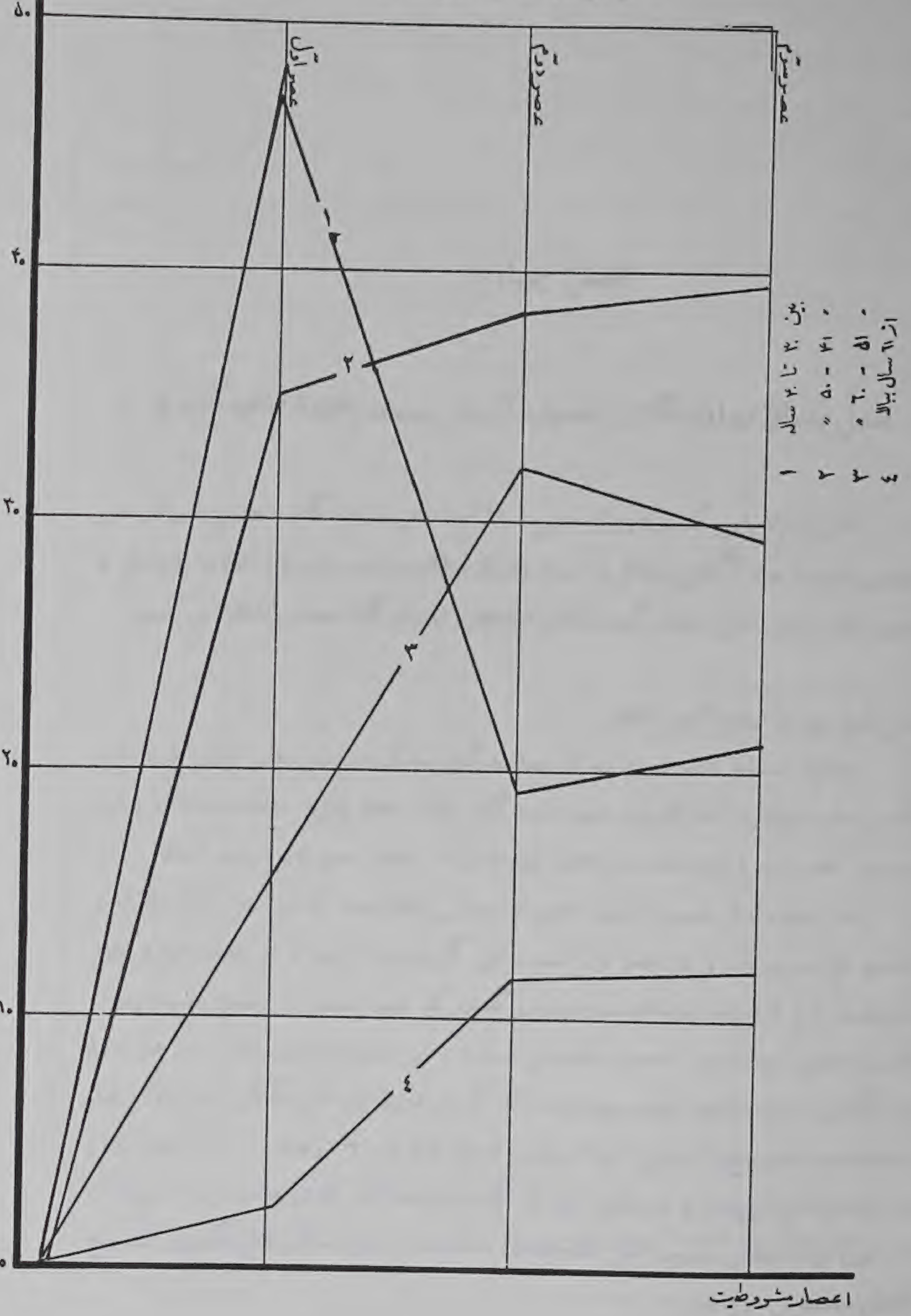
شمارهٔ ترتیب	گروه سنی	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۴۷	۱۹	۲۱
۲	« ۴۱ تا ۵۰ »	۳۵	۳۸	۳۹
۳	« ۵۱ تا ۶۰ »	۱۶	۳۲	۲۹
۴	از ۶۱ سال ببالا	۲	۱۱	۱۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سوم آنکه میتوان گفت که رویهمرفته عمر متوسط در ایران بالا رفته است و شاید این عامل در پیر شدن مجلس مؤثر بوده است.

چهارم آنکه دیر رسی رشد اجتماعی افراد و ورود آنها را بعرصهٔ زندگی فعال اجتماعی ممکن است عامل مؤثر و مهمی دانست.

نمودار

وضع گروههای سنی نمایندگان در سه عصر مشروطیت



فصل چهارم

شغل پدران نمایندگان و تحول آن در بیست دورهٔ قانونگذاری

یکی از راههایی که برای شناسایی منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی در پیش پای ما بود آگاهی بشغل و حرفه پدران ایشان بود و برای این امر ما پژوهش و بررسی خود را در داخل هفت گروه شغلی مشخص نمایندگان مجلس آغاز می‌کنیم.

وضع شغل پدران نمایندگان مالک

جدول شمارهٔ ۲ در مورد پدران نمایندگان مالک در سه عصر مشروطیت این نکته را معلوم میدارد که اکثریت مهم نمایندگان مالک خود پدری مالک داشته‌اند و این نسبت در عصر اول ۳۸ درصد و در عصر دوم ۴۹ و در عصر سوم ۵۳ درصد است.

در ردیف ۷ از همین جدول سخن از پدرانی رفته است که در عین حال ملاک و کارمند دولت بوده‌اند و در عصر اول نسبت این گروه ۱۵ درصد و در عصر دوم و سوم مشروطیت ۷ و ۹ درصد بوده است و میتوان گفت که تغییر مهمی از جهت نسبت پدران مالک حاصل نشده است. جدول تفصیلی شمارهٔ ۱ این تحول و تغییرات را در هر دورهٔ قانونگذاری نشان میدهد نسبت پدران مالک که در دورهٔ اول قانونگذاری به ۳۵ درصد رسیده است بتدریج با جزئی نوسانهایی بحدود ۵۹ تا ۶۰ درصد در ادوار عصر سوم مشروطیت بالغ می‌شود و در مقابل نسبت کارمندان ملاک که در عصر اول مشروطیت بجز دورهٔ اول مجلس نسبت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند از دورهٔ ششم قانونگذاری بتدریج کاهش محسوس می‌یابد.

جدول شماره ۱ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان مالک در بیست دوره قانونگذاری برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
	تعداد نمایندگان مالک در هر دوره	۲۱	۳۰	۴۹	۴۵	۴۹	۵۲	۵۶	۵۹	۵۵	۵۴	۵۹	۵۸	۵۹	۵۷	۵۶	۵۷	۴۹	۶۰	۵۹	۵۸
۱	ملاک	۳۵	۴۴	۳۸	۳۵	۳۵	۴۱	۴۷	۵۳	۴۶	۴۴	۵۲	۵۸	۵۳	۵۰	۶۰	۵۴	۴۲	۴۹	۵۹	۵۳
۲	طبقهٔ پایین	۴	—	۴	۱۱	۷	۵	۱	۳	—	—	—	—	—	۱	۳	۱	۳	۳	۱	۱
۳	روحانی	۱۴	۶	۱۲	۱۱	۱۱	۱۵	۸	۷	۶	۶	۶	۹	۱۳	۱۲	۵	۸	۸	۷	۵	۲
۴	اصناف	۴	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۱	—	۱	—	—
۵	ملاک و تاجر	۴	—	—	۴	۲	—	۲	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۱	۳	۴	۵	۹	۵	۵
۶	کارمند دولت	۱۰	۶	۱۰	۶	۶	۸	۱۱	۴	۶	۸	۸	۶	۹	۸	۶	۵	—	۱	۳	۳
۷	ملاک و کارمند دولت	۴	۱۶	۱۲	۲۳	۱۷	۱۲	۶	۱۰	۱۳	۱۰	۴	۴	۵	۱۰	۵	۷	۵	۱۱	۹	۱۱
۸	مجهول	۳	۳	۱۲	۴	۴	۱	۸	۶	۵	۸	۸	۵	۱	۵	۳	۶	۱۰	۷	۸	۱۴
۹	ملاک و مشاغل آزاد تخصصی	۴	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	—	—	—
۱۰	ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	۴	—	۲	—	۲	۲	۱	—	۳	۴	۵	۳	۵	۳	۳	۳	۳	—	۱	۳
۱۱	تاجر	۱۴	۶	۲	—	۲	۶	۷	۵	۶	۸	۶	۵	۵	۳	۴	۶	۱۱	۹	۷	۸
۱۲	مشاغل آزاد تخصصی	—	۳	—	۲	—	۲	۱	۱	۱	—	—	—	—	۱	—	۱	—	—	۱	—
۱۳	ملاک و روحانی	—	۱۶	۴	۴	۱۲	۸	۷	۶	۷	۷	۶	۵	۴	۳	۴	۳	۵	۱	۱	...
۱۴	کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	—	—	۲	—	—	—	—	۱	۱	—	۱	۱	—	۳	۳	۱	۳	۱	—	—
۱۵	تاجر روحانی	—	—	۲	—	—	—	۱	—	۱	—	۱	۱	۱	—	—	—	—	-		-
۱۶	کارمند مؤسسات ملی و روحانی	—	—	—	—	۲	—	—	—	—	—	—	—	۱	—	—	—	—	- -		.
۱۷	وکیل مجلس	—	—	—	—	—	—	--	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	---
۱۸	روحانی و مشاغل آزاد تخصصی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۲ - وضع مشاغل پدران نمایندگان مالک
درسه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	ملاك	۳۸	٤۹	۵۳
۲	طبقهٔ پایین	٦	۱	۲
۳	روحانی	۱۱	۸	٦
٤	اصناف	۱	—	۱
۵	ملاك وتاجر	۲	۳	۵
٦	کارمنددولت	۸	۷	٤
۷	ملاك وکارمنددولت	۱۵	۷	۹
۸	مجهول	۵	۵	۷
۹	ملاك ومشاغل آزاد تخصصی	—	—	۱
۱۰	ملاك وکارمندمؤسسات ملی وغیردولتی	۱	٤	۲
۱۱	تاجر	٤	٦	٦
۱۲	مشاغل آزاد تخصصی	۱	۱	۱
۱۳	ملاك و روحانی	۸	٦	۲
۱٤	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	—	۱	۱
۱۵	تاجروروحانی	—	۱	—
۱٦	کارمند مؤسسات ملی وروحانی	—	—	—
۱۷	وکیل مجلس	—	۱	—
۱۸	روحانی وشغل آزاد تخصصی	—	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ولی این مطلب در خور توجه است که نسبت پدران روحانی نماینده‌گان مالک بتدریج رو به کاهش می‌رود و از ۱۱ درصد عصر اول مشروطیت به ۸ و ٦ درصد در عصر دوم و سوم مشروطیت می‌رسد. جداول شمارهٔ ۱ و ۲ این کاهش تدریجی را در سه عصر و بیست دورهٔ قانونگذاری بوضوح نشان میدهند و در مقابل نسبت تاجرزاده‌گان مالک در عصر دوم و سوم بتدریج افزایش می‌یابد. آنچه از این جداول دستگیر میشود و بیش از همه مهم می‌باشد این است که در متجاوز از نصف موارد، پدران نماینده‌گان مالک خود نیز مالک بوده‌اند از اینرو عامل وراثت و نسب در احراز منزلتهای اجتماعی بخوبی آشکار میشود.

پیش از این در فصل مربوط بشغل نماینده‌گان دیدیم که قویترین گروه نماینده‌گان را مالکان تشکیل می‌داده‌اند و اینک منشأ اکثریت این گروه که از بررسی جدول تفصیلی شمارهٔ ۱ و جدول شمارهٔ ۲ بدست آمده است سخن پیشین ما را تأیید می‌کند که قدرت و مالکیت ارضی در مراحل نخستین مشروطیت ایران بستگی بسیار با یکدیگر داشته است و مشاهدهٔ این امر در نظام فئودالی که در آستانهٔ انتقال و تحول قرار دارد و هنوز بمرحلهٔ تغییر نهایی نرسیده مایهٔ تعجب نباید باشد.

وضع شغل پدران نماینده‌گان بازاری

در جدول شمارهٔ ٤ مربوط به نسبت شغل پدران نماینده‌گان تاجر در سه عصر مشروطیت و همچنین جدول تفصیلی آن در بیست دورهٔ قانونگذاری باز تأثیر امر وراثت در شغل و قدرت را آشکارا در می‌یابیم. در حدود ۵۰ درصد نماینده‌گان تاجر از پدران تاجر هستند و نسبت قابل توجهی نیز پدرانشان در زمرهٔ کسبه و اصناف بوده‌اند و این امر بخصوص در عصر اول مشروطیت قابل توجه می‌باشد و حال آنکه در عصر دوم و سوم مشروطیت رقم پدرانی که در زمرهٔ اصناف بوده‌اند از ٤۹ درصد عصر اول به ۱۰ و ۱۱ درصد میرسد. چنانکه در حدود ٦٤ درصد نماینده‌گان عصر سوم و ۷۱ درصد نماینده‌گان عصر دوم و متجاوز از ۸۵ درصد نماینده‌گان عصر اول مشروطیت که تاجر بوده‌اند پدرانشان هم بتجارت و کسب مشغول بوده‌اند.

در اینجا دو نکته آشکار میشود: نخست آنکه در ایران این مطالعه را اگر مقیاس جامعه کلی بدانیم انتقال شغل از پدر به پسر هنوز رواج دارد، و دیگر آنکه وراثت شغلی

جدول شماره ۳ - وضع مشاغل پدران نمایندگان بازاری (بازرگانان - اصناف) دربیست دوره قانونگذاری برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
	نسبت نمایندگان بازاری درهر دوره	٤١	١٠	٦	٩	٤	٧	١٦	١٥	٢٠	١٩	١٨	١٨	١٨	١٣	١٥	١٣	٩	١٨	١١	١٨
١	تاجر	٢٦	٦٠	٨٦	٣٤	٣٣	٧٨	٦٢	٦٩	٥٤	٦٠	٥٤	٥٤	٥٤	٦٥	٦٧	٥٩	٥٧	٤٠	٣٣	٥٠
٢	اصناف	٦٧	١٠	١٤	٣٣	—	—	١٠	١١	١٥	٢٠	٩	٤	٩	١٢	١٠	—	١٥	١٦	١٤	١٤
٣	مجهول	٥	٢٠	—	١١	—	—	٤	٥	١٩	٨	٢٠	١٦	١٢	١٧	—	١٧	—	١٦	٢٦	٢٩
٤	ملاك وتاجر	٢	١٠	—	١١	١٧	—	٥	٥	٤	٤	٤	٩	٨	—	٥	١٢	—	١٦	٢٠	—
٥	روحانی	—	—	—	—	١٦	١١	٤	—	—	—	—	—	—	—	٤	—	—	٨	—	—
٦	طبقهٔ پائین	—	—	—	١١	٣٤	—	—	—	—	—	—	—	—	—	١٠	٦	١٤	—	—	—
٧	ملاک	—	—	—	—	—	—	١٠	٥	٤	٨	١٣	١٧	١٧	٦	—	٦	١٤	٤	٧	—
٨	مشاغل آزاد تخصصی	—	—	—	—	—	١١	٥	٥	٤	—	—	—	—	—	—	—	—	—	...	—
٩	کارمند دولت	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	٤	—	—	—	—	٧
	جمع	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠	١٠٠

بتدریج روبکاهش میرود چنانکه از عصر اول بسوم ۲۱ درصد کمتر شده است.
از سوی دیگر نسبت قابل توجهی از پدران نماینده‌گان تاجر در سلک مالکان هستند و این رقم از ۷ درصد عصر اول به ۱۵ درصد در عصر دوم و ۱۲ درصد در عصر سوم مشروطیت افزایش می‌یابد.

جدول شمارهٔ ٤ ـ وضع مشاغل پدران نماینده‌گان بازاری درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصراول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	تاجر	۳٦	٦۱	٥۳
۲	اصناف	٤۹	۱۰	۱۱
۳	مجهول	٦	۱۰	۱٥
٤	ملاك وتاجر	٤	٥	۹
٥	روحانی	۱	۲	۳
٦	طبقهٔ پائین	۱	—	٤
۷	ملاك	۳	۹	۳
۸	مشاغل آزاد تخصصی	—	۳	—
۹	کارمند دولت	—	—	۲
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

وضع شغل پدران نماینده‌گان روحانی

جدول تفصیلی شمارهٔ ٥ مربوط به نماینده‌گان روحانی و جدول شمارهٔ ٦ مربوط به نسبت آنها در سه عصر مشروطیت است، در اینجا هم عامل وراثت شغلی کاملاً نمایان است بدین معنی که حدود ٦٤ تا ۷۰ درصد نماینده‌گان روحانی خود روحانی‌زاده

جدول شمارهٔ ۵ - وضع مشاغل پدران نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
	نسبت نمایندگان روحانی در هر دوره	۲۰	۲۵	۳۱	۲۳	۲۴	۲۳	۱۷	۱۱	۹	۸	۶	۶	۶	۸	۴	۲	۱۱	۲	—	۱
۱	روحانی	۷۰	۶۶	۷۲	۷۵	۶۳	۷۲	۶۳	۶۹	۴۲	۶۴	۶۳	۶۳	۶۲	۷۰	۶۰	۷۷	۷۸	۱۰۰	—	۱۰۰
۲	روحانی و ملاک	۴	۱۹	۷	۵	۲۵	۱۴	۱۸	۱۶	۳۴	۲۷	۳۷	۲۵	۲۵	—	۴۰	۲۳	—	—	—	—
۳	ملاک	—	—	۳	۴	—	۴	۹	۸	۸	۹	—	۱۲	—	۲۰	—	—	—	—	—	—
۴	تاجروروحانی	—	—	۳	—	—	—	۵	—	۸	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۵	طبقهٔ پایین	—	—	۳	۴	۳	۴	۵	—	—	—	—	—	—	۱۰	—	—	—	—	—	—
۶	مجهول	۲۶	۷	۱۲	۱۲	۹	۶	—	۷	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۱	—	—	—
۷	مشاغل آزاد تخصصی	—	۸	—	—	—	—	—	—	۸	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۸	تاجر	—	۴	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۹	اصناف	—	۴	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۰	وکیل مجلس	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۳	—	—	—	—	—	—	—
۱۱	کارمند دولت	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۱	—	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بوده‌اند. و این نسبت در ادوار مختلفهٔ قانونگذاری جز دورهٔ نهم که به ۴۲ درصد تقلیل می‌یابد حدود ۶۰ تا ۷۵ درصد است (با نوساناتی اندک چنانکه جدول شمارهٔ ۵ نشان میدهد).

بطوریکه دو جدول فوق حاکی است نسبت قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان روحانی ملاک‌زاده هستند، چنان که در سه عصر مشروطیت بین ۱۳ تا ۲۸ درصد نمایندگان روحانی در عین حال مالک هستند، و از اینجا میتوان ارتباط روحانیت و مالکیت را نیز استنباط کرد. و میدانیم که از مشخصات جامعهٔ فئودالی وجود چنین ارتباطی است، گذشته از نسبت قابل ملاحظهٔ املاک در ایران که جنبهٔ موقوفه داشته است شمارهٔ قابل ملاحظه‌ای از روحانیان نیز در زمرهٔ مالکان ارضی بوده‌اند.

جدول شمارهٔ ۶- وضع مشاغل پدران نمایندگان روحانی

درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	روحانی	۶۹	٦٤	۷۰
۲	روحانی وملاك	۱۲	۲۲	۱۰
۳	ملاك	۱	٦	۷
٤	تاجر و روحانی	۱	۲	—
٥	طبقهٔ پایین	۲	۲	۳
٦	مجهول	۱۳	۲	۷
۷	مشاغل آزاد تخصصی	—	۱	—
۸	تاجر	۱	—	—
۹	اصناف	۱	—	—
۱۰	وکیل مجلس	—	۱	—
۱۱	کارمند دولت	—	—	۳
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

و اگر این حدس را بپذیریم که در مورد ۱۰ تا ۱۳ درصد پدرانی که شغل آنان مجهول است، احتمالاً از طبقهٔ پایین بوده‌اند، و با توجه بارقام مربوط به نمایندگان طبقهٔ پایین میتوان این مطلب را پذیرفت همچنانکه نسبت قابل ملاحظه‌ای یعنی بیش از ۸۰ درصد از نمایندگان روحانی قشر بالای روحانیان در مجلس راه داشته‌اند، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از نمایندگان روحانی نیز در پرتو وجههٔ مذهبی و قدرت روحانیت بدون استفاده از نفوذ خانوادگی توانسته‌اند به مجلس راه یابند.

وضع شغل پدران نمایندگان کارمند دولت

در مورد کارمندان دولت وراثت شغلی کمتر مشاهده میشود. این نکته را جدول شمارهٔ ۸ مربوط به شغل پدران کارمند دولت در سه عصر مشروطیت بخوبی آشکار می‌سازد. بخصوص در عصر دوم و سوم مشروطیت که بخلاف عصر اول غلبه با کارمندان دولت است، پدران مالک مقام اول را در گروه نمایندگان کارمند دولت دارند و در حدود ۲۶ و ۲۷ درصد را در عصر دوم و سوم مشروطیت نشان می‌دهند.

نکتهٔ قابل توجه در این جدول افزایش پدران روحانی است و میتوان گفت که اگر نمایندگان روحانی چنانکه در فصل اول‌بیان کردیم کرسیهای کمتری را در مجلس شورای ملی اشغال کرده‌اند در عوض فرزندان روحانیان که به کارمندی دولت مشغول بوده‌اند شانس وکالت داشته‌اند.

نکتهٔ دیگر آن است که گروههای روشن‌بین و روشنفکر طبقهٔ روحانی بمقتضای زمان از آنجا که لباس و شغل روحانیت در عرصهٔ سیاست خریدار نداشته است، روی خصیصه میل بارتقای اجتماعی و بامید بهره‌مندی از اعتبار و منزلت اجتماعی بکارمندی دولت روی آورده و فرزندان خود را در همین راه هدایت کرده‌اند.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۷ مربوط بوضع شغل پدران کارمند دولت، حکایت از آن میکند که نسبت پدران کارمند از دورهٔ دوم قانونگذاری به بعد بتدریج کاهش پیدا میکند، بطوریکه این نسبت که در دورهٔ اول قانونگذاری ۵۰ درصد بوده است در ادوار اخیر به ۱۳ درصد میرسد و حال آنکه بخلاف نسبت پدران مالک از دورهٔ دوم قانونگذاری به بعد بطور منظم روبفزونی میگذارد، بطوریکه نسبت این گروه در دو دورهٔ نوزدهم و بیستم نزدیک به چهار برابر دورهٔ اول قانونگذاری میرسد.

جدول شماره ۷ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند دولت دربیست دوره قانونگذاری برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
	نسبت نمایندگان مالک در هر دوره	۲۴	۴۸	۴۹	۵۵	۵۱	۴۸	۴۵	۴۴	۴۵	۴۰	۳۹	۳۷	۳۸	۴۳	۵۵	۵۴	۵۰	۴۲	۵۶	۵۰
۱	کارمند دولت	۵۰	۲۷	۱۹	۱۹	۲۶	۱۸	۲۶	۱۹	۲۰	۲۵	۳۰	۳۵	۳۵	۲۱	۱۷	۱۷	۱۱	۱۱	۱۳	۱۳
۲	کارمند دولت وملاک	۷	۱۰	۱۰	۱۷	۱۶	۱۲	۷	۱۴	۱۳	۱۲	۴	۵	۳	۱۲	۶	۹	۶	۱۱	۱۰	۹
۳	ملاک	۷	۱۵	۳۱	۲۶	۱۸	۲۵	۲۸	۳۲	۳۱	۱۸	۲۴	۲۸	۲۳	۱۶	۳۲	۲۸	۱۹	۲۲	۳۷	۲۸
۴	روحانی	۱۰	۱۲	۱۲	۱۷	۱۸	۱۵	۱۴	۱۱	۱۶	۲۱	۱۹	۱۴	۱۸	۲۳	۱۵	۱۵	۲۵	۱۸	۷	۱
۵	مشاغل آزاد تخصصی	۳	۶	—	۱	۳	—	—	—	—	—	—	—	—	۲	۱	۲	—	—	۷	۴
۶	مجهول	۲۰	۱۶	۱۸	۱۷	۱۱	۲۲	۱۸	۱۶	۱۰	۱۰	۱۱	۶	۵	۱۲	۱۰	۱۲	۲۲	۱۸	۱۷	۳۳
۷	تاجر	۳	۶	۴	۲	۱	۲	۲	—	۲	۲	۲	۲	—	۴	۵	۳	۶	۲	۱	۵
۸	کارمنددولت و مشاغل آزاد تخصصی	—	—	۲	—	—	—	—	—	—	۲	۲	۳	۲	—	—	—	—	—	—	—
۹	طبقهٔ پایین	—	۶	۴	۵	۶	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۵	۶	۳	۶	—	۶	۲	۳
۱۰	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲	۲	۲	۲	۲	۵	۳	—	—	—	۱
۱۱	اصناف	—	۲	—	—	—	—	۲	—	۲	۲	۲	۲	۲	—	۶	۳	۳	۴	۲	۱
۱۲	ملاک وتاجر	—	—	—	۲	—	۳	—	—	—	—	—	—	—	۲	—	—	۳	—	۱	—
۱۳	ملاک و روحانی	—	—	—	۲	۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲	۲	۲	۳	—
۱۴	وکیل مجلس	—	—	—	—	—	—	—	۲	۲	۲	—	—	۳	—	—	—	۳	۴		۱
۱۵	تاجر و روحانی	—	—	—	—	—	—	—	۲	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲	—	—
۱۶	کارمند مؤسسات ملی وروحانی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲	—	—	—	—	—	—	۱
۱۷	ملاک وکارمندمؤسسات ملی وغیردولتی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

و نیز جدول شمارهٔ ۸ در ضمن تأیید جدول شمارهٔ ۷ مسئلهٔ فوق را که افزایش قدرت کارمندان اداری با اصلاح و ترقی ادارات در عهد رضاشاه (عصر دوم مشروطیت) باشد تأیید می‌کند، و نشان میدهد که مالکان اراضی مزروعی برای حفظ قدرت سیاسی و حیثیت اجتماعی خود بمقتضای زمان با اینکه کارمندی دولت از لحاظ مادی برای آنها کلر پر سودی نبوده است از آن نظر که تنها راه نزدیک شدن بقدرت مرکزی و پیشروی بسوی مقامات سیاسی و طبقهٔ حاکمه و ممتاز است بآن روی آورده‌اند.

و نیز اگر بپذیریم نمایندگانی که شغل پدران آنها بر ما معلوم نبوده از طبقهٔ پایین اجتماع باشند و با توجه برقم و نسبت پدران از طبقهٔ پایین، این فرض که گروه بسیاری از کارمندان دولت تا حدی از میان کشاورزان و طبقهٔ کارگر و مستخدم جزء خصوصی برخاسته‌اند، سخن گزافی نخواهد بود.

این نکته که در امر کارمندی دولت عامل وراثت شغلی کمتر مشاهده میشود نباید مایهٔ تعجب گردد، چه همچنانکه در گذشته اشاره کردیم خدمت دولت در ایران کار جدیدی است و ناچار افراد از مشاغل بسیار مختلف و با منشاء اجتماعی متفاوت بحرفه کارمندی دولت گراییده‌اند.

وضع شغل پدران نمایندگان

صاحب شغل آزاد تخصصی

بررسی جدول تفصیلی شمارهٔ ۹ مربوط به نسبت شغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی و جدول شمارهٔ ۱۰ مربوط به نسبت همین گروه در سه عصر مشروطیت این نکته را برای ما روشن می‌سازد که نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی با منشأ اجتماعی متفاوت بمشاغل تخصصی پرداخته‌اند، و با توجه بردیف ۱۱ از جدول شمارهٔ ۱۰ مربوط بپدران دارای شغل آزاد تخصصی، عامل وراثت شغلی را در این گروه کمتر می‌یابیم.

در بررسی این دو جدول نکتهٔ بسیار جالب توجه اینست که بین ۲۱ تا ۲۷ درصد این گروه پدر روحانی داشته‌اند و بنابراین نباید گفت که وراثت شغلی در کار روحانیت و برای خانواده روحانی مطلق است. و در جدول شمارهٔ ۱۰ ردیف ٤ مربوط بپدران مالک این گروه، حاکی از اقبال مالک‌زادگان بحرفه‌های تخصصی می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۸ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند دولت درسه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمند دولت	۲۵	۲۵	۱۵
۲	کارمند دولت و ملاک	۱۳	۹	۹
۳	ملاک	۱۹	۲۶	۲۷
۴	روحانی	۱۵	۱۶	۱۳
۵	مشاغل آزاد تخصصی	۲	—	۲
۶	مجهول	۱۶	۱۴	۱۹
۷	تاجر	۳	۱	۳
۸	کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی	—	۱	—
۹	طبقهٔ پایین	۵	۴	٤
۱۰	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	—	۱	۲
۱۱	اصناف	۱	۲	۳
۱۲	ملاک وتاجر	—	—	۱
۱۳	ملاک و روحانی	۱	—	۱
۱۴	وکیل مجلس	—	۱	۱
۱۵	تاجر و روحانی	—	—	—
۱۶	کارمند مؤسسات ملی و روحانی	—	—	—
۱۷	ملاک و کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی	—	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۹ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
	نسبت نمایندگان مشاغل آزاد تخصصی درهر دوره	۷	۱۹	۱۲	۹	۱۵	۱۲	۹	۱۳	۱۶	۱۹	۲۲	۲۱	۲۳	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	۲۰	۲۲
۱	ملاك وشاغل آزاد تخصصی	۱۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۳	—	—	—
۲	روحانی	۱۱	۲۵	۹	۵۶	۳۵	۴۰	۳۳	۲۳	۲۰	۱۶	۲۸	۲۹	۳۲	۳۲	۱۹	۱۷	۲۰	۳۳	۲۰	۱۰
۳	تاجر	—	—	—	—	—	—	—	۶	—	۴	—	—	—	۴	—	—	۱۳	—	۸	۵
۴	ملاک	—	۲۰	۹	—	—	۱۳	۲۵	۱۸	۲۰	۱۶	۲۱	۱۸	۲۳	۲۱	۲۷	۱۳	۷	۱۴	۱۶	۳۳
۵	مجهول	۴۴	۱۵	۴۱	—	۳۰	۱۳	۲۵	۲۳	۲۵	۲۸	۱۷	۱۰	۶	۲۱	۱۵	۱۶	۱۳	۲۳	۲۰	۱۸
۶	ملاک و روحانی	—	—	—	—	—	۷	—	—	—	—	—	—	—	۴	۴	—	—	—	—	—
۷	ملاک وتاجر	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۴	—	—	—	۴	۷	—	—	—
۸	ملاک وکارمند دولت	—	—	۸	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۳
۹	کارمند دولت	—	۱۵	۸	—	۱۰	—	—	۶	۵	۴	۳	۴	۷	۴	۸	۸	۲۰	۱۰	۱۲	۱۳
۱۰	کارمنددولت و مشاغل آزاد تخصصی	۱۱	—	—	—	—	—	—	—	—	۴	۴	۴	۳	۴	—	—	—	—	—	—
۱۱	مشاغل آزاد تخصصی	۲۳	۱۵	۹	۱۱	۱۰	۱۳	—	۱۸	۲۵	۱۶	۱۴	۴	۱۳	—	۱۱	۱۳	۷	۵	۲۰	۸
۱۲	طبقهٔ پایین	—	۵	—	۱۱	۵	۷	۹	—	—	—	—	۱۴	—	۷	۸	۱۲	—	۵	—	۵
۱۳	اصناف	—	۵	۸	۱۱	۵	—	—	—	۵	۱۲	۱۰	۱۱	۱۰	۳	۴	۱۷	—	—	—	—
۱۴	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	—	—	۸	۱۱	۵	۷	۸	—	—	—	—	۴	۳	—	۴	—	—	۵	۴	۵
۱۵	تاجر و روحانی	—	—	—	—	—	—	—	۶	—	—	۳	۴	۳	—	—	—	—	—	—	—
۱۶	روحانی وشاغل آزاد تخصصی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع مشاغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی درسه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	ملاك و مشاغل آزاد تخصصی	۲	—	۱
۲	روحانی	۲۷	۲۷	۲۱
۳	تاجر	—	۱	٤
٤	ملاك	۷	۱۹	۲۱
۵	مجهول	۲۵	۱۷	۱۹
٦	ملاك و روحانی	—	۱	۱
۷	ملاك وتاجر	—	۱	۱
۸	ملاك و کارمنددولت	۲	—	—
۹	کارمند دولت	۹	٤	۱۰
۱۰	کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی	۱	۲	—
۱۱	مشاغل آزاد تخصصی	۱۳	۱۵	۱۰
۱۲	طبقهٔ پایین	٤	۱	٤
۱۳	اصناف	٦	۸	٤
۱٤	کارمند مؤسسات مالی وغیر دولتی	٤	۲	۳
۱۵	تاجر و روحانی	—	۲	—
۱٦	روحانی ومشاغل آزاد تخصصی	—	—	۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

وضع شغل پدران نمایندگان
کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی

در مورد کارمندان مؤسسات ملی که عدهٔ قلیلی را در مجلس شورای ملی تشکیل میدهند بموجب جدول شمارهٔ ۱۱ و ۱۲ اکثراً شغل پدری را انتخاب کرده‌اند، بطوریکه جدول شمارهٔ ۱۲ نشان می‌دهد نسبت پدران کارمند مؤسسات ملی در عصر اول مشروطیت ۵۹ درصد و در عصر دوم ۸۸ و در عصر سوم ۵۲ درصد بوده است.[۱] و نیز بموجب نمایش همین جدول نسبت پدران مالک و پدرانی که در حین کارمندی مؤسسات ملی مالک نیز بوده‌اند در عصر دوم و سوم مشروطیت بیش از عصر اول است (عصر اول ۳۶ درصد و عصر دوم ۸۲ درصد و عصر سوم ۵۲ درصد پدران هم مالک و

جدول شمارهٔ ۱۲ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصراول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۳۵	۱۸	۲٤
۲	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی وملاك	۱۸	۷۰	۲۸
۳	ملاك	۱۲	۱۲	۲٤
٤	طبقهٔ پایین	۱۲	—	—
٥	کارمند دولت و ملاك	٦	—	—
٦	روحانی	—	—	۱٤
۷	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی و روحانی	٦	—	—
۸	مجهول	٥	—	٥
۹	کارمند دولت	٦	—	٥
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۱ـ با افزودن ارقام ردیف ۱ و ۲ و ۷

جدول شماره ۱۱ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی دربیست‌دوره قانونگذاری برحسب درصد

شماره ترتیب	نوع مشاغل	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم	دوره یازدهم	دوره دوازدهم	دوره سیزدهم	دوره چهاردهم	دوره پانزدهم	دوره شانزدهم	دوره هفدهم	دوره هجدهم	دوره نوزدهم	دوره بیستم
	نسبت نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی درهردوره	۶	۳	۵	۱	۳	۲	۱	۱	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۱	۴	۲	۳	۴	۴
۱	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۱۷	۵۰	۴۰	۱۰۰	۳۴	۵۰	—	۱۰۰	۵۰	—	—	—	—	۶۷	—	۵۰	—	—	۲۵	—
۲	کارمندمؤسسات ملی و ملاک	۱۷	—	۲۰	—	۳۳	۵۰	۱۰۰	—	۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۷	۶۷	۳۳	۱۰۰	۵۰	۵۰	—	—	۲۵
۳	ملاک	۱۷	—	۲۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۳	۳۳	—	—	—	۵۰	۶۷	۵۰	—
۴	طبقهٔ پایین	—	۵۰	۲۰	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۵	کارمند دولت وملاک	۱۷	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۶	روحانی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۵	۵۰
۷	کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی و روحانی	—	—	—	—	۳۳	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۸	مجهول	۱۶	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۵
۹	کارمند دولت	۱۶	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۳	—	—
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

هم کارمند و مالک بوده‌اند.[۱])

نسبت پدران شاغل مشاغل دیگر در میان گروه نمایندگان کارمند مؤسسات ملی خیلی پایین است و میتوان از احتساب آن خودداری کرد. نسبت پدران روحانی نیز در میان این گروه ناچیز است و تنها ۶ درصد از نمایندگان این گروه در عصر اول و ۱۴ درصد در عصر سوم است که از میان خانوادهٔ روحانی برخاسته و بوکالت مجلس رسیده‌اند.

وکلایی که پدران وکیل داشته‌اند

یکی از پدیده‌های بسیار جالب توجهی که از مطالعهٔ شغل پدران نمایندگان مجلس شورای ملی بدست آمده است، مسئله وراثت شغلی در مورد نمایندگی مجلس است که دربارهٔ آن پیش از این سخن رفت.

جدول شمارهٔ ۱۳ و ۱۴ دربارهٔ آن دسته از نمایندگان مجلس است که پدرانشان نیز شاغل وکالت مجلس بوده‌اند، در جدول شماره ۱۴ نمایندگانی که خود فرزند وکیل بوده‌اند در عصر دوم بیش از عصر اول و عصر سوم بیش از عصر دوم دیده میشوند.

در دوره‌های اول قانونگذاری نباید انتظار داشت که شمارهٔ چنین وکلایی افزون باشد اما از دورهٔ چهارم قانونگذاری ببعد نسبت مهمی از نمایندگان مجلس خود وکیل‌زاده هستند و این مطلب بخصوص در دوره‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ بخوبی صادق است. علل چنین گرایشی را بدینسان میتوان فرض کرد.

۱- بسیاری از خانواده‌های مهم که رئیس یا فرد معتبری از آنها دیر زمانی وکالت مجلس را داشته است کوشیده‌اند تا برای حفظ منافع خانوادگی خود در محل، سنت نمایندگی را در آن خانواده پایدار کنند و بنابراین اگر بر اثر کهولت و بیماری یا عوامل دیگری بزرگ خانواده نتوانسته است بمجلس برود کوشش شده است تا فرد دیگری از خانواده را بمجلس گسیل دارند.

۲- شبهه‌ای نیست که ذوق فعالیت سیاسی در خانوادهٔ نمایندگان مجلس بفرزندان و خویشان نزدیک ایشان سرایت میکند و باین ترتیب اگر در چند دورهٔ اخیر

۱- با افزودن ارقام ردیف ۲ و ۳ و ۵

جدول شمارهٔ ۱۳ ـ وضع نمایندگانی که پدران وکیل داشته‌اند دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
پدران وکیل	—	—	۲	۶	۷	۸	۸	۷	۸	۱۰	۹	۷	۱۰	۱۴	۱۶	۱۵	۹	۲۱	۲۱	۱۵

جدول شمارهٔ ۱۴ - وضع نمایندگانی که پدران وکیل داشته‌اند
درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
پدران وکیل	۳	۸	۱۶

حتی بیش از یک پنجم نمایندگان مجلس پدری وکیل داشته‌اند این امر مایهٔ تعجب نخواهد بود.

۳ـ افرادی که از خانوادهٔ وکیل بوده‌اند احتمال آن می‌رود که بیشتر اعتماد و اطمینان اولیای امور و گروههای ذینفوذ را جلب کرده و از این راه با سهولت بیشتری بمجلس راه یافته‌اند.

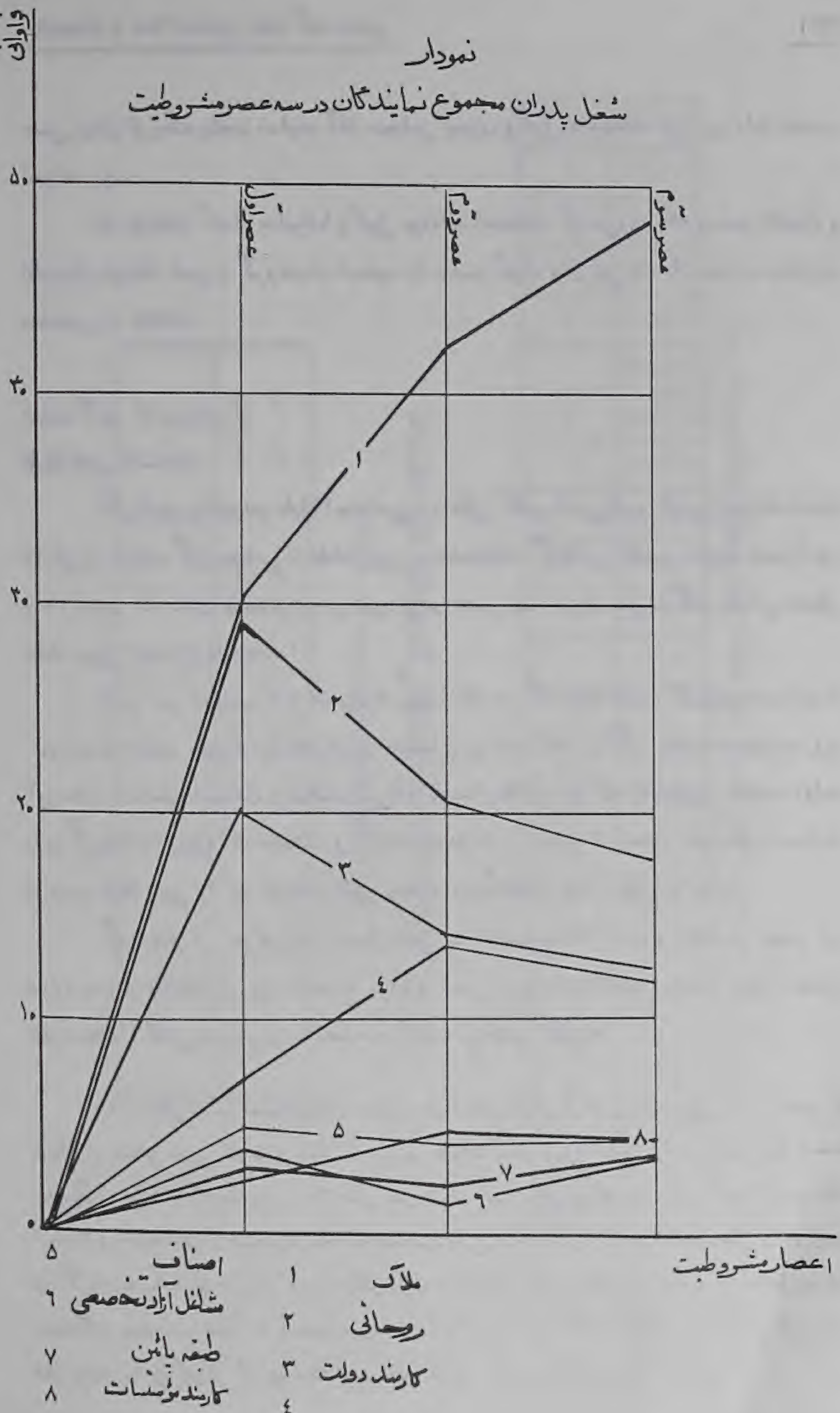
نمایندگانی که پدرانی از
طبقهٔ پایین داشته‌اند

اگر شغل را نمودار طبقهٔ اجتماعی فرد تلقی کنیم درمی‌یابیم که رویهمرفته نسبت اندکی از نمایندگان مجلس از طبقهٔ پایین برخاسته‌اند. گواه این مطلب جدول شمارهٔ ۱۵ و ۱٦ است که نشان میدهد در هر دوره و هر عصر چند تن از نمایندگان پدرانی متعلق بطبقهٔ پایین اجتماع داشته‌اند.[۱]

ذکر این مطلب لازم است، همچنانکه در گذشته اشاره کردیم بسیاری از کارمندان دولت خود از طبقهٔ پایین اجتماع برخاسته‌اند و اگر بخدمت دولت روی آورده‌اند با داشتن استعداد و لیاقت ذاتی، و بامید ارتقاء و تحرک اجتماعی خدمت دولت را برگزیده‌اند، بویژه که خدمت و کارمندی دولت از طریق ترفیعات خودبخود بسیاری از مردم طبقهٔ پایین را که کوشا و لایق بوده‌اند بپایگاه‌های بلند رسانیده است.

گذشته از این در مواردی بسیار شغل پدر نامعلوم ذکر شده و شاید در بیشتر این موارد پدر از طبقهٔ پایین اجتماع بوده و شغل ناچیزی داشته است و افراد مطلع نخواسته‌اند آگاهی خویش را با مصاحبه کننده در میان گذارند.

۱ـ ممکن است نسبت پدران متعلق بطبقهٔ پایین بیش از اینها باشد. زیرا دور نیست که پاره‌ای از مشاغل چون کارمندی دولت و کسب، طبقات بسیار پایین اجتماع را نیز شامل شود (مانند خدمتگزار جزء یا کارمند جزء ادارات و سازمانهای غیر دولتی و کاسب بسیار کوچک) و حال آنکه ما در طبقه‌بندی از مشاغل و محاسبه منحصراً زارع و خدمتگزاران جزء بخصوصی را در زمرهٔ این گروه بحساب آوردیم. از سوی دیگر چون تنها راه و منبع اطلاع ما از وضع مشاغل پدران نمایندگان مصاحبه با ایشان یا با مطلعان بوده است با توجه باین نکته که غالب افراد تمایل دارند که شغل پدری را بزرگتر از آن چه بوده است جلوه دهند، چنین نتیجه‌ای بدست آوردیم.


نمودار
شغل پدران مجموع نمایندگان در سه عصر مشروطیت
فراوانی
۵۰
۴۰
۳۰
۲۰
۱۰
۰
عصر اول
عصر دوم
عصر سوم
اعصار مشروطیت
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
ملاک ۱
روحانی ۲
کارمند دولت ۳
۴
اصناف ۵
مشاغل آزاد تخصصی ۶
طبقه پائین ۷
کارمند مؤسسات ۸

جدول شمارهٔ ۱۵- وضع پدران از طبقهٔ پایین دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
طبقهٔ پایین	—	۳	۱	٦	٦	٤	۳	۲	۳	—	—	—	—	٤	۲	۵	٦	۲	—	۲

جدول شمارهٔ ۱٦ - وضع پدران نمایندگان ازطبقهٔ پایین

در سه‌عصر مشروطیت برحسب درصد

نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
طبقهٔ پایین	۳	۲	۳

مطلب فوق را جدول تفصیلی شمارهٔ ۷ مربوط به شغل پدران نمایندگان کارمند دولت بطور محسوس در هر دورهٔ از ادوار بیستگانه مجلس تأیید می‌کند و جدول شمارهٔ ۸ مربوط بهمین گروه در سه عصر مشروطیت بوضوح نشان میدهد که در عصر اول و سوم مشروطیت این طبقه نسبت بیشتری دارند (با توجه بارقام ردیف ٦ جدول شمارهٔ ۸ مربوط بپدران از طبقهٔ پایین و ارقام ردیف ۹ همین جدول مربوط بآن دسته از پدرانی که شغل آنها برای ما مجهول مانده است.)

نتیجه: بررسی آمار جداول مربوط به شغل پدران گروه‌های مختلف نمایندگان و همچنین جدول‌های شماره ۱۷ و ۱۸ مربوط به وضع شغلی پدران مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دورهٔ قانونگذاری و سه عصر مشروطیت حکایت از آن می‌کند که اکثریت نمایندگان مجلس همچنانکه خود مالک بوده‌اند، خانوادهٔ آنها نیز در طبقه مالک بشمار می‌آمده‌اند.

بطوریکه جدول شمارهٔ ۱۷ نشان می‌دهد، پدران مالک با نسبت بین ۳۰ تا ٤۸ درصد در هر سه عصر مشروطیت بر گروه‌های دیگر غلبه دارند. نکتهٔ جالب در جدول فوق این است که در هر سه عصر مشروطیت مرتبهٔ دوم را پس از پدران مالک، پدران دارای منصب روحانیت (بانسبت ۲۹ و ۲۰ و ١٦) اشغال کرده‌اند و پدران شاغل کارمندی دولت مرتبهٔ سوم را (با نسبت ۱۹ و ١٤ و ۱۲) در سه عصر مشروطیت داشته‌اند، و مرتبهٔ چهارم از آن پدرانی بوده که به تجارت و کسب اشتغال داشته‌اند و این مطلب نیز در هر سه عصر مشروطیت یکسان است.

بالا بودن نسبت پدران شاغل روحانیت در مجلس شورای ملی علاوه بر این که مؤید این نظریه است که روحانیان با گذشت زمان و تغییر رژیم حکومت همچنان موقع خود را از دست نداده و از طبقات ممتازهٔ کشور بشمارند و از مزایای منزلت اجتماعی برخوردار می‌باشند، این نکته را نیز بر ما آشکار می‌سازد که این طبقهٔ ذینفوذ با فرستادن فرزندان خود بمیدان سیاست در حفظ قدرت خود کوشا بوده و با نفوذ مستقیم در دستگاههای اداری و سیاسی کشور توانسته‌اند تا حدودی علاوه بر پیشوایی مذهبی، رهبری و قدرت سیاسی خود را نیز در جامعه حفظ کنند.

مشابهت اعصار مختلف مشروطیت از لحاظ شغل پدران نمایندگان مایهٔ تعجب است. اکنون باید دید در داخل هر عصر در میان ادوار مختلف قانونگذاری تفاوتهایی

جدول شمارهٔ ۱۷ - وضع مشاغل پدران مجموع نمایندگان

درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	ملاك	۳۰	۴۲	۴۸
۲	کارمند دولت	۱۹	۱۴	۱۲
۳	تاجر	۷	۱۳	۱۱
۴	اصناف	۶	۴	۴
۵	روحانی	۲۹	۲۰	۱۶
۶	صاحب‌مشاغل آزاد تخصصی	۴	۱	۳
۷	کارمند مؤسسات ملی‌وغیردولتی	۲	۴	۳
۸	طبقهٔ پایین	۳	۲	۳
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

دیده می‌شود یا نه؟

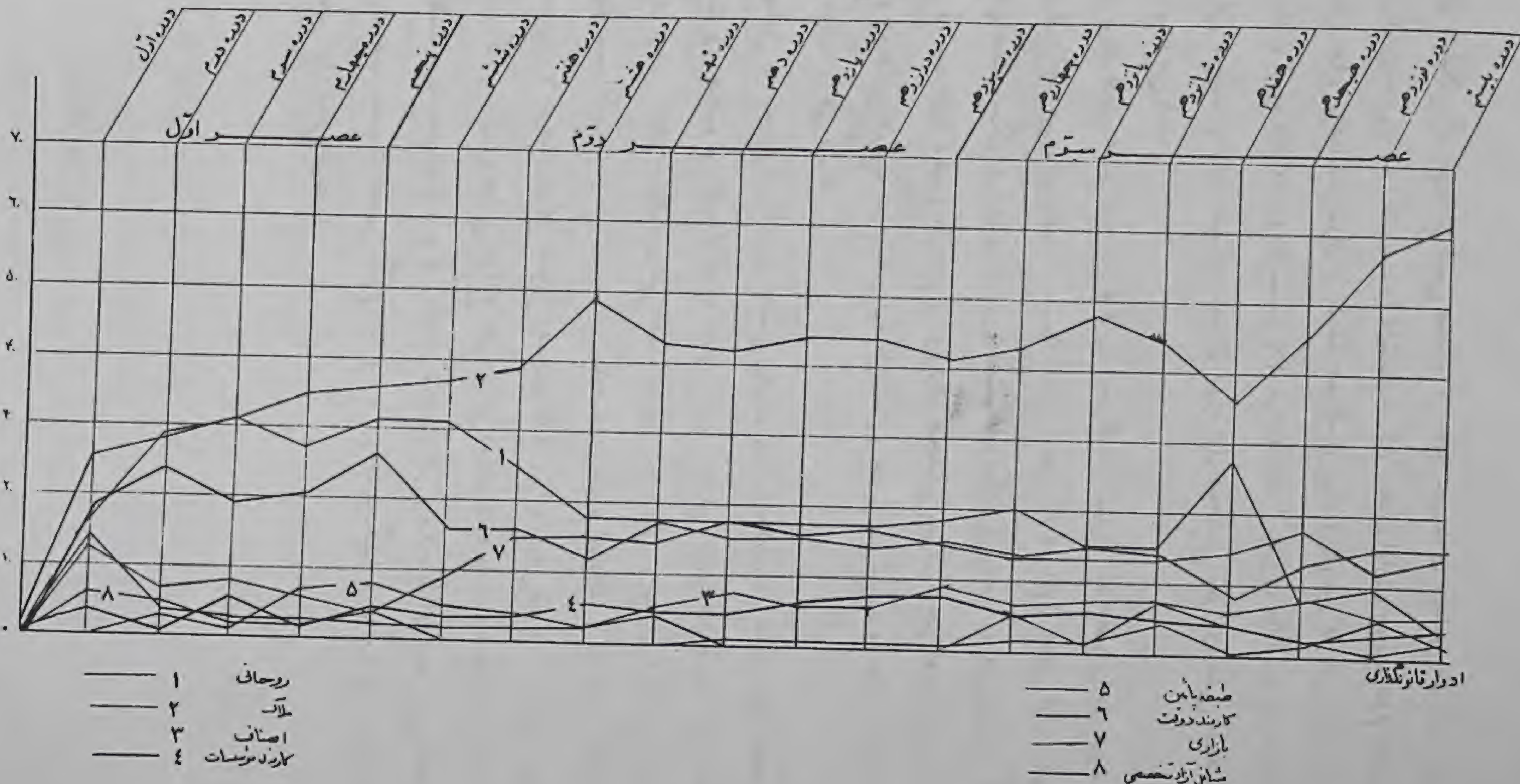
جز دورهٔ اول و دورهٔ سوم قانونگذاری که پدران روحانی از لحاظ شماره بیش از سایر گروه‌ها و یا مساوی شمارهٔ پدران مالک بوده‌اند، در کلیهٔ ادوار قانونگذاری سه عصر مشروطیت غلبه و فزونی با پدران مالک می‌باشد، و این نکته تا اندازه‌ای ساختمان نیمه فئودالی جامعهٔ ایران‌رادر گذشته روشن می‌کند. ولی تفاوت در مورد پدران شاغل سایر مشاغل در بعضی از ادوار اخیر عصر دوم و سوم مشروطیت مشهود است.

در دورهٔ اول قانونگذاری ترکیب گروه‌های اجتماعی پدران نمایندگان به تبع از

جدول‌شماره ۱۸- وضع مشاغل پدران‌مجموع نمایندگان‌در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	دورهٔ اول	دورهٔ دوم	دورهٔ سوم	دورهٔ چهارم	دورهٔ پنجم	دورهٔ ششم	دورهٔ هفتم	دورهٔ هشتم	دورهٔ نهم	دورهٔ دهم	دورهٔ یازدهم	دورهٔ دوازدهم	دورهٔ سیزدهم	دورهٔ چهاردهم	دورهٔ پانزدهم	دورهٔ شانزدهم	دورهٔ هفدهم	دورهٔ هجدهم	دورهٔ نوزدهم	دورهٔ بیستم
۱	ملاک	۱۸	۲۹	۳۱	۳۵	۳۶	۳۷	۳۹	۴۹	۴۳	۴۲	۴۴	۴۴	۴۲	۴۳	۴۸	۴۴	۳۶	۴۶	۵۷	۶۱
۲	کارمند دولت	۱۹	۲۴	۱۹	۲۰	۱۶	۱۵	۱۵	۱۱	۱۶	۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۱۲	۱۳	۱۲	۶	۱۱	۱۳	۱۳
۳	تاجر	۱۳	۷	۸	۶	۳	۸	۱۴	۱۴	۱۳	۱۶	۱۴	۱۵	۱۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۲	۱۵	۹	۱۱
۴	اصناف	۱۶	۴	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۴	۶	۴	۴	۶	۴	۴	۵	۶	۴	۳	۳
۵	روحانی	۲۵	۲۸	۳۱	۲۷	۳۱	۳۱	۲۵	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۹	۲۱	۱۶	۱۶	۲۹	۱۹	۱۱	۵
۶	صاحبان مشاغل آزاد تخصصی	۶	۵	۲	۲	۳	—	—	—	—	۱	۱	۱	۱	۲	۳	۴	۱	۲	۵	۲
۷	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۳	—	۵	۱	۳	۳	۲	۴	۳	۳	۵	۵	۵	۳	۴	۳	۴	۱	۲	۳
۸	طبقهٔ پایین	—	۳	۱	۶	۶	۴	۳	۲	۳	—	—	—	—	۴	۳	۵	-	۲	—	۲
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نمودار
شغل پدران مجموع نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری



نماینده‌گان متشکل آن دورهٔ ترکیبی متمایز از سایر دوره‌های مجلس شورای ملی بوده و بعد از پدران روحانی که اکثریت را داشته‌اند کارمندان اداری مرتبهٔ دوم اهمیت را از لحاظ شماره حایز بوده‌اند، پدران از طبقهٔ اصناف و پیشه‌وران نیز در این دوره از مجلس اکثریت شایان توجه داشته‌اند و با نسبت ۱۶ درصد بعد از پدران مالک و در مرتبهٔ چهارم بوده‌اند ولی نسبت پدران اصناف بعد از دورهٔ اول مجلس شورای ملی کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند.

در میان ادوار عصر دوم مشروطیت انحراف از تمایل سه عصر را در مورد افزایش نسبت پدران تاجر می‌توان یافت، نسبت پدران تاجر که در ادوار عصر اول مشروطیت کمتر از دو عصر دیگر می‌باشد از دورهٔ ششم قانونگذاری ببعد روبفزونی می‌گذارد و بخصوص در سه دورهٔ دهم و یازدهم و دوازدهم مجلس پدران تاجر بعد از پدران شاغل مالکیت و روحانی مرتبهٔ سوم را از لحاظ شماره حایز می‌شوند و جای پدران شاغل کارمندی دولت را می‌گیرند.

تمایل به تغییر ترکیب شغلی پدران نماینده‌گان در میان ادوار عصر سوم مشروطیت و بخصوص چهار دورهٔ اخیر نیز بخوبی دیده می‌شود. دورهٔ هفدهم قانون‌گذاری از این لحاظ شایان بررسی است در این دوره پس از پدران مالک و روحانی و تاجر که بترتیب اکثریت را دارند. پدران کارمند دولت و اصناف و پدران از طبقهٔ پایین با نسبت مساوی ۶ درصد درجهٔ چهارم اهمیت عددی را دارا می‌شوند. در دورهٔ نوزدهم و بیستم است که پدران روحانی موقع خود را از دست داده و جای خود را بکارمندان اداری می‌دهند و با نسبت ۱۱ و ۵ درصد کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کنند. (در مقابل ۲۹ درصد نسبت همین گروه در دورهٔ ۱۷ قانونگذاری و ۲۸ و ۳۱ درصد در دوره‌های عصر اول مشروطیت.)

فصل پنجم

تکرار دوره‌های نماینده گی در مجلس شورای ملی

چنانکه از جدول شمارهٔ ۲ مربوط به تکرار دوره‌های نماینده گی وکلای مجلس در اعصار مختلف مشروطیت برمیآید نسبت قابل ملاحظه‌ای از نماینده گان بخصوص در عصر دوم مشروطیت بیش از یک بار به وکالت مجلس شورای ملی رسیده‌اند.

بدیهی است که در عصر اول مشروطیت نسبت افراد بدون سابقه وکالت می‌بایست بسیار بالا باشد نظر بکوتاهی عصر اول مشروطیت که فقط شامل پنج دورهٔ قانونگذاری است و همچنین نظر بعدم ثبات سیاسی فقط نزدیک به ۱۷ درصد یک دوره و ۵ درصد دو دوره و ۲ درصد دو دوره و ۲ درصد سه دوره سابقهٔ نماینده گی داشته‌اند. ولی در عصر دوم مشروطیت شماره و نسبت نماینده گان دارای سابقهٔ وکالت فزونی می‌یابد و ۷۶ درصد نماینده گان در این عصر دارای سابقهٔ وکالت بدین شرح می‌باشند:

۲۱ درصد یک دوره و ۱۸ درصد دو دوره سابقه و ۱۳ درصد سه دوره و ۹ درصد چهار دوره و ٦ درصد پنج دوره و ٤ درصد شش دورهٔ سابقهٔ نماینده گی داشته‌اند و بقیه که ۵ درصد نماینده گان را تشکیل میدهند بیش از ۷ دوره سابقهٔ عضویت مجلس شورای را داشته‌اند.

بررسی جدول شمارهٔ ۱ تکرار دوره‌های نماینده گی در بیست دورهٔ قانونگذاری و رقم ٤۷ درصد گروه نماینده گان بدون سابقهٔ وکالت در دورهٔ ششم قانونگذاری و همچنین ۱۰ درصد نسبت همین گروه در دورهٔ سیزدهم قانونگذاری با وضوح بیشتری کاهش قابل ملاحظه و تدریجی افراد بدون سابقهٔ وکالت را در ادوار قانونگذاری عصر دوم مشروطیت نشان میدهد.

جدول شمارهٔ ۱ـ وضع تکرار دوره‌های نمایندگی مجلس دربیست دورهٔ قانونگذاری

برحسب درصد

	گروه جدید	دارندگان یک دوره سابقه	دارندگان دو دوره سابقه	دارندگان سه دوره سابقه	دارندگان چهار دوره سابقه	دارندگان پنج دوره سابقه	دارندگان شش دوره سابقه	دارندگان هفت دوره سابقه	دارندگان هفت دوره سابقه	دارندگان نه دوره سابقه	دارندگان ده دوره سابقه	دارندگان یازده دوره سابقه	جمع
دوره اول	۱۰۰												۱۰۰
« دوم	۸۰	۲۰											۱۰۰
« سوم	٦۵	۲۹	٦										۱۰۰
« چهارم	٦۱	۲٤	۱۳	۲									۱۰۰
« پنجم	٦٦	۱۹	۹	٦									۱۰۰
« ششم	٤۷	۳٤	۱۳	٤	۲								۱۰۰
« هفتم	۳۸	۲۹	۲۲	۸	۲	۱							۱۰۰
« هشتم	۲۸	۲٦	۲۲	۱٤	۷	۲	۱						۱۰۰
« نهم	۱۸	۲۱	۲۵	۱۷	۸	۷	۲	۲					۱۰۰
« دهم	۲۱	۱۸	۱۷	۱۹	۱۳	٦	٤	۱	۱				۱۰۰
« یازدهم	۱۸	۱۷	۱۷	۱٤	۱۵	۱۰	٤	۳	۱	۱			۱۰۰
« دوازدهم	۱۲	۱٦	۱٤	۱۷	۱۳	۱٤	٦	٦	۲	۱			۱۰۰
« سیزدهم	۱۰	۸	۱٦	۱٦	۱۳	۱۲	۱۳	٤	٦	۱	۱		۱۰۰
« چهاردهم	۵٦	۸	۵	۷	۵	٤	۲	٦	۳	۳	۱		۱۰۰
« پانزدهم	۵۷	۱۷	٤	۲	۷	۳	٤	۲	۲	۱	—	۱	۱۰۰
« شانزدهم	۳۵	٤۰	۸	٤	۲	٤	۲	۲	۱	۱	۱	—	۱۰۰
« هفدهم	٤۹	۱٦	۱۹	۵	—	۱	۱	۳	۳	—	—	۳	۱۰۰
« هجدهم	۵۲	۱۸	۱۹	٤	۱	۱	۱	—	۲	۲	—	—	۱۰۰
« نوزدهم	٤۷	۳۰	۱٦	۱۳	۲	۱	—	۱	—	—	۲	—	۱۰۰
« بیستم	۵۵	۱۷	۱۳	۷	۵	۱	—	—	۱	۱	—	—	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۲ - وضع تکرار دوره‌های نمایندگی درمجلس شورای‌ملی درسه‌عصر مشروطیت (بحسب درصد)

شمارهٔ ترتیب	سوابق نمایندگی	عصر اول مشروطیت	عصر دوم مشروطیت	عصر سوم مشروطیت
۱	گروه جدید	۷۶	۲۴	۴۹
۲	دارندگان یک‌دوره سابقه	۱۷	۲۱	۲۱
۳	« دو «	۵	۱۸	۱۲
۴	« سه «	۲	۱۳	۶
۵	« چهار «	—	۹	۳
۶	« پنج «	—	۶	۲
۷	« شش «	—	۴	۱
۸	« هفت «	—	۲	۲
۹	« هشت «	—	۱	۱
۱۰	« نه «	—	۱	۱
۱۱	« ده «	—	۱	۱
۱۲	« یازده «	—	—	۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

علت کثرت‌دورهٔ نماینده‌گی‌رادرعصر دوم مشروطیت بطور قطع ثبات سیاسی این عصر و همچنین دخالت قدرت مرکزی در امر انتخابات نماینده‌گان باید دانست.

در عصر سوم مشروطیت ٤٩ درصد نماینده‌گان بدون سابقهٔ وکالت هستند یعنی بیش از دو برابر عصر دوم مشروطیت. پیدا است که در این دوره عواملی که در عصر پیش موجب تکرار نماینده‌گی میشد قوت خود را از دست میداده است و ثبات سیاسی نیز نسبت بعصر دوم مشروطیت کمتر بوده است، در نتیجه بجز در مورد نماینده‌گان دارای یک دوره سابقهٔ وکالت که در عصر دوم و سوم بیک نسبت بوده‌اند و همچنین باستثنای نماینده‌گان دارای ۹ دوره سابقه و بیشتر، در دیگر موارد تکرار نماینده‌گی در عصر سوم آشکارا کمتر از عصر دوم مشروطیت است.

پیدا است که در اینجا عامل آزادی مطبوعات و تبادل آسانتر اطلاعات و همچنین پیدایش احزاب و دسته‌های سیاسی در عصر سوم مشروطیت امکان انتخاب شدن بوکالت را بیشتر و دایرهٔ انتخاب را وسیعتر کرده است، بنابراین جای تعجب نخواهد بود که در عصر سوم نسبت بیشتری از وکلای مجلس سابقهٔ کمتر وکالت داشته‌اند.

از سوی دیگر در عصر دوم مشروطیت همه کس نمی‌توانست داعیهٔ وکالت مجلس شورای ملی را داشته باشد وافرادی که بسلوک ایشان اطمینان کامل نبود، توانایی نیل باین مقام را نداشتند. در حالی که در عصر سوم مشروطیت این مشکل بجهاتی که در فوق یاد شد و عوامل دیگر تا حدی از میان میرود و عدهٔ بیشتری میتوانند در زمرهٔ کاندیداهای انتخابات قرار گیرند و همین کثرت شمارهٔ نامزدهای انتخاباتی احتمال تکرار نماینده‌گی را کاهش میدهد.

در خاتمهٔ این بحث بجای خواهد بود دربارهٔ کسانی که بیش از ٤ دوره نماینده‌گی داشته‌اند و عوامل مشترکی را که در این گروه خاص یافت می‌شود مطالعه‌ای شود. این بررسی و پیدا کردن عوامل مشترک بما نشان خواهد داد که چه کسانی بیش از همه شانس داشته‌اند کرسیهای مجلس را احراز کنند.

در تاریخ حکومتهای ملی، سیستم انتخابات متکی باراء احزاب و دسته‌های سیاسی مختلف و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و اصناف تأثیر انکارناپذیری در ترکیب نماینده‌گی مجالس داشته است، و حال آنکه تشتت و پخش قدرت میان نیروها و

دسته‌های متعدد مختلف، موجبات گسیل داشتن گروه‌هایی با تمایلات مختلف را بعنوان نمایندهٔ طبقات نامتجانس جامعه فراهم می‌سازد و این امر بجای خود از تأثیر عامل وراثت شغلی در احراز مقامات عالی و منزلتهای اجتماعی و انحصار بخصوص آن مقامات در خانواده‌های معدود جلوگیری می‌کند.

در طول تاریخ مجلس شورای ملی ایران در سه عصر مشروطیت بغیر از چند دورهٔ اول قانونگذاری تحولات اجتماعی در عمل تأثیر عمیق و شایان توجهی در ترکیب طبقاتی مجلس نداشته است و بعبارت دیگر بنابسخن قبلی ما، همیشه گروه خاصی اکثریت مجلس را داشته‌اند.

در عصر دوم مشروطیت، همانطور که اشاره کردیم وجود قدرت مرکزی و فقدان تشکیلات حزبی و دسته‌های سیاسی موجب شد که انتخابات مجلس شورای ملی نمایندهٔ تمایل طبقات مختلف اجتماع نباشد. در عصر اول و سوم مشروطیت نیز با اینکه تمایلات دموکراتیک و رقابت دسته‌های مختلف برای در دست گرفتن نیروهای سیاسی تا حدی موجود بود. با اینهمه، انعکاس درست این وضع تعادل قدرتها بصورت تحولی عمیق در ساختمان طبقاتی مجلس دیده نمیشود.

در عصر سوم مشروطیت با صنعتی شدن کشور و توسعهٔ سرمایه‌داری و روی کار آمدن طبقات تازهٔ شهرنشین و رشد طبقات متوسط بخصوص بعلت توسعهٔ فرهنگ و تعلیمات عالی، و مهمتر از همه پیدایش نهضتهای کارگری و قوت گرفتن سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و همچنین پیدایش احزاب و دسته‌های سیاسی گوناگون.در این عصر انتظار میرفت که سیمای مجلس دگرگون شود، با اینهمه بررسی جداول ما نشان میدهد که عوامل فوق بعللی نتوانسته است تأثیر قوی در ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس شورای ملی داشته باشد، بعبارت دیگر در تعیین کاندیداهای نمایندگی در سه عصر مشروطیت انعکاس تعادل نیروهای مختلف در اجتماع ایران در درون مجلس دیده نمیشود. بلکه انعکاس و استمرار قدرت در دست گروه‌های خاصی از جامعه در طول تاریخ مجلس بچشم می‌خورد. بخصوص نتیجهٔ بررسی و تحقیق ما دربارهٔ گروههایی که بیش از چهار دوره عضویت مجلس را داشته‌اند چنانکه جداول نشان میدهد، مشخصات جامعهٔ فئودالی و تأثیر عامل وراثت شغلی را بصراحت معلوم می‌دارد.

از جدول شمارهٔ ۳ مربوط به گروه‌های ذینفوذ نمایندگان چنین برمیاید که از

جدول شماره ۳- وضع تکراردوره‌های عضویت نمایندگی

نمایندگان باسابقه (رهبر) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	تعداد دوره‌های عضویت	تعداد: نفر	تعداد: درصد
۱	نماینده‌گان باچهار دوره عضویت	۸۱	۳۷
۲	» با پنج دوره عضویت	۴۰	۱۸
۳	» باشش دوره عضویت	۳۳	۱۵
۴	» باهفت دوره عضویت	۲۸	۱۳
۵	» با هشت دوره عضویت	۱۱	۵
۶	» با نه‌دوره عضویت	۱۰	۴
۷	» با ده‌دوره عضویت	۷	۳
۸	» با یازده دوره عضویت	۶	۳
۹	» با دوازده دوره عضویت	۴	۲
	جمع	۲۲۰	۱۰۰

میان بیش از ۱۱۵۱ تن نماینده‌گان مجلس شورای ملی در بیست دورهٔ قانونگذاری بیش از ۱۹ درصد آنها سالها بر مسند نماینده‌گی مجلس تکیه زده‌اند و از میان این گروه ۸۳ درصد بین ۸ تا ۱۵ سال متوالی کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند و قریب ۱۷ درصد ده تا دوازده دوره با حفظ سمت نماینده‌گی و عضویت مجلس در عمل بر گروه‌های جدید و نو رسیدهٔ مجلس تسلط داشته‌اند.

نکتهٔ شایان توجه آن است که در ضمن بررسی شغل پدران نماینده‌گان فوق باین نکته برمیخوریم که قریب ۱۱ درصد آنها وکیل‌زاده بوده‌اند، بنابراین می‌توان گفت تا حدی مشاغل و مناصب عالی در کشور در انحصار خانواده‌های معدود بوده و طبقات

جدول شمارهٔ ٤ - وضع مشاغل نمایندگان باسابقه (رهبر)

باعتبار چند شغلی (بحسب درصد)

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	تعداد نفر	تعداد درصد
١	ملاك	٥٠	٢٣
٢	ملاك وكارمنددولت	٤٦	٢١
٣	ملاك و صاحب مشاغل آزاد تخصصی	٥	٣
٤	ملاك وتاجر	١٢	٥
٥	صاحب مشاغل آزاد تخصصی	١٩	٩
٦	تاجر	١٩	٩
٧	روحانی	٧	٣
٨	روحانی و کارمند دولت	٣	١
٩	روحانی ومالك	١٠	٥
١٠	روحانی وملاك ومشاغل آزاد تخصصی	١ ❀	—
١١	کارمند دولت	٣٠	١٤
١٢	کارمند دولت و صاحب مشاغل آزادتخصصی	٨	٤
١٣	کارمنددولت وملاك وصاحب مشاغل آزاد تخصصی	٢	١
١٤	کارمند دولت وملاك وروحانی	١ ❀	—
١٥	تاجر وصاحب شغل آزاد تخصصی	٢	١
١٦	زارع (طبقهٔ پایین)	١ ❀	—
١٧	صاحب مشاغل آزاد تخصصی	١ ❀	—
١٨	ملاك و کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	٣	١
	جمع	٢٢٠	١٠٠

❀ توضیح - نسبت ارقام فوق کمتراز ٥٪ سیباشدوچون‌ما در کلیه جداول پنج‌فصل گذشته نسبتهای اعشاری از ٥٪ ببالا را بعدد صحیح تبدیل و کمترازآن را بحساب‌نیاورده‌ایم. دراین جدول نیز گروههای فوق که درواقع نسبتشان ٤٪ سیباشد باتوجه باینکه درگروههای مشابه فعالیتشان منظور شده است. صفر بحساب‌آمده است.

جدول شمارهٔ ۵ ـ وضع مشاغل نماینده گان باسابقه (رهبر)

(باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل	تعداد	
		نفر	درصد
۱	ملاک	۱۲۹	۵۹
۲	کارمند دولت	۹۰	۴۱
۳			
۴	روحانی	۲۲	۱۰
۵	بازاری (بازرگانان ـ اصناف)	۳۳	۱۵
۶	صاحب مشاغل آزاد تخصصی	۳۸	۱۷
۷			
۸	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی	۴	۲
۹	طبقهٔ پایین	۱*	—

خاص که منافع آنها با اغراض اصحاب قدرت توافق داشته بر مجلس تسلط داشته‌اند، و قدرت مرکزی کسانی را برای نیل بمقامات قوهٔ قانونگذاری یاری می‌کرده است که سالها با هدفهای قدرت مرکزی روی موافقت نشان داده و مورد اعتماد و اطمینان بوده‌اند.

جدول شمارهٔ ۵ نشان میدهد که نمونهٔ این خانواده‌ها بیشتر از میان عمدهٔ مالکان و اربابان انتخاب می‌شدند، چنانکه ۵۹ درصد نماینده گان با سابقه را مالکان و تنها ۴۱ درصد آنها را کارمندان دولت تشکیل میدادند آنهم کارمندانی که بیش از ۵۰ درصد آنها در حین کارمندی دولت مالک نیز بوده‌اند.

جدول شمارهٔ ۴ و ۵ که باعتبار یک شغلی و چند شغلی تنظیم شده است نسبت هر یک از نماینده گان صاحب مشاغل مختلف را نشان می‌دهد.

در جامعهٔ ایرانی از دیر باز خانواده رکن اساسی اجتماع محسوب شده است و از

این رواست که غالباً خانواده‌های دولتمند ولایات کوشیده‌اند قدرت خود را در مرکز از طریق نصب پاره‌ای از اعضای خود در ادارات مهم یا ارتش و یا انتخاب بعضی از آنان در مجلس شورای ملی گسترش دهند و تحکیم کنند و باین ترتیب علاوه بر منزلت اجتماعی، نفوذ سیاسی و امتیازات اقتصادی به تبع آن تحصیل نمایند. هنگامی که در ادوار نخستین قانونگذاری انتخاب وکلا بر اساس طبقات شش گانه بود عامل خانوادگی نظر بارتباط نزدیکی که با مفهوم طبقه دارد در صحنه سیاست مؤثر بود (مثلاً انتخاب شاهزادگان بمجلس نشانهٔ این کیفیت است) ولی از هنگامی که اساس انتخاب بر حوزه‌های جغرافیایی قرار گرفت تأثیر عامل خانوادگی شدیدتر شد و اعیان محلی سعی کردند که امتیازات خود را از طریق فرستادن اجزای خویش به مجلس حفظ و صیانت کنند.

در جامعه‌ای که اشرافیت حقیقی و ریشه‌دار وجود ندارد و حوادث روزگار ممکن است هر روز خون دل و جام می را نصیب افراد دیگری کند ضرورت تصاحب قدرت برای حفظ امتیازات موقت بخوبی نمایان است و این امری است که بسیاری از خانواده‌ها طی ادوار مجلس بان توجه داشته و بمفاد آن عمل نموده‌اند و دیدیم که مجلس تقریباً همیشه در درجهٔ نخست تحت تسلط خانواده‌های ملاک بوده است.

جدول شمارهٔ ٦ مربوط بشغل پدران نمایندگانی است که جنبهٔ رهبری داشته و صاحب نفوذ بوده‌اند و معلوم می‌دارد که پدران ایشان نیز مالک بوده‌اند و این مطلب سخن قبلی ما را که حاکمیت مالکان باشد تأیید می‌کند.

جدول شمارهٔ ۷ مربوط بوضع تحصیلات این دسته از نمایندگان با سابقه است و نشان میدهد که دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا و لیسانس) شانس بیشتری برای تملک و احراز کرسی‌های نمایندگی بمدت طولانی داشته‌اند. در ضمن این فرض را برای ما پیش می‌آورد که این گروه خاص بطور قطع با قدرت فکری بیشتر بطور منطقی آسانتر و بهتر می‌توانستند نظریه‌ها و مسائل مورد نظر خود را بخصوص با تجربه‌ای که در طی سالیان متمادی وکالت داشتند بر نمایندگان دیگر بقبولانند.

نسبت ۴۳ درصد دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید (حدود دکترا و لیسانس) در مقابل ۵۷ درصد دارندگان تحصیلات پایین حدود متوسطه و متعارف رقم شایان توجه می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۹ - وضع مشاغل پدران نمایندگان باسابقه

(رهبر) (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	نوع مشاغل		تعداد: نفر	تعداد: درصد
۱	ملاک		۹۷	۵۲
۲	روحانی		۳۷	۲۰
۳	کارمند دولت		۲۴	۱۳
۴	تاجر		۲۵	۱۳
۵	اصناف		۱۰	۵
۶	طبقهٔ پایین	زارع	۵	۳
۷	طبقهٔ پایین	خدمتگزار	۳	۲
۸	کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی		۵	۳
۹	صاحب‌مشاغل آزاد تخصصی		۳	۲

جدول شمارهٔ ۸ مربوط است به گروه‌های سنی نمایندگان با سابقه، که بر اساس سن نمایندگان در نخستین دورهٔ وکالت تنظیم شده است. این جدول سخن قبلی ما را تأیید می‌کند که یکی از علل پیر شدن مجلس در دوره‌های اخیر عبارت از تکرار دوره‌های نمایندگی بسیاری از وکلای مجلس شورای ملی است، چه بموجب این جدول در حدود ۸۳ درصد نمایندگان دارای چهار دورهٔ سابقهٔ عضویت مجلس، در نخستین دورهٔ وکالت سن آنان بین ۳۰ تا ۵۰ سال بوده است و حتی نسبت بیشتری از آنها در عداد گروه سنی جوان بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند.

جدول شمارهٔ ۷- وضع تحصیلات نمایندگان باسابقه (رهبر) برحسب درصد

شمارهٔ ترتیب	میزان ونوع تحصیلات		تعداد نفر	تعداد درصد
۱	تحصیلات قدیم	اجتهاد	۵	۲
۲		مدرسی	۳۹	۱۹
۳		سطح	۴۹	۲۳
۴	تحصیلات جدید	دکترا	۱۱	۵
۵		لیسانس	۲۶	۱۷
۶		دیپلم (متوسطه)	۲۵	۱۲
۷		متعارف	۴۷	۲۲
	جمع		۲۱۲	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۸ - وضع گروههای سنی نمایندگان باسابقه(رهبر)

شمارهٔ ترتیب	گروههای سنی	تعداد نفر	تعداد درصد
۱	گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۸۲	۴۸
۲	» ۴۱ تا ۵۰ سال	۶۰	۳۵
۳	» ۵۱ تا ۶۰ سال	۲۸	۱۶
۴	» از ۶۱ ببالا	۲	۱
	جمع	۱۷۲	۱۰۰

فصل ششم

ترکیب گروه‌ها و منشأ اجتماعی نماینده‌گان

ادوار بعد از اجرای اصلاحات ارضی

تغییر قانون انتخابات، اجرای قانون مصوب ششم بهمن ۱۳٤۱ شمسی و قانون اصلاحات ارضی تأثیر قابل توجهی در سیمای ادوار قانونگذاری مجلس شورای ملی باقی گذاشت.

این تأثیر را از بررسی ترکیب مشخصات گروهی نماینده‌گان ادوار اخیر مشروطیت و مقایسه آن با بیست دورهٔ گذشتهٔ قانونگذاری آشکارا در می‌یابیم.

تا پیش از اصلاح قانون انتخابات بعنوان پنجمین اصل مصوب ششم بهمن ماه ۱۳٤۱ زنان به موجب ماده سوم نظامنامه انتخابات مصوب ۱۷ شهریور ماه ۱۲۸۵ شمسی، از حق مشارکت سیاسی در کشور محروم بودند، ولی پس از رفع ممنوعیت قانونی شرکت زنان در انتخابات مجلسین، برای نخستین بار از دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری به بعد، در ترکیب گروه‌های اجتماعی نخبگان سیاسی ایران، ما حضور گروه اقلیت بانوان را در برابر اکثریت گروه نماینده‌گان مرد در ادوار چهارگانه اخیر مشروطیت بدین شرح ملاحظه میکنیم. ٦ تن از بانوان در برابر ۱۹۰ تن نماینده‌گان مرد در دورهٔ بیست و یکم. ۷ تن در برابر ۲۰۵ تن نماینده‌گان مرد دورهٔ بیست و دوم، ۱٦ تن نماینده زن در برابر اکثریت ۲۵۲ تن نماینده‌گان مرد در دورهٔ بیست و سوم و بالاخره

۲۰ نماینده زن در برابر ۲٤۸ تن نمایندگان مرد دورهٔ بیست و چهارم.

هرچند این ارقام نشانگر افزایش تدریجی شمار نمایندگان زن در مجالس قانونگذاری عصر مشروطیت میباشد، ولی بیان کننده پایین بودن سطح مشارکت زنان در عرصه فعالیت سیاسی کشور می‌باشد.

سن نمایندگان

سن انتخاب شوندگان به موجب بند ۵ ماده دوازدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی، بین ۳۰ تا ۷۰ سال تعیین گردیده است.

داده‌های آمار پژوهش حاضر دربارهٔ سن نمایندگان ادوار قانونگذاری بعد از اجرای اصلاحات ارضی به موجب جدول شماره ۱ نشان میدهد، دورهٔ بیست و یکم جوانترین دورهٔ مجلس شورای ملی در میان ادوار عصر دوم و سوم مشروطیت میباشد. چه نزدیک به ۷۷ درصد نمایندگان این دوره در گروه سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال قرار دارند که از این نسبت، ۲۳ درصد بین ۳۰ تا ٤۰ ساله میباشند. و باز بموجب همین جدول نسبت گروه سنی بین ۳۰ تا ۵۰ ساله در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم (به ترتیب با نسبت ۷۰ و حدود ۵۱ درصد) بتدریج رو به کاهش میگذارد. و نسبت گروه سنی جوان کمتر از ٤۰ ساله نیز از ۲۳ درصد دورهٔ بیست و یکم به ۱٦/۹ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۱۰ درصد به دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری تقلیل یافته است.

به بیان دیگر، بر مبنای داده‌های آماری جدول شماره ۱، روند کلی پراکندگی گروه‌های سنی در سه دورهٔ مود بحث ما و مقایسهٔ آن با سه عصر مشروطیت (بیست دورهٔ مشروطیت قبل از قانون مصوب ششم بهمن ماه ۱۳٤۱ شمسی) روشنگر، کاهش درصد جوانترین گروه و تثبیت نسبی درصد گروه بین ٤۰ تا ۵۰ سال (بین ۳۵ تا ۳۹ درصددرسه‌عصرمشروطیت)وافزایش قابل ملاحظه درصد گروه سنی از ۵۰ سال به بالا میباشد. (از ۲۹ درصد دورهٔ بیست و یکم به ۳۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم و به بیش از ٤۹ درصد در دورهٔ بیست و سوم افزایش نشان میدهد.[1])

۱ـ ٤۵/۲ درصد گروه سنی در دورهٔ ۲٤ مجلس شورای ملی

جدول شماره ۱ - ترکیب گروه‌های سنی نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
گروه سنی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۹۶		۱۶۰		۱۵۶	
گروه سنی بین ۳۵ — ۳۰	۱۸	۹/۲	۷	۴/۴	۱	۰/۶
گروه سنی بین ۴۰ — ۳۵	۲۷	۱۳/۸	۲۰	۱۲/۵	۱۴	۹/۰
گروه سنی بین ۴۵ — ۴۰	۵۸	۲۹/۶	۳۶	۲۲/۵	۲۶	۱۶/۷
گروه سنی بین ۵۰ — ۴۵	۴۷	۲۴/۰	۴۹	۳۰/۶	۳۸	۲۴/۴
گروه سنی بین ۵۵ — ۵۰	۲۵	۱۲/۸	۲۸	۱۷/۵	۴۷	۳۰/۱
گروه سنی بین ۶۰ — ۵۵	۱۲	۶/۱	۱۷	۱۰/۶	۱۷	۱۰/۹
گروه سنی بین ۶۵ — ۶۰	۸	۴/۰	۳	۱/۹	۱۱	۷/۰
از ۶۵ سال به‌بالا	۱	۰/۵	-	-	۲	۱/۳
جمع کل	۱۹۶	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

در فصل سوم این بخش، ضمن بحث از علل پیر شدن مجلس در عهد دوم و سوم مشروطیت، یک علت این امر را بدین نحو تفسیر کردیم که: نماینده‌گان عصر دوم و سوم مشروطیت، سابقهٔ بیش از یک دورهٔ نماینده‌گی مجلس را داشته‌اند، از همین‌جا میتوان یکی از علل جوانی دورهٔ بیست و یکم را دریافت. چه ۷۸ درصد نماینده‌گان دورهٔ مذکور بدون سابقه وکالت بوده‌اند و تنها ۲۲ درصد نماینده‌گان در ادوار مختلف قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی سابقهٔ نماینده‌گی مجلس شورای ملی را داشته‌اند.

باید افزود نسبت گروه جدید بدون سابقه در ادوار بیست و دوم و بیست و سوم به ترتیب از ۷۸ درصد دورهٔ بیست و یکم به ۵٦ و ۵۵ درصد کاهش می‌یابد.[1]

جدول شماره ۲ روشن میسازد. از میان ۲۲ درصد نماینده‌گان با سابقه وکالت مجلس شورای ملی در دورهٔ بیست و یکم بیش از ۱۳ درصد دو دوره و ۱۵ درصد با سه دوره و ۷ درصد از دورهٔ هیجدهم قانونگذاری به بعد همچنان کرسی نماینده‌گی خود را حفظ کرده‌اند.

شمار این گروه در دورهٔ بیست و دوم همچنانکه اشاره شد روبافزایش بوده است، بطوری که حدود ۳۲ درصد کل نماینده‌گان این دوره با ۲ دوره سابقه نماینده‌گی و حدود ۸ درصد با ۳ دوره نماینده‌گی و ٤ درصد از دورهٔ نوزدهم قانونگذاری و بیش از ۱ درصد نیز با ۵ دوره سابقه وکالت، همچنان موقع سیاسی خود را در مجلس حفظ کرده‌اند.

کیفیت ترکیب نماینده‌گان با سابقه وکالت در دورهٔ بیست و سوم را میتوان چنین بیان داشت. از میان ۱۲۱ تن نماینده با سابقه، ٤۵ تن ۲ دوره و ۵۳ تن با ۳ دوره و ۱٤ تن از دوره بیستم قانونگذاری و ۷ تن از دورهٔ نوزدهم و ۲ تن از نماینده‌گان از دورهٔ هیجدهم مجلس شورای ملی، همچنان کرسی وکالت را در تصرف داشته‌اند.

1- دورهٔ بیست و چهارم تعداد نماینده‌گان با سابقه وکالت به ۲۲ درصد در برابر ۷۸ درصد گروه جدید قرار دارد.

جدول شماره ۲ ـ وضع سابقهٔ عضویت مجلس شورای ملی نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
تعداد دوره‌های عضویت	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۹۶		۲۱۲		۲۶۸	
نمایندگان با یک دوره عضویت	۱۵۳	۷۸/۰	۱۱۸	۵۵/۷	۱۴۷	۵٤/۸
نمایندگان با دو دوره عضویت	۲۶	۱۳/٤	٦۷	۳۱/٦	٤۵	۱٦/۸
نمایندگان با سه دوره عضویت	۱۰	۵/۰	۱٦	۷/۵	۵۳	۱۹/۸
نمایندگان با چهار دوره عضویت	۷	۳/٦	۸	۳/۸	۱٤	۵/۲
نمایندگان با پنج دوره عضویت	-	-	۳	۱/٤	۷	۲/٦
نمایندگان با شش دوره عضویت	-	-	-	-	۲	۰/۸
جمع کل	۱۹۶	۱۰۰	۲۱۲	۱۰۰	۲۶۸	۱۰۰

شغل نماینده‌گان

به موجب داده‌های پژوهش حاضر در مورد متغیر شغل نماینده‌گان در ادوار مجالس بعد از اجرای اصلاحات ارضی و مقایسه آن بابیست دوره گذشتهٔ قانونگذاری، همچنانکه اشاره شد انعکاس احوال اجتماعی را کم و بیش در ترکیب گروه‌های شغلی نماینده‌گان این ادوار مشاهده می‌کنیم.

توضیح آنکه، به موجب جدول شماره ٤ که بر اساس فعالیت عمده نماینده‌گان پیش از احراز مقام نمانیده‌گی و بموجب اطلاعات حاصل از اعتبارنامه‌ها و پرسشنامه‌ها تنظیم شده است. معلوم میدارد که حدود ٦٠ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم در سلک کارمندان دولت بوده‌اند، ولی نسبت این گروه در ادوار بعدی روبفزونی میگذارد. و به حدود ٧٦ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ٦٥ درصد در دورهٔ بیست و سوم میرسد. که در مقام مقایسه با ادوار سه‌گانه مشروطیت، نسبت این گروه از نماینده‌گان با ٤٤ درصد کارمند دولت در عصر اول مشروطیت، و ٣٩ درصد عصر دوم و ٤٦ درصد عصر سوم، در تاریخ ترکیب گروه‌های شغلی نماینده‌گان مجلس بی‌سابقه می‌باشد.

باید یادآور شد در میان این گروه از نماینده‌گان: حدود ١١ درصد در دورهٔ بیست و یکم، و بیش از ١٤ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ١٨ درصد در دورهٔ بیست و سوم علاوه بر شاغل بودن در بخش دولتی، به گروه‌های شغلی دیگری از جمله: مالکیت، و مشاغل آزاد تخصصی عالی همچون روزنامه‌نگاری، طبابت، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی و اموری جز اینها تعلق داشته‌اند.

همچنانکه پیش از این اشاره کردیم، عصر دوم مشروطیت آغاز توسعه سازمانهای اداری و عصر سوم مشروطیت دوران پیشرفت و تکامل این تشکیلات بوده است.

اجرای قانون اصلاحات ارضی و بدنبال آن کاهش قدرت عمده مالکان، در برابر اهمیت طبقهٔ کارمندان اداری که روزبروز روبافزایش بوده است، بتدریج موجبات تسلط طبقهٔ اخیر را در اداره امور مملکت فراهم میکند. بعبارت دیگر کارمندان دولت در میان طبقهٔ حاکمه مملکت جا باز میکنند. بویژه از طریق ورود در دستگاه قانونگذاری بتدریج جای اشراف و عمده مالکان را می‌گیرند و در سلک طبقهٔ ممتاز در می‌آیند.

برای شناخت دقیق حرفه یا حرفه‌های نماینده‌گان قبل از احراز مقام وکالت چندین پرسش مطرح شده که مبنای پاسخهای متعدد نماینده‌گان به مجموع پرسشها،

جدول شماره ٤ ـ ترکیب مشاغل نمایندگان دوران بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی براساس فعالیت عمده آنها

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان پاسخداده	۱۹٦		۱٦۰		۱۵٦	
کارمند دولت	۹۵	٤۸/۵	۹۹	٦۱/۹	۷۳	٤٦/۸
کارمند دولت و ملاک	٤	۲/۰	٤	۲/۵	٤	۲/٦
« و صاحب مشاغل تخصصی‌عالی	۱۷	۸/۷	۱۸	۱۱/۳	۲۲	۱٤/۱
مشاغل آزاد تخصصی عالی	۱۵	۷/۷	۱۲	۷/۵	۲٤	۱۵/٤
مالکیت و مشاغل تخصصی‌عالی	٤	۲/۰	۱	۰/٦	-	-
مالک و تاجر	۳	۱/۵	۲	۱/۳	۱	۰/٦
تاجر	۸	٤/۱	۵	۳/۱	۱	۰/٦
تاجر و مشاغل تخصصی‌عالی	-	-	-	-	۱	۰/٦
کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	۱۱	۵/٦	-	-	۹	۵/۸
« و مشاغل تخصصی‌عالی	۱	۰/۵	۱	۰/٦	۱	۰/٦
روحانی	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۱	۰/٦
اصناف	۳	۱/۵	۲	۱/۳	-	-
خانه‌دار	۱	۰/۵	۱	۰/٦	۱	۰/٦
کارگرشاغل دربخشهای دولتی	۹	٤/٦	۷	٤/٤	۵	۳/۲
مالک و کشاورز	۲٤	۱۲/۳	٦	۳/۷	٦	۳/٤
کارمند دربار	-	-	-	-	۱	۰/٦
کارمند دولت ومشاغل هنری	-	-	۱	۰/٦	۲	۱/۳
اظهارنشده	-	-	-	-	٤	۲/٦
جمع کل	۱۹٦	۱۰۰	۱٦۰	۱۰۰	۱۵٦	۱۰۰

جداول آماری شماره ۵ و ٦ تنظیم گردیده است و ما در اینجا بنا بشیوه قبلی خود بنام جدول چند شغلی (جدول شماره ۵) و یک شغلی (جدول شماره ٦) از آن نام میبریم.

از بررسی جدول شماره ٦ - با در نظر داشتن یک شغل برای هر نماینده درصد نماینده‌گان کارمند دولت نسبتی بیش از شرح گذشته که بر مبنای فعالیت عمده شغلی یاد کردیم بدست میاید.

توضیح آنکه به موجب داده آماری جدول مذکور بیش از ٦۹ درصد نماینده‌گان در دورهٔ بیست و یکم در بخش دولتی شاغل بوده‌اند. نسبت این گروه در ادوار بعدی همچنان سیر صعودی می‌پیماید و به بیش از ۷۷ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ۷۳ درصد در دورهٔ بیست و سوم میرسد.

نگاهی به جدول شماره ۵ مربوط به میانگین نسبت مشاغل نماینده‌گان بیست دوره قبل از اجرای اصلاحات ارضی در دوره‌های مختلف سه عصر مشروطیت و مقایسه آن با سه دوره اخیر تأیید مطلب پیشین ما است مبنی بر دگرگونی هستهٔ طبقه حاکم کشور می‌باشد.

از بررسی داده‌های آماری جدول مذکور و مقایسه آن با جدول شماره ٦ بعد از اجرای اصلاحات ارضی چند نکته جلب توجه میکند: نخست آنکه، هرچند عصر اول مشروطیت مجلس بظاهر تابع کارمندان بوده است و با نسبت ٤٤ درصد اکثریت گروه نماینده‌گان را داشته‌اند، ولی در مقابل این نسبت، گروه نماینده‌گان مالک با ۳۹ درصد قرار گرفته‌اند که اختلاف فاحشی از لحاظ اکثریت و تابعیت بین دو گروه مزبور دیده نمیشود حال آنکه در سه دورهٔ اخیر عصر مشروطیت اختلاف نسبت دو گروه کارمند و مالک چشمگیر و در خور توجه است.

به بیان روشنتر، در دوره بیست و یکم ٦۹ درصد نماینده‌گان شاغل در بخش دولتی در برابر ۳۵ درصد گروه مالکان، و در دورهٔ بیست و دوم حدود ۷۸ درصد کارمند دولت در برابر ٤۷ درصد مالک، و در دورهٔ بیست و سوم ۷۳ درصد در برابر ٤٤ درصد قرار دارند.

یادآور می‌شویم که پنج دوره اول قانونگذاری به موجب جدول شماره ۳ مربوط به مشاغل نماینده‌گان در بیست دوره قانونگذاری نشان میدهد که تنها دو دورهٔ اول و سوم قانونگذاری است که در آن مجلس تابع نماینده‌گان کارمند نبوده است ولی در سایر

جدول شماره ۵ - ترکیب مشاغل نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی (به‌اعتبار چندشغلی)

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان پاسخ‌داده	۱۹۶		۱۶۰		۱۵۶	
کارمندان دولت	۷۱	۳۶/۳	۳۴	۲۱/۳	۳۸	۲۴/۴
کارمندان دولت، ملاک	۳۰	۱۵/۳	۵۱	۳۱/۹	۳۴	۲۱/۸
" وصاحبان مشاغل تخصصی	۱۹	۹/۷	۲۳	۱۴/۴	۲۲	۱۴/۳
" ، " و کارخانه‌دار	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
" و تاجر	۲	۱/۰	۲	۱/۲	-	-
" و مالک، مشاغل تخصصی عالی	۸	٤/۱	۱۰	٦/۳	۱٦	۱۰/۳
" و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و " و ملاک	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/٦
" و ملاک، سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	-	-
" " ، و تاجر	۲	۱/۰	۱	۰/٦	۱	۰/٦
تاجر و صاحب مشاغل تخصصی عالی	۲	۱/۰	۲	۱/۲	۱	۰/٦
تاجر و مالک	٦	۳/۱	٤	۲/۵	-	-
" و ملاک، مشاغل آزاد	۲	۱/۰	۱	۰/٦	۱	۰/٦
تاجر	٤	۲/۰	۲	۱/۲	۱	۰/٦
ملاک و کشاورز	۱۷	۸/۷	٤	۲/۵	۷	٤/۵
" و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	۱	۰/۵	-	-	۲	۱/۳
" وصاحبان مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	٤	۲/۵	٦	۳/۹
کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی	۵	۲/٦	-	-	-	-
" و سهامدار کارخانه‌ها	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/٦
" و زارع	۱	۰/۵	-	-	-	-
صاحبان مشاغل عالی تخصصی	۸	٤/۱	۷	٤/٤	۱٤	۹/۰
" و سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	-	-
اصناف	۳	۱/۵	-	-	-	-
کارگر شاغل دربخش دولتی	۵	۲/٦	۸	۵/۰	۵	۳/۲
زارع	۱	۰/۵	-	-	-	-
خانه‌دار	۱	۰/۵	۱	۰/٦	۲	۱/۳
کارمند دولت وشغل آزاد	-	-	۳	۱/۹	۱	۰/٦
مشاغل آزاد	-	-	۳	۱/۹	۱	۰/٦
" و مالک	-	-	-	-	۱	۰/٦
جمع کل	۱۹٦	۱۰۰	۱٦۰	۱۰۰	۱۵٦	۱۰۰

ادوار این عصر، اکثریت قابل توجه را گروه مذکور در مقابل نماینده‌گان مالک داشته‌اند.

از نقطه نظر مشابهت ترکیب گروه‌های شغلی، میتوان گفت که ادوار سه دورهٔ اخیر مورد بررسی ما، مشابهتی نزدیک با دورهٔ چهارم قانونگذاری دارد. با این اختلاف که در دورهٔ چهارم مجلس، روحانیان نسبت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (با نسبت ۲٤ درصد) و درجهٔ سوم اکثریت را بعد از کارمندان دولت و مالکان حایز بوده‌اند، حال آنکه در ادوار سه‌گانه اخیر مشروطیت، صاحبان مشاغل آزاد تخصصی عالی همچون، پزشکان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی، با نسبت حدود ۲۱ درصد در دورهٔ بیست و یکم و حدود ۲۹ درصد در دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۳۹ درصد در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری بتدریج درصد بیشتری از کرسیهای مجلس شورای ملی را تصاحب کرده‌اند.

ردیف ۹ جدول شماره ٦ـ نمودار آغاز تحولی در کیفیت ترکیب گروه‌های اجتماعی مجلس شورای ملی می‌باشد. توضیح آنکه اقلیت ضعیفی از گروه نماینده‌گان برای اولین بار در تاریخ مشروطیت با سابقهٔ کارگری به مجلس راه یافته‌اند، از نسبت این گروه در دورهٔ بیست و یکم با ٤/٦ درصد و در دورهٔ بیست و دوم ۵ درصد و دورهٔ بیست و سوم ۳/۲ درصد یاد می‌شود.

اینگروه همچنانکه بیان داشتیم هرچند در مقابل نماینده‌گان شاغل در بخشهای دولتی و همچنین نماینده‌گان مالک، صاحبان حرف و فنون تخصصی عالی و گروه بازاریان شمار اندکی دارند. ولی از آنجا که در سه دورهٔ اخیر مشروطیت نخستین گامی بوده است که طبقهٔ کارگر برای احراز کرسیهای مجلس و تحرک ارتقایی برداشته‌اند شایان توجه می‌باشد.[1]

گروه اقلیت نوظهور دیگری که در ترکیب متغیر شغلی نماینده‌گان این مجلس دیده می‌شود و همچنانکه از پیش اشاره شد انعکاس تغییر قانون انتخابات می‌باشد. حضور گروه زنان اعم از شاغل و خانه‌دار می‌باشد.

نکته در خور یادآوری از مقایسه ترکیب شغلی نماینده‌گان بعد از اجرای

از گروه نما ر مجلس بیست و چهارم با قید احتمال با ////
درصد میتوان یاد کرد

جدول شماره ٦ - وضع مشاغل نمایندگان ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی (به‌اعتبار یک شغلی)

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	١٩٦		١٦٠		١٥٦	
کارمند دولت	١٣٦	٦٩/٤	١٢٤	٧٧/٥	١١٤	٧٣/١
ملاک	٦٩	٣٥/٢	٧٥	٤٦/٩	٦٩	٤٤/٢
صاحبان مشاغل تخصصی عالی	٤١	٢٠/٩	٤٦	٢٨/٨	٦١	٣٩/١
بازرگان	١٩	٩/٦	١٢	٧/٥	٤	٢/٦
کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	١١	٥/٦	-	-	٤	٢/٦
صاحبان صنایع و سرمایه‌داران	٥	٢/٥	-	-	١	٠/٦
مشاغل آزاد	-	-	٧	٤/٤	٤	٢/٦
خانه‌دار	١	٠/٥	١	٠/٦	٢	١/٣
کارگر	٩	٤/٦	٨	٥/٠	٥	٣/٢
اصناف	٤	٢/٠	-	-	-	-
زارع	٢	١/٠	-	-	-	-
جمع کل						

اصلاحات ارضی با نمایندگان بیست دوره قبل از آن بموجب داده‌های جدول‌شماره ۳ مربوط به مشاغل نمایندگان با جدول شماره ٦ مورد بحث ما، کاهش تدریجی گروه نمایندگان روحانی به ویژه از دوره‌های هشتم و نهم قانونگذاری به بعد می‌باشد. یافته‌های ما نشان میدهد که نسبت روحانیان ازبا ۲٤ درصد در عصر اول مشروطیت به ۱۱ درصد در عصر دوم، و ۱٤ درصد در عصر سوم مشروطیت تقلیل می‌یابد بطوری که در سه ادوار اخیر بعد از اصلاحات ارضی می‌بینیم این گروه بعنوان نمایندهٔ مجلس موقع رهبری سیاسی خود را از دست داده‌اند و سهمی مستقیم در سیاست قانونگذاری کشور نداشته‌اند.

به موجب جدول شماره ۷ـ در میان گروه نمایندگان شاغل در بخش خدمات دولتی، در دورهٔ بیست و یکم بیش از ۳٦ درصد تنها به کارمندی دولت اشتغال داشته‌اند، ولی نسبت این گروه در دوره‌های بیست و دوم و بیست و سوم قانونگذاری به ترتیب به ۲۱ و بیش از ۲٤ درصد میرسد.

داده‌های آماری ما در این جدول نشانگر آنست که بیش از ۱۵ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و یکم و افزون بر ۳۲ درصد کل جمعیت مورد بررسی دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۲۲ درصد گروه نمایندگان با سابقهٔ خدمات دولتی، در دورهٔ بیست و سوم علاوه بر مزایای کارمندی به ملکداری اشتغال داشته‌اند و از عواید مالکیت کشاورزی و مستغلات نیز سود می‌جسته‌اند.

نمایندگانی که همزمان با انجام خدمات دولتی به مشاغل فنی دیگری همچون: طبابت، روزنامه‌نگاری، وکالت دادگستری و مشاور حقوقی و جز اینها که ما از آن با عنوان مشاغل آزاد تخصصی عالی یاد میکنیم در مرتبه سوم از اکثریت قرار دارند و بطوری که ملاحظه می‌شود با گذشت زمان درصد این گروه افزایش می‌یابد.

۱٤ درصد نمایندگان مذکور در دورهٔ بیست و یکم و بیش از ۲۰ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و دوم، و ۲۵ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و سوم گویای این مطلب می‌باشد.

باید افزود در جمع ۱۳٦ تن گروه نمایندگان با سابقه کارمندی در دورهٔ بیست و یکم ٤ تن علاوه بر کارمندی و مالکیت به تجارت نیز پرداخته‌اند. در دورهٔ بیست و دوم شمار این گروه از کارمندان به ۳ تن از ۱۲٤ تن. در دورهٔ بیست و سوم یک تن از جمع

جدول شماره ۷ ـ وضع مشاغل گروه نمایندگان کارمند دولت و مشاغل اضافی در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
کارمند دولت	۷۱	۳۶/۱	۳۴	۲۱/۲	۳۸	۲۴/۴
کارمند دولت و مالک	۳۰	۱۵/۳	۵۱	۳۱/۹	۳۴	۲۱/۸
" و مشاغل تخصصی و کارخانه‌دار	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
" و مشاغل عالی تخصصی	۱۹	۹/۷	۲۳	۱۴/۴	۲۲	۱۴/۱
" و مالک و مشاغل تخصصی	۸	۴/۱	۱۰	۶/۲	۱۶	۱۰/۳
" و کارمند مؤسسات ملی	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و " وملاک	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
" و ملاک و سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و " و تاجر	۲	۱/۰	۱	۰/۶	۱	۰/۶
" و تاجر	۲	۱/۰	۲	۱/۳	-	-
" و مشاغل آزاد	-	-	۳	۱/۹	۱	۰/۶
جمع کل	۱۳۶	۶۹/۴	۱۲۴	۷۷/۵	۱۱۴	۷۳/۱

۱۱٤ نماینده کارمند دولت به امر بازرگانی نیز اشتغال داشته‌اند.

اشاره شد که آن دسته از نماینده‌گان که در پاسخ به سؤالهای مربوط به مشاغل و منابع درآمد خود از مزایای مالکیت نیز برخوردار بوده‌اند. نسبتی چشمگیر بعد از گروه نماینده‌گان شاغل در بخش خدمات دولتی داشته‌اند.

جدول شماره ۸ که شمار و درصد نماینده‌گان مالک و مشاغل اضافی را نشان میدهد. برحسب انتظار کاهش درصد مالکین بزرگ را نشان میدهد. و بطوری که ملاحظه می‌کنیم، از میان ۳۵ درصد نماینده‌گان مالک دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری قریب ۹ درصد، و از حدود ٤۷ درصد مالکان صاحب کرسی وکالت در دورهٔ بیست و دوم تنها ۲/۵ درصد، و از کل ٤٤/۲ درصد گروه نماینده‌گان مالک دورهٔ بیست و سوم نزدیک به ۵ درصد، به مشاغل دیگری جز مالکیت نه پرداخته‌اند. و شغل عمده و منابع درآمد خود را از طریق مالکیت اراضی مزروعی ذکر کرده‌اند.

از میان ۲٦/۵ درصد گروه نماینده‌گان مالک با مشاغل اضافی دورهٔ بیست و یکم: ۲۲ درصد علاوه بر مالکیت بکارمندی دولت نیز پرداخته‌اند و جمعی همزمان با کارمندی به مشاغل دیگری از جمله مشاغل فنی و تخصصی، تجارت و مشاغل مختلف آزاد دیگر را نیز عهده‌دار بوده‌اند.

در دو دوره بیست و دوم و بیست و سوم نیز: آن دسته از نماینده‌گانی که پیش از ورود به مجلس کشاورزی و ملاکی را هم در زمرهٔ مشاغل متعدد خود آورده‌اند، اکثریت با گروه نماینده‌گانی است که علاوه بر مالکیت، فعالیت عمده آنان کارمندی دولت بوده است و این معنی را از آمار جدول شماره ۸ بدین شرح میتوان دریافت.

از میان ٤٤ درصد گروه مالکان در دورهٔ بیست و دوم، و حدود ٤۰ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و سوم، نزدیک به ۳۲ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۲۲ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و سوم، هم شاغل در بخش خدمات دولتی بوده‌اند و هم مالک املاک مزروعی.

باید افزود ۱۲/۵ درصد بقیه نماینده‌گان مالک دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۱۸ درصد نماینده‌گان همین گروه در دورهٔ بیست و سوم علاوه بر مالکیت و کارمندی، به مشاغل آزاد تخصصی، بازرگانی، مشاغل آزاد دیگر نیز پرداخته‌اند.

جدول شماره ۸ ـ وضع گروه نمایندگان مالک و مشاغل اضافی در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
مالک و کشاورز	۱۷	۸/۷	٤	۲/۵	۷	٤/۵
مالک و کارمند دولت	۳۰	۱۵/۳	۵۱	۳۱/۹	۳۳	۲۱/۸
" و " و مشاغل تخصصی دولتی	۸	٤/۱	۱۰	۱٦/۳	۱٦	۱۰/۳
" و " و کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/٦
" و " و سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/٦
" و " و تاجر	۲	۱/۰	۱	۰/٦	-	-
مالک و تاجر	٦	۱/۳	٤	۲/۵	-	-
مالک و تاجر و مشاغل آزاد	۲	۱/۰	۱	۰/٦	۱	۰/٦
مالک و کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۰/۵	-	-	۲	۱/۳
مالک و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	٤	۲/۵	٦	۳/۹
مالک و مشاغل آزاد	-	-	-	-	۱	۰/٦
جمع گروه مالک	٦۹	۳۵/۲	۷۵	٤٦/۹	٦۹	٤٤/۲

نکتهٔ گفتنی در جدول شماره ۹- درباره نمایندگانی است که رشته‌های فنی و تخصصی عالی، همچون پزشکی، روزنامه‌نگاری، وکالت دادگستری و اموری جز اینها را در پاسخ به سؤال مربوط به حرفه و منابع درآمد خود ذکر کرده‌اند.

بررسی داده‌های آماری مربوط به جداول شغلی نمایندگان ادوار سه‌گانه مشروطیت و ادوار بعد از اجرای اصلاحات ارضی، همچنانکه در پیش بیان شد، نشان از افزایش نسبت این گروه، در مقابل کاهش نمایندگان روحانی و بازاری را دارد.

بطوری که گروه صاحبان مشاغل آزاد تخصصی با نسبت ۱۲ درصد و در مرتبه پنجم از اکثریت در عصر حکومت قاجاریان، به درجهٔ سوم از اکثریت با نسبتهای ۱۷ و ۱۹ درصد به ترتیب به عصر دوم و سوم مشروطیت و حکومت خاندان پهلوی افزایش پیدا می‌کند. و این سیر فزونی در ادوار بعد از قانون مصوب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ همچنان ادامه داشته و درصد گروه نمایندگان مذکور در فوق به تدریج به حدود ۲۱ درصد در دورهٔ بیست و یکم و ۲۹ درصد در دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۲۹ درصد به دورهٔ بیست و سوم میرسد.

اضافه میکنیم که در دورهٔ بیست و یکم از میان حدود ۲۱ درصد نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی عالی بیش از ۱٤ درصد به مشاغل دولتی نیز اشتغال داشته‌اند و تنها ٤ درصد آنها گویا فقط بکار اختصاصی خود می‌پرداخته‌اند.

در دورهٔ بیست و دوم نیز اکثریت این گروه با نمایندگانیِ است که علاوه بر حرفه تخصصی، بخدمات دولتی نیز با نسبت حدود ۲۱ درصد مشغول بوده‌اند.

در مجلس بیست و سوم، $\frac{۲}{۳}$ گروه مذکور در فوق، کار اختصاصی را همزمان با خدمات در بخش دولتی تا پیش از انتخاب به نمایندگی مجلس عهده‌دار بوده‌اند. و حدود ۱۳ درصد از همین گروه، حرفه تخصصی فنی و مالکیت را تواماً داشته‌اند.

از جدول شمارهٔ ۱۰ که نمایانگر وضع گروه نمایندگان بازاری می‌باشد، چنین برمی‌آید که از میان ۱۰ درصد نمایندگان تاجر دورهٔ بیست و یکم، تنها ۲ درصد آنها مشاغل اضافی نداشته‌اند و ۳ درصد علاوه بر تجارت بمالکیت نیز پرداخته‌اند، و ۵ درصد بقیه، اموری همچون روزنامه‌نگاری، کارمندی دولت و مشاغل دیگر را عهده‌دار بوده‌اند.

در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم شمار گروه نمایندگان بازرگان و بازاری

جدول شماره ۹ ـ وضع مشاغل گروه نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی عالی و مشاغل اضافی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان	۱۹۹		۱۶۰		۱۵۶	
صاحبان مشاغل تخصصی عالی	۸	۴/۱	۷	۴/۴	۱۴	۹/۰
" و کارمند دولت و سرمایه‌دار	-	-	-	-	۱	۰/۶
" و کارمند دولت و مالک	۸	۴/۱	۱۰	۶/۳	۱۶	۱۰/۳
صاحبان مشاغل و تاجر	۲	۱/۰	۲	۱/۲	۱	۰/۶
صاحبان مشاغل و مالک	-	-	۴	۲/۵	۶	۳/۹
" و کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
صاحبان مشاغل و کارمند دولت	۱۹	۹/۷	۲۳	۱۴/۴	۲۲	۱۴/۳
صاحبان مشاغل و ملاک و روحانی	۱	۰/۵	-	-	-	-
صاحبان مشاغل و سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و کارمند دولت و تاجر	۱	۰/۵	-	-	-	-
جمع گروه صاحب مشاغل تخصصی عالی	۴۱	۲۰/۹	۴۶	۲۸/۸	۶۱	۳۹/۱

کاهش می‌یابد و تنها ۱۲ تن از ۲۱۲ تن کل نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم، و ٤ تن از مجموع ۲۶۸ تن نماینده‌گان دورهٔ بیست و سوم به کسب و تجارت همراه با مشاغل دیگری همچون کارمندی دولت، مالکیت و مشاغل آزاد تا قبل از احراز کرسیهای مجالس قانونگذاری مشغول بوده‌اند.

اطلاعات بدست آمده از منابع مکتوب ما از جمله اعتبارنامه‌ها و پاسخ گروه نماینده‌گان بسؤالهای متعدد پرسشنامه‌ها راجع به مشاغل و منابع درآمد نماینده‌گان حکایت از آن دارد که حدود ۹ تن از وکلای مورد پژوهش ما بعنوان نماینده کارگران به مجلس بیست و یکم، و ۸ تن در دورهٔ بیست و دوم، و ۵ تن در دورهٔ بیست و سوم به مجالس قانونگذاری دوران بعد از اجرای اصلاحات ارضی راه یافته‌اند. باید اضافه کنیم که این عده از نماینده‌گان که گویا در سازمانهای دولتی یا مؤسسات غیر دولتی خدمت خود را با کارگری آغاز کرده‌اند و بتدریج بکارمندی و سپس به نماینده‌گی کارگران در مجلس شورای ملی ارتقاء یافته‌اند.

جداول شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ نمودار وضع گروه‌های کارمند مؤسسات غیر دولتی، و مشاغل آزاد، و سرمایه‌دار و مشاغل اضافی آنها می‌باشد. این هر سه گروه اقلیت ضعیفی را در مقابل گروه‌های شغلی دیگر که بشرح آن پرداختیم دارند. افزوده بر این اکثر آنها مشاغل نامبرده، فعالیت عمده آنها را تشکیل نمیداده است و همزمان با این اشتغالات، به امور دیگری همچون کارمندی دولت، ملکداری، مشاغل فنی تخصصی و تجارت سر گرم بوده‌اند.

جدول شماره ۱۰ - وضع مشاغل گروه نمایندگان بازاری و مشاغل اضافی در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
تاجر	۴	۲	۲	۱/۲	۱	۰/۶
تاجر و کارمند دولت	۲	۱/۰	۲	۱/۳	-	-
تاجر و کارمند دولت و مالک	۲	۱/۰	۱	۰/۶	۱	۰/۶
تاجر و صاحب مشاغل تخصصی عالی	۲	۱/۰	۲	۱/۳	۱	۰/۶
تاجر و مالک	۶	۳/۱	۴	۲/۵	-	-
تاجر و مالک و مشاغل آزاد	-	-	۱	۰/۶	۱	۰/۶
تاجر و مالک و سرمایه‌دار	۲	۱/۰	-	-	-	-
" و کارمند دولت و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	-	-	-	-
جمع گروه نمایندگان باسابقه بازاری	۱۹	۹/۶	۱۲	۷/۵	۴	۲/۴

جدول شماره ۱۱ - وضع مشاغل گروه نمایندگان کارمند مؤسسات غیردولتی و مشاغل اضافی در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی	۵	۲/۶	-	-	-	-
" و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
" و ملاک	۲	۱/۰	-	-	۲	۱/۳
" و کارمند دولت و ملاک	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
" و سرمایه‌دار	۱	۰/۵	-	-	-	-
" و کارمند دولت	۱	۰/۵	-	-	-	-
جمع گروه نمایندگان کارمند	۱۱	۵/۶	-	-	۴	۲/۵

جدول شماره ۱۲ - وضع مشاغل گروه نمایندگان مشاغل آزاد و مشاغل اضافی در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
مشاغل آزاد	-	-	۳	۱/۹	۱	۰/۶
مشاغل آزاد و ملاک	-	-	-	-	۱	۰/۶
مشاغل آزاد و ملاک و تاجر	-	-	۱	۰/۶	۱	۰/۷
مشاغل آزاد و کارمند دولت	-	-	۳	۱/۹	۱	۰/۷
جمع گروه نمایندگان باسابقه مشاغل آزاد	-	-	۷	۴/۴	۴	۲/۶

جدول شماره ۱۳ - وضع گروه نمایندگان سرمایه‌دار و مشاغل اضافی در دوران بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۶۹		۱۶۰		۱۵۶	
سهامدار کارخانه و صاحب مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۵	-	-	۱	۰/۶
سهامدار کارخانه و کارمند دولت و ملاک	۱	۰/۵	-	-	-	-
سهامدار کارخانه و تاجر و مالک	۲	۱/۰	-	-	-	-
سهامدار کارخانه و کارمند مؤسسات ملی	۱	۰/۵	-	-	-	-
جمع گروه نمایندگان سرمایه‌دار	۵	۲/۵	-	-	۱	۰/۶

منابع درآمد نمایندگان

بمنظور تکمیل پژوهش حاضر دربارهٔ تعیین گروه شغلی نمایندگان، تجزیه و تحلیل پاسخ مستقیم نمایندگان را در مورد منابع درآمد آنها قبل از انتخاب به نمایندگی ملحوظ میداریم.در تایید مطالب پیشین درباره حرفه و شغل نمایندگان با توجه به جدول شماره ۳ که نمودار منبع درآمد گروه مورد مطالعه ما می‌باشد مطالبی بدین شرح آورده می‌شود.

داده‌های آماری مربوط به پاسخ نمایندگان در این باب مشخص می‌سازد که، اکثریت نمایندگان منابع درآمدشان با بیش از ٦٨ درصد (در دورهٔ بیست و یکم) و ۷۰ درصد (در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم) از حقوق دولتی تأمین می‌شده است.

ناگفته نماند که مزایا و حقوق کارمندی به موجب آمار جداول ما قسمتی از درآمد آنها را تشکیل میداده است. بطوری که از نسبتهای ذکر شده در هر یک از ادوار قانونگذاری بعد از اصلاحات ارضی گروه نمایندگانی که صرفاً از طریق حقوق دولتی امرار معاش میکرده‌اند اندک می‌باشد و بموجب جدول مذکور، در دورهٔ بیست و یکم نسبت این گروه ۲۸ درصد از ٦٨ درصد بوده است و منابع درآمد ٤٠ درصد بقیه گروه مورد بحث، علاوه بر حقوق دولتی از منابع حاصل از اشتغالات مختلف و متعدد دیگر بهره‌مند بوده‌اند.

و درصد اندک نمایندگان همین گروه را در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم به ترتیب با بیش از ۲۳ درصد (دورهٔ بیست و دوم)، و حدود ۳۰ درصد (دورهٔ بیست و سوم) از کل ۷۰ درصد نمایندگان هر دو دوره میتوان جست. در واقع میتوان گفت که بیشترین درصد منابع تأمین معاش نمایندگان علاوه بر حقوق دولتی از منابع متعددی همچون: مالکیت، مشاغل فنی و تخصصی و تجارت و اموری جز اینها تأمین می‌شده است (با نسبتهای ٤٧ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و ٤٠ درصد در دورهٔ بیست و سوم) بعد از گروه حقوق بگیران، بیشترین درصد نمایندگان را گروه مالکان اراضی مزروعی و مستغلات تشکیل می‌دهد، داده‌های آماری جدول شماره ۳، نسبت این گروه را در حدود ٤٤ درصد (دورهٔ بیست و یکم) و ٤٥ درصد (دورهٔ بیست و دوم) و ٤١ درصد (دورهٔ بیست و سوم) نشان میدهد.

پدیده انعکاس روی آوردن عمده مالکان به مشاغل دولتی، در دوران نضج

جدول شماره ۳ ـ وضع منبع درآمد نمایندگان قبل از وکالت در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
منبع درآمد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
درآمد کارمندی دولت	۳۸	۲۴/۸	۳۷	۲۳/۱	۴۶	۲۹/۵
درآمد کارمندی دولت ومالک	۳۶	۲۳/۵	۴۲	۲۶/۲	۳۱	۱۹/۹
" ، ومشاغل تخصصی‌عالی	۵	۳/۲	۱۰	۶/۳	۱۲	۷/۷
" ومشاغل تخصصی‌عالی	۱۷	۱۱/۱	۱۴	۸/۷	۱۸	۱۱/۶
" و درآمد مستغلات	۲	۱/۳	۲	۱/۳	-	-
مالکیت و کشاورزی	۱۲	۷/۸	۷	۴/۴	۱۳	۸/۳
مالکیت و مشاغل تخصصی‌عالی	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۷	۴/۵
" ودرآمد کارمندی وشغل آزاد	۳	۲/۰	۱	۰/۶	-	-
" ومشاغل تخصصی وتجارت	۱	۰/۷	۱	۰/۶	-	-
مالکیت ومالکیت مستغلات	-	-	۲	۱/۳	-	-
تجارت	۹	۵/۹	۱	۰/۶	-	-
تجارت و درآمد کارمندی	۲	۱/۳	۲	۱/۳	-	-
تجارت و درآمد مستغلات	-	-	۳	۱/۹	-	-
تجارت و مشاغل تخصصی‌عالی	۱	۰/۷	-	-	۱	۰/۶
تجارت و مالکیت	۵	۳/۲	۳	۱/۹	-	-
دستمزد کارگری ازمؤسسات دولتی	۳	۲/۰	۱۰	۶/۲	۴	۲/۶
مشاغل آزاد	۱	۰/۷	۳	۱/۹	۲	۱/۳
مشاغل آزاد و مالکیت	۱	۰/۷	-	-	۱	۰/۶
مشاغل آزاد وکارمندی‌دولت	۲	۱/۳	۴	۲/۵	۱	۰/۶
کارمندی و آزاد و تجارت	۴	۲/۶	-	-	۱	۰/۶
مشاغل آزاد تخصصی عالی	۷	۴/۶	۱۴	۸/۷	۱۷	۱۰/۹
کارمندی مؤسسات غیردولتی	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۲	۱/۳
جمع کل	۱۵۳	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

دستگاه‌های اداری مملکت، برای حفظ پایگاه و قدرت و منزلت اجتماعی را نسبت‌های حدود ۸ درصد عمده مالکان در دورهٔ بیست و یکم، و بیش از ٤ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و دوم و ۸ درصد در دورهٔ بیست و سوم که فقط از طریق کشاورزی و عواید حاصل از مالکیت تأمین معاش می‌کرده‌اند میتوان بروشنی دریافت و پذیرفت که در دوران اخیر مشروطیت (بشرط صحت پاسخ نمایندگان) بتدریج، هستهٔ طبقهٔ حاکم مملکت را دیگر سرمایه‌داران بزرگ و یا بمفهوم وسیعتر مالکین بزرگ تشکیل نداده‌اند.

نمایندگانی که پیشینه، مشاغل فنی و تخصصی عالی را در ادوار بعد از اجرای اصلاحات ارضی داشته‌اند، همانطور که در بحث از حرفه و شغل آنان بیان داشتیم در مرتبه سوم از اکثریت قرار دارند.

آمار جدول منابع تأمین درآمد، در باب این گروه از نمایندگان ضمن تأیید توضیحات قبلی، حکایت از این دارد که.

در دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری نمایندگانی که منابع درآمد خود را از طریق، طبابت، روزنامه‌نگاری، وکالت دادگستری و سردفتری اسناد رسمی و مشاور حقوقی و جز اینها ذکر کرده‌اند نسبتی افزون بر (با نسبت حدود ٤۲ درصد) دو دوره اخیر دارند. حال آنکه دورهٔ بیست و دوم با نسبتی افزون بر $\frac{۱}{٤}$ کل نمایندگان پاسخ داده، و در دورهٔ بیست و سوم با بیش از ۳۵ درصد دیده می‌شود.

باید افزود در داخل گروه مذکور، نسبت اندک نمایندگانی که منبع درآمدشان منحصراً از طریق حرفه تخصصی آنها بوده است، حدود ۵ درصد از کل ٤۲ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و یکم، و حدود ۹ درصد از کل ۲۵ درصد نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی عالی، و حدود ۱۱ درصد از کل ۳۵ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و سوم می‌باشد.

حال آنکه اکثریت گروه مذکور، با نمایندگانی است که علاوه بر درآمد حاصل از مشاغل فنی،از مزایای حقوق دولتی، درآمد حاصل ازتجارت و مالکیت بهره‌مند بوده‌اند.

پاسخ قلیلی از نمایندگان به سؤال منابع درآمد آنها قبل از وکالت مجلس شورای ملی، سود حاصل از تجارت و کسب آمده است، نسبت این گروه در دورهٔ بیست

و یکم بیش از ۱۴ درصد رانشان میدهد حال آن که دو دورهٔ اخیر مورد پژوهش، این نسبت کاهش یافته و به بیش از ۶ درصد در دورهٔ بیست و دوم میرسد و در دورهٔ بیست و سوم نیز تنها یک تن از نمایندگان منبع درآمد خود را از طریق تجارت ذکر کرده است.

تحصیلات نمایندگان مجالس

بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

اشاره شد، با اینکه در نظامنامهٔ انتخابات در مورد حدود تحصیلات نمایندگان در طی دوران مشروطیت تغییری حاصل نشده است و داشتن سواد فارسی، کافی محسوب گشته است. با اینهمه به موجب یافته‌های پژوهش حاضر دربارهٔ نخبگان سیاسی ایران، ملاحظه می‌شود که بمقتضای عصر و زمان، همزمان با گسترش سازمانهای عالی آموزشی در داخل کشور و امکان بهره‌مندی از فرهنگ و دانش کشورهای غربی حاصل از ارتباط نزدیک با ممالک خارج، نیروی روشنفکر و تحصیل کردگان دانشگاهی و مدارس جدید روزبروز روبتزاید گذاشته است. و خواه ناخواه دانش آموختگان مدارس عالی از صدر مشروطیت ببعد، در ادارهٔ امور مملکت و بویژه صحنهٔ سیاست سهم و حصه بیشتری پیدا کرده‌اند بویژه گروه تحصیل کردگان دانشگاهی بموجب داده‌های آماری ما، در مجلس شورای ملی وزنهٔ سنگینی را تشکیل داده‌اند.

بررسی جدول شماره ۱ مربوط به نوع و درجهٔ تحصیلات نمایندگان سه دورهٔ اخیر بعد از اجرای اصلاحات ارضی نشان میدهد که با گذشت زمان، نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم و جدید در مقایسه با سه عصر مشروطیت افزایش چشمگیر داشته است.

عصر اول مشروطیت ٤٨ درصد این گروه در برابر ٥٢ درصد نمایندگان با تحصیلات پائینتر از لیسانس، و نسبت ٣٣ درصد همین گروه در مقابل ٦٧ درصد تحصیل کردگان غیر دانشگاهی عصر رضاشاه، و ٤٨ درصد نمایندگان با تحصیلات

جدول شماره ۱ - نوع و درجهٔ تحصیلات نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

	ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
	نوع و درجهٔ تحصیل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	تعداد نمایندگان	۱۷۹		۱۶۰		۱۵۶	
تحصیلات جدید	کمتر از دیپلم	۲۹	۱۶/۲	۱۴	۸/۸	۹	۵/۸
	دیپلم	۲۶	۱۴/۵	۱۱	۶/۹	۱۵	۹/۶
	فوق دیپلم	۳	۱/۷	۴	۲/۵	۱	۰/۶
	لیسانس	۶۸	۳۸/۰	۵۷	۳۵/۶	۶۵	۴۱/۷
	حدود لیسانس	-	-	۱	۰/۶	۲	۱/۳
	فوق لیسانس	۴	۲/۲	۱۳	۸/۱	۱۰	۶/۴
	دکترا	۴۹	۲۷/۴	۵۳	۳۳/۱	۵۲	۳۳/۳
	جمع تحصیلات جدید	۱۷۹	۱۰۰	۱۵۳	۹۵/۶	۱۵۴	۹۸/۷
تحصیلات قدیم و جدید	متعارف	-	-	-	-	-	-
	دیپلم و سطح	-	-	۴	۲/۵	-	-
	حدود لیسانس وسطح	-	-	۱	۰/۶	۱	۰/۶۵
	مدرسی و دکترا	-	-	۲	۱/۳	-	-
	سطح و فوق‌لیسانس	-	-	-	-	۱	۰/۶۵
	جمع تحصیلات قدیم وجدید	-	-	۷	۴/۴	۲	۱/۳
	جمع کل	۱۷۹	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

عالی از دورهٔ سیزدهم قانونگذاری تا دورهٔ بیست و یکم و عصر حکومت محمدرضا پهلوی در برابر ۵۲ درصد گروه نمایندگان با تحصیلات کمتر از لیسانس و مدرسی بتدریج به حدود ٦٨ درصد در دورهٔ بیست و یکم و ۸۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ۸٤ درصد به دورهٔ بیست و سوم افزایش پیدا میکند.

لازم به یادآوری است که در میان نمایندگان با درجهٔ تحصیلات عالی، در کلیهٔ ادوار قانونگذاری عصر دوم و سوم، شمار نمایندگان برخوردار از تحصیلات کلاسی و دانشگاهی در برابر تحصیل کردگان مکتبی و معلومات قدیمه افزونتر بوده است.

عصر اول مشروطیت ۱۸ درصد دانشگاهی در برابر ۳۰ درصد عالی قدیم - ۱۳ درصد عالی لیسانس و دکترا در مجالس عصر دوم مشروطیت در برابر ۲۰ درصد نمایندگان با تحصیلات قدیم اجتهاد و مدرسی، و در عصر سوم مشروطیت، شمار نمایندگان با تحصیلات عالی اجتهاد و مدرسی، $\frac{1}{3}$ کل نمایدگان با تحصیلات دانشگاهی را تشکیل میدهد.

یافته‌های پژوهش ما دربارهٔ نمایندگان بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی نشانگر روند افزایش تدریجی درصد دارندگان تحصیلات جدید دانشگاهی می‌باشد. بطوری که در دورهٔ بیست و یکم به حدود ٦۷ درصد کل نمایندگان میرسد. یادآور می‌شویم از این نسبت، ۳۸ درصد با درجهٔ لیسانس و بیش از ۲ درصد فوق لیسانس و افزون بر ٤۷ درصد با درجهٔ دکترا فارغ‌التحصیل شده‌اند.

این روند افزایش در دورهٔ بیست و دوم به بیش از ۷۹ درصد می‌رسد، که از این نسبت حدود ۲ درصد از تحصیلات قدیمه نیز برخوردار بوده‌اند.

نسبت نمایندگان با درجهٔ دکترا در این دوره از مجلس، به بیش از ثلث نمایندگان می‌رسد. کمتر از $\frac{1}{10}$ نمایندگان با تحصیلات دانشگاهی را دارندگان مدرک فوق لیسانس تشکیل میدهد.

در میان آن دسته از دانش آموختگان دانشگاهی مورد پژوهش ما، لیسانسیه‌ها بیشترین شمار را دارند (با نسبت ۳٦/۸ درصد کل نمایندگان دورهٔ بیست و دوم).

مجلس بیست و سوم نیز همانند دورهٔ پیشین، بیشترین شمار از آن نمایندگان با درجهٔ لیسانس (با نسبت ٤٤ درصد)می‌باشد و دارندگان دانشنامهٔ دکترا پس از لیسانسیه‌ها با نسبت ۳۵ درصد قرار دارند.

از نماینده‌گان با درجهٔ فوق لیسانس با ۷ درصد در این دورهٔ قانونگذاری یاد میکنیم.[۱]

رشتهٔ تحصیلات نماینده‌گان

در مورد متغیر تحصیلات نخبگان سیاسی، روشن ساختن رشته معلومات و زمینهٔ دانش و تخصص نماینده‌گان مجلس را ضرور دانستیم.

بررسی پاسخهای گروه مورد پژوهش، نشان از تعدد و گونه‌گون بودن رشته‌های تحصیلی دارد، که ما در این مورد کوشش کردیم در گروه‌های محدودتر و با تفکیک مدرک دانشگاهی آنها آمار مربوطه را ارایه دهیم. و اضافه میکنیم نسبتها را بر شمار نماینده‌گان با تحصیلات عالی دانشگاهی مورد بحث قرار داده‌ایم.

جدول شماره ۲- مربوط به گروه نماینده‌گان با درجهٔ دکترا در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بیشترین درصد را رشته‌های پزشکی در هر یک از ادوار سه‌گانه قانونگذاری اخیر دارا هستند. (حدود ۲۰ درصد دورهٔ بیست و یکم، بیش از ۲۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۲٤ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

در واقع نیمی از دارنده‌گان تحصیلات با درجهٔ دکترا در پزشکی و رشته‌های وابسته بآن مدرک خود را دریافت داشته‌اند و نیمی دیگر در هر سه دورهٔ مورد پژوهش، در رشته‌های متعدد و مختلف فارغ‌التحصیل شده‌اند.

از میان ۲۰ درصد بقیه نماینده‌گان با درجهٔ دکترا بیشترین درصد از آن نماینده‌گانی است که در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی با نسبت ۱۳/۲ درصد در دورهٔ

۱- روند کلی پراکندگی گروه‌های تحصیلی در مجلس بیست و چهارم به موجب اطلاعاتی که در روزنامه رستاخیز شماره ۱۸ تیرماه ۱۳۵٤ منتشر شده است بشرح زیر گزارش می‌شود.

۱- دارنده‌گان درجهٔ دکترا ۵۰ تن (۱۸/۷ درصد)

۲- دارنده‌گان درجهٔ فوق لیسانس ۵ تن (۱/۹ درصد)

۳- دارنده‌گان درجهٔ لیسانس ۱۰۵ تن (۳۹/۱ درصد)

٤- دارنده‌گان درجهٔ دیپلم ۵۵ تن (۲۰/۵ درصد)

۵- دارنده‌گان درجهٔ پایین‌تر از دیپلم ٤۰ تن (۱۵ درصد)

٦- نماینده‌گان با تحصیلات قدیمه ۱۳ تن (٤/۸ درصد)

جدول شماره ۲ - رشته تحصیلات نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
رشته تحصیلی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی	۱۲۱		۱۲۸		۱۳۱	
پزشکی و رشته‌های وابسته	۲۴	۱۹/۹	۲۶	۲۰/۳	۳۱	۲۳/۷
حقوق و علوم‌سیاسی	۵	۴/۱	۱۲	۹/۴	۶	۴/۶
اقتصاد، بازرگانی، کشاورزی و صنعتی	۳	۲/۵	۱۱	۸/۶	۸	۶/۱
ادبیات و علوم انسانی	۱	۰/۸	۳	۲/۳	۲	۱/۵
جامعه شناسی و علوم اجتماعی	۲	۱/۷	۱	۰/۸	۲	۱/۵
رشته‌های مهندسی فنی	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۲	۱/۵
مدیریت و امور اداری	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۱	۰/۸
حقوق	۹	۷/۴	-	-	-	-
حقوق و اقتصاد	۲	۱/۷	-	-	-	-
رشته نظام	۱	۰/۸	-	-	-	-
جمع کل	۴۹	۴۰/۵	۵۵	۴۳/۰	۵۲	۳۹/۷

بیست و یکم، و نزدیک به ۱۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و نسبتی حدود ۵ درصد در دورهٔ بیست و سوم موفق بأخذ مدرک دانشگاهی شده‌اند.

نمایندگانی که دکترا خود را در رشته‌های اقتصاد، بازرگانی، صنعتی و کشاورزی دریافت داشته‌اند بشمار بسیار اندک است و همانطور که جدول شماره ۲ نشان میدهد، نمایندگان این گروه با نسبت بیش از ٤ درصد (دربیست‌ویکم) و حدود ۹ درصد (در دورهٔ بیست و دوم) و ٦ درصد (در دورهٔ بیست و سوم) درصد کمتری را بخود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۳- مربوط به رشتهٔ تحصیلات نمایندگان با درجهٔ فوق لیسانس، حکایت از آن دارد که در دورهٔ بیست و یکم چهار تن دانش آموختگان با نسبتهای برابر در رشته‌های مختلف: حقوق، کشاورزی و دامپروری، رشته‌های نظام، ادبیات و تاریخ مدرک دانشگاهی خود را دریافت داشته‌اند.

در دورهٔ بیست و دوم از میان ۱۳ تن نماینده‌ای که مدرک تحصیلی خویش را با درجهٔ فوق لیسانس مشخص کرده‌اند ٦ تن در رشتهٔ حقوق و علوم اداری و ۷ تن دیگر در رشته‌های مختلف همچون: کشاورزی، علوم سیاسی، مدیریت و تعلیم و تربیت و رشته‌های علوم. دانشنامهٔ خود را دریافت داشته‌اند.

در مجلس بیست و سوم فزونی در میان گروه نمایندگان با درجهٔ فوق لیسانس،از آن فارغ‌التحصیلان رشته‌های حقوق و علوم اداری. ٤ تن از جمع ۱۱ تن و ۷ تن دیگر در رشته‌های: کشاورزی و دامپروری تعلیم و تربیت، مدیریت و علوم اداری و رشتهٔ نظام، مشخص ساخته‌اند.

همانطور که از جدول شمارهٔ ٤ پیداست، دارندگان رشته‌های تحصیلی حقوق و علوم سیاسی در میان گروه نمایندگان با درجهٔ لیسانس بیش از سایر رشته‌ها میباشد.

نسبت این گروه در دورهٔ بیست و یکم حدود ۱٦ درصد از مجموع ٥٦ درصد نمایندگان با درجهٔ لیسانس، و حدود ۱۱ درصد در دورهٔ بیست و دوم از مجموع ٤٦ درصد گروه لیسانسیه‌ها، و حدود ۱۸ درصد از ٥۲ درصد نمایندگان با درجهٔ لیسانس در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری دیده می‌شود.

دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی و دامپروری را بعد از گروه فوق، با ۱٤ درصد در دورهٔ بیست و یکم، و حدود ۱۲ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۱۸

جدول شماره ۳ ـ رشته تحصیلات نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
رشتهٔ تحصیلی		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی		۱۲۱		۱۲۸		۱۳۱	
درجه فوق لیسانس	حقوق	-	-	٤	۳/۱	۳	۲/۳
	حقوق و علوم اداری	۱	۰/۸	۲	۱/۵	۱	۰/۸
	کشاورزی و دامپروری	۱	۰/۸	۲	۱/۵	۲	۱/۵
	مدیریت و علوم اداری	-	-	۱	۰/۸	۲	۱/۵
	تعلیم و تربیت	-	-	۱	۰/۸	۲	۱/۵
	رشته نظام	-	-	۱	۰/۸	-	-
	رشته‌های مختلف علوم	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	ادبیات و تاریخ	۱	۰/۸	-	-	-	-
	علوم سیاسی	-	-	۱	۰/۸	-	-
جمع کل		٤	۳/۲	۱۳	۱۰/۱	۱۱	۸/٤

جدول شماره ٤ ـ رشتهٔ تحصیلات نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

	ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
	رشتهٔ تحصیلی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی	۱۲۱		۱۲۸		۱۳۱	
رشته تحصیلات با درجهٔ لیسانس	حقوق و علوم‌سیاسی	۲	۱/۷	-	-	٤	۳/۰
	حقوق قضایی	۱۷	۱٤/۰	۱٤	۱۰/۹	۱۹	۱٤/٦
	" وعلوم اداری	-	-	-	-	۱	۰/۸
	کشاورزی ودامپروری	۱۷	۱٤/۰	۱۵	۱۱/۷	۱۰	۷/٦
	مدیریت وعلوم‌اداری	۲	۱/۷	-	-	۲	۱/۵
	تعلیم‌وتربیت وفلسفه	-	-	۳	۲/۳	۳	۲/۳
	رشته نظام	۲	۱/۷	۳	۲/۳	۲	۱/۵
	رشته‌های مختلف علوم ومهندسی	۸	٦/۵	۵	۳/۹	٤	۳/۰
	اقتصاد، بازرگانی، صنعتی	٦	۵/۰	۸	٦/۳	۵	۳/۸
	معماری وهنرهای زیبا	۲	۱/۷	۱	۰/۸	-	-
	جامعه‌شناسی وعلوم‌اجتماعی	۲	۱/۷	۱	۰/۸	٤	۳/۰
	ادبیات	۵	٤/۱	٦	٤/۷	٦	٤/٦
	معقول و منقول	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	روزنامه‌نگاری	۲	۱/۷	۲	۱/٦	۵	۳/۸
	رشته‌های مهندسی فنی	۲	۱/۷	-	-	۱	۰/۸
	پرستاری و مامائی	-	-	-	-	۱	۰/۸
	جمع کل	٦۸	۵٦/۲	۵۹	٤٦/۱	٦۸	۵۱/۹

درصد در دورهٔ بیست و سوم، میتوان د رمرتبه دوم از اکثریت نام برد.

در مراتب بعدی از اکثریت بعد از دو گروه مذکور در فوق، از نماینده‌گان فارغ‌التحصیل در رشته‌های اقتصاد (با ۵ درصد در دورهٔ بیست و یکم و ۶/۳ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و حدود ٤ درصد در دورهٔ بیست و سوم) و ادبیات و علوم انسانی (با ٤ درصد در دورهٔ بیست و یکم، حدود ۵ درصد در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم) با نسبتی‌بیش از سایر گروه‌های لیسانسیه نام برد.

اضافه کنیم، شماری از نماینده‌گان با نسبتی در خور ملاحظه در رشته‌های مختلف علوم و مهندسی فنی مدیریت و علوم اداری، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، و روزنامه‌نگاری مدرک دانشگاهی خود را دریافت کرده‌اند.

در مجموع میتوان گفت، دارنده‌گان مدارک تحصیلات عالی، در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی در هر سه دورهٔ مورد پژوهش و بحث ما اعم از دکترا، فوق لیسانس و لیسانس بیش از سایر رشته‌های دانشگاهی به مجلس روی آورده‌اند.

با فشرده ساختن جداول شماره ۲ و ۳ و ٤، نسبت این گروه در سه دورهٔ اخیر را بدین شرح میتوان آورد. دورهٔ بیست و یکم حدود ۳۰ درصد، دورهٔ بیست و دوم حدود ۲۵ درصد و دورهٔ بیست و سوم بیش از ۲۵ درصد.

بعد از نماینده‌گان حقوقدان، مجلس بیست و یکم ظاهراً تابع فارغ‌التحطیلان رشته‌های کشاورزی با نسبت حدود ۱۵ درصد می‌باشد. حال آنکه دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم بعد از گروه نماینده‌گان حقوقدان، اقتصاددانان به ترتیب با حدود ۱۵ درصد (دورهٔ بیست و دوم) و ۱۰ درصد (دورهٔ بیست و سوم) در مرتبه دوم از اکثریت قرار می‌گیرند.

دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی در دو دوره اخیر با نسبت ۱۳/۲ درصد و ۸/٤ درصد در مرحلهٔ سوم از اکثریت قرار دارند.

نکتهٔ در خور یادآوری، شمار اندک فارغ‌التحصیلان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی است که در هر سه دورهٔ قانونگذاری بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی نسبتی بین ٦ تا ٧ درصد مجموع نماینده‌گان صاحب دانشنامه‌های عالی را در برمیگیرد.

تسلط ظاهری و آماری نماینده‌گان با تحصیلات عالی در رشته‌های حقوقی و علوم سیاسی در مجالس قانونگذاری را میتوان احتمالاً، رابطه نزدیک این رشتهٔ تحصیلات و

مطالعات را با حرفه قانونگذاری توجیه کرد.

محل تحصیلات عالی نماینده‌گان

آمار جداول مربوط به محل تحصیلات دانشگاهی نماینده‌گان ادوار قانونگذاری بعد از اجرای قانون مصوب ششم بهمن ماه ۱۳٤۱ شمسی نشانگر فزونی نسبت پرورش یافتگان دانشگاه‌های خارج از کشور می‌باشد.

بطوری که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌کنیم، نسبت تحصیل کرده‌گان خارج از کشور، در گروه نماینده‌گان با درجهٔ دکترا در دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری بیش از ۲۸ درصد، و در دورهٔ بیست و دوم ۳۳ درصد و در دورهٔ بیست و سوم حدود ۲۸ درصد را نشان میدهد.

از میان دانش آموختگان با درجهٔ دکترا در دورهٔ بیست و یکم به ترتیب اکثریت، ۱۱/۵ درصد و حدود ۱۰ درصد آخرین مدرک خود را از دانشگاه‌های آمریکاو فرانسه دریافت داشته‌اند و ٦/۵ درصد دیگر این گروه از کشورهای: انگلستان، آلمان، سویس و بلژیک موفق به اخذ دانشنامه دکترا گردیده‌اند.

از ۳۳ درصد نماینده‌گان با درجهٔ دکترا، در دورهٔ بیست و دوم که موفق به اخذ دانشنامه دکترا در خارج از کشور شده‌اند، اکثریت به ترتیب با فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های فرانسه (با ۱۲ درصد) و امریکا (با ۱۱/٦ درصد) می‌باشد.

شمار اندکی از نماینده‌گان در کشورهای، سویس، آلمان، بلژیک، بیروت موفق به اتمام تحصیلات عالی شده‌اند.

دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری نیز از لحاظ محل تحصیلات دانشگاهی نماینده‌گان با درجهٔ دکترا، وضعی مشابه دورهٔ بیست و دوم دارد. به بیان روشنتر، از میان ۲۷/۵ درصد این گروه مجلسیان، حدود ۱۰ درصد (از فرانسه) و حدود ۸ درصد (از امریکا) بالاترین نسبت را دارند. و ۹/۵ درصد بقیه را دانش آموختگان، دانشگاه‌های کشورهای مختلف اروپایی همچون سویس، (با ۳ درصد)انگلستان و آلمان (هر یک با ۲/۳ درصد)، و بلژیک (با ۱/۵ درصد) تشکیل می‌دهند.

از شمار اندک نماینده‌گان با درجهٔ فوق لیسانس با استناد به جدول شماره ٦- در دورهٔ بیست و یکم از ٤ تن: ۲ تن در امریکا و فرانسه موفق باخذ دانشنامهٔ خود شده‌اند.

جدول شماره ۵ - وضع محل تحصیلات عالی نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
محل تحصیل		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی		۱۲۱		۱۲۸		۱۳۱	
محل تحصیلات با درجه دکترا	تهران	۱۵	۱۲/٤	۱۳	۱۰/۱	۱٦	۱۲/۲
	ایران و آمریکا	۲	۱/۷	۱۳	۱۰/۱	-	-
	ایران و فرانسه	-	-	۱	۰/۸	-	-
	ایران و سویس	۱	۰/۸	۲	۱/٦	-	-
	فرانسه	۱۱	۹/۱	۱۲	۹/٤	۱۰	۷/٦
	فرانسه و آمریکا	۱	۰/۸	۲	۱/٦	۲	۱/۵
	فرانسه و آلمان	-	-	۱	۰/۸	-	-
	فرانسه و انگلستان	-	-	۱	۰/۸	-	-
	فرانسه و سویس	-	-	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	انگلستان	-	-	۱	۰/۸	۳	۲/۳
	آلمان	۳	۲/۵	۲	۱/٦	۳	۲/۳
	بلژیک	۲	۱/۷	۲	۱/٦	۲	۱/۵
	بیروت	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	سویس	۲	۱/۷	۳	۲/۳	٤	۳/۰
	آمریکا	۱۰	۸/۲	-	-	۸	٦/۱
	ایران و اسراییل	-	-	-	-	۱	۰/۸
	ژاپن	-	-	-	-	۱	۰/۸
	آمریکا و بیروت	۱	۰/۸	-	-	-	-
جمع کل		٤۹	٤۰/۵	۵۵	٤۳	۵۲	۳۹/۷

جدول شماره ٦ ـ محل تحصیلات عالی نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
محل تحصیل		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی		۱۲۱		۱۲۸		۱۳۸	
محل تحصیلات با درجه فوق لیسانس	آمریکا	۱	۰/۸	۲	۱/٦	۳	۲/۳
	آمریکا و بیروت	–	–	۱	۰/۸	–	–
	فرانسه	۱	۰/۸	۲	۱/٦	۲	۱/۵
	تهران	۲	۱/۷	۸	٦/۲	٦	٤/٦
جمع کل		٤	۲/۳	۱۳	۱۰/۲	۱۱	۸/٤

در دورهٔ بیست و دوم، اکثریت با فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران است (با نسبت ۶/۲ درصد) در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری نیز شمار نمایندگان این گروه که درجهٔ فوق لیسانس خود را از دانشگاه تهران دریافت داشته‌اند ۶ تن از جمع ۱۱ تن می‌باشد. ۳ تن دیگر از آمریکا و ۲ تن در کشور فرانسه موفق باتمام تحصیلات عالی گردیده‌اند.

همانطور که از جدول شماره ۷ پیداست، بیشترین درصد فارغ‌التحصیلان با درجهٔ لیسانس در هر سه دورهٔ اخیر مشروطیت در داخل کشور موفق بدریافت دانشنامه خود شده‌اند. درصد این گروه در دورهٔ بیست و یکم ۴۲/۵ درصد و در دورهٔ بیست و دوم حدود ۲۹ درصد و در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری بیش از ۲۷ درصد می‌باشد.

از جمع حدود ۱۴ درصد دانش آموختگان خارج از کشور با درجهٔ لیسانس در دورهٔ بیست و یکم، حدود نیمی از آنها در مدارس عالی کشور فرانسه تحصیلات خود را باتمام رسانده‌اند، و بیش از ۵ درصد نیز از دانشگاه‌های کشور آمریکا مدرک تحصیلی خود را دریافت داشته‌اند.

بطوری که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌کنیم، در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم نسبت تحصیل کردگان در کشور فرانسه همچون دورهٔ بیست و یکم در میان گروه نمایندگان با تحصیلات درجه لیسانس بیش از سایر کشورها می‌باشد (۷ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ۸/۴ درصد دورهٔ بیست و سوم).

از میان گروه نمایندگان با درجهٔ لیسانس که در خارج از کشور موفق باتمام تحصیلات گردیده‌اند، بعد از کشور فرانسه، از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا با نسبت بیش از ۶ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۷ درصد در دورهٔ بیست و سوم میتوان نام برد.

سهم دانشگاه‌های انگلستان در پرورش نمایندگان مجالس قانونگذاری ایران بویژه در سه دورهٔ اخیر اندک می‌باشد، بطوری که تنها یک تن از جمع ۶۸ تن گروه مورد بحث در دورهٔ بیست و یکم و یک تن از جمع ۵۹ تن جمعیت مورد نظر در دورهٔ بیست و دوم و ۶ تن از جمع ۶۸ تن نمایندگان با درجهٔ لیسانس در دورهٔ بیست و سوم را در بر می‌گیرد.

با فشرده ساختن جداول شماره ۵ و ۶ و ۷ مربوط به محل تحصیلات عالی نمایندگان میتوان به این نتیجه رسید که از جمع کل جامعهٔ نمایندگان با تحصیلات

جدول شماره ۷ ـ وضع محل تحصیلات عالی نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
محل تحصیل		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان با تحصیلات عالی		۱۲۱		۱۲۸		۱۳۱	
محل تحصیلات با درجه لیسانس	تهران	۵۱	۴۲/۲	۳۷	۲۸/۹	۳۶	۲۷/۴
	تهران و آمریکا	-	-	۲	۱/۵	-	-
	تهران و فرانسه	-	-	۲	۱/۵	-	-
	تهران و سویس	-	-	۱	۰/۸	-	-
	آمریکا	۴	۳/۳	۵	۳/۹	۳	۲/۳
	آمریکا و بیروت	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۳	۲/۳
	بیروت	-	-	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	کانادا	-	-	۱	۰/۸	۱	۰/۸
	انگلستان	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۴	۳
	فرانسه	۸	۶/۶	۷	۵/۵	۱۰	۷/۶
	سویس	-	-	۱	۰/۸	۲	۱/۵
	آلمان	۱	۰/۸	-	-	-	-
	ایران و اسراییل	-	-	-	-	۱	۰/۸
	ژاپن و آمریکا	-	-	-	-	۱	۰/۸
	بلژیک	-	-	-	-	۱	۰/۸
	ایران و بیروت	-	-	-	-	۲	۱/۵
	انگلستان و آمریکا	-	-	-	-	۲	۱/۵
جمع کل		۶۸	۵۶/۲	۵۹	۴۶/۱	۶۸	۵۱/۹

دانشگاهی در هر سه دورهٔ اخیر مشروطیت گروه تحصیل کردگان خارج از کشور با نسبتهای چشمگیر (پیش از ٤۳ درصد دورهٔ بیست و سوم) به تدریج افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا میکند.

همانطور که از پیش بیان داشتیم، دانشگاه‌های کشورهای امریکا و فرانسه سهم عمده‌ای در پرورش و تعلیم نخبگان سیاسی ایران داشته‌اند. در تایید مطلب خود به ارایه آمار جمع گروه نمایندگان با دانشنامه‌های دانشگاهی می‌پردازیم.

نسبت تحصیل کردگان دانشگاه‌های آمریکا در دورهٔ بیست و یکم با بیش از ۲۸ درصد در مقام نخست اکثریت، و از آن دانشگاه‌های کشور فرانسه با بیش از ۱۷ درصد در مرتبه دوم از اکثریت قرار دارند.

در دورهٔ بیست و دوم قانونگذاری دانش آموختگان دانشگاه‌های فرانسه و آمریکا نسبی نزدیک و تقریباً همانند (با ۲۰/٦ درصد کشور فرانسه، و ۲۰/۲ درصد آمریکا) دارند.

ولی در دورهٔ بیست و سوم، گروه تحصیل کردگان دانشگاه‌های کشور فرانسه شمار افزونتری بر سایر گروه‌های تحصیلی دارند، (با نسبتی حدود ۲۰ درصد). از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا با نسبتی حدود ۱۷ درصد میتوان یاد کرد.

از ذکر اندک نمایندگانی که متأثر از تعلیم و تربیت دانشگاه‌های سویس بوده‌اند در مرحله سوم و با نسبتهای ۲/۵ درصد در دورهٔ بیست و یکم و ۵/۵ درصد در دورهٔ بیست و دوم، ۵/۳ درصد در دورهٔ بیست و سوم نباید خودداری کرد.

کنجکاوی در مورد متغیر تحصیلات و سطح آگاهی و دانش نمایندگان، ما را بر آن داشت تا در بارهٔ آثار فکری و قلمی و تألیفات آنها نیز جویا شویم.

پس از بررسی پاسخهای نمایندگان، به این نتیجه رسیدیم که بیش از ۳۱ درصد گروه مورد پژوهش ما در دورهٔ بیست و دوم و $\frac{۱}{۳}$ گروه مورد نظر در دورهٔ بیست و سوم، صاحب تألیفاتی در زمینه‌های مختلف رشته‌های تخصصی خود، چه بصورت کتاب، مقاله یا رساله و گزارش بوده‌اند که البته بیشترین رقم از آن نمایندگانی است که آثار قلمی آنها، بصورت کتاب منتشر شده است. (۳٤ تن از جمع ۵۰ تن نمایندگان پاسخ داده در دورهٔ بیست و دوم و ۳۱ تن از جمع ۵۲ تن همین گروه در دورهٔ بیست و سوم).

رشتهٔ مطالعات نمایندگان

بمنظور تکمیل بررسی و بدست آوردن اطلاعات دقیقتر از میزان آگاهی و تخصص و دانش نمایندگان، طرح سؤال دیگری را در همین زمینه ایجاب کرد.

تجزیه و تحلیل پاسخ نمایندگان، و آمار مربوط به رشتهٔ مطالعات آنها، ما را به این نتیجه میرساند که رشتهٔ مطالعات و تخصص نمایندگان، بسیار متنوع و متعدد بوده است. ملاحظه جدول شماره ۸ مبین این نکته است که از میان پاسخگویان باین پرسش، در دورهٔ بیست و یکم در درجهٔ نخست،اکثریت با نسبت حدود ۲۲ درصد با نمایندگانی است که در تکمیل معلومات و دانش خود، مطالعاتی در رشته‌های ادبیات و فلسفه داشته‌اند.

در مراتب بعدی با اختلاف اندکی که حدود ۲۱ درصد را نشان میدهد از آن گروهی است که بیشتر در زمینهٔ رشته‌های کشاورزی تحقیق و بررسی کرده‌اند، و بدنبال این گروه، به ترتیب اکثریت از رشته‌هایی همچون امور اجتماعی (با ۱۷ درصد)، اقتصاد و امور مالی و بانکداری (با ۱۳ درصد)، حقوق قضایی (با ۱۲/٤ درصد)وتاریخ(با ۱۱ درصد) میتوان نام برد.

بررسی داده‌های آماری دورهٔ بیست و دوم قانونگذاری، حکایتی دگر دارد، بموجب پاسخ گروه مورد پژوهش،بیشترین نمایندگان این دوره پس از اتمام تحصیل بمنظور تکمیل معلومات، به مطالعه و بررسی در امور کشاورزی و رشته‌های مربوط به آن پرداخته‌اند (با نسبت ۱۵ درصد).

مراتب بعدی از اکثریت را از مطالعه کنندگان در زمینه‌های امور اقتصادی و مالی (بانسبت ١٤/٤ درصد) و حقوق و علوم سیاسی، و امور اجتماعی (با ۱۳/۸ درصد) و نیز حقوق قضایی و ادبیات و فلسفه (با نسبتهای برابر ۱۳/۱ درصد) میتوان متذکر شد.

از مطالعه‌کنندگان در زمینه‌های پزشکی و رشته‌های مختلف وابسته به آن در این دوره، هرچند نسبتی بیش از نمایندگان دورهٔ بیست و یکم دارند، ولی با ملاحظه آمار فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی در هر سه دورهٔ اخیر مشروطیت در می‌یابیم که نسبت ۱۳ درصد نمایندگانی که به منظور تکمیل دانش و علم تخصصی خود به مطالعه و پژوهش آزاد پرداخته‌اند رقم و درصد بالایی رانشان نمیدهد.

باید افزود ۱۰ درصد نمایندگان دوره مورد بحث ما، در ادامه معلومات خود

جدول شماره ۸ - زمینه مطالعات نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع زمینه‌مطالعات	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
رشته‌های‌معماری وهنرهای‌زیبا	-	-	۶	۳/۸	۲	۱/۳
اقتصاد،امورمالی و بانکداری، بازرگانی	۲۰	۱۳/۱	۲۳	۱۴/۴	۲۰	۱۲/۸
حقوق قضایی	۱۹	۱۲/۴	۲۱	۱۳/۱	۲۷	۱۷/۳
علوم سیاسی، حقوق‌بین‌الملل	۷	۴/۶	۲۲	۱۳/۸	۱۳	۸/۳
رشته‌های مختلف علوم	۶	۳/۹	۵	۳/۱	۵	۳/۲
رشته‌های‌پزشکی وعلوم وابسته‌بآن	۱۴	۴/۶	۲۱	۱۳/۱	۲۲	۱۴/۱
رشته‌های‌مربوط به‌اموراجتماعی	۲۶	۱۷/۰	۲۲	۱۳/۸	۱۷	۱۰/۹
تاریخ	۱۷	۱۱/۱	۱۶	۱۰/۰	۲۲	۱۴/۱
مدیریت و علوم اداری	۶	۳/۹	۹	۵/۶	۸	۵/۱
ادبیات و فلسفه	۳۳	۲۱/۶	۲۱	۱۳/۱	۲۶	۱۶/۷
روانشناسی وعلوم‌تربیتی	۱۳	۸/۵	۴	۲/۵	۱۲	۷/۵
رشته‌های مهندسی وصنعتی	۶	۳/۹	۱	۰/۶	۶	۳/۹
رشته‌های کشاورزی	۳۲	۲۰/۹	۲۴	۱۵/۰	۲۰	۱۲/۵
جامعه‌شناسی وعلوم‌اجتماعی	۴	۲/۶	۵	۳/۱	۴	۲/۶
الهیات	۵	۳/۳	۲	۱/۳	-	-
دامپزشکی	۲	۱/۳	۲	۱/۳	-	-
فنون نظامی	۳	۲/۰	۲	۱/۳	-	-
تعاون و امور روستایی	۴	۲/۶	۴	۲/۵	۵	۳/۲
امور کار وکارگری	۸	۵/۲	۱۰	۶/۳	۷	۴/۵۰
تربیت بدنی	۱	۰/۷	-	-	-	-
پاسخ نامربوط	۲	۱/۳	-	-	-	-
جمع کل						

بیشتر به مطالعات تاریخی روی آورده‌اند.

بطوری که جدول شماره ۸ حکایت می‌کند، دورهٔ بیست و سوم را نماینده‌گان با مطالعات حقوقی (با نسبت ۱۷/۳ درصد) در مرتبه نخست از اکثریت می‌بینیم.

و از نماینده‌گان با زمینهٔ مطالعات ادبی و فلسفی با نسبت حدود ۱۷ درصد و رشته‌های پزشکی و تاریخی هر یک با بیش از ۱۴ درصد میتوان ذکری به میان آورد. در مراتب بعدی، از پاسخگویانی‌که به مطالعه در علوم اقتصادی و مالی (با ۱۲/۸ درصد) و کشاورزی (۱۲/۵ درصد) پرداخته‌اند نام میبریم.

نوع کتاب‌های موردعلاقه و مطالعه نماینده‌گان

در پرسش دیگری از نماینده‌گان جویا شدیم تا نوع کتابهائی را که مورد علاقهٔ آنها بوده و بیشتر به مطالعهٔ آن پرداخته‌اند ذکر کنند.

گرچه این پرسش پاسخهای متنوعی را در پی داشت ولی ما بشیوهٔ پیشین به گروه‌بندی پرداخته‌ایم و بیگمان تعداد پاسخها، جمع درصدها را همچون زمینهٔ مطالعات و پژوهش نماینده‌گان متجاوز از صد را نشان میدهد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها، روشن ساخت، کتب ادبی و تاریخی مورد رغبت بیشترین نماینده‌گان قرار گرفته است. بطوری که در هر سه دورهٔ مجالس بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بالاترین نسبتها از آن مطالعه کننده‌گان کتب ادبی (با ۴۲/۵ درصد در دورهٔ بیست و یکم، و بیش از ۳۱ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۲۶ درصد در دورهٔ بیست و سوم) می‌باشد.

کتابهای تاریخی در مرتبه بعدی از اکثریت مورد مطالعه گروه نخبهٔ سیاسی مورد پژوهش ما قرار گرفته است (دورهٔ بیست و یکم با بیش از ۲۰ درصد، و دورهٔ بیست و دوم با ۳۰ درصد، و دورهٔ بیست و سوم با حدود ۲۶ درصد).

یافته‌های ما از پاسخ نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم به موجب جدول شماره ۹- کثرت مطالعه کننده‌گان کتابهای مذهبی و دینی (بویژه نهج‌البلاغه) بیش از دو دورهٔ اخیر می‌باشد. (با نسبت بیش از ۱۴ درصد در برابر ۵/۶ درصد دورهٔ بیست و دوم، ۰/۶ درصد دورهٔ بیست و سوم).

جدول شماره ۹ ـ نوع کتب مورد مطالعه و علاقه نمایندگان ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع کتابهای موردعلاقه ومطالعه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
کتب تاریخی	۳۱	۲۰/۳	۴۸	۳۰	۴۰	۲۵/۶
کتب فلسفی و علوم تربیتی، روانشناسی	۱۳	۸/۵	۱۷	۱۰/۶	۸	۵/۱
کتب ادبی	۶۵	۴۲/۵	۵۰	۳۱/۳	۵۶	۳۶
کتب پزشکی وبهداشت عمومی	۲	۱/۳	۱۲	۷/۵	۱۹	۱۲/۲
کتب حقوقی	۹	۵/۹	۱۲	۷/۵	۱۳	۸/۳
کتب سیاسی وسیاست بین‌المللی	-	-	۱۵	۹/۴	۲۲	۱۴/۱
کتب کشاورزی و دامپروری	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۶	۳/۹
کتب اقتصادی	۴	۲/۶	۱۴	۸/۸	۱۱	۷/۱
کتب علمی و فنی	۶	۳/۹	۹	۵/۶	۱۵	۹/۶
کتب دینی و مذهبی	۲۲	۱۴/۴	۹	۵/۶	۱	۰/۶
کتب جامعه‌شناسی	۱	۰/۷	۲	۱/۳	۴	۲/۶
کتب مربوط به‌مدیریت و امور اداری	-	-	۱	۰/۶	۱	۰/۶
تألیفات منتسب‌به محمدرضاشاه	۱۸	۱۱/۸	۴	۲/۵	-	-
کتب اجتماعی	۲	۱/۳	۱۲	۷/۵	۲۰	۱۲/۸
همه‌نوع کتب مورد مطالعه میباشند	۴	۲/۶	-	-	۱	۰/۶
پنج سال درحضور شاه	۲	۱/۳	-	-	-	-
اظهار نشده	۴۵	۲۹/۴	۳۰	۱۸/۸	۲۵	۱۶/۰
جمع کل						

افزون بر این از میان نمایندگان دورهٔ بیست و یکم شمار قابل توجهی، تألیفات منتسب به محمدرضا شاه، مورد توجه و مطالعه آنها قرار گرفته است (با نسبت حدود ۱۲ درصد) ناگفته نماند این گروه از نمایندگان در دورهٔ بیست و دوم اندک و یا ۲/۵ درصد دیده می‌شود. دورهٔ بیست و سوم هیچیک از نمایندگان ضمن بر شمردن کتابهای مورد مطالعه خود، ذکری از کتابهای تألیف محمدرضا شاه نکرده‌اند.

اشاره به آن گروه از نمایندگانی که در دورهٔ بیست و یکم رغبت به مطالعه کتابهای فلسفی و تربیتی و حقوقی نشان داده‌اند به ترتیب با نسبت ۸/۵ درصد و حدود ۶ درصد را ضرور میداند.

باید افزود نسبت مطالعه کنندگان کتب فلسفی و تربیتی، و حقوقی را در دورهٔ بیست و دوم با ۱۰/۶ درصد (فلسفی و تربیتی) و ۷/۵ درصد (حقوقی) در خور یادآوری است. با توجه باین که در این دوره از مجلس، شمار نمایندگانی که به مطالعهٔ کتابهای سیاسی و سیاست بین‌الملل و اقتصادی رغبت بیشتری داشته‌اند نسبتی افزون بر گروه مطالعه کنندگان کتابهای حقوقی دارند (با ۹/٤ درصد و حدود ۹ درصد).

گفتنی است این گروه از نمایندگان در دورهٔ بیست و سوم با نسبتی افزونتر (بیش از ۱٤ درصد) در درجهٔ سوم از اکثریت قرار گرفته‌اند و پس از این گروه از گروه مطالعه‌کنندگان کتابهای اجتماعی با حدود ۱۳ درصد و پزشکی با بیش از ۱۲ درصد و علمی و فنی با حدود ۱۰ درصد، و بالاخره کتابهای حقوقی بابیش‌از ۸٪ باید نام برد.

جدول شماره ۱۰ ـ تألیفات نمایندگان ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع تألیفات	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
تألیف منتشره بصورت کتاب	ـ	ـ	۳٤	٦۸	۳۱	۵۹/٦
رسالهٔ پایان‌نامه	ـ	ـ	٦	۱۲	۱۰	۱۹/۲
مقاله	ـ	ـ	۱۰	۲۰	٦	۱۱/۵
گزارش ـ بصورت پلی‌کپی	ـ	ـ	ـ	ـ	۵	۹/٦
جمع کل	ـ	ـ	۵۰	۱۰۰	۵۲	۱۰۰

نگرش و اندیشه نمایندگان از نقش اجتماعی خویش

بی‌گمان در امر پذیرش به نامزدی انتخابات مجلس شورای ملی و پیروزی در تصاحب کرسیهای نمایندگی مجالس قانونگذاری، عوامل متعدد و متنوعی وجود داشته و دارد که در پژوهش حاضر، پی بردن و بر شمردن همهٔ آن عوامل نه تنها مقدور نیست بلکه چون مبتنی بر مدارک و اسناد معتبر نیست. خواه ناخواه قضاوت ما مقرون بواقع نخواهد بود و جنبه علمی نخواهد داشت، ولی برای راه یافتن احتمالی به یکی از عوامل موفقیت نخبگان سیاسی در جلب نظر مراکز قدرت سیاسی و برگزیده شدن آنها به عنوان نمایندهٔ ملت در مجالس قانونگذاری ایران، دو پرسش را مطرح ساختیم تا از دید و ارزیابی خود نمایندگان از نقش اجتماعی خویش، بعنوان خدمات مفید و سودمندشان، و همچنین افتخارات و امتیازاتی که در طول خدمات اجتماعی، تا قبل از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای ملی کسب کرده‌اند. پی بریم.

در تحلیل از داده‌های مندرج در جدول شماره ۱ مربوط به خدمات و فعالیتهای مفید نمایندگان، بامید پاسخ مقرون بواقعیت، این نتیجه حاصل میشود: که پاسخ اکثریت نمایندگان دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری باقتضای زمان، دربارهٔ مفیدترین و برجسته‌ترین خدمات و فعالیتهای خود قبل از پیروزی در انتخابات: کوشش در اجرای قانون اصلاحات ارضی آمده است. نسبت این گروه با بیش از ۱٤ درصد از کل ۷٦ درصد نمایندگانی که به سؤال مربوط جواب داده‌اند در درجهٔ اول اکثریت می‌باشد.

در حالی که در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم قانونگذاری شمار این گروه کاهش یافته و به ترتیب به بیش از ٦ و حدود ۸ درصد از کل ۸۲ درصد، و ۹۳ درصد جمعیت مورد بررسی میرسد.

جدول شماره ۱ - وضع پاسخ نمایندگان در مورد خدمات و فعالیتهای برجستهٔ قبل از وکالت مجلس آنها

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع خدمات و فعالیتها	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
مبارزات سیاسی واجتماعی ازطریق روزنامه‌نگاری	٤	۲/٦	۷	٤/٤	۱٦	۱۰/۳
خدمات پزشکی و درمانی	۸	۵/۲	۱٤	۸/۸	۲۰	۱۲/۸
خدمت سربازی	۱	۰/۷	۲	۱/۳	۲	۱/۳
خدمات دوران اشتغال بکار دولتی	۱۱	۷/۲	۳۳	۲۰/٦	۱۹	۱۲/۲
" اجتماعی ورفاهی وشهرسازی	۱۵	۹/۸	۱۱	٦/۹	۱٦	۱۰/۳
" اقتصادی درزمینه بانکداری وبازرگانی	۱	۰/۷	۳	۱/۹	۵	۳/۲
مبارزه باضدانقلاب وامورسندیکایی	۱	۰/۷	۲	۱/۳	۵	۳/۲
تأسیس احزاب وجمعیتهای سیاسی	۱	۰/۷	۲	۱/۳	–	–
خدمات فرهنگی وتأسیس سازمانهای آموزشی	۱۱	۷/۲	٦	۳/۸	۱۲	۷/۷
تأسیس جمعیتهای غیرسیاسی	۳	۲/۰	٤	۲/۵	۸	۵/۱
فعالیتهای هنری درزمینه فیلم وسینما	۱	۰/۷	۱	۰/٦	۱	۰/٦
فعالیت درانقلاب ششم بهمن	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۱	۰/٦
کوشش در اجرای اصلاحات ارضی وکشاورزی	۲۲	۱٤/٤	۱۰	٦/۳	۱۲	۷/۷
اجرای برنامه‌های عمرانی وصنعتی	٤	۲/٦	۹	۵/٦	۱۲	۷/۷
رفع نیازمندیهای مردم	۳	۲/۰	۳	۱/۹	–	–
برآوردن نیازهای حوزه نمایندگی	٤	۲/٦	۹	۵/٦	۵	۳/۲
خدمت به شاه	۱	۰/۷	۳	۱/۹	۱	۰/٦
بهبود امورکار وکارگری	۱۱	۷/۲	۱۰	٦/۳	۸	۵/۱
پرهیز از دسته‌بندی و مبارزه با هوی وهوس	–	–	–	–	۱	۰/٦
انجام وظیفه در راه وطن	۷	٤/٦	–	–	–	–
ارشاد اهالی ایران	۱	۰/۷	–	–	–	–
ترجمه و تألیف کتاب	٤	۲/٦	–	–	–	–
اظهار نشده	۳۷	۲٤/۲	۲۹	۱۸/۱	۱۱	۷/۱
جمع کل	۱۵۳	-	۱٦۰	-	۱۵٦	-

فعالیت در زمینه‌های امور اجتماعی و رفاهی شانس موفقیت، حدود ۱۰ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری را تشکیل میدهد. توفیق انجام وظیفه در طول سالهای خدمت در دستگاههای دولتی، تأسیس سازمانهای آموزشی و خدمات فرهنگی در سطوح مختلف، تلاش در بهبود امور کار و کارگری، پاسخ گروهی از نماینده‌گان با اکثریتی برابر (با نسبت ۷/۲ درصد) در مراحل بعدی از اکثریت می‌باشد.

یادآور می‌شویم که بیش از ۵ درصد کل نماینده‌گان ایندوره از مجلس، مفیدترین و برجسته‌ترین خدماتشان را در زمینه پزشکی و درمانی و بهداشتی ذکر کرده‌اند.

دورهٔ بیست و دوم، بزرگترین گروه را با نسبت حدود ۲۱ درصد، نماینده‌گانی که بر سوابق ممتد خدمتگزاری خود در دستگاه‌های دولتی، بعنوان فعالیتهای برجسته و سودمند تکیه کرده‌اند میتوان آورد.

مرحلهٔ دوم از اکثریت، از گروه‌هایی که خدمات برجسته‌ای در امر بهداشت و درمان عمومی داشته‌اند (با نسبت حدود ۹ درصد) و بدنبال آن از گروهی که در پاسخ بسؤال ما، فعالیت مفید در زمینهٔ خدمات اجتماعی و رفاهی را (با نسبت حدود ۷ درصد) ذکر کرده‌اند، یاد میکنیم.

گروه نماینده‌گی که کوشش در اجرای امر اصلاحات ارضی را از زمره خدمات برجسته و مفید باجتماع، آورده‌اند همچنانکه در فوق اشاره شد نسبت به دورهٔ بیست و یکم کاهش چشمگیر داشته و از ۱٤/٤ درصد دورهٔ بیست و یکم به ۶/۳ درصد کل نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم میرسد.

از گروه نماینده‌گان با خدمات مفید در زمینه امور کار و کارگری نیز با همین نسبت در مرحله از اکثریت باید ذکر کرد.

افزون بر این، اجرای برنامه‌های عمرانی و صنعتی، رفع نیازمندیهای حوزه انتخابیه، مبارزات سیاسی و اجتماعی از طریق روزنامه‌نگاری و اموری جز اینها، از زمره خدمات و فعالیتهای مثمر ثمراز دید خود نماینده‌گان میباشد، که یادآوری آن ضرور می‌باشد.

حال اگر به داده‌های آماری دورهٔ بیست و سوم توجه کنیم، از لحاظ تقدم و تأخر اکثریت گروه با خدمات برجسته و مفید، متمایز از دو دوره دیگر است. بطوری که بیشتر پاسخگویان ایندوره از مجلس در درجهٔ اول با اکثریت حدود ۱۳ درصد، تکیه بر

خدمات برجستهٔ پزشکی و درمانی خود کرده‌اند. و بدنبال آن از گروه نماینده‌گان باانجام وظیفه صادقانه در سازمانهای دولتی با حدود ۱۳ درصد، و گروه مبارزان سیاسی واجتماعی از طریق روزنامه‌نگاری، و نیز نماینده‌گانی که فعالیتهای سودمند خود را در امر تأسیس و گسترش سازمانهای آموزشی و تدریس یاد کرده‌اند (هر یک با نسبتهای ۱۰/۳ درصد) باید نام برد.

گفتنی است که شمار نماینده‌گانی که از فعالیتهای برجسته دوران زنده‌گی خود، در زمینه‌های مختلف اجرای برنامه‌های عمرانی و صنعتی سودمند ذکری بمیان آورده‌اند (با نسبت حدود ۸ درصد) هرچند اندک می‌باشد، با اینهمه از یادآوری آن نباید خودداری کرد.

تلاش در بهبود وضع کارگران، تأسیس انجمنها و جمعیتهای غیرسیاسی (با بیش از ۵ درصد) مبارزه با ضد انقلاب، رفع مشکلات و تأمین نیازمندیهای حوزه انتخابیه، فعالیتهای اقتصادی: در زمینه بانکداری و بازرگانی، فعالیت در انقلاب ششم بهمن ماه ۱۳٤۱ شمسی، خدمت به پادشاه، و اموری جز اینها با تعدادی اندک نشانگر نوع فعالیتهای مفید و ثمربخش از دید شخصی نماینده‌گان ادوار اخیر بعد از انقلاب ششم بهمن ماه ۱۳٤۱ می‌باشد.

امتیازات و افتخارات نماینده‌گان

در پژوهش حاضر، از نماینده‌گان سه دورهٔ اخیر مجالس قانونگذاری عصر مشروطیت خواستیم، از امتیازات و افتخارات دوران زنده‌گی خود که قبل از نیل به مقام وکالت مجلس شورای ملی برخوردار شده‌اند نام ببرند.

بطوری که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود. متأسفانه از کل نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم تنها ۱۷ تن به سؤال ما پاسخ گفته‌اند. و از میان پاسخگویان، بیش از نیمی از آنها به اخذ مدال و نشانهای مختلف مفتخر شده‌اند. که ۲ تن آنها از طرف پادشاه، ۲ تن به اخذ نشان و تقدیر از وزارت متبوعه و ٤ تن دیگر از اخذ نشان و مدال بدون ذکر منبع اخذ آن، بعنوان امتیازات و افتخارات دوران زنده‌گی خود نام برده‌اند.

انتخاب شدن به وکالت مجلس شورای ملی، بعنوان افتخارات دوران زنده‌گی، پاسخ ۲ تن از جمع ۱۷ تن نماینده پاسخ داده می‌باشد.

جدول شماره ۲ ـ وضع پاسخ نمایندگان به افتخارات و امتیازاتی که قبل از انتخاب بوکالت کسب کرده‌اند

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع امتیاز وافتخار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
عضویت‌وخدمت دراحزاب بعدازانقلاب	–	–	۱	۰/۶	۱	۰/۶
افتخارشرفیابی بحضورپادشاه	–	–	٤	۲/۵	۳	۱/۹
خدمات فرهنگی واجتماعی	–	–	۳	۱/۹	۳	۱/۹
اخذ نشان وتقدیراز وزارت‌متبوعه	۲	۱/۳	٦	۳/۸	۲٤	۱۵/٤
" " ازپادشاه	۲	۱/۳	۳۲	۲۰/۰	٦	۳/٤
اخذ نشان اصلاحات ارضی	–	–	۲	۱/۳	–	–
افتخارشرکت درمراسم تاجگذاری	–	–	۲	۱/۳	۲	۱/۳
وانتصاب به‌نمایندگی						
انتخاب به‌نمایندگی مجلس شوری	۲	۱/۳	٤	۲/۵	۱۵	۹/٦
اخذ نشان و مدال	٤	۲/٦	۲٤	۱۵/۰	٤۵	۲۸/۹
افتخارخدمت درپروژه‌های‌عمرانی	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۲	۱/۳
آشناساختن‌زارعین‌به‌کشاورزی‌نوین	–	–	۱	۰/٦	–	–
جلب محبت واعتمادعمومی	–	–	۲	۱/۳	۲	۱/۳
اخذ نشان علمی	–	–	۱	۰/٦	۵	۳/۲
زندانی حکومت مصدق	–	–	۱	۰/٦	–	–
احیای حقوق اصناف	–	–	۲	۱/۳	–	–
برنده‌جایزه سلطنتی‌کتاب	۱	۰/۷	۱	۰/٦	۱	۰/٦
اخذ مدال ۲۸ مرداد	–	–	۱	۰/٦	۵	۳/۲
اجرای قانون دوران انقلاب	–	–	۲	۱/۳	–	–
افتخار وامتیازی ندارد	–	–	٦	۳/۸	–	–
افتخار خدمت سربازی	–	–	–	–	۲	۱/۳
افتخارمسافرت درمعیت دکتراقبال	۱	۰/۷	–	–	۱	۰/٦
افتخارالتزام در رکاب شاه	–	–	–	–	۱	۰/٦
خدمتگزاری به مردم	–	–	–	–	۵	۳/۲
تألیف‌وتدوین‌کتاب وانتشار روزنامه	۲	۱/۳	–	–	۲	۱/۳
اخذدرجات‌علمی‌بالاتراز دکترا	–	–	–	–	۱	۰/٦
افتخار آجودانی شاه	–	–	–	–	۱	۰/٦
" ذکرنامم درآثار مؤلفین	–	–	–	–	۱	۰/٦
قهرمان جهان	–	–	–	–	۱	۰/٦
اظهار نشده	۱۳٦	۸۸/۹	٦۳	۳۹/٤	۲۷	۱۷/۳
جمع کل	۱۵۳		۱٦۰		۱۵٦	

اجرای برنامه‌های عمرانی و صنعتی، توفیق در تدوین و تألیف کتاب و مقاله، از زمره افتخارات و امتیازات ذکر شده از طرف پاسخگویان می‌باشد (هریک، ۲ تن)، یک تن از نمایندگان دوره مورد بحث مفتخر به دریافت جایزه سلطنتی کتاب گردیده است.

گفتنی است، یک تن از نمایندگان، همسفر بودن با دکتر منوچهر اقبال را به نواحی مختلف کشور از جمله برجسته‌ترین افتخارات و امتیازات دوران زندگی خود بحساب آورده است.

حال اگر به آمار دو دورهٔ اخیر توجه کنیم، شمار نمایندگان پاسخ داده بسؤال مورد نظر ما افزایش یافته است و تقریباً ۶۰ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و دوم، و ۸۳ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و سوم از افتخارات و امتیازات خود به تفصیل سخن گفته‌اند که پس از جمع‌بندی در گروه‌های خاص، بموجب داده‌های آماری اینگونه اظهار نظر می‌توان کرد.

آمار دورهٔ بیست و دوم قانونگذاری، بیشترین نسبت را از آن دریافت کنندگان نشان و مدال (با ۴۱/۲۵ درصد) نشان میدهد. و به موجب پاسخهای دریافتی، اکثریت این گروه از نمایندگان مفتخر به دریافت نشان و مدال از دست پادشاه شده‌اند (با ۲۰ درصد).

اخذ کنندگان مدال و نشان با عناوین مختلف، نشان ۲۸ مرداد، نشان اصلاحات ارضی، نشان علمی، بر رویهم نیمی دیگر از مفتخرین را در برمیگیرد. ناگفته نماند ۱۵ درصد این گروه بدون ذکر منبع اخذ و عنوان مدال آمده است.

پاسخ ۴ تن از نمایندگان نیز در باب سؤال مورد نظر، ذکر کرده‌اند، افتخار و امتیازی در دوران زندگی اجتماع خود کسب نکرده‌اند.

در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری، اگر از ۱۷ درصد کل نمایندگان که از هر نوع اظهار نظر در مورد سوال مطرح شده خودداری کرده‌اند چشم بپوشیم، برای بیش از نیمی از نمایندگان دریافت مدال و نشان است که بنا بگفته خودشان، موجبات سرافرازی و افتخار و امتیاز را در زندگی اجتماعی آنها فراهم ساخته است.

باید افزود، پاسخ حدود ۲۹ درصد این گروه بدون ذکر نوع مدال و منبع اخذ آن می‌باشد. و بیش از ۱۵ درصد نشان و تقدیرنامه از وزارت متبوعه داشته‌اند. و حدود ۴ درصد نیز به اخذ نشان و مدال از طرف پادشاه مفتخر شده‌اند، و بیش از ۳ درصد

مفتخرین بدریافت مدال، بپاس خدمات ارزنده در کودتای ۲۸ مرداد از این امتیاز برخوردار شده‌اند. و معادل همین گروه باید از دارندگان نشان علمی یاد کنیم.

به موجب داده‌ها جدول شماره ۲ حدود ۱۰ درصد کل نماینده‌گان، انتخاب شدن به نماینده‌گی مجلس شورای ملی را، بالاترین افتخار و امتیاز بدست آورده دوران زنده‌گی خود ذکر کرده‌اند. ۳ تن از نماینده‌گان این دوره نیز، شرفیابی بحضور پادشاه را از افتخارات خود محسوب داشته‌اند، و یک تن نیز آجودانی پادشاه را بعنوان بالاترین افتخار و امتیاز خود یادآور شده است.

سرانجام از تعداد نماینده‌گان که بنابگفته خود، امتیاز و افتخار کسب نکرده‌اند با ۵ تن و نیز از شمار آن گروه از نماینده‌گان که تألیف و تهیه گزارش و مقاله را از زمره امتیازات خود به حساب آورده‌اند با ۲ تن یاد می‌کنیم.

منشأ خانوادگی نمایندگان

برای دستیابی به منشأ خانوادگی نمایندگان ادوار قانونگذاری بعد از اجرای قانون مصوب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی، متغیرها، شغل اصلی پدر، منابع درآمد پدر، حرفه و مشاغل عمده اعضاء و افراد نزدیک خانواده نمایندگان، عضویت بستگان نمایندگان در هیأت حاکمه کشور، و نوع و درجهٔ تحصیلات پدر، مورد سنجش قرار گرفت.

از لحاظ شغل پدر، داده‌های آماری ما نشان میدهد که مشاغل پدران گروه مورد پژوهش ما متعدد و نمایندگان به گروه‌های شغلی متعدد و مختلف وابسته بوده‌اند.

جدول شماره ۱- روشنگر این نکته است که، اکثریت نمایندگان فرزندان عمده مالکان بوده‌اند. بطوری که نیمی از نمایندگان دورهٔ بیست و یکم، و ٤٤ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و دوم قانونگذاری، و حدود $\frac{1}{3}$ نمایندگان دورهٔ بیست و سوم، در درجهٔ نخست از خانواده مالکان اراضی مزروعی برخاسته‌اند.

هرچند درصد اندکی به مشاغل اضافی همچون: کارمندی دولت، مشاغل تخصصی عالی، تجارت و کسب اشتغال داشته‌اند. ولی درصد عمده‌ای از نمایندگان شغل اصلی پدر را تنها مالکیت ذکر کرده‌اند (با نسبت حدود ۳۱ درصد از ۵۰ درصد پدران مالک دورهٔ بیست و یکم، و ۲۵ درصد از ٤٤ درصد گروه مالکان دورهٔ بیست و دوم، و بیش از ۲٤ درصد از حدود ۳۳ درصد پدران مالک دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری).

پیداست که اجرای قانون اصلاحات ارضی اگر درصد نمایندگان مالک و زمین‌داران بزرگ را نسبت به دو عصر دوم و سوم مشروطیت، کاهش داده و از ۵۷ درصد نمایندگان مالک دو عصر سلطنت پهلوی، به بیش از ۳۵ درصد به دورهٔ بیست و

جدول شماره ۱ ـ وضع مشاغل اصلی پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
شغل اصلی پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
مالک و کشاورز	۴۷	۳۰/۷	۴۰	۲۵/۰	۳۸	۲۴/۴
مالک و کارمند دولت	۱۵	۹/۸	۱۲	۷/۵	۵	۳/۲
مالک و تاجر	۵	۳/۳	۱۴	۸/۸	۵	۳/۲
مالک و روحانی	۷	۴/۶	۱	۰/۶	۳	۱/۹
مالک ومشاغل تخصصی‌عالی	۱	۰/۶	۳	۱/۹	-	-
کارمند دولت	۲۸	۱۸/۳	۳۸	۲۳/۸	۵۷	۳۶/۵
کارمند دولت و تاجر	۱	۰/۶	۲	۱/۲	-	-
" ومشاغل تخصصی‌عالی	۱	۰/۶	۱	۰/۶	-	-
کارمندمؤسسات غیردولتی وتاجر	۱	۰/۶	-	-	-	-
کارمندبخش خصوصی وغیردولتی	۱	۰/۶	۱	۰/۶	۲	۱/۳
روحانی	۲	۱/۳	۸	۵/۰	۱۰	۶/۴
مشاغل تخصصی عالی	۵	۳/۳	۷	۴/۴	۶	۳/۸
بازرگان	۱۸	۱۱/۸	۱۶	۱۰	۱۹	۱۲/۲
اصناف	۴	۲/۶	۵	۳/۱	۱	۰/۶
مشاغل آزاد	۳	۲/۱	۲	۱/۲	۲	۱/۳
کارگر	۱	۰/۶	۴	۲/۵	۲	۱/۳
کارمند دربار	-	-	۳	۱/۹	۲	۱/۳
کارمند دربار و مالک	۲	۱/۳	-	-	-	-
زارع	۳	۲/۱	-	-	-	-
کارمند مؤسسات ملی ومالک	۱	۰/۶	-	-	-	-
اظهار نشده	۷	۴/۶	۳	۱/۹	۴	۲/۶
جمع نمایندگان پاسخ‌داده	۱۵۳	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

یکم و حدود ۴۷ درصد به دورهٔ بیست و دوم، و ۴۴ درصد در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری کاهش داده است.

ولی باید یادآور شد که در مورد مالکیت ارضی گروه نماینده‌گان با توجه به شغل پدر اعضاء مجالس قانونگذاری ادوار اخیر بعد از اصلاحات ارضی، داده‌های آماری ما همچنان از نفوذ خانواده‌های مالک در ترکیب گروههای اجتماعی مجالس قانونگذاری دارد.

چه بسا که برخی از نماینده‌گان بویژه در دورهٔ بیست و یکم، در پاسخ به سؤالهای متعدد پرسشنامه درباره مشاغل و منابع درآمد خود صادق نبوده‌اند.

درصد پدران کارمند دولت بعد از پدران مالک، اکثریت بعد از مالکان را نشان میدهد، و نسبت این گروه از پدران را در دورهٔ بیست و یکم با ۲۹ درصد، و دورهٔ بیست و دوم با ۳۳ درصد، و بالاخره دورهٔ بیست و سوم با نسبتی حدود ۴۰ درصد میتوان یادآورشد.

آمار جدول مشاغل پدران، گویای این نکته است، که این گروه از پدران علاوه بر کار در بخش دولتی به مشاغل اضافی دیگر نیز پرداخته‌اند. و تنها ۱۸ درصد پدران نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم و ۲۴ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و دوم تنها به خدمت در بخش دولتی اکتفا کرده‌اند. ولی در دورهٔ بیست و سوم شمار پدران نماینده‌گان با سابقهٔ کارمندی دولت افزایش چشمگیری داشته و به دو برابر همین گروه در دورهٔ بیست و یکم میرسد. (با نسبت ۳۶/۵ درصد).

نکته گفتنی در جدول شماره ۱ مربوط به مشاغل پدران، درصد بالای پدران بازرگان و بازاری در ادوار بعد از اجرای قانون مصوب ۶ بهمن ۱۳۴۱ است.در مقام مقایسه با ادوار سه‌گانه مشروطیت، در ترکیب حرفه نماینده‌گان سه دورهٔ اخیر، هرچند شمار نماینده‌گان با سوابق تجارت و کسب بسیار ناچیز است، ولی در بررسی متغیر شغل پدران در می‌یابیم که گروهی از نماینده‌گان با نسبتهای بالای حدود ۲۹ درصد (در دورهٔ بیست و یکم) و ۲۳ درصد (در دورهٔ بیست و دوم) و بیش از ۱۵ درصد (در دورهٔ بیست و سوم) از خانواده بازاری برخاسته‌اند و پدری تاجر داشته‌اند.

بر مبنای داده‌های پژوهش حاضر، نسبت اندکی از پدران نماینده‌گان، صاحب مشاغل فنی عالی همچون، طبابت، وکالت دادگستری، روزنامه‌نگاری و اموری جز اینها

بوده‌اند (با نسبت ۴/۶ درصد در دورهٔ بیست و یکم، حدود ۷ درصد دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۴ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

میافزائیم، نسبت نمایندگان برخاسته از خانوادهٔ روحانی، به موجب پاسخهای دریافتی از نمایندگان، حدود ۶ درصد کل نمایندگان در دورهٔ بیست و یکم و بیست و دوم را در برمیگیرد. و در دورهٔ بیست و سوم نسبت اینگروه ۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

منابع تأمین درآمد پدران نمایندگان

در مجموع از بررسی پاسخهای متنوع و متعدد نمایندگان در زمینهٔ فعالیت عمده، مشاغل اضافی و نیز منبع درآمد آنها، در فصل مربوط به مشاغل نمایندگان در ادوار قانونگذاری مورد بحث، با استناد به آمار بدست آمده، این نتیجه حاصل شد که در طبقهٔ حاکمه کشور، (نمایندگان مجلس شورای ملی) مسأله انتقال قدرت صورت گرفته است و بیان شد که طبقه مالکین بزرگ جای خود را به گروه‌های حواشی هسته مرکزی قدرت دوران قبل از اصلاحات ارضی، از جمله مدیران و کارمندان دوایر بخش دولتی، صاحبان مشاغل فنی، همچون روزنامه‌نگاران، پزشکان و وکلای دادگستری و غیره تفویض کرده‌اند.

ولی در تجزیه و تحلیل بیشتر از پژوهش درباره مشاغل و منابع تأمین درآمد پدران نمایندگان در دوران بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، همچنان که از پیش در بحث از مشاغل پدران بیان داشتیم. برخلاف انتظار، نتیجه مغایر با داده‌های آماری مربوط به گروه شغلی خود نمایندگان می‌باشد. به بیان روشنتر، از بررسی جدول شماره ۲- مربوط به ترکیب پراکندگی منابع تأمین درآمد پدران نمایندگان سه دورهٔ قانونگذاری اخیر، حکایت از تسلط مالک‌زادگان بر کرسیهای مجلس شورای ملی بعد از اجرای اصلاحات ارضی دارد.

درصد بالای بین ۵۷ تا ۶۰ درصد کل نمایندگان مورد پژوهش تایید سخن ما است. اضافه میکنیم، به موجب اطلاعات مندرج در پرسشنامه نمایندگان، درآمد پدران از یک مبنع تأمین نمی‌شده است و اکثر گروه مورد بررسی، از منابع مختلف و متعدد تأمین معاش می‌کرده‌اند.

جدول شماره ۲ ـ وضع منابع درآمد پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار تاریخی	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
منابع درآمد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان	۱۵۳		۱۹۰		۱۵۶	
مالکیت و کشاورزی	٦٣	٤١/٣	٣٧	٢٣/١	٣٨	٢٤/٤
" ومشاغل آزاد تخصصی	٢	١/٣	٤	٢/٥	١	٠/٦
" و درآمد کارمندی دولت	١٤	٩/٣	٢٦	١٥/٦	٣١	١٩/٩
مالکیت و روحانیت	١	٠/٦	٧	٤/٤	٩	٥/٨
مالکیت و تجارت	٣	٢/٠	١٨	١١/٣	٩	٥/٨
مالکیت و حقوق درباری	١	٠/٦	٣	١/٩	٢	١/٣
مالکیت و مشاغل آزاد	–	–	١	٠/٧	–	–
" درآمد کارمندی مؤسسات غیر دولتی	–	–	–	–	١	٠/٦
" و درآمد کارمندی وتجارت	–	–	١	٠/٧	–	–
" و " ومشاغل تخصصی عالی	–	–	–	–	١	٠/٦
مالکیت مستغلات ودرآمد کارمندی	٢	١/٣	–	–	–	–
درآمد کارمندی دولت	٢٢	١٤/٤	٢٧	١٦/٩	٣٠	١٩/٣
" و مشاغل آزاد تخصصی	–	–	٣	١/٩	٢	١/٣
درآمد کارمندی دولت وتجارت	١	٠/٦	٤	٢/٥	٣	١/٩
روحانیت	٢	١/٣	–	–	٣	١/٩
مشاغل آزاد تخصصی	٦	٣/٩	٣	١/٩	٥	٣/٢
تجارت	٢٢	١٤/٤	١٣	٨/٢	١٢	٧/٧
مشاغل آزاد	١	٠/٦	٢	١/٣	٢	١/٣
درآمد کارمندی مؤسسات خصوصی	١	٠/٦	١	٠/٧	١	٠/٦
اصناف	٣	٢/٠	٥	٣/٢	١	٠/٦
درآمد کارگری	١	٠/٦	٤	٢/٥	٢	١/٣
درآمد مالکیت مستغلات	١	٠/٦	–	–	–	–
اظهار نشده	٧	٤/٦	١	٠/٧	٣	١/٩
جمع کل نمایندگان پاسخ داده	١٥٣	١٠٠	١٩٠	١٠٠	١٥٦	١٠٠

با اینهمه، عوائد حاصل از مالکیت ارضی و کشاورزی تنها منبع درآمد نسبت بالائی از پدران در ادوار بیست و یکم قانونگذاری (با نسبت بیش از ۴۱ درصد از کل ۵۷ درصد پدران با تأمین درآمد حاصل از مالکیت) و دورهٔ بیست و دوم (با ۲۳ درصد از ۶۰ درصد کل گروه با درآمد مالکیت) و دورهٔ بیست و سوم (با افزون بر ۲۴ درصد گروه مورد بحث) بوده است.

از نسبت پدران حقوق‌بگیر دولت با عواید حاصل از مشاغل اضافی با ۲۵ درصد کل پدران دورهٔ بیست و یکم، و حدود ۳۸ درصد دورهٔ بیست و دوم، و ۴۲ درصد دورهٔ بیست و سوم نام برده میشود.

اما نکته گفتنی در این نسبتها، اشاره به درصد پدرانی است که تنها از طریق حقوق دولتی امرار معاش می‌کرده‌اند. چیزی در حد نیمی از گروه پدران کارمند در دورهٔ بیست و یکم و ۲۷ درصد از ۳۸ درصد گروه پدران با مزایا و حقوق دولتی، و بیش از ۱۹ درصد از گروه نمایندگان با درآمد حاصل از خدمت در بخشهای دولتی در دورهٔ بیست و سوم می‌باشد و بطوری که ملاحظه می‌شود درصد اندکی را شامل می‌گردد.

می‌افزاییم، شمار قابل ملاحظه‌ای از پدران علاوه بر درآمد از مشاغل مختلف، از راه تجارت و بازرگانی نیز امرار معاش می‌کرده‌اند، توجه به جدول منابع درآمد پدران نشان میدهد که، بیش از ۱۸ درصد پدران نمایندگان دورهٔ بیست و یکم، بیش از $\frac{۱}{۴}$ پدران نمایندگان دورهٔ بیست و دوم، و حدود $\frac{۱}{۶}$ پدران نمایندگان دورهٔ بیست و سوم از عواید حاصل از کسب و تجارت امرار معاش می‌کرده‌اند، و یا سود حاصل از اینطریق، قسمتی از درآمد آنان را تشکیل میداده است.

در مجموع بالاترین نسبتها را در گروه مشاغل و منابع تأمین درآمد پدران، گروه مالکان اراضی مزروعی در مرحلهٔ نخست، و حقوق بگیران دولت در مرحلهٔ دوم، و بازرگانان و اصناف در مرحله سوم در برمیگیرند.

شمار اندکی از پدران نمایندگان، از طریق مشاغل تخصصی عالی، روحانیت، و مشاغل آزاد کسب درآمد می‌کرده‌اند.

تأمین معاش از راه دستمزد کارگری رقم بسیار پائینی را در میان خانواده نمایندگان نشان میدهد (۱ نفر دورهٔ بیست و یکم، ۴ نفر دورهٔ بیست و دوم، و ۲ نفر دورهٔ بیست و سوم).

رابطهٔ شغل نمایندگان با شغل پدران

بدنبال ارایه یافته‌های پژوهشی حاضر در باب مشاغل نمایندگان و پدران آنها، نتیجه‌بررسی‌دقیقتردیگری‌راکه‌دربارهٔویژگی خانواده نمایندگان بعمل آمده است. با در نظر گرفتن رابطهٔ شغل نمایندگان با مشاغل پدران آنها بیان میداریم، تا روشنی و صحت بیشتری به داده‌های آماری و توضیحات پیشین ما در بارهٔ قشربندی قدرت سیاسی در اجتماع ایران عصر مشروطیت به بخشیم.

حاصل کنجکاوی در مورد متغیر مشاغل نمایندگان و پدران، در جداول مربوط به هر گروه شغلی روشنگر میزان رابطه نزدیک میان حرفه نمایندگان با حرفه پدران است که ما در هر گروه بطور جداگانه از آن سخن می‌گوییم.

گروه نمایندگان با سابقه کارمندی دولت

نکته جالب توجه در جدول شماره ۳- مربوط به شغل پدران نمایندگان کارمند دولت دیده می‌شود. اگر ارقام مربوط به پدران مالک با مشاغل اضافی را بر یکدیگر بیفزایم، معلوم میگردد، در حدود ۳۸ درصد نمایندگان حقوق بگیر بخش دولتی در دورهٔ بیست و یکم از خانواده مالکان بوده‌اند، و تنها ۱۷ درصد نمایندگان با سابقه کارمندی دولت از خانواده کارمند دولت برخاسته‌اند.

این نسبت در دو دورهٔ اخیر مشروطیت افزایش قابل ملاحظه دارد، بطوری که از ۳۸ درصد دورهٔ ۲۱ به بیش از ۶۲ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و بیش از ۶۱ درصد به دورهٔ بیست و سوم میرسد.

بعبارت دیگر عامل وراثت شغلی در میان گروه نمایندگان با سابقه خدمات دولتی و در این مورد خاص صدق نمیکند.

و نسست ۴۷ درصد پدران گروه کارمند و مشاغل اضافی با بیش از ۶۲ درصد پدران مالک در دورهٔ بیست و دوم، و ۴۸ درصد همین گروه از پدران در برابر بیش از ۶۱ درصد پدران مالک تایید سخن ما می‌باشد.

جدول شماره ۳ ـ وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان باسابقهٔ کارمندی دولت در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار مجالس قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعدادکل نمایندگان کارمند	١٣٦		١٢٤		١١٤	
ملاک وکشاورز	٣١	٢٢/٨	٣٠	٢٤/٢	٢٦	٢٢/٨
ملاک وکارمند دولت	١٤	١٠/٤	٢٤	١٩/٤	٢٤	٢١/٠
ملاک و تاجر	٤	٢/٩	١٢	٩/٧	٩	٧/٩
ملاک و روحانی	–	–	٥	٤/٠	٦	٥/٢
ملاک وکارمند دربار	–	–	٣	٢/٤	٢	١/٨
" وکارمنددولت ومشاغل تخصصی	–	–	–	–	١	٠/٩
" وکارمندمؤسسات غیردولتی	١	٠/٧	–	–	١	٠/٩
" ومشاغل عالی تخصصی	٢	١/٥	٢	١/٦	١	٠/٩
" وتاجر وکارمند دولت	–	–	١	٠/٨	–	–
کارمند دولت	٢٣	١٦/٩	٢٦	٢١/٠	٢٧	٢٣/٦
کارمند دولت و تاجر	٢	١/٥	٥	٤/٠	٢	١/٨
روحانی	–	–	–	–	٣	٢/٦
تاجر	١٢	٨/٨	٧	٥/٧	٤	٣/٥
مشاغل آزاد تخصصی‌عالی	٥	٣/٧	٣	٢/٤	٣	٢/٦
" و کارمند دولت	١	٠/٧	٢	١/٦	١	٠/٩
مشاغل آزاد	–	–	٢	١/٦	٢	١/٨
زارع	١	٠/٧	–	–	–	–
اصناف	–	–	٢	١/٦	–	–
کارمند مؤسسات غیردولتی	١	٠/٧	–	–	–	–
اظهار نشده	٣٩	٢٨/٧	–	–	٢	١/٨
جمع کل نمایندگان باسابقهٔ کارمندی	١٣٦	١٠٠	١٢٤	١٠٠	١١٤	١٠٠

گروه نماینده‌گان مالک

جدول شماره ٤ـ مربوط به وضع شغل پدران نماینده‌گان مالک، در سه دورهٔ بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی حکایتی دگر دارد.

نسبتهای چشمگیر پدران مالک با ٧٤ درصد (در دورهٔ بیست و یکم) و حدود ٨٨ درصد (در دورهٔ بیست و دوم) و ٨٧ درصد (در دورهٔ بیست و سوم) تاییدی است بر کثرت گروه نماینده‌گان مالک که مالکیت اراضی مزروعی در خانواده آنها موروثی بوده است.

نسبت پدرانی که علاوه بر مالکیت، به مشاغل دیگری از جمله کارمندی دولت، و تجارت اشتغال داشته‌اند با ١٧ درصد در دورهٔ بیست و یکم، ٣٢ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ٣٤ درصد در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری بکارمندی دولت، و پدران بازرگان در گروه نماینده‌گان مالک با ١٠ درصد (در دورهٔ بیست و یکم) و بیش از ٢٥ درصد (در دورهٔ بیست و دوم) و حدود ١٢ درصد (در دورهٔ بیست و سوم) در برابر پدران مالک نسبتی پایین را نشان میدهد.

رابطهٔ نزدیک شغلی پدر و پسر در گروه نماینده‌گان مالک، علاوه بر اینکه مبین مسأله وراثت شغلی در مورد گروه مالکان می‌باشد. این نکته را نیز بر ما آشکار می‌سازد که اگر چه، مالکیت فعالیت عمده و شغل اساسی نماینده‌گان ادوار سه‌گانه مجلس شورای ملی بعد از اجرای اصلاحات ارضی نبوده است ولی خانوادهٔ آنها از طبقه مالکان اراضی مزروعی بوده‌اند.

گروه نماینده‌گان صاحب مشاغل تخصصی

جدول شماره ٥ـ وضع مشاغل پدران در گروه نماینده‌گان با مشاغل فنی و تخصصی نشان می‌دهد، که در این گروه شغلی نیز، در هر سه دورهٔ نماینده‌گی اخیر مجلس شورای ملی، پدران مالک با نسبتهای چشمگیر تفوق دارند. چه نسبت گروه پدران مالک در دورهٔ بیست و یکم حدود ٣٧ درصد، و در دورهٔ بیست و دوم ٥٠ درصد، و در دورهٔ بیست و سوم حدود ٥٣ درصد دیده می‌شود.

بعد از پدران مالک، از قشر پدران کارمند دولت در گروه مورد نظر در دوره‌های اخیر مورد پژوهش به ترتیب با نسبتهای ٢٤/٤ درصد، و حدود ٥٠ درصد، و ٤٧/٥

جدول شماره ٤ ـ وضع مشاغل پدران درگروه نمایندگان مالک در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان مالک	٦٩		٧٥		٦٨	
مالک و کشاورز	٤١	٥٩/٥	٣٠	٤٠/٠	٢٢	٣٢/٣
مالک وکارمنددولت	٧	١٠/٢	١٦	٢١/٣	١٧	٢٥
مالک و تاجر	٢	٢/٩	١٤	١٨/٧	٧	١٠/٣
مالک و روحانی	–	–	٣	٤/٠	٧	١٠/٣
مالک وکارمند دولت	–	–	–	–	–	–
" و کارمند، مشاغل تخصصی عالی	–	–	–	–	١	١/٥
" و کارمند درباری	–	–	١	١/٣	٢	٢/٩
" و کارمند، تاجر	–	–	١	١/٣	–	–
" و مشاغل تخصصی‌عالی	–	–	١	١/٣	٢	٢/٩
کارمند دولت	٣	٤/٤	٥	٦/٧	٦	٨/٨
کارمند دولت و تاجر	١	١/٤	٢	٢/٧	–	–
کارمند دولت و مشاغل تخصصی عالی	١	١/٤	–	–	–	–
تاجر	٤	٥/٨	٢	٢/٧	١	١/٥
روحانی	١	١/٤	–	–	١	١/٥
مالک و کارمند مؤسسات غیردولتی	١	١/٤	–	–	١	١/٥
جمع کل	٦٩	١٠٠	٧٥	١٠٠	٦٨	١٠٠

جدول شماره ٥ ـ وضع مشاغل پدران درگروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعدادنمایندگان‌مشاغل‌تخصصی	٤۱		٤٦		٦۱	
مالک و کشاورز	۱۱	۲٦/۸	٦	۱۳/۰	۷	۱۱/٥
مالک و کارمند دولت	۲	٤/۹	۱۰	۲۱/٦	۱٥	۲٤/٥
مالک و تاجر	-	-	٤	۸/۷	۲	۳/۲
" وکارمند دولت و مشاغل تخصصی	-	-	-	-	۱	۱/۷
مالک و روحانی	-	-	۲	٤/٤	٥	۸/۲
" وکارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۲/٤	-	-	۱	۱/۷
" ومشاغل تخصصی عالی	۱	۲/٤	۱	۲/۲	۱	۱/۷
کارمند دولت	۷	۱۷/۱	۹	۱۹/٥	۱۰	۱٦/٤
" و مشاغل آزاد تخصصی عالی	۱	۲/٤	۳	٦/٥	۲	۳/۳
کارمند دولت و تاجر	-	-	۱	۲/۲	۱	۱/۷
روحانی	-	-	۲	٤/٤	۲	۳/۲
تاجر	٦	۱٤/۷	٤	۸/۷	٦	۹/۸
مشاغل آزاد تخصصی عالی	۲	٤/۹	۲	٤/٤	٤	٦/٦
مشاغل آزاد	-	-	-	-	۱	۱/۷
اظهار نشده	۱۰	۲٤/٤	۲	٤/٤	۳	٤/۹
جمع کل	٤۱	۱۰۰	٤٦	۱۰۰	٦۱	۱۰۰

درصد را یادآور می‌شویم.

باید افزود این آمار مربوط به کارمندان دولت همراه با مشاغل اضافی می‌باشد، و شمار پدران این گروه از نمایندگان که تنها به کارمندی دولت اشتغال داشته‌اند با نسبتهای ۱۷ درصد (دورهٔ بیست و یکم) و حدود ۲۰ درصد (در دورهٔ بیست و دوم) و بیش از ۱۶ درصد (در دورهٔ بیست و سوم) جامعه آزمایشی ما را تشکیل میدهد.

نسبت پدران بازرگان نیز در گروه نمایندگان با سابقه حرفه فنی و تخصصی در خور یادآوری می‌باشد. و در هر سه دوره مورد آزمایش ما، بعد از گروه پدران شاغل در بخش خدمات دولتی بازرگانان در مرتبه سوم از اکثریت قرار دارند. (حدود ۱۵ درصد در دورهٔ بیست و یکم، حدود ۲۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۲۷ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

یادآور می‌شویم، نسبت پدرانی که تنها به شغل بازرگانی بسنده کرده‌اند اندک نیست و بطوری که جدول ما حکایت می‌کند. این پدران نسبتی حدود ۱۵ درصد در دورهٔ بیست و یکم، و حدود ۹ و ۱۰ درصد در دوره‌های بیست و دوم و بیست و سوم دارند.

درصد پدرانی که به حرفه تخصصی و فنی همچون طبابت، روزنامه‌نگاری، وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و جز اینها پرداخته‌اند اندک می‌باشد. حدود ۱۰ درصد جامعه مورد پژوهش ما را در دورهٔ بیست و یکم، و بیش از ۱۳ درصد در هر یک از دو دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم تشکیل میدهد.

گروه نمایندگان بازرگان

از پیش بیان داشتیم، که شمار نمایندگان با سابقه تجارت و کسب در دوران اخیر مشروطیت نسبت بادوار گذشته بتدریج کاهش یافته است.

نمایندگان این گروه شغلی، دردورهٔبیست‌ویکم‌حدود ۱۰ درصد و در دورهٔ بیست و دوم حدود ۸ درصد و در دورهٔ بیست و سوم حدود ۳ درصد کل جامعه مورد مطالعه را در برمیگیرد.

نکته مهم در جدول شماره ۶ـ در رابطه با مشاغل پدران این گروه از نمایندگان در دورهٔ بیست و یکم بالا بودن نسبت پدران مالک می‌باشد. بطوری که بیش از ۴۷

جدول شماره ۶ ـ وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان بازرگان

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان تاجر	۱۹		۱۲		۴	
تاجر	۵	۲۶/۳	۴	۳۳/۴	۲	۵۰/۰
تاجر و مالک	-	-	۶	۵۰/۰	۱	۲۵/۰
کارمند دولت و ملاک	-	-	۱	۸/۳	-	-
مالک	۸	۴۲/۱	۱	۸/۳	-	-
اصناف	۱	۵/۳	-	-	۱	۲۵/۰
اصناف و کارمند دولت	۱	۵/۳	-	-	-	-
اظهار نشده	۴	۲۱/۰	-	-	-	-
جمع کل نمایندگان تاجر	۱۹	۱۰۰	۱۲	۱۰۰	۴	۱۰۰

د ـه. گروه نمایندگان تاجر، پدری مالک داشته‌اند و تنها ۳۲ درصد از نمایندگان مورد بحث ما، از خانواده بازرگان برخاسته‌اند.

در دو دورهٔ اخیر هرچند آمار نمایندگان بازاری کاهش را نشان میدهد. با اینهمه اشاره به مشاغل پدران این گروه خالی از فایده نیست. نتیجه بررسی آمار دو دوره اخیر همانند، دورهٔ بیست و یکم، اندک بودن شمار پدران تاجر در برابر پدران مالک است. در واقع $\frac{1}{3}$ پدران نمایندگان بازاری دورهٔ بیست و دوم فقط به امر تجارت پرداخته‌اند و $\frac{2}{3}$ بقیه پدران، به مالکیت و تجارت، و یک تن نیز علاوه بر مالکیت به کارمندی در بخشهای دولتی اشتغال داشته است.

در دورهٔ بیست و سوم، از جمع ٤ تن نماینده بازاری ۳ تن از پدران آنها به تجارت و کسب و یک تن علاوه بر تجارت به مالکیت نیز پرداخته است.

در مورد گروه‌های نمایندگان با سابقه شغلی کارمندی در مؤسسات ملی و غیر دولتی، نمایندگانی که به مشاغل آزاد پرداخته‌اند، همچنین از گروه نمایندگانی که با سابقه کارگری در بخشهای دولتی، و سرمایه‌داران، هرچند در اقلیت می‌باشند. با اینهمه جداول آماری در رابطه با شغل پدران هر یک از گروه‌های شغلی مذکور در فوق تنظیم گردید. و بررسی جداول مزبور و داده‌های آماری حکایت از اشتغال پدران گروه‌های مورد نظر به مشاغل متنوع و متعدد دارد. ولی در مجموع.

از توجه به جداول شماره ۷- ۸- ۹- ۱۰ این نتیجه بدست می‌آید. که غالب پدران، در این گروه‌های شغلی نمایندگان، مالک بوده‌اند. جز در مورد گروه نمایندگان با سابقهٔ کارگری در دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری که اکثریت با پدران کارگر است.

حرفه و مشاغل عمده اعضاء خانواده نمایندگان

در تکمیل اطلاعات بمنظور دستیابی به منشأ اجتماعی و ویژگیهای خانوادهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی، ضمن سؤالی در پرسشنامه از پاسخگویان جویای حرفه و مشاغل بستگان نزدیک آنها نیز شدیم. کمتر از ۳۱ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و دوم، و ۲۷ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و سوم در برابر این سؤال سکوت اختیار کرده‌اند.

جدول شماره ۷ ـ نوع مشاغل پدران در گروه کارمندان مؤسسات غیردولتی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جمع نمایندگان	۱۱		-		٤	
مالک و درباری	-	-	-	-	۱	۲۵
مالک و کارمند دولت	۱	۹/۱	-	-	۱	۲۵
بازرگان	۱	۹/۱	-	-	۱	۲۵
مالک و کشاورز	٤	۳٦/۳	-	-	-	-
مشاغل آزاد	۱	۹/۱	-	-	-	-
کارمند دولت	۲	۱۸/۲	-	-	-	-
اظهار نشده	۲	۱۸/۲	-	-	۱	۲۵
جمع گروه نمایندگان کارمند مؤسسات ملی	۱۱	۱۰۰	-	-	٤	۱۰۰

جدول شماره ۸ ـ وضع مشاغل پدران‌در گروه نمایندگان سرمایه‌دار

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان سرمایه‌دار	۵		۱		۲	
تاجر	۲	٤۰	-	-	۱	-
کارمند دولت و ملاک	۲	٤۰	-	-	-	-
روحانی و مالک	-	-	-	-	۱	-
تاجر و مالک	-	-	۱	-	-	-
مالک	۱	۲۰	-	-	-	-
جمع گروه نمایندگان سرمایه‌دار	۵	۱۰۰	۱	-	۲	-

جدول شماره ۹ ـ وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان شغل آزاد	-		۷		۴	
کشاورزی	-	-	۱	۱۴/۳	۲	۵۰/۰
کشاورزی و روحانیت	-	-	۱	۱۴/۳	۱	۲۵/۰
مالک و مشاغل تخصصی عالی	-	-	۲	۲۸/۶	-	-
تجارت	-	-	۱	۱۴/۳	۱	۲۵
اصناف	-	-	۲	۲۸/۵	-	-
جمع نمایندگان مشاغل آزاد	-	-	۷	۱۰۰	۴	۱۰۰

جدول شماره ۱۰ ـ وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان کارگر

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان کارگر	۶		۱۰		۵	
کارگر	۱	۱۶/۷	۴	۴۰	۲	۴۰
اصناف	۱	۱۶/۷	۳	۳۰	۱	۲۰
زارع	۲	۲۳/۲	-	-	-	-
مشاغل آزاد	۱	۱۶/۷	۱	۱۰	-	-
کارمند دولت	۱	۱۶/۷	۱	۱۰	۱	۲۰
کارمند مؤسسات غیردولتی	-	-	۱	۱۰	۱	۲۰
جمع نمایندگان باسابقهٔ کارگری	۶	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۵	۱۰۰

ولی از تجزیه و تحلیل پاسخ بقیهٔ نماینده‌گان چنین برمی‌آید. که در هر دو دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم، در مجموع بیش از ۵۰ درصد، گروه مورد پژوهش، حرفه و شغل اعضاء خانوادهٔ خود را کارمندی دولت قید کرده‌اند. (۵۰ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و حدود ۵۳ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

گروه مالکان و کشاورزان در خانوادهٔ نماینده‌گان، در مرتبهٔ دوم از اکثریت با بیش از ۲۴ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۲۲ درصد در دورهٔ بیست و سوم قرار دارند.

در اینجا باید یادآور شویم، که با احتمال قرین به یقین، پاسخگویان، اشاره به فعالیت عمده و شغل اصلی اعضاء خانواده کرده‌اند و منبع درآمد و مالکیت املاک مزروعی و مستغلاتی خانواده را مد نظر نداشته‌اند.

بعد از مالکان، از نظر اکثریت، باید از بازرگانان و اصناف با حدود ۱۶ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۱۳ درصد در دورهٔ بیست و سوم یاد کرد.

هرچند گروه صاحبان مشاغل فنی تخصصی، همچون طبابت، روزنامه‌نگاری و وکالت دادگستری و جز اینها در دورهٔ بیست و سوم نسبتی افزون بر بازاریان دارند (حدود ۱۷ درصد) باید افزود رقم این گروه در دورهٔ بیست و دوم با ۱۱ درصد بعد از گروه بازاری قرار گرفته‌اند ناگفته نماند به موجب جدول شماره ۱۱- نسبت اندکی از اعضاء خانوادهٔ نماینده‌گان به مشاغل آزاد اشتغال داشته‌اند (بیش از ۹ درصد در دورهٔ بیست و دوم، و ۸ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

تعداد اندکی از پاسخگویان، از وجود اعضاء روحانی در میان خانواده خود اطلاع داده‌اند از شمار آنها: ۶ نفر در دورهٔ بیست و دوم، و ۳ نفر در دورهٔ بیست و سوم میتوان یاد کرد.

جدول شماره ۱۱ - حرفه و مشاغل اعضاء نزدیک خانوادهٔ نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
نوع مشاغل	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعدادنمایندگان پاسخ‌داده	-		۱۶۰		۱۵۶	
تجارت	-	-	۱۸	۱۱/۳	۲۰	۲۰ ۱۲/۸۱
کشاورزی و دامپروری	-	-	۳۹	۲۴/۴	۳۴	۲۱/۸
کارمند دولت	-	-	۸۰	۵۰/۰	۸۲	۵۲/۶
روحانی	-	-	۶	۳/۸	۳	۱/۹
مشاغل آزاد تخصصی عالی	-	-	۱۸	۱۱/۳	۲۶	۱۶/۷
مشاغل آزاد	-	-	۱۵	۹/۴	۱۳	۸/۳
اصناف	-	-	۷	۴/۴	-	-
کارمند دربار	-	-	-	-	۲	۱/۳
اظهار نشده	-	-	۵۰	۳۱/۳	۴۲	۲۶/۹
جمع کل						

سابقهٔ عضویت بستگان نماینده‌گان

در طبقهٔ حاکمه مملکت

بمنظور دریافت میزان عامل وراثت مشاغل سیاسی در طبقهٔ حاکمهٔ عصر مشروطیت، از نماینده‌گان خواستیم، چنانچه در میان بستگان نزدیک و دور آنها فرد یا افرادی به مقام وکالت مجلسین رسیده‌اند مشخص سازند.

متأسفانه تعداد نماینده‌گان که به این پرسش پاسخ داده‌اند، اطلاعات ناقص و نسبت بالایی را در برنمی‌گیرد.

جدول شماره ۱۲ مربوط به سوابق نماینده‌گی در خانواده وکلای مجلسین، این مطلب را برای ما روشن می‌سازد که حرفه نماینده‌گی مجلس در بین ۴۶/۴ درصد خانواده نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم و ۴۵/۶ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۴۸ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و سوم بدون سابقه نبوده است.

به بیان دیگر، هرچند در سه دورهٔ اخیر مشروطیت به ترتیب ۷۸ درصد، و ۵۶ درصد، و ۵۵ درصد نماینده‌گان ادوار بیست و یکم، بیست و دوم و بیست و سوم اعضاء جدید را بخود پذیرفته است، ولی نسبت بالایی از نماینده‌گان مجالس مذکور از میان خانواده‌هایی برخاسته‌اند که بیشتر از یک تا ۱۶ تن از اعضاء خانواده، اعم از پدر، برادر، عمو، عموزاده‌گان و سایر اقربا نسبی و سببی در طی دوره‌های مختلف مجالس قانونگذاری، در عرصه سیاست کشور سهمی مؤثر داشته‌اند و در این ادوار نیز با انتخاب کاندیداهای تازه از میان اعضاء خانواده، سنت نماینده‌گی را در خانوادهٔ خویش همچنان حفظ کرده‌اند.

جدول شماره ۱۲ - وضع عضویت بستگان نمایندگان در طبقهٔ حاکمه کشور (نمایندگان مجلسین)

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
تعداد اعضاء خانواده	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان‌پاسخ‌داده	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
یک تن از بستگان	۳٤	٤۷/۹	۳۰	٤٦/۲	۳۳	٤٤/۰
دو تن از بستگان	۱٦	۲۲/٦	۱۲	۱۸/۵	۱٤	۱۸/۷
سه تن از بستگان	۷	۹/۹	۱۰	۱۵/٤	۱۱	۱٤/۷
چهار تن از بستگان	٤	۵/٦	۳	٤/٦	۱	۱/۳
پنج تن از بستگان	۳	٤/۲	۲	۳/۱	٤	۵/٤
شش تن از بستگان	۲	۲/۸	٤	٦/۲	۷	۹/٤
هشت تن از بستگان	۲	۲/۸	۱	۱/۵	۱	۱/۳
ده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	۱	۱/۳
یازده تن از بستگان	۱	۱/٤	-	-	۱	۱/۳
دوازده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	۱	۱/۳
سیزده تن از بستگان	۱	۱/٤	-	-	۱	۱/۳
چهارده تن از بستگان	۱	۱/٤	-	-	-	-
شانزده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	-	-
جمع کل	۷۱	۱۰۰	٦۵	۱۰۰	۷۵	۱۰۰

داده‌های آماری ما حکایت از آن دارد که حدود ٤٨ درصد این گروه از نماینده‌گان دورهٔ بیست و یکم و بیش از ٤٦ درصد از نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم، و ٤٤ درصد از وکلای دورهٔ بیست و سوم، فقط یک تن از اعضاء خانواده آنها موفق به احراز کرسی‌های مجلس شورای ملی گردیده‌اند.

و نماینده‌گانی که ٢ تن از اعضاء خانواده آنها سابقهٔ وکالت داشته‌اند به ترتیب با نسبتهای حدود ٢٣ درصد، و ١٩ درصد در ادوار سه‌گانه مورد پژوهش حاضر، دیده میشود.

بیش از ٢٥ درصد (در دورهٔ بیست و یکم) و ٣٢/٥ درصد (دورهٔ بیست و دوم) و بیش از ٣٣ درصد گروه مورد بحث (در دورهٔ بیست و سوم) بین ٣ تا ١٠ تن از بستگانشان به وکالت مجلسین رسیده‌اند.

جدول شماره ١٣ـ شمار و درصد نماینده‌گانی که نسبتی با مقامهای بلند پایه سیاسی و هیأت وزیران داشته‌اند، ما را باین نتیجه میرساند که بیش از ١٦ تا ٢٠ درصد نماینده‌گان سه دورهٔ بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بین ١ تا ٧ تن از بستگانشان به مقام نخست وزیری و وزارت رسیده‌اند.

تحصیلات پدران نماینده‌گان

متغیر دیگر برای دستیابی به منشأ اجتماعی نماینده‌گان، بررسی در وضع سواد و درجهٔ تحصیلات خانوادهٔ نماینده‌گان می‌باشد. متأسفانه چون اطلاعات ما در مورد وکلای مجلس بیست و یکم ناقص می‌باشد، در نتیجه از ارایه اطلاعات ناقص خودداری کردیم ولی از بررسی جدول شماره ١٤ مربوط به نوع و درجهٔ تحصیلات پدران نماینده‌گان دو دورهٔ اخیر بعد از اجرای اصلاحات ارضی، نشان میدهد که شماری از نماینده‌گان از پاسخ به سؤال مربوط به تحصیلات پدرشان خودداری کرده‌اند (١٠ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ١٢ درصد در دورهٔ بیست و سوم) و از پاسخ ٥ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و دوم و بیش از ٣ درصد نماینده‌گان دورهٔ بیست و سوم چنین برمی‌آید که پدران آنها از نعمت سواد بی‌بهره بوده‌اند.

و اگر این فرض را بپذیریم که علت عدم پاسخ برخی از نماینده‌گان دربارهٔ وضع معلومات و دانش پدرشان عدم سواد آنها بوده است و شمار این گروه را بر تعداد

جدول شماره ۱۳ ـ وضع عضویت بستگان نمایندگان در هیأت وزیران

ادوار قانونگذاری	دورهٔ بیست و یکم		دورهٔ بیست و دوم		دورهٔ بیست و سوم	
تعداد اعضاء خانواده	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
یک تن از بستگان	۱۰	۴۰	۱۷	۵۴/۸	۱۴	۵۶/۰
دو تن از بستگان	۵	۲۰/۰	۷	۲۲/۶	۷	۲۸
سه تن از بستگان	۵	۲۰/۰	۳	۹/۷	۱	۴/۰
چهار تن از بستگان	۲	۸/۰	۲	۶/۵	۲	۸/۰
پنج تن از بستگان	۲	۸/۰	۱	۳/۲	۱	۴/۰
شش تن از بستگان	۱	۴/۰	-	-	-	-
هفت تن از بستگان	-	-	۱	۳/۲	-	-
جمع نمایندگان‌پاسخ‌داده	۲۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۵	۱۰۰

بیسوادان اظهار شده بیفزاییم نتیجه میگریم که ۱۵ درصد گروه مورد پژوهش در دورهٔ بیست و دوم و بیست و سوم احتمالاً پدرانی بی سواد داشته‌اند.

آمار وضع تحصیل ۸۵ درصد پدران باسواد هر دو دوره مذکور به موجب جدول شمارهٔ ۱۴ حکایت از آن دارد که اکثر پدران پاسخگویان ما (با نسبت ۶۷/۴ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۶۸ درصد در دورهٔ بیست و سوم) تحصیلات قدیمه داشته‌اند و درصد ناچیزی (۱۷/۶ درصد در دورهٔ بیست و دوم و حدود ۱۵ درصد در دورهٔ بیست و سوم) از این گروه از تحصیلات قدیم و با درجهٔ معلومات عالی در حد مدرسی و اجتهاد برخوردار بوده‌اند.

قابل توجه آن که اکثریت درخور توجهی از پدران دارای معلوماتی مقدماتی که در حد خواندن و نوشتن و بدون مدرک تحصیلی جدید بوده‌اند (با نسبتهای۵ /۴۳٪ در دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۴۲ درصد در دورهٔ بیست و سوم).

درصد ناچیزی از پدران نمایندگان (حدود ۱۴ درصد پاسخگویان دورهٔ بیست و دوم و ۱۳/۵ درصد همین گروه در دورهٔ بیست و سوم قانونگذاری) از تحصیلات کلاسیک و جدید برخوردار بوده‌اند که از این نسبت حدود ۳ درصد (۲/۵ درصد در دورهٔ بیست و دوم و ۲/۶ درصد در دورهٔ بیست و سوم) معلوماتی کمتر از دیپلم داشته‌اند.

نسبت دارندگان مدارک دانشگاهی (اعم از لیسانس، فوق لیسانس و دکترا) با ۵/۷ درصد در دورهٔ بیست و دوم و بیش از ۶ درصد در دورهٔ بیست و سوم میتوان ذکر کرد.

اگر سطح آگاهی و اطلاعات علمی پدران را بدون توجه به نوع تحصیلات مورد نظر قرار دهیم به این نتیجه میرسیم که حدود $\frac{1}{4}$ پدران نمایندگان در هر یک از دو دورهٔ اخیر از درجهٔ تحصیلات عالی، لیسانس و دکترا و مدرسی و اجتهاد برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۱۴ ـ وضع نوع و درجهٔ تحصیلات پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری	دورهٔ اول		دورهٔ دوم		دورهٔ سوم	
نوع‌ودرجهٔ تحصیلات‌نمایندگان	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان	ـ		۱۶۰		۱۵۶	
مقدمات	ـ	ـ	۷۰	۴۳/۵	۶۶	۴۲/۳
سطح	ـ	ـ	۱۰	۶/۴	۱۷	۱۰/۹
مدرسی	ـ	ـ	۱۷	۱۰/۶	۸	۵/۱
اجتهاد	ـ	ـ	۱۱	۶/۹	۱۵	۹/۶
جمع قدیم	ـ	ـ	۱۰۸	۶۷/۴	۱۰۶	۶۷/۹
دیپلم و مقدمات	ـ	ـ	ـ	ـ	۳	۱/۹
دیپلم و سطح	ـ	ـ	۴	۲/۵	۱	۰/۷
لیسانس و سطح	ـ	ـ	۲	۱/۳	ـ	ـ
لیسانس و مدرسی	ـ	ـ	ـ	ـ	۱	۰/۷
سطح و دکترا	ـ	ـ	ـ	ـ	۱	۰/۷
جمع قدیم و جدید	ـ	ـ	۶	۳/۸	۶	۴/۰
کمتر از دیپلم	ـ	ـ	۴	۲/۵	۴	۲/۶
دیپلم	ـ	ـ	۷	۴/۳	۴	۲/۶
فوق دیپلم	ـ	ـ	۲	۱/۳	۳	۱/۹
لیسانس	ـ	ـ	۳	۱/۹	۴	۲/۶
فوق لیسانس	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
دکترا	ـ	ـ	۳	۱/۹	۵	۳/۲
حدود دکترا	ـ	ـ	۲	۱/۳	ـ	ـ
حدود لیسانس	ـ	ـ	۱	۰/۶	۱	۰/۶
جمع جدید	ـ	ـ	۲۲	۱۳/۸	۲۱	۱۳/۵
بیسواد	ـ	ـ	۸	۵/۰	۵	۳/۲
اظهار نشده	ـ	ـ	۱۶	۱۰	۱۸	۱۱/۶
جمع کل	ـ	ـ	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

نتیجه

در حکومت ملی، تفکیک و تقسیم قوای مملکتی و برخورداری افراد از حقوق و آزادیهای طبیعی بموجب قانون اساسی، امکان بهره‌مندی طبقات مختلف جامعه را از منزلت اجتماعی و قدرت سیاسی فراهم می‌سازد. در یک رژیم دمکراسی کامل قاعدهٔ رهبران سیاسی و از جمله اعضای پارلمان، نمایندگان عامهٔ مردم هستند و مطالعه در منشأ اجتماعی و طبقهٔ آنان باید ما را دربارهٔ کیفیت تعادل نیروها در جامعهٔ مورد نظر آگاه کند.

از تحقیق و مطالعه ما دربارهٔ ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس چنین برمیآید که با وجود آن که در اغلب قوانین انتخاباتی، نمایندگی در طبقات بخصوصی محدود نبوده است، معهذا قدرت سیاسی در ایران و یا لااقل در مجلس شورای ملی در دست طبقاتی خاص از جمله: مالکان و کارمندان اداری بوده است. بطوریکه اگر دورهٔ اول قانونگذاری را که تعیین نمایندگان بموجب نظامنامهٔ انتخابات از میان طبقات: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار و مالکان و فلاحین و اصناف با تعیین سهم معینی از کرسیهای نمایندگی برای هر طبقه انجام گرفت استثناء کنیم، بیست‌ودودورهٔ دیگر مجلس را باید در قبضهٔ قدرت مالکان و کارمندان دولت (آنهم کارمندان دولتی که در اکثر موارد خود از میان طبقهٔ مالکان برخاسته‌اند) بدانیم.

در عصر اول مشروطیت بر روی هم اکثریت شایان توجه از آن کارمندان اداری است (با نسبت ٤٥ تا ٥٥ درصد کل نمایندگان) ولی در داخل آن عصر تفاوتی میان ادوار مختلف دیده میشود، چنانکه در دورهٔ اول اکثریت با بازرگانان و اصناف و در دورهٔ سوم، مجلس تا حدودی تابع مالکان است.

بطور کلی با توجه بدرجهٔ تحصیل و گروه سنی و بخصوص منشأ خانوادگی نمایندگان در عصر اول، میتوان گفت که انعکاس اوضاع اجتماعی و در واقع تغییر رژیم حکومت و انقلاب ملی در عصر اول مشروطیت،با نسبت بیشتری از عصر دوم و سوم مشروطیت دیده میشود. (عصر سلطنت خاندان پهلوی)

* * *

رشد طبقات متوسط، افزایش طبقهٔ بازرگانان و اصناف و شرکت مستقیم عامهٔ روحانیان در سیاست روز با قدرت سیاسی که این دو طبقه در جریان انقلاب ایران بدست آوردند، اثر محسوس در ترکیب طبقاتی مجلس ملی ایران نمود. پذیرفته شدن نسل جوان با سطح تحصیلات بالاتر که مؤمن بانقلاب بودند و با دید روشن بین‌تری نسبت بحکومت ملی می‌نگریستند، مسأله شایان توجهی است که در عصر اول مشروطیت بتحقق پیوست.

بطوریکه از جداول ما برمی‌آید، پنج دورهٔ اول مجلس نسبت بیشتری از گروه سنی جوان بین ۳۰ تا ۴۰ ساله را پذیرفته است، چه این گروه‌در عصر اول مشروطیت بانسبت ۴۷ ٪ درمقابل ۱۶ درصد مربوط به گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ ساله، اکثریت مجلس را داشته‌اند.

و نیز بموجب جداول مربوط به تحصیلات نمایندگان از آغاز مشروطیت تا دورهٔ بیست ویکم، نسبت ۴۸ درصد که مربوط به نمایندگان دارای تحصیلات عالی در عصر اول است اگر با دو عصر دوم و سوم مشروطیت سنجیده شود در خور تأمل است، بویژه نسبت ۵۸ درصد دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا و لیسانس) در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی، در میان ادوار مختلف مجلس شورای ملی بی سابقه می باشد، قابل توجه آن‌که دراین‌عصر مجلس عدهٔ کمتری از وکلای دارای سطح پایین تحصیلات (تحصیلات متعارف) رابخود پذیرفته است. دوره دوم نسبت افراد کم سواد در مجلس شورای ملی فقط پانزده درصد بوده است و دورهٔ سوم نیز با داشتن ۵۱ درصد وکلای دارندهٔ تحصیلات عالی ادوار قانونگذاری شاخص و ممتاز می باشد.

با نظر باین پدیده و همچنین ترکیب نسبتاً متعادل گروههای شغلی می توان این دو دورهٔ مجلس را (دورهٔ دوم و سوم) در گذشته از مترقی‌ترین ادوار مجلس شورای ملی بحساب آورد.

باید دانست که ازدورهٔ چهارم وپنجم مجلس شورای ملی، بتدریج زمینهٔ پذیرفتن گروههای جدید باتحصیلات و تمایلات مختلف آماده گردید وترکیب طبقاتی مجلس بخصوص از دورهٔ ششم قانونگذاری (آغاز عصر دوم مشروطیت) تا دورهٔ بیست و یکم دگرگون شد.

اوضاع سیاسی واجتماعی و بخصوص ثبات سیاسی عصر دوم مشروطیت، بطبقات خاصی این فرصت را داد که بمنظور حفظ منزلت اجتماعی قدیم خود در حکومت و نظام جدید با قبول مشاغل دولتی و وکالت مجلس شورای ملی قدرت اقتصادی متکی بر مالکیت ارضی را با قدرت سیاسی توأم سازند و با در دست گرفتن زمام قدرت سیاسی تسلط خود را برطبقات دیگر اجتماع تحمیل کنند.

بطوریکه از تحقیق ما در باب منشأ خانوادگی و سطح تحصیل نمایندگان مجلس برمیاید این طبقات با کسب شرایط زمانی (ورود بمشاغل دولتی و کسب تعلیمات عالی) راه خود را بسوی مجلس باز نمودند و بدین طریق بحفظ منزلت اجتماعی خود و قدرت رهبری توفیق یافتند. (اکثریت نزدیک به ۳۵ تا ۳۸ درصد پدران نمایندگان کارمند دولت را در عصر دوم و سوم مشروطیت مالکان تشکیل می داده‌اند و تنها ۲۴ درصد از نمایندگان کارمند در عصر سوم مشروطیت خود از خانوادهٔ کارمند اداری بوده و بقیه که نزدیک به ۳۸ درصد را تشکیل می دهند از گروههای مختلف دیگر ازجمله از خانوادهٔ روحانی برخاسته‌اند.

اگر تحقیق در باب منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس را در مورد سایر نخبگان سیاسی تعمیم دهیم. باید عصر دوم و سوم مشروطیت را دوران سیادت ورهبری طبقهٔ مالک بدانیم. بعبارت دیگر وجود رژیم ارباب ورعیتی بطبقه مالک اجازه داد که با نسبت قابل توجهی یعنی حدود بیش از ۵۷ درصد کرسیهای مجلس را بدست آورد و در مقابل ۳۹ تا ۴۶ درصد کارمندان اداری و همچنین در برابر ۱۷ تا ۱۹ درصد نمایندگان صاحب حرفه و مشاغل تخصصی و آزاد و ۱۶ تا ۱۳ درصد بازرگانان در عصر دوم و سوم مشروطیت اکثریت مهمی را در مجلس تشکیل دهد.

آغاز این دست یابی مالکان را بنماینده گی مجلس از دوره سوم قانونگذاری باید دانست و از دورهٔ ششم ببعد است که اکثریت بدست طبقهٔ مذکور می‌افتد. بهمان نسبت که این طبقه در بدست آوردن رهبری مستقیم سیاسی شانس بیشتری را احراز کرد و مثلاً با اکثریت حدود ۵۸ تا ۶۰ درصد بخصوص دوره های اخیر مجلس (۱۸–۱۹–۲۰) گروه‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار داد، طبقهٔ روحانیان بتدریج و از آغاز عصر دوم مشروطیت بخصوص از دورهٔ هشتم و نهم مجلس شورای ملی ببعد موقع رهبری سیاسی خود را بعنوان نمایندهٔ مجلس از دست دادند، بطوریکه نسبت این گروه در عصر سوم مشروطیت به ۳ درصد کل نماینده گان میرسد و در عوض جای این طبقه را گروه نماینده گان صاحب مشاغل تخصصی و آزاد با نسبت قابل ملاحظه گرفت و مرتبهٔ بعد از کارمندان دولت را درمجلس بدست آورد.

علم و تحصیل نماینده گان در این دو عصر بخصوص در عصر دوم مشروطیت قابل توجه است آمار نماینده گان در عصر دوم حاکی از آن است که نسبت وکلای دارای تحصیلات قلیل ۳۱ درصد بوده و حال آن که در عصر اول و سوم بارقام ۱۸ و ۲۱ درصد برخورد می کنیم. کاهش نسبت نماینده گان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی و غیر دانشگاهی در عصر دوم مشروطیت (با رقم ۳۳ درصد در مقابل ۴۸ درصد عصر اول و سوم مشروطیت) معلوم می دارد که موقع زمان برای انتخاب رهبران از میان روشنفکران و تعلیم یافتگان عالی دانشگاهی مساعد نبوده است.

در عصر سوم مشروطیت بتدریج امکان ورود روشنفکران ودارنده گان تحصیلات عالی بیشتر شدواز جمله عواملی که این وضع را پیش آورد توسعهٔ نظام جدید فرهنگ و تأسیس سازمانهای عالی آموزشی در زمان رضاشاه بود.

از دورهٔ ۱۷ مجلس شورای ملی ببعد نسبت تحصیل کرده گان عالی فزونی گرفت و به متجاوز از نصف نماینده گان مجلس بالغ گردید و این جریان و سیر طبیعی از دورهٔ بیست و یکم به بعد نیز صدق پیدا می کند و از حدود ۵۵ و ۵۳ درصد دوره های ۱۹ و ۲۰ به ۶۷ درصد نماینده گان مجلس در دورهٔ بیست و یکم و ۷۹ درصد در دوره بیست ودوم و بیست و سوم میرسد.

همچنانکه از تحقیق ما برمی آید، کارگران و روستاییان و همچنین کسبه و پیشه‌وران در سازمان سیاسی کشور سهمی مؤثر نداشته‌اند و بخصوص طبقه کارگر و

زارع در هیچیک از ادوار قانونگذاری نتوانسته است یک کرسی از کرسیهای مجلس شورای ملی را اشغال نماید و از میان روستاییان بندرت می توان یک یا دو نفر را یاد کرد که مدت چند سال متوالی در مجلس بعنوان نماینده حضور داشته‌اند، قدرت سیاسی بازاریان و کسبه و پیشه‌وران نیز پس از دورهٔ اول بدنبال لغو قانون انتخاب طبقاتی کاهش پذیرفت. و پس از آن دوره در هیچیک از ادوار مجلس (تا دورهٔ بیست و یکم) نماینده‌ای از اصناف شانس نمایندگی مجلس را نداشته‌است.

مشخصات گروهی که ذکر کردیم، ازدورهٔ ششم قانونگذاری تا تصویب لایحه ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی همچنان ادامه دارد، ولی پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی، در سه دورهٔ اخیر مجالس قانونگذاری عصر مشروطیت سوم، همچنان که از پیش بیان داشتیم، امکان ورود نمایندگان از طبقات مختلف فراهم شد. معذالک گروهی که در ادوار گذشته درجه دوم از اکثریت نمایندگان را در برمی‌گرفت، اینک بر مجالس بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم مسلط شده است و آن طبقه کارمندان اداری است.

در این مورد هم باید یادآور شد که متجاوز از ۵۰ درصد کارمندان مزبور از خانواده عمده مالکان برخاسته‌اند و حال آنکه، اصناف و کارگران وزارع با نسبت اندک ۵ و ۲ و ۱ درصد بترتیب موفق به احراز کرسیهای نمایندگی مجلس شورای ملی گردیده‌اند.

در مملکتی که اساس اقتصاد آن بر کشاورزی مبتنی است و صنعت و تکنیک جدید در مرحلهٔ ابتدایی و آغاز رشد خود قراردارد. ثروت در درجهٔ اول بصورت اموال غیر منقول و از جمله اراضی مزروعی است، جای شگفتی نیست اگر این طبقه از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و با روی کار آمدن حکومتهای مختلف و تغییر رژیم سیاسی همچنان موقع ممتاز خود را حفظ کرده و در زمرهٔ طبقهٔ حاکمه مملکت بشمار آید.

بخش سوم

قانون اساسی مشروطیت
و
فهرست نمایندگان

بر حسب حوزه نمایندگی

قانون اساسی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان همایونی مورخهٔ ۱۴ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۴ از برای ترقی و سعادت ملک و ملت و تشیید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی‌مرتبت صلی‌الله علیه وآله امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی‌قدر مراتبهم محق و سهیمند تشخیص و تعیین اعضاء مجلس را بانتخاب ملت محول داشتیم اینک که مجلس شورای ملی برطبق نیات مقدسهٔ ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامهٔ اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود روابط آن نسبت بادارات دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم:

در تشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است.

اصل دوم

مجلس شورای ملی نمایندهٔ قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.

اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و محل انعقاد آن در طهران است.

* اصل چهارم[1]

عدهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی برای پایتخت و شهرستانها دویست نفر خواهد بود و پس از هر دهسال در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هر حوزهٔ انتخابیه طبق آمار رسمی بنسبت هر یکصد هزار یکنفر اضافه خواهد شد

حوزه‌بندی بموجب قانون علیحده بعمل خواهد آمد.

اصل پنجم[2]

دورهٔ نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال تمام است و شامل دورهٔ نوزدهم نیز میباشد. قبل از انقضاء مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود. ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامهٔ بیش از نصف نمایندگان خواهد بود. تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است.

اصل ششم[3]

پس از آنکه دو ثلث نمایندگان مجلس شورای ملی در پایتخت حاضر شدند

---

* پنج اصل (چهارم - پنجم - ششم - هفتم - هشتم) در جلسهٔ روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی بتصویب مجلس واحد که طبق قسمت اخیر اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی از مجلس سنا و شورای ملی تشکیل شده بود رسیده است:

۱- **اصل چهارم (منسوخه):** عدهٔ انتخاب شوندگان بموجب انتخاب‌نامهٔ علیحده از برای طهران و ایالات فعلا یکصد و شصت و دونفر معین شده است و برحسب ضرورت عدهٔ مزبوره تزاید تواند یافت الی دویست نفر.

۲- **اصل پنجم (منسوخه):** منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد. پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند.

۳- **اصل ششم (منسوخه)** منتخبین طهران لدی‌الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است.

مجلس منعقد میشود.

اصل هفتم[۴]

مجلس میتواند با هر عده‌ایکه در جلسه حاضر باشد مذاکرات را شروع نماید لکن برای اخذ رأی حضور بیش از نصف نمایندگان حاضر در مرکز لازم است و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار در جلسه به رد یا قبول موضوع رأی بدهند.

اصل هشتم[۵]

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود.

اصل نهم

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق‌العاده منعقد تواند شد.

اصل دهم

در موقع افتتاح مجلس خطابه‌ای بحضور همایونی عرض کرده بجواب خطابه از طرف قرین‌الشرف ملوکانه سرافراز و مباهی میشود.

اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدواً که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم‌نامه را امضاء نمایند:

۴ـ اصل هفتم (منسوخه) در موقع شروع بمذاکرات باید اقلا دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه‌ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند.

۵ـ اصل هشتم (منسوخه) مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورایملی برطبق نظامنامهٔ داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود.

صورت قسم‌نامه

ما اشخاصیکه در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما امکن با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران.

اصل دوازدهم

بهیچ عنوان و بهیچ دست‌آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احیاناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست دربارهٔ او با استحضار مجلس باشد.

اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجهٔ آنها بموقع اجرا گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه‌نویس و تماشاچی مطابق نظامنامهٔ داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تاعامهٔناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.

اصل چهاردهم

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامهٔ علیحده موسوم بنظامنامهٔ داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد.

در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میداند پس از مذاکره و مداقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود.

اصل شانزدهم

کلیهٔ قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفدهم

لوائح لازمه را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصحهٔ همایونی رسانده بموقع اجراء گذارده شود.

اصل هیجدهم

تسویهٔ امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات‌ها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود.

اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد.

اصل بیستم

بودجهٔ هر یک از وزارتخانه‌ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عیدنوروز حاضر باشد.

اصل بیست و یکم

هر گاه در قوانین اساسی وزارتخانه‌ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از اینکه لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزراء مسئول اظهار شده باشد.

اصل بیست و دویم

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل بیست و سیم

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

اصل بیست و چهارم

بستن عهدنامهَ‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه‌هائی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.

اصل بیست و پنجم

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد.

اصل بیست و ششم

ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است.

اصل بیست و هفتم

مجلس در هرجا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد.

اصل بیست و هشتم

هر گاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحهٔ همایونی رسیده‌اند باشتباه کاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساهله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود.

اصل بیست و نهم

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینیکه بصحه همایونی رسیده است از عهدهٔ جواب برنیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرره کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد.

اصل سی‌ام

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه‌ای بتوسط هیأتیکه مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود.

اصل سی و یکم

وزراء حق دارند در اجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائیکه برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مداقه امور بدهند.

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

اصل سی و دویم

هر کس از افراد ناس میتواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً بدفترخانهٔ عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانچه مطلب راجع بیکی از وزارتخا است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند.

اصل سی و سیم

قوانین جدیده که محل حاجت باشد در وزارتخانه‌های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب بصحهٔ همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود.

اصل سی و چهارم

رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه‌نویس و تماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لیکن نتیجهٔ مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه با حضور سه‌ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت‌عنه خواهد ماند.

اصل سی و پنجم

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند باطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف باجازه آن وزیر است.

اصل سی و ششم

هر یک از وزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد دراین صورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است.

اصل سی و هفتم

هرگاه لایحهٔ وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحهٔ مزبوره را در ثانی بمجلس اظهار بدارد.

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و

قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه‌نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک کنند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن.

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً برئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لائحه را بدواً در انجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد.

اصل چهلم

در موقع مذاکره و مداقه لائحهٔ مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لائحهٔ مزبور راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود سواد لائحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مداقهٔ مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس باکثریت آراء رسماً لائحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد.

اصل چهل و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند.

اصل چهل و دویم

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابست و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازهٔ اقتضاء بعهدهٔ تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید.

در شرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل و سوم

مجلس دیگری بعنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل میباید که اجلاسات آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل چهل و چهارم

نظامنامه‌های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل چهل و پنجم

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار میابند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر به انتخاب اهالی طهران پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات.

اصل چهل و ششم

پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیأت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات خود را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقه لازمه قبول یا رد نماید.

اصل چهل و هفتم

مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

* اصل چهل و هشتم

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن‌واحد منحل نماید.

در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخابات نیز بشود.

انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد.

مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل میشود برای یک دورهٔ جدید خواهد بود نه برای بقیهٔ دورهٔ مجلس منحل شده.

مجلس یا مجلسین جدید را نمیتوان مجدداً برای همان علت منحل نمود.

هرگاه در مورد طرح یا لایحهٔ قانونی که دو دفعه از مجلسی بمجلس دیگر رجوع شده است بین مجلس سنا و مجلس شورای ملی توافق‌نظر حاصل نشود کمیسیون مختلطی مرکب از اعضای مجلسین که بعدهٔ مساوی از طرف هر یک از مجلسین انتخاب میشود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود را بمجلسین تقدیم

---

* این اصل بموجب تصمیم مجلس مؤسسان مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ (که در متن قرار داده شده) نسخ شده است:

اصل چهل و هشتم (منسوخه)

هرگاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در مادهٔ متنازع فیها رسیدگی میکند نتیجهٔ رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فبها والا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه میرسانند هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مداقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیأت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخابات میفرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند.

مینماید هرگاه مجلس سنا و مجلس شورای ملی گزارشی را که کمیسیون مختلط داده است تصویب نمودند قانون مزبور برای توشیح صحهٔ ملوکانه ارسال میشود.

در صورتیکه مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق‌نظر حاصل نکردند مورد اختلاف بعرض ملوکانه میرسد هرگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر باجراء میدهند و الا موضوع تا ششماه مسکوت مانده و عندالاقتضاء ممکن است بعد از انقضای این مدت بعنوان طرح یا لایحهٔ جدیدی در یکی از مجلسین مطرح شود.

اصل ۴۸ و هر یک از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعده‌الحرام ۱۳۲۴ قمری و متمم آن که مخالف مقررات این اصل است نسخ میشود.

اصل چهل و نهم

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصلهٔ سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در ماده متنازع‌فیها گفتگو نمیکنند تا منتخبین ولایات برسند هرگاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء باکثریت تام همان رأی سابق را امضاء کرد ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر باجراء میفرمایند.

اصل پنجاهم

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو * سال است یک نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد.

اصل پنجاه و یکم

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت

---

* طبق اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی در سال ۱۳۳۶ مجلس واحد از مجلس سنا و شورای ملی تشکیل و اصول چهار و پنج و شش و هفت قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و اصل هشتم قانون اساسی و اصل چهل و نه متمم قانون اساسی را اصلاح نمود و در اصل پنجم اصلاح شده مدت دورهٔ انتخابیه چهار سال تعیین گردیده است.

برقرار و مجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته در عهده شناسند.

فی شهر ذیقعده‌الحرام ١٣٢٤

هوالله تعالی

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

چهاردهم شهر ذی‌قعده ١٣٢٤

محل صحه همایونی

امضاء ولیعهد و امضاء مشیرالدوله

متمم

قانون اساسی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی‌القعده‌الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار بصحهٔ مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است:

کلیات

اصل اول ـ مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریه اثنی‌عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دوم ـ مجلس مقدس شواری ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامهٔ ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسهٔ اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه وآله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهدهٔ علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتیکه کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به اینطریق که علمای اعلام و حجج اسلام

مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجه عصر عجل‌الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود.

اصل سیم ـ حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر بموجب قانون.

اصل چهارم ـ پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم ـ الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم ـ جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء میکند.

اصل هفتم ـ اساس مشروطیت جزءً و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم ـ اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود.

اصل نهم ـ افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبیکه قوانین مملکت معین مینماید.

اصل دهم ـ غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم ـ هیچکس را نمیتوان از محکمه‌ای که باید دربارهٔ او حکم کند منصرف کرده مجبوراً به محکمهٔ دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم ـ حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل سیزدهم ـ منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبیکه قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم ـ هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی‌بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

اصل پانزدهم ـ هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادله است.

اصل شانزدهم ـ ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون.

اصل هفدهم ـ سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم ـ تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم ـ تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم ـ عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم ـ انجمن‌ها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.

اصل بیست و دویم ـ مراسلات پستی کلیهٔ محفوظ و از ضبط و کشف مصون

است مگر در مواردیکه قانون استثناء میکند.

اصل بیست و سیم ـ افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین میکند.

اصل بیست و چهارم ـ اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم ـ تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

قوای مملکت

اصل بیست و ششم ـ قوای مملکت ناشی از ملت است طریقهٔ استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید.

اصل بیست و هفتم ـ قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود:

اول ـ قوهٔ مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحهٔ همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصهٔ مجلس شورای ملی است.

دویم ـ قوهٔ قضائیه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سیم ـ قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء میشود بترتیبی که قانون معین میکند.

اصل بیست و هشتم ـ قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

اصل بیست و نهم ـ منافع مخصوصهٔ هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصهٔ آن مرتب و تسویه میشود.

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام ـ وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند.

اصل سی و یکم ـ یکنفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد.

اصل سی و دویم ـ چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

اصل سی و سیم ـ هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی و چهارم ـ مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی‌نتیجه است.

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم ـ سلطنت ودیعه‌ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده.

* اصل سی و ششم ـ سلطنت مشروطهٔ ایران از طرف ملت بوسیلهٔ مجلس

---

* اصول سه‌گانه ۳۶-۳۷-۳۸ متمم قانون اساسی بموجب مادهٔ واحدهٔ مصوبهٔ مجلس مؤسسان در تاریخ ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۴ شمسی که ذیلا نقل میشود بشرح مندرج در متن اصلاح شده است.

مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود.

* اصل سی و هفتم ـ ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل * باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط برآنکه آن ولیعهد از

«ماده واحده ـ مجلس مؤسسان سه اصل ٣٦ و ٣٧ و ٣٨ متمم قانون اساسی مصوبه بیست و یکم آذر ماه ١٣٠٤ را بجای سه اصل ٣٦ و ٣٧ و ٣٨ سابق متمم قانون اساسی قرار داده سه اصل مذکور سابق را ملغی میداند».

سه اصل ملغی شده

اصل سی و ششم ـ سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی‌السلطان محمدعلی شاه قاجار ادام‌الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم ـ ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت‌الاقرب فالاقرب برتبهٔ ولایت عهد نایل میشود و هرگاه در صورت مفروضهٔ فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد باو خواهد رسید.

اصل سی و هشتم ـ در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او بهیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیأت مجتمعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب‌السلطنه‌ای برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

* کلمهٔ «ایرانی‌الاصل» مذکور در این اصل بموجب قانون مصوب ١٤ آبان ١٣١٧ بشرح زیر تفسیر شده است:

مادهٔ واحده ـ منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل ٣٧ متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده ٩٧٦ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران باقتضاء مصالح عالیه کشور بپیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی بموجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی باو اعطاء شده باشد.

* اصول سه‌گانهٔ ٣٨ـ٤١ـ٤٢ متمم قانون اساسی از طرف مجلس مؤسسان روز شنبه ١٨ شهریور ١٣٤٦ شمسی بشرح مندرج در متن اصلاح شده است. متن اصول منسوخه بشرح ذیل نقل میشود:

خانوادهٔ قاجار نباشد ولی در هر موقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود.

* * اصل سی و هشتم - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. اگر باین سن نرسیده باشد شهبانو مادر ولیعهد بلافاصله امور نیابت سلطنت را بعهده خواهد گرفت مگر اینکه از طرف پادشاه شخص دیگری بعنوان نایب‌السلطنه تعیین شده باشد. نائب‌السلطنه شورائی مرکب از نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس دیوان عالی کشور و چهار نفر از اشخاص خبیر و بصیر کشور بانتخاب خود تشکیل و وظائف سلطنت را طبق قانون اساسی با مشاورهٔ آن شورا انجام خواهد داد تا ولیعهد بسن بیست سال تمام برسد.

در صورت فوت یا کناره‌گیری نایب‌السلطنه شورای مزبور موقتاً وظائف نیابت سلطنت را تا تعیین نایب‌السلطنه از طرف مجلسین از غیر خانوادهٔ قاجار انجام خواهد داد.

ازدواج شهبانو نایب‌السلطنه در حکم کناره‌گیری است.

اصل سی و نهم - هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود باحضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیأت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید:

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام‌الله مجید و بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند

---

* * اصل سی و هشتم منسوخه - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب‌السلطنه‌ای از غیر خانوادهٔ قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم.

اصل چهلم ـ همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد.

* اصل چهل و یکم ـ در موقع رحلت پادشاه طبق اصل ۳۸ عمل خواهد شد. در این مورد و همچنین در مورد انتقال سلطنت هرگاه نایب‌السلطنه به ترتیب مقرر در اصل مذکور معلوم نشده باشد از طرف مجلسین در جلسهٔ فوق‌العادهٔ مشترک نایب‌السلطنه‌ای از غیر خانواده قاجار انتخاب خواهد شد و تا انتخاب نایب‌السلطنه هیأتی مرکب از نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس دیوانعالی کشور و سه نفر از بین نخست‌وزیران سابق یا رؤسای سابق مجلسین بانتخاب هیأت دولت موقتاً امور نیابت سلطنت را عهده‌دار خواهد شد.

نایب‌السلطنه‌ای که به ترتیب مذکور در این اصل و اصل ۳۸ عهده‌دار امور نیابت سلطنت میشود نیز باید طبق اصل ۳۹ سوگند یاد کند.

هرکس بمقام نیابت سلطنت برسد از رسیدن بمقام سلطنت ممنوع است.

* اصل چهل و دوم ـ در هر مورد که نایب‌السلطنه از طرف مجلسین انتخاب میشود انعقاد جلسه مشترک مجلسین بیش از ده روز نباید بتعویق بیفتد.

هرگاه دورهٔ نمایندگی نمایندگان هر دو مجلس و یا یکی از آنها منقضی شده باشد و نمایندگان جدید انتخاب نشده باشند نمایندگان سابق حاضر میشوند و مجلسین منعقد میگردد.

در صورت انحلال یک یا هر دو مجلس تا تشکیل مجلس جدید و انتخاب

---

* اصل چهل و یکم منسوخه ـ در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد.

* اصل چهل و دویم منسوخه ـ هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیوه پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود.

نایب‌السلطنه امور نیابت سلطنت موقتاً بعهدهٔ هیأت مذکور در اصل چهل و یکم خواهد بود.

پادشاه میتواند در موقع مسافرت و در غیاب خود شورائی برای ادارهٔ امور سلطنت انتخاب و یا نایب‌السلطنه تعیین کند که با مشاورهٔ شورای مزبور امور سلطنت را موقتاً برای مدت مسافرت و در غیاب پادشاه انجام دهد.

اصل چهل و سیم ـ شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود.

اصل چهل و چهارم ـ شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند.

اصل چهل و پنجم ـ کلیهٔ قوانین و دستخط های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

اصل چهل و ششم ـ عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است.

اصل چهل و هفتم ـ اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

اصل چهل و هشتم ـ انتخاب مأمورین رئیسه دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع بپادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

* **اصل چهل و نهم** ـ صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند. در قوانین راجع بامور مالیه مملکت که از مختصات مجلس شورای ملی است. چنانچه اعلیحضرت پادشاه تجدیدنظری را لازم بدانند برای رسیدگی مجدد بمجلس شورای ملی ارجاع مینمایند.در

---

* اصل چهل و نهم متمم در جلسه روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی بتصویب مجلس واحد که طبق قسمت اخیر اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی از مجلس سنا و شورای ملی تشکیل شده بود رسیده است.

اصل چهل و نهم (منسوخه) صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید.

صورتیکه مجلس شورای ملی باکثریت سه‌ربع از حاضرین در مرکز نظر سابق مجلس را تأیید نمود اعلیحضرت شاهنشاه قانون را توشیح خواهند فرمود.

اصل پنجاهم ـ فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است.

اصل پنجاه و یکم ـ اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است.

اصل پنجاه و دویم ـ عهدنامه‌هائیکه مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخهٔ چهاردهم ذیقعده یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل پنجاه و سیم ـ فصول مخفیه هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم ـ پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق‌العاده امر بانعقاد فرمایند.

اصل پنجاه و پنجم ـ ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم ـ مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل پنجاه و هفتم ـ اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده.

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم ـ هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی‌الاصل و تبعه ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم ـ شاهزادگان طبقهٔ اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند.

اصل شصتم ـ وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموری که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت و یکم ـ وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصهٔ وزارت

خود هستند بهیأت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

اصل شصت و دویم ـ عدهٔ وزراء را برحسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سیم ـ لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم ـ وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم ـ مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزراء را در تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند.

اصل شصت و ششم ـ مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع بآنها میشود قانون معین خواهد نمود.

اصل شصت و هفتم ـ در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیأت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیأت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود.

اصل شصت و هشتم ـ وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند.

اصل شصت و نهم ـ مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانهٔ مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دائرهٔ ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد.

تنبیه ـ مادامیکه محکمهٔ تمیز تشکیل نیافته است هیأتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدهٔ متساوی نایب مناب محکمهٔ تمیز خواهد شد.

اصل هفتادم ـ تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور ادارهٔ خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود.

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم ـ دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است.

اصل هفتاد و دویم ـ منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نماید.

اصل هفتاد و سیم ـ تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد و چهارم ـ هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون.

اصل هفتاد و پنجم ـ در تمام مملکت فقط یک دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمهٔ ابتدا رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد.

اصل هفتاد و ششم ـ انعقاد کلیهٔ محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلان مینماید.

اصل هفتاد و هفتم ـ در مادهٔ تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

اصل هفتاد و هشتم ـ احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه محتوی فصول قانیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.

اصل هفتاد و نهم ـ در مواد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتادم ـ رؤساء و اعضای محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند.

اصل هشتاد و یکم ـ هیچ حاکم محکمهٔ عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء نماید.

* اصل هشتاد و دویم ـ تبدیل مأموریت حاکم محکمهٔ عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او.

اصل هشتاد و سیم ـ تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهدهٔ پادشاه است.

---

* اصل ۸۲ متمم قانون اساسی در دوره هشتم تفسیر شده است که عیناً نقل میشود:

قانون تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی

مصوب ۲۶ مرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده اول ـ مقصود از اصل ۸۲ متمم قانون اساسی آنست که هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان بدون رضای خود او از شغل قضائی بشغل اداری و یا بصاحبمنصبی پارکه منتقل نمود و تبدیل محل مأموریت قضاه با رعایت رتبهٔ آنان مخالف با اصل مذکور نیست.

ماده دوم ـ مأموریت هیچیک از قضاه و صاحبمنصبان پارکه در نقاط بد آب و هوا بیش از سه سال نباید بطول انجامد مگر با رضایت خود مأمور.

از تاریخ اختتام مأموریت هر قاضی و صاحبمنصب پارکه در نقاط بد آب و هوا تا پنجسال به آن مأمور نمیتوان در هیچ نقطه بد آب و هوائی مأموریت داد مگر با رضای خود او.

هر یک سال مأموریت اشخاص فوق پس از اجرای این قانون در نقاط بد آب و هوا در موقع ترفیع دو سال محسوب میشود مشروط براینکه لااقل دو سال تمام در نقاط مذکوره مأموریت داشته باشد.

تبصره ـ نقاط بد آب و هوای مذکور در این ماده بموجب نظامنامهٔ وزارت عدلیه معین خواهد شد.

مادهٔ سوم ـ قضاتی که با رعایت مادهٔ اول این قانون محل مأموریت آنها تبدیل شده و از قبول مأموریت امتناع نمایند متمرد محسوب و در محکمه انتظامی تعقیب و مطابق نظامنامههای وزارت عدلیه مجازات خواهند شد.

مادهٔ چهارم ـ نسبت بفارغ‌التحصیل‌های کلاس قضائی دورهٔ اول شرط دوم مادهٔ اول قانون استخدام قضاه و صاحبمنصبان پارکه مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ لازم‌الرعایه نیست.

مادهٔ پنجم ـ این قانون از ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذارده میشود.

* این تفسیر بموجب لایحهٔ قانونی ۱۳۳۱/۶/۲۹ و قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۶/۶/۱۷ لغو شده است.

اصل هشتاد و چهارم ـ مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد و پنجم ـ رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفهٔ دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم ـ در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است.

اصل هشتاد و هفتم ـ محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم ـ حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم ـ دیوانخانهٔ عدلیه و محکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

در خصوص انجمن‌های ایالتی و ولایتی

اصل نودم ـ در تمام ممالک محروسه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامهٔ مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمن‌ها از این قرار است.

اصل نود و یکم ـ اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

اصل نود و دوم ـ انجمن‌های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره.

اصل نود و سیم ـ صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمن‌های ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود.

در خصوص مالیه

اصل نود و چهارم ـ هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون.

اصل نود و پنجم ـ مواردی که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود.

اصل نود و ششم ـ میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثریت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم ـ در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نود و هشتم ـ تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است.

اصل نود و نهم ـ غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.

اصل صدم ـ هیچ مرسوم و انعامی بخزینهٔ دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل صد و یکم ـ اعضای دیوان محاسبات را مجلس شواری ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود.

اصل صد و دوم ـ دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیک محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفهٔ کلیهٔ ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سیم ـ ترتیب و تنظیم و ادارهٔ دیوان بموجب قانون است.

قشون

اصل صد و چهارم ـ ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است.

اصل صد و پنجم ـ مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود.

اصل صد و ششم ـ هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون.
اصل صد و هفتم ـ حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون.

سواد دستخط مبارک همایونی

بسمه تبارک و تعالی

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص همایون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیهٔ آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم انشاءالله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود.
۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی تهران

* اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی

در هر موقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سنا هر یک جداگانه خواه مستقلا خواه نظر بپیشنهاد دولت لزوم تجدیدنظر در یک یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آنرا باکثریت دو ثلث کلیهٔ اعضاء خود تصویب نمایند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تأیید فرمایند فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان و انتخابات اعضاء آن صادر میشود.
مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عده‌ای که مساوی باشد با مجموع عدهٔ قانونی اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا. انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی که بتصویب مجلسین خواهد رسید بعمل خواهد آمد. اختیارات مجلس مزبور محدود

* این اصل بموجب تصمیم مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ مجلس مؤسسان بمتمم قانون اساسی الحاق شده است.

خواهد بود بتجدیدنظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رأی مجلسین و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است.

تصمیمات مجلس مؤسسان باکثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء اتخاذ و پس از موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود.

این اصل شامل هیچیک از اصول قانون اساسی و متمم آن که مربوط بدین مقدس اسلام و مذهب رسمی کشور که طریقهٔ حقهٔ جعفریه اثنیعشریه میباشد و احکام آن و یا مربوط بسلطنت مشروطهٔ ایران است نمیگردد و اصول مزبور الیالابد غیرقابل تغییر است.

در مورد اصول چهار و پنج و شش و هفت قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و همچنین در اصل هشت قانون اساسی و اصل چهل و نه متمم آن با توجه بسابقه و قوانینی که نسبت ببعضی از این اصول وضع شده است یکبار مجلس شورای ملی و مجلس سنا که پس از تصویب این اصل منعقد خواهند شد بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدیدنظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده و اصلاحات لازم را به اکثریت دو ثلث آراء کلیه اعضاء مجلسین بعمل خواهد آورد تا پس از آنکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تأیید گردید بصحهٔ ملوکانه موشح شده معتبر و مجری خواهد بود.

اسامی نمایندگان ۲۴ دوره قانونگذاری

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
آبادان		
رضوی	حسام‌الدین	۲۱
شاخویی	صالح	۲۱-۲۲-۲۳
بختیاری‌پور	شکرالله	۲۲-۲۳
آصف‌زاده	مهرآفاق	۲۳
شریفی	محمود	۲۴
اخلاقپور	غلامرضا	۲۴
دانشی	غلامحسین	۲۴
آباده		
سردار فاخرحکمت	میرزا رضاخان	۴-۵-۸
نجومی	میرزا اسماعیل‌خان	۶-۷
رضوی	ابوالحسن	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
صولت قشقایی	محمدحسین	۱۴-۱۵-۱۷
امید سالار	محمدرضا	۱۸-۱۹-۲۰
دکترنجیمی	رضا	۲۱-۲۲-۲۳
قایمی	عنایت‌الله	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ابهر		
سعید وزیری	منوچهر	٢١-٢٢-٢٣
کاظمی	سید کریم	٢٤
اراک		
ممتازالدوله	میرزا اسماعیل خان	١
سالار فیروز ـ رکن‌الممالک	عبدالرضا خان	٢
فرمانفرما	عبدالحسین میرزا	٢
سهم‌الملک	حاج عباسقلی	٣
	حاج میرزا شمس‌الدین	٣
لسان‌الملک		٤
سهام‌السلطان بیات	مرتضی قلیخان	٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣
اراکی (عراقی)	حاج اسماعیل	٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١
سزاوار	عمادالدین	١٢-١٣
بیات	عزت‌الله	١٤-١٥
خاکباز محسنی	حسین	١٤-١٦-١٨
مکی	حسین	١٥
شکرایی	یوسف	١٦
مهندس شاهرخشاهی	هرمز	١٨
سراج حجازی	حسن	١٩
مهندس فروهر	فیروز	١٩
کرکانی	حسنعلی	٢٠
پروین	سید فضل‌اله	٢١

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر خزایلی	محمد	۲۲
مهاجرانی	اکبر	۲۳
پروین	حسن	۲۳
دکتر بهادری	اکبر	۲٤
مشایی	عصمت	۲٤

اردبیل

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عصر انقلاب	میرزا آقاخان	٥-٦
علوی خلخالی	سید ابوالفتح	٥
طباطبایی وکیلی	میرزا صادقخان	٦-٧-٨
وهاب‌زاده	حاج‌محمد تقی	٧-٨-٩
پناهی	میرزا جعفرخان	٩
اردبیلی	محمدرضا	١٠-١١-١٢-١٣
لنکرانی	شیخ حسین	١٤
باتما نقلیج	مهدی	١٥
وهاب‌زاده	احد	١٦
هدی	فضلعلی	١٧-١٨-١٩-٢٠
مهندس عدلی	فیروز	٢١
مؤید امینی	داود	٢٢
دکتر نایبی	احمد	٢٣
وحیدی	لطیفه	٢٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اردستان		
نیری	سیدمحمد باقر	۲۱
عامری	امیرحسین	۲۲
مهدوی اردستانی	سیدحسین	۲۳
پیرزاده مهنوجی	جعفرقلی	۲۴
اردکان		
حکمت یزدی	حاج محمدحسین	۲۱
ملک افضلی	ایرج	۲۳-۲۲
یزدی	منوچهر	۲۴
اردل		
بختیار بختیاریها	عبدالحمید	۲۱-۲۰
جزایری	سید محمد	۲۳
بختیار بختیاریها	جمشید	۲۴
آستارا		
آزمین	اسماعیل	۲۰
اقبالی	سید ابوالفضل	۲۱
ماهیار	علی	۲۲
اکبر	اسماعیل	۲۳
حریری	اشرف	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

اسد آباد

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مهندس برومند	علی	۲۱-۲۲-۲۳
بهره‌مند	اسماعیل	۲٤

اسطهبانات و نی‌ریز

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عرب شیبانی	عباسقلی	۲۰
ایلخان	غلامرضا	۲۱
مغری	محمدتقی	۲۲
کاظمی	محمدصادق	۲۳
دکتر آزاد	علی‌اصغر	۲٤

اسفراین - جوین

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ثامنی	محمدرضا	۲۱-۲۲
دکتر برزگر	مهراب	۲۳
دکتر محمدی کوشکی	غلامعلی	۲٤

اصفهان ۱۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ادیب‌التجار نقشیه	حاج‌میرزا علی	۱
دبیری اصفهانی	حاج سیداسماعیل	۱
جواهری اصفهانی	میرزا هادی	۱
نایینی	مرتضی قلیخان	۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
صمصام بختیاری	مرتضی قلیخان	۲
منشی	میرزا ابراهیم	۲
فاتح‌الملک	حاج‌میرزا احمد	۲
چهار سوقی	سید اسداله	۳
	شاهزاده سلیمان‌میرزا	۳
نایینی	حاج‌میرزا حسین‌خان	۳
شیخ‌الاسلام	حاج‌میرزا علی‌اکبر	۴
عمادالسلطنه ـ مشیرفاطمی	میرزا مهدیخان	۴-۵-۶-۷-۸
امین‌التجار اصفهانی	حاج‌میرزا حبیب‌الله	۴-۶-۷-۸-۱۵
دکتر احتشام	میرزا احمد	۵-۸-۹-۱۰
دولت آبادی	حاج‌میرزا یحیی	۵
جلایی	میرزا حسین‌خان	۶-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
الفت	محمدباقر	۷
ایلخان ظفربختیار	امیرحسین	۸
فاطمی	حسین‌خان	۹-۱۰-۱۱-۱۲
اوحدی	محمدعلی	۱۱-۱۲-۱۳
فداکار	تقی	۱۴
امامی	حیدرعلی	۱۴-۱۸
دولت آبادی	حسام‌الدین	۱۴-۱۸-۱۹
اغراز نیک‌پی	عزیزالله	۱۵
امامی	صفا	۱۵
قهرمان	ابوالفتح	۱۶
برومند	محمدتقی	۱۶
دولت آبادی	مجتبی	۱۶
دکتر مشیرفاطمی	عبدالحسین	۱۸-۱۹

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
برومند	محمدباقر	۱۹-۲۰
دکتر نواب	عبدالباقی	۲۰
صدری	محسن	۲۰
معتمدی	حسین	۲۱
صایب	سیدعلی	۲۱-۲۲-۲۳-۲٤
تیمسار سرتیپ وحدانیان	حسن	۲۲
مهندس پروسانی	محمود	۲۳
مظاهری	حسین	۲۳
پیرنیا - (پیرزاده)	فاطمه	۲۳
دکتر توانا	محمد	۲۳
برومند	ملکتاج	۲٤
مانی	عبدالحسین	۲٤
نواب صفوی	سیداسماعیل	۲٤
طغیانی دولت آبادی	مصطفی	۲٤

الیگودرز

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فولادوند	امیرحسین	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲
نوکلی	عبدالله	۲۳
مهندس خسروی	حسین	۲٤

آمل

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سرهنگ ملکزاده	حبیب‌الله	۲۰-۲۱-۲۲
زرین‌پور	علاءالدین	۲۳
تقوی‌لاریجانی	سید جلال	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اهر		
ایزدی	میرزا سلیم	۵-۷-۸-۹-۱۰
امام‌جمعه	میرزا ابراهیم	۶
اهری	قاسم	۱۱-۱۲-۱۳
بهادری	محمد	۱۴
امامی اهری	علی‌اکبر	۱۵-۱۶-۱۷
دکتر حکمت	سعید	۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
عابدی	کمال‌الدین	۲۴
اهواز		
بختیار	عبدالحمید	۱۸-۱۹
عامری	حاج احمد	۲۰
موقر	محسن	۲۱
مرتضوی	سید محمدعلی	۲۱-۲۲
عجم	ناصر	۲۲
ضیایی احمدی	رضا	۲۲
عطایی	موسی عباس	۲۳
صدری	کیوان	۲۳
کمیلی‌زاده	احمد	۲۳
مهندس بدیعی	محمدحسین	۲۴
رشیدی	مجتبی	۲۴
طرفی	عبدالعباس	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ایذه		
ظفر	ملکشاه	۲۰-۲۱-۲۲-۲۴
شهابی	نورعلی	۲۳
ایرانشهر		
	سید حسین‌خان	۴
دیوان بیگی	میرزا آقاخان	۵-۶-۷
قوام	ابراهیم	۹
ابراهیمی ریگی	جوادخان	۱۰-۱۱
ابراهیمی ریگی	مراد	۱۲-۱۳-۱۴
ارباب	مهدی	۱۵-۱۶
ریگی	مراد	۱۷
تیمسار کیکاوسی	روح‌الله	۱۹
مبارکی	عیسی	۲۰-۲۱
سعیدی	حاج کریم‌بخش	۲۲-۲۳
میرلاشاری	محمد	۲۴
ایل بختیاری		
قزوینی صدرالممالک	سید شفیع	۳
ایلخان سردار ـ بختیاری	میرزا حسینخان	۴-۵-۶-۷
بختیاری	علیقلی‌خان	۸
بختیاری	حسینقلی‌خان	۹

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

ایلات خمسه فارس

اورنگ وقارالسلطنه		۳
امین‌الشریعه فسائی	شیخ محمدتقی	۴
ذوالقدر		۴
انوار	سید یعقوب	۵
محقق	سید جواد	۶
مجد ضیایی	حبیب‌الله	۷
هدایت	میرزا علیقلی‌خان	۹

ایلام

عرفانی	مرتضی	۲۰
موسوی کبیری	جواد	۲۱
ابوذر	مرتضی	۲۲
ملکشاهی	حسن	۲۳
نیک‌روش	عبدالعلی	۲۴

ایوانکی

داور	میرزا علی‌اکبر	۴
بهبانی	سید علاءالدین	۵
آشتیانی	میرزا ابراهیم	۶-۱۴
قاضی نوری	سید ابوالحسن	۷
محیط لاریجانی	سید محمد	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
آشتیانی	محمدرضا	۱۶-۱۵
فرامرزی	عبدالرحمن	۱۸-۱۷
قنات آبادی	شمس‌الدین	۱۹
صادقی	منصور	۲۲
دولو	محسن	۲۳
رحیمی لاریجانی	اسماعیل	۲۴

بابل «بارفروش»

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مفتخرالممالک	محمدحسن خان	۱
مازندرانی	محمدعلی	۱
شاهزاده شیخ‌الرئیس	ابوالحسن	۲
نیرالسلطان	میرزا احمدخان	۲
دادگر عدل‌الملک	میرزا حسین خان	۳-۴-۵-۶-۷-۸
نظام‌السلطان	میرزا اصلان خان	۳-۴
منتصرالسلطنه	میرزا صادق خان	۳
نصیرالسلطنه	میرزا مهدی خان	۴
نوری‌زاده	شیخ حسین	۵
مدبرالدوله	میرزا اسماعیل خان	۵
شریعت‌زاده	میرزا احمدخان	۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۴-۱۵
ملک‌زاده آملی	میرزا علی‌اکبرخان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
حمزه تاش	میرزا معصوم‌خان	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
اسفندیاری	محمدتقی	۱۱
یمین اسفندیاری	اسداله	۱۳-۱۴-۱۵
خلعتبری	رحمانقلی	۱۴
اسلامی	سیدعباس	۱۵-۱۶

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
گودرزی	موسی	۱۶
دکتر جلالی	علی	۱۶
دکتر مجید آهی	حمید	۱۸-۱۹
عمیدی نوری	ابوالحسن	۱۸-۱۹
خلعتبری	ارسلال	۱۸-۱۹
دکتر متین	حسن	۲۰-۲۲-۲۳
کیا	افراسیاب	۲۰-۲۱-۲۲
حبیبی	امامعلی	۲۱
دکتر صنیع	مهین	۲۳-۲۴
دکتر بهزادی	عبدالله	۲۳
واحدی	قدرت‌الله	۲۴
بزرگ‌زاده	نظام‌الدین	۲۴

بافت

نفیسی	نزهت	۲۱
مهندس بهرام‌زاده	محمدباقر	۲۲
امیرابراهیمی	عاطفه	۲۳
دکتر فرزان امیری	محمد	۲۴

بجنورد

بجنوردی	حاج محمدحسین	۱-۲
افشار ـ سردار سعید	یارمحمدخان	۳
ملک‌الشعراء بهار	میرزا محمدتقی	۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سردار منتصر شادلو	حبیب‌الله	۵
ملک	حاج حسن آقا	۶
صدرالتجار - برزگ‌نیا	میرزا علی	۷
ثابتی	مسعود	۸-۹
اعتصام‌زاده	میرزا ابوالقاسم	۱۰-۱۱
طوسی	داود	۱۲-۱۳-۱۴
شادلو	اردشیر	۱۵
شادلو	نصرالله	۱۶-۱۷
شادلو ایلخانی	یارمحمد	۱۸-۱۹-۲۰
دکتر پورهاشمی	سیدعلی	۲۱
قراچورلو	خانلر	۲۲-۲۳-۲۴
سجادی	رضا	۲۳
شادلو	هوشنگ	۲۴

برخوارمیمه

ریاحی	علیرضا	۲۱
دکتر برومند	حیدرقلی	۲۲-۲۳-۲۴

بروجرد

مؤتمن‌الملک همدانی	میرزا جوادخان	۱
مبشرالسلطان	شاهزاده	۱
	سیدمحمد	۲
	سید عبدالحسین	۲

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سلطان‌العلماء	حاج علی‌اصغر	۳-٤
شریعتمدار	حاج سیدحسن	۳
مستشارالسلطنه	میرزا احمدخان	٤
اعتبارالدوله	سید احمدخان	۵-٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مشاراعظم	یوسف‌خان	۵
طباطبائی سلطان‌العلماء	سید محمدتقی	٦-۸-۹-۱۰-۱۵-۱٦-۱۸
بروجردی	میرزا تقی	۷
فخر طباطبائی	جواد	۱۱
یاراحمدی	اسماعیل	۱۲-۱۳
دکتر اعتبار	عبدالحسین	۱٤-۱۵
فولادوند	امیرقاسم	۱٤-۱٦
فربداراکی	علاءالدین	۱۸
مهران	احمد	۱۹
فخر طباطبایی	غلامحسین	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
دکتر اعتبار	عبدالحمید	۲۰
سرلشگر آزموده	وجیه‌الله	۲٤

بروجن

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
میرافضل	سیدحسین	۲۱-۲۳
ستوده	سید نورالله	۲۲-۲٤

بم

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اعتبارالسلطنه	حاج اسماعیل‌خان	۳
عدل اسفندیاری	عبداله	٤
امیراحتشام وکیلی	میرزا محمداسماعیل	۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ابراهیمی ـ مختارالملک	میرزا حسن‌خان	۶
دکتر ملک‌زاده	مهدی‌خان	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
رفیعی	لطفعلی	۱۴
سالار بهزادی	علی‌اکبر	۱۵
سالار بهزادی	زین‌العابدین	۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
اولیاء	امان‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
تدین	عیسی	۲۴
بناب		
قلعه‌جوقی	میرزا ختایی	۲۱
مهندس زنجانچی	غلامرضا	۲۲
زهتاب فرد	رحیم	۲۳
حیدرزاده امین	ابراهیم‌خلیل	۲۴
بندر پهلوی		
دکتر مؤدب‌السلطنه مرزبان	اسماعیل	۳
کی‌استوان	حسن	۵-۶
رفیع	حاج آقارضا	۷-۱۲
مژدهی	میرزا کاظم	۸-۹-۱۰-۱۱
اکبر	حسن	۱۳
معتمد دماوندی		۱۵-۱۶
محمودی	محمود	۱۶
داراب	احمد	۱۸
ابتهاج	غلامحسین	۱۹
نعیمی اکبر	فریدون	۲۰
دکتر رمضانی	حنیفه	۲۱
انشاء	منصور	۲۲-۲۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
پیشوایی	هرمز	٢٤

بندرعباس

منتصرالسلطان مدحت	میرزا عبداله‌خان	٣
دستغیب	حاج سیدمحمدباقر	٤-٥
کازرونی	میرزا علی	٦-٧-٨-٩
مشیردوایی		١٠-١١-١٢-١٣
گله‌داری	عبداله	١٤
دکتر مصباح‌زاده	مصطفی	١٥-١٦-١٧-٢١
ارباب	مهدی	١٨-١٩
شمس	میرهاشم	٢٠
دکتر بهبهانی	سیدیحیی	٢٢-٢٣
احمدی	حبیب‌الله	٢٣
دانشمند	احمد	٢٤
قریشی	سیدمسلم	٢٤

بندر لنگه

فرامرزی	عبدالرحمن	٢٠
آموزگار	محمدعلی	٢١-٢٢-٢٣-٢٤

بندر ماهشهر

مهندس عطایی	بهمن	٢٢-٢٣
راشدی	عبدالعزیز	٢٤

بندر معشور

مهندس عطایی	بهمن	٢١

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

بندربوشهر

معین‌التجار بوشهری	حاج محمد	۱-۳
ملک‌التجار	میرزا محمدعلیخان	۳
کازرونی	میرزا علی‌خان	٤-۵
اخگر	میرزا احمدخان	۵
نظام مافی	میرزا محمدعلیخان	٦
دشتی	شیخ علی‌خان	٦-۷-۸-۹
آیت‌اللەزاده شیرازی	میرزا محمدرضا	۷
بهبهانی	حاج محمدرضا	۸-۹-۱۰
صفوی	شکرالله	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱٤-۱۵-۱٦
عزیزی	محمود	۱۱-۱۲-۱۳
دشتی	خلیل	۱٤
فرامرزی	احمد	۱۵-۱۷-۱۸
دکتر علوی	حسن	۱٦
اخگر	احمد	۱۷
بوشهری	محمدباقر	۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
دشتی	عبدالله	۱۹
نامور	صمد	۲۳
دکتر طبیب	سید حسین	۲٤

بوکان

دکتر مدنی	سیدعلی	۲۱-۲۲
نوری	محمد	۲۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر انوشیروانی	سلیمان	۲۴

بویراحمد ـ یاسوج

فرهادپور	ناصرقلی	۲۳
رئیسی اردکانی	صدرالله	۲۴

بهار

جلالی	اسماعیل	۲۱
پرفسور مخبرفرهمند	جعفر	۲۲
جعفری	روح‌الله	۲۳
قراگزلو شجاعی	عبداله	۲۴

بهبهان

بهبانی	سید امان‌الله	۳
سردار اقبال بختیاری	محمدجوادخان	۴
طباطبایی	سید محمدصادق	۵
نوبخت	حبیب‌الله	۶-۷
سلطانی ـ شیخ‌الاسلام	سلطانعلی	۹-۱۰-۱۰َ-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۲۰
مهندس سلطانی	سلطان محمد	۱۹
دکتر زعفرانلو	مظفر	۲۱-۲۲-۲۳
جوکار	طاهر	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

بوئین‌زهرا

وکیل گیلانی	محمدرضا	۲۳
ایمانی زهرایی	حسن	۲۴

بهشهر

پاکذات	ابوالقاسم	۲۱
بریمانی	ابوالفضل	۲۲
اشرفی	موسی	۲۳
شریفیها	هوشنگ	۲۴

بیجار «گروس» ۳۲

	شیخ محمدحسین مجتهد	۳-۴
شکوه نظام خطیبی	میرزا علی‌خان	۵-۶
دبیر سهرابی	میرزا علی‌اکبرخان	۸-۹
شیخ‌الاسلام ملایری	سید اسماعیل	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
اورنگ	عبدالحسین	۱۵-۱۷-۱۸-۱۹
ذوالفقاری	مصطفی	۲۰
شاهنده	بهمن	۲۲-۲۳
یگانه	علی‌اوسط	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
بیرجند		
	شیخ اسماعیل	۱
نجات	میرزا محمد	۳
منتصرالملک	محمدتقی	۳
سردار معظم تیمورتاش	میرزا عبدالحسین	٤
تدین	سید محمد	۵-٦
اقبال	میرزا علی‌خان	۷
معتضدی	محمدتقی	۸
منصف	محمدعلی	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱٤-۱۵-۱٦-۱۷
خریمه علم	امیرحسین	۱۸-۱۹-۲۰
دکتر اعتمادی	محمدحسن	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
سلیمانی کاشانی	ابوالفضل	۲۱-۲۲
خریمه	امیرعلم	۲۳-۲٤
پاوه		
امام مردوخ	حبیب‌الله	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
جاف	سالار	۲٤
تاکستان (ضیاء آباد)		
دکتر مهدی‌زاده	خسرو	۲۱
فرهادپور	ناصرقلی	۲۲
کالاتی	رضا	۲۳
شادمان ولوی	سید باقر	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
تبریز		
	حاج‌میرزا فضلعلی	۱
شهید تبریزی	حاج‌میرزا ابراهیم	۱
تقی‌زاده	سیدحسن	۱
اشرف‌الدوله کلانتر	میرزا ابراهیم‌خان	۱
احسن‌الدوله	میرزا حسن‌خان	۱
مستشارالدوله صادق	میرزا صادقخان	۱
تبریزی	میرهاشم	۱
حریری	حاج محمدآقا	۱
فرشی تبریزی	حاج میرزاآقا	۱-۲-۶-۷-۸-۹-۱۰
	هدایت‌الله میرزا	۱
اصفهانی	میرزاآقا	۱
امام‌جمعه خویی	حاج‌میرزا یحیی	۱
معتمدالتجار	میرزا حسن	۲
حکیم‌الملک	میرزا ابراهیم	۲
مساوات	سید محمدرضا	۲
معین‌الرعایا صادقی	میرزا عبدالله	۲-۷-۱۰
خامنه‌ای	شیخ محمدآقا	۲
اردبیلی	سید جلیل	۲
وکیلی	حاج‌میرزا رضاخان	۲
نوبری	میرزا اسماعیل‌خان	۲
تربیت	محمدعلیخان	۲-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲
هشترودی	شیخ اسماعیل	۲
دهخوارقانی	شیخ رضا	۲
قزوینی	میرزا احمدآقا	۲

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
نجات	میرزا محمد	۲
منتصرالسلطان	صادقخان	۲
خیابانی	شیخ محمد	۲
تهرانی	شیخ محمدعلی	۵
اسکندری	سیف‌الله	۵
عظیمی	میرزا باقرخان	۵
دبیراعظم	میرزا فرج‌اله	۵
عدل	یوسف‌خان	۵-۶-۷
فیروز	محمدولی میرزا	۵-۶-۷
لیقوانی ـ صدق‌السلطنه	لطف‌الله	۵-۶
مصدق‌الملک	میرزا ربیع	۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
وحیدالدوله	میرزا محمودخان	۵
دیبا ـ شاهسون	حاج‌میرزا عبدالعلی	۵-۶-۷
رهنما	زین‌العابدین	۵
اسکندری	امیر نصرت	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
دکتر امین	رفیع	۶
جوانشیری	والی‌زاده	۶
ثقه‌الاسلامی	میرزا ابوالحسن	۶-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
گنجه‌ای	حاج‌میرزا علینقی	۷
فتوحی	میرزا موسی	۷-۸-۹-۱۰
قزوینی	حاج رحیم	۷
چایچی	میرزا علی	۸-۱۲-۱۳
لیقوانی	میرزا عیسی	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
باستانی	رضاقلی	۸-۹
امامی خویی	میرزا جوادخان	۹

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
رفیعی	محمدتقی‌خان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
امین	مرتضی	۱۰-۱۱
اصفهانی	میرزا جعفر	۱۱-۱۲-۱۳
فرشی	غلامحسین	۱۱-۱۲-۱۳
اصفهانیان	محمدابراهیم	۱۲-۱۳
خسروشاهی	محمد	۱۳
ساکنیان	سهراب	۱۳
ایپکچیان	فتحعلی	۱۴
مهندس پیاهی	اصغر	۱۴
سرتیپ‌زاده	اصغر	۱۴-۱۶-۲۰
صادقی	ابوالحسن	۱۴
دکتر مجتهدی	یوسف	۱۴-۱۵-۱۶-۲۰
رحیم‌زاده	زین‌العابدین	۱۴
پیشه‌وری	میرجعفر	۱۴
خوییلر	محمدتقی	۱۵
گنجه‌ای	جواد	۱۵-۱۶-۱۷
لیقوانی	ابوالقاسم	۱۵
مامقانی	شیخ اسداله	۱۵
ملکی	علی‌اکبر	۱۵
ناصری	ناصرالدین	۱۵
پناهی	حبیب‌اله	۱۶
ثقه‌الاسلامی	موسی	۱۶-۱۸-۱۹
دکتر امامی	سیداحمد	۱۶-۱۸-۱۹
صدری تبریزی	ناصر	۱۶
مجتهدی	عبدالحسین	۱۶-۱۷

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر ملکی	ابوالحسن	۱۷
مدرس	علی‌اصغر	۱۷
انگجی	سید محمدعلی	۱۷
بهادری	احمد	۱۷-۱۸-۱۹-۲۰
خلخالی	سیدجواد	۱۷
شبستری	سیدمرتضی	۱۷
میلانی	سیدابراهیم	۱۷
امیر ابراهیمی	برزگ	۱۸
مهندس اردبیلی	بیوک	۱۸-۱۹-۲۰
افشار	رضا	۱۸
دکتر بینا	علی‌اکبر	۱۸-۱۹
دکتر عدل	غلامرضا	۱۸-۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
دکتر دیهیم	محمد	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
دکتر شفیع امین	محمد	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
دکتر موسوی امین	محمدحسین	۲۰
ابراهیمی دریایی	مهدی	۲۰
افتخار هشترودی	حسن	۲۰
پزشکی	منوچهر	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
جهانشاهی	ابوالفتح	۲۱-۲۲-۲۳
حق‌شناس	احمد	۲۱-۲۲-۲۳
راثی باغمیشه	اصغر	۲۱
زهتاب فرد	رحیم	۲۱
شکیبا	حسین	۲۱-۲۲
پدرامی	سعید	۲۲-۲۳
جوادی	جعفر	۲۲-۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
صدقیانی‌زاده	کاظم	۲۳-۲۲
دکتر ملکی	احمد	۲۲
تیمسار سرتیپ خطیب شهیدی	دکتر غلامعلی	۲۳
بنی‌احمد	احمد	۲۴
اسحقی‌نژاد	محمد حسین	۲۴
جوادی	سعید	۲۴
رحیم‌زاده خویی	مصطفی	۲۴
میرزالو	حسین	۲۴
لیقوانی	فیروز	۲۴

تربت جام

دکتر ضیایی	خلیل	۲۰
مهندس آصفی	غلامرضا	۲۱
قهرمان	فرهاد	۲۳-۲۲
سید کلال	میرمحمد حسین	۲۴

تربت حیدریه

	شیخ محمد کاظم مجتهد	۱
افتخارالواعظین	شیخ حبیب	۲
فرخ ـ معتصم‌السلطنه	میرزا سیدمهدی	۳
مؤتمن‌السلطنه	حاج میرزا محمدعلی‌خان	۴
امین‌التجار ـ امین	حاج علی‌اکبر	۸-۷-۶
ضیاءالاطباء	میرزا آقا	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
تربتی	عماد	۱۴-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
کفایی	جعفر	۱۵
کسرایی	ابراهیم	۲۱
دکتر مدرسی	ابراهیم	۲۲
دکتر مرتضوی	سید حسین	۲۳
تربتی	هادی	۲۴
طباطبایی	میرزا محمدصادق	۲
کاشف کاشانی	حاج محمداسمعیل	۲
اردبیلی	سید حسین	۲

تفت

لاری	مهدی	۲۰
دکتر بقایی‌یزدی	محمد	۲۱-۲۲
حکمت یزدی	محمد حسین	۲۳
صدر	حسن	۲۴

تفرش

میرهادی	سیدمحمد	۲۰-۲۱
مهندس فروهر	فیروز	۲۲-۲۳
دکتر منصور	محمدحسین	۲۴

تویسرگان

جلیلوند رضایی	علی‌اکبر	۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
جهانگیری	حاج مسعود	۲۱
مهندس اردلان	حجت‌الله	۲۲-۲۳-۲٤

تهران

صنیع‌الدوله	مرتضی قلیخان	۱-۲-۳
سعدالدوله	میرزا جوادخان	۱
علامیر ـ احتشام‌السلطنه	میرزا محمود	۱-۲-۳
مشارالملک	میرزا حسنخان	۱
دبیر سهراب ـ دبیرالسلطان	میرزاعلی‌اکبرخان	۱
نصرت‌السلطان ـ انصاری	علیخان	۱
نصرالملک	حسنعلیخان	۱-۲
صدیق حضرت	میرزا محمدخان	۱-۲
عون‌الدوله	میرزا اسماعیل‌خان	۱
سادات اخوی	حاج سیدباقر	۱
سیدالحکماء ـ لاریجانی	سید یحیی	۱
اخوی تهرانی	حاج سیدابراهیم	۱
مشارالممالک قمی	میرزا محمودخان	۱
شهاب‌الدوله ـ جهانبانی	شاهزاده اسداله میرزا	۱
ثقة‌السلطنه	شاهزاده یحیی میرزا	۱
امجدالسلطان		۱
معظم‌الملک	میرزا احمدخان	۱
مجدالسلطنه	حاج میرزا مهدی‌خان	۱
مدرس نوری	حاج شیخ علی	۱
صدرالعلماءاصفهانی	میرزا محسن	۱
تنکابنی	میرزا محمدطاهر	۱-۳-٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سادات اخوی تقوی	حاج سیدنصراله	۱-۲-۳
مرتضوی	حاج سیداحمد	۱
امین‌الضرب	حاج محمدحسین	۱
وثوق‌الدوله	میرزا حسنخان	۱-۲-۶-۷
محقق‌الدوله		۱
معین‌التجار ـ بوشهری	حاج آقامحمد	۱
تبریزی مغازه	حاج محمداسمعیل	۱
شاهرودی	محمدتقی	۱
شالفروش	حاج محمدعلی	۱
مخبرالملک	محمدقلیخان	۱
اصفهانی	میرزا محمود	۱
صراف فدایی	حاج سیدمحمد	۱
تیرفروش	حاج سیدآقا	۱
وارث	حاج محمدابراهیم	۱
نصر	سید ولی‌الله‌خان	۱
شاهرودی ـ (دهبنده)	حاج محمدتقی	۱
ماهروزاده	میرزا حسینعلی	۱
واعظ	حاج حسینعلی	۱
بنکدار	حاج محمدتقی	۱-۷-۸
خیاط باشی	حاج میرزا ابراهیم	۱
زرگر باشی	حاج‌میرزا سیداحمد	۱
بلور فروش	حاج شیخ اسماعیل	۱
امین‌التجار کردستانی	میرعبدالمطلب	۱
	شیخ حسینعلی	۱
	مشهدی باقر بقال	۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
	حاج شیخ حسنعلی	۱
معمار باشی - پنجه‌علی	استاد حسن	۱
وارث	حاج ملاحسن	۱
چـراغـچـی بـروجـردی -	سیدحسن	۱
مدیرالاسلام		
تهرانی	شیخ حسین	۱-۷-۸-۹-۱۴
دلال	حاج شیخ حسین	۱
کلاهدوز	حاجی عبدالوهاب	۱
	حاج عباسقلی نانوا	۱
	حاج علی‌اکبر پلویی	۱
	حاج سیدمحمد ساعتفروش	۱
یخدانساز	استاد کربلائی غلامرضا	۱
	حاج محمدباقر صابونی	۱
هراتی	سید محمدتقی	۱
خوانساری کتابفروش	میرزا محمود	۱
	سیدمصطفی سمسار	۱
	سید مهدی دلال	۱
امیر سلیمانی	امیر علی‌خان	۱
ارباب جمشید		۱
سیگاری	میرزا حسینقلیخان	۱
مستوفی‌الممالک	میرزا حسنخان	۱-۴-۵-۶
یزدی	شیخ محمدحسین	۱-۲-۳
حکیم‌الملک	میرزا ابراهیم‌خان	۱-۴
	امان‌الله میرزا	۱
مجدالملک	میرزا تقی‌خان	۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
معاضدالسلطنه پیرنیا	میرزا ابوالحسن‌خان	۱-۳
نواب	حسینقلی‌خان	۱-۲
تهرانی	شیخ محمدعلی	۱
	میرزا سلیمان‌خان	۱
بیان‌السلطنه		۱
ساعدالوزاره	میرزا حسنخان	۱
ذکاءالملک فروعی	میرزا محمدعلیخان	۲-۳
لسان‌الحکما	شاهزاده یحیی‌میرزا	۲
دکتر امیراعلم	امیرخان	۲-۴-۵-۷-۸-۹
وحیدالملک شیبانی	حاج میرزا عبدالحسین‌خان	۲-۳
علی‌آبادی	میرزا داودخان	۲
اسکندری	شاهزاده سلیمان میرزا	۲-۴-۵
مدرس	سیدحسن	۳-۴-۵-۶
طباطبایی	میرزا محمدصادق	۲-۳-۱۴-۱۶
امام جمعه خویی	حاج میرزا یحیی	۳
مؤتمن‌الملک پیرنیا	میرزا حسینخان	۲-۳-۴-۵-۶
مشیرالدوله پیرنیا	میرزا حسنخان	۳-۴-۵
آشتیانی	میرزا هاشم	۳-۵-۶-۷-۸
دهخوارقانی	شیخ رضا	۳
مساوات	سید محمدرضا	۳-۴
مشارالسلطنه نوایی	میرزا اسداله‌خان	۳
نصرت‌الدوله فیروز	شاهزاده فیروز	۴
تنکابنی	میرزا طاهر	۴
تدین	سیدمحمد	۴
صمصام‌السلطنه بختیاری	نجفقلیخان	۴
مخبرالسلطنه هدایت	مهدیقلی	۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مصدق‌السلطنه	دکتر محمد	۱-۵-۶-۱۴-۱۶
بهبهانی	سیداحمد	۵-۶-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
علاء	میرزا حسینخان	۵
تقی‌زاده	سیدحسن	۵-۶
فیروزآبادی	حاج سیدرضا	۶-۷-۱۴
بیات	میرزا نصرت‌الله	۶
بهار ـ ملک‌الشعراء	محمدتقی	۶-۱۵
احتشام‌زاده	میرزا سیدعلیرضا	۶
امیرهمایون بوشهری	میرزا جوادخان	۷
کیانوری	ضیاءالدین	۷
کاشانی	سیدعبدالرحیم	۷
لاریجانی	سید حبیب‌اله	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مدرس	شیخ علی	۷
بوشهری	رضا	۸
تهرانچی	محمدرضا	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴
وثوق‌السلطنه دادور	میرزا مهدیخان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
عدل‌الملک دادگر	میرزا حسینخان	۹
محتشم‌السلطنه اسفندیاری	میرزا حسنخان	۳-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
لقمان ادهم	دکتر محمدحسن	۹
نیکپور	میرزا عبدالحسین	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۵
وکیلی	علی	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۵
کاشف	غلامحسین	۹-۱۰-۱۱
شباهنگ	عبدالرحیم	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مسعودی	عباس	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵
فروهر	ابوالقاسم	۱۲-۱۳
مستشار	حسنعلی	۱۲-۱۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مؤدب نفیسی	دکتر عباس	۱۳
دکتر رضازاده شفق	صادق	۱۵-۱۴
دکتر عبده	جلال	۱۵-۱۴
دشتی	علی	۱۴
مهندس فریور	غلامعلی	۱۴
مهندس هدایت	خسرو	۱۵
دکتر آشتیانی	جواد	۱۵
بهبهانی	سیدعلی	۱۶-۱۵
دکتر امینی	علی	۱۵
دکتر بقایی کرمانی	مظفر	۱۷-۱۶
مکی	سیدحسین	۱۷-۱۶
حایری‌زاده	سید ابوالحسن	۱۸-۱۶
آزاد	عبدالقدیر	۱۶
دکتر شایگان	سیدعلی	۱۷-۱۶
نریمان	محمود	۷-۱۶
مسعودی	جواد	۱۶
دکتر جزایری	شمس‌الدین	۱۸
فرود	فتح‌الله	۱۹-۱۸
بهبهانی	سیدجعفر	۲۰-۱۹-۱۸
کی‌نژاد	رضا	۱۸
دکتر عمید	موسی	۲۰-۱۹-۱۸
اخوان	احمد	۱۸
کاشانیان	حسن	۱۸
خرازی	محمدرضا	۱۹-۱۸
مشار قایمقامی	یوسف	۱۷

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
کاشانی	حاج ابوالقاسم	۱۷
مهندس زیرک‌زاده	احمد	۱۷
زهری	علی	۱۷
راشد	حسینعلی	۱۷
مهندس حسینی	کاظم	۱۷
دکتر شاهکار	محمد	۱۸-۱۹
درخشش	محمد	۱۸
دکتر افشار	حسن	۱۹
کورس	حسن	۱۹
جهانشاهی	غلامحسین	۱۹-۲۰
دکتر امامی	احمد	۲۰
گرجی	محمد عبداله	۲۰
مسعودی	محمدعلی	۲۰
رشیدیان	اسداله	۲۰
مهندس هدایت	سعید	۲۰
کورس	کاظم	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
باقرزاده	محمود	۲۰
دکتر مظاهر	محسن	۲۰
امیر احمدی	اکبر	۲۱-۲۳
معرفت	رضا	۲۰
سرلشکر همایونی	فضل‌اله	۲۰
بانو تربیت	هاجر	۲۱-۲۲
بانو جهانبانی	شوکت ملک	۲۱-۲۲-۲۳
روستا	عباس	۲۱-۲۲
مهندس ریاضی	عبداله	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
اوزار	عزت‌الله	۲۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر پارسا	فرح‌رو	۲۱
سیفی	امیرعلی	۲۱
صایبی	حیدر	۲۱-۲۲-۲۳
قره‌چوزلو	محمد	۲۱-۲۲-۲۳
مهندس مالک	مهدی	۲۱
دکتر موثقی	قدرت‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
دکتر خواجه‌نوری	محسن	۲۱-۲۲
دکتر پورساطع	ابوالقاسم	۲۲
دانشمند	علی‌اکبر	۲۲
دکتر رهنوردی	محمدحسن	۲۱-۲۲-۲۳
خانم سعیدی	نیره	۲۲-۲۳
شیخ بهایی	امیرحسین	۲۲-۲۳
میرزایی	عباس	۲۲
فروتن	عباس	۲۲-۲۳
قاضی‌زاده	ابوالقاسم	۲۲
مبارکی	علی‌محمد	۲۲
معیری	حسین	۲۲
دکتر مهدوی	وحید	۲۲
دکتر میرعلا	جهانگیر	۲۲
دکتر پرتواعظم	امیرحسین	۲۲-۲۳
دکتر جوانشیر	عبداله	۲۳
ناصرزاده	صادق	۲۳
دکتر سرخوش	پریوش	۲۳
سعادت‌فرد	محمدرضا	۲۳-۲۴
مهندس بهبهانی	عنایت‌الله	۲۳-۲۴
دکتر علومی	رضا	۲۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اولیاء شیرازی	ناصر	۲۳
تیمسار حکیمی	نصراله	۲۳
دکتر طالقانی	ملکه	۲۳
دکتر خطیبی	حسین	۲۳-۲٤
معیری	محمدحسین	۲۳
بهنیا	محمد	۲۳
پور بردباری	رحیم	۲۳-۲٤
بوداغزاده	محمود	۲۳
دکتر آزمون	منوچهر	۲٤
دکتر عاملی تهرانی	محمدرضا	۲٤
اباصلتی	پری	۲٤
الداعی	خلیل	۲٤
فلاح مقدم	داود	۲٤
عباسمیرزایی	محمدحسین	۲٤
قربانی نسب	حسین	۲٤
حاتمی	فتح‌الله	۲٤
عدیلی	قدس ایران	۲٤
سیفی ایناللو	امیرعلی	۲٤
یاسینی	منصور	۲٤
نجیمی نایینی	فاطمه	۲٤
دکتر بقایی یزدی	محمد	۲٤
شیروانی	داریوش	۲٤
ادیب مجلسی	محمدعلی	۲٤
جلالیان	احمد	۲٤
صحرایی	سیدحسن	۲٤
باقرزاده	محمدعلی	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر داودی (گروسیان)	ویدا	۲۴
منصوریان	جعفر	۲۴

جهرم

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
لسان‌الملک		۴
قشقایی	اسماعیل خان	۵-۸
زارع	علی	۶
شهداد	میرزا علیخان	۷
معدل شیرازی	لطف‌علی	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
حاذقی	ابوالفضل	۱۴-۱۵-۱۶
وکیل‌پور	حسام‌الدین	۱۷
صادقی	غلامحسین	۱۸-۱۹
جاماسبی	عبدالکریم	۲۲
پیمان	جعفر	۲۳
قادری	ایرج	۲۴

جیرفت

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
رفعت‌الدوله	رستم‌خان	۴
سردار نصرت اسفندیاری	میرزا حسینخان	۵
روحی	عطاءالله	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
ضیاءابراهیمی	سلیمان	۱۵
میرحسینی	صدر	۱۶
شاپوری	محمدابراهیم	۱۷
شادمان	سید جلال‌الدین	۱۸-۱۹-۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مهندس عترت	سید عبدالوهاب	۲۲
رضوی	سید ضیاء	۲۳
سعیدی	محمدباقر	۲٤

چاراویماق

کورانلو	رضا	۲۳
مجتهدی	صمد	۲٤

چاه‌بهار

کشفی	عبدالمهدی	۲۳
سعیدی	کریم‌بخش	۲٤

خدابنده ۴۷

ذوالفقاری	رضا	۲۳
افشار	جهانشاه	۲٤

خرم‌آباد

مشیرالسلطان	اسداله میرزا	۱
دکتر یمین‌الملک کماه‌لوند	حبیب‌الله	۳-۵
رکن‌الملک صدری	عبدالحسین	٤
دولت‌آبادی	حاج‌میرزا علی‌محمد	٤
صالحی	شیخ عبدالرحمن	۵-٦-۷

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
زنگنه	یحیی‌خان	۶
فولادوند	عزیزالله	۷
پور سرتیپ	فتح‌اله	۹-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰
دکتر بهرامی	حسین خان	۹
شجاع چاغروند	جواد	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
گودرزی	فتح‌الله‌خان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
نجومی	اسماعیل	۱۴
غضنفری	علی‌محمد	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
کشاورز صدر،	سید محمدعلی	۱۵-۱۶
فقیهی شیرازی	سید عبدالکریم	۱۷
فولادوند	امیرحسین	۱۹
سرلشکر نکوزاد	سیدمحمود	۲۱-۲۲
قاضی‌زاده	روح‌اله	۲۳
غضنفری	غلامرضا	۲۳
معینی چاغروند	یحیی	۲۴
غضنفری	محمدحسین	۲۴

خرمشهر

صدرالتجار	میرزا محمدعلی	۱
قوام‌الدوله صدری	شکراله‌خان	۴-۵
موقر	میرزا حسنخان	۶
موقر	میرزا حسینخان	۷-۸-۹
نقابت	سیدضیاءالدین	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۸
دکتر راجی	عبدالحسین	۱۵-۱۶-۱۹
موقر	محسن	۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فیصلی	مکی	۲۱-۲۳
پزشکپور	محسن	۲۲-۲٤

خلخال

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ناصر سیف	میرزا ابوالحسن	۵
پناهی	جعفر	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
ذکایی	سید حمداله	۱٤-۱٦-۱۷
دهقان	احمد	۱۵
پناهی	حبیب	۱۸-۱۹
مهندس والا	عبداله	۲۰-۲۱
امامی رضوی	سیدمحمود	۲۲
فریدونفر	جمشید	۲۳
بسیج خلخالی	محمدقلی	۲٤

خواف

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
قریشی	سیدمحمد	۲۰
دکتر مبین	غلامرضا	۲۱
برزگ‌نیا	صدرالملوک	۲۲-۲۳
قرایی	حسن	۲٤

خوی

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عظیمی	میرزا باقرخان	۵
امامی خویی	میرزا جوادخان	٦

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
بیات ماکو	عبدالله	۷
دیبا	عبدالحسین	۷-۸
بیات ماکو	حمداله	۸-۹-۱۰-۱۱
اصغرزاده پارسا	حاج محمدرضا	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
ماکو	کامل	۱۲-۱۳
امامی خویی	جمال	۱۴
تیموری	عباس	۱۴
امامی خویی	نورالدین	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
موسوی	میرمجید	۱۶-۱۷
پارسا	اصغر	۱۷
بیات ماکو	احمد	۱۸
بیات ماکو	شجاع	۱۹
موسوی ماکویی	میراسدالله	۲۰-۲۲-۲۳-۲۴
امیرلک	قلی	۲۰
دکتر امامی خویی	عبدالعلی	۲۱-۲۲-۲۳
وزیری	حسن	۲۴

داراب

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ایلخان	غلامرضا	۲۰
مهندس ارفع	حیدرعلی	۲۱-۲۲-۲۳
بهارلو	منوچهر	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دامغان		
دکتر صفایی	جواد	۲۳
عالمی	مجتبی	۲٤
درگز		
ملک‌الشعراء بهار	میرزا محمدتقی	۳
معتمدالسلطنه وثوق	میرزا عبداله‌خان	٤-۵-٦
مسعودی خراسانی	میرزا حسن‌خان	۷
اقبال‌السلطان ـ اقبال	میرزاعلی	۸
گفایی	حسن	۹-۱۰
شهدوست	عبدالله	۱۱-۱۲-۱۳
دری	حبیب‌الله	۱٤
مکرم	حسن	۱۵-۱٦
سرمد	صادق	۱۸
دکتر اسدی	محمدحسین	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲
اسدی (خزیمه)	طلعت	۲۳-۲٤
دزفول		
	سید علاءالدین	۱
بهجت دزفولی	شیخ محمدعلی	۲
وقارالملک	غلامرضاخان	٤
محقق‌العلماء	سیدجواد	۵
عزالممالک اردلان	حاج امان‌الله	۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اسعد بختیاری	محمدتقی‌خان	۶-۷-۸-۹-۱۴
مصباح فاطمی	میرزا علینقی‌خان	۱۰
موقر	مجید	۱۱-۱۲-۱۳
ظفر بختیاری	امیرحسین	۱۵
فرهودی	سیدحسین	۱۶
بوشهری	محمدصادق	۱۸-۱۹
طهماسبی	کریم	۲۰-۲۱
اخلاقی	عطاءالله	۲۲-۲۳
آصف	کریم	۲۴

دشت گرگان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
افغان قاضی	حسن	۳
آخوند جعفربای	آدینه‌جان	۲-۴
آخوند گرگانی	محمد	۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶
آدینه‌جان آخوند	یارعلی	۸
توماج	عبداله	۱۸-۱۹
شرعی	محمد	۲۰
فهیمی	رحمت‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
دکتر زهرایی	امیرحسین	۲۳
سیدی	رحمن‌قلی	۲۴
جعفربای	قوشان آلتی	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

دشت میشان

منتصرالملک	میرزا محمدعلیخان	٤
سردار اجل	شیخ عبدالحمیدخان	۵
نگهبان	عبدالامیر	٦
بهبهانی ارگانی	حاج‌شیخ محمدجواد	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فرهودی	حسین	۱٤
موسوی	سیداسداله	۱۵-۱۸-۱۹
موقر	عبدالمجید	۱٦
معین‌زاده موسوی	محمدعلی	۲۰
کیوان	صدری	۲۱-۲۲-۲۳
طرفی	عبدالعلی	۲٤

دشتستان

پرویزی	رسول	۲۱-۲۲-۲۳
ماحوزی	ابراهیم	۲٤

دماوند

مرانکی - (میرمطهری)	میرزا سیدعلینقی	۱
آقازاده	شیخ حسین	۳
صدرایی	میرزا محمدحسین	٤-۵
خواجوی نوری	میرزا صادقخان	٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱
دشتی	علی	۱۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مسعودی	جواد	۱۴
مسعودی	محمدعلی	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
جلالی موسوی	سیدباقر	۱۷
مسعودی	قاسم	۲۰
محسنی مهر	سیدمجید	۲۱-۲۲-۲۳
نوربخش دماوندی	ناصر	۲۴

دهلران و مهران

حیدری	محمدتقی	۲۳
رفعتی	رستم	۲۴

دورود

دکتر رازانی	محمدحسن	۲۳
سلیلی	پرویندخت	۲۴

رام‌هرمز

صمیمی	محمد	۲۰
کلانتر هرمزی	محمدعلی	۲۱-۲۲-۲۳

رامند قزوین

یارافشار	پرویز	۲۰
دکتر مهدی‌زاده	خسرو	۲۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فرهادپور	ناصرقلی	۲۲

رزن

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مهندس معینی‌زند	اسماعیل	۲۱-۲۲-۲۳
معینی قراگزلو	محمدحسین	۲۴

رشت

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
بحرالعلوم رشتی	حاج آقامیر	۱
حسام‌الاسلام	شیخ حسن	۱
رحمت آبادی	میرزا محمدعلیخان	۱
ملک‌المعالی	شیخ حسین	۱
وکیل‌التجار یزدی	محمد	۱-۲
ناصرالاسلام ندامانی	سیدیحیی	۲
معاضدالسلطنه پیرنیا	ابوالحسن خان	۲
امین‌الملک مرزبان	دکتر اسماعیل خان	۲
وزیرزاده	میرزا علی‌محمد خان	۲
ادیب‌السلطنه سمیعی	میرزا حسین خان	۳
سردار معتمداکبر	صادق خان	۳-۴-۵-۸
سردار منصور سپهداراعظم	میرزا فتح‌اله خان	۳-۵
سپهدار اعظم	محمدولی خان	۴
رحمت سمیعی	طالش خان	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
رحمت سمیعی	غلامرضا	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
سمیعی	ابراهیم	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
حسن	حاج سیدمحمود	۷
چایچی	میرزا علی‌آقا	۹

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مهندس امینی	ابوالقاسم	۱۴-۱۵-۱۶
مظفرزاده	میرصالح	۱۴
اکبر	حسن	۱۵-۱۶
مهندس جفرودی	کاظم	۱۸-۱۹-۲۰
اکبر	محسن	۱۸-۱۹
اکبر	اسماعیل	۲۰
ابتهاج سمیعی	نیره	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
سرتیپ‌پور	جهانگیر	۲۱-۲۲
احمد	مهدی	۲۳
صمدزاده	یوسف	۲۳
تقی‌زاده منظری	محمود	۲۴
ستاری	محمد	۲۴

رضائیه (ارومیه)

افشار	میرزا رضاخان	۵-۶-۷
افشار استاجلو	میرزا حسین خان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
افشار صادقی	محسن	۱۴-۱۶-۱۷-۱۸
ساعد مراغه‌ای	محمد	۱۵
دکتر افشار	فریدون	۱۹
دکتر صاحب‌قلم	تقی	۲۰-۲۱
دکتر فریور	اسماعیل	۲۲
دکتر مدنی	علی	۲۳
دکتر وزیری	کاظم	۲۳
دکتر راد	مصطفی	۲۳
نظمی	علی	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
قاسمی	غلامعلی	۲۴
توتونچی افشار	یداله	۲۴

رفسنجان

مؤیدالاسلام	عبدالوهاب	۳
شریعتمدار کرمانی	محمد	۴
بقایی	میرزا شهاب‌الدین	۵
مرآت اسفندیاری	میرزا حسنخان	۶
نصرت‌الممالک امیرابراهیمی	میرزا محمدعلیخان	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
معین‌زاده باقری	مهدی	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
بهمنیار	محمود	۲۰
شفیعی پورکرمانی	حسین	۲۱
دکتر رفیعی	احمد	۲۲-۲۳
دکتر تجدد	حسین	۲۴

رودسر

طالب‌زاده	سیدمرتضی	۲۱
طالع	هوشنگ	۲۲
اسدی لنگرودی	نصرت‌الله	۲۳
قاسم‌زاده	جعفر	۲۴

رودبار

توسلی	سیدمحمود	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
سلیمی	منوچهر	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

شهرری

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
معتمدالتولیه	سیدمهدی	۱-۶
فیروزآبادی	حاج سیدرضا	۳
زاهدی مقوم‌الملک	میرزا مهدی	۵
رهنما ـ شیخ‌العراقین	میرزا زین‌العابدین	۸-۹
دکتر جوان	موسی	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
اعتمادی ـ اعتمادالتولیه	محمدعلی	۱٤
مشایخی	مهدی	۱۵-۱۸-۱۹
دکتر هدایتی	سید محمدعلی	۱٦-۲۰
مهندس معتمدی	فضل‌الله	۲۲
اسلامی‌نیا	هدایت	۲۳
دکتر مشایخی	قاسم	۲۳
دکتر فیروزآبادی	سید علی‌اکبر	۲٤
دهقان‌نژاد	محمد	۲٤

رودبارالموت

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر الموتی	مصطفی	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲٤

زابل (سیستان)

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
معدل‌الدوله	منصورخان	۲
معدل‌الدوله	میرزا سعیدخان	۳
معظم‌السلطنه		٤
مصباح دیوان ـ اسدی	محمدولیخان	۵-٦

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اسدی	سلمان‌خان	۷-۸-۹
اسدی	میرزا علی‌اکبرخان	۱۰
مشار قایمقامی	عیسی	۱۱-۱۲-۱۳
فرخ	سیدمهدی	۱٤
معتمدالسلطنه وثوق	عبداله	۱۵
پردلی	سردار علی	۱٦
خریمه اعلم	امیرحسین	۱٦-۱۸-۱۹-۲۰
تفصلی	جهانگیرُ	۱۸
پردلی	ابراهیم	۱۹-۲۰-۲۲-۲٤
نارویی	محمدحسین	۲۱
خزیمه	اسماعیل	۲۳
مهندس رهبر	محمدحسین	۲۳-۲٤

زاهدان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
تیمسار کیکاوسی	روح‌الله	۱۸-۱۹
ریگی	امان‌الله	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
نارویی	محمدحسین	۲۳
ریگی	خداداد	۲٤
بارک زهی	بهمن	۲٤

زنجان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
زنجانی	شیخ ابراهیم	۱-۳-٤
مقبل‌لشکر همدانی	میرزا برزگ	۱
صدرالاسلام	حاج‌شیخ علی	۳-٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سپهداراعظم	محمدولیخان	۳
بیان‌الدوله	میرزا هادی‌خان	٤
دکتر احیاءالسلطنه بهرامی	شیخ حسین	۵
نجات	میرزا محمد	۵
افخمی	سلطان ابراهیم	۵-٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱٤-۱۵
رهبری	حاج حسین	٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مجد ضیایی	حبیب‌الله	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱٤
ذوالفقاری	محمد	۱٤-۱۵-۱٦-۱۷-۱۸-۲۰
ذوالفقاری	مصطفی	۱۸
افخمی	احمد	۱۸-۱۹-۲۰
ذوالفقاری	محمود	۱۹-۲۰
مهندس هدایت	سعید	۱۹
موسوی	عبدالمجید	۲۱-۲۲-۲۳
سرتیپ بیات	حسینعلی	۲٤

ساری

شهریارپور مفتخرالممالک	محمدحسن‌خان	۱
مازندرانی	محمدعلی	۱
	شیخ جعفر	۲
شریف‌العلما	سیدعباس	۲-۳
سوادکوهی امیرمؤید	اسماعیل	۳
تجدد شیخ‌العراقین	محمدرضا	٤-۵-۱٤
نجات	میرزا محمد	٤
دکتر سنگ	اسماعیل	٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عمادی	میرزا علی	۶-۷
معتصم‌الملک	میرزا حسین‌خان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
اسکندری	ایرج	۱۴
شریف‌زاده خاوری	مرتضی	۱۵
گلبادی	منوچهر	۱۵
صفایی حایری	عبدالصاحب	۱۶-۱۸
دکتر کاسمی	نصرت‌الله	۱۶
تجدد	مصطفی	۱۸-۱۹
فضایلی	محمد	۱۹
سنگ	عیسی	۲۰
اسپهبدی	غلامرضا	۲۰
دکتر رهنوردی	محمدحسن	۲۱
دکتر سعید	جواد	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
کاسمی	فضل‌اله	۲۲-۲۳-۲۴

ساوجبلاغ مرکز

صوراسرافیل تبریزی	میرزا قاسم‌خان	۲-۳
طباطبایی	میرزاسید محمدصادق‌خان	۴
مساوات	محمدرضا	۵
حیدری	علی‌خان	۶
دهستانی	میرزا یدالله	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
دکتر خمروی	سیدجواد	۱۸
مهندس دهستانی	عبدالعلی	۱۹-۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ساوجبلاغ کردان فکری		
نظامی	میرزا یدالله	۵-٦
حیدری	میرزا علی‌خان	٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲
کهبد	بهاءالدین	۱۵-۱٦-۱۷
ساوه		
	میرزا عیسی‌خان	۳
	امیرناصر	٤
دشتی	شیخ علی	۵
اسعد بختیاری	محمدتقی‌خان	۵
وزیری	میرزا حسین‌خان	٦
احتشام‌زاده گنج‌بخش	سید علیرضا	۷-۸-۹-۱۰
طباطبایی	سیدمحمد	۱۱-۱۲-۱۳
فرود	سید فتح‌الله	۱٤
سزاوار	عمادالدین	۱۵
پیراسته	سیدمهدی	۱٦-۱۸
مهندس بهبودی	ناصر	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲
مهندس احتشام‌شهیدی	احمد	۲۳
افشار	سیف‌اله	۲٤
سبزوار		
سبزواری	حاج‌میرزا علی	۲

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
شاهزاده افسر	محمدهاشم میرزا	۲-۵-۶-۷-۸-۹
رئیس‌التجار	حاج آقارضا	٤-۵
شریعتمدار آشتیانی	حاج‌میرزا هاشم	٤
آقازاده سبزواری	حسن	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲
معتضدی	محمدتقی	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فریدونی	احمد	۱۳
طباطبایی	سیدمحمد	۱٤
پروین گنابادی	محمد	۱٤
آزاد	عبدالقدیر	۱۵
حایری‌زاده	ابوالحسن	۱۵
دکتر نبوی	احمد	۱۶
برزگ‌نیا	علی	۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
رضایی	محمود	۱۸
دکتر رضایی	قاسم	۱۹
دکتر غنی	امین	۲۱-۲۲-۲۳
دکتر ناوی	ضیاءالحق	۲۳
متولی	حسن	۲٤
اسکویی	کاظم	۲٤

سراب

هرمزی	فتح‌الله میرزا	۵
مولوی	میرزا محمدعلی	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فرمانفرمایان	محمدولی	۱٤
بهادری	احمد	۱۵-۱۶
فاخر	حسین	۱۷

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
شفیعی	حیدر	۱۸
دیبا	اسفندیار	۱۹
هاشمی	یوسف	۲۰
دکتر عدل طباطبایی	عبدالرضا	۲۱-۲۲
دکتر بهادری	سعید	۲۳
هاشمی	فریده	۲٤

سردشت و پیرانشهر

مهندس نظمی	عبدالعلی	۲۳
امیرعشایری	علی	۲٤

سقز و بانه

اقبال‌السلطان		٤
صدرالعماء مفتی	سید عبدالعزیز	۵-٦-۷-۸-۹
انوشیروانی	قادرخان	۱۰
ناهید	عبدالله	۱۱-۱۲-۱۳
محیط	حبیب‌الله	۱٤
عباسی	محمد	۱۵-۱٦-۱۸-۱۹
اعظم زنگنه	عزیز	۲۰
بدرصالحیان	عبداله	۲۱-۲۲-۲۳
شیخ‌الاسلامی بانه	محمدرحیم	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

سمنان و دامغان

عمیدالحکما	میرزا سیدابراهیم	۱
ضیاءالملک	محمدتقی‌خان	۲
دکتر قزل‌اياغ	حسینقلی‌خان	۳-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
عمیدالممالک	میرزا محمدخان	٤
یاسایی	میرزا عبدالله‌خان	۵-٦-۷
عامری	جواد	١٤-۱۵-۱٦-۱۷
نصیری	عنایت‌الله	۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۳-۲٤
دکتر صفایی	جواد	۲۲

سمیرم

مسعودی	اکبر	۲۳
مترک دره شوری	امیرامان‌الله	۲٤

سنقرکلیائی

احمدی	صادق	۲۱
یوسفی	حسین	۲۲
مهندس اشرف‌فرخ	علی	۲۳
فرهنگ بیگوند	پرویز	۲٤

سنندج

کردستانی	میرزا اسداله‌خان	۲-۳-٤-۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
اغرازالسلطنه	آقاخان	۳
آصف	میرزا فرج‌اله‌خان	۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵
حبیبی	حاج محمدخان	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱
وکیل - وکیل‌الملک	میرزا محمدخان	۴-۵-۸-۹-۱۱
رحیم‌زاده	اسمعیل‌خان	۷
اغرازالملک - صادق وزیری	نصرت‌الله	۱۲-۱۳
سنندجی	عبدالحمید	۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
اردلان	ناصرقلی	۱۴-۱۵-۱۶
وکیل	حسین	۱۵
آصف	محمدرضا	۱۶
عزالممالک اردلان	امان‌الله	۱۸-۱۹
دکتر وکیل	محمدهاشم	۱۸-۱۹-۲۰
اردلان	عباسقلی	۲۰
شیخ‌الاسلامی	مهدی	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
کمانگر	هوشنگ	۲۱
اصولی	محمد	۲۲
سراج‌الدین	محمدعابد	۲۳
بابان	فرخ‌لقا	۲۴

سیرجان

شیخ‌الملک سیرجانی	شیخ محمدحسن‌خان	۳
مشارالملک	میرزا حسن‌خان	۴
روحی	عطاءالله	۵
بدر	میرزا احمدخان	۶
مرآت اسفندیاری	حسن	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر احیاءالملک شیخ	محمدخان	۸
عدل اسفندیاری	عبداله	۱۵
مرآت اسفندیاری	محسن	۱۸-۱۹-۲۰
نوربخش	محمدعلی	۲۱
دکتر اسفندیاری	ملک‌منصور	۲۲
دکتر منتظری	نصراله	۲۳-۲۴

شاه‌آباد غرب

مرادی	حاج قاسم	۲۱
مریدی	حسن	۲۲
دکتر برادر	احمد	۲۳
تولایی‌زاده	فتاح	۲۴

شاهپور

ذبیحی سلطان احمدی	سلطانعلی	۲۱
دکتر صاحبقلم	تقی	۲۲

شاه‌زند

مهندس آراسته	بهمن	۲۱
مهاجرانی	اکبر	۲۲
بیگلری	عبداله	۲۳
نوری	مجتبی	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

شاهسون (ایل) ۹۱

طباطبایی دیبا	حسن	٦
طباطبایی دیبا	سید عبدالعلی	٦-٧-٨-٩-١٠
صادقی	میرآقا	۲۳
بهنیا	علی	٢٤

شاهرود

عمیدالسلطنه	حاج سیدابراهیم	۱
ناظرزاده	شیخ غلامحسین	۲
کاشانی	سید فاضل	٣-٤
دامغانی	حاج‌میرزا رضا	۵
آقایان	حسین	٦-٧
دکتر امیراعلم	امیرخان	٨-٩
صدیق	علی‌اکبر	۱۰
دکتر تاجبخش	محمدتقی	١١-١٢-١٣
صدریه	سید عبدالکریم	١٤
فولادوند	غلامرضا	١٥-١٦
قنات‌آبادی	سید شمس‌الدین	١٧-١٨
دکتر امیرحکمت	علی	١٩
وثوق	علی	۲۰
مهندس معینی	امیرقاسم	٢١-٢٢
آقایان	عبدالهادی	٢٣-٢٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

شاهی

لفوطی	صفر	۲۱
صالحی	موسی	۲۲
فضایلی	محمد	۲۳
اخوی	محمدحسین	۲۳
سلیمانی سوادکوهی	فتح‌الله	۲٤
باقری	ناصرقلی	۲٤

شمیرانات

دکتر طاهیاز	قاسم	۲۰
خواجه‌نوری	محسن	۲۱-۲۲
مستوفی ـ (صفی‌نیا)	مهروش	۲۳
دکتر فروزین	طهمورث	۲۳-۲٤
دکتر صدیق اسفندیاری	علی	۲٤

شوشتر

مرعشی	سید علاءالدین	۱
بهجت دزفولی	شیخ محمدعلی	۲
سعیدالملک	میرزا داودخان	٤
زعیم	میرزا سیدحسن‌خان	۵
بنی‌سلیمان	میرزا مهدی‌خان	٦
مصدق‌الدوله ـ ناصری	محمودخان	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
بوشهری	محمدصادق	١٤
بهبهانی	ابوالقاسم	١۵
ابریشم کار	محمد	١٦
بختیار	عبدالحمید	١٨-١٩
بختیاری	ابدال	٢٠
دکتر حکیم شوشتری	علی‌اکبر	٢١-٢٢
دکتر جزایری	نعمت‌الله	٢٣
صدیق‌زاده	سید عبداله	٢٤

شوش

انصاری	محمداسماعیل	٢١
موقر	محسن	٢٢-٢٣
حجتی	سیدرضا	٢٤

شهرکرد

صدرالملک قزوینی	سید شفیع	٣
سردار جنگ	حسن	٤
سردار اسعد	جعفرقلیخان	۵
ایلخان سردار	میرزا حسین‌خان	۵-٦-٧
بختیار	فتحعلی‌خان	٨-٩
مؤید احمدی	عبدالوهاب	١٠-١١-١٢-١٣
صمصام بختیاری	احمدقلی	١٤
بختیار	آقاخان	١۵
بختیار	سلطانمراد	١٨

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
امیر بختیاری	رستم	۱۹-۲۰
مهندس ریاحی	علیرضا	۲۲
دکتر سنک	پرویز	۲۳
لیوانی	عبدالسمیع	۲٤

شهرضا

سدیدالملک	مهدیقلی‌خان	٤
شیروانی	میرزا ابوطالب	۵-٦
جلایی	میرزا حسین‌خان	۷
فاطمی	میرزا حسین‌خان	۸
مهدوی	محسن	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
دکتر کیان	غلامرضا	۱٤-۱٦-۱۷
قهرمان	ابوالفتح	۱۵
بختیار	سلطانمراد	۱۹
دکتر کیان	مرتضی‌قلیخان	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲٤

شهسوار

خلعتبری	ارسلان	۲۰
دکتر یزدانپاه	عزت‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
کبیری	محمدرضا	۲٤

شیروان

مهدوی	محمدعلی	۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مسعودی	سید کاظم	۲۲-۲۳
محمودیان	محمود	۲۴

شیراز

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ثقه‌الاسلام	حاج سیدمحسن	۱
	سید جعفر	۱
فخرالسادات	سید فخرالدین	۱
قوام دیوان	حاج حبیب‌الله	۱
شیرازی	میرزا محمدعلی‌خان	۱
حدایق	حاج شیخ یوسف	۱-۳
شیرازی	میرزا ابوالحسن خان	۱
شیرازی	حاج آقا مجتهد	۲-۳
معتمد خاقان ـ عمیدالحکما	شیخ مهدی	۲
ابوالوردی	شیخ علی مجتهد	۲
مدرس شیرازی	سیدابراهیم	۲
رضوی	سیدمحمد	۳
خان باباخان	میرزا فتحعلی‌خان	۳
مشارالدوله	میرزا نظام‌الدین	۳
مهذّب‌الدوله	حاج میرزا سیدمحمد	۳
ضیاءالادبا		۴
محقق‌العلماء	سید جواد	۴
انوار	سیدیعقوب	۴-۶-۷
زارع	علی	۴
مزارعی	سید محی‌الدین	۵
امین‌الشریعه ذوالقدر	محمدتقی	۵-۷-۱۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
صدر	سید عبدالحسین	۵
صدرالاسلام	حسن	۵
سلطانی	حاج سیدمحمد	۵
ضیاء	میرزا علیرضا	۵
امام‌جمعه شیراز	شیخ محمدعلی	۶-۱۴
بامداد	میرزا محمدعلی‌خان	۶
قوام ـ قوام‌الملک‌شیرازی	میرزا ابراهیم‌خان	۶-۷-۸
ملک	حاج غلامحسین	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱
سردار فاخر ـ حکمت	میرزا رضاخان	۷-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
نواب	حسینقلی‌خان	۸
شانگهایی ـ شیرازی	میرزا محمدتقی	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مهذب	احمد	۱۲-۱۳
نمازی	محمدمهدی	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
کازرونیان	سید ابوطالب	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مؤید قوامی	احمدخان	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
معدل شیرازی	لطفعلی	۱۴-۱۶
دهقان	علی‌محمد	۱۴-۱۸-۱۹
ملکپور	جواد	۱۵
قوامی	محمدقلی	۱۵
صدرزاده	مهدی	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
رضوی	ابوالحسن	۱۵-۱۶
دهقان	احمد	۱۶
استخر	محمدحسین	۱۸-۱۹
قوامی	سیداسماعیل	۱۸-۲۰
زندی کشکولی	الیاس	۱۹
قوام	علی	۱۹-۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر معدل‌شیرازی	محمدعلی	۲۰
حکیمی	غلامرضا	۲۰
جاوید	هاشم	۲۱
مهرزاد	ایرج	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
مهندس اربابی	جواد	۲۲-۲۳
رضازاده	سیدمحمد	۲۲
رضوی	حسام‌الدین	۲۲-۲۳
مهندس سهم‌الدینی	غلامعلی	۲۲
دکتر عظیمی	عبدالرسول	۲۲-۲۳
دکتر فربود	همایون	۲۲

صومعه‌سرا

محمودی	محمود	۲۰
پورادبی	عین‌الله	۲۱
صادق سمیعی	فضل‌الله	۲۲
دکتر صوفی خلیلی	قاسم	۲۳
رضوی‌نژاد صومعه‌سرایی	میرابوطالب	۲۴

طارم علیا

مقدم	امیرهوشنگ	۲۰
زند	تقی	۲۱
دکروفا	حسین	۲۲-۲۳
ذوالفقاری	رضا	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

طوالش «گرگانرود»

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سردار منصور	میرزا فتح‌اله‌خان	۳
قایم‌مقام‌الملک رفیع	حاج آقارضا	۵-۶-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷
همراز	محسن	۷-۸-۹-۱۰
معینی	سیدحسن	۱۱
معینی	حسین	۱۲-۱۳
مصطفوی	حاج سیدمصطفی	۱۸
رامبد	هلاکو	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴

فردوس «تون و طبس»

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
منتصرالملک	میرزا محمودخان	۳
سالار معظم		٤
مشیر معظم		۵
مسعودی	میرزا حسن‌خان	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
شهاب فردوسی	سیدولی‌الله	۱٤
گنابادی	محسن	۱۵-۱٦
نجفی	سیدمحمود	۱۷
امیرتیمور کلالی	محمدابراهیم	۱۸
اقبال	محمدعلی	۱۹
مسعودی	کاظم	۲۰
روحانی	محمود	۲۱-۲۲
نجد شیبانی	علینقی	۲۳
قدس‌نیا ـ سعادت	فریدون	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فریدن		
دکتر صالحی چادکانی	محسن	۲۱-۲۲-۲۳
خسروی دارانی	محمدحسین	۲٤
فسا		
صدرالملک	سیدمحمود	۳
شیرازی	حاج آقا	٤
اتابکی	حاج‌میرزا احمد	۵
ذوالقدر	شیخ محمدتقی	۶-۷
نوبخت	حبیب‌الله	۹-۱۲-۱۳
هدایت	علیقلی‌خان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
عرب شیبانی	عباسقلی‌خان	۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹
حکمت	مرتضی	۱۶-۱۸-۱۹-۲۰
صاحبدیوانی	غلامحسین	۱۵
دکتر مهذب	سید جواد	۲۱-۲۲
مزارعی	مهیندخت	۲۳
مشیر	سیدمرتضی	۲٤
فومن		
حسام‌الاسلام	شیخ حسن	۱
دبیر رسایل لاهیجی		۱
ناصرالاسلام ندامانی	سیدیحیی	۲-۳-٤-۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
شریف‌الدوله		۲
معاضدالسلطنه	میرزا ابوالحسن	۲
امین‌الملک مرزبان	دکتر اسماعیل	۲
وزیرزاده	میرزا علی‌محمدخان	۲
فومنی	سید زین‌العابدین	۶
اورنگ ـ شیخ‌الملک	عبدالحسین	۷
دکتر سمیعی	عطاءاله	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
اکبر	حسن	۱۴
دادور	محمدعلی	۱۵-۱۷
نصرتیان	محمدعلی	۱۶
محمودی	محمود	۱۸-۱۹
مهندس داودزاده	سیاوش	۲۰
مهندس اسدی سمیع	عباس	۲۱-۲۲
سمیعی	علیقلی	۲۳
دلخوش فومنی	محمدحسن	۲۴

فیروزآباد

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
کشکولی ـ قشقایی	حاج محمدکریم‌خان	۲
امین‌الواعظین ـ ناظم دفتر		۴
عمادالملک بصیری		
ضیاءالواعظین	سیدابراهیم	۵-۶-۷
قشقایی	محمدناصر	۸
خواجه‌نوری	جعفرخان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
پوررضا	حبیب‌الله	۱۴
قشقایی	خسرو	۱۵-۱۶-۱۷
کشکولی زند	الیاس	۱۹

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دره شوری	زیارسترک	۲۰
زرآور	محمدحسین	۲۱-۲۲
دشتی	عبدالحسین	۲۳
شهبازی	شهباز	۲۴
قاین		
دکتر اعتمادی	محمدحسین	۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
قروه		
دکتر صدر	میروحیه‌الله	۲۳
دولتی	احمد	۲۴
قزوین ۱۱۷		
شهیدی	شیخ‌میرزا حسین	۱
طبیب	میرزا حسین	۱
ادیب‌التجار	میرزا محمد	۲
فهیمی	خلیل	۲-۴
	میرزاعلیرضا مجتهد	۳
	شیخ فضلعلی مجتهد	۳
خرقانی	حاج سیداسداله مجتهد	۳
سردار مفخم	شاهزاده اکبرمیرزا	۴-۵
ثابت‌الموتی	شیخ محمدعلی	۵-۶

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ملک آرایی	میرزا ابراهیم‌خان	٤-٦-٧-٨
وثوق ـ وثوق‌الاسلام	سید مرتضی	٧-٨-١٠
شاهرودی	میرزا باقرخان	٩-١٠-١١-١٢-١٣
کروسی	میرزا حسنخان	٩
مکرم افشار	هدایت‌الله میرزا	١١-١٢-١٤
کامبخش	عبدالصمد	١٤
مجد ـ فطن‌السلطنه	محمدعلی	١٤
صاحب جمع	عسگر	١٥-١٦
لاهوتی طالقانی	نصراله	١٥
فقیه‌زاده	ابوالقاسم	١٦
حاج سیدجوادی	سید ضیاءالدین	١٧
صفایی	حاج سیداحمد	١٧-١٨
یارافشار	پرویز	١٨-١٩-٢٠
پرفسور اعلم	جمشید	١٩
جعفری	رضا	٢٠
دکتر تنکابنی	سیدمحمدرضا	٢٣
درودی	موسی	٢٢-٢٤

قصرشیرین

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر حاتم	عباس	٢٠-٢١-٢٣
فضایلی	محمد	٢٢
اغظمی باوندپور	غلامرضا	٢٤

نام خانواده‌گی	نام	ادوار نماینده‌گی

قم

واعظ قمی	شیخ محمود	۱
بیگدلی	فتح‌اله‌خان	۱
قمی	حاج‌میرزا ابراهیم	۲-۴
	شاهزاده دکتر حیدرمیرزا	۲
قمی	حاج‌میرزا علیرضا	۳-۵
حق‌نویس	میرزا علی	۶
دربانی (حاجب‌التولیه)	حاج‌میرزا علی‌اصغر	۷-۸-۹-۱۰
تولیت مصباح‌التولیه	ابوالفضل	۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷
طباطبایی قمی	سیداحمد	۱۹
دکتر قراگزلو	محمد	۲۱
دکتر صدر	فضل‌اله	۲۲
دکتر شکرایی	سیدشفیع	۲۳
رضوانی	محمد	۲۴

قوچان

قوام‌السادات	حاج‌میرزا آقابابا	۱
سردار معظم ـ تیمورتاش	عبدالحسین‌خان	۳
فهیم‌الملک	میرزا خلیل‌خان	۴-۶-۷-۸-۹
بهبهانی	سیدمصطفی	۵
دبیر سهرابی	میرزا علی‌اکبرخان	۱۰-۱۱
فرخ	محمود	۱۲-۱۳
رحیمیان	غلامحسین	۱۴-۱۵
تیمورتاش	منوچهر	۱۶

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عاملی	حسین	۱۸
مهدوی	سعید	۱۹-۲۰
بهادری	غلامرضا	۲۱-۲۲-۲۳
پیرزاده	رضا	۲۳
خلیل‌زاده شیرازی	حسن	۲٤
دکتر رحمانی	کاظم	۲٤

کازرون

طباطبایی	سید عبدالحسین	۲۱-۲۲-۲۳

کاشان

کاشانی	میرزا سیدحسن‌خان	۱-٤-۵
	میرزا نظام‌الدین	۱
غفاری ـ فخرالممالک	احمدعلیخان	۲
شیبانی	میرزا احمدخان	۲
جلیل‌الملک	میرزا نصراله‌خان	٤
مدیرنراقی	احمد	۵
زعیم	میرزا سیدحسنخان	٦
عامری	میرزا اسداله‌خان	٦-۷-۸
شریفی	میرزا ابراهیم‌خان	۷-۸-۹
محلوجی	علی‌محمدخان	۹
علوی	سیدمحمدعلی	۱۰-۱۱
ایزدی	سلیم	۱۰-۱۱
نراقی	ابوالقاسم	۱۱-۱۲-۱۳-۱٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
انوار	یعقوب	۱۳-۱۲
اخوان	احمد	۱۵-۱٤
نراقی	سیدعباس	۱۵
صالح	الهیار	۲۰-۱٦
شیبانی صالح	محمد کاظم	۱۹-۱۸-۱٦
صدقی	حسین	۱۸
مهندس شیبانی	مهدی	۱۹
دکتر رضوانی	محمد	۲۲-۲۱
ضرابی (صفاری)	ژاله	۲٤-۲۳

کاشمر

احتشام‌الاطباء	سیدهاشم	۱
	حاج‌شیخ حبیب‌الله	۳
اقبال‌التولیه	میرزا ابوتراب	٤
ملک‌الشعراء بهار	میرزا محمدتقی	۵
زوار	حاج اسداله	۱۱-۱۰-۷-٦
ضیاءالاطبا	میرزاآقا	۸
اقبال	میرزا علی‌خان	۱۵-۹
امیرتیمور کلالی	محمدابراهیم	۱۳-۱۲
تیمورتاش	منوچهر	۱۹-۱۸-۱٤
اقبال	عبدالوهاب	۱٦
شوکتی	مهدی	۱۷
دکتر تفضلی	ابوالقاسم	۲۰
مهندس جلالی‌نوری	فضل‌الله	۲۳-۲۲-۲۱
فرمان	محمدصادق	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

کرج

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ارسنجانی	زین‌العابدین	۲۱-۲۲
مهندس زاهدی	عباس	۲۳
جهانی	امیرعباس	۲۳
بدرخانی	محمد	۲۳
اخباری	عباس	۲۴
جزایری	محمد کاظم	۲۴
قدمی	نورالله	۲۴

کرمان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
بحرالعلوم ـ کرمانی	شیخ مهدی	۱
شمس‌الحکما	میرزا هدایت‌الله	۱
قاجار	شیخ محسن خان	۱
معاون‌التجار	نصرالله	۱
وکیل کرمانی	میرزا حسن	۱
کرمانی	محمدعلی	۱
دولت‌آبادی	حاج میرزا یحیی	۲-۳
دهخدا	علی‌اکبر	۲
نجم‌آبادی	شیخ مهدی	۲-۳
آصف‌الممالک ابراهیمی	میرزا محمدحسین خان	۳-۴-۵
احمدی کرمانی	شیخ یحیی	۳
	حاج میرزا مرتضی مجتهد	۴
	شیخ فرج‌الله	۵
هوشمند	میرزا عبدالحسین مجتهد	۶

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مؤید احمدی	میرزا عبدالوهاب	۷-۸-۹
دبستانی	میرزا محمود	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
توانا قزوینی	حسن	۱۰-۱۱-۱۲
هاشمی	سیدمحمد	۱۲-۱۳-۱۴
کاظمی	سیدمصطفی	۱۴
دکتر بقایی کرمانی	مظفر	۱۵-۱۶-۱۷
مهندس رضوی	سید احمد	۱۵-۱۶
روحی	علی	۱۷
ابراهیمی	یدالله	۱۸
ابراهیمی	مجید	۱۹-۲۰
عامری	امان‌الله	۱۹
میرحسینی	صدر	۲۰
دکتر اسفندیاری	ملک منصور	۲۱-۲۲-۲۴
محدث‌زاده	محمدعلی	۲۱-۲۲-۲۳
دکتر خیراندیش	غلامرضا	۲۲
مظهری	علی‌اصغر	۲۳-۲۴
جندقی	مظفر	۲۳-۲۴

کردکوی

دکتر امیربختیاری	رستم	۱۹
سرهنگ حسینی	سیدحسن	۲۱
مهندس ریاحی	علیرضا	۲۲
دکتر سنگ	پرویز	۲۳
لیوانی	عبدالحسین	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
کرمانشاه		
مؤیدالوزاره ـ کلهر	حاج محمدصالح‌خان	۱
کرمانشاهی	محمدملک	۱
معاضدالملک	میرزا اسمعیل‌خان	۲
	شاهزاده ابوالقاسم‌خان	۲
کزازی (اجاق)	سیدحسن	۲-۳-٤-۵-٦
کرمانشاهی	حاج‌میرزا حسین‌خان	۳
عزالممالک اردلان	میرزا امان‌الله	۳
اعظمی زنگنه (امیرکل)	علی‌خان	٤-۵-٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
شاهزاده مرآت‌السلطان	محمدمهدی میرزا	۳
نصیردیوان	میرزا فتح‌الله‌خان	٤-۸-۹-۱۰
معتضدالسلطنه	احمدخان	٤
نصرت‌الدوله	فیروز میرزا	٤-۵
زنگنه	میرزا یحیی‌خان	۵
سالار اشرف		۵
سلطان‌العلماء		۵
دولتشاهی	محمدعلی میرزا	٦-۷-۸
پالیزی	عطاءالله	٦-۷-۱۱
دولتشاهی	ملک‌ایرج میرزا	۷-۸
مرآت	موسی‌خان	۹-۱۰-۱۱-۱۲
پالیزی	هدایت‌الله	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۵-۱٦
نصرتیان	محمدعلی	۱۳
دکتر معاون	حسین	۱٤-۱۵
قبادیان	عباس	۱٤-۱۵-۱٦
دکتر زنگنه	عبدالحمید	۱٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
خواجه‌نصیری	ساسان	۱۴
دولتشاهی	ابوالفتح	۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
اعظم زنگنه	عزیز	۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹
کریمی	نادعلی	۱۷-۱۸
دکتر سنجابی	کریم	۱۷
اقبال	محمدرضا	۱۷
فرزانه	سید فخرالدین	۱۷
امیر احتشامی	عبدالحسین	۱۸
علامه وحیدی	محمدعلی	۱۸-۱۹-۲۰
قبادیان	خسرو	۱۹
حریری	محمدجواد	۲۰
دکتر دولتشاهی	مهرانگیز	۲۱-۲۲-۲۳
غلام نیاکان	حسین	۲۱-۲۲
رشید یاسمی	هوشنگ	۲۳-۲۴
چنگیزی	عبدالرحیم	۲۳
معتضدی	علی‌اکبر	۲۴
اجاق	محسن	۲۴

کوهدشت طرحان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
غضنفری	علی‌محمد	۲۰
تیمسار همایونی	فضل‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
غضنفری لرستانی	غلامرضا	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

کهک

دکتر صدر	فضل‌اله	۲۳
وشمگیر	کیومرث	۲٤

کهکیلویه

حکیمیان	مسیب	۲۱
مهندس نصر	حبیب‌الله	۲۳
عاملی	ابوالحسن	۲٤
هاشمی حایری	سیدحسین	۲۰

کلیبر

اهری	کریم	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
خانلو عشایری	اسداله‌محمد	۲٤

کنکاور و صحنه

دکتر دفتری	محمد	۲۰
مهندس صدقیانی	عبدالعظیم	۲۱
ایلخانی‌پور	عزت‌الله	۲۲-۲۳
ساری اصلانی	محمداسماعیل	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

گرگان (استرآباد)

استرآبادی	محمدتقی	۱
استرآبادی	حاج غلامحسین	۱
پیرنیا ـ مشیرالدوله	میرزا حسنخان	۲
استرآبادی	حاج‌شیخ مجتهد حسین	۳-۴
شوشتری	سیدمحمدعلی	۵-۱۶-۱۸
معتضدالاسلام عقیلی	سیدحسین	۶
هزارجریبی	علیقلی‌خان	۷-۸-۹
همراز فاضل‌الملک	محسن‌خان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فلسفی	خلیل	۱۴-۱۵-۱۷
دادگر	رحیم	۱۹
فلسفی	حسین	۲۰
رهبر	علی‌اکبر	۲۱
مهندس قادرپناه	محمدحسین	۲۲-۲۳
دکتر عسگری	سیدمحمدعلی	۲۳
قاضی	نعمت‌الله	۲۴
معزی	نصرت‌الله	۲۴

گرمسار

امیری	مظفر	۲۰
شیخ رضایی	علی‌اصغر	۲۳
صادقی	منصور	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

گلپایگان

ادیب گلپایگانی	میرزا محمدباقر	۱-۲
محلاتی	شیخ اسداله	۲
لواءالدوله	حاج بیوک خان	۲
	شیخ محمدسعید مجتهد	۳
	غضنفرخان	٤
معظمی	میرزا محمدخان	۵-٦
دولتشاهی	حسنعلی میرزا	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
دکتر معظمی	عبداله	۱٤-۱۵-۱٦-۱۷
مهندس ظفر	کیقباد	۱۸-۱۹
معظمی	اسداله	۲۰
دکتر جعفری	مجتبی	۲۱-۲٤
دکتر معظمی	ولی‌الله	۲۲-۲۳

گناباد

کنگرلو	ناصر	۲۱
دکتر شریعت	باقر	۲۲
اقبال	ایران	۲۳
شریعت	محمدتقی	۲٤

لار

سعادت	شیخ محمدحسین	٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
داور	میرزا علی‌اکبر	۵
دکتر شیخ	محمدخان	۹
آزادی	میرزا جوادخان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فرامرزی	عبدالرحمن	۱۵-۱۶
مهندس ایرانی	منوچهر	۱۸
پزشکی	کاظم	۲۰
دکتر خطیبی	حسین	۲۱
پوربابایی	محمدعلی	۲۲-۲۳
افتخار	محمدصادق	۲۴

لاهیجان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دبیررسایل لاهیجی		۱
	حاجی شیخ‌اسماعیل	۳
اتحاد	سید کاظم	۵
طلوع	محمودرضا	۶-۷
صفاری	میرزا احمدخان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
دکتر رادمنش	رضا	۱۴
ارسنجانی	حسن	۱۵
اتهاج	غلامحسین	۱۶
مهندس علمی‌غروی	شمس‌الدین	۱۷
سرتیپ صفاری	محمدعلی	۱۸-۱۹-۲۰
پژند	باقر	۲۱
فیاض فاضلی	علی‌اصغر	۲۲-۲۳
ادیب سمیعی	نادر	۲۳
آستانه‌ای	مهدی	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
عادلی رانکوهی	جعفر	۲۴

لنجان

دکتر اصفهانی آیت‌الله‌زاده	موسی	۲۰
دکتر وحیدنیا	سیف‌الله	۲۱-۲۲-۲۳
نیک‌پور	محمدابراهیم	۲۳
دکتر چهرازی	سیدابراهیم	۲۴
سرهنگ‌زاده	منوچهر	۲۴

لنگرود

ادیب سمیعی	نادر	۲۱-۲۲
دکتر ابوالهدی لنگرودی	شمس‌الدین	۲۳-۲۴

ماربین (همایونشهر)

مهندس پروشانی	محمود	۲۱-۲۲
اوحدی	حسین	۲۳-۲۴

ماکو

موسوی ماکویی	میراسداله	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

ماه‌نشان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مافی	فتح‌الله	۲۱-۲۲-۲۳-۲٤

ماه‌شهر

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مهندس عطایی	بهمن	۲۱-۲۲

محلات

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
محلاتی	حاج شیخ اسداله	۲-۳-٤
حشمتی	حیدرقلی میرزا	۵-٦
پورمحسن عراقی	امین	۷
شریعت‌زاده	میرزا احمدخان	۸-۹
هدایت	نصراله	۱۰
صدر - صدرالاشراف	محسن	۱۱-۱۲-۱۳
حشمتی	عباس میرزا	۱٤-۱۸-۱۹
خسروانی	شهاب‌الدین	۱۵-۱٦-۱۷
دکتر سیاح	محسن	۲۰
مجد	رضا	۲۱-۲۲-۲۳
مجتبایی	ناصر	۲٤

مراغه

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فرمانفرمانیان	شاهزاده عباس‌میرزا	۵-٦-۷
سهرابزاده	میرزا ابراهیم	۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مقدم	اسکندر	۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
فتوحی	میرزا موسی	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
دکتر ملکی	ابوالحسن	۱۵
افشار	فتحعلی	۱۵-۱۶-۱۷
حمیدیه	احمد	۱۶-۱۷-۱۸
افشار	محمود	۱۸
دکتر رادفر	حبیب	۱۹-۲۲-۲۳-۲۴
دکتر افشار	امیراصلان	۱۹-۲۰
زنجانچی	غلامرضا	۲۱
دکتر پیر	ولی‌الله	۲۳-۲۴

مرند

احتشامی	ابوالحسن	۲۱
مرندی	علی	۲۲-۲۳
هرزندی	حسن	۲۴

مریوان

دکتر معتمدوزیری	فریدون	۲۱
دکتر خسروی کردستانی	محمدمهدی	۲۲-۲۳
شیخ‌الاسلامی	سید عبداللطیف	۲۴

مسجد سلیمان

البرزی	کهزاد	۲۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
سلیمانی	اسداله	۲۲
دکتر شمس	یحیی	۲۳
اسحقی کاهکش	محمد	۲٤

مشهد

ناظم‌الاملاک	حاج‌میرزا علینقی	۱
رئیس‌التجار ـ مهدوی	رضا	۱
شهشهانی	سیدعبداله	۱
	حاج‌میرزا علی‌آقا مجتهد	۱
شاهزاده لسان‌الحکماء	یحیی‌میرزا	۱
صدرالعلماء انوار	سیدیعقوب	۲
معززالملک ـ تیمورتاش	عبدالحسین	۲-۳
متین‌السلطنه	عبدالحمید خان	۲
اردبیلی	سید حسین	۲
متولی	میرزاطاهر	۳
عمادالسلطنه صنعی	میرزا حسنعلی‌خان	۳-٤
بلوری	شیخ محمد جواد	۳-٤
شاهزاده افسر	محمدهاشم	٤
قوام‌السلطنه	میرزا احمد	٤
هزاره	یوسف	۵
دکتر امیراعلم	امیر خان	۵
ملک	حاج حسن آقا	۵-۷
میرزایی	میرزا عبدالعلی	۵-۹-۱۰-۱۱
کفایی	حسن	٦-۷-۸-۱٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
پورتیمور	ملک‌ایرج میرزا	۶
میرممتاز	میرزا سیدحسین خان	۶
امیرتیمور کلالی	ابراهیم	۷-۸-۹-۱۴-۱۵
وهاب‌زاده	یونس	۸-۹-۱۵
مؤیدثابتی	علی	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
دکتر غنی	قاسم	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
اقبال	حاج علی‌خان	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
مجید فیاض	حاجی علی‌اکبر	۱۲-۱۳
ثابتی	مسعود	۱۵
اسدی	سلمان	۱۵
مهدوی	سعید	۱۶-۱۸
قریشی	سیدمحمد	۱۶-۱۸
سودآور	صمد	۱۶
طاهری	محسن	۱۶-۲۰
دکتر اقبال	منوچهر	۲۰
مکرم	حسن	۱۸
کدیور	رضا	۱۸-۱۹-۲۰
قریشی	علی	۱۹
قایمقامی	عیسی	۱۹-۲۰
دکتر ضیایی	محمود	۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
یغمایی	احمد	۲۰-۲۱
مهندس اخوان	عباس	۲۱-۲۲
دکتر سامی‌راد	حسین	۲۱
کلالی	منوچهر	۲۱-۲۲
شهرستانی	محمد	۲۲-۲۳-۲۴
دکتر کفایی	حمید	۲۲-۲۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
یارمحمدی	مهندس علی‌اکبر	۲۲
دکتر اسکوییان	عظیم	۲۳
فرنود	کرامت‌الله	۲۳
قدردان	علی‌اصغر	۲۳
آموزگار	عبدالحسین	۲۳
بهار	حبیب	۲۴
توتونچیان	علی‌اکبر	۲۴
افشار جعفری (سهامی)	مهین	۲۴
صبوری یزدی	احمد	۲۴
دکتر یغمایی	مسعود	۲۴

«مشکین شهر»

طباطبایی دیبا	عبدالعلی	۱۰
حریری طلوع	حاج خلیل‌خان	۱۱-۱۲-۱۳
عدل	سیدمهدی	۱۴
دکتر متین دفتری	احمد	۱۵
حکیمی	ابوالحسن	۱۶-۱۹
میراشرافی	سیدمهدی	۱۷-۱۸-۲۰
متولی‌باشی	میراشرف	۲۱
مهندس عدل	فیروز	۲۲-۲۳
اربابی اناری	پرویز	۲۴

مغان

اسدی	محمد	۲۲-۲۴
پسیان	نجفقلی	۲۳

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ملاوی		
کمالوند	علی	۲۱-۲۲
مهندس ریاحی	علیرضا	۲۱
دکتر برومند	حیدرقلی	۲۲-۲۳-۲۴
مهاباد		
حیدری	علی	۱۱-۱۲
صدرقاضی	ابوالقاسم	۱۴
دکتر امامی	سیدحسن	۱۷
ایلخانی‌زاده	عبداله	۱۸
ابراهیمی	برزگ	۱۹
عشایری	امیر	۲۰
مرادی	علی	۲۱
دکتر عاملی‌تهرانی	محمدرضا	۲۲
عزیزمرادی	رحیم	۲۳
حیدری	جعفر	۲۴
میاندوآب		
تبریزی	حاج‌حسن	۲۱
خانقاهی	حبیب	۲۳
اسکندری	حسین	۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ملایر و نهاوند		
ناظم‌العلماء	میرزا محمد	۱-٤-۵
مصدق‌الممالک	حاج آقامحسن	۲
زنجانی	شیخ ابراهیم	۲
نخبی	شیخ محمد	۳
آقا سردار	شاهزاده نجفقلی‌میرزا	۳
شیخ‌الاسلام	اسماعیل	٤-۵-٦
	شیخ جلاالدین	۵
ملک مدنی	هاشم	٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱٤-۱۵-۱٦-۱۷
ظفری	اسماعیل	۷-۱٤-۱۵-۱٦
مخبر فرهمند	میرزا حسنخان	۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
مصدقی	هادی	۱۷
جلیلوند رضایی	علی‌اکبر	۱۸-۱۹
بوربور	غلامحسین	۱۸-۱۹
کشاورزیان	محمد	۲۰
صفی‌پور	علی‌اکبر	۲۱
مهندس صایبی	حسن	۲۱-۲۲-۲٤
مهندس جلالی	اسماعیل	۲۳
ناظمی	هوشنگ	۲٤
ممسنی (نورآباد)		
نژده	عبدالحسین	۲۳-۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

میانه

مهندس بهبودی	پرویز	۲۱-۲۲
طلوعی	محمود	۲۳
دکتر پناهی‌شریعت	حمید	۲۳
سلیمانی	حسینعلی	۲٤
افتخاری	جواد	۲٤

میناب

امینی‌خراجی	عبدالوهاب	۲۱
مهندس معینی	عبدالحمید	۲۳
دکتر رفعت	عبدالصمد	۲۲-۲٤

مینودشت

یعقوب تهرانی	مهدی	۲۱-۲۲
دارویی	یحیی	۲۳
میرعرب رضی	مسیب	۲٤

نایین

نایینی صنیع‌الدوله	مرتضی‌قلیخان	۱-۲
میکده	میرزا سلیمان‌خان	۳
	حاجی‌میرزا محمدتقی‌خان	٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
معاضدالسلطنه پیرنیا	میرزا ابوالحسن خان	۵-۸
عامری	سلطان‌محمد خان	۶
مصباح‌الدوله فاطمی	میرزاعلی تقی‌خان	۷
طباطبایی معصومخانی	خانبابا	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
فاطمی	سیدمهدی	۱۴
دکتر طبا	عبدالحسین	۱۵-۱۶
دکتر پیرنیا	حسین	۱۸-۱۹
مصطفوی نایینی	حسن	۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
نایینی طبا	متعالیه	۲۴

نجف آباد

قوام‌الدوله	شکرالله	۳
فتح‌الدوله		۴
مسعود	غلامحسین میرزا	۵-۶-۷
ایلخان سردارظفر	امیرمحمد حسین خان	۸-۹
دکتر امیرنیرومند	عیسی‌قلی	۱۰-۱۱-۱۸-۱۹
امامی	حیدرعلی	۱۲-۱۳
سیف پورفاطمی	نصراله	۱۴
محمود	محمود	۱۵
شهیدی	حسن	۱۷
صمصام بختیاری	هوشنگ	۲۰
پاینده	ابوالقاسم	۲۱-۲۲
کسرایی	ابراهیم	۲۳-۲۴

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
نطنز		
ضابطی طرقی	حسن	۲۱
دکتر محققی	حسنعلی	۲۲-۲۳-۲۴
نقده		
زرگرزاده حاج‌باغلو	حسنعلی	۲۱-۲۲
فتوحی	یحیی	۲۳
زرگرزاده حاج‌باغلو	حسنعلی	۲۴
نور		
دکتر شریف‌امامی	محمدحسن	۲۳
نوری اسفندیاری	علی پاشا	۲۴
نوشهر		
هیراد	حسنعلی	۲۱
مهندس کیا	عبدالوهاب	۲۲-۲۳
چلاجور	رضی	۲۴
نهاوند		
صفی‌پور	علی‌اکبر	۲۱

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
مروتی	اسداله	۲۲
مهندس جلالی	اسماعیل	۲۳
ظفری	پرویز	۲٤

نیر

طباطبایی دیبا	منوچهر	۲۳
صادقی	نوذر	۲٤

نیشابور

قوام‌الاسلام شریعتمدار		۲
حسام‌الذاکرین	میرزا باقر	۲
شاهزاده افسر	محمدهاشم میرزا	۳
عمیدالسلطنه	میرزا سیدابراهیم‌خان	٤
دانش	میرزا محمد	٤
سردار معظم تیمورتاش	عبدالحسین	۷-۸
کمالی	میرزا حیدرعلی	۹-۱۰
ذوالقدر	محمدتقی	۱۱-۱۲-۱۳
نبوی	حسن	۱٤-۱۵-۱۶-۱۷
سعیدی	عبداله	۱۸-۱۹
مهندس مجتهدی	یحیی	۲۱
دکتر حبیب‌اللهی	عبدالعظیم	۲۲-۲۳
خورشید	علی‌احمد	۲۳-۲٤
کاشفی	محمدحسین	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
ورزقان		
دکتر لقمان‌ادهم	علیقلی	۲۳
اهری	سیف‌الدین	۲٤
هشتهرود		
دکتر موسوی	محمدحسین	۲۳-۲٤
همدان		
وکیل‌الرعایا	شیخ محمدتقی	۱-۲
امیرنظام	حاج عبداله‌خان	۳
فرزین	میرزا محمدعلیخان	۳
بهاءالملک قره‌گزلو		٤
رضوی	میرزا عبدالوهاب	٤-۵
فرمند ضیاءالملک	میرزا حسنعلی	۵-٦-۱٤
مخبر فرهمند	میرزا حسنخان	٦-۷-۱٤-۱٦
قراگزلو	محسن‌خان	۷-۸-۹
اورنگ	عبدالحسین	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲
قراگزلو	منصورعلی	۱۱
کیوان	اسداله	۱۲
منشور	محسن	۱۳
اسکندری	عباس	۱۵
برزین	تقی	۱۵

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
امیری قراگزلو	غلامحسین	۱۶-۱۸-۲۰
نراقی	صادق	۱۸
مهندس فیروز	اسکندر	۱۹
قراگزلو	منوچهر	۱۹
یوسفی	حسین	۲۰
بالاخانلو	امیرنصرت	۲۱
مهندس اردلان	حجت‌الله	۲۲
زاهدی	هما	۲۲-۲۳-۲۴
طباطبایی	علی	۲۳-۲۴

یزد

	شیخ عبدالکریم	۱
عمادالاسلام		۱
یزدی	سیدعلی	۲
نایینی	میرزا رضاخان	۲
	میرزا عباس	۳
نواب ـ وکیل‌التولیه	حسینقلی‌خان	۳
حایری‌زاده	سیدابوالحسن	۴-۵-۶
جلیلی	سید کاظم	۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
طباطبایی	سید ضیاءالدین	۴-۱۴
طاهری	شیخ محمدهادی	۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۶-۱۷
فرخی	میرزا محمد	۷
نواب	محمدحسین	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۵
هراتی	محمد	۱۵-۱۶

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
فاضلی	سیدعباس	۱۵
کوراوغلی	حسین	۱۶
صرافزاده	رضا	۱۷-۱۸-۱۹-۲۰
جلیلی	سیدمحمود	۱۷-۱۸-۱۹
لاری	مهدی	۱۸
دکتر طاهری	ضیاءالدین	۱۹
دکتر رشتی	محمدعلی	۲۱-۲۲-۲۳
نصیری‌زاده	عباسعلی	۲٤

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی

ارامنه جنوب

میرزا یانس	یوسف	۲-۳-٤-۷-۸-۹-۱۰
دکتر آقایان	الکساندر	۵-۱٤
مساعد	آوانس	٦
بوداغیان	جبراییل	۱۱-۱۲-۱۳
آبکار	پطروس	۱٦
سهرابیان	بهرام	۱۸
آقایان	فلیکس	۱۹-۲۰
ساگینان	سواک	۲۲-۲۳-۲٤

ارامنه شمال

ساگینان	سهراب	۵-٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
آوانسیان	آرداشس	۱٤
بوداغیان	آرام	۱۵-۱٦-۱۸
ساگینان	سواک	۱۹-۲۰-۲۱
دکتر هواگیمیان	کاگیک	۲۲-۲۳
آقایان (اردوخانیان)	اما	۲٤

آشوری و کلدانی

دکتر نهورای	لقمان	۲-۳-٤-٦-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳
حایم	ساموییل	۵
اریه	مراد	۱٤-۱۸-۱۹-۲۰

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
دکتر برال	موسی	۱۶
کشفی	جمشید	۲۱
حی	لطف‌الله	۲۲-۲۳
کهن	یوسف	۲۴

زردشتیان

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
	ارباب جمشید	۱
شاهرخ	ارباب کیخسرو	۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲
گیو	رستم	۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹
دکتر یگانکی	اسفندیار	۲۰-۲۱-۲۲
دکتر مهر	بوذرجمهر	۲۳-۲۴

اسامی رؤسای مجلس شورای ملی

نام خانوادگی	نام	ادوار نمایندگی
صنیع‌الدوله	مرحوم مرتضی‌قلیخان	دوره اول در تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۲۵ قمری استعفا داد
احتشام‌السلطنه علامیر	حاج‌میرزا محمودخان	دوره اول در تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۵ بریاست مجلس انتخاب شد
مستشارالدوله صادق	میرزاصادق‌خان	دوره دوم
ذکاءالملک فروغی	میرزا محمدعلیخان	دوره دوم ۲۶ جمادی‌الاخر ۱۳۲۸ بریاست انتخاب شد و در ۲۴ محرم ۱۳۲۹ استعفا داد
مؤتمن‌الملک پیرنیا	میرزا حسین‌خان	دوره دوم، سوم و چهارم از تاریخ ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰
تدین	سیدمحمد	پنجم و ششم ۱۳۰۳ تا دلو ۱۳۰۵
عدل‌الملک دادگر	میرزا حسین‌خان	هفتم و هشتم و نهم
محتشم‌السلطنه اسفندیاری	میرزا حسن‌خان	از دهم تا چهاردهم ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰
طباطبایی	سیدمحمدصادق	دوره چهاردهم
سردار فاخرحکمت	رضا	دوره پانزدهم و شانزدهم و هجدهم و نوزدهم و بیستم
دکتر امامی ـ امام‌جمعه تهران	سیدحسن	دوره هفدهم
آیت‌الله کاشانی	سید ابوالقاسم	دورهٔ هفدهم
دکتر معظمی	عبداله	دورهٔ هفدهم
مهندس ریاضی	عبدالله	دورهٔ بیست‌ویکم و بیست‌ودوم و بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم

فهرست الفبائی

رجال ـ اماکن ـ عناوین

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ر

ز

ژ

س

ش

ص

ض

ط

ک

گ

ل

م

ن

و

ه

ی

فهرست منابع و مآخذ

آدمیت: دکتر فریدون

امیرکبیر و ایران. تهران. ۱۳۳۴

فکر آزادی و مقدمهٔ نهضت مشروطیت. تهران. ۱۳۴۰

ادیب هروی: محمدحسن

تاریخ پیدایش مشروطیت ایران. مشهد. ۱۳۳۱

اقبال آشتیانی: عباس

میرزا تقی‌خان امیرکبیر. تهران. ۱۳۴۰

امیر خیزی: اسماعیل

قیام آذربایجان و ستارخان. تبریز ۱۳۳۹

امین‌الدوله: میرزا علیخان

خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله. تهران. ۱۳۴۱

ایوانف ـ س

انقلاب مشروطهٔ ایران

بهار: محمدتقی «ملک‌الشعرا»

تاریخ احزاب سیاسی. تهران. ۱۳۲۲

براون: پرفسور ادوارد

تاریخ انقلاب ایران. ترجمه احمد پژوه تهران. ۱۳۲۹

تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران: ترجمهٔ رضا صالح. ۱۳۴۱

باستانی پاریزی: دکتر محمدابراهیم

محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله. تهران. مهرماه ۱۳۴۱

پاولویچ ـ م ـ ترياد ـ ایرانسکی

انقلاب مشروطیت ایران. تهران: ۱۳۲۹. ترجمهٔ هوشیار.

تقی‌زاده: سیدحسن

تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت ایران. تهران. ۱۳۳۸

تاریخ مختصر مجلس ملی ایران. برلن ۱۳۳۷ ق

تیموری: ابراهیم

اولین مقاومت منفی در ایران تحریم تنباکو. تهران. ش ۱۳۲۸

جمالزاده: سیدمحمدعلی

گنج شایگان. تهران. ۱۳۳۵

حسام معزی: نجفقلی

تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا. تهران. ۱۳۳۵

حلاج: حسن

تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران. ۱۳۳۵

خان ملک ساسانی
سیاستگران دورهٔ قاجار. تهران. ۱۳۳۸
خلعتبری ـ عبدالصمد
تاریخ مختصر زندگانی محمد ولیخان خلعتبری سپهسالار تنکابنی. ۱۳۲۸
داودی: مهدی
عین‌الدوله و رژیم مشروطه. تهران اسفندماه ۱۳۴۱
دولت‌آبادی: یحیی
تاریخ معاصر یا حیات یحیی. تهران. ۱۳۲۸ در چهار جلد.
رحیم‌زاده: صفوی
ایران اقتصادی ج ۲ تهران. ۱۳۰۹
شایان: عباس
مازندران تهران. ۱۳۲۷
شوستر: مورگان
اختناق ایران. کلکته. ربیع‌الثانی. ۱۳۳۳ قمری. ترجمه صاحب حاج شیخ محمدحسین ۱۳۴۰
شیفته: نصرالله
نمایندگان ملت. تهران. خرداد ماه ۱۳۳۷
رجال بدون ماسک ایران. بهمن ماه ۱۳۳۱
صدرهاشمی: محمد
تاریخ جراید و مطبوعات. تهران. در چهار جلد ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۳
صدیق اعلم: دکتر عیسی
تاریخ فرهنگ ایران. تهران. ۱۳۳۸
صفی‌نیا: رضا
استقلال گمرکی ایران. ۱۳۰۷
صفایی: ابراهیم
رهبران مشروطه. تهران. (هفت جزوه)
طاهرزادهٔ بهزاد: مهندس کریم
قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران. تهران. اردیبهشت ۱۳۳۴
فاتح: مصطفی
پنجاه سال نفت ایران. تهران ۱۳۳۵
فرمانفرماییان ـ حافظ
خاطرات سیاسی میرزا علیخان امین‌الدوله
کرزن
ایران و مسئله ایران ج ۱ ترجمهٔ میرزا محمد. تهران ۱۳۱۱
ایران ترجمهٔ علی جواهرکلام تهران. ۱۳۳۰
کسروی: احمد
تاریخ مشروطهٔ ایران. تهران ۱۳۱۶
کی‌استوان: حسین
سیاست موازنهٔ منفی. تهران. ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ در دو جلد
لمتون: دکتر ا ـ ک ـ س
مالک و زارع در ایران. ترجمهٔ منوچهر امیری تهران. ۱۳۳۹
مستوفی: عبدالله
تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه. تهران در چهار ج ۱۳۲۴ ـ ۱۳۲۵ـ ۱۳۲۶
ملکزاده: دکتر مهدی
تاریخ مشروطیت ایران. تهران در ۷ جلد
مکی: سیدحسین
تاریخ بیست سالهٔ ایران. تهران. ۱۳۲۵. ۱۳۲۳ در سه جلد

مخبرالسلطنه ـ هدایت ـ مهدیقلی‌خان
خاطرات و خطرات. ۱۳۲۹
مختاری: حبیب‌الله
تاریخ بیداری ایران. تهران. ۱۳۲۶
ناظم‌الاسلام کرمانی
تاریخ بیداری ایرانیان. تهران ۱۳۲۴
اعتمادالسلطنه: محمدحسن پسر علی‌خان حاجب‌الدوله
المـآثر و آلاثـار تـهران ۱۳۰۷ قـمری
مرآت‌البلدان ج ۳. تهران. ۱۲۹۶ قمری
مجتهدی: مهدی
تاریخ زندگانی تقی‌زاده. تهران. ۱۳۲۲
فرهاد معتمد: محمود
تـاریخ سیـاسی دورهٔ صـدارت مـیرزا حسینخـان سپهسـالار اعـظم. تـهران. ۱۳۲۵
نوری اسفندیاری: اسدالله
تاریخ خانوادهٔ اسفندیاری. تهران. ۱۳۲۹ ش
وزارت امور خارجه انگلیس
دورهٔ کتـاب آبـی «۶ جـلد» تـرجـمه سـیدابـوالقـاسم‌خان و مـیرزا محمودخان ـ اسدالله میرزا شهاب‌الدوله تمدن‌الملک ـ مدیرالملک ۱۳۳۰ ـ ۳۱ ـ ۳۲ قمری
امیر احتشامی: ابوالحسن
بازیگران سیاست. تهران. ۱۳۲۸ ش
امیر جاهد:
سالنامهٔ پارس دورهٔ کامل
چند پرده از زندگانی رجال معروف. از

انتشارات روزنامهٔ امید تهران. سال ۱۳۲۴
کیهان سال. ج ۲. ۱۳۴۲ بایگانی روزنامهٔ کیهان
اطلاعات سالانه: ۱۳۳۹
مجموعه‌های قوانین مـصوبْ ۲۳ دورهٔ قانونگذاری
صـورت مـذاکـرت مشـروح ادوار قانونگذاری
قانون اساسی و متمم آن
قانون انتخابات مـجلس شـورای مـلی
روزنامهٔ قانون
روزنامهٔ وقایع اتفاقیه: سالهای ۱۲۶۷ ـ ۱۲۷۷ قمری
روزنامهٔ حبل‌المتین: سـالهای ۱۳۲۲ ـ ۱۳۲۵ کلکته
روزنامهٔ صوراسرافیل. سـالهای ۱۳۲۵ ـ ۱۳۲۶ تهران.
روزنامهٔ اطلاعات: سال ۱۳۰۵ ـ ۱۳۰۶
روزنامهٔ اختر اسلامبول ۱۳۰۸ ـ ۱۳۰۹ قمری. تهران. ۱۳۲۲ قمری
روزنامهٔ ثریا: قاهره ۱۳۱۷ قمری
دوره‌های مختلف مجله یغما
دوره‌های مختلف مجله سخن
Churchill. George.
Persian. Statesmen and Notables.
Tehran 1905

Dr. E. Naraghi.
Essai d'interpretation de la Constitution
Iranienne. Palerme 1963
Iran. Almanac 1962

دورهٔ ۴ جلدی
۲۵۰۰ تومان